

ررسهای مارخی

MATERIA CONTRACTOR OF THE CONTRACT CONTRACTOR OF TRACTOR OF TRACTOR

فروردین ـ اردیبهشت ۱۳٤۹

(شمارة مسلسل ٢٥)

سال پنجم شهاره



مجلد باریخ و بحقیقات این نیتاسی نشریه سیاد بزرگ ارشیاران به کمیته تاریخ نظامی

فروردین ــ اردیبهشت ۱۳٤۹ آوریل ــ مه ۱۷۹۰ شمارهٔ ۱ سال پنجم شمارهٔ مسلسل ۲۵



ایر اور عا و کنیسه های حال سده دران سماره (۱۱ فطعه رنگی و ۲۰۲ قطعه سیاه) در گراور ساری حادهانه از دل سیده است .

نویسنده و مترجم	عنو انمقاله	مغمه
	میرنی یك اثر مهم حتری و تازیعی	10- 1
بقلم بانو ملكزادة بيانى	(مدال بهرام سوم ساسانی)	
	واحدهاى جئرافيالى ونغستين كانونهاى	YY - 10
يقلم كاظم ودييى	حكومتي ايران	
ركن الدين همايو نغرخ	مهرها ونشأنهاى استوانهاى ايران بأستان	A4 - YY
مجيد يكتامي	پیشینهٔ تاریخی شطرنج (بنیه ازشمار، پیش)	115- 41
ابوالقاسم جنتي مطامي	کمائداری وتیرائدازی درادبیات قارسی 🕯	10-115
سرهنگ جها نگیر قاعم مقامی	سندى دربارة تاريخ تبران	120-170
نوشته ديويداستر وناخويانگ	سه آوامگاه برجی ازدورهٔ سلجوتی	4.4-150
ترجمه مجيد وهرام	(بقیه الشمار: پیش)	
	فامهمای میرزاآقاخان کرمانی	767-704
سروان معمد کشمیری	(بقیه ازشماره پیش)	
ايرج اغشار	معرنى نسخة اصلى وظننامة وشيدا لدين فضلالة	774-757
	اسناد تاریخی: چندسند الرمجموعة اسناد	X57-7-7
سرهنك جهانكيرقالهمقامي	ميرزا ملكمخان ناظمالدوله	
	يخشدوم	
۳۰۳ ـ ۳۱۳ کوارش دوبادهٔ دومین کنگرهٔ ایر انشناسان دو دم		
	غوائندگان وما	TYO -TIT

ه ۳۲۷ کتاب و کتابهای تازه .

Barrasiha-ye Tarikhi

Vol.5, No.1

(Table de matieres)

Premiere Partie	Page
Mme Malekzadeh Bayani.	Expose d'une importante quvre artistique et historique. (Médaille de Bahram III, roi Sassanide)
Vadii (Kazeme).	Les unités géographiques et les Premiers cen- tres gouvernementaux Iraniens 15-27
Homayoun Farrokh.	Les Sceaux et les médailles cylindriques de l'Iran archaique
Yekta'i (Madjid).	L'histoire du Jeu d'Echecs 89113
Djannati (Abolgassem)	Archer et archerie dans la Litterature Persane
	113—135
Colonel Ghaemmaghami (Djehanguir)	Un document sur l'histoire de Tehran 135145
Sternakh et Yung.	Trois' Tombeaux en forme de tourell de
	l'époque Seldjukide. Tredui Par: M. Vahram (Suite)
Capitaine Kechmiri	Quèlques lettres de Mirza Agha Khan
(Mohammad)	Kermani (Suite) 202-246
Afchar (Iradj)	Exposé de l'original de l'acte de donation de Rachd-edine Fazioliàh 246-268
Colonel Ghaemmaghami	Les documents distoriques: quelques docume-
(Djehanguir)	nts de la Collection des documents de Mirza
	Malkam Khan Nazemmeddowleh 268—302
Un rapport sur le deuxième	Congrèss d'Iranologie à Rome 302-313
Les Lecteurs et Nous	
Les Nouveaux Livres	

Barrasiha-ye Tarikhi

Vol. 5, No. 1

Contains

Section 1	Page
Mrs. Maleckzadeh Bayani	Introducing an Important Artistic Historical Relic (the Medallion of Bahram-III, the Sassanid)
Kazem Vade'i	Geographical units and First Centres of Government in Iran 15—27
Humayoun Faroukh (Rokn-al-din)	Seals, Medallions and Cylinders from the Ancient Iran 27-89
Majid Yektai	The History of Chess (Cont.) 89113
Aboul Ghassem Janati Aata'i	Archery in Persian Literature 113-135
Col. Ghaemmaghami (Jahangir)	A new document on the History of Tehran
David Stronach and yung	Three Tome Tower from the Saljugh Priod. Is translated by M. Vahram. (Cont.) 145-202
Capitaine Kashmiri (Mohammad)	Letters of Mirza Agha Khan of Kermani (Cont.) 202-246
Iraj Afshar	The Original Copy of the Endorsement of Rashid-al-din Fazlulah 246-268
Col. Ghaemmaghami (Jahangir)	The Historical documents: Some documents from the Collection of Mirza Makam Khan Nazem-al-duleh. 268-302
Section 11	
A Report on the Second Iran	nologists Congress in Rome. 302-313
Letter fo Readers	313—325
New Books and Book Revie	ws 325—327



« ذَكر مَا رِنِحُ كَدُنتُ مَا أَو اجبا تَستَ تَخْبُوسَ دَ. مور د مِنْهَا بِي كَدا فَعَار داشتَ الْمِنْحُ كَهُن مِلَى لِادارُد جوانان بايد بداند كه مرد مركذت چه فداگاریا کرد د وچه وظیف حاس فوق العاد ه بعهد دانه

است . »

. منان شاخل د اريامهر بغرمان مطاع البحضرت اليون ثنافثاه اريامهزربل رساران اركان يره معزر رسي مي اريخي شرح زيرب باثد

الف ببیت رمیهٔ اقعاری:

مر المراكز المنطق الياني المراكز المنطق الماني المراكز المنادة المسان الماني المنطق ا

تیمارسپنداردانشدنیعی تیماراتبشندفریون هم دوزیر جکن ، نرم ناد زرگارتناران ،

ب بهنت میره ؛

جانٹین ُمِی تنا د برُرکٹ ِ ثنا ان معاون ہم ہنگ کفند ہ تنا د بررک ارتبا ران رمیل دار پخترولر تنا د بررک ارتبات ران

تیبارسپندغلامرضا از داری تیبارسپهندعلی کرملو تیبارمرکشکرصیورستگار نامدار

پ بین تحریب

اتباد تاریخ دردانگاه تهران زمیرگروه تاریخ در دانگذه ادبیات مران اتباد باتبانشناسی درمیسئون مردسرمقد بررسیای دینی

آقای دکترخانبا باجیانی آقای دکترغاس زریاخی کی آقای شده تحرققی مصطفوی سرنبک کتره بانخیرقانم معامی

شا بحار بای مذن

مورکسه سرزیم درخاری خدابس مواز نوز ار نامها دار برر تمنیز لرا فراس برب نیمروز و رفتنس پیشنده محدمه و برخدم مرکب و به خوانده کرار ارهم در ترف پیشنده پیشنده و درخارد و به موانده کار ارهم در ترف

معرفی بین اشمهست بهری و تاریخی درال جب ام سوم سامانی ،

بقلم: بانو ملکئ را ده بیانی در دردردوزه ایران بهتان معلم داشی، یکی از آثار بسیار مهم و پر ارزش هنری و تاریخی که در سالهای اخیر بدست آمدهاست، مدال نقرهای از بهرامسومشاهنشاه ساسانی می باشد. این مدال نقرهٔ بیضی شکل بوزن ۲۹۰ گرم بوده قطر آن در قسمت بلند تر ۳ سانتیمتر است (ش۱) و در وسط آن نیم رخ بهرامسوم باتاج و تزئینات کامل قراردارد.

در ساختن این مدال هنرمند حکاكنهایت دقت وسلیقه رابکار بردهوسمی کافینموده است که از هرجهت نقش تصویر ولباس و تاج بوضع صحیحی نمایانده شود درجه دقتی که در ساختن این مدال بکار برده اند باتطبیق مدال نامبرده و سکه های این شهریار واضح میگردد

ATTS Orientalis جلد درم صفحه ۱۸۹

۱_ مجبوعه خصوسی. مجله مدرهای شرقی

کر چه دوران سلطنت بهرام سوم کوتاه بود و توفیق نیافت کسه مانند اغلب شاهنشاهان بزرگ ساسانی نقش برجستهای مختص بخود داشته باشد. ولی آثاری چنددردستاست که نه تنها از دوران فرمانروائی وسلطنت وی حکایت میکندبلکه زمان طفولیت و ولیعهدی اورانیز مشخص میسازد.

شاید بتوان گفت از بهرامسوم بیش ازسایر شاهنشاهان که دورانی طولانی سلطنت نموده اند آثار متنوعی در دست باشد.

بطور کلی آثار مربوط بوی عبارت است از.

۱ - سکه های متنوع دورهٔ سلطنت بهرام دوم (۲۷۱-۲۹۲ میلادی)

دریك نوع سکهٔ بهرام دوم علاوه برشاهنشاه ساسانی و ملکه تصویر نیم رخولیمهد نیزیعنی بهرام سوم نیز قراردارد (ش ۲) درنوعی دیگر نفش نیم تنه بهرام درم و ولیمهد در مقابل یکدیگر واقع گردیده است (ش۳)

۲ - نقش برجسته موجود در نقش رستم که بهرام دوم را در میان افراد خانواده و اطرافیانش نشان میدهد . این حجازی بسیار زیبا در محل نقش برجسته عیلامی احداث شده که هنوز آثاری از آن در کنار نقش بجای مانده است. در این کتیبه شاهنشاه ساسانی دروسط قرار گرفته و در طرف چپ وی ولیمهد شاهزاده بهرام وملکه و شاهزاد گان دیگر قرار دارند (ش٤). در طرف راستسه نفر از بزرگان مملکت که دسترا بعلامت احترام بلند نموده اندنموده شده است.

۳ - نقش دیگری از شهریار ساسانی در سرمشهد موجوداست که مربوط بدوران سلطنت پدرش و ولیعهدی وی میباشد در این حجازی بهرام دوم ولیعهدو کشتن دومین شیراست که بوی حمله ورشده است. در پشت سر بهرام دوم ولیمهدو ملکه قرار گرفته اند (ش ه)

٤ - سكه هاى بهرام سوم ككه تصوير كامل او رانشان ميدهد (ش٦)

٣- دريشت سكه بهرام دوم نصويرتمام قدوليمهد نقش استكه حلقه سلطنت رابدست دارد درمقابل آتشدان ايستاده است .

٣- سرمشهد درغرب جره وجنوب كازرون است .

٤- درپشت سکه نصویر ایستاده شهریار ساسانی درمقابل آشدان مقدس دید میشود. درطرف دیگر آتشدان نیز ولیمید قرار گرفته است.

ه ـ مدال نقره

7 - کتیبهٔ پایکولی بربرجسنگی که از آثار نرسی میباشد که بیادبود غلبه وی بربهرامسوم نقر کردیده است 7 (ش 9-1).

بهرامسومدرسال۲۹۳میلادی پس از مرک پدرش بهرام دوم بسلطنت رسید دور انزندگی این شاهزاده راکه سلطنتی بسیار کوتاه داشت بدو بخش میتوان تقسیم کرد:

دورهٔ اول طغولیت و نوجوانی و ولیعهدی و دوم دوران سلطنت.

ازنقوش مختلف و آثار بدست آمده چنین برمیاید که دورهٔ اولزندگی این شاهزاده قرین آسایش بوده و در پناه محبت و حمایت پدر روز گاران را بخوشی میگذرانده است.

هـ Paikuli درسرراه کنحك به سمون پایتخت ساسانی واقع بوده است .

آ- یکی از کبیه های مهم ساسانی کتیبه پایکولی است که در کردستان عراق در نزدیکی مرز ایران واقع است .

بنای پایکولی دانرسی شاهنشاه ساسانی بمناسبت یادبود غلبهاش بربهرام سوم درموقعی که در ادمنستان بسوی پایتخت تیسفون عازم بود وبزرگان ایران دراین محل بوی ملحق شدند واورا برسییت شناختند بریا داشته است .

کتیبه پایکولی بدوزبان پهلوی واشکانی و پهلوی ساسانی برروی برج چهار ضلعی سنگی نوشنه شده است .

برروی این برج علاوه برکتییه مادرهر صلعی نفش برجسنه نوسی شاهنشاه ساسانی از روبرو قراد دارد .

قسمت مهمی اذاین برج ازبین رفته وآنیه ازنوشته باقی است متضمن شرح جنك نرسی بابرادرزاده خود بهرام سوم شهریاد ساسانی میباشد چگونگی جنك وموفقیت نرسی وشكست بهرام سوم شامنشاه نگرنبخت دراین كتیبه تاحدی بطور نفسیل منمكس است.اولین بارراولینسن Tana سال ۱۸۲۸ درنوشتی ازاین كتیبی تهیه كرد وادوارد بوماس E. Thomas درسال ۱۹۱۱ و ۱۹۱۱ و ۱۹۱۳ درمجله یادشاهی آسیائی بعضی ازاین قطعات دامنتشر نبود. هرتسفلد درسالهای ۱۹۱۱ و ۱۹۱۳ بهآن محل رفت وعکسها وقالبگیری هائی تهیه نبود كه نتیجه آن دردو مجله حاوی متن و ترجمه كنیبه بهانگلیسی و شرح كامل آن درسال ۱۹۲۷ منتشر كردید.

دتصاویر پایکولی دراین مقاله ازدوی کتاب پرفسور هرتسفله درباره اثرناریخی نامبرده کرفته شده ودانشمند مزبور بااستفاده ازآثار خوجود بنای برج سنگی داترسیم کرده است. (مجله اول پایکولی صفحهٔ ۷) دراین مورد چهبرروی سکه هاوچه در کتیبه ها تصویر بسیار زیبای وی در در مقابل یا کنار تصویر شهریار ساسانی قرار دارد. در مجلس حجاری سرمشهد این حالت بخویی نمو دار است .

این حجاری شاهنشاه ساسانی را ضمن کشتن دو شیر نشان میدهد که یك شیررا کشته و بزمین افکنده و در حال کشتن شیر دیگری که بوی حمله ور است میباشد وبادست چپ ولیعهد وهلکه را که در کناروی قرار دارند حمایت وحراست میکند . بهرام دوم پس از سر کوبی هرمز برادر خود که سمت نیابت سلطنت وفر مانروائی خراسان راداشت و برای بدست آوردن تاج و تخت علم طغیان برافراشته و آرامش آن نواحی را مختل ساخته بسود ولیمهد خود شاهزاده بهرام رابعنوان سکانشاه (شاه سیستان) بنیابت سلطنت ارطرف خود منصوب نمود ۷

دوران ولیعهدی شاهزاده ساسانی بهرام سکانشاه در نهایت آسایش و قرین نیکبختی گذشتولی دیری نپائید که بهرام در گذشت و ولیعهد بعنوان بهرام سوم شاهنشاه ساسانی تاجگذاری نمود و بتخت سلطنت نشست « ۲۹۳ میلادی » در بارهٔ سیرت و رفتار بهرام سوم مورخان عقاید مختلفی ابراز داشته اند و اورا به نامهای مختلف بهرام مثلث یا بهرام بن بهرام بن بهرام بن بهرام بن بهرام بن بهرام سوم را پادشاهی مهر بان و رعیت نواز گفته است میرخواند بهرام سوم را پادشاهی مهر بان و رعیت نواز گفته است میرخواند بهرام سوم را پادشاهی مهر بان و رعیت نواز گفته است بیرخوبهرام سوم را برخلاف وی و استمکر و خونخوار معرفی نموده است حافظ ابر و بهرام سوم را

۷- «معبولا ولیمهد ایران وابحکومت مهمترین ایالت یاایالتی که بسداز سایرین تسخیر شده بود نصب مینبودند » .

نقل اذکتاب ایران درزمان ساسانیان تألیف (کریستن مین). برجمه یاسمی (صفحه ۱۰۳). ۸ـ روضةالصفا ـ میرخواند ازانتشارات خیام جلد اول (صفحه ۷۲۰)

۹- ببرام بن ببرام بن ببرام دچون بر سخت نشست دست به ستم و کشتن برد وبسیاد مردم بکشت و مردی خونخواد بود هر کس که برخصومت پیش اوآمدی دروقت خصم اورا حاضر کردی وهردو را کشتن فرمودی. گفتی دائم که ازهردو یکی مجرمآید وبروزگار اوهیچکس کتاه نیارست کردن، زینالاخباد کردین تحشیه و تملیق عبدالحی حسین (صفحه ۲۳-۲۳)

ستوده و دوستداررعایا گفته ۱۰ و فردوسی نیزازوی بنیکی یاد کردهاست ۱۱

آغاز پادشاهی بهرامسوم توام باناراحتیها و گرفتاریها گردید زیرا نرسی پسرشاپور اول علم طغیان و مخالفت را برافراشت جنگ بین آنان در گرفت و بالنتیجه فتح و پیروزی نصیب نرسی گردید ^{۱۲} و بدین ترتیب دوران کوتاه چهار ماهه شهریاری بهرامسوم پایان پذیرفت ۱۳

پساز این اشاره مختصر در باره آثار هنری و تاریخ زندگی بهرامسوم اکنون بذکر توضیحاتی چند در باره مدال مربوط بدوران کوتاه سلطنت این شهریار میپردازیم.

۱۰ «اورا بهرام مثلث میگفتند دولیمهد پدربود درزمان پدرش حکومت سبستان بدو سلق داشت.
 درآن روزکه برتخت نشست گفت که مامستحق پادشاهی ایم بواسطه آنکه ازنسل پادشاهانیم وجهد آن میگنیم که رعیت درمهد آسایش باشد ومردم برودعای خیر کردند».

حافظ ابرونسخه خطی که درسال ۱۰۱۷ هجری شاه عباس صفوی برآستانه ساه صفی وقف کرده است (موزه ایران باستان صفحه ۱۹۸۸).

بیست از پی داد ویخشش مان

۱۱ چر بنشست بهرام بهرامیان

وباز گوید :

بدادو دمش دل کروگان کنیم بماند توجئ تخمم نیکی مگار

به نیکی گرائیم وپیمان کنبم که خوبی وزشتی زما یادگار

۱۱ سنامه فردوسی بکوشش دبیرسیاقی جلد چهارم (صفحه ۱۷۲۱)

۱۲ درمورد شکست بهرام سوم و پیروزی ترسی درفردوسی چنین آمده است :

جو برگشت بهرام را روزبخت به نرسی سیمرد آنزمان تاج و تخت

چو برکشت بهرام را روزبخت به فرسی سپرد انزمال ناج و نح

۱۳ دمیکن است بهرام سوم پس ازسال ۲۹۳ دربعضی ازقسمتهای شرقی ایران بشاهی باقی مانده باشده نقل ازکتاب ایران درزمان ساسانیان (کِریستینسن). صفحه ۱۰۹

دمدت پادشناهی اور ا بعضی نه سال و بعضی کم وزیاده نیز گفته الله

حافظ ابرو نسخه خطی موزه ایران باستان (صفحه ۱۳۸۸) فردومس چنین گوید:

چوشد پادشاهیش برچاد ماه براو زار بگریست تخت وکلاه

شاهنامه بكوشش دبيرسياقي جله چهارم صفحه ١٧٦٦

این مدال که یکی از آثار بسیار مهموشاهکاری از هنر دورهٔ ساسانی میباشد بدون تردید بدست هنر مندی توانا و باقریحه و دوق تهیه شده است. هنر مندور ساختن این مدال تمام جهات هنری و تلفین و تنظیم نوشته و تصویر و حاشیه را مراعات نموده و بنظر آورده است. دور مدال حاشیه ای داشته که متاسفانه قسمت زیادی از آن از بین رفته است ولی از همان مختصر که باقی مانده است بنظر میرسد که نقش حاشیه بصورت گلبرگ در هم پیچیده بوده کسه بنحو بسیار زیبائی ترتیب داده شده است

قسمت اصلی مدال و حاشیه بوسیلهٔ برآمدگی باریکی از یکدیگر جدا شده و در حقیقت حاشیه مانند قابی پرنقش و نگار قسمت اصلی را زینت می بخشوده است.

در وسط مدال تصویر نیم تنهٔ بهرامسوم بصورت نقش برجسته وبشیوه ای بساستادانه وزیبا تعبیه شده است که باشکوه و آرایش کاهل سلطنتی بنظر میرسد.

تاجی کهبرسردارد کهمانند تاج زمان ولیمهدیوی نیست(ش۹)بلکهشبیه تاجی است که برروی سکههای دوران سلطنتوی مشاهده میشود (ش۱۰)

تاج دندانه دار ومرسع بجواهربوده لبه آن مزین به مروارید است بالای آن گوی زربفتی است که در دوره وروی آن گلهای مثلثی شکل از گوهرهای گرانبها نصب است. در محل اتصال تاج و گوی هشت قطعه کل جواهر نشان قرار دارد.

بین تاج و گوی و پشت سرتاج نوارهای چین داری که بحلقه زرینی و صل است در اهتراز میباشد. چهرهٔ نیمرخ بهرام سوم در نهایت گیراثی و زیبائی است. چشمها درشت و کشیده دماغ تاحدی برجسته سبیل وریش انبوه و موهای پر

۱۱ تاج دوران ولیسهدی وی چنانکه برروی سبکه های بهرام دوم دیده میشود تومی تاج یاکلامی است
 که بسیز عقاب یاگراز منتهی میشود .

شکن وی پشت سر و بالای دوش راگرفته است. برگوش شاهنشاه ساسانی گوشواره حلقه مانند جواهرنشانی که آویزی ازگوهردارد آویزان است.

نیم تنه بهرام سومدارای تزئیناتبیشماری است که تا این حد برسکه های وی مشاهده نمیشود. پارچهٔ لباس بانقوش مدوری زردوزی شده و بردوش شنلی چین دار از حریر قرار دارد و حاشیه نیم تنه از ردیغی از مرواریدهای در شت زینت یافته است. در طرف راست سینه قطعهٔ جواهری با آویزهای بلند و در طرف چپ حمایل مرصعی که روی آن کل شش پری از سنگهای در شت قیمتی ترصیع شده نصب است.

بربازوی وی بازوبند کوهرنشان وبر گردن او گردنبد جواهر با آویز بسیار زیبا دیده میشود. درقسمت بالای مدال نام والقاب شهریارساسانی بخط پهلوی نوشته شده است ... از مجموع ده کلمه نوشته بواسطه شکسته شدن قسمت راست مدال دو کلمه ۱ آن کسر است.

יייטנשטווווואווארופנעוניביניקעעושל ייי

نوشته پهلوی برروی مدال

آنچه باقی است چنین خوانده میشود: «زی و مزدیس نبغی و رهران ملکا ۱۰ ... انیران ، «زنده با دمزد ایرست خدایگان بهرامشاه غیر ایران ، ۱۷ ا

۱۰ (ملکا ایران)

١٦- توشته ازوسط شروع ميشود.

۱۷ - کلمه (زیو) که ازکلمه زیستن وزندگی کردن است درمنن بصورت هزاوش یعنی لفت آرامی (یحیو) نوشته شده است متن نوشته بطور کامل چنین بوده است: وزنده باد مزدا پرست خدایگان بهرام شاه شاهان ایران غیرایران) .

دراین مدال القاب کامل شهریار ساسانی بیش از آنچه که متداول بسکه های وی بوده است نقر گردیده است و بکار بردن کلمه (زیو) = زنده باد ، خود شاهد امر مهمی میباشد . با توجه باین موضوع و تزئینات بیشمار و با شکوه تصویر از گردنبند و مدالها و آویزها و بازوبند و حمایل وغیره میتوان دریافت که این اثر هنری مدال عادی و معمولی نبوده و بطور قطع بمناسبت تاجگذاری بهرام سوم بدست هنر مند چیره دستی بادقت کامل تهیه کردیده است .



شكل ١ ـ مدال بهرام سوم



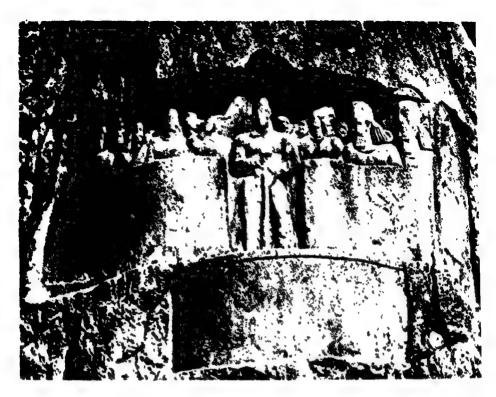


شکل ۲ ــ سنگهٔ بهرام دوم که با تصویر ملکه وولیعهداو بهرام سوم (سنمت راست) را هم دربر دارد



?





شكل ٤ ـ نقش برجستهٔ بهرام دوم وافراد نزديك خانواده واطرافياناو درنقش رسنم

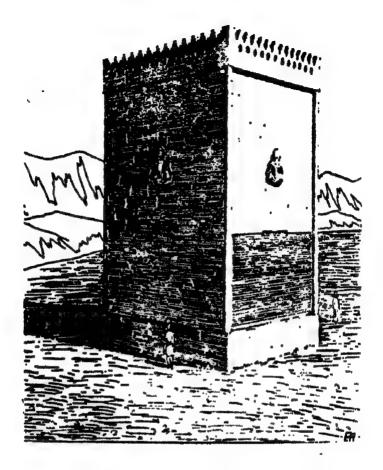




شکل ۵ ـ نقش برجستهٔ بهرام دوم در سر مسهد



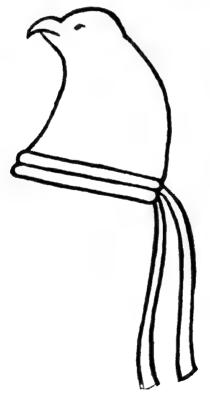
شکل 7 پشت و روی سکهٔ بهرام سوم



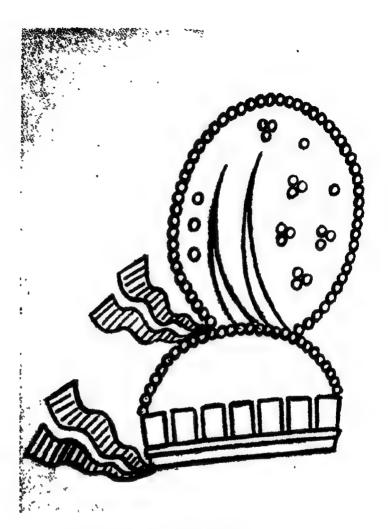
شکل ۷ _ برج پایکولی از روی آثار موجود وسیله هرتسفلد رسم شده است



شکل ۸ ــ فسمت شمالی و برانهٔ بابکولی



شکل ۹ ـ طرح تاج دوران ولیعهدی بهرام سوم که در روی سکه های زمان ولیعهدی وی دیده میشود



شکل ۱۰ ـ تاج بهرام سوم

مقالية حياض از سلسليه سخنرانیهائی استکه در دومین کنگرهٔ تاریخ و فرهنگ ایران که درآبانماه ۱۳٤۸ در تهران برگزار گردید ایراد شده ، ما ازنظراهميت موضوع وارزش وجودى آن باكسب موافقت وزارت فرهنگ و هنر بیاب آن مبادرت میکنیم. بدینسبب مجلهٔ بدرسیهای تاریخی از جناب آقای دکتر صادق کیا مماون محترم وزارت فرهنگ وهنرصميمانه سياسكزاراست.

واحد کا می حغرافیا نی نخسین کانونهای حکومتی ایران

اثر موقعیت جغرافیائی ایران در مرزهای سیاسی آن

موقع عمومی و جغرافیائسی ایرانیمنی قرار گرفتن درآسیای جنوبغربی بنحو بارزی دروضع سیاسی و بالنتیجه نوسانات مرزهای سیاسی و پس و پیش رویهای آن مؤثر افتاده است.

آسیای جنوبغربی بحقیقت منطقه واسطهایست واقسع بین سه قاره آسیا و اروپا وافریقا ؛ وایراندراین منطقه بنحوشدیدی ازحوادث این سهقارممتأثراست. فرهنگی و سیاسی و نظامی که بین این سه قاره اتفاق افتد و یا برقرار شود ناچار عوارشی در بین کانونها و مهدهای ایرانبارمیآورد. همچنین ایران محصور بین کانونها و مهدهای تمدنی قدیم و جدید است. در

بقلم؛ کاظم۔ و دیعی برکرد: برنج وجورن برسته درکشی رمزت روزگاران پیش ایران میان کانونهای تمدنی مصر ویونان و بینالنهرین (از سمت مغرب) و ماورا و النهروقفقازیه (ازسمت شمالشرق وشمالغرب) و پنجاب (ازسوی مشرق و جنوبشرق) محصوربوده ورشد توام باوسعت گرفتن اجباری ارتباطات و نیروگرفتن و گسترش هریك از این کانونها در تمام شئون ایران حتی در مرزهای سیاسی آن ثأثیر میگذارده است . بخصوص که خود ایران نیز کانون و مهد تمدن قدیمی بوده و خود همیشه در حال توسعهٔ ارتباطات و نیروگرفتن و گسترده شدن بوده است .

هم درقرن جدید که شرق بازار تهیه موادخام غرب شد وهندوستان مورد توجه سرمایه داران وامیراطوریهای غرب واقع گردید باز ایران و مرزهایش از این مراودهٔ شرق وغرب متأثرشد . تاریخ رقابتهای مستممراتی مؤیداین نظر است . این رقابت به آنجا کشید که تجزیه ایران را مکرر آییشنهاد کردو ننكي برد إما نشان نهاد. بالاخره ازآن زمان كه خاورميانه ومنجمله إيرانو کشورهای مجاور خلیجفارس نفت مورد نیاز صنعت ارو با وجهان سر مایه داری را تمامین کردندباز این عامل رابطهٔ اقتصادی شرق وغرب ایران را متأثر ساخت. وبالاخره درگذشته نزدیك روسیه تزاری وهدفهای آن درآسیا وسپسوضع تازهٔ شوروی دومین قدرت اقتصادی و نظامی جهان کنونی و اهمیت فوق الماده روزافزون خلیج فارس ازشمال و جنوب درایران ومرزهای سیاسی آن تأثیر گذارده ومیگذارد . بسخن دیگر هرنوع جاهطلبی درغرب همیشه در وضع مرزهای سیاسی ما مؤثر افتاده ، خواه این جاه طلبی متعلق به بنی امیه باشد ، خواه متعلق به کشورهای مدیترانهای قدیم (یونان) و یسا کشورهای جدید . بهمین دلیل درطول تاریخ مرزهای سیاسی ایران برای آنکه هر چه بیشتر قابل دفاع باشند بایستی بمرزهای طبیعی نزدیك شوند، بسیاری از كرنتاریهای سیاسی ودردسرهای نظامی وامنیتی ایران درطی قرون ناشی از آسیب پذیری مرزهای غیر جغرافیائی بوده است که اثر موقع عمومی جغرافیائی را در آنها همیشه با ید مدنظر قرار گیرد. بحث مرزهای سیاسی را معمولا از مقوله سیاست

میدانند واین اشتباه بزرگی است دیلا خواهیم دید تاچه حد در مرزهای سیاسی ما عوامل جغرافیائی تأثیر داشته اند .

توجیه جغرافیائی مرز اسیاسی درایران ریشهای مدنی دارد و نخستین انعکاس فکری وحقوقی مرزهای سیاسی ایر آن واداری مردم یکجا نشین است. بعبارت دیگر در آغاز مرزدرمیان مردم کوچ نشین آن درجه از اهمیت و حساسیت را که مردم یکجانشین روستائی و سپس شهری برای آن قائل بوده اند نداشته است. علت آنهم سرفاً محدودیت قلمرو جغرافیائی و میزان زمینی است که هریك از این دو گروه صاحب معیشت اصلی جامعه ایران داشته اند ایرای جامعه کوچ نشین (۱) جامعه ایکه هرسال باید صدها کیلومتر جابجا شود بی شك مسئله ایل واه بسیار مهمتر و برتر از محدودهٔ یك مزرعه چند صد متری است و برای جامعه روستائی که اقتصاد خانوارش بر بهره کشی از محدودهٔ مختصری از اراضی ده مبتنی است بی تردید شناختن و تشخیص حد و مرز و مختصری از اراضی ده مبتنی است بی تردید شناختن و تشخیص حد و مرز و منور و و نفور باغ و یامزرعه اش اهمیت فوق العاده ای داشته رودارد. باین تر تیب منشا، جغرافیائی مرز برما روشن می شود .

۱- مرز نشانه تملك ومرز سیاسی نشان نشخیص و تملك ادادی است که شبول و عبومیت آن برصه زمینه های یك مملکت وملت سایه انداخته واثر میگذارد. بهمین دلیل مرز سیاسی از مسائل مربوط بملیت یك قوم ومردم یك کشور جدانی ناپذیر است. قدمت كلمه مرز درزبان فارسی (دجوع كنیدبه ریشه اوستائیآن ـ برهان قاطع وهرفرمنك معتبر دیگر و به ریشه لفات خابك ـ مرزبان Markin, (Marz-Pan) Marz Marz-Pan (كئی) وغیره) نشانه قدمت مدنیت و تملك و تشخیص سیاسی و اداره حكومتی است. طاهرا این كلمه اساسا ازاد بیات مردم توستائی و گشاورز اخذ شده است و محدوده مزروع ازآن اراده می شده است (دجوع كنید به برهان قاطع- زمینی و اکتاره ای میساذند و كناره های آنرا بلند كنند و درمیانی چیزبكارند...)

۲- برای آگاهی بیشتر ازمتولهٔ مرز وانواعآن دجوع کنید به جغرافیای انسانی عنومی تالیف دکتر کاظم ودیمی- چاپ سوم - دهندا

۳- رجوع کنیدبه مقدمه حترجم در ایل باصری ترجمه نکارنده ـ همچنین به جغرافیای انسانی ایران چاپ دانشگاه تهران ۱۳۶۸

اینکه بعضی تویسندگان ازدوی آگامی یاناآگامی دشت خوزستان راازلحاظ جنرافیائی دنبالیهٔ طبیعی بینالنهرین میدانند اشتباهی بزدگ است. باید بیاد آوردکه بینالنهرین ساخته رسوبات رودخانه های جادی ازتورس وانتی تورس است ودشت خوزستان ساخته رسوبات رودخانه های جادی اززاگرس وتشابه ساختمانی آن نیست که یکی دنباله دیگری باشدکه بیکاتگان ازاین اشتباه عمد یاغیر عمد سودها جستجو میکنند.

اما مرز سیاسی نشانه قدرت وقلمروحکومتی است واز آنجاکه ایرانطی هزاران سال حکومتهای گونه گونی بخود دیده است وقدر تهای مختلف بر آن حکومت داشته اند طبیعتاً باید انتظار داشت که مرزهای سیاسی ایران پس و پیشرویهای متعددی بخود دیده باشد.

삼 삼 삼

هم پیش ازاینکه دولت بزرگوامپراطوری بنامی چون هخامنشیان در ایران پدیدآیدکانونهای حکومتی چندی درایران پی گرفته بوده است کهاهم آنها عبارت است از :

الف: كانون حكومت آشور

که در حدود 775 قبل از میلاد مسیح مرزهای شرقی خود را ظاهـراً بحدود کویر ارت رسانیده است . $\binom{5}{2}$

ب : كانون حكومت إيلام

که حدود ومرزهای سیاسیآن ازمغرب به دجله وازجنوب بکرانههای خلیج فارس (تاریشهر) و از مشرق بکوههای بختیاری و پشتکوه ولرستان میرسیده است. ازجمله شهرهای عمده ومراکز تجمعانسانی مهم داخل ایسن قلمروحکومتی ایلام وشوش وهاداکتو (کنار کسرخه) و خایدالو (محتملا خرمآبادکنونی) وبالاخره اهواز را نام بردهاند. قلمروجغرافیائی حکومت ایلام با واحد جغرافیائی خوزستان (°) تقریباً منطبق است با این تذکر که اقتصاد ومعیشت کوچ نشین مبتنی بردامپروری پیوستگی کوه های اطراف و جلگه را می طلبیده است.

گد چنانچه قلمرو حکومتی سومر واکد وبابل که تقریباً همان بینالنهرین است بویژه بخش جنوبی آن رادنباله جلکه های وابسته بفلات ایران بدانیم واحد جغرافیائی بینالنهرین نیزچون خوزستان مهد و کانون یکی از نخستین حکومت هاست که در حکومتهای نخستین ایرانی اگر داشته اند.

ه برای یانتن تمریف وآگامی برمعنای واقعی اصطلاحات واحد جنرافیائی ووحدت جنرافیائی یارجوع کنید به روش تحقیق درجنرافیا تألیف دکتر کاظم ودیعی چاپ تهراند دهخداد ۱۳۶۸ همچنین رجوعکنید به طرح تقسیمات کشوری تکارنده که درفصل آخی جغرافیای انسانی ایسران فشردهٔ آن آمده است .

ج : كانون حكومت ماد

که بادوقلمروماد کوچك (آذربایجان وقسمتیاز کردستان) ومادبزرگ (باآذربایجان وعراق عجم و ری قرون بعد منطبق است) حدود کلی خود را مشخص داشته است واین ماد بزرگ درمشرق تادربند دریای مازندران که دروازه خزر نام داشته است امتداد می یافته واین دربند و دروازه حد فاصل مادها و پارنها بوده است. بروایتی ماد بزرگ ازسمت مشرق تما سیحون و جیحون ممتد می شده است و درمورد گیلان و مازندران (کادوسیان وماردها) مانع رسیدن مادها به بحر خزر شدند و بعضی مانند کتزباس معتقد است که کیلان و مازندران دراواخر عهد ماد از آن جدا شدند. بهر حال آنچه در اینجا مورد توجه ماستقلمرومادنیست بلکه کانون حکومتی اولیه آن یعنی آذربایجان و بخشی از کردستان واینکه این کانون در شمال کانون حکومتی ایلام بوده است در وحدت جغرافیائی آذربایجان و دو و احد (۱) درون آن و همچنین در وحدت جغرافیائی کردستان و گیلان و مازندران شك نیست. الحاق و پیوستگی آنها فقط گسترش بنیه اقتصادی و سیاسی آنها را می رساند با حفظ استقلال داخلی هر واحد.

د : کانون حکومتی پارس

که درآن شش طایغهٔ یکجا نشین و چهارطایغه کوچ نشین قدرت را در دست داشته وبا استفرار درفارس و توسعه قلمروخود از مغرب و شمال به حدود حکومتی ایلام ماد رسیدند و بعدها بااستفاده از اختلاف آسوریها و مادهاقدرت را در مقیاس بسیار و سیع بدست گرفتند و حدت جغرافیائی پارس از قدیمالی حال حاضر بیشترین اثر وقوت را داشته و جز دراین اواخر که مصنوعاً بخش ساحلی از آن منتزع شد این و حدت هرگز شکسته نشد . (۲)

ه : کانون حکومتی باختر

۱- مراد حدود استان ساحلی کنونی است رجوع کنید به نقشه تقسیمات کشوری فعلی و طسرح پیشنهادی نگارنده

٧- ايران باستان ص بنقل أز أوستا .

مشتمل بربلخ واطراف وبعبارتی همان بحش هموار ماور ۱۰ النهر، که وحدت جغرافیائی آن بآسانی قابل تصدیق است .

و : کانون حکومتی پارت

مشتمل برخراسان وسپس کرگان ، که وحدت جغرافیائی هر یك بطور جداگانه مسلم است. بدیهی است مراد ازخراسان، خراسان ، کنونی نبوده و محدودهٔ باستانی که همان خراسان شمالی است منظور است .

상 참 설

بحث دربارهٔ مهاجرت آریاها و آمدنشان بایران (شاخه ایکه از آریاها بایران کنونی آمده است اراتوستن آریان نامیده است) هرچند کهچگونگی آن مورد شك و تردیدهائی علمی است ازیك نقطه نظر برای ما حائز اهمیت است و آن اینکه بعد ازورود بغلات ایران درشانزده واحد حکومتی ایسران پخش می شوند که آنها را شانزده مملکت اوستائی نام داده اند . این شانسزده واحد سیاسی یا مملکت عبارت بوده اند از :

١ - ايران واج = مملكت آريانها .

۲ ـ سوغده 😑 سغد .

٣- مورو 🖚 مرو .

ع ـ باخذی 🛥 باختی

ه ـ نيسابه = حوالي سرخس.

٣ - هراي = هرات.

٧ - واي كرت = كابل.

۸ - اورو 💳 طوس وغزنه .

۹ - وهركان = كركان.

١٠ - هرهوائي = ورخج .

۱۱ - ای توهنت 🚤 هیرمند .

-رگ = ری .

۱۳ ـ شخر ـ چخر 💳 شاهرود .

١٤ ـ ورنالبرز = خوار .

١٥ ـ هيت : ، هند وينجاب .

١٦ ـ ولايات ساحل رنگا 🚃 ۽

از مجموع این اطلاعات چنین میتوان استنباط کرد که در سراسر قلمرو فلات ایران و جلگه های و ابسته بآن (این قلمرو مشتمل میشود برایران کنونی باضافه افغانستان و بین النهرین و هاورا النهر و پنجاب) از دور ترین زمانها کانونهای حکومتهائی محلی و جود یافته که قدرت آن گاه مثبت از نیروی مردم کوجنشین و گاه ناشی از مردم یکجا نشین بوده است. قلمرواین کانونهای حکومتی با اند کی دقت با حدود و احد های جغرافیائی بزرگی که امروز در سراس قلمروفلات ایران و جلگه های و ابسته بآن و جود دارد و از دیرباز شناخته شده اند مطابقت می کند . این و احدها عبار تند از:

۱ - آذربایجان

۲ مد لرستان وخوزستان (مشتمل بردو واحد)

۳ - ری - البرزجنوبی و مرکزی

ع ـ فارس

ه ـ خراسان

٦ - بين النهرين

٧ ـ ماوواءالنهر

٨ - افغانستان (كابل - غزنه - هرات)

۹ - هیرمند (سیستان)

۱۰ ــ پنجا*ب*

۱۱ – شاهرود

۱۲ - کرکان

۱۳ - مازندران و کیلان (مشتمل بردو واحد)

۱۶ ـ سواحل خلیج فارس و بحرعمان که طبق نوشته ها محل سکونت حبشی و مردمی که بزعم مورخان زیاد شکیل نبوده اند بوده است (باحتمال قوی از نژاد سیاه بوده که بقایای آنها و جوددارد .)

و سپس بعهد هخامنشیان که مسئلهٔ تشکیلات و تقسیمات کشوری برای نخستین بار عنوان میشود واحد های جغرافیائی و حکومتی فوقالذ کر اثر خودرا در آن هویدا میسازند. پیش از آن حکومت ایران هر گز قلمروی بآن درجه از وسعت نداشت کهسازمانی بزرگ جهت ادارهٔ آن بطلبد ولزوم تقسیم کشور بواحدهای اداری یا کشوری محسوس افتد. معهذا تجربه ماد و حکومتهای مستقل واحدهای جغرافیائی داخلی نه تنها طریق تقسیم کردن را بطور طبیعی اراثه داشته بود بلکه طرز اداره این قسمتها را نیز آموخته بود. میدانیم که کشوربراساس واحدهای جغرافیائی وایالات که همانساتراب ها وخشترویان بوده تقسیم میشده است. عدد این ایالات وحدود آنها هر گز ثابت نبوده است و بستگی به مقتضیات و از جمله پیروزیهای نظامی داشته است. چنانکه عدد ایالت نشینهای مختلف در دورهٔ داریوش از ۲۰ الی ۲۸ تغییر کرده است یعنی بتدریج که لشکر کشیهای وی توسعه یافته ممالك مفتوحه ضمیمه و برعدد ایالات افزوده می شده است.

برطبق نوشته های موجود ۱ ایران بعهد داریوش اساساً به دودسته تقسیم می شده اند یك دسته آنها که در فلات ایران بوده و دیگری آنها که در دامنهٔ غربی زاگرس و پارس قرار داشته اند . امالات داخل فلات ایران عبارت بوده اند از .

- ـ ماد ـ وهيركانيا ياكركان
 - پارت یا خراسان
 - ۔ زرنگ یا سیستان
 - ـ اریه

۱۰ وجوع کنید به آثار حرودو ت مشیرالدوله ب سایکس و هرا اثر معتبر دیگر درباره ایران باستان .

- _ خوارزم (خيوه)
- _ باكترايا (باختر)
- _ سغديانا (بخارا سمرقند)
- _ كندار (افغانستان) و ولايت طايفه سكا
 - _ ساتاژیدیا
 - آراخوسيا
 - _ ماكا (محتملا مكران است)
- ـ و ولایات غرب زاگرس و پارس عبارت بودهاند از:
 - ایلام یا اوواژا (سوزیانا)
 - _ بابل
 - _ کلده
 - آشورقدیم و (آثورا)
- عربستان (شامل قسمت عمدهای از سوریه وفلسطین)
- ... مصر (مشتمل به فنیقیه _ قبری _ جزایریونان) ویونا (مشتمل برلیکیه و کاریه و یونانی نشینهای سواحل)
- اسپاراد (مشتمل برلیدیه غرب رود هالیس) وارمستان و کادپاد و کیه.

این طرزتقسیم مملکت از لحاظ جغرافیائی اهمیت بسیار دارد زیرا دیده میشود که عملاواحدهای جغرافیائی فلات ایران از شخصیت جغرافیائی خود شخصیتی سیاسی ساخته و این قابلیت و تدبیریاست بسیارطبیمی. همچنین اراضی بیرون از فسلات که در حقیقت واحد های جغرافیائی مستقلی بوده و خصوصیت متصرفات مفتوحه را دارند نیزشخصیتی جداگانه یافتهاست. خود این امر اثر جغرافیا را در اولین تقسیمات کشوری و سیاسی بجا نهاده است. این طرزتقسیم بعهده داریوش همراه با اقداماتی سیاسی بوده از جمله آنکه هرقسمت داخلی که نامهای آنها قویاً برشمرده شد درعمل وسیله یك ساتراب

یا خشترویاون یاشهربان و نگهبان کشور و یك سردار ویك دبیراداره میشده که بقول بسیاری از مورخان بااعزام بازرسان خاص بهترین وجه انتظامات دراستانها را نگهداری کرده است بویژه آنکه درامور اقتصادی و اجتماعی داخله از استقلال زیادی بهرهمند بودهاند. ۹

آنچه در دورهٔ هخامنشی در مورد تقسیم کشوری صورت گرفت بعهده دیگر سلسله ها نیز بعنوان یك روش عملی موفق دنبال شد .

معهذامورخین مثل هرودت وقتی از قسمتهای مختلف که مملکت از آنها تشکیل میشده نام میبرند:

ایالات را بنام مردمان و مملکت را درنتیجه بحسب اقوام وملل ومالیات تقسیم میکنند. باین ترتیب بزعم هرودت ایران هخامنشی به ۲۰ ایالت تقسیم می شود. اما شماره گذاری این ایالات از خود اوست و خود ایرانیان هر گز بایالات خود نمره نمی داده اند ودیدیم که این روش دراین اواخر چه نامعتبر نمود ولغوشد. باری سورتی که از این ۲۰ ایالت نزد هرودت آمده نباید شماره بندی استانها را تجویز کند ۲۰ تقسیم کشور از نظر سیاست و مالی کاریست که در عهود بعد نیز تکرارشده و مخصوصاً دردورهٔ صفویه آنرا نزدمور خان نامورمی یابیم ۱ و همچنین شیوه ای شد برای مؤلفان که در بخش جغسرافیائی اداری (باصطلاح مینورسکی) ایالات را بحسب مالیاتی که می دهند ردیف

اینك باستناد آنچه گفته شد به خصوصیات مهم كانونهای حکومتی ایران را بازشناسیم این خصوصیات عبارتند از:

۹- شاهان هخامنشی و مخصوصا داریوش پارس رایك قلمرو سلطنتی تلقی کرده و اهالی آن مالیات نیرداده اند تنیا هرزمان شاه به آنجامیآمده است عدایائی ارسال میداشته اند این یك حالت استشنائی است و دانشی ازائر خانواده در حکومت و قدرت مناطق سیاسی و داریخی مربوط به آنها است که شاید بنوعی اشرافیت سیاسی منطقه ای حمل دوان کرد و بهرحال افتخاری است برای منطقه ای که شاه از آنجا در خاسته است .

١٠ رجوع كنيدبه تاريخ إيران باستان- حسن پيرنيا- صفحه ٤- ١٤٧١

۱۱ رجرع كنيدبه سازمان ادارى حكومت صفوى - مينورسكي- ترجمه وجهانيا وتذكره الملوك الوالطسل بيهتى دبير .

۱- قلمروجفرافیائی کانونهای حکومتی فوقالذ کربا قلمرو واحدهای
 رافیائی یاطبیعی بهرحال منطبق بوده است.

۲- در اکثراین قلمروها هر دونوع معیشت مبتنی برکوچ نشینی همراه مزمان هم وجود دارد.

۳- قدرت حکومتی دراین کانونهای سیاسی غالباً ناشیاز ازغلبه نظامی چ نشینان وبعضاً ناشی از اثتلاف دوقدرت یکجا نشین (مدنی) و کوچ بن (ایلاتی) است. نظام اقتصادی واجتماعیاین حکومتها مبتنی برزراعت مهروری بوده وقدرت سکنهٔ کوه ودشت یکی مکمل دیگری می بوده است.

٤- درداخلی حکومت تضادی دائمی معمولا بین این دونیروی کوچنشین کجا نشین بچشم میخورد.

۵- هرزمان که مردم کوچ نشین موفق بایجاد قدرت بزرگی شوند (بر غلبه نظامی با ائتلاف سیاسی) کانون حکومتی مجاور را ضمیمه خود کنند بی آنکه بتوانند استقلال محلی آنرابکلی معدوم کنند.

باین ترتیب ملاحظه میشود که کانونهای حکومتی وسیاسی ایران قدیم نالب واحدهائی جغرافیائی وطبیعی وبراثر دونوع معیشت مبتنی بریکجا ینی و کوچ نشینی که زراعت و دامپروری را درید خود داشتهاند بنیان فته و شکوفا شدهاند و پدیده مهم آنکه کوچ نشینان عامل حسترش وحدت می وفرهنگی بودهاند.

مرزهای سیاسی کانونهای حکومتهای محلی درحقیقت بامرزهای طبیعی حدهای جغرافیائی بزرك مربوط منطبق است و ما نشان دیگری برای خیص آنهادرحال حاضرنداریم. بعهدقدیم باتوجه بضعف تکنیك وارتباطات ومتهای محلی همیشه ترجیح دادهاند خود را درداخل واحدهای طبیعی غرافیائی محصور کنند و از تعیین مرزهای مصنوعی خود را برحسذر اشتهاند، چه اداره امور اجتماعی واقتصادی در داخله مسرزهای طبیعی اتب آسانتر هی باشد.

اثرواحدهای جغرافیائی ویا طبیعی در تعیین حدود کانونهای حکومتی محلی چنانست که هربار که امپراطوری بزرك ایران متلاشی می سده است حکومتهای محلی حاصل از آن بازهم در همان واحدهای بزرك طبیعی و جغرافیائی محصور ومحدود می شود مثال حکومتهای محلی بعد از اسلام در ایران. خلاصه آنکه در تعین مرزهای سیاسی حکومتهای قدیم ایران همه جا جای پا ونشانه های واحدهای جغرافیائی را باز می یابیم.

شك نيست كشوريكه واحدهاى حكومتى داخلىاش مبتنى برواحدهاى جغرافيائى ومرزهاى طبيعى باشد. دربحرانها هريك ازاجزا آن يعنى برواحد سياسى بهترمقابله ميكند وسقوط يكى ديكريرا بخطر نمى اندازد. چه هر واحد خود سلولى مستقل بوده وميتواند باشد واينست رمز حكومت فدراليسم شاهنشاهى ايران قديم.

درپایان این مقال یك نكته را باید بطور ذهنی ونظری بیرون كشید و آن اینكه هرواحد خود بخود منتهی بمرزهای طبیعی است و چنین مرزی همیشه مردم یكجا نشین را بلحاظ منافع اقتصادی و امنیتی بخود مشتاق و مجذوب میداشته وباتوسعه تجارت واقتصاد شهری این مرزها در ایجاد حس ملیت قویاً مؤثرافتاده است. كه این حالت را می توان در درون كوچك ترین تا بزر كترین واحدهای جغرافیائی وسیاسی بازشناخت.

مهرها و نشانهای استوانهای از کهن تریناسناد مستند و ارزندهٔ تاریخ ایسران باستان هستند که خرشبختانه تعداد بسیاری از آنها از دستبرد حوادث مصون و برای ما بجای مانده است و این مهسرها در شناخت تمدن و فرهنگ وهنر ایران باستانی از مهمترین مدارك و اسناد میباشند که باتکاء آنها میتوان برپارهای از عقاید و نظرات نا درست که دربارهٔ تاریخ و فرهنگ و تمدن ایران انتشار یافته است خط بطلان کشید.

با توجه باین اصل مهم ،چندی پیش مجله بررسیهای تاریخی از فاضل گرامی آقای رکن الدین همایون فرخ که مجموعه مهرها و نشانهای استوانهای ایشان (شامل ۱۶۲۵ قطعه) بی کمان در نوع خود غنی ترین مجموعه های جهان است خواستار شد ، نمونه هائی از این هنراصیل آریائی را با توضیحاتی برای درج در مجله بررسیهای تاریخی اختصاص دهندو این همان مطلبی است که در تاریخی اختصاص دهندو این همان مطلبی است که در

شمارهٔ ۲ و ۳ سال چهارم انتشار آنرا به خوانندگان ارجمند مجله وعده کرده بودیم .

اینك با سیاسگزاری فراوان از آقای همایونفرخ مقاله مزبور را زیر عنوان و معرفی یك مجموعه ازمهرها و نشانهای استوانه ای در ایسران باستان » از نظسر خوانندگان میگذرانیم .

در این مقاله محققانه ، درباره تاریخ پیدایش ، اقسام ، چگونگی تهیه ، ارزش هنری مهرهای استوانهای و بستگی این هنر باقریحه و هنر اقوام آریائی و همچنین از خطوط منقور روی آنها و هنر حکاکی و نقاری در ایران باستان گفتگو شده و نویسنده در مقاله خود نمونهٔ عکس ۱۳۰ نوع از مهرها و نشانهای استوانه ای از مجموعهٔ کرانبها و بی نظیر خویش را نیز ارائه نموده است که میتواند برای تحقیق و بررسی در این رشته از هنرآریائی سند و مدرك معتبر و اصیلی باشد. ما توجه دانشمندان خاورشناس را به اهمیت موضوع جلب میکنیم و امیدواریم با تحقیق و خواندن آنها ضمن آنکه برگهای تازه ای برتاریخ تمدن و هنرایران می افزایند اشتباهاتی راهم که درداوریهای برخی از محققان در بارهٔ تاریخ ایران رخ داده است تصحیح نمایند .

ر با ونشانهای است واندای ایران باتبان

علم :

ركن لدّين ہايون فرّخ

كرامي يزوهشي بررسيهاي تاریخی از ایس بنده خواسته بودند كه عكس تعدادى ازمهره-های استوانه ای و نشانهای مجموعه خودرا درمعرض مطالعه و بسررسی و تحقیق و پژوهش پــروهشكران و دانشمنــدان ايران باستان قراردهد وتاآنجا که برای این بندهنویسندههم. مقدور باشدېمعرفي آنهابپردازد. دربارة مهره هاى استوانه اى و نشانها و نگین مای دوران باستان اثری جامع و تحقیقی درزبان فارسى تاكنون نوشته نشده است وهمين اندازهميتوان گفت که تنها چند مقاله آنهم بصورت ترجمه وبسيارناقص موجز دراين باره نشريافته است

و همین قلت معلومات و عدم شناسائی و معرفی این اسناد و مدارك نویسنده را برآنداشت که با عدم بضاعت معنوی تا آنجا که معلومات یاوری میکند نخست برای شناساندن و آشنائی خوانندگان ارجمند اطلاعاتی درباره چگونگی و شناخت و معرفی و ارزش مهره های استوانه ای و نشانها و نگینهای انگشتری باختصار در اختیار خواستارانآن قرار دهد و سپس بهمعرفی تعدادی ازمهرههای استوانهای ونشانها ونگینهای مجموعهناچیز خود بپردازد.

감감감

مهراستوانهای چیست 9

مهراستوانهای که درزبانهای لاتین به آن سیلند میگویندمهره هائی است حکاکی شده بصورت استوانه که درون آن را ازیکسر به سردیگربرای گذراندن میله های فلزی و یا ریسمان سوراخ کرده اند و بصورت نایژه ای در آمده است.

این مهرمها را ازاجسام کوناکون ومختلفی ساخته اند و چنانکه خواهیم کفت اجسام آنها یکی ازجمله راههائی است که مارا بزمان و قدمت آنها رهبری میکند.

بطور کلی این مهر ما از گل پخته مرمر بیشم Nenrite و زمر حالی این مهر ما از گل پخته مرمر بیشم Chrysolite یا قوت کبود - یا قوت کبود - ناوت (بیاکند) المعدده (سیلان) - Garnet مسنگ آهن (خماهن) حدید - Garnet فیروزه لاژورد المهر الهر (چشم گربه) Scye و Scye و زبر جد شرقسی لاژورد المهر (جزع) Onyx (جزع) میا الموری و نوع سنگ سلیمانی ا انواع عقیق Ghalce - رخام - سنگ نقره - ومفرغ ساخته شده اند .

مهرهای استوانهای یا لولها بدرازی از ۱۹ سانتیمتر تا ۲۰ سانتیمتر دیده شدهاند.

در زبان فارسی باین مهرها اول میگویند واین واژه فارسی است و بسه

هرچیزی که از نظر صوری همانند ستون یا نایژه باشد لول میگویند و کردی آن لولك است و فوله چیزی است که به لول شباعت داشته باشد . سعدی دربدیم میفرماید .

آب حیات در لب اینان بظن من

از لولههای چشمه حیوان مکیدهاند

استوانه نیز از استوان بهلوی گرفته شده ومعنی آن چیزی است که شبیه به ستون باشد .

حرف دها، در لوله واستوانه . علامت تشبیه است همچون انگشتانسه و انگشتوانه که منظور چیزی است شبیه به انگشت .

بیشترمهرهای استوانهای ازعقیق وانواع آنست و چنانکسه میدانیم این سنگ در ایران باستان مانندگوهرهای گرانمایه بوده وازاوا خرهزاره چهارم آن را استخراج نموده و بکار می برده اند .

داریوش بزرسی در لوحهای کسه در آن تاریخ بنای کاخ آپادانای شوش را ثبت کرده متذکراست که در آن کاخ سنگ عقیق بکاربرده است. ایرانیان باستان سنگ عقیق را سیکا بروش می گفتند.

عقیق انواع قرمز ، قهومای ، کبود ، سیاه ، ازرق ، دورنگ ، سه رنگ ، ابلق ، زرد ، شیری وسفید دارد . و گوهرشناسان انواع آن را بسه نام های گونه گون مانند جزع ، باباقوری ، سنگ سلیمانی ، چشم گربه ، زبرجد شرقی ، مهور (حجرالقمر) خواندهاند .

یاقوت و زبرجه نزد ایرانیان باستان مقامی ارجمنه داشته است. نقل است ازسلمان فارسی که گفته است ه خداوند یاقوت را درروز نوروز ازبرای زینت مردمان بیافرید وزبرجه را درروز مهرگان واین دوروز را برسایرایام فضیلت داد چنانکه یاقوت وزبرجه را بردیگرجواهرات داد.

ایرانیان باستان در تراش وحکاکی ونقاری گوهرهای قیمتی چیره دست

اس یشتها ج۱ س۲۹۸،

بوده اند . چنانکه در این باره سخن خواهیم گفت ، دراثر چیره دستی دراین هنراز انواع گوهرها زینتها میساختند و یا تندیسها میپرداختند .

محردیزی در زینالاخبار مینویسد که خسروپرویز ششرنگی داشت که مهرمهای آن را ازیاقوت سرخ ویاقوت زرد تراشیده بودهاند . همچنین نردی داشته است که مهرمهایش را از زمرد ویاقوت ساخته بودهاند .

تاریخ پیدایش مهرهای استوانهای

ازاواخر هزاره هشتم پیش ازمیلاد آریائیها برای بازشناخت کالای افراد و مال التجاره بازرگانان روی کل علائمی قش می کردهاند و سپس این کلها را می پخته اند تا همانند آجرسخت می شده است و هربازرگان و یا صاحب نام وعنوان و هر بزرگ و برگزیده ای برای خود علامت و نقشی خاص انتخاب می کرد و این علامت و نقش و نشان نام وعنوان شخص مشخصی می کردید و به همین اعتبار است که ما برای اینگونه مهرها نام نشان را برگزیده ایم .

لازم به یادآوری است که همین نشانه ها وعلائم پایه واساس پدیدآمدن خطوط علائمی و نقشی (ادئو کرام) در قرون بعد کردید .

این مهرهای کلی بجای پول و پرداخت باج وخراج وبعنوان برات هم بکار میرفته است ودردوران اشکانی وساسانی بجای پروانه وجواز نیزمورد استعمال قرار می گرفته است . ودرآن زمان به آن (کل مهر) می گفته اند .

کلی که باآن این کل مهرها را میساخته اند سرست می نامیده اند کسه معرب آن جرجس است و آن کلی نزدیك به کل کوزه کری است .

فردوسی درشاهنامه کل مهرراکه بجای پروانه وجواز بکارمیرفته است بکاربرده ومیفرهاید:

نهانی به پالیزبان گفت شاه که از مهتر ده کل مهر خواه

ابوعلى مسكويه درحوادث سال ٣٢٧ ه. ق . مينويسد د ... كروهي از

مردان به ابنرائق پناه جستند او . به آنان پاداش وعده داد و مهرهای ملین بخشید که یاد آور آن وعده باشد ،

مهرهای استوانهای وسیلهای بوده است که باآن موضوع ومطلبی راکه میخواستهاند تکثیر کنند - تکثیر و پخش می کرده اند و درواقع بایدگفت این نخستین وسیله چاپ ونشر بوده است.

پیش از پیدایش خط باعلائم و نقوش که هریك از آنها معنی و مفهوم خاصی داشته است درروی مهرهای استوانهای آن را نقر می کرده اند و پس از اینکه خط پدید آمده است مطالب و فرمانها را می نوشته و تکثیر کرده اند .

وسیله تکثیر بدین طریق بوده است که نخست آنچه را میخواستهاند برروی مهراستوانهای نقر می کردند وسیس آنرا مانند ورونه درروی گرگت یا لاك می غلتانیدند و با هر غلت یك ورقه از موضوع و مطلب مورد نظر بدست میآمد و میتوانستند بایك مهر استوانهای تاهزار برگ از آن بسازند و آن را بمصرفی که میخواسته اند برسانند .

삼산산

در مجموعه این جانب مهرهای استوانهای ونشانهای سنگی از هـزاره پنجم پیش از میلاد هستودر این نشانها ومهرهای استوانهای ازهمان نقوش وعلائمی است که در غارهای ماقبل تاریخ ایران نقاشی های همانند آن بدست آمده است.

٧- تجارب الامم ج١ س٨٠٤ چاپ اروپا .

٣- تجاربالامم ج٢ س٥٦ .

از شوش نیز مهرهای استوانهای بدست آمده که متعلق به اواخر هزاره پنجم پیش از میلاد است و اینك درموزهٔ ایران باستان محفوظ است .

مهرهای استوانه پس از پیدایش به مرور راه تکامل را مانند هنرهاو دانش های دیگر پیمود و بدر به ای از کمال رسید که راستی موجب حیرت و شگفتی است.

از دوران مادها به بعد مهرهای استوانه ای در روی سنگهای مختلف و قیمتی حکاکی و نقاری شده اند.

اساساً نوعسنگ هاو مهره هادر نزد ایرانیان باستان (دوران پیش از تاریخ وپس از آن) ارجی و مقامی داشته و برای هر نوع آن خواصی می شناخته اند و به همین مناسبت برروی مهره هائی از سنگ های قیمتی نقوشی بعنوان اوراد و دعا و وضع زیان و ضرروش نقرمی کردند و بگردن می آویخته اند و یابه بازو می بسته اند . از دوران باستان اثری بجامانده است بنام (داتستان دینیك) که بخط آم دبیره است و آن را به سال ۱۹۱۳ . م شادروان اوراد بامانجی ناسر و انجی در بمبئی چاپ و نشر داده در این اثر در بارهٔ نشان مهره ها و خواص آنها در ۳۰ فصل آورده است .

در شاهنامه فردوسی نیز به اینگونه مهره ها اشاراتی رفته است از جمله در داستان کشته شدن سهراب بدست رستم . سهراب برای شناساندن خود به رستم میگوید :

بسرهنه بسه بین این تن روشنم بیامد پر از خون دورخ مادرم یکی مهره بر بازوی من به بست بدارو بهبین تسا کسی آید بکار کنون بند بگشای از جوشنم چو برخاست آواز کوس از درم همی جانش از رفتن من بهخست مرا گفت کاین از یدر یادگار

800

بامطالعه در روی مهرهای استوانهای ونشانها میتوان درباره زندگی اجتماعی مردم ایران پیش از تاریخ و نحوه فعالیتها و آداب ورسوم و معتقدات

وسنن و خصوصیات زندگی وابزار هائیکه بکار می گرفته اند همانند وسیله نخریسی ــ وسیله بافندگی . طرز شکار و دریافت اینکه از چه زمان و دوران به اکتشاف معادن مختلف و استفاده از آنها بر آمده اند در بارهٔ سیر بوجود آمدن خطو تاریخ آن و تکامل خط که یکی از مهمترین مسائلی است که تحقیق دقیق آن برای تدوین تاریخ بشر نهایت در جه اهمیت و ضرور ترادارد، تحقیق و بررسی کرد .

این مهرها میتوانند چگونگی پیدایش خط ریاضی و مطالعه درا مورویرانی و چگونگی آبیاری و بکار کرفتن ابزار وادوات زراعی و سپاهیکری و نگاهداری غلات و طرز پرورش دامها و صدها مورد دیگر را برای محقق ن فشاکنند

مهره های استوانه ای میتوانند از هزاره ششم پیش از میلاد برای دانش پژوهان دربارهٔ تاریخ ایران باستان بهترین راهنماو گنجینه بی همتا از اطلاعات و دانش های دست اول و بکر و راستین باشد .

مهرههای استوانه ای بدست آمده در ایران بیشتر متعلق است به نواحی سوش - سیالك - تپه گیان نهاوند - لرستان - سرخ دم - لغان - زیویه کردستان - مارلیك - تپه حسنلو - رضائیه - همدان - گرگان - تربت - اطراف قزوین - بیجار - وقسمت هائی از ترکستان و افغانستان .

ارزشتاريخي مهرهاي استوانهاي

همچنانکه گفتیم مهرهای استوانهای ازهزاره ششم پیشاز میلاد میتواند بسیاری از مسائل ومطالب تاریخی واجتماعی وفرهنگی وهنری نژاد آریائی را روشن کند .

مهرهای استوانهای که تاکنون بدست آمده است به اقوامی آریائی که برجسته ترین آنها را درزیر ناممی بریم تعلق دارد:

سومری ها - کاسی ها - گیمیری ها - میتانی ها - ماننائی ها - هیستی ها - اور ارتوها - مادها - پر ثوها - بارتها - انشانی ها (ایلام) - کیل ها - مازندیها دیم ها -

مهرهای استوانهای از نظر هنری

مهرهای استوانهای دراواخر دوران ماد وسپس زمان هخامنشیان از نظر هنربه حد کمال واعجاز میرسند وهیچیك از مللی که به تقلید از آریائیها به ساختنمهرهای استوانه ای (مانند آشوری ها بابلی ها مصری ها) پرداخته اند نتوانسته اند به پایه مبتکران این هنربرسند .

متأسفانه همچنانکه پروفسور آرتورابراهام پوپ در کتاب شاهکار های هنری ایران متذکر است. گروهی از باستان شناسان با عینك تبعیش به هنر ایرانباستانمی نگریسته اند ومی کوشیده اند که هنرحکاکی واصیل ایرانی را مأخوذ از هنرآشوری و گاه یونان (؛) بحساب آورند.

لیکن بررسیهای تاریخی و باستان شناسی و بدست آمدن صدها سند و نمونه هنر حکاکی از دورانهای بسیار کهن این افسانه ساختگی و مجمول را درهم نوردید و مهر تابان حقیقت از پس پرده ظلمت جهل و غرمن چهر و رخشان نمود و حقانق را آشکار ساخت .

پروفسور گیرشمن متأسفانه بابه چشم داشتن همان عینك دربار همهر ههای استوانه ای دوره هخامنشی اظهار نظر می گند شایسته است نظرات ایسن باستان شناسی را كه با كمال تاثر اعلب نظراتی دور از واقع و حقیقت اظهار كرده است بیاوریم و سپس در بساره مطالب آن بااستناد به نظرات محققان عالیقدر اظهار رای و نظر كنیم .

اینك نظر ایشان درباره هنر حكاكی در روی مهره های استوانه ای دوران هخامنشی به نقل از كتاب و هنرایران در دوران ماد و هخامنشی ه

ه . . . هنرهخامنشی در مورد نقوش روی عاج بیشتراز خارج ازایران الهام گرفته است (بهچهدلیل معلوم نیست ؛) قطعات عاجی که درشوش درچاهی در کاخ اردشیراول و داریوش دوم روی قسمت موسوم به قلعه پیدا شده ممکن است از مصریایونان یاآسیای

کوچك باشد ؛ (اینگونه اظهارنظر هم واقعاً تازگی دارد . مصر كجایونان كجاآسیای صغیر كجا ؟؛ معلوم نیست چه اصراری است كه بهرحال آنرا به یكی از كشورهای خارجی منسوب كنند؛)

این کشف مللی راکه با این فن سروکار داشتند به مامعرفی می کند و نشان می دهد که آن ملتها چه سهمی در انجام این برنامه وسیع شاهنشاه برای زینت کاخها برعهده داشتند

در مورد نقوش مهرهای استوانه شکل موضوعها از جهان مذهبی خارج شده واردجهان عادی میگردند مثلا گاهی روی این مهرها شاه را در حال ایستاده روی شیری نشان داده اند و این موضوع از تصاویر کهن خدایان مشرق زمین الهام گرفته است، شاه دریك دست کمان و در دست دیگرسه عدد تیردارد. کمان نشانه مخصوس قدرت شاهی است وروی مهرهای استوانه ای شکل و نقوش برجسته بیستون و نقش رستم و روی غارق قایان نیز نشان داده شده است.

گاهی پادشاه در حال ستایش در برابر دو نقش اهورامزدا که دردو جهت مختلف قرار داده شده اند دیده میشود و دراین مورد شاه نیز دوبار دردوطرف آتشدان مجسم گردیده است و اهورامزدا اورابرکت میدهد.

در بیشتر موارد ترکیب مجالس از موضوعهای مربوط بهمهرهای قدیم مشرق زمین الهام کرفته است دراین مهرها هر گز بعد سوم وجود ندارد. در میان مجلس خدا (۱۶) و آتشدان و پادشاه مجسم گردیده اند و در اطراف شاه بطور قرینه موضوعهای دیگر اضافه شده است تامجلس را پر کنند حتی یك نقش جنگ میان مادی ها و سکائی ها نیز از این قانون تبعیت میکند کاهی برای اینکه منظره ای را مجسم کرده باشند در ختخرمائی رادر زمینه نقش مجلس نشان داده اند بدون اینکه رابطه ای بادیگر قسمت های نقش داشته قهر مان باشد. روی تمام این مهر مجلس پادشاه است که همیشه پیروز است و بمنز له نشانه ای از دولت هخامنشی است. مشهور ترین این مهر مام بوط به داریوش بزرگ است که نام وی بانوشته ای به سه زبان روی تریده میشود.

هنر اصلی هخامنشی در هنر مهر سازی زیادتر موثر واقع نشده (؛) فقط در بعضی موارد هنرهای فرعی موثر واقع نشده (؛) فقط در بعضی موارد هنرهای فرع مانند کنده کاری ها از هنر رسمی استفاده کرده است ولی در این موارد خصوصاً از موضوعهای قدیمی که میان کوزه گران سیلك معمول بود تقلید شده و این نشان میدهد که شیوه های مخصوص هنرایران کهن نشان میدهد که شیوه های مخصوص هنرایران کهن حتی از زبان هخامنشی فوق العاده جاندار هستند نم مهرهای مدور یابیشی شکل بنابرسنتهای قدیم آسیای کوچك ساخته می شدند . این مهرها پیشتر در بخش های غربی شاهنشاهی ایران مورد استعمال داشتند واز نظر فنی و تنظیم و تر کیبشان جزء دسته مهرهای

٤ ــ همان كتاب صفحه ٢٦٩

استوانهای شکل بشمارند. روی یکی از مهرها نقش صاحب منصبی باذکر ناهش دیده میشود. واین طریق در دوران ساسانی بسیار معمول خواهد گردید (کذا) از قرن پنجم پیشاز میلابه تقلید هنریونان (۱۰۰) مهرهای هخامنشی تدریجا به صفحات مدور یامنصبی که روی آن تصاویر مجسم می گردید مبدل شد (۱۰۰) انواع مختلف مجالس از این نوع مهرها عبار تمد از بمجالس شکار و جنگ که در آن حرکات بصورت طبیعی نشان داده شده و بسیاری از موضوعهائی که مربوط بزندگی روز مره است و یا تصویر حیوانات در حال تاخت. در این مجالس پادشاه شرکت ندارد و ما آنها را مجالس ملی نام نهاده ایم بعضی اندیشیده اند که این مکتب جدید و آورده کوشش هنرمندان یونان در خدمت ایرانیان است (۱۰۰).

در این صورت ما نند این است که منکر توارث ایر انی درفن مهرسازی شویم. زیر اهر قدر هنرمهرسازی پیشر فتحاصل کرده باشد بازنتوانسته استخصوصیات هنرمشرق (؛) یعنی برجسته نبودن نقوش و مشخص بودن خطوط اطراف نقش انسان وحیوانات را ازمیان بردارد (؛) با وجود کوششی که برای نشان دادن حرکات و مجسم نمودن بعدسوم شده است بااین حال عناصر متشکله ترکیبات فاقد ارتباط داخلی با هم میاشند.

کاراشخاصی که دراین مجالس شرکت دارندبی روح است تمام خصوصیات این نقوش حتی دقت درنشان دادن جز ثیات حاکی از این است که از هنریو نان الهام گرفته اند (!)

شکی نیست که هنر ایران خلق الساعه نیست و غالباً از

عناصر هنرهای خارجی استفاده کرده استولی هیچوقت از

این عناصر تقلید کور کورانه نشده وهمیشه آنها را بنا

برمیلوسلیقه خود بصورت جدیدی در آورده اند و در عمل

و در جهان آنروز یعنی جهان ایران ویونان که در حدود
غربی آسیای مقدم بایکدیگر هم مرز بودندوروابط بسیار

نزدیك داشتند هیچوقت نتوانستند در مورد موضوعهای

معنوی بایکدیگرهمکاری کنند (!!) اما از میان این مهرها

آنچه که مربوط بشخص شاهنشاه میشد در تمام مدت

بادشاهی دوران هخامنشی ثابت باقی ماند و هموارد شاه

رابکمان که علامت نیروی پادشاهی بودنشان داده اند °.

بطوریکه خوانندگان گرامی مطالعه وملاحظه میفرمایند آقای دکتر گیرشمن مطالبی که اظهار داشته اند بسیارضد و نقیض است یکی مینویسند که هنر ایران خلق الساعه نیست و نمیتوان منگر وراثت هنر ایران گردید و یا هنر ایران تقلید کور کورانه نیست و در جای دیگر میخوانیم که هنسر ایران تقلیدی است از هنریونان!

جای تعجب است که آقای دکتر کیرشمن سخن ازیونان بمیان میآورند وهیچ توجه ندارند که درقرن پنجم قبل از میلاد چگونه هنرایران میتوانسته است مستنزع از هنریونان باشد ،

شادروان پرفسور پوپ در کتاب شاهکارهای هنر ایران مینویسد ":

« هنر دوره هخامنشی مارا با نخستین شاهنشاهی حهان که یکی از منظم ترین و مقتدر ترین و بی هبچ قردید عادل ترین دولتها بودهاست روبرو میکند .

۵۔ مئرایران دودووان ماد وحشامئشی۔کیرششن س۲۹۹ ۔ ۲۷۰ ۳ - ۱۱۰

دنیای غرب از ایران باستان آگاهی مختصری دارد و آن نیزاز روی گزارشهای خصمانه و پرغرض یونانیان است که در آغاز قرن چهارم بیش از میلاد با ایرانیان دست و حریبان شدند .

یونانیان این زمان دربیان برتری استعداد خسود هیچگونسه تواضعی نداشتند و بر ایشان دشوار بسود که از هنر ملتهای دیگر سخن بگویند

«یونانیان همیشه بااحترام ووحشتی از (شاهبزرک و درسارد) سخن گفتهاند وحال آنکه این شاه بزرگ (!) د فقط یکی از ساترابهای شاهنشاه ایران بود وساردففط مرکز ولایتی بشمار می آمد وهنگامیکه جنگ های د داخلی یونان را بکلی تجزیه کرد وایشان را آماده آن د ساخت که از همسایگان خود اطلاعات مستقیم و درست د بدست آورند . گزنفون وهردوت درباره ایرانیان مطالب د تمجید آمیزی نوشتند .

د گرنفون در پژوهشیك شاهزاده ایرانی كه كورش د كوچك باشد نمونه و سرمشق تربیت اصولی و انسانی د راتشخیص داده است یعنی آنچسه یونانیان اسحر به رشد د سیاسی می وسیدند خود ودان محتاج بودند

« نکته هائی که در کتاب های درسی اروپائی نوشته اند و د مبتنی بر اینست که ایر ان کشوری ستمگر ووحشی بوده د ودرجنگهای ماراتن وسالامیس چراغ تمدن اروپا را د خاموش کرده ومغرب زمین رادر دور ان تاریك جهل د انداخته است واهی ترین افسانه تاریخی است کسه در د همه ادوار حقیقت را مستور کرده و منشاء بسیاری از د اشتباه های دیگر نیز شده است» آنچه آوردیم اثر ونظریا دانشمند هنرشناس و محقق تاریخ است یعنی نوشته ایست از پر فسور پوپ که اثر جاودانی او قسرن ها همانند و نظیر نخواهد داشت و تصور می کنم این نوشته پاسخی است به گفته های آقای دکتر گیرشمن که گویا پس از سالیان در از اقامت در ایران هنوز سخت تحت تاثیر نوشته های کلاسیك و کتابهای در سی است که در اروپا خوانده بوده است.

آقای دکتر گیرشمن چگونه نتوانسته اند تصور کنند که شاهنشاهی عظیم هخامنشی که یونان خودیك ساتر اپی آن را باوحشت و دهشتمی نگریسته و شهر بانی آنجا را پادشاه بزرگ میخوانده و میدانسته است چگونه میتوانست باین چنین کشور بزرگ و ناشناخته فرهنگ و هنر بیاموزد ؟!

این تنهاآقای گیرشمن نیست که اصرار دار دبه نحوی هنر دورهٔ هخامنشی را مأخوذ از هنریونان بداند متأسفانه کسان دیگری هم هستند که به عمد وریا می کوشند هنر هخامنشی را مأخوذ از هنرآشوری و بابلی بحساب آوردند همچنانکه گروهی دیگرهنر دوران پس از اسلام ایران را هنری مغولی (!) دانسته اند ..

بهرحال این گروه توجه ندارند که سومری های آریائی و کاسیهای ایرانی نژاد، قرنها پیش ازاینکه دولتآشوروبابل بوجودآید دولت هائی بزرگ وباتمدن وفرهنگی عالی پدیدآورده بودند. کاسی هادرهزارو هشتصد سال پیش از میلاد درسرزمین بین النهرین دولتی مقتدر تأسیس کردند و تادر أنیل پیش رفتند و آنه در سرزمین بین النهرین و در هٔ نیل از فرهنگ و هنر در قرن های بعدی می بینیم بازمانده ایست از هنروفرهنگ این قوم آریائی نژاد. و انگهی این حقیقت روشن و ظاهرات که فرهنگ سومری فاتح بین النهرین و در هٔ نیل است و در این حقیقت جای هیچگونه شك و بعث و گفتگونیست.

درپاسخ آقای دکترگیرشمن شایسته تر آنست که نوشته پرفسورپوپ را بیاوریم آنجاکه میگوید ۲

۷ــ شاهکارهای منر ایران ترجمه دکتر خانلری س۲۶

امدتی معمول اهل فن آن بود که ظرافت نقش جانوران را در مهر های دوره هخامنشی به هنرمندان یونان نسبت بدهند . اما اکنون این خطأ اصلاح شد . اوست بعضی از نقش های مهر ها که یونانی خواندهمیشدند نمونه هنرهخامنشی شمرده میشوند . در واقع مهر سازان هخامنشی در تصویر جانوران هرگز رقیبی نداشتهاند . حکاکی روی یك جعبه عاج از حیث موضوع و سبك با بهترین نقش مهر های هخامنشی برابر است . دراین مجلس نقش آهو وشیر وگراز وخرگوش در حالات مختلف چنان با دقت و تعهق در صفات هریك و توجه به مشكل و خرفترا این جانوران تصویر شده است که ازآن بهتر مهکن نیست تصور کرد.

35353

پرفسور آر تورپوپ دراین نظریه رسما اعلام کرده است سبکی که به نملط واشتباه یونانی میخواندند امروز اصلاح شده و آن را نمونه هنر هخامنشی میدانند یعنی یونانی ها در حکاکی و مهرسازی مقلد هخامنشی ها بوده اند

بهترین دلیل وسند بربطلان گفته های آقای دکتر گیرشمن کشف یك مهر استوانه ای باجای آن که از طلا ساخته شده و زنجیری طلائی دارد که آنرا بگردن میآویخته اند در گنجینه زیویه است که از هنرهای سکائی هاست و این نمونه نشان میدهد که قرنها پیش از پدید آمدن دولت هخامنشی آریائی های ایرانی در این هنروفن سرآمد بوده اند .

راو اینسن در کتاب دهنتمین پادشاهی شرق، وق. زاره آلمانی F.SARRE در کتاب سنایع ایران متذ کرند که د . . . هنر و معماری هخامنشی یك هنر اصیل ایرانی است و بهیچو جه مقتبس از معماری مصر و آشور و بابل نیست باید گفت بعضی از باستان شناسان اساساً توجه نکر ده اند که معماری مصری و بابلی و آشوری و آسیای صغیر تقلیدی است از معماری سومری کاسی مادی انشانی (بغلط ایلام !!) یعنی در بین النهر بن و در د نیل .

خوشبختانه آثاری که در کاوش هابدست آمده نفوذفر هنگ و هنرسو مری را در مصر نشان میدهد و جای هر گونه انکار و بحث و گفتگو را می بندد . بنابراین باید گفت که معماری مصری و بابلی و آشوری اصیل نبوده بلکه مأخوذ و متأثر از معماری اقوام آریائی سومری کاسی - انشانی بوده است .

میدانیم که هخامنشی هاهمان انشانی ها (ایلامی مجعول) هستند بنابراین به پیروی از هنر اصیل خود باوسعتی بیشتر واستفاده از صنعت گران ووسائل وموادی که می توانستند از اقصی نقاط شاهنشاهی پهناور خود بدست آورند همان سبك و هنر را در معماری بكاربرند .

هنر معماری و حکاکی هخامنشی در واقع تکامل یافته هنر سومری وانشانی است که باهنر مادی و سکائی پیوندگرفته بوده است .

میر نهاینست که ضبط «سارسین» دهرودوت» عمارت هنگمتانه (همدان) از عجایب معماری جهان بشمار میرفته است و شهر همدان رامی بایست کهن ترین شهر های جهان خواند ؟؟

مكرنه اينست كه مادها ايراني بودند بر

مكر نهاينت كه مخامنشيها ومارها خويشاوند بورهاند و

مگر نه اینت که ساختمانها و معابدو هنر مجسمه سازی و حجاری سو مریها و انشائی ها ماقبل از هنر سنگ تراشی مصری و آشوری و بابلی است

محر نه اینست که سومریها وانشائی ها اجداد هخامنشی ها بودهاند ، و این دو، همسایه و دو طایفه ازیك نژادهستند،

مگر نه اینست کهانشانیها اجداد هخامنشیه سا هستند زیسرا داریوش بزرگ خود این واقعیت رامتصرف است؛ بااینهمه، پس، چرا باید گفت کسه هخامنشیها ازهنرمصریها وبابلیها وآشوریها ملهم شده اند؛

آیااینیكمغلطه وقضاوتی سطحی ودوراز واقعو حقیقت وانصاف نیست[.] نشانها را برای چهمنظوری می ساخته اند

پادشاهان ایران از کهنتریندوران وسیلهمهرهای استوانهای فرمانهائی صادر میکردند ونشان هائی نیز برای اموری خاص داشته اند .

متاسفانه از آثار محفوظ دوران هخامنشی ها دربارهٔ چگونگی استعمال و بکار بردن این مهرها اثری بدستنیست لیکن در آثار دوران پسازاسلام که مطالب تاریخی اینگونه نوشته ها بااستفاده از ترجمه متون پهلوی ساسانی و

اشکانی بوده است مطالبی جسته و گریخته دیده می شود که میتوان از آنهابه موارد مصرف این نشانی ها پی برد .

معودی در مروج النهب مرباره مهرهای شهریاران ایسران می نویسد نوشیروان چهارمهر داشت بدین شرح

۱- مهر باژ - نگین آنعقیق بودو بر آن واژه (داد) راحکاکی کرده بودند مهر زمینهای دولتی: نگین آن فیر و زه بود و بر آن (آبادانی) نقششده بود ۳- مهر شهر بکی (محتسبی) نگینش از یاقوت کحلی و نقشش (در نگ) بود. ایر مهر برید: نگین آن یاقوت سرخ و نقشش دشتاب ، بود ۹ همحنین دربارهٔ مهر دای خسر و یرویز که برای امور زیر بکار میرفته یاد کرده است:

۱- مهر برای نامه ها و فرمان ۲- مهربرای یاد آوری ها ۳- مهسر برای چاپار خانه ها ٤-برای برات ها و نامه های بخشود کی گناهکاران ٥- مهر برای گنجینه های شاهی و انبار های لباس و زیور ها و عطر ها ۲- مهربرای فرمان قتل و مهر کردن گردن محکومان ۷- مهربرای پاسخ نامه پادشاهان - کریستنسن دانمار کی مینویسد ۱۰ که پنج مهربوده که یکی برای جنائی بکار میرفته است.

درآغاز اسلام خلفای اموی به تقلید از پادشاهان ساسانی به ترتیب دادن یوانمهر پرداختند . بلاذری به نقل از مدائنی ۱۲ می نویسد «نخستین کس از عراب که به تقلید ایرانیان برای خود ایوان «زمامو خاتم» فراهم کردزیاد بن بوسفیان بودالفخری درآداب السلطانیه می نویسد ۱۳ که در زمان معاویه به تقلید

⁻ ج ا س٦٦٦ چاپ قاهرة سال ١٣١٠ ق

⁻ مروجالنعب ج۲ ص۲۳۰ ۱۰- س۳۸۸ ۱۱- س۳۶۶ ۱- فتوحالبلدانس۲۶۶ ۳۲۰ س۱۳۰

از دولت ساسانیان دیوان زمام و خاتم تشکیل گردید واین دیوان به ضبطو ثبت فرمانهائی که از طرف خلیفه صادر می شدهی پرداخت و کلاش این چنین بود که فرمان خلیفه راپیش از صدور باین دیوان میآوردند و نسخه ای از آن را با نخو موم مهر و موم می کردند و یس از اینکه رئیس دیوان آنرا مهر می کسرد آن

نسخه رادر دیوان زمام وخاتم نگاه می داشتند. بلادری می نویسد: به تقلید ایرانیان یکی از دبیران رابنام (صاحب الزمام) متصدی مهرهای یادشاه می کردند. و این مقام درواقع همان مقام مهر دار پادشاهی

اد انیان بوده است.

این رویه دردورهٔ پساز اسلام دردستگاه شاهنشاهی ایران چه در دورهٔ دیلمیان وسامانیان وصفاریان وغز تویان وسلجوقیان و خوارزمشاهیان وچه پسازحملهٔ مغول همعمول ومتداول بوده است. مهردار سلطنتی مقامار جمندی بوده است. امیر علی شیر نوائی در دورهٔ سلطان حسین میرزابایقرا مدتها سمت مهرداری را داشته است.

در کتابخانه ملیملك ترسلی به شماره ۹۲۹۳ ثبت است کسه باب اول آن در باره مهرهای در بار صفویان و موارد استعمال آنست بدین شرح:

۱- مهرداد وستد - مهر نشان - مهر رقم خلعت - مهر کوچك - مهر ختم مهر مسوده - مهرانافتحنا - مهر ثبت - مهر همایون شرف نفاد یافت - مهری که درجلوس مبارك ابداع شد.

محتویات هرمهر به تفصیل دراین ترسل آمده وضمناً نوشته شده است که هریك از این مهرها را به چه گونه نامه ای بایستی بزنند و کجای نامه ها باید مهرشود.

خطوط مهرهاي استوانهاي ونشانها

مهرهای استوانهای غالباً دارای خطاست، برخی از خطوطی که دراین مهر و نشان ها بکار رفته خاسه آنها که متعلق بدوران قبل از هخامنشیان است دارای خطوط نقشی وعلائمی (ادئو گرام) است و تاکنون خوانده نشده اند و یکی از

ارزنده ترین کارهائی که بایست وسیله انجمن ایسران شناسان جهانی توصیه و ترغیب شود, خواندن این خطوط وسیله محققان و دانشمندان خطشناس است.

ازدوران هخامنشیان و اشکانیان و ساسانیان نیز مهرهای استوانهای و نشانهائی دردست داریم که خطوط آنها جز خط پیکانی است^{۱۱}.

۱- داد دبیره : برای نوشتن فرمانها

۲_ شهر هماره دبیره:برای نوشتن دفترهای حسابهای شهرها

۳-کده هماره دبیره. برای نوشتن حسابهای دربار

٤-گنج هماره دبيره: برای نوشتن دفتر خزانهها

٥- آهور هماره دبيره : براى نگاهدارى حساب آخورها

٦- آتشان هماره دبيره: براي نوشتن حساب آتشكده ها

٧- روانكان هماره دبيره: براى نوشتن حساب اوقاف

علاوه براین هفت خط ما چند کونه خط دیگر نیز می شناسیم از جمله راز دبیره- واسف دبیره کشته دبیره- نیم گشته دبیره-آم دبیره - و بدیهی است اینگونه خطوط برروی مهرهای استوانهای و نشانها به مناسبتی کسه هریك داشته اند نوشته میشده است واین نکته خواندن آنها را دچارسختی و اشكال می كند.

۱۹-درباده خط میخی و نام این خط لازم است یاد آور شود که انگلرت کمپنر Nngelbert المانی کسه از جانب پادشاه سوئد منشی گری هیشات سیاسی و بازرگانی سوئدی را داشت بین سالهای ۱۹۸۵–۱۹۸۹ به تخت جمشید رفت واز کتیبه های آنجا رزنوشت برداشت و اوست که این خط را Litteraf Cyneatee خواند که خط میخی باشد . در حالیکه این خط را ایرانیان بنوشتهٔ کوه بیستون (دی پی) مینامیده اند ربهتراست آنرا دی پی و دیاخط پیکانی بنامیم و بخوانیم .

١٤ ــ مفاتيح العلوم ص ١١٨ چاپ ارويا .

یاقوت در معجم البلدان ۱۰ مینویسد؛ در ناحیه شاهپور در زمان ساسانیان محل درس و تحریر و تألیف علوم بوده استوبقول یاقوت گشته دفتران (گشته دبیران) در آنجا سکونت داشتند و آنها خط گشتك دبیره (كتاب الجستق) را میخوانده و می نوشته اند و این خط بگفنه او برای كتابهای طب و نجوم بوده است.

ابن ندیم درالفهرست مینویسد^{۱۷} (به نقل ازابن مقفع) درخط بوده یکی کشتک دبیره ودیگری نیم کشتک دبیره خط کشتک دبیره (۲۸) حرف داشته و برای نوشتن فرمانها و نامه های رسمی و بهجم مهره ها و نقش و نگار پارچه ها فرشها و روی سکه هسا بکار میرفته و نیم گشتک نیز ۲۸ حرف داشته و برای کتابهای طب و فلسه اختصاص داشته است.

ابن الفقیه نیز می گوید که همدان برسینه کوه سنگ نوشته هائی است که با خط گشتك دبیره نوشته شده است .

بنابرین بایدگفت خطوط مهرههای استوانهای ونشانها بنابه گفته ابن مقفع خطگشتك دبیره است وبعضی كه متعلق به دورهٔ هخامنشی است بخط آم دبیره بایدباشد.

آثارى كه درباره مهره هاى استوانه اى نوشته شده است

تا آنجاکه اینبنده نویسنده اطبح داردآثار زیرتاکنون مستقلا دربارهٔ مهرهای استوانهای نوشته شده است و در هریك تمدادی مهراستوانهای معرفی شده است.

۱- مهرهای استوانهای تألیف دکتر فرانگفرت.

۲- مهرهای خاورمیانه اثربانوادیث پورادا

۳-مهرهای آسیای غربی دربارهٔ معرفی مهرهای استوانه ای موزهٔ بریتانیا عدمهرهای مشرق اثر دولایورت

٥-در كتاب تختجمشيد شادروان دكتراسميت بحثى مستقل دراين بار مدارد.

۱۳- س۰۵۳ .

١٧ - ١٣٠٠

۲- شادروان پوپ درجلد هفتم کتاب نظری به هنرهای ایران دراینباره
 حثی سودمند کرده است.

۷سب. دورن درسال ۱۸۸۱ تحت عنوان (کسوشش در تفسیر یك نوشته خط پهلوی که برروی یك مهرسنگی متعلق به کنت، س، استروگالف حکاکی شده است) شرحی نوشته که در همان سال در سنت پتر زبورك چاپ شده است ۸ نوشته ای در بسارهٔ مهرهای اعراب وایرانیان و ترکان تسألیف یوزف مامریورگستال چاپ وین سال ۱۸۶۹

۹- مهرهای ساسانی- باشش لوحه ویك نمونه چاپی از خطوط آنهاکه وسط پولیوس اوتینگتهیهشده است تألیف پاول هرن وگئور ایشنایندرف چاپ برلین ۱۸۹۱

۱۰ دنقوش مهرهای پارت ۱۰ درنساد تالیف م ماسن که درمجله گزارشهای کهن بسال ۱۹۵۶ درمسکو بهاپ رسیده است.

وزههائي كه مجموعه هائي از مهرههاي استوانه اي دارند

۱ - درموزه آرمیتاژ (لنین گراد)مهرههای استوانهای کهروی سنك عقیق دیگر احجار كریمه حكاكی شده اند هست که متعلق بدوران ساسانی است دومهر مادر خسرو پرویز ومهری از داریوش نیز در این موزه هست .

۲ مجموعه سنگها وانگشتری ها (نشان ها) حکاکسی شده در موزهٔ رمیتاژ ـ بایدگفت مجموعه اینموزه درنوع خودکم نظیر است . آثار این مجموعه در کتاب ایران درنخستین دوران پادشاهان ساسانی تالیف . و.ک و کونین چاپ مسکو ۱۹۳۱ بهاپرسیده است و هم چنین در کتاب یادگارهای مدن ساسانی تالیف ر.و. کنیژالوف .و.و.گ کلوگونین که بسال ۱۹۳۰ در مسکو بهاپ رسیده به تفصیل شرح داده شده اند.

۳- درموزه هنرهای زیبای . آس پوشگینی مسکو .

دراین موزه مجموعه هائی از مهرهای استوانه ای دوره هخامنشی وساسانی

موجود است که بهترین آن مهر استوانهای اردشیر درازدست است. این مهر درشهر کرچ درشبه جزیره کریمه بدست آمده است.

٤- کتابخانه دانشگاه ارلانگن Erlangen برلین، این کتابخانه دارای مجموعه نفیسی ازمهرهای استوانهای است که مشخصات آنها در فهرستشماره
 ۱ین کتابخانه آمدهاست.

۵- موزه برلین- درشعبه موزه هنرهای دستی. مجموعهای از مهرهای استوانهای دوران ساسانی دارد.

۳ موزهٔ بسریت نیا مجسموعه ای نفیس از مهسر های استوانهای دارد که بیشتر آن مربوط به آشور وبابل و تعدادی سومری و ایرانی است.

- ۷ ــ موزه لوورنيز تعدادي مهر استوانهاي ايراني دارد.
- ۸ موزه ایران باستان نیز تعدادی مهر استوانهای ونشان دارد .
 - ۹ درآمریکا چند موزه دارای مهرهای استوانهای هستند .
- ۱۰ دازمجموعه داران خارجی مجموعه پیریون مورگان رامی شناسم و در ایران مجموعه آقای دکتر نیری قابل توجه است.

بدیهی است این فهرست نمیتو اند فهرست کامل مجموعه های مهرهای استوانه ای باشد و قطعاً مجموعه هائی و جود دارد که این بنده نویسنده از آنها بی اطلاع است.

هنر ح**کاکی و**نقاری .

هنر حکاکی و نقاری را به استناد مهرهای استوانه ای و نشان هائی کسه تاکنون بدست آمده است باید از هنرهای بدیع و اختصاصی اقوام آریائی دانست که سامی ها این هنر را از آنها تقلید و اقتباس کرده اند و وسیله ملل سامی (فینیقی ها) به یونان راه یافته است و چون ملل دیگر مقلد بوده اند به همین علت و سبب نتوانسته اند هم پایه و همانند ملت مبدع و مبتکر که خلاق این دوق و هنر بوده است راه ترقی و تکامل پویند .

مهرهای استوانهای ونشانهاونگینهای سومری که معروف به عمیل سمشی است ازبدایع هنر حکاکی و نقاری است که مصری ها از آنها اقتباس کرده اند و آین موضوع را ویل دورانت در تاریخش به تفصیل بیان کرده است .

مهرهای اور ارتوئی و مننائی و هخامنشی نیز از نظر ظرافت در حکا کی در حد اعلای زیبائی است بخصوص مهرهای هخامنشی که دارای بعد سوم هستند و این بعد بطور وضوح وروشنی پس از اینکه در روی موم و یا پلاستیك منعکس و بر گردان میشوند دیده میشود و گاه هنر مندان ایر انی با اعمال ذوق و قریحت خاص خود در انتخاب سنگها - عقیق های دورنگ را برای کار خود انتخاب کرده اند وصورتهای مورد نظر خود را بطور برجسته در روی رنگ عقیقی که در سطح قرارداشته حکا کی و می تراشیده اند و رنگ دوم عقیق را که در زیر قرارداشته است متن و سطح صورت حکا کی قرار میداده اندواینگونه حکا کی ها چنین بنظر می رسد که صورتی را تراشیده و برروی عقیق رنگی نصب کرده اند؛ و این یکی از بدیع ترین روش حکا کی بوده است .

هرهای استوانهای ونشانهای مجموعه نویسنده .

مجموعه مهرهاى ناچيزاين بنده شامل سهقسمت است.

۱ - مهرهای استوانه ای که رویهمرفته ۱۳۵ قطعه است وازهزاره ششم پیش از میلاد تا دوران ساسانی را شامل میکردد .

دراین قسمت ازمهرهای کلی و فلزی و انواع عقیق و یاقوت لاژورد فیروزه عاج - زمرد - سیلان - لعل - قان داش - سنگ نقره وسنگ حدید و چشم کربه دیده میشود .

۲ - نشان ها که دارای انواع شکلها هستندو آنها نیز از هزاره هفتم پیش
 از میلاد تا نشان یزدگرد سوم آخرین پادشاه ساسانی را شامل میگردد و
 رویهمرفته تا این تاریخ ۶۷ه قطمه را شامل میشود. نشان ها اغلب عقیق و انواع سنگهای دیگر هستند.

۳ نگینهای انگشتری که ازانواع عقیق - یاقون - زمرد - لعل - یاقوت کبودویاقوتسفیدوزرد ولاژورد هستندواز اواسط هزارهٔ اول تاآخرین پادشاه ساسانی را شامل میکردد دراین قسمت بیشتر نگینها متعلق به دورهٔ اشکانی است ورویهم رفته تا این تاریخ ۲٤۳ قطعه جمع آوری شده است.

بطور کلی مجموعه ناچیز این بنده بررویهم ومجموعاً ۱۶۲۵ قطعه است که نمونه هائی از آن از نظر خوانندگان ارجمند می گذرد و در اینجا ناگزیر است که مختصر توضیحی دهد.

متأسفانه برای عکس برداری از مهرهای استوانه ای وسائل کافی در اختیار نداشت و با اینکه سه بار اقدام به عکس برداری شده است معهذا هربار از سدها عکس که تهیه می شد تعداد ناچیزی از آن قابل استفاده بود و عکس دلخواه بدست نیامده است. عکس برداری از اینگونه اشیاه خرد و کوچك دور بین وعدسی های خاسی میخواهد که در دسترس این بنده نویسنده نبود و بناچار از پانصد قطعه عکس تعداد ۸۸۸ قطعه انتخاب و در اینجا بمعرس ملاحظه و مطالعه خواستاران آن قرار داده می شود.

بطوریکه قبلا یادآور شد هنوزمطالعه و تحقیق کامل در روی مهسرهای استوانه ای انجام نگرفته است در حالیکه بزعم این بنده نویسنده ایسن رشته عود می تواند رشته مستقلی در تاریخ و تحقیق باستان شناسی باشدو جادارد که توجه و علاقه باستان شناسی باشدو جادار استه عظیم وسرشار از اسناد و اطلاعات دست اول جلب کرد و بخصوص تو جه کنگره جهان ایر ان شناسان را به آن معطوف میدارد تا از این پس با توجه و عنایت باین رشته صاحب نظر آن و محققان با مطاله و پژوهش در روی مهرهای استوانه ای و نشان ها بتوانند اطلاعات سودمند و دی قیمتی که در دل این اسناد نه ته است آشکار ساخته و در اختیار اهل علم و هنر قرار دهند ه

پیش از ارائه وتوضیح عکسهای مجموعه خود نخست عکس دو قطعه مهر استوانهای را که یکی متعلق به موزه ایران باستان وطبق رأی صاحب نظران متعلق به هزارهٔ چهارمپیشاز میلاد است (عکس شماره یك) ددیگری

استوانه ای که متعلق به مجموعه پیرپون مورگان است و آن را متعلق دوران هخامنشیان دانسته است (عکس شماره ۲) میآورم تا با توجه باین نمونه نسبت به توضیحاتی که درباره مهر های استوانه ای مجموعه خود دهد معیاری در دست باشد.

چون دراین مقالت قصد نویسنده نشان دادن سیر تکاملی وادواری هنر کاکی مهرهای استوانه ای نیست و تنها نظر معرفی واراثه نمونه هائی از های استوانه ای است بنابراین ضمن ارائه نمونه هائی به استناد اینکه هر از چهٔ محلی بدست آمده است از روی حدس و گمان وظن . نظراتی داده شود و بدیهی است این نظرات بهیچو جهنمی تواند صدور صدقابل قبول باشد .

عکس شماره ۳ - آنوبانی نی باملکه ایشتار که از لرستان بدست آمده ت متعاق به هزاره سوم پیشاز میلاد . این مهر استوانه ای خط دارد و این لا را خط شناسان بنام (پروتوآلامی) خوانده اند وآن را مادر خط پیکانی سته اند .

مهرهای استوانهای که اینك معرفی میشوند از همدان و لرستان بدست آمدهاند و دارای خط نیز میباشند پوشاك آنها هم شباهتی به پوشاك دوران هخامنشی ها داردوبه سکائی ها ماننداست . چون خطوط این مهرها و چگونگی آنها بر نویسنده مجهول است نمیتواند تعلق آنها را به قومی خاص عنوان کند امکان دارد این مهرها متعلق به مادهاهم باشد . زیرا در این دسته از مهر ها یوشاك آنها به مادی ها هم ماننداست .

عکس شماره ۱۷ - شاهی را نشان میدهد که وسیله کمان بکار مشغول است عکس این مهر دوبرابر شده است و پوشاك شاه به مردم پارت شباهت دارد . عکس شماره ۱۸ - مهری است باخط که شخصی ایستاده در طرف چپ کلاه مادی برسر دارد این مهر مخطوط است .

عکس شماره ۱۹ ـ شخصیتی که در طرف چپ دیده میشود کلاه مردم ماد بر سر داردوشخص ایستاده درسمتراست که قربانی بدست دارد کلاه مهریان یا (مغان) ار برسردارد .

عکس شماره ۲۰ ـ با همان بوشاك وقرباني در قربانكاه

عکس شماره ۲۱ ــ باهمان پوشالئو آتشدان «آدریان» ویك علامتریاشی دربالای آدریان و کتیبه ی بخط نا شناخته

عکس شماره ۲۲ - باهمان پوشاك ونشان اتحاد و پیمان که از علائم و نشانهای خاص مهریان است که بعدها اشکانیان وساسانیان این نقشرا در کتیبه ها و حجاری های خود بسیار بکار بردهاند این مهر استوانهای قدمتش به پیش از هخامنشیان میرسد و با مهرهای شماره (۲۲و۲۲-۲۱-۲۰-۲۱-۱۸) بیشتر است و بسه همین لحاظ برای مطالعه و تحقیق ارزشی فوق العاده دارند.

عکس شماره ۲۶ ـ باهمان پوشاك و نشان مهرى

عکس شماره ۲۵ ـ باهمان پوشاك در برابر آتشدان واسبو خورشيدو اه که بديهى است هريك ازاين نقوش مفهوم خاصى داد و نماينده (سمبول) علب و موضوعى است .

عکس شماره ۲۲ باهمان بوشاایو کتیبهای باخط ناشناس که شاه در برابر بیوان افسانه ای ایستاده همان نقش که تکامل یافته آن بعدها در نقوش برجسته فتجمشید حجاری شده است.

عکس شماره ۲۷ ـ دوحیوان افسانه ای متعلق به زمان این دسته از مهرها عکس شماره ۲۸ ـ پادشاه در شکارگاه بزکوهی را با تیر زده است

عکسشماره ۲۹ ـ دراینمهر پادشاه باملکه دیده میشود و دراین مهرنیز شته ایست که خطآن برنویسنده مجهول وناشناختاست.

عکس شماره ۳۰ ـ صورت حکاکی شده در این مهر استوانهای همانند جلسیاست که دریك اثر بدست آمده (نوار طلا) از زیویه هم دیده میشود

عکس شماره ۳۱ بادشاهی رانشان می دهد که برای او قربانی آورده اند بااینکه پادشاه میخواهد قربانی تقدیم دارد . آنچه قابل توجه است اینکه این بانی دارای صورت انسان و بدن حیوان است ((۱:) و هم چنین چند علامت دیده بشود که بظن قریب به یقین خطاست.

عکسشماره ۳۲ - حیوان هائی دیده میشوند که سری شبیه بانسان دارند نهم با آرایش گیسوی مادی - ارزش واهمیت این مهر استوانه ای و نظایر آن شان میدهد که حجاری های تخت جمشید متاثر از هنر حکاکی آثار دوران اد بوده است .

عکسشماره ۳۳ - مهردیگری از همان نقش است.

عکس شماره ۳۴ ـ پادشاهی است در حال جدال باحیوانات افسانهای و وگلمعروف آریائی نیزدر نقشحکاکی شدهاند.

عکس شماره ۲۰۰۰ پادشاهی را درجدال باحیوانات افسانه ای نشان میدهد

عکسشماره ۳۲ ـ پادشاه باکلاه مادی درجدال باحیوانات افسانهای عکسشماره ۳۷ ـ پادشاه شلاقی در دستدارد وشاخهای گوزنی را گرفته و اورا اسیر ساختهاست

عکس شماره ۳۸ سه نقش این استوانه بنظر میرسد که مهر با گردونهاش باشد و نقش ماهی نیز میتواندمؤیداین نظر باشد نظیر این مهر استوانه ای تا کنون دیده نشده است .

عكس شماره ٣٩ ـ پادشاه وحيوانات افسانهاي

عکسشماره .٤ - پادشاه وملکه . تزینیات صندلی ها ولباسهای بانوان و هدایائی که آورده اند قابل توجه ومطالعه است ملکه شاخه گلی به شاه تقدیم میکند و ندیمه ها تنگ شراب و خوردنی همراه آورده اند

عکس شماره ٤١ ـ پادشاه ماد است در جدال باحيوانات افسانهاى آنهه قابل توجه است اينکه در اين صورت نقوش حيوانات با صورت انسان نموده شده اند.

عکس شماره ۲۲- لوحی است بخط میخی (مادی ظ) بنظر میرسد که این مهر متعلق به زمانی است که اجداد کورش در انشان سلطنت میکردند البته این گمان است و تازمانیکه لوح خوانده نشود نمیتوان نظر قطعی داد

عكس شماره ٤٣ ـ حيوانات بالدار باكلاه هاى شيار دار هخامنشى متعلق بهدور دانشان

عکس شماره ٤٤ ــ اين همان نقشي است که از کورش در دشت مرغاب برجاست و بنظرميرسد اين نقشهم از کورش بزرگ باشد

عکس شماره ۶۵ ـ یك پادشاه هخامنشی (ظ.چیشپش) دردورهٔ انزان ــ بطوریکه ملاحظه میشود در اینزمان هنوز نقشفروهرـسورتآدمیندارد.

عکس شماره ٤٦ ـ يکي از پادشاهان هخامنشي با گردونه در شکار شير نظيراين مهر استوانهاي متعلق بداريوش بزرگ در دستاست.

عکس شماره ٤٧- مهر استوانه ای متعلق به دورهٔ هخامنشی انسانی است که بال دارد. همانند نقش کورش بزرگ

عکس ٤٨ ـ جدال شاه هخامنشی با حیوان افسانهای ، این همان نقشی است که در تختجمشید نیزهست و دراینجا نشان فروهرصورت آدمی نداردو به همین دلیل متعلق است به قبل از زمان داریوش بررگ (عکس این مهرچهار برابر بزرگ شده است و درشماره آینده مجله چاپ خواهد)

عکس ٤٩ ـ جدال یك پادشاه هخامنشی باحیوان افسانهای این مهر به زمان پیش از داریوش تعلق دارد (عکس د مبر ابر بز، گتر از اصل است)

> عکس ه ه ـ پادشاه هخامنشی قوچی را شکار کرده است. (این عکس ه برابر بزر گتر ازاسلاست)

عکس ۱ه ـ پادشاهی است که برای او بال گذاشته اند در جدال باحیوان افسانه ای و متعلق به دورهٔ قبل از داریوش است .

عکس شماره ٥٦ مهراستوانه ای با کتیبه میخی متعلق به دور ه قبل از داریوش عکس شماره ٥٧ م پادشاه هخامنشی در حال نیایش است و اسبی بالدارنیز در حالت نیایش است. این مهر متعلق بدور ه انشان (انزان) است.

عکس شماره ۵۸ - پادشاه هخامنشی قوچی راکرفته و در دست راستش شلاقی دیده میشود. نقش ماه و خورشید (کردونه خورشید) در این مهر دیده میشود.

عکس شماره ۹۰ - پادشاه (احتمالا داریوش) در شکار گاه عکس شماره ۲۰ - مهر استوانه ای متعلق به دوره انزان

عکس شماره ۲۹ مد شاه هخامنشی در حال نیایش و بابال در حال جدال باحیوان افسانه ای

عکس شماره ۲۲ م پادشاه هخامنشی بابال در حال جدال باحیوان افسانه ای این مهر متعلق به زمان خشایار شااست . درزیر فروهر علامت خاج (سلیب) دیده میشود که نشان آریائی است

عکس شماره ۹۳ ـ شاه هخامنشی در حال نیایش

عکسشماره ۲۶ سشاه هخامنشی برروی صندلی سلطنتی نشسته و در برابر آدریان نیایش می کند (ظن داریوش بزرگ) این عکس پنج بسرابر از اصل بزرگتر شده است .

عکسشماره ۲۵ ـ داریوش بزرگ (ظ ـ یاخشاریارشا) باکتیبه

عکس شماره ٦٦- یکی از پادشاهان هخامنشی (ظ - داریوش) با کتیبه در حالیکه پادشاهی در برابر اوزانو برزمین زده است در سمت چپاصل مهر استوانهای که ازعقیق است دیده میشوداین یکی ازمهرهای استوانهای بی نظیر است عکس این مهر پنج برابر بزرگتر از اصل است .

عکسشماره،٦٧- یکی از پادشاهان هخامنشی (بظن-خشایارشا)باکتیبه پادشاهی در برابرش زانو زده است .

عكسشماره ٨٦ - يادشاهي ازيادشاهان هخامنشي باكتيبه.

عکسشماره ۲۹ - یکی دیگر از پادشاهان هخامنشی باکتیبه.

عکس شماره ۷۰ یکی از پادشاهان هخامنشی گاوی راگرفته استمتعلق به دورهٔ انشان (آلام مجهول)

عکس شماره ۷۱ میکی از پادشاهان هخامنشی که در برابرش قوچی را برای قربانی آماده می کنند . دراین مهراستوانه ای نقش فروهر بسیار جالب است زیرا در روی دوبال فروهر دوسورت کوچك آدمی نیز دیده میشود و در زیر فروهر نقشی از افلاله است.

عکسشماره ۷۲ سپادشاه هخامنشی (ظ. داریوش) باکتیبه بهخط میخی عکسشماره ۷۳ سپادشاه اینمهراستوانهای نیزمتعلق به دورهٔ هخامنشی است و آنیکی ازمهرهای بدیع و نادراست در اینجا مهرسورت مرغ وارغن که دراوستا زاز اویاد شده و بعد بنام سیمرغ خوانده اند دیده میشود که شخصی براوسوار آست و تاجی از کل برسر گرفته و در حال پرواز است. درخت زندگی نیز در آین مهردیده میشود.

عکس شماره ۷۶ – این مهرنیز یکی ازمهرهای کم نظیراست. درطرف چپ شاه هخامنشی درحال نیایش است و درسمت راست انسانی است که بابال و بصورت مرغان درحال پرواز است. نقشی که درزیر فروهراست قابل مطالعه و تحقیق است.

اینك نمونهای چند از نشانها

عکس شماره ۲۵ - نشانی است از دوران هخامنشی که نمام صاحب نشان در طرف راست به خط میخی نقر شده است . اصل نشان از یاقوت کبود است. (این عکس سه بر ابر بزرگ شده است)

عکس شماره ٧٦ اصل این نشان از عقیق است . صورت پادشاهی است که نام اودر اطراف سرش نوشته شده. این نشان دوبر ابر بزرگ شده است.

عکس شماره ۷۷-سورت گوزنی است که شیری اورا پی کرده است این نشان علامت خانوادگی یکی از دودمان های بزرگ ایران بوده است نام وصاحب این نشان نیز بوضوح نوشته شده است.

عکس شماره ۷۸- در این عکس دونشان دیده میشود. سمت چپ گوزنی است که شیری اورا پی می کند و نام دارندهٔ نشان هم نوشته شده و در سمتراست قوچی است بالدار که با کره اش می برد و نام صاحب نشان هم نوشته شده است (عکس این نشان ها دوبرابر از اصل بزرگتراست)

عكس شماره ٧٩ - دراين عكس نيز دونشان ديده ميشود. نشان بالاصورت (٣١)

پادشاهی است که نامش دراطراف صورت نقر شده است و در زیرنشانی است هخامنشی که درروی یاقوت سرخ کنده شده و نام صاحب نشان نیز نقر گردیده است.

عکس شماره ۸۰ دراین عکس نیز دونشان دیده میشود نشان سمت چپ سواری است که با شیری جدال میکند و نام صاحب نشان نیز نقر گردیده سمت راست. شتری است که نام صاحب زین نشان که (شترزرد) علامت و یانام خانوادگی او بوده است نقر گردیده است.

عکس شماره ۱۸ - دراین عکس نیز دونشان دیده میشود. سمت چپنشانی است از زمان هخامنشی ها - نام صاحب نشان نیز نقر گردیده و در سمت راست دوقو چدیده میشود این نشان نیز از شاهکار های هنر حکا کی دوره هخامنشی است. عکس شماره ۱۸ - در این عکس دونشان دیده میشود . سمت چپ دو حیوان است که یکی شیر و دیگری افسانه ای است و نام صاحب نشان نیز نقر گردیده است. سمت راست صورت گاوی است که بدو خط نام صاحب نشان نقر گردیده است. عکس شماره ۱۸ - در این عکس نیز دونشان دیده میشود . سمت چپ صورت یکی از پادشاهان اشکانی است که نامش نیز نقر گردیده اصل نشان برای عقیق سرخ عالی است .

سمت راست صورت گاوی است بازنگوله .

عکس شماره ۱۸۶ - سمت چپ صورت بادشاهی است (ظ. اشکانی) که نام او دراطراف سرش نقر گردیده است .

سمتراست کوزئی است در حال پرش منام دارندهٔ نشان نیز نقر گردیده است.
عکس شماره ۸۵ . گوزنی در نهایت ظرافت وزیبائی حکاکی و نقاری شده
است در حال چریدن ب نام دارندهٔ نشان نیز نقر گردیده است (عکس این نشان سه بر ابر بزرگ شده است)

عکس شماره ۸٦ مسمت چپ حيواني است افسانه اي که نام صاحب نشان نيز نر گرديده است .

سمت راست شیری است در حال غریدن (شیراوژن) نام صاحب نشان نیز نر کردیده است .

عکس شماره ۸۷ - اصل نشان بر روی عقیق دانه انساری است که عقیقی گرانبهاست . صورت بادشاه وولیعهد است .

عکس شماره ۸۸-گوزنی است بالدار درحال پرواز- نام صاحب نشان بزحکاکی شده است.

عکس شماره ۸۹- حیوانی است افسانه ای با نام صاحب نشان

عکس شماره ۹۰ صورت گاوی است که نام دارندهٔ نشان را نیز حکاکی کرده اند .

عکس مهردهای استوانه شماره ۹۲-۰۰۰ بدوران هخامنشی هاتعلق دارند. دردوران باستان نقوش حیوانات افسانه ای بمعنی و منهوم خاصی نقش ی شده است برای مطالعه درمعتقدات و تفکرات اقوام باستانی اینگونه نقوش کمال اهمیت و ارزش را دارند

اینگونه مهرهای استوانه ای برای بازشناخت مفاهیم آنها بسیار گرانقدراند در اینجا عکس نمونه هائی از این قبیل مهرهای استوانه ای از نظر نوانندگان ارجمند می گذرد و عکسهای شماره ۱۰۱–۱۱۲

عکس شماره ۱۱۳ مهراستوانه ایست که درواقع لوحی است بخط پیکانی ارسی .

عکسهای از شماره ۱۱۹-۱۱۹ ـ مهرهای استوانه ایست متعلق بسدوره خامنشی و بعضی از آنها بخطوطی منقوش است که جزخط پیکانی است.

عکس مهرهای ازشماره ۱۲۰-۱۳۱ نیز بدوره پیش ازهخامنشی تعلقدارد وغالباً دارای خطوطی است ناشناخته که جادارد در بارهٔ آن تحقیق و پژوهش شود .

(نقل مطالب این مقاله وعکسهای آن بدون ذکرماخذ مجازنیست)



と ないない

عکس ۱



عکس ۲





عکس ۳



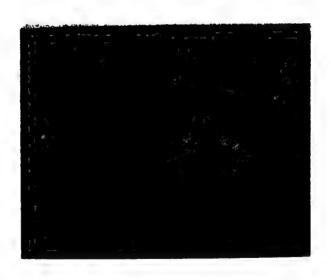
عکس ٤



عکس ہ



عکس ٦.



عکس ۷



عکس ۹



عکس ۸



عکس ۱۰



عکس ۱۱



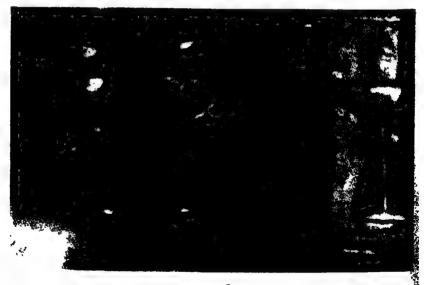
مکس ۱۳



عکس ۱۲



عکس ۱۶



عکس ۱۵



عکس ۱۷



عکس ۱٦



عکس ۱۹



عکس ۱۸



عکس ۲۱



عکس ۲۰



عکس ۲۳



عکس ۲۵



عکس ۲۷



عکس ۲۹



عکس ۲۲



عکس ۲٤



عکس ۲٦



عکس ۲۸



عکس ۳۱



عکس ۳۰



عکس ۳۲



عکس ۳٤



عکس ۳۳



عکس ۳٦



عکس ۳۵



عکس ۳۸



عکس ۳۷



عکس ۶۰



عکس ۳۹



عکس ۲۶



عکس ٤١



عکس ٤٤



عکس ہ ۽



عکس ٤٣







عکس ۴٦



عکس ٤٨



عکس ٤٩



عکس ۵۰



عکس ۵۲



عکس ۱ه



عکس ۶۵



عکس ۹۳





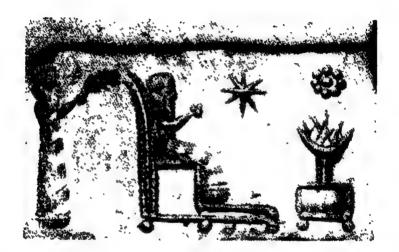




عکس ۲۲



عکس ۲۱

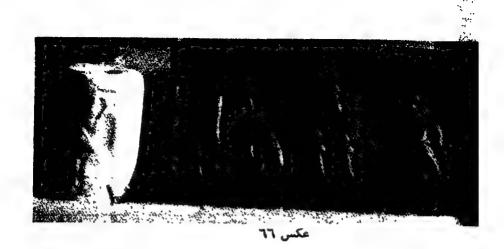


عکس ۱۶



عکس ۲۰







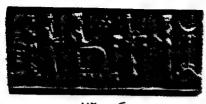








عکس ٦٩







عکس ۷۱



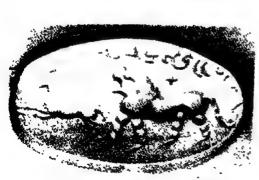




عکس ۷٤



عکس ۷۳



عکس ۷۷







عکس مای ۷۸



نکس های ۷۹





عکس های ۸۰





عکس های ۸۱







عکس های ۸۲



عکس مای ۸۳







عکس های ۸۶





عکس های ۸۵



عکس مای ۸٦

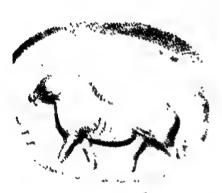




عکس ۸۸



عکس ۸۷



عکس ۹۰



عکس ۸۹









عکس ۹۵



عکس ۹۶



عکس ۹۳



عکس ۹۸



عکس ۹۷



عکس ۹٦



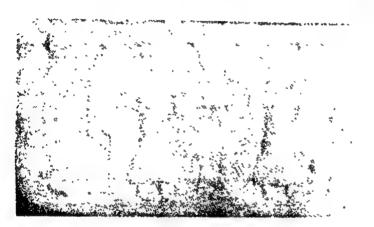
عکس ۱۰۱



عکس ۱۰۰



عکس ۹۹



عکس ۱۰۲



عکس ۱۰۶



عکس ۱۰۳



عکس ۱۰٦



عکس ۱۰۰



عکس ۱۰۸



عکس ۱۰۷

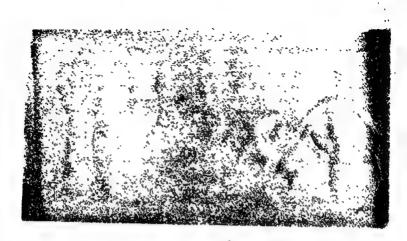


عکس ۱۱۰

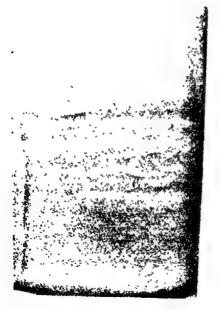


عکس ۱۰۹





عکس ۱۱۱



عکس ۱۱۶





عکس ۱۱۳







عکس ۱۱۷

عکس ۱۱٦

عکس ۱۱۵



عکس ۱۱۸



عكس ١١٩







عکس ۱۲۱



عکس ۱۲۰



عکس ۱۲۳



عکس ۱۲۲



عکس ۱۲۵



عکس ۱۲۶



عکس ۱۲۷



عکس ۱۲۳



عکس ۱۲۸



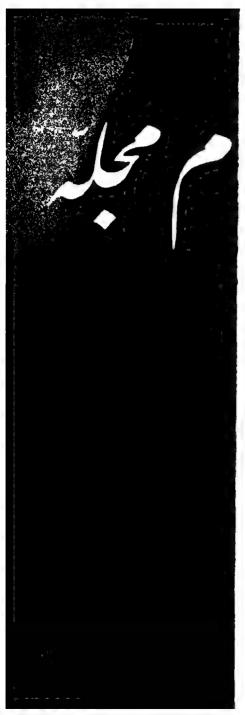
عکس ۱۳۰



عکس ۱۲۹



عکس ۱۳۱





خوائند حمان وما

ورطی چهارسال انتشار مجلة بررسيهاى تاريخي (٢٤ شماره) ، فضلا ودانشمندان و خوانندكان محترم وعلاقمند, بارها نظرات خود راچه كنبي وچه تلفنی وچه زبانی، دربارهٔ مطالب ومباحث ومجله وهمهنين شکل و قطع و نحوهٔ چاپ آن ابرازفرموده اندوادارة مجله نيز أسا امتنان فراوان اكثر اين مظرات را بمنظور بهبود وضع مجله در موقع خود بکاربسته المنتقرقسمت اعظم بيشرفتها و مانی هم که بتدریج در معجله حاصل شده است ان حاصل همين نظرات

خوانندگان ارجمند بودهاست وازاین روسازمان مجلهٔ بررسیهای تاریخی بهمه جهت سپاسگزار این جمع از دوستداران فرهنای تمدن و تاریخ ایسران میباشد.

ولی درخلال این زمان گلایه هائی نیز در موردتقدم و تأخر چاپ مقالات ازبرخی نویسند گان حساس مابد فتر مجله رسیده است که اگرچه تصور وانتظار میرود که آن گلایه ها جنبه جدی ندارد ممهذا ما رانا گزیر میسازد یاد آور شویم در ترتیب تقدم و تأخر مقالات جزرعایت وضع مجله از نظر قناسب موضوعها رنك آمیزی صنحات، نحوهٔ ارائه مجله و تصاویر و بالاخره مشكلات چاپخانه و مسائل فنی. علت دیگری وجود ندارد زیرا مقالاتی که در مجله بچاپ میرسد قدر متیقن موافق مرام و روش مجله میباشند و بالنیجه از نظر مجله ، تفاوتی میان آنها نیست با توجه بآنچه گفته شد. مجله بررسیهای تاریخی مقالات و نوشته های تحقیقی و مستدل تاریخی مربوط بایران را که مستند بر مدارك و ارائه مآخذ دریای صفحات باشد با امتنان و سیاسگزاری از همكاری نویسندگن و محققان ارجمند می پذیرد.

مسئولیت مندرجات و مطالب مقالات وارده بانویسندگان مقالات است و از اینرومجلهٔ بررسیهای تاریخی درقبال عقاید نویسندگان مسئولیتی نخواهدداشت.

مقالات باید ماشین شده وروی یك صفحه نوشته شده باشد. مقالاتیكه بدفتره جله میرسد مسترد نمیشود.

مجله در چاپ و یا رد مقالاتی که بدفتر مجله میرسد آزاد است .

نویسندگان ایرانی عرب زبان ونویسندگان هند اختراع شطرنج را به اردشیر دایشلیم ، برزویه حکیم ، هرمس حکیم ، بزر همهر حکیم ، داهر یا داسر، صیصه بن داهر، صیصه ایاسه سیس وسیسان، اجلاج، شاتر اش ، ما نداداری (مندودری) ، سلیمان پینمبر ، خشایارشا، ارسطو، هان سینك (چینی) وصولی ومانندآن نسبت داده اند و نام پادشاهان و فرمانروایان و دانشمندانی چون . اردشیر ، انوشیروان ، گو (كئو) ، طلحند ، شهرام ، بلهیت ، شاه بخت ، دیپسرم تخت ریتوس وغیره را می آوردند که در اینکار دست داشته اند

درمیان این نامها نام دابشلیم درانوار سهیلی آمده و داهرو مندودری شباهتی به نامهای هندی دارد و نامی مانند سیسی درمثنوی مهر و ماه از فقیر محمد آمده اما دیگر نامها اسلا هندی نیست.

درکتابی که دربارهٔ شطرنج درهند نوشته شده وچند جا بدان اشاره کردیم نوشته است :

پیدایش شطرنج بزمان پیش از تاریخ نسبت داده میشود... برخی مورخان آنرا به چین و گروهی از آنان آنرا بمصر منسوب ساخته و بگفته ایرانیان پیدایش آن در هند استوفر دوسی درین باره شعرهائی سروده است . °

وقيده ن بلان

ن, بلان و ۱۸۵۰ میلادی کتابی نوشته که در آن کتاب ثابت میکند که ایرانیان سازنده شطرنج بودند نام کتاب اور افرهنگنامه بریتانیکا نیز نقل کرده است. ۲

ه کتاب معلم الشطرنج معروف به «یارشاطر» تألیف لاله راجا بابو صاحب مانهرمصاحب مهاداجه بهوپاندرستگه صاحب مهتدریشین را جای پتیاله (پنجاب) صفحه ۳ چاپ دهلی درمطیع|مبریال بگدیو ۱۹۰۱ میلادی.

^{5 -} N. Bland درکتان : Persian chess, London 1856

^{7 -} Encyclopidia Britania جاپ نوین صفحه ٤٦٠ دفتر پنجم

شطرنبع در هندو ستان چگونه بو ده

ابوریحان بیرونی دانشمند هند شناس که درزمان غزنویان بهندوستان رفته و تاریخی برای هند نوشته دربارهٔ شطرنجی که درهندبچشم دیدهچنین مبنویسد :

د.. درسفرهٔ شطرنج فیل را جلومیرانند راست یك خانه بیك خانهمانند پیاده واوریب مانند وزیر درهرچهارسو.لیكنفقط دریكخانه وچنین كویند كه این خانهها جای چهار دست و پای فیل است و خرطوم آن.»

دهندیان چهار نفره با دوتاس شطرنج بازی میکنند. چگونگی چیدن مهردها برسفرهٔ شطرنج مخصوص است. وچون این شکل در میانهٔ مامشهور نیست آنچه در بارهٔ آن میدانم یاد میکنم به اینگونه که :

«هریك از چهاربازی كن دریك سوی سغرهٔ شطرنج می نشینند و به نوبت ناس می اندازند از شماره های تاس (۲) و (۵) را باطل میسازند و بجسای پنج یك میگیرند و بجای شش چهار چنانكه در شكل نشان می دهیم : پنج یك میگیرند و بجای شش چهار چنانكه در شكل نشان می دهیم : یکی از مهر دهاست. عدد یك هم برای پیاده است و هم برای شاه و حركت این دومهره همان است كه دربازی شطرنج مشهور میباشد. شاه زده میشود و بآن كش نمیدهند تا از جایش فرار كند. نقش دو در تاس مخصوس رخ است. حركت این اوریب است در قطر خانه ها. نقش سه و یژهٔ اسب است و حركت آن سه خانه ای است چنانكه در نزد ما رواج دارد. نقش چهار و بژهٔ فیل است و حركت آن راست، مانند حركت رخ در نزد ما واگر مانمی نباشد به پیش میتازد. زمانیكه مانعی جلوی رخ باشد با آمدن تاس ممكن نباشد به پیش میتازد. کمترین حركت رخ یك خانه است و بیشترین آن پانزده است و بیشترین آن پانزده خانه. زیرا ممكن است نقش تاسها دو چهار یا دوشش بیاید.

پس رخ بانقش یك تاسهمهٔ ستون كنار درا مى پیماید و بانقش تاس دیگر

ستون کناره دیگررامی پیماند وبا نقش تاس دیگر ستون کناره دیگر راواین در جائی است که مانعی در راه نباشد و دوعد در ابر خانه های بازی آمده باشد .

«هریك ازمهره هادارای ارزشی است که هنگام زدن برنده طبق آن حساب برد خود را نگه میدارد. ارزش شاه پنج است و ارزش فیل چهارواسب سه و رخ دو و پیاده یك هربازیگر که شاهی گرفت پنج برده است و دوشاه ده و سه شاه پانزده و این در صورتی است که برنده شاه خود باختیار نداشته باشد ولی اگرشاه خود را از دست نداده و سهشاه ببرد (۵۶) برده است. و این نکته یك موضوع قراردادی است نه از روی حساب عددی ه. ۸

ابوریحان بیرونی دانشمند هندشناس مدتی در هنداقامت داشته و میدانم. که زبان سانسکریت نیز می دانسته بااینهمه از آنچه دربارهٔ شطرنج در هند نگاشته چنین دستگیر میشود:

۱ - اصطلاحات شطر نج درهز ارسال پیش درهندفارسی و معرب بوده است نه هندی و سانسکریت .

۲ - شطرنجی که در هندبازی میکردهاند با این شطرنج فرق داشته و با آن شطرنج چهارشاه بوده آن شطرنج چهارشاه بوده ووزیر نداشته و آنگاه شطرنج را باتاس بازی میکردهاند . گوئی این شطرنج تقلیدی از نرد و شطرنج بوده و بازی شبیه آنچه بیرونی میگوید نزدایرانیان رواج داشته .

هند گجاست

از آنچه دربار وپیدایش شطرنج در هندگفته شد که ایرانیان در داستانهای خودگفته اند و منشاء این عقیده بوده که شطرنج در هندوستان پدید آمده این نکته شایان ترجمه است که نام هند یك نام تازه است که از سده چهارم هجری به بعد بوسیله مسلمانان بسرزمین هند نهاده شده

٨- تحقيق ماللنهند : ١٤٧ ــ ١٤٨ . (چاپخانه عثمانيه حيدرآباد دكن سال ١٩٥٨ ميلادي)

هندیان هرگز بکشورخود هند نمی گفتند بلکه بکشورخویش بهارات یا بصورتی کهنآریا ورته یاآریا ورتاگفتهاند و نام هندراکشورهای غربی و عرب از مسلمانان گرفتهاند.

پیش از سدهٔ چهارم هنجری نام هند یکیاز نامهای سرزمین خوزستان و بخشی از میان رودان (بینالنهرین)که نام آن سرزمین نیز در کتابها دل ایرانشهر بوده است و نام عراق یك نام تازه است که گفته میشود.

در اوستا نامهفت هند و اوبسانسکریت سپنته سند وا دیده میشود وآن سرزمینیاست که هفت رود داشته و این سرزمین جای دیگری جزخوزستان وبخش جنوبی میان رودان نبوده است که بسرزمین هفت هند معروف بوده

اکنون نیز در خوزستان نامهای هندیهان واندیمشك و هند و و و هنده و هند و رابی باقی است یك خاور شناس کانادائی بنام راس دین پرا نام همان را نیز ازریشه هندمیداند و تاهمدان را جزواین بخش بشمار میآورد. این مشابهتنام هند بخشی از ایران باهندوستان موجب شده که برخی آن سرزمین را باهندوستان کنونی که یك نام تازه است اشتباه نمایند و شطرنج را بسرزمین دیگری نسبت دهند .

چنانکه دیدیم اگر پیشاز ایران شطرنج درهندوستان پدیدآمدهباشد باید اصطلاحاتآن لااقل درهندوستان بزبان کهن خودشان سانسکریت یا هندی باشد .

تحقیقات ما نشان میدهد که در سرزمین هندوستان نیز نام مهره ها و اصطلاحات شطرنج یا مستقیم ازفارسی گرفته شده یابرخی از آنها مانند آنهه در زبانهای دیگر هست ترجمه شده و این سابقه را از نوشته های ابوریحان بیرونی دانشمند هندشناس که درسدهٔ چهارم و پنجم میزیسته و بهندوستان

۱- (۳۰۰ تا ۴۳۰) پیش ازمیلاد Xénophon کزننون در کتاب Cyropédia درجنگهای کورش بزرگ درجنگ کورش بزرگ درجنگ باآشور آورده است که صغیران هند بنزد شاهنشاه میکایند که اگر لازم است در جنگ با آشورباوکمک کنند وچون شاهنشاه این پیشنهاد دا می پذیرد بزودی نیروی کمکی واردمیدان کارزاد میشوند درصورتیکه اگراین هند، هندوستان کنونی بوده دوسالی وقت میخواسته تا لشکریان کمکی با وسایل آنروز خود دا ازشرق ایران به غرب برسانند .

رفته وتاریخ هند را نوشته میتوان دریافت که ایناصطلاحات هزارسال پیش نیز فارسی بوده است نه امروز. اکنونباصطلاحات شطرنج درایران و هند ودیگر کشورها میپردازیم.

اصطلاحات شطرنبع

زبان شناسی یکی ازارکان تاریخ استکه ما را بنکات اساسی درتاریخ رهنمون میشود ٔ ۱وزبان هرملتگویای تمدنآنست . ۱۱

پیشنیه دانش وفرهنگ و تمدن هرملت در زبان آن منعکس است و هر ملت چنانکه دانش و اختراع و افزاری داشته بیشك نام آنرا هم باید داشته بیاشد.

اکنونباآنچه دربارهٔ شطرنج گفته شد باید دیدزبان شناسی تاچه اندازه درستی این سخنان را نشان میدهد :

علت بسیاری از تغییر اتونوشته های پرتوپلا آنست که غالب نویسندگان زبان شناس نمید انسته اند یا ازراه علمی و اردشناسائی تاریخچه شطر نج نشده اند بلکه روی داستانها و افسانه های تاریخی تکیه کرده و سپس خواسته انسد ریشه ای برای شطر نج از نخود و برنج و آش وعشو و رنگ و پرده و ماننسد آن بتراشند یا گفته های بی اساس دیگران را بازگو کرده اند .

چنانکه گفته شد مآخذ بیشتر نوشته ها یك داستان ایرانی بنام ماتیكان شطرنج است که قابل قبول نیست که بزر مهر آنرا بدرایت دریابد و یکی دو داستان هندی که پسازآن ساخته شده.

بدیهی است چنانکه شطرنج از هندوستان بایران یا کشورهای دیسکر رفته باشد باید اصطلاحات آن از هندی گرفته شده باشد یا آنکه حداقل در هندوستان که زبانهای گوناگون هست در آن زبانها نام شطرنج واصطلاحات

۱۰ م نقدی برتاریخ ایران و جهان نگارش نگارند. دیده شود .

۱۱ دائره تمده یك واژه جدید است که مدوم آن قابل توصیف است تاریخ تمدن وفرهنگ نگارش نگارنده دیده شود .

ومهره های آن از زبان باستانی هند ۱۲ گرفته شده باشد .

دگر گونی واژدها بمانشان میدهد که شترنگ فارسی که شطرنج معرب آنست از چترنگ بهلوی گرفته شده و نمیتواند از ریشه ها و معانی گفته شده از سانسکریت باشد . وانگهی نه تنها نام شطرنج در زبان هندی از شکل فارسی آن گرفته شده بلکه اصطلاحات دیگر و نام مهرها نیز از سانسکریت گرفته نشده اسک برخی از آنها درسانسکریت کهن وجود ندارد .

نویسنده شاهد صادق که خود هند شناس بوده مینویسد: «شطرنج معرب شترنک است و معنی آن بهندی هفت رنگ است، اگردورنگ یاچهار خانسه یاشش رنگ بود باز میتوانستیم این تغییر را بپذیریم که این نام متناسب بوده است اما نه هفت رنگ ۱۳

چترنگ به پهلوی ساسانی ازدوجز و یکی پیشوند چتر یا چتور و چتور یا چاتور بمعنی چهار گوش و چهار تائی است که در زبانهای آریائی و هند و اروپائی نیز ازریشه چهار مانند آنچه درروسی چتری به چهار و به یك چهار چتور مشتقشده میباشد گویند در زبان فارسی ستور نیز بمعنی چهار پا از ریشه چتور است. پسوند انگ و هنگ و انگا و هنگا بمعنی دسته و ردیف و معنی چترنگ چیزیست که از چهار دسته یا چهار جز و درست شده باشد چترنگ بهلوی به زبان دری شترنگ و معربش شطرنج شده است ، و چون حرف چ به سین بدل شود همانگونه که چتور ستور شده است چترنگ نیز سترنگ شده که معرب آن سطرنج شده است .

معنی دیگرچتر به پهلوی ژاداست چنانکه درمنوچهرکه دراصل منوچتر بوده بمعنی مینوزاد وانگ گفته شد بمعنی رسته و همانند هنگ است پس

۱۳ ذبانهای هندی بنگالی گجراتیکه بیشتر درشمال هنه رایج است زبانهائی است که ریشه آنها سانسکریت است وبسیار واژمهای فارسی درآنها هست. زبانهای مردم جنوبی از نوع زبانهای آریائی یا غیر آریائی خردم درآنها بوده وزبان اردو زبانی استکه بزبان فارسی نزدیکتر است تا زبانهای هندی .

۱۳- درالبیان والبتین جا خط آمد. هچون کروه زیادی ازایرانیان ازقدیمالایام درشهرمدینه ساکنشدهاند زبانشان باکلمات فادسی آمیخته از جمله شطرنج را با شترنج تلفظ میکنند چاپ قاهره بسال ۱۳۳۲ قمری صفحه ۱۱.

چترنگ بمعنی زاده رسته میشود وشطرنجی یعنی چهارخانه چهارخانه تنها از آنروکه ژبان سانسکریت کهنتر اززبان پهلوی است نمیتوان گفت که این واژه درپهلوی وفارسی دری ازسانسکریت گرفته شده باشد وانگاه چنانکمه خواهیم دید نام مهرهها نیز درسانسکریت ما را دچار اشکال میکند.

درست است شکل پهلوی وسانسکریت چترنگ تسااندازهای نزدیك بهم است و گرچه خواستهانسد بسرای واژه چترنگ پهلوی ریشه چتورانگا یسا شترونهایا در سانسکریت بیابند باید گفت چترنگ پهلوی وشطرنج فارسی نمیتواند از آن ریشهباشد و چترنگ و شترنگ شکل گرفته شده از سانسکریت نیست واگراین واژه بسانسکریت معنی میشود برای نزدیکی ریشه های زبان فارسی دری و پهلوی و اوستائی و پارسی باستان بازبانهای سانسکریت و هندی است که خویشاوندی نزدیك دارند و ریشه های مشترك بسیار اگرزبان پهلوی و فارسی واژه شطرنج را از زبان سانسکریت گرفته اند باید دید در زبانهای هندی مانند کجراتی بنگالی ، هندی واردو این واژه چگونه گفته میشود ؛ و در این زبانها اصطلاحات مات و کش ، و زیر ، رخ ، پیاده و غیره چگونه بیان می گردد .

چنانکهخواهیم دید همه این اصطلاحات درزبانهای هندی بشکلفارسی آن نزدیك است و معلوم میشود ازفارسی گرفته شده نه ازسانسکریت که ریشه زبان آنهاست .

چانکه به هندی بشطرنج همان شطرنج ۱۶ وبکجرانی و افغانی سطرنج و باردو نیز شطرنج کویند .

ودرزبانهای هندی مانند پالی ۱۰ بنگالی، کجرانی اصطلاحات هیهکدام از آن شکل که گویند درسانسکریت بوده گرفته نشده است.

درصورتیکه اگر شطرنج پیش ازدوران پیدایش زبان پهلوی وفارسی

^{14 —} Shatranj

ه ۱ ـ زبان پالی زبان عامیانه شده سانسکریت استکه درسرزمین کهبود! بوده زبان محلی بوده وبیشش ادبیات بودائی بدان زبان است .

دری در هند پدید آمده باشد باید نام اصطلاحات آن درایران از سانسکریت و هندی گرفته شده باشد و در هندوستان نیز اصطلاحات اصلی از آنجا باشد .

اكنون نام شطرنج بزبانهاى مختلف .

چون شکل واژه چترنگیاشترنگ ویاشطرنج نمیتوانسته سانسکریت باشد بسانسکریت ریشههای چاتورانگا ، چتورانگا ، چتورنگ ، چترانگ، شتورنگا وشترونجایا برای آن یافتهاند کسه هیچکدام نمیتوانسد برای این منظور کافی باشد اکنون شطرنج را

آا- تركى استانبولى Satranç يا Satranç

۱۷- پېلري چترانگ 31-JII

۱۸ م Shetrange یا Schatrang یا Chantrang (نقل ازنامه دکتر دینشاه که عیناگراورشده) ۱۸ مرفته شده از پهلوی ساسانی .

[·] ۲۰ به یونانی جدید زیرا دریونانی قدیم واژه برای شطرنج نیست رجرع شود به

⁽Greck lexicon of the Roman and Bysatine Periodes (from: B.C 146 to A.D. 1100) By E.A. Sophocles N.Y. Leipzig 1890

به ایتالیائی ـ سکاکو^{۲۱}

به اسپانیولی ـ آخدرز یا آخدرس^{۲۲}

به لاتین ـ سکاکی^{۲۲}

به چینی ـ شانچی^{۲۸}

بزباناندونزی ـ چتر^{۲۰}

به فرانسه ۱۳۰ گرفته شده از نام شافهفارس ۲۷

به انکلیسی _ چمس ۲۸ از شه یا شاه فارسی یا از فرانسه کرفته شده به آلمانی _ شاخ و شاخمات ۲۹ کرفته شده از شاه و شاهمات فارسی و آخر کلمه به روسی

بسبب تعداد مهرمها بصورت جمع درآمده .

به چك ــ شاخى ۲۱ كرفته شده از فارسى

چنانکه دیده میشود نام شطرنج در زبانهای هندی گجرانی واردوهمه از فارسی کرفته شده و در زبانهای اروپائی برخلاف آنچه شایع است که از عربی کرفته شده زیرا در غالب این زبانها از نام شاه و

۲۱ به مغردآن سکاکودبه جمعآن سکاکیکه به جمع شطرنج ومهردهای آنگوینه

شكل ايتاليائي كفشته ازتزديكي بشكل يوناني جديد بهشكل قرائسه ثيز تزديك است وممكنست از يك ماخذ باشد .

Skaki -11

۲۳ Ajedroz معلوم نسبت ازشكل عربی گرفته شده از واژهالشطرنج وشین به خ تبدیل شده چنانكه شیراز را خرس گویند وفیل را كه از عربی گرفته نه با الله و لام الفیل گویند .

Shan-chi ما مبدانیم ازدیرماز کروهی ازشاهزادگان اشکانی وساسانی بهچین رفته بودند .

مy ... Tjatur کوئی از شکل پہلوی گرفته شده است .

Echecs من النشاه فارسى اقتباس شده زيرا واژه Echec فرمنگ ديد: شود. Nouveau dictionnaire étinologicame

۲۷ فرهنگ لاروس کوچك مصدر تلفظ میشود (c-shè) اشه

Chen _ ۲۸ که چمع است واز شه گرفته شده

H. Kupper بازی را Schachmatt کویند ومات شدن شاه را نقل از فرهنگ Schachmatt نوشته Freind Warter Buch

. - Schakhuati چوز درزبان روسی حرفها ندارند های فارسی تبدیل به خ شده است.

۳۱ Sachy چیج است در آخر.

شهمات فارسی گرفته شده است نهاز الشطرنج که معرب شترنگ فارسیاست. نام شطرنج بفرانسه در سدهٔ شانزدهم و هفدهم مسیحی از فارسی گرفته شده و نام شطرنج باسپانیولی ازعربی جلوتر گرفته شده است

نام مهره های شطرنج و اصطلاحات آن

۱ _ شاه

شاه رابسانسکریت نرپاتی ۳۳ و به هندی راجا ۳۳ کویند که ماراجه کوئیم و شاه بزرگ یاشاه شاهان را به هندی مهاراجا کویند اماشاه شطرنج رابهندی نیزشاه کویند ۴۰ آلمانی و روسی ۳۰ آلمانی و روسی ۱۳ و نیزشاه کویند ۴۰ آلمانی و روسی ۱۳ و نیزشاه کویند و اصطلاحات شطرنج را بی واسطه یا باواسطه از زبان فارسی کرفته اند اما شاه را بلفظ خود بیان میکند مثلا در عربی الملك کویند ولی در زبان هندی به اصطلاح فارسی شاه کفته میشود و در زبان اردو به شاه بادشاه یاشپاه کویند باسپانیولی به شاه ری ۳۷ و به یونانی قدیم شاه شطرنج نیست به یونانی جدید شاه را بازیله آس ۳۸ کویند به چینی وانگ دیا ۲۹

حرکت شاه به زبان بهاشار اجا۱۰

جنانکه خانه خالی باشد شاه میتواندبیكخانه پهلوازهرسوحركتكند وبه هنگامیکه در آرایش كامل اولیه است چنانکه میان شاه و رخ از هر سو

^{32 -} Nrpaty

^{33 —} Raja

نام دكتر اينشاء هندي ديده شود . Shah -- Shah

۳۰ به انگلیسی چیك Korolocheck چون ضرمه روی دومین (او، قرار دارد (او) تخستین صدای (آ) میدهد ۳۰ و آوانگاری لانبن آن Karol میشود . ضمناً بشاه شطرنج شاخ گفته میشود چون در زبان دوسی ه وجود قدارد و تام شاه شطرنج بیشتر هنگامی بگارخیرید که شاه در معرض تهدید باشد و درواقع بجای کش قارسی بگار میرود و در زبانهای اروپائی شه هم گویند .

^{37 -} Rey

⁽بلاتين) Basileas (بلاتين)

³⁹_ Wang-Dia

بزبان الدونزى Radja ـــ 40

مهرهای نباشد وشاه ازجای خود حرکت نکرده باشد ومهره رخدرجای باشد میتوان جای شاه را چند خانه عوض کرد ورخ بسوی دیگر شاه گیرد این اصطلاح را قلعه رفتن شاه گویند قلعه رفتن از حدود سده چه میلادی وسیله فرنگیان ببازی افزوده شدو برخی عقیده داشتند وقتی شاه خورده باشد نیز نمیتواند قلعه رود اگر چه حرکت نکرده باشد درگه بجای قلعه رفتن شاه از سه چهار خانه پرش میکرد.

٣ ـ وزير ـ فرزين - فرز

دراسطلاح شطرنج پیش ازین بیشتر بوزیر فرزین گفته اند چنا انوری کوید:

شاهمات عنا شدم که نکرد یك پیاده عنایتش فرزین دربرهان قاطع آمده است که دفرزبکسراول وسکون ثانی وزاری نام مهرهای هم هست از مهره های شطرنج و آن بمنزله وزیر است. ودرا عرب که اصطلاحات را ازفارسی گرفته اند هنوز وزیر شطرنج را الفرزگ ودرزبان روسی نیز بوزیر شطرنج فرز ۱ کویند.

اروپائیان غربی که اصطلاحات را از عرب گرفتهاند در آغاز انتشاره شطرنج رافرزیافرسیا^{۲۶} گفتهاندو چون معنی آن برای همگان روشنبود دوشیزه ^{۲۳} خواندندواسپانیولی ها آنراملکه ^{۲۶} وسپس فرانسویان آنرا باه وانگلیسها در برابر شاه شهبانو ۲^۲ و آلمانیها چنین گفتند ۲^۲ و به ترکی نیزوزی باکسراول در زبان چینی وانگ هر ۲^۹ و بزبان بهاشا (اندونزنزی) ژتو ۰۰

رنيا

Fercia

Vierge

Keina

Ladause

Quieen
Die Kolwrgien

Vezir

Wang?hau

Ratu

⁽به نوشته لابین) Ferrz.

درزبان فارسی فرزین راوزیر هم گفته اندچنانکه این بیت ادیب الممالك فراهانی که نام همه مهر ههای شطرنج آهده است

وزیرشاهی وصداسب پیلتن بکمندت بگو که رخ به که آرم پیاده مانده و ماتم اما بسانسکریت بوزیر منتری ۱° گویندو به هندی و گجرائی و اردو ۲° همان و زیر که از فارسی گرفته شده و این دلیل دیگریست که اصطلاحات شطر نج در سرزمین هند از زبانهای ایرانی گرفته شده نه از سانسکریت در یونان قدیم و اژه برای و زیر شطر نج نیست اما به یونانی جدید بآن ملکه ۳۰ گویند.

حركت وزير

حرکت وزیر امروز ازهرجانب کجوراست است ومیتواندمانند فیلورخ هردوحرکت کند واگرجلوآن بازباشد درهرخانهبنشیند شامراتهدیدنماید.

٣ ـ بيل يا فيل

پيل يك واژه فارسى استكه فيل معرب آنست .

درایران کنونی پیش ازمیان رفتنجنگلهایخوزستان وفارس کهدر بخش گرمسیری بوده فیل وجود داشته است در نقش طاق بستان نقش فیلی دیسده میشود که ازفیلهای هندی کوچکتراست .

سرپرستی ساکس در تاریخ ایران به نقل از منابع چینی مینویسد که ابرانیان دارای یکنوع فیل سفید بودند که ظاهر آ این فیل در آغاز اسلام از میان رفته است . این فیل یك فیل سفید باهوش بوده که خسر و پرویز نظم و تر تیب آنها را درمیدان جنگ ستوده است زیرا هنگامیکه شاه بمیدان نبر دمیآ مدواز فیلان میان می دید همه یکباره بشاهنشاه سرفرود میآ وردند و نوشته اند شاهنشاه خسر و پرویز شاهنشاه فیمان این منفر را در پای پیل افکنده در تاریخ قدیم ساز و در شاهنشامه فردوسی نیز بسیار از فیل یاد شده و در جنگها ساسانیان

^{51 -} Mantri

٥٦- شطرنج كاوزير (باردي)

از فیل استفاده میکر دند به پیل بسانسگریت گاجا ^{۱۵} گویند اما به هندی و گجرائی و بنگالی به فیل هاتی ^{۱۵} و برخی مانند زبان ار دوبیل گویند در این صورت آشکار است که این واژه نیز از سانسکریت گرفته نشده است در زبانهای اروپائی این واژه تغییر معنی داده چنانکه بغرانسوی به آن دیوانه ^{۲۵} و به انگلیسی اسیف ^{۲۵} و به آلمانی دونده ^{۸۵} و بر وسی آنرا ^{۲۵} گویند و با سیانیولی از عربی گرفته الفیل ^{۲۰} گویند که به یونانی قدیم الفیل ^{۲۰} گویند که به یونانی قدیم بمعنی شخص عالیر تبه و والامقام است . آنچه از نظر ما اهمیت دارد همان اصطلاحات هندی و بنگالی و گجرائی و ار دو است که از سانسکریت گرفته نشده و نشانهٔ آنست که این بازی از هند باستان نبوده فیل را به چینی تر چید ^{۲۱} و به هاشام دان تری گویند که به نازی از هند باستان نبوده فیل را به چینی تر چید ^{۲۱}

حركت فيل

درگذشته حرکت فیل محدود بدوخانه کج بود ولی امروزهر چندخانه کج در دوسوی فیل سیاه یاسفید بازباشد میتواند حرکت کند .

اسب ۽ سو ار

اسبیکی ازمهرههای شطرنج است که حرکت مخصوص دارد تنهامهره ایست که پرش میکند از دیرباز است یکی ازبهترین وسایل جنگ بوده که مورد علاقه ایرانیان بوده است واززمان جنگهای ایران ورم تادوران نا در شاه ایرانیان

^{54 —} Gaya

^{55 -} Hathi

^{56 -} Le Fon

^{57 -} Bishap

^{58 —} Derspriger

^{59 —} Cuah (çlon)

^{60 --} Alfil

^{61 -} Axiomatikos

^{26 -} Tau-Chio

^{63 -} Perdawa Meuteri

درسوار کاری بنام بوده اند. در فارسی باستان به اسب اسه و در اوستائی اسپه ۱۶ و در فارسی اسب گویند و سوار و اموار را کب را گفته اند اما در هندی واژه این شطر نجازریشه دیگر فارسی گرفته شده و به آن گهور ا^۳ گویند که از ریشه کهر بمعنی اسب قرمزیا گور فارسی گرفته شده که در زبان اردو نیز چنی است. مختار غزنوی دربارهٔ اسب گوید:

تانزد خرمند روانیست بشطرنج لعب رخ زاسب وروش اسب زفرزین

درشمال هندوستان یك گونه شطرنج دیدم که بجسای اسب شترداشت و میدانیم که شترازچهار پایان ویژه ایران وسرزمینهای غرب هندوستان و هندیان در جنگهای نادری برای نخستین بار شتردیدند بمهره اسب بعربی الفرس و بفرانسوی سوار ۲۰ و بانگلیسی نیزسوار ۲۰ و باسپانیولی هم سوار ۲۰ به چینی و وسوئی ۲۰ بهاشا کودا ۲۰ و بروسی ۲۰ و به یونانی ۲۲

حركتاسب

حرکت اسب پرش از دوخانه از هرسو و دریك خانه راست یاچپ آنست . ظاهراً حرکت اسب از گذشته تاکنون تغییری نکرده است.

۵ ـ رخ

در برهان قاطع آمده است که درخ (بضماول)یك مهره ازمهرههای شطرنج بسام اوموسوم است و بعضی گویند باین معنی عربی است، این تعبیر درست نیست

۱۹ در دورانهای پیش از وراهاپ بجای حرف وبکار میرفته چنانکه اسب در اوستا اسپه Aspa
 دد زبان سانسکریت دوراثی (آشور) Ashva میباشد یا Asva
 ۱۵ درزبان نساسکریت بگوزن گوه میگوینه .

66 - Le cavalrer

67 - Knighat

کابایو (بنوشته لانین) Caballo کابایو

69 — Wu-Sui

70 - Kuda

(بنوشته لاتین) 67 — Kou

72 - Alogho (بنوشته لاتين) آلوغو

رخ یارك واژه ایست فارسی بمعنی ارابه وقلعه و پرنده افسانه ای و چهره و آنرا عرب گرفته بصورت الرخ، در آورده و جمع آنرا الرخان بكار برده اند ۲ ممكن است در فارسی در اصل روك بوده باشد.

ا کرمعنی رخ ارابه یا ارابه جنگی باشداین واژه بسیار قدیم است عنصری گفته.

شطرنج فریب را توشاه و مارخ سراسب نشاط را رکابی بارخ به رخدرشمال هندوستان توب گویند که گرفته شده از توپ فارسی است. در سانسکریت به رخ تاری ک^{۹۷} گویند اما این واژه مهجوری است و در هندی و بنگالی و گجرائی واردو همان رخ ^{۹۷} گویند و بانگلیسی به آن ^{۲۷} درست بمعنی قلعه و بغرانسه بمعنی برج و قلعه و باسپانیولی ^{۸۸} و به آلمانی ^{۹۸} و بروسی ^{۸۰} نیز بدین معنی است به یونانی ^{۸۱} بمعنی برج و قلعه در زبان گرجی قدیم که بازبان بهلوی نزدیکی داشته شاهر خی گویند و معلومست که همان رخ و شاهر خ فارسی است ۲۰ به چینی به رخ بولائی ^{۹۸} و بزبان هاشابنتنگ ^{۸۶} گویند

اصطلاح قلمه درزبانفارسی هم هنگام تعویمن جای شاه ورخ بکاربرده میشود وازآنجا برجا ماند. آنچه مهم استآنکه نه تنها فرنگیان بلکه در

۷۳س فرهنگ واژدهای فارسی درزمان عربی کردآورده دانشینه عرب شناس آقای محیدعلی شوشس مناحه ۲۸۶ چاپ تیران ،

74 --- Tari

75 -- Rookh

اك سال Cartle

78 — Torre

80 -- Ladia (بنوشته لاتين)

بير غرس (بنوشته لاتين) 81 — Prighos

به کرجی امروز (اتلی) Ethi

بآخر شاهرخ هم یاگرفته وشاهرخی گویند این یا نشانه نام Nowinathiy توره استوجزوکله نیست

79 — Derturm

83 — Bau — lei

84 — Beruting

زبانهای هندی نیز این واژه ازفارسی کرفته شده نه ازسانسکریت و کرچه ریشهای برای آن یافته اند بمعنی اریکه و گویند رخ معرب آنست.

حرکترخ ازچهارسوبخانهٔ مستقیم استوظاهر آ ازگذشته ها امروز حرکت آن تغییری نکرده است.

٦۔ پیادہ

واژه پیاده رابسانسکریتباتیکا گوینداما به هندی وبنگالی و کجرائی پیاده را از فارسی کرفته وبار دوبیاده یاپیدل وبروی پشکا^{۲۸} وباسپانیولی پئون ^{۸۷} وبعربی پیاده معرب شده بیذق والبارق یا الیاذق گفته اند که در فارسی بیدق و بیدقی نیز بکار رفته است

چنانکه حافظ فرماید :

تاچه بازی رخ نماید بیدقی خواهیم راند

عرصه شطرئج رندان را مجال شاه نیست

ودرفرانسه ۸۸ بمعنی سنگهاو مهره هابکاررفته وبانگلیسی ۸۹ بمعنی تضمین قول بوده دریونانی قدیم واژهای برای مهره پیاده نیست امابیونانی جدید پیونی مهره کویند. پیاده را به چینی نئون بین ۹۲ وبزبان هاشا پر جریت ۹۲

حرکت پیاده

پیاده دربازی ایرانی یا خانه جلوبوده و یا خانه یا خانه بجلوحر کت نموده اما امروز فرنگیان در آغاز بازی نخستین حرکت پیاده را دوخانه

85 -- Batika در روی کا علامت تصفیر است ولفت بعنی پیاده رواد است 86 -- Peshka (به نوشته لاتین) 91 -- Sui Been 87 -- Péan 92 -- Peradyurit 88 -- Lespions

پان

90 --- Pioni (بىرشته لاتين)

جلومیروند یابرخی دریك حركت پیاده را ازدوكنار صحنه شطرنج هریك یك خانه جلومیروند (روش ایرانی قدیم)

다 다 다

بمناسبت مهره های ششگانه شطرنج برخی گفته اند شطرنج دراصل شش رنگ بوده است و اما اگر برای این مهره ها نامهائی از سانسکریت ویونانی باستان گفته شدچیزیست که از فرهنگها یا آنچه دانشمندان سانسکریت شناس بیان داشته اند نقل کرده ایم نه آنکه نامهایی بوده باشد که بزبان محاوره رایج باشد. چنانکه از نامه د کتر دینشاه برمی آید میتوان گفت اصطلاحات شطرنج درزبان سانسکریت نیست.

٧ ـ گش - كيش

در معنی کش برهان قاطع مینویسد؛

«کش بکسر اول امر برخزانیدن شاه شطرنج استوقتی که درخانهٔ مهرهٔ حریف نشسته باشد وامر بدور کردن وراندن مرغ خانگی نیز هست و کیش هم ضبط شده است درمعنی اول هم گاهی کیش بکار میرود»

امروز کیش را درسانسکریت یاد گویند واین لغت گوئی از فارسی گرفته شده یا از ریشه های مشتر که دو زبان است زیرا در فارسی «پاده بمعنی پاس و پائیدن باشدو در اصل ابن لغت پات بوده و درست همان معنی کش است و باز آنچه جالب است آنکه در زبانهای هندی این واژه از سانسکریت گرفته نشده به کش به هندی کشت یا چال گویند یا به برخی زبانهای دیگر بشو گرفته شده از شاه فارسی در بر هان قاطع در بارهٔ معنی چال آمد که داز اصطلاحات قمار ضبطشده و بزبان متعارف اهل هند رفتار است کش را در زبانهای بنگالی و گجرائی گاهی نیز از کش فارسی ترجمه شده است کش را در زبانهای بنگالی و گجرائی گاهی شدار در وسی شده و با در دوسی از کش است در روسی

بجای گفتن کششاخ ۱۹ میگویندوریونانی قدیم واژه، برای کش نیستوبه یونانی جدید رویا ۹ مگویند به گرجی کیشی ۲۹

۸ ـ مات ـ شاهمات

«مات»نیز ازاسطلاحات شطرنج است هنگامی که شاه در عرصه شطر نج چنان کرفتار آید که از هرراه در تهدید باشد وراه و حرکتی عداشته باشد بدو مات کویندواین عمل رامات شدن کویند و مقصود از شهمات آنست که شاه مات شده است خاقانی در قصیدهٔ بنام مدائن کوید:

از اسب پیاده شو بر نطع زمین رخ نه

زير يى پيلش بين شهمات شده تعمان

برخی از زبانها مانند فرانسه ۱۹ و آلمانی ۹۸ وروسی ۱۹ این تر کیب راعیناً کرفته اند در یونانی قدیم واژه ای برای مات نیست اما به یونانی جدید همان کویند که از فارسی گرفته شده مات رابزبان سانسکریت شرناکت و به هندی مات ۱۰۰ کرفته و بزبانهای بنگالی و گجراتی واردونیز ازمات فارسی گرفته شده و در زبان گرجی نیز شهمات را شاماتی ۱۰۱ گویند گاه آن صحنه را که در آنجاشاه مات میشود مانگه نیز گویندچنانکه خاقانی در قصیده بنام مدائن گفته

ای بس شه پیلافکنکافکنده بشه پیلی

شطرنجسی تقدیسرش در ماتله حسرمان

٩٤ Shakh حمان شاهست زيرا كفته شد روسي ما ندارد وآنرا خ تلفظ ميكنند

ه ۹_ Roya (نوشته لاتين)

۹۲- یا آخر نام واژهما درگرجو Nowinatif است .

97 -- Schah-Mat & Check - Mati & e'chec et uat

98 — Schachmat عاضات

99 - Shakmat (بنوشته لاتين) شاخماتي (بنوشته لاتين)

100 - Uat

101- Sawati

۵_ لات ويات

لات اصطلاحی است که بکار میرود هنگامیکه یکی از دوبازی کن همه مهرمهای خودرا بدون شاه ازدست داده باشد کسیکه لات شدهباشد در بازی قدیم ایران باخته بشمار میآید ولی دربازی کنونی که مطابق فرنگیانبازی کنند وفرنگی گویند لات باخته نیست.

لات را رت ۱۰۲ آنهمنوشتهاندوگفتهاند بمعنی برهنه ولخت کسیکه همه سواران وپیاده های خودرا از دست داده باشد.

اما پاتحالیت که شاه ومهره های حریف دروضعی قرار گیرد که مات نشده باشد اما هیچ حرکتی نداشته باشد و خانه های اطرف مهره های اواشغال باشد یا در معرض کشی که نتواند تغییر جا دهد. این حالت راهیچ به هیچ دانسته و و بازی رااز سر آغاز میکنند.

• ١- كشته

اصطلاح کشته برای هرمهرهایست که درمیدان شطرنجبامهره مهاجمزده شود بآنمهره کشنه گفته میشود وازمیدان خارج میشود تمامهرهها ازپیاده تاوزیر کشتهمیشوندجزشاه کهتاآخربازیدرصحنه خواهدماندو گاهممکنست دوشاه ویك مهره درصفحه باقی بماند.

۹۱_ اروب

هنگامیکه مهرهای میان شاه و سواری حایل باشد که اگرآن مهره برداشته شود شاه کشخورد آنمهر مرا در حال اروب گویند و با سطلاح ترکی آناکنون متداول است و بفارسی میخکوب نیزگویند.

۱۰۲- دب بقع اول برهنه وعريان را كويند وبضم هم استعمال شده برهان قاطع

١٧_ تخته شطر نبح

تخته شطرنج راتخت شطرنج وسفره ونطع ورقعه و عرصه وبساط شطرنج هم گفته اند.

فردوسی فرم**ود**ه

تھی کسردہ از رنج شطرنج گنج

یکی تخته شطرنج کسرده برنج وجای دیگر:

نه از کارداندان هندو شنید

که یك تختشطرنجهرگز ندید دربارهٔ عرصه شطرنج حافظ گوید.

برای چه بازی رخ نماید بیدتی خواهیم راند

عرصه شطرنج را ندامی را مجال شاه نیست

ودربارة استعمال نطع شطرنج خاقاني كويدب

ازاسب پیاده شوبر نطع زمین رخ نه

زیر پیپیلش بین شهمات شده نعمان

امیر معزی نیزگفته،

برنطع ظفر بادسرتین تو چون کوه شاهان مخالف را شهمات بطعنین دربرخی از آثار سفرهٔ شطرنج را رقعه شطرنج گفته اند ۱۰۳

سفره شطرنج اصطلاح عمومی بوده وچون سفره درآنجاز از چرم بسوده آنرا نطع نیز گفتهاند وروی زمینرا بنطع شطرنج تشبیه کردهاند .

نوشته اند در آغاز سفرهٔ شطر تجی یا کرنگ بوده و خانسه ها سیاه و سفید نبوده است و بیشتر قرمز بوده اما از سدهٔ سیزدهم میلادی بدور نگ سپیدوسیاه رنگ شده .

در گذشته شطرنج دارای گسترش وسفره های گوناگون بوده چنانهه زیرجام حسنلو سفره شطرنج نهدرده خانه دارد.

دروی خانه های شطرنج انواعی برای شطرنج ذکرشده کهده خانه آنرا

خوات الحصون وشطرنج چهاردر شانزده راشطر نج هفت کو کب ودوازده برجو شطرنج کبیر گویند ۱۰۶م

نویسنده شاهد صادق مینویسد متأخرین دوشتر ودوپیاده از هـر طرفی کم کردهاند.

درشاهنامهٔ فردوسی نیز اشاره بشطرنجی شده است که یكشاه ویكوزیر ودواسب ودوفیل ودوشتر ودودسته پیاده داشته است .

میتوان گفت سفرهٔ شطرنج درگذشته گسترش گوناگون داشته کسه دراقسام شطرنج بدان اشاره نخواهدشد واماآنچه دربارهٔ تغییراتی کهدرهند وایران وروم درآن داده اندواز داستانها وافسانه های شرقی سرچشمه گرفته است.

۱۰۴ نقل از نفایس الفنون فی عرایس العیون محمدبن محمود آملی قسم رویم درعلوم اوایل مقاله پنجم
 در علم شمارنج .

كاندارى وتسير ندازى درادبيات فارى

قبلم: ابوالقاسم جنبتی عطالی در کردراد بایشیش

بادآوری: در بارهٔ ، کمانداری، و د تیراندازی و اسامی آلات ، ادوات، آموختن فن تير اندازي واصطلاحات عربوط به آن ، رساله های متعدد درزبان فارسی نگارش یافته است که دانشمند محترم آقای دمحمدتقی دانش-یژوه، درمقدمه ای که بررسالهٔ تيراندازي فارسي بنام: وجامع-الهداية فيعلم الرماية ، تأليف: نظام الدين احمدين محمدين احمد معروف بهره شجاع الدين درودباش بيهقى، يرداختة سال ۱۸ ۷هجری نوشته اند (۱) بیست وجهار رسالة مختلف را معرفي کردهاند، و آقای دایر جافشار، محقق ارجمند، رساله ای رابنام:

۱- فرهنك إيران زمين: شماره ١١- ص٢٢٩-٢٧٩.

« انتخاب رسالهٔ قوسیه تصنیف کپورچند » در شمارهٔ دوم سال سوم « مجلهٔ بررسیهای تاریخی » درج کرده اند که از لحاظ اصطلاحات مربوط به « تیر اندازی » بسیار سود مند است. اما آنچه در این رساله فراهم آمده از بعض جهات مستنبط از آن دواثر است با افزوده هایی از یادد اشتهای پدرم که او از مربیش تعلیماتی گرفته بود (۲) و از گفته های نویسند کان وسروده های شاعران نامدار (مناظرات (۳) که امید است از نظر ادبی مفید فایده و چراغی فراراه پژوهند گان آینده باشد. ضمنا باید گفته شود که از لحاظ کیفیت خاصی که این پژوهش ادبی داشته ، نوسته ، نویسنده منابع و مآخذ کلیهٔ مسائل ، مطالب و اشعاری را که در این رساله آورده ، ذکر نکرده است ، و این قصوریست که بعلت «باکوره بودن» یادد اشتهای نخستین بوجود آمده ؛ پوزش بسیار همراه این اعتراف است ، تا یادد اشتهای نخستین بوجود آمده ؛ پوزش بسیار همراه این اعتراف است ، تا چه قبول افتد و چه در نظر آید ؛ »

سر آغاز:

غریزهٔ شکار ازصدها هزارسال پیش که انسان باحیوانات دیگر برصحنهٔ جهان پدیدارشد بااو بوجود آمد. «تیرو کمان ازسلاحهای بسیار کهناست که در شکار و ستیزه با جانوران وحشی بکار میرفته است (٤) . انسانهای دوران «نوسنگی» نخست کسانی بودند که « تیرو کمان» را اختراع کردند (۵). در داستانهای ایرانی ساختن آنهارا به «کیومرث پیشدادی «نسبت می دهند. صاحب « نوروزنامه » می نویسد: « نخستین کس که تیرو کمان ساخت کیومرث بود ، کمان وی بدان روزگار چوبین بود، بی استخوان یکباره چون درونهٔ حلاجان

۳ و مهدیقلی خان شاملو هرانی که بعداز فتح هرات درزمان ناصرالدین شاه قاجار باعدهای ازطایعهٔ خود وهراتیان بهایران مهاجرت کرده وبرادراو «احمد قلیخان» کماندار شاهی شد واین شغل تا اواخر دورهٔ قاجار درخانوادهٔ آنان بود.

۳- مناظرهٔ «تیروکمان» درضمن منظومهٔ «شاه ودرویش» اثر هملالی جنسائی» ومناظرهٔ «قوس ورمج» که بعضی آنرا «نیزه وکمان» نوشتهاند. اثر «اسدی طوسی».

٤- ايران ازآغاز تااسلام ترجبه دكتر محمد مدين ص

٥- تاريخ تمدن شيباني- ص٢٦و٢٦

و بیروی کلگینباسه پروپیکان استخوان. پس چون آرش و هادان بیامد بروزگار منوچهر، کمان را به پنج پاره کرد هم از چوب و هم ازنی و سریشم بهم استوار در و پبکان آهن کرد ، پس تیراندازی به بهرام گور رسید ، بهرام کمان را باستخوان یار کرد و به تیرچهار پرنهاد و کمان را ترز پوشید (۲).»

ورنقشهائی کهبدستور فرمانروایان دانوبانی نی (۷) « پادشاه دلولوبیان (۸) » بر مخره های ناحیه دسر پل ذهاب و وهکدهٔ جدید دسر پل حک شده است و به هزارهٔ سوم پیش از میلاد تعلق دارد. تیرو کمان دیده میشود، در هر دو تصویر کمان شکلی بسیار ساده و ابتدائی دارد و آن چوبی است خمیده که بر دوسر آن زهی متصل است و در تصویر اول «تیر کشی» در دسترس رئیس محلی دیده میشود، و در تصویر دوم یک چوبه تیر که نز دیک به χ زه کمان است و بر نوك آن پیکانی چون برگ بید قرار دارد، در دست شاه « انوبانی نی » هست آن پیکانی چون برگ بید قرار دارد، در دست شاه « انوبانی نی » هست آن پیکانی بر مهره های استوانه یی متعلق به او اسط هزارهٔ سوم ق.م مدر ک دنبی است از اهمیت کمانداری و تیر اندازی.

۱ . ۲ . ۱ ۱۸ مه حبیبی _ چاپ طهوری . ص ۵۳ و ۵۳

Annubansa

Lullubi .

ا ۱۰ ارآعاد بااسلامه برجمه دکترمحمه معینه ص۳۳و۳۷و۳۸ وباریخ ماد: توسنه دیاکونوف ا استان کریم کشاورزه ص ۱۳۹و۱۳۷

۱۱ مادیخ ماد _ برجمه کریم کشاورز ص ۱۰۶وده۱ Lisir-Pireini

در موزهٔ دبریتانیا، نقش برجستهٔ شیری تیر خور ده از دوران دآشور، هست تیر بریشت شیر در ناحیهٔ کتف فرورفته واز در دی جانکاه رنج میبرد ۱۲

در «یشتها» آمدهاست که در گردونهٔ مهر هزار کمان خوش ساخت هست. نسبی از این کمانهای به زه آراسته ، از زه «گوسن (شاید گوزن) ۱۳ ، ساخته شده و نیز هزار تیر به پر کر کس آراسته زرین ناوك باسوفار هائی از استخوان خوش ساخت هست بسی از این تیرها آهنین است ۱۶،

در «سفر پیدایش» که از کهنترین اسفارتوراناست ، ازشکار کردنباتبر و کمان گفتگوئی آمده است ۱۰.

«هرودوت، مینویسد : سکها(سکاها) تیروکمان داشتندوگاه از پوست دشمنان برای تیرها غلاف میساختند ۱۳

نقش دشکارشیر، که بانوشته ای بسه زبان از دواریوش شاه، بجامانده است و اکنون در د موزه بربتانیا، نگهداری می شود، اهمیت و مهارت در تیراندازی با کمان را در دورهٔ هخامنشیان میرساند ۱۷ شکار گر برروی گردونه ای که بوسیلهٔ اسب کشیده میشود. ایستاده و در همان حال بسوی شیر تیر می اندازد.

سکههایی بانقش فرمانروایان پارتی که تیر و کمان نیز برآنها هست برجامانده کسه میرساند تیر و کمان از سلاحهای مؤثر قوم «پارت» در نبرد بادشمنان بودهاست بنابروایت تاریخ در نبرده کرهه ۱۸ هزار شتر که بار آن تیرهای ذخیره بود باسپاه کمانداران سواره که موجب شهرت قشون پارت بود همراه بوده است ۱۹ واین سپاه مسلح به کمان در جنگ دمتحرای (جنگ و گریز)

۱۲ ماریخ هنرهای مصورت علینفی وزیری، ص ۹۶

Gavasne _\\

۱۵ـ یشت ۱۲۸ و۱۲۹

١٥ ا كتاب مقدس ص ٧٧٥

١٨٧- ناريخ هرودوت. نرجمه وحيد مازندراني. ص١٨٧

۱۷ ـ آرم مجله بررسبهای ماریخی.

Carrhae _\A

۱۹ ایران ازآعاز بااسلام برجیه دکترمسی ص۲۱۵ وی ناریخ ایران باستاند نوشنه دیاری نرجیه روحی اربای ص ۱۳۱۲ر۳۱

ماهر بود و دشمن راباابری ازتیرها محاط میکرد. ۲۰

سنگ نبشتهٔ دحاجی آباد، که ازدشاپور اردشیران، است. نخستین شناسنامه

بیراندازی، دورهٔ ساسانیان است : د تیراندازی من. مزدا پرست ، بغ شاپور
شاهنشاه ایران وانیران از نژاد ایزدان، پسر مزدا پرست ، بغ اردشیر شاهنشاه
ابران از نژاد ایزدان نوهٔ بغ پاپك شاه . ما چون این تیر را انداختیم ، پیش
شهرداران و ویسپوران و بزرگان و آزادان انداختیم ما پای در این در ونهادیم
وتبررابسوی آن دچیتاك (بنا) ، وبدانسوی آن افكندیم و چون جائی که تیر
افکنده شد، آنجای چنان نبود که اگر بنایی ساخته می شد از بیرون پیدامی گشت
پسمافر مودیم که چیتاك را این سوی ترسازند آن که رادست نیو (نیك) است او
پای به این در ونهد و تیر به سوی آن چیتاك اندازد . پساگر تیر بدان جای
رسیداو را دست خوب است ۲۰ .

درنقشطاق بستان درشکارگاه خسرو پرویز ، پنجصف دیده می شود که بر مریك دوفیلبان نشسته اند، در بالا قایقی است که بانوان بسیار در آن نشسته بر مریك دوفیلبان نشسته اند، در بالا قایقی است که بانوان بسیار در آن نشسته بر بخواندن و کف زدن مشغولندو در مقدم ومؤخر قایقهاز نان پارو میز نند...، در استاست و کمان را بزه کرده است زنی در یسار او ایستاده ، تیری باو تقدیم میکند. زنی دیرگر در طرف یمین او بنواختن چنگ مشغول است قایق دیگر در پشتسرشاه پراز نوازندگان چنگ است. در این جا برگرد سرشاه هاله ایست و کمانی سستشده در دست دار دو معلوم میشو د که شکار بیابان آمده است ۲۲

در دنوروزنامه، آمده است که بهرام گور روزی پیش نعمان منذر ایستاده

۲۰ راستان دولشگریهم برشکست که از بر بر سرکشان ایر بست. شاهنامهٔ چاپ مسکوت مج۱-ص۲۰۱
 ۲۰ رحمه دکتر ماهیار نوابی

^{۲۲ ایران درزمان ساسانیان آربود کریستنمین، نرجمه رشید یاسمی س۳۳۳ دربارهٔ زنی که به آمداد بیر میدهد، داسدی طوسی، بگنایه گوید: چوگرد بك بادوابرابرشم ـ میزد گرشود ماه آب کشم ، هجمعالفصحا مجلد اول حاشیهٔ ص ۲۸۶}

بود ،بیك کمان دوتیر انداخت و دومرغ را بدان دوتیر ازهوا فرود آورد ۲۰ در «هفت پیکر» نیز آمده است که روزی بهرام گور در شکار گاه ، شیری پنجه کشیده برپشت گوری نشسته بود، شاه کمان برگرفت و تیری درزه آورد و در کشید تیر هردور ا سفت و بیرون جست و تاسوفار در زمین شد

ازدشاهنامه،ودویسورامین، و دخمسه نظامی، و کتابهای ادبی و تاریخی چنین برمیآید که تیر و کمان از وسایل مؤثر شکار کردن بوده است در شکار گاهها کنیز کان گلرخ کمان رابهزهمیکردندوبدست چپ پادشاهمیدادند، فردوسی فرماید،

درشکار پرندگان و جانورانی که تیز میدویدند ونزدیك شدن به آنن آسان نبود و گاه از فاصله یی نزدیك به صدگام صید آنان میسر بود، بكار میرفت فردوسی گوید :

چو تیراز برچرخبر کردشاه بزخم کبوتر زصدگام راه اماشکاردوندگان بااین سلاحازمهارتهای پادشاهان به شمار آمده است: اصول فن تیر اندازی:

تیراندازی بیست و دو (۲۲) اصل دارد که باید هنگام تیراندازد رعایت شود:

۲- هواشناسی.
۲- ایستادن.
۳- قبضه گرفتن .
۵- قبضه گرفتن .
۲- دست درست داشتن.
۲- دست درست داشتن.
۲- مسافت دانستن .
۲- ممان کشیدن .

۳۲ ص ۱۵سا۱سص ۳۶۳ وفردوسی فرماید: بزد بیربریشت آن گورنر به کذرکرد برگور ۲۰ و دسمدی» نیزاین موضوع راچیس بکنایه کفته است: نول بیر مژه ازجوشن جان میگذرانی-۱ پوست نگمم بوچنین سخت گمانی! (طبیات).

٢٤ شاهنامه فردوسي باهتمام دسرسيافي مجلد چهارم ص ١٨٨٢

۱۲-طریق تیرانداختن. ۱۶-کسوت کردن هنگام کمانداری . ۱۳-ضروریات تیرانداز. ۱۸-صفت کمان. ۲۰-صفت هگیر. ۲۲-صفت پیکان.

۱۱- کشاد دادن.

١٦- سازموافق داشتن.

۱۰ به تبراندازی عادت کردن.

١١٠ سيان هنرتير انداز.

١٠ سفتزه.

۲۱ مفتتیر.

هوا شناسی:

هنگام تیراندازی باید هوا نه کرم و نه سرد باشد وباران و برفوبادهم سشد، زیرادراین مواقع تیراندازی مناسب نیست و تیرخوب بنشان نمیتوان انداخت، بجهات زیر:

در موقع گرما و آفتاب شدید ، دست عرق می کند و باین جهت نمیتوان درست کمانرا کشیدوتیر ازدست می جهد و بهدف نمی خورد.

درهوای سرد و برفی هم بعلت سردی هوا - دست قادر بمحکم گرفتن تیر و کمان نیست و باین جهت تیر بی موقع از کمان خارج هی شود و به نشان نمی خورد و نساخن دوشست سیاه هی شود و سبابه صدمه می بیند و عیبهای دیگری پدید می آید .

در تواریخ نوشتهاند که دمعتصم، خلیفه عباسی کسه بخلیفه ثامن (هشتم)

مشهوراست در نبرد دعموریه، که بارومیان مصاف داد بعلت سردی هواتیر اندازان

سهادوی قادر بزه کردن کمان نبودند، بنابراین معتصم بجهت ترغیب و تحریص

ماهیان و بخاطر نیروی فوق العاده ای که داشت، چهار هزار کمان رادر آن روز

زه درد و بدست تیراندازان دادتاتیر اندازی کنند ۲۰

در روزیکهبادمیوزدتیراندازی نمیتوان کرد، زیراتیروا بادمیبردودرست به مشان نمیخورد. ن

و٢٦. دمبرى نيز دركتاب وحيوات الحبوان درشرح احوال معتصم باين موضوع إشاره كرده است.

در روزباران نیز بعلت رطوبت هواتیر دور نخواهد رفت بهترین اوقات برای تیر اندازی،وقتاعتدال هواست و آن چهار فصل است باین ترقیب:

موسم کلسرخ برابر با اواخر فروردین و اوایل اردیبهشت مطابق باماه آوریل «یلادی

- موسم کل غوره د باخردادماه د بااواخرماه مه .
- موسم جودرو ، باتير ماه ، بااوايل ژونن ،
- موسمخزان ، بامهر ماه ، بااوایل اکتبر ،

وبهترین اوقات ازاین چهار فصل «موسم گل غوره،است ،زیرا که رطوبت رفته وخشکی آمده وهوا در نهایت اعتدال است. بدیهی است اختیار هوای مساعد برای تیراندازی در صور تیکه شخص بخواهد به اختیار تیراندازی کند و الادر هنگام از و منیازی بتعیین وقت نخواهد داشت.

ايستادن:

بایدتیراندازچنانبایستد که پهلوی چپ باپای راست، برابر هدفیانشانه باشدو کعب پای راست مقابل پاشنهٔ پای چپ ومیان هر دو پای یك گام بیشتر فاصله نباشد و باید نوک یاسر پای چپ رابه زمین سخت و محکم نگهدار دو پاشنه را کمی از زمین بلند کند و این در صور تی است که ایستاده بخواهد تیراندازی کند و لی اگر بخواهد نشسته تیر بیندازد، باید پای راست راخم کند و پای چپ راستون نما بدو برافرازد، چنانکه فر دوسی فرموده است

ستون کردچپراوخم کرد راست خروش از خمچرخ چاچی بخاست ۲۹ واگر بخواهداز بالابه پائین (از فراز به نشیب) تیر انداز دباید دمر فق،دست چپ

۲۱ دستون کرد چپ وخمآورد راست، و دچوچپ راست کرد وخمآورد راست، نیز دیده خه
 لعت نامه دهخداد چـ ص ۱۳

رايرزا**نويچپتكيەدھەتادستىلرزد^{۲۷}**

قبضه حرفتن :

باید تیرانداز بقدری تمرین کند که در موقع کمان گرفتن کف دستش آمله نکند وانگشت ابهام وی زخم نشود و تاول نزند و نلرزد و انگشتان بهکدیگر نه پیچد و از یکدیگر بازنباشد .

هرکدام از این علتهاکهگفته شداگر ظاهر شود ، تیراندازی درست انجام نخواهد شد .

شت آرفتن - (مشت الرفنن) :

باید درشت گرفتن ، در میان انگشت سبابه و وسطی ، سرناخن ابهام پیدا نشود و میان سوفار و زهگیر به اندازه غلظت زه کمان فاصله نباشد ، زیرا اکر غبر ازاین ترتیب تیر گرفته شود ، تیر پراکنده می افتد و درست بهدف می خورد .

شست گرفتن را دشست گره کردن، نیز گویند. فردوسی کوید: کهای ماه چون من کمان را بهزه برآرم بشست اندر آرم کره

ونيز گفته است .

بر آورد زاغ کمان را به زه بتندی بشستو سهبرزدگره

که معنی بیت اخیر چنان است که شست و سه انگشت دیگر را که سبابه سطی و بنصر باشد باید در موقع شست گرفتن کره کرده بعضی تیر اندازان است و دو انگشت دیگر را کره میکرده اند . توضیح اینکه ، ایندست دست است که تیررا کرفته است .

سیام وحشی ساکن جزایر اقیانوسیه، آمریکا وآفریقا درهنگام تبراندازی منعصوصا روببالابه پشت میخوابید و پای چپ راستون میکند و پای راست رابرآن مکیه میدهند و کمان راباانگشتان پسای می گرند و تیر وزه رابپردو دست می گیرند و کمان رامی کشند و رحا می کنند. کویا این کاردا می کنند که درموقع خود ذکر خواهد شد.

نگاه کردن = (نظر کردن) :

نظر كردن يا قراول رفتن ، سهنوع است :

الف: ختوى يا ختائي.

ب : بهرام گور .

ج؛ طاهر بلخي ٢٨

طریق ختوی ، نوعیست که از جانب پشت دست راست که تیر راگرفته است ، نظر کنند .

طریق بهرام گور ، نوعیست که از درون کمان از جانب تیر نظر می کنند . طریق طاهر بلخی ، نوعیست که بیك چشم از جانب چپنگاه می کنند .

اما عقیدهٔ غالب صاحبان قبضه و کمانداران برآن است که اگردر میان قبضهٔ کمان سوراخی باشد واز آنجانگاه کنند بهتر خواهدبسود . اگرشست دست راست که تیرراگرفته و پیکان ونشان با یکدیگر مطابق بشود تیر کاملا بهدف می نشیند ۲۹

فردوسی در بارهٔ نگاه کردنیا قراول رفتن گوید:

نگه کرد گودرز و تیر خدنگ که آهن گذارد مر او را زسنگ

ونيز فرمايد .

تهمتن نگه کرد و آن تیر گز که پیکانش را داده بدآبرز ۳۰

دست درست داشتن :

باید دست چپ که کمان را گرفته باساعد راست باشد. زیرا اگر بالاباشد تیر بلنده می افتد واگر پائین تر باشد، تیر براست تیر انداز می خورد، توضیح آنگه تیر انداز بایده کباده ۲۰ بسیار بکشد قاستون فقرات قایم شود و بازوان نیرو کیرد

۲۸ یکی اراسسادان این فن بوده است.

۲۹ از یادداششهای پدرم .

۳۰ کسانوا بزه کرد وآن سرکز ـ که پیکائش راداده بدآن رز (نیزدیده شد) سشاهها ـ چاپ مسکرد
 مجلد ۲- ص ۳۰۶

۳۱ کباده درلغت. مطلق کمان رامیزگویند ودراصطلاح ایروز، وررشکاران ایران، کمان آمس^{ک به} آن زنجیراست و برای نیرومندکردن بازوان بکارمبیرند «کیرگه» کو بند.

و نار زدو تاستون قایم نشده اگر تیر انداز، تیر اندازی کندعیبهای بسیار پدید آید .

«کباده» کمانیست سست که در وقت کشیدن آن دستوبازو راچندان زحمتی نمیرسد وزهآن زنجیراست . دائیراخستیکی، گوید:

کر کوشه گیر خانهٔ زنجیر کشته ای در پنجهٔ کشاکش کردون کباده ای «نظامی» کوید :

کباده ز چرخ و کمان ساختیم بهر کشتی تیری انداختیم

کباده کشیدن چنان است که اول مبتدی به کبادهٔ سست ، بعدد معین کشد وبعد هرروز زیادتر کند وبعد کبادهٔ سخت تر وپساز آن با کسان ، تا دست نیروگیرد وبهنگام تیراندازی نلرزد . از اهثال مشهور است که : فلان کبادهٔ فلان کار را می کشد ، یعنی خودرا برای آن کار حاضر می کند .

مسافت دانستن :

باید چشم تیرانداز «اندازه گیر» باشد که بمجرد نگاه کسردن ، حدس بزند که مابین او وهدف یا دشمن چه مقدار فاصله هست . پساز تعیین فاصله (مسافت) مابین تیرو نشان ، اگر بعد مابین تیر انداز وهدف ، هفتصد گام (۷۰۰) باشد ، بایدازانگشت کوچك دست چپ که کمان راگرفته و «خنضر» نامیده می شود ، نگاه کند .

درصور تکه مابین تیرانداز و هدف ششصد گام (۲۰۰) باشد ، باید از انکشت دومین که وبنصر، نامیده می شود ، نگاه کند .

- اگر مابین تیرانداز ونشانه پانصدگام (۵۰۰) باشد ، بایداز انگشت میانه که دوسطی، نامند ، نظر کند .
- اگر مابین تیرانداز ونشانه چهارصدگام(٤٠٠) باشد، بایدازانگشت «سبابه، نگاه کند .
- اگر مابین تیرانداز وهدف سیصدگام (۳۰۰) باشد ، بایسد از پیکان تیر ، نظرکند .

۔ اگر مابین تیراندازو خصم دویستگام (۲۰۰) باشد ، باید بر کلاه دشمن نگاه کند .

واگر مابین تیرانداز و دشمن یکصدگام(۱۰۰) باشد ، باید بر ریش او نظر کند ۴۲

در کمان رفتن :

تیرانداز باید هنگام در کمان رفتنمانندگر به که برای گرفتن موش پنهان می شود ، همچنان در کمان پنهان شود ۳ وهنگامیکه در کمان رفت، نفس خودرا نگاهدارد (دم برنیارد) و چنان متوجه خود باشد که تمام اعضای وی آگاه باشد و تمام هموفکر خودرا بزور تازه آورد . و چون در کمان رود، ۳ سه گز قد را بیك گز آورد ، و باید بملایمت و سست در کمان رود و شیر و تند از کمان بیرون آید . چنانکه شاعر گوید :

گردر آییدر کمان سست وبرون آیی چوشیر

ازصف مردان بر آید نعسره همای رستخیمز

در کمان رفتن همان زمان نگاه کردن و کمان کشیدن است که هرسه در در یک زمان است و تقریباً آداب هرسه یکی است دها تف اصفهانی و گوید : تو کمان کشیده ای و در کمین که زنی بتیرم و من غمین

همهٔ غمم بود از همین که خدا نکرده خطا کنی .

دخواجه حافظ، نیز کوید <u>.</u>

در قصد خون عاشق ابسر دو چشم شوخت

که این کمین کشاده که آن کمان کشیده .

۳۳ فرار ازجنك سپاهی اشكانی برای حساب فاصلهٔ دوری ازدشمن بوده است تاببینند چندگام دور شده، وازاین رهگذر تیروا بطرف خصم بیندازد، برای یك دمیدان، یك انگشت بالامپیرد برای دو دمیدان، دوانگشت وشش انگشت حسابرا یك دقیضه، میگفیند.

٣٣ منط الرامي فيقوسه .

۳٤ يا : كمين كردن .

كمان كشيدن :

تیرانداز باید در هنگام کمان کشیدن اند کی زانورا فراخ کند ولی کمر را خم نکند ونیز در وقت کمان کشیدن هم بایسد دم فرو بندو و تمام حواس خودرا بزور تازه آورد تا به آن اندازه که باید کمان را کشید، کشیده شود ، و آن هشت قبضهٔ تیراست و نیز حد کشیدن کمان ، رسیدن زه وسوفار تیراست بگوش (و در صورت امکان رسانیدن) و پیکان بشست دست چپ که کمان را گرفته است ، چنانکه فردوسی گفته است :

چو سوفارش آمد به پهنای گوش چو بوسید پیکان سرانگشتاوی «سعدی» نیز گوید:

ترا یاوری کرد فرخ سروش ونیز درمقام تشبیهگفته است :

سحر است كمان ابروانت

«نظامی» نیز درمقام تشبیه گفته است :

کمان کش کرد مشتی تابناگوش دخواجه حافظ، گوید :

باچشم وابروي توچه تدبيردل كنم

ومزين كمان كهبرسربيمارميكشي

چنان برشیرزد کزشیرشد هوش

زچرم گوزنان برآمد خروش^{۳۵}

گذر کرد از مهرهٔ بشت اوی.

و کرنه زه آورده بودم بگوش۲۶

بيوسته كشيده تا بناكوش٣٧

از کمان بیرون آمدن:

صاحبان قبضه وتیراندازان و کمانداران ودانشمندان این فن برآنند که باید تیرانداز مانند شیری که از کنام خود باوقار وصلابت بیرون میآیسد ، همانطورهم تیرانداز از کمان بیرون آید وچون از کمان بیرون آید باید یك گز قد را ده گز کند تا از هیبت او دشمن هراسان شود . وباید تیرانداز شیر

۳۵- شاهنامه ـ چاپ مسکو ـ مجلد چهارم . ص ۱۹۲و۱۹۰ . در شاخ گوزنان درآمد خروش، نیزدیده شد.

۲۷ - طیبات سمدی . ص ۱۸۹ .

وتند بیرون آید که صلابت درشیر بیرون آمدن است ، چنانکه درپیش به آن اشاره شد .

گشاد دادن:

كشاد دادن يعني رهاكردن تير . فردوسي فرمايد :

چو اواز کمان تیر بگشاد شست تن رستم ورخش جنگی بخست ۲۸

ونيزگفته است :

یکی تیر بر اسب نستیهنا رسید از گشاد وبر بیژنا۳۹

«خواجه حافظ» بطور كنايه كويد .

بگشای تیر مژکان و بریز خون حافظ

که چنین کشندهای را نکشد کسانتقامی

باید که تیرانداز درهنگام گشاد دادن ، اند کی در کمرتاب اندازد و دو شانه را بیکدیگرنزدیك سازد و تیررا رهاکند . چنانکه شاعر گوید : خواهی که تیرت از دل سندان گذر کند

اندك ميان به پيچ و بزن هردو شانه را .

درجای دیگر آمده است :

تیرت بر آستانهٔ مجری چو سرنهاد اندای میان بتابوبزن هردوشانهران ؟

طريق تير انداختن:

طریقه تیراندازی برسه نوع است :

محرف که طریق دختائیان، است.

یمین انداختن که طریق بهر ام کور است

مستوى كه روش اهل بلخست.

۳۸ شاهنامه ، چاپ مسکو _ مجلد ششم _ ص ۲۸٦ .

٣٩ شاهنامه - چاپ مسکو - مجلد پنجم . ص ١٣٦.

٤٠ رسالة كمامدارى ـ مصنيف كپورچند. تكوشش ايرح إفشار ـ مجله بررسيپاى كاريخى : شمارهٔ دوم سال صوم ـ ص ٨١ .

وچون هریك ازاینسه روش درموقعی بكار آید ، لذاباید تیراند ازهرسه را بیاموزد که درمواقع مختلف بكار برد :

محری و نوبت اندازی که درموقع تمرین و تیر اندازی به اختیار بکار آید. یمین انداختن در تا اندازی و پیش پا زدن و درموقع شکار بکار آید. مستوی در پر تاب اندازی و جنگ بکار آید.

توضیح آنکه تیرانداز هنگامیکه بخواهد هریك ازاین سه روش رابکار برد باید بمناسبت آن تیرو کمان را بردست بگیرد وبترتیب زیر :

درنوبت اندازی باید تیر و کمان مطابق نشانمه باشد و ابدا انحرافی نداشته باشد

یمین انداختن باید تیرانداز تیرو کمان را دردست بگیرد ومترصدباشد که شکار ازچه سوی برسد ، چه درزمین ، چه درهوا وچهازجهات دیگر. مستوی که در هنگام پرتاب و دورانداز بکارآید ، باید سرتیر رو ببالا باشد ، چنانکه پیکان تیر برابرسرتیرانداز واقع شود تا تیردور بیفتد .

ساز موافق داشتن:

باید اسباب و آلات تیرانداز خوب و کامل و درست باشد ، چه اگراند کی عیب و نقصی در آلات و ادوات آن باشد، عمل او ناقص است و تیر نمیتواند انداخت. کمان نباید بسیار بزرگ ویاخیلی کوچك باشد .

زاغه ياكوشةآن ساييده نشده باشد .

تاب نداشته باشد.

قبضهٔ آن بسیار سطبروخیلی نازك نباشد .

خرك آن ساييده نشده باشد

تیر درازتر ازاندازه معمولی و کوتاهترهم نباشد .

ازچوبهای سست وسبك وزن وهمچنین ازچوبهای سنگین ووزین ساخته نشده باشد .

خدنگ باشد. يعنى تاب نداشته وراست باشدا ،

سوفاريافاق آن كشاد وتنك نباشد.

پرتیرست واز پرطیورنرم تهیه نشدهباشد.

پیکانآن بسیار بزرگ و وزینباشد وجزدرموقع دوراندازی و پرتاب خیلی کوچك نبوده وتیربی پیکان نباشد.

زم كمان محكم و ساييده نشده باشد.

زمكيرتنك وكشاد نباشد .

(محاسن ومعایب هریك از آلات و ادوات تیراندازی در موقع خود ذكر خواهدشد)

كسوت كردن هنگام تيراندازي:

درهنگام تیراندازی باید تیرانداز لباس مناسببتن داشتهباشد زیرادر وقت تیراندازی بدن گرم میشود و گاهعرقمی کند و بااندای تصرف هواعشلات سرما زده شده ، معایب بسیار پدیدمی آید.

بەتىراندازى عادت كردن :

باید تیرانداز به تیراندازی عادت کند ، یعنی تیراندازیراتر او نکند و هرروز اگر ممکن نیست دست کم هفته ای یك روز تمرین کند و یا بهدفی تیراندازی نماید تابازوان سست نشود و در هنگام تیراندازی نلرزد و کف دست آبله نکند و دیگر معایبیکه از خامی پدید آید ، پیدانشود.

ضروريات تيرانداز:

تیر انداز را دو کمان ضرور است که همواره همراه داشته باشد کــهاگر یکی معیوب شد. دیگری حاضروموجودباشد.

مولوی گوید .

گویند کهدرسفتین ^{۴۱} تر کیدو کماندارد

گرزاندویکی گم شد, ما راچهزیان دارد.

۱۵ محمیل راز لبت آب دردهان آمد به حدیک را ز فوت آباب درسان اصاد . ۱ اشپری نشابوری تا ۱۵۰۰ محمیل را در درسان اسلین است از بر کستان منسوب بحوبان به برهان ماطع ۱۹۰۰ مخبین به برهان ماطع ۱۹۰۰ محمیل ۱۹۰ محمیل ۱۹۰۰ محمیل ۱۹۰ محمیل ۱۹۰ محمیل ۱۹۰۰ محمیل ۱۹۰۰ محمیل ۱۹۰ م

شاعرى كفتهاست ؛

ز تیر مژهٔ آن شوخ باید خود حذر کردن

که بهرصید دلهاز ابروان او مکمان دارد^{۳۲}

وسعدى، بكنايه مي كويد؛

من ازآن هردو كمانخانهٔ ابروي تو · چشم

برندارم اگرم دیده بدوزند به تیر .

« اعضای قزوینی » گوید.

کردم دل و جان هردو نشانش کـ مبادا

تیری شود از ابروی شوخش دو کمانه .

هر کمان باید دو زه یاچله داشته باشد ، برای اینکه اکر یکی بگسلد، دبگری موجود باشد .

جنانكه شاعرى بكنايه كفته است

كينسخت كمان دوچلهدارددريي.

زنهارحذر كنيد**ازسردىقوس** ⁸⁸

وتیرانداز باید درهنگامجنگ سپری همراه داشتهباشد تادر موقع لازم ازپشتسپر تیراندازی کند ونیز بوسیلهٔ آن تیردشمن را ازخود دفع نماید

چنانکه فردوسی کوید.

همی تیربارید بربدگمان بنیزمدر آمدبکردارگرگ⁶⁵ بزه کرد پیران ویسه کمان سپر برسر آوردگیوسترك

ونيز فرموده است :

بنیزه بگشتند و بشکست پست ببارید تیر از کمان سران همی تیر بارید همچون تگرگ

کمان برگرفتند هـر دو بدست بروی اندر آورده کرگ اسپران برآناسپر کرگوبرتركوترگ⁴⁷

۲۶ فدالقوس دوتن کماندار نامورند در عرب : «حاجب بن زراره» و «ستانبن عامر» .

^{£1۔} آذر خورشیدی .

^{د ٤}- شاهنامه ــ چاپ مسکو ــ مجلد پنجم ــ ص ١٧٣. ٢٦- شاهنامه . چاپ مسکو ــ مجلد پنجم ــ ص ١٩٩ ــ «برآن|سيرکرگٽوآنخودوترگ نيزديده شد .

رسعدى، بكنايه كويد ،

برو ای سپر ز پیشم که بجان رسید ، پیکان

بگذار تا به بینم که , که میزند بهتیرم۲۶

در گذشته های دور ، تیراندازان دارای سپرهای بزرگ بوده اند که از پشتآن تیراندازی می کرده اند واگر در عراده جنگی سوار بودند یکی از همراهان. برای آنان سپرداری میکرده است ۸۵

و باید تیرانداز «ترکش» یاه کیش، هٔ هٔ داشته و همواره تعدادی تیرساخته و حاضرو آماده داشته باشد که درمواقع لازمبکار آید . تاچنانکه «عبدالوهاب معتمدالدوله نشاط اسفهانی» در بیتی بکنایه ، باین مطلب اشاره کرده ، جای افسوس باقی نماند :

حسرتی بردمش امروز چوآن تیرانداز که رسد صیدی و تیریش نباشددر کیش بیان هنر تیرانداز:

باید تیرانداز خندان در کمان رود وشیر بیرون آید .

دیده بازداشتن ـ ستونراست داشتن ـ سینه پهن کسردن ـ قبضه را در آخر فشردن ـ سهانگشت وشست را درهم پیچیدن (چنانکه درشست گرفتن اشاره شد) ـ بازو را محکم داشتن ـ مرفق را برافراشتن ـ شست و پیکان را بریکدیگر راست داشتن ـ در آخرزور آوردن ـ تیر از کمان خوب بیرون آوردن ـ در کمرتاب انداختن ـ سازموافقداشتن ـ پایراست را ستون کردن پایچپ را پیشانداختن ـ کسیخنه انداختن ـ زهگیرداشتن برشست ـ برطبق قواعد علی و تجربه عدل کردن . . اینها هنر تیرانداز است کسه باید کاملا مراعات شود

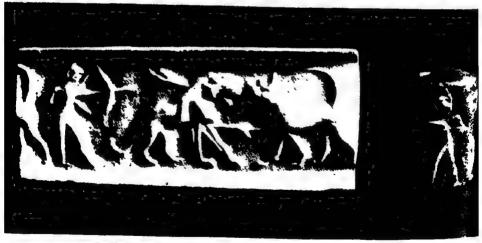
٤٧ــ طبات سعدی ، چاپ علمی ــ ص ٢٠٥.

۸۶ سرانداران رومی سیری بزرگ مربع مسلطیل داشتند که از پشت آن سراندازی میکردند و آب سیر نقریباً باندازه قد انسان بوده است .

٤٩ آسمان کر سلاح بریدد یا بین بند پسریو تهد درکش : ابوری اپنوردی .



خسرو دوم در شکارگاه (بشقاب نقره) (کتابخانهٔ ملی پاریس)



نقشی برروی مهری استوانه ای از ۲۵۰۰ سال پیش از میلادکه کمانداری و تیراندازی رانشان میدهد





صحنهٔ شکار خسرو دوم (طاق بستان)

وباید دانست که گذشته از دانستن فن و آداب تیراندازی ، تیراندازباید از نظر جسمانی هم مناسب کمانداری و تیراندازی باشد ، مثلا تیرانداز باید دلند بالا - فراخ سینه - بلندوست - تندرست - کمی فربه و نیرومند باشد . افراد کوتاه قد - لاغراندام و ضعیف المزاج بسرای تیراندازی مناسب نیستند ، زیرا آنها در تیراندازی ، ستارهای در خشان نخواهند شد . چنانکه فردوسی در ابیات زیر بمناسبتی تیرانداز را چنین تعریف و توصیف می کند :

کمانکش سواری ،گشاده بری بتن زورمندی و کند آوری . خدنگی بینداختی چارپر ازینسوبه آن سونکردینظر.

باید تیرانداز هنگام تیراندازی ، اول کمان را آزمایش کند که عیبی نداشته باشد وسپس کمان را زه کند ، زیرا که کمان را بازه نباید گذاشت ، چون «چله کش، خواهد شد . بعد تیررا امتحان کند که پروپیکانآن محکم باشدو آنگاه تیرو کمان را برسردست بگیردونام پروردگار ودرود برپیامبر برزبان آورد . چنانکه فردوسی فرماید :

دو زاغ کمان را بزم بر نهاد ز دادار نیکی دهش کردیاد "

ونیز نام تیراندازان و کمانداران و صاحبان قبضه را برزبان آورد وبعد نیراندازی آغاز کند به می گویند که هفت هزار وهفتصد و هفتاد وهفت تسن تیرانداز بوده است که از آن جمله است ده کمر بستهٔ کامل که این اسامی را داشته اند ب

آرش (شیوایتر) - رستم دستان - بهرام گور-طاهر بلخی - هاشم ابیوردی-استاد طبری - اسحق کوفی - نصحی - قلبك ۵۰ - وعالمشاه رومی .

٥٠ دوزاغ كمان را بزه بر نهاد ـ ز يزدان پيروزكر كرد ياد ـ نىز ديده شد .

[&]quot;سدرجامعالهدایه مه بکوشش محمد نقی دانش پژوه سد سه ۳۳۳ . فرهنگ ایران زمین آمده است که :
حماعتی استادان ما حتی که اسامی ایشان ثبت کرده شود این علم دا بکمال دسانیدهاند و درین قسم
کتابها نوشته ، و بمذهبها بازبسته ، چنانکه اهل اسلام آنچه ارباب این صناعت اند برمذهبها شم
ابیوردی کارفرمایند که استاد کامل بوده است و کتاب ساخته تا ندان طریقه نراندازی کند وطریقه
اورا محرف خوانند و استادان دیگرچون طاهر بلخی و استاد طبری و اسحق کوفی و نصحی و قلبك که
در زیر سرنشستن و تیرانداختن طریقه اوست . و آنرا زیرسری خوانند و فلبکی نیز خوانند و از

«فردوسی» توصیف تیراندازی را ازابتداکه تیروکمان را دردست گرفته نا زمانیکه تیررها می شود ، دراین چند بیت ذکرکرده است .

بمالید رستم کمان را به چنگ پس آنگه به بند کمر بردچنگ خدنگی گزین کرد پیکان چوآب بمالید رستم کمان را بدست ستون کرد چپ وخم آورد راست چو سوفارش آمد به پهنای گوش چو بوسید یبکان سرانگشت او

بغرید برسان غران پلنگ گزین کرد یك چوبه تیر خدنگ نهاده بر او چار پر عقاب بچرم گوزن اندر آورد شست خروشازخم چرخ چاچی بخواست ز چرم گوزنان بر آمدخروش ۲۰ گذر کرد از مهره پشت او .

بطوریکه ذکرشد توصیف وبیان حالت تیرانداز را دفردوسی، نمایانده و توصیف تیر وبیان حالت ووضع کمان وزه را درمواقع مختلف ذکر کرده است که در چه موقع چرم گوزن که مقصود دسی سر» است بخروش آمده است زیرا در همین مواقع کمان وزه این سداها را در هنگام تیراندازی از خود ظاهر میسازند. واز شعر اخیر چنین استنباط می شود که رستم کمان را از حدمعمول بیشتر کشیده ، زیرا پیکان تیر بشست دست چپ که کمان را گرفته است رسیده و اینکار بسیار مشکل و منتهای نیرومندی تیرانداز را می رساند.

صفت کمان ۲۰

باید کمان دارای صفات زیرباشد ،

کمان نباید بسیاربزرگ و سخت باشد ، مخصوصاً برای مبتدی زیرا ، نخواهد توانست آنرا درست بکشد ونگاهدارد ، ازاین جهت دست و بازوان سست می شود ولرزش پیدا می کند و معایبش بسیاراست . سعدی بکنایه گوید:

۰۵۳ شاهنامه چاپ مسکو د مج چهارم د ص ۱۹۲ و ۱۹۷ ، صداکردن کمان را درعربی رنة کوید الرنة : الصوت عبوماً اومی خاصد بصوت القوس وتعوه . د الیزوم وهرت ، القوسالرنة ، ۵۳ کمان در عربی اسامی زیر وا داراست :

النفجة : القوس ــ جمع : تقايج ــ المسيحةالمطممة ــ قوسكزةاي في عودها يبس لا يتمطف. الراسات الزوداء (القوس ــ التدح) ـ

سندى دربارهٔ تاریخ تهران

ببت نم " سرمه نرسی نیرونم معامر و تروزاین

درمیان انبوه اسناد خانواد کی آقای حسنعلی غفاری (مماون-الدوله) كه بخشى از آنر امعظم له بهارتش شاهنشاهي اهداء كرده إندو اينك در آرشيو نارىخى كميته تاريخ نظمامي دبیر خانهستادبزرگار تشتاران موجود است ، مصالحه نامه ای است بتاريخ سومربيع الاولسنه ۱۲۵۹ قمری (درزمان پادشاهی محمدشاه قاجار) که بموجب آن منوچهر خان معتمد الدوله بك رشته قنات موسوم به كل _ افشان را به محمد حسن خان سردار ایروانی اصلحنموده است. سندمز بور برروي طوماري بدرازای ۲۶ سائتی مترویه بهنای ۲۸ سانتیمتر با خط نستعلیق

استه داره منوچهرخان معتبدالدوله کرجی ومحبدحسن خان سرداد ایروانی که هردو ازرجال زمسان منصلیشاه ومعبدشاه بودهاند به کتابهای تاریخی دورهٔ قاجاریه مانند ناسخ التواریخ وروضهٔ الصفای نسری و منتظم ناصری رجوع کنید .

ومرکب سیاه در ۱۸سطر نوشته شده ودربرخی مواضع کلمات وعباراتی رابه مناسباتی باسرخی نوشته اند (ر و که به عکس شمار ۱۵) این سند از نظر تاریخ متضمن نکاتی چند و مهم است و ما مقاله حاضر را بمعرفی آن نکات اختصاص میدهیم ولی پیش از بیان نکات مزبور لازم است متن سند رانقل نمائیم ۲:

بسمالله ربالارض والسماء

وركن المظماء الفخام موتمن السلطان معتمد الدوله العليه العاليه منوجهر خان دا مت شوكته واجلاله عمدة الامراء المظام مقرب العضرت المخاقان محمد حسن خان

سرداز كثيرالانتداز ايرواني دام عزته و اقباله

وصح وقنها كمادتم نى0، وبيعالاول ١٢٥٩ وقعوقلها کما دئم تی۱۵ شهر دبیم(لاول ۱۲۵۹

محمدمهدى بن مرتضى الحسني الحسيني

سيدابوا لقاسم بن معسن محمدا لحسني الحسيني

[۱] واما بعد غرض از تحریر این کلمات شرعیة الدلالات واضحة البینات و خلاصه از مفاد کتاب صواب و خطاب مستطاب شرعی المبدء و المآب [۲] که مرقوم قلم صدف رقم و مسطور مدار خامهٔ عنبرین شیم میکردد آنست که سرکار نواب کامیاب مستطاب گردون قباب امیرالامراء العظام الفخام [۳] بالطوع و الرغبه والاختیار مع کمال طیب النفس مصالحهٔ شرعیه و معاقدهٔ صحیحهٔ لازمه جازمه ملیه دینیهٔ اسلامیه نمودند بعالیجاه شوکت و جلالت همراه [٤] اهمیت و مناعت و فخامت اکتناه مجدت و نجدت پناه همکی و تمامی یکرشته قنات مسماه بگل اشان ملکی متصرفی سرکار [۵] که و اقعه است در بالای قصر قاجاریه و در جنب جادهٔ شمیر ان حومهٔ شمالیهٔ دار الخلافه طهر ان حفت بالا من و الامان با کافه ملحقانها الشرعیه و منضماتها [۲] الاسلامیه الاصطلاحیه و العرفیه و السرعیه و العرفیه

٣- اصل اين سند در نصرف خود آفاي معاون الدوله باقيمانده است.

وبجديده والقديمه والحومه بتصديق إهل الخبر مازيشته وميغهه با آنچه متعلق است بقناةموسومة[٧] مرقومه بهرجهة ازجهات شرعيه و بهرعلت ازعلل اسلاميه مدون وضعواخراج واستثناء چيزى ازقناة مزبورهذ كراملم [۸] یذکتر وسمی|ملمیسم و وصف|م لم یوصف عالماً عامداً عارفاً بالكميته والكيفيه كمه محمدوده است بحدود اربعة مفصله مشخصه ذيل الكتاب : [٩]شرقياً ير و دخانه قصر قجي غربياً برو دخانه عباس آ مان حنوبيه بزمين قصر قجر شماليا بارغوانيه وزركندهوقلوحك [١٠] كه سمت شماليهٔ قناة موصوفه دوازك و دور شته است که مکی بطرف قرمهٔ زرگنده و دیگری بطرف قلوحك ميرود الخ ٢١١٦ بمال المصالحه معين القدرو المقدار مبلغ يكصددينار وجه سباه سهعدد يكصد دینار و مقدار مبرهن [۱۲] یکمن بسوزن شاه گندهم وصيغة مصالحة صريحة شرعية لإزمة حازمهمليه دبنيه اسلامیه مشتمله على الشرایط و الارکان حالیه ١٣٦] عن المفاسدو البطلان بالفارسيه والعربيه شامله على الايجاب والقبول على بنهج شريعت الرسول سمت وقوع وحصول يافته [١٤] واسقاط جميع خسارات شرعيه وعرفيه ازجانب نواب کامیاب مصالح دام شوکته و اجلاله بای نحوکان كرديده و تخلية يدهالكانــه [١٥] محقانه از سركار خودشان نمودندو بتصرف شرعي مركار شوكت اقتدار مصالحله دام عزته واقباله درآمده. بناء على هذادر كل [١٦] قناة موسومه بكل افشان است از قرار حدود اربعة فوق ازبراي سركار عظمت مدارمصالح لهاست انتحاء

تصرفات مالكانه [۱۷] محقانه كيف شاء وحيث اراد كتصرف الملاك في املاكهم وذوى الحقوق في حقوقهم الصلوة والسلام على منختم به (۱۸) الرساله وعلى عترة الطاهرو كان ذالك بتاريخ سيم شهر ربيع المولود من شهر سنه ۱۲۵۹

محل مهر منو چهر خان

درحاشیه : هوالمستمان . بندهٔ درگاه خداایق بندگان مهر طاهر قزوینی برمضمون متن مطلم . سجم مهر الاله الاله الملك الحق المبین

محمد طاهر

واماآنهه ازمندرجات اينمصالحهنامه مستفادميشود:

الف ـ نكات جفرافيائي

۱ - ازقناه هائی که دریک صدوسی سال پیش درناحیه شمالی تهران قدیم وجود داشته است قناتی بنام کل افشان بوده واین قنات محدوده ای واقع بین ارغوانیه وزرگنده درشمال، مسیل امروزی قصر (مهران حشمتیه) درشرق و مسیل عباس آباد (غرب دانشگاه نظامی واداره موتوری ارتش امروز) در مغرب و خیابان تختطاووس امروزی در جنوب را مشروب مینموده است.

این قنات کمی بالاتر از زرگنده بدوشعبه تقسیم میشده کسه یكوشته به قلهك وقصر قاجار ورشته دیگر به طرف زرگنده و عباس آباد میرفته است واحتمالا این رشته اخیر همان قناتی است که بعدها بنام قنات عباس آباد خوانده شده و هنوز مختصری از آب آن به محوطه دانشگاه نظامی واداره موتوری میرسد.

۲- بموجب ضبط این سند نام صحیح وقدیمی شهر امروزی قلهك که در آنروزها آبادی و دهکده ای بیش نبوده «قلوحك» بضم قاف ولام و رسم الخط آنهم باحاء بوده است که بمرور زمان لام مضموم بصورت ساکن در آمده ولی معلوم نیست چراواز کی، حاء نیز به هاء تبدیل شده است همینقدر بموجب سند دیگری (سند شماره ۲) که اصل آن متعلق به کتابخانه شخصی تیمسار ارتشبد فریدون جمریاست ستاد بزرگ ارتشتاران میباشد و معظم له باسعه صدری خاص خود آن را دراختیار مجله بررسی های تاریخی قرار داده اند میدانیم درسال قمری این تغییر پدید آمده بوده است.

ب ـ روش قباله نویسی

نکته دیگری که دراین سند بچشم میخورد نحوهٔ ثبتنامهای مصالح و مصالح له میباشد که در بالای سند و بعداز تحمیدیه نوشته شده و در متن سند نام آنها دیگر ذکرنگردیده است.

این رسم از دیر باز در نوشتن اسنا دمالی معمول بو ده شار دن نیز در سیاحتنامه خود در شرح اسنا د مالی دورهٔ صغوی بدان چنین اشاره میکند.

«درصدرسندنام وعنوان که همیشه اسم خاص پدر است [مثلا حسین بن عبداله] درج میشودودرذیل نقش خاتم ثبت میگردد و چنانکه گفته ام با گواهی گواهان که آنها نیز مهر میزنند، مراسم پایان می باید. اسنادبازر گانی نیز بطریق مذکور تدوین می گردد و اگرچه تقریباً در هرموقعی، اسنادی که در معضر قاضی تحریر نیافته ، فاقد اعتبار میباشد، معهذا در محاکم عرفی و اجد ارش است می در است می است می

۲- سلرهای ۹و ۱۰

المسلو دوم

استنامه شاردن ترجيه محمد عباسي جلد چهارم صفحه ٣٧٤

ولی بطوریکه از این سند برمی آید دردورهٔ قاجاریه و شاید هم از مدتی پیشتر، در این روش تغییری حاصل شده بوده باین معنی که می بینیم در سند موردبحث و همچنین درسندی دیگر آکه عکس آن دراینجا بچاپ میرسد (شکل ۳) ، فقط بنوشتن نام مصالح و مصالح له اکتفا گردیده و از نام پدران آنها ذکری نیست بعلاوه بموجب اسناددیگری از همین دوره که دردست داریم ، باید افزود که این قاعده اگرهم دردورهٔ صغوی عمومیت داشته در دورهٔ قاجاریه در همه حالات، معمول نبوده استبلکه اینکار چنبهٔ احترامی داشته و نام کسانی را در صدر اسناد مینوشته اند که از بزرگان و اعیان می بوده اند. چنانکه درسند دیگری که آن نیز در همان محضری نوشته شده است که قباله قناق گل افشان در آنجا تنظیم گردیده، مشاهده میکنیم این رسم رعایت نشده است (شکل ۶)

٦ -- أين سنه معلق به تكارنده مقاله ميباشد .

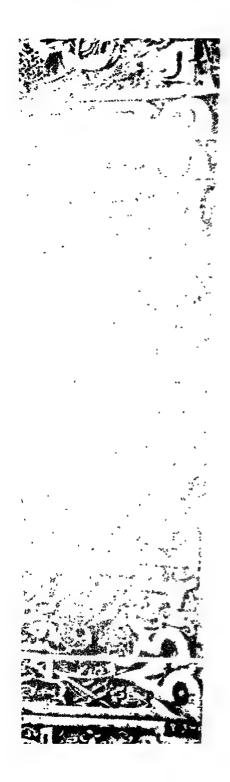
٧- اين سند ترزحزو اسناد ومداركيست كه آقاى غفارى بهكسته تاريخ نظامي إهداء فرمودهائد.

The Contraction with the service of the service مَعَانِدُمِينَ ، وَعِنْ الدار كُوزُ اللهُ كُونُ الأمهم ودوى مُؤَنَّ في تحويم والفيوة والمرة وكالمرام ما و مود مجل ال من الراز مرد و البوق ف الرائل الم عمل ما المعالية من المرائل المعالية من المعالية المرائل المعالية من المواد الموق في المرائل المعالية من المواد الموق في المرائل المعالية من المواد الموق في المرائل الموق في الموق في المرائل الموق في ال Chad and Medical in both in and which is bened. 11 - 1 - Joseph Chit Chi Chi of wise in

DD 1413

الما المالية ا

ر جوم و ان رجوم و ان



سه آرامگاه رجی از دوران مجونی

· مه : استروناخ ویانگ

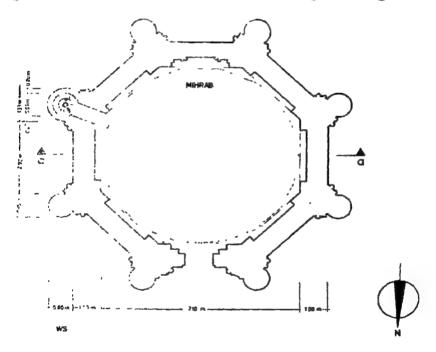
ترحمه:

مجيد ومبرام

قسمت دوم

در شمارهٔ پیش مجلهٔ بررسیهای تاریخی . نتیجه پژوهشهای استرونان و یانک در بارهٔ برج دماوند و برج اول خرقان و همچنین چند سطهای هم از چکونکی و موقعیت برج دوم خرقان از نظر خوانندگان کرامی گذشت و اینک بشرح بقیه آن میپردازیم .

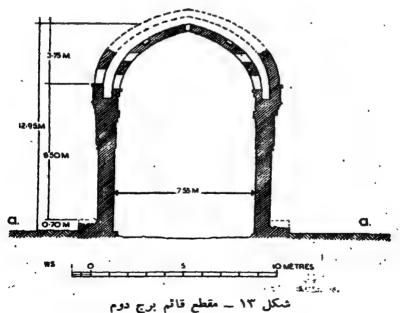
قطع افقی برج دوم (شکل ۱۲) با کمی تفاوت تتربها ماند برج



ا کی استان مقطع افقی برج باختری (برج دوم) شکل ۱۲ ـ مقطع افقی برج باختری (برج دوم)

اول است وباتوجه به قسمتهای مربوط دو آرامگاه مشاهده میگردد که مقایسهٔ دقیق آنها بسیار مشکل است. دراولین برخورد بطور مشخصی پیداست که آرامگاه بعدی دارای ابعاد بلند تری است (تصویر ۷-ب) و این و اقعیتی پذیر فتنی است که قسمت اعظم سطوح مرتفع و نمای کامل بدنهٔ برج دوم نمایان هستند. در صور تیکه تمام ارتفاع سطوح برجاول بو اسطه بالا آمدن سطح زمین دیده نمیشود و هما نطور یکه قبلاذ کرشد کمی کوتاه تر بنظر میآید ۲۸ در و اقع اختلاف ارتفاع در دو بنای تاریخی فقطه ه سانتیمتر است یعنی برج اول کمتر از اندازه حقیقی خود دیده میشود.

وابن وقتى معلومميشودكه بخاطربياوريم سطح اسلى زمين مجاوربرج



۱/۱ ص ـ ۷ مصاری دورهٔ اسلامی تألیف ویلیر (۳۸)

اولی ممکن است تقریباً کمی بیش از یکمتر پائینتر از سطح کنونی بوده باشد . ۲۹ بدین ممنی که حفاری و خاله برداری آینده بایستی این موضوع را تا ثیدیار دکند.

ما باید احتمالاقبول کنیم که هرقسمت کامل آرامگاه پیشین بایستی شبیه آنچه که در شکل (۱۳) ترسیم شده است باشد و مانندرو کش تزئینی آرامگاه برج اولی پوشش رویهٔ ساختمان برج دوم همیك نمونه کلاسیك دورهٔ سلجوقی بشمار آید (عکس ۲۳-ت). در ابعاد آجرهام تغییرات کمی دیده میشود طول هر ضلع آنها بین ۲۰-۲ سانتیمتر و ضخامت استاندارد آنها در حدود ۵سانتیمتر میباشد. و باز هم کمی اختلاف در ابعاد آجرهای بکاررفته در تمام ساختمان بهشم میخورد واحتمالا چیزیکه در این برج بیشتر و بهتر مورد استفاده قرار گرفته است قطعات آجرهای تراشیده شده ای است که در رویهٔ تزئینی بنابکار رفته اند و در اینجا آنچه قابل تحسین است بند کشیهای رو کش تزئینی ستونهای بزر گ طرفین در و رودی است که مانند ستونهای گنبد سرخ مراغه میباشند و اینرومیتوان باهمیت و مهارت سازند گان آن پی برد (تصاویر ۲۳ پ وت).

مهمترین تغییراتی که در تزئین برجدوم بعمل آمده اینست که از بکاربردن خطوط تاریخی اضافی خودداری شده و بطور مخصوصی اسپر بالای در ورودی با اسپر های پنجگانه ضلع اصلی هماهنگ شده اند . ولی اصولا با مقایسه اجزاه آن دوسر در ورودی کاملامشهود است که معمار در ساختن آن زحمت زیادی را متحمل شده تا آثار ابداعی خود را تاحدامکان بنحواحسن ارائه دهد.

۱۳۰۰ برطبق إندازه گیری که توسط آقای سالزمن بعمل آمده بلندترین قسمت گنبد درونی برج او ۱۲/۴ متر از کف در ورودی ارتفاع دارد درصور تیکه بلندی گنبد داخلی برج دوم از همان محا منابه ، ۱۲/۹۵ متر میباشد .

٠٠٠ رك به ص ١٩٢ و شكل ٨٧ بغش اول جلد يكم آثارايران تاليف كاد.

اسپر آجری برجسته کوچك که بطور بی سابقه ای درروی ضلع یکم برج اول نمایش داده شده بوددرضلع ۲ و ۸برج دوم باطرحساده تری دیده میشود. از دیدن طرح نسبتاً ساده پی در پی میتوان پی برد که معمار با ابتکار و هنر مندی خود طرح جدیدی را بوجود آورده است بدین تر تیب که رومیهائیکه (تصاویر ۱۱۲ الف و ۱۸ سالف به ۱۳۰ الف) معمولا میبایستی درجاهای کموسعت و کمار تفاع بکار برده شود دریك نمونه وسیعتروبلند تر بکار برده است ولی باید دانست که اساس طرح آن مانند گنبدسرخ اخیر الذکر میباشد (۱۱۲ میلادی دانست که اساس طرح آن مانند گنبدسرخ اخیر الذکر میباشد (۱۱۲ میلادی دیده میشود. ۲۲ میشود. ۲۲ دیده میشود. ۲۲

اسپرهای زیر رومیها باطرحی از آجرهای بریده وظریفی تزئین شده و هریك از سفالهای لعابی برجسته که در برجدوم بجای مدالهای تزئینی برجاول بكار رفته در بین این آجرها قرار گرفته اند ۲۰ وطرح هندسی و مجلل داخل اسپرهای مذکور بامهارت قابل ملاحظه ای تزئین شده اند .

وقسمتی ازاشکال لعابی آن درردیفآثارتاریخیپیشینومجاورخودیعنی آرامگاه اولجایتودرسلطانیهمیباشد (۱۳–۹۳/۹۳–۹۷۹ هجری). ^{۷۱}

امکانداردلوزیهای راسته و خفته یك در میان با حاشیه باریك نز ثینی اسیرهای زیر رومیها شبیه طرح بالای در ورودی آرامگاه یوسف بن کاتیر - Usof - B-Katir زیر رومیها شبیه طرح بالای در ورودی آرامگاه یوسف بن کاتیر - ۱۹۳۳ م ۱۹۳۰ م ۷۰۰ در نخجوان نیز از این طرح الهام گرفته شده باشد ۵۵-۵۰۵ م ۸۱۹۳۰ م ۷۰۰ در نخجوان نیز از این طرح الهام گرفته شده باشد ۷۰-۵۰۵ م ۱۹۳۰ م ۷۰۰ در نخجوان نیز از این طرح الهام کرفته شده باشد ۷۰-۵۰۵ م ۱۹۳۰ م ۷۰۰ در نخجوان نیز از این طرح الهام کرفته شده باشد ۷۰-۵۰۵ م ۱۹۳۰ م ۷۰۰ در نخبوان نیز از این طرح الهام کرفته شده باشد ۷۰-۵۰ م ۱۹۳۰ م ۷۰۰ در نخبوان نیز از این طرح الهام کرفته شده باشد ۷۰-۵۰ م ۱۹۳۰ م ۷۰۰ در نخبوان نیز از این طرح الهام کرفته شده باشد ۷۰-۵۰ م ۱۹۳۰ م ۷۰۰ در نخبوان نیز از این طرح الهام کرفته شده باشد ۷۰۰ در نخبوان نیز از این طرح الهام کرفته شده باشد ۷۰ در نخبوان نیز از این طرح الهام کرفته شده باشد ۱۹۳۰ م ۱۹۳۰ در نخبوان نیز از این طرح الهام کرفته شده باشد ۷۰ در نخبوان نیز از این طرح الهام کرفته شده باشد ۷۰ در نخبوان نیز از این طرح الهام کرفته شده باشد ۷۰ در نخبوان نیز از این طرح الهام کرفته شده باشد ۷۰ در نخبوان نیز از این طرح الهام کرفته شده باشد ۷۰ در نخبوان نیز از این طرح الهام کرفته شده باشد ۷۰ در نخبوان نیز از این طرح الهام کرفته شده باشد ۷۰ در نخبوان نیز از این طرح الهام کرفته شده باشد ۷۰ در نخبوان نیز از این طرح الهام کرفته باشد ۷۰ در نخبوان نیز از این نیز این نیز این نیز این نیز از این نیز از این نیز از این نیز این

٧١- نصوير ٢٤-١٠]يسالف سودوي

۷۲ رسك به نصاوير ۱۹س الف و۲۱ الف

۷۳ شبیه این طرح دروسط اسپرمالای درورودی کنید سرخ وجود دارد.

٧٤ رك به شكل ٢٤٣ هيل وكرابر

۷۰ رسك به شكل ۲۲۸ ميلوگرابر

مخصوصاً باجداشدن چهارسطرمتن تاریخی از نوشته های قرآنی و بکاربردن یك سری طرحهای آجری ظریف بشکوه هنری این گنبدافزوده شده است ۷ وسوره ۱۲۳ به ۱۱۵ بایك طرح آجری قابل ملاحظه ای در روی حاشیه بالای هرضلم در پیرامون گنبد دیده میشود و همچنین درستونهای باریك هرطرف نیز آجرهای تراشیدهٔ زیبا وظریفی بچشم میخورد . (۱۸ – الف)

با بررسی اسپر های پهلوئی مشاهده میگردد که بیشترطرحهای تزئینی هندسی اسپرهای سطح جانبی نسبت به اسپرهای اطراف در ورودی بتدریج بطور محسوسی تغییر نموده اند. برای مثال چهارطرف نزدیکترین اسپرها به در ورودی فقط نشان دهندهٔ طرحهای آجری اسپرهای روبرو وهم سطح میباشند (تصاویر ۱۱ ـ ت و ۱۹ ـ الف و ۲۱ ـ الف و ب).

همچنین فقط چهارستون شمالی می توانند طرحهای آنها را داشته باشند (تصویر ۱۹) اگرچه ستونهای دوطرف در درودی نظیر یکدیگر هستند ولی بکار بردن کل و بوته موجود روی آنها در ضلع جنوبی قابل توجه می باشد . ۲۷ (تصویر ۲۰-الف)

شاید یکی از جالب ترین و جدید ترین شیوه هائیکه دربر ج دومی بسرای اولین مرتبه معمول شده حاشیه منحنی لبهٔ جلوی هر رومی اسپرهای بالائی باشد . این شیوه در زیرطاق باریك هریك از رومی های ضلع ۲ تا ۱۸ با آجرهای مخصوص و کمی باریکتر مورد استفاده قرار گرفته است . در ساختن انواع باقسام لبه و کناره های ساختمان مهارت زیادی بکار رفته است و باین ترتیب علاوه بر زیبائی آنها توانسته اند سایه های عمودی را به حداقل ممکنه تقلیل

^{. &#}x27;- دسك به ص ۲۳۰ همان كتاب

۱۱۰ رسك به ص ۳۶۰ همان كتاب

بدهند تا تمام طرحهای کود هم بخوبی نمایشداده شوند. (تصویر۱۷سالف) باوجوداینکه سازندهٔ گنبدسر خمراغه کاملااز طرحهای خرقان الهام گرفته است، دیدن سه نمونه از اسپرهای صاف و رومیهای دوبعدی آن که کاملترازرومیهای خرقان هستند جالب توجه می باشد . ۲۸

طرح هندسی دیگری که در گنبد سرخمراغه درسطح خارجیبرجبعمل نیامده تقسیم بندی اسیرهای دیواراصلی میباشد.

شاید یکی ازاستثنائی ترین و بی سابقه ترین ابتکاری که معمار خرقان معمول سازی نموده تقسیم بندی مبتکرانه ایست که با مهارت زیادی بخش بالاثی و بائینی هراسپر را با اسپرهای کوچك از هم جدا ساخته است.

بطوریکه در تصاویر (۱۱ - تو ۱۹ - الفو۱۲ب) دیده میشود یك سری آرایش گلو بوتهای در قسمتهای بزرگ و کوچك اسپرهای هفت ضلعبكار رفته است. عمل ابتكاری معمار خرقان فقط منحصر بخود اسپرهای کوچك نبوده بلکه قسمت بالای آنها را باطرحی تقریباً نظیر ته زورق مزین نموده وهریك از اسپرهای کوچك را در اسپر چهارگوشه نسبتاً بزرگتری محاط کرده است. طرح داخلی اسپرهای کوچك مانند طرح ضلع کوچكتر از بنای آرامگاه سامانیان در بخارا الهام گرفته میباشد.

دربالای نوشته های قرآنی که مشتمل بسرآیه های ۲۱-۳ سورهٔ ۹۰ است، طرحهای تزئینی هندسی که از تلاقی خطوط مستقیم و عمودی با یکدیگسر درست شده در هشت حاشیه آرایشی که هریك شامل یك سری اشكال کاملاهندسی

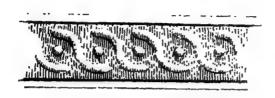
۷۸س برای دیدن شکل تموئه طرح رومی ضلع یك به تصویر ۲۵سـآی.ب سوروی وحسچنین برای دیدن نمونه طرح رومی اضلاع ۲و۸ بهشکل ۹۲ و ص ۱۳۶ ــ آثار ایران تالیف گدار وبرای دیدن نمونه طرح اضلاع ۷و۷ به شکل ۲۲۳ همانگتاب حیلوگرابر تگاه كنید.

۷۹ راك به تصاوير ۲٦٤ الف وب سوروی

میباشد دیده میشود (تصاویر ۲۲-الفتاج). درواقع شکی نیست که هشت حاشیه مذکور بمنظور افزودن اهمیت و زینت دادن بهخطوط قرآنی در خاشه مذکور بمنظور افزودن اهمیت و زینت دادن بهخطوط قرآنی در فاصله بین رومیها وهمین حاشیه های تزئینی در هردو برج خرقان نسوشته شده است بکار رفتهاند. ازبالای ۷ستون محکم حلقه گنبد باشیب مالایمی بالا رفته ودربعشی جاها خطوط کوفی دررویخود حلقه گنبد نوشته شده اند. بااینکه درشکل کلاهای قبه کوچای اولیه تردیدی هست ولی ازبقایای موجود کنبدبر جدوم چنین استنباط میگردد که ممکن است نمی توانسته اند کلاه کهای اولیه را که هنوز پابر جا هستند بهتر بسازند. وفقط ارتفاع ستون تسوخالی مخصوص راه پله تابالای کتیبه افتی خطوط کوفی میرسد.

کمی پائین تر از گنبد خارجی یك در گاهی دست نخورده بالای راه پله (تصویر ۲۳ – ب) وجود دارد که شخامت تقریبی دریچه های طاقدار قوسی ضلع ۱ وضلع ۳ را مشخص میسازد. همچنین اگرچه قسمتی از شیار های برجسته روی گنبدخارجی بمرورزمان از بین رفته است معذالك شواهدموجود نشان میدهند که فاصله شیار های تزئینی پوشش گنبدهای خارجی هردوبرج بیك اندازه تقسیم بندی شده اند. در واقع فقط مسئلهٔ اختلاف ارتفاع مشهوده بین ردیف افتی حفره های جاچوبستی نزدیك بالای گنبد داخلی برج دوم (عکس ۷-ب) شگفت آور است واحتمال دارد که این حفره ها عملا هنگام گچ کاری مرحله ثانوی مورد استفاده قرار گرفته باشند.

بالاخره بهطرح گچبریهای طوماری پی در پی (شکل ۱۶) که بجای گچ-بریهای تزئینی کوچك آرامگاه قدیمی تربکار رفته اند بایستی توجه نمودودر گچکاریهای دیگر تاحد امکان صرفه جوئی بعمل آمده است و فقط در قسمت بالا هشت حاشیه تزئینی وقسمت بالای اسپر پائین ضلع یك كچبر بهائی انجام شده است . (تصویر ۲۳ سالف)



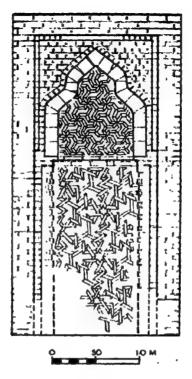
شکل ۱٤ ـ كت بريمهاى طومارى برج دوم به مقياس تقريبي لم

مهمترین اختلاف آرامگاه دوم از آرامگاه اولی این است که در قسمت داخلی آرامگاه دومی گچکاری بعمل نیامده است (تصویر ؟ ؛ - الف). آجرکاری خشتی از نوع آجرهای ساده و معمولی بکار رفته است أو رنگآن از رنگ خاکستری تیره و تقریباً قهوه ای روشن شروع میشود وسپس به رنگ زمردو نقرهای گرایش می یابید.

برج دوم ازنظر طرح کلی کاملا تصویری از برج اولی استبا این تفاوت که دو پنجرهٔ مستطیل شکل در خود گنبدویا در گاهی در داخل آن (تصویر ۲۳-پ) وجود دارد وعلاوه براینها آجرهای مرغوب تری در محراب ضلع پنج بکار برده انه ۸ (شکله ۱و ۲۶-ب) و نیز اولین لایه آجری که در روی پایهٔ سنگی آن محکم شده بخوبی دیده میشود . (تصویر ۲۶-پ).

تنها عادمت مشخصه برج دوم در بالای در ورودی دیده میشود . زیرا

۸- ولی باید بحرفرداست که محراب حرکز نمام نشده بود، ونفریبا بامحرابهای همزمان خود شبیه خیباشد (نصویر ۸-۳سب سوروی) و تربیط میرسد که قاب حاشیه بسرونی آن برای توشین خطوطی در روی آن آماده شدد است .



شکل ۱۵ ـ محراب دیوار جنوبی (ضلع ۵) برج دوم

ستر آجرکاریهای بالای سردرآن ظاهر آمدتها بعد ساخته شده است و در وافع معلوم است که اسپر ساده و بالای در ورودی کوتاه کنونی (تصویر ۲۳-الف) معد اساخته شده است و بررسی و تعقیقات بعدی در این محل درورودی و رومی مدا بالای آن را آشکار خواهد ساخت ۸ .

ا تناین زمینه باید بحقیقتی اشاره شود وآن این است که وزارت قرهناک وهنر ایران با علاقمندی دست در مین در معدود ساخته وبرای بهترساختن مطالعات درامور ساختمانی به سمیر ومرمت آرامگاههای مردان پرداختهاند واین جای خوشبختی بسیار است.

نتيجه

هریك ازسه برج آرامگاههای مورد بحث ما سندی است دال بروجود انواع آرامگاههای هشت ضلعی که در هر گوشه آن یك ستون ساخته میشد، است و جزاین نوع بنای آجری دیگری در سدهٔ یازدهم میلادی (ههجری) دیده نشده است با وجود تمام پیشنهاد ها که پس از بررسیهای زیاد اظهار شده احتمالا بعید به نظر میرسد که چنین آرامگاه هائی نادر بوده باشند ۲ م چنانکه پس از بررسی معلوم شد که برج اولی نظیر یك آرامگاه چهار گوشهٔ دورهٔ ساسانیان و بقایای آرامگاه سامانیان در بخارا می باشد ۲ و تعدادی آرامگاه مربوط به اوایل دورهٔ سلجوقی یافت شده است که ادامه سبك آنها آرامگاههای چهار ضلعی و هشت ضلعی می باشد که کمترین شباهت و پیوندی باطرح کلی بنایانوع ضلعی و هشت ضلعی بیش از آرایش برج دوم و برج دماوند و بقعهٔ امام دور ست دیده نمیشود . ۲۹ آرایش برج دوم و برج دماوند و بقعهٔ امام دور ست دیده نمیشود . ۲۹ آرایش برج دوم و برج دماوند و بقعهٔ امام دور ست دیده نمیشود . ۲۹ دومین سری آرامگاههای چهار ضلعی و هشت ضلعی ستوندار کمه به برجهای خرقان شباهت دارند و ما آنها را دیده ایم عبار تند از:

کنبدسرخ مراغه و کنبد کبود (۷ – ۱۱۹٦م/ ۱۹۵۸) و گنبد غفاریا ۲۰ مراغه و گنبد غفاریا ۲۰ مراغه و گنبد غفاریا ۲۰ مراغه و مینین آرامگاه شلبیو قلو ۲۰ مراغه و همچنین آرامگاه شلبیو قلو ۲۰ مرسلطانیه که هریك به سهم خود شباهت زیادی به آثار تاریخی خرقان دارند و نیز آرامگاه خواجه اتابك از بناهائی است که درسدهٔ

^{...} ۸۲ منصوصاستك پیشسزآدامگاههای سامره (همان كتاب) كه همه قسمت های آن برای چاپ آمده. شده است .

۸۳ رای به صفحات ۱۳۵۹ و۷۰-۱۲۲۷ سوروی

۸۵ رك به ۲۵۲ كرسول

۸۵ راك به تصاویر ۲۳۱۳ سوروی

٨٦ رسك به تصوير ٣٥٤ الف سودوي

دوازدهم میلادی (چهارم هجری) در کرمان ساخته شده و باوجود اینکه نسبتبه برجهای خرقان در فاصله دورتری قرار گرفته شباهت زیادی باآنها دارد و ازبر جدوم خرقان هم (شکل۱۲) پر پیرایه تر استومی توان آنرایکی از رمتر بن نوع آر امکاههای هشت ضلعی ایران محسوب داشت. ۸۲ برجهای هشت ضلعی بدون ستون نظیر آرامگاه آجری شهرستان Shahrestan واقع درجنوب شرقی اصفهان ۸۸ نمایشگر قسدت اعظم طرح برجهای خرقان استولی این برج هشت گوشه سادهٔ باستانی را بایستی نمونهای از بنای تاریخی ابرقو که در تریخ ۸٤٤هجری (٥٦٠٥م) ساخته شده محسوب داشت ۸. زیرا علی رغم آنچه كهزماني تصورمي شد شكل دايره كامل يادايره ايكه كمي تغيير يافته اساس طرح الديمترين برجهاي آرامكاههاي شمال إيران بوده است معذالك شواهد جامعي كه درابرقوو دماوند وبرجهای خرقان وجود دارد حاکی از این است که در از منهقدیم و پیش از آنها انواع فرمهای راست گوشه نیز متداول بوده است. آرامگاه سامانیان در بخارا تنها نمونهٔ منحصر بفرد آثار چهار کوشه سده دهم میلادی (چهارم ۱۶۰۰ میستبلکه بطورکلی یایه قدایمی ترین مناره های ایران چهارگوشهو د عشت ضلعی ساخته میشده اندا ۱۰ و چکو نکی پیدایش و بستگیهای مناره های مدور نخستین دهههای سدهٔ یازدهم ۹۱ میلادی (پنجم هجری) نیزبرای اثبات این کهبرج آرامگاههای مدور ازابتکارات همان دورمها بوده کافی هستند.

برای اثبات این موضوع مقطع افقی آر امکاه دوازده ضلعی ستوندار برج

۱ ـ سکل ۳۹۰ میوروی

ا مسوير 334 الف سوروي

[·] ماریر ٦٥-۳ سوروی

۱۰۲۲ زیالے به من ۱۰۲۲ میودوی

⁻ زبان به ص ۱۰۲۹ سوروی

۱۰ - ^{ز - ای} به ص ۱۰۲۱ وشکل ۳۱۶ سوروی

^{(£}Y)

آرامگاه شهر ری ۹۳گواه بهتری میباشد زیرا احتمال میرودکسه بین آن و تعدادی از آرامگاههای دورهٔ آل بویه که در اواخرسدهٔ دهم یا یازدهممیلادی (چهار و پنجم هجری) ساخته شدهاند بستگیهائی وجود داشته باشند . ۲۶ مرج شهر ری که اکنون زوایای آن از بین رفته و تقریباً مدور شده است اکرچه طرح آن بسیار کمیاب استولی مهمتروبهترازاشکال برجهای دیگر بنظرميرسدومي توان كفت ازطرح كنبدقابوس كهاز ٢٠٠٦م ١٩٩٧ هجرى ساخته شده الهام کرفته است. ۹۰ با تو جه به راه یله میان ستونهای بر جهای خرقان مشاهده میکردد فقدان هرنوع آجر های مشابه این امکان را میدهد که بستگیهای طرحهای کم عمر محلی را مورد بررسی قراردهیم و در واقع نقش عملی واساسی این یله ها برای ما یوشیده مانده است. احتمال دارد که ازاین راه یله ها برای تسهیل کارهای تعمیراتی و یابرای جمع آوری فضولات یرندگان از راهروهای باريك موجود دردور تادور هركنبد استفاده بعمل ميآ مده است. بهرحال هيج يكاز دلايل فوق نميتوانند جواب قانع كننده ومطمئني باشندولي ازطرف ديكر مى توانيم بدو عامل جدا كانه و مهمى كه نشان دهندة منابع الهام بخش اصلى است اشاره کنیم یکی از دو عامل تحول سریع مناره های مدور و دیگری پیدایش بله های مار پیچی سنگی است که در دیوار های قطور برجهای آرامگاههای اولیه بکار میرفتهاند. ۲۳ وهمچنین شاید ماازبقایای سنگی بلهٔ مارییج یکی از ستونهای گنبد یك یوششی مسجدی در سامره بتوانیم بذكر

۹۳- راك به ۲۷۲ گزارشات سوم باستانشناسی بالیف آقای محمدیقی مصطفوی ۱۹۵۶ ۹۳- راك به بولین هنر اسلامی بالیف شفرد (Dorothy. G. Shepherd) ص ۷۰ ـ ف شماره ۶ سال ۶۹ (آوریل ۱۹۵۲) و ص۱ه ۱سف شماره ۶ سال ۵ (آوریل ۱۹۳۳) .

٩٠ دسك به شكل ٣٢٣ وتصاوير ٨-٣٣٧ سوروي

٩٦- هانئد باسناهشناسي ري همان كتاب آقاي محمد تقي مصطفري

حالتستونهای ملهدار دورهٔ پیش از سلجوقیان که بلبه بام مسطح منتهی میشدند ببردازیم دربارهاینکهاززمانی کنبدهای دوپوششیموردتوجهقرار گرفته کسی آ گاهنیست، از این رونمیتو ان نخستین نمونهٔ کنبدهای دو یوششے دورهٔ آل به به را مين كرد. وجودمهارتفني مطلوبي كه درهردو كنبدخر قان مشهوداست. كوياي آن است که معمار مز بور از ستو نهای متداول آن زمان بیر وی نمو ده است. با اشکه اطهار نظر فوق درباره این عقیده ، متزلزل بنظر میرسد ولی بی ارزش همنیست. بدیهی است که برای مثال می توان گفت کسه طرح سقف کنبد آرامگاه اولی خرقان بقدر کافی پیشرفته بوده است که بعنوان مدل برای سقف آرامگاه دومی بكار برده شده استوهمهنين معلوم شده است كه درشمال ايران همزمان باسال ۱۰۲۲ میلادی (۲۳ عجری) کنبدداخلی راباسقف مخروطی بلندآن هماهنگ میکرده اند. ۲۲ و همچنین کمان میرود که آرامگاه سنگ بست هم را مرومر تفعی داشتهاست (نقل شده از اظهارات مردم بومی ۹۸)وحتی اگر هدف اسلی (تاریخ دقبقآن) معلوم نباشد وجوديلهٔ مذكور دركنبد رى Reyy شايان عطف توجه میباشد ۹۰ از نظر روکش تزئینی آجری هم برجهای دماوند و خرقان از جمله مدارای زنده دیگری بشمار میروند بخصوص طرح های برجسته و گود برج دماوند شباهت زیادی به نمونه های قلم کاری رو کش گهی سنگ بست (۱۰۲۸م - ۲۹۹م/۹۱۷ - ۳۸۷هجری) دارند ونیز درجای

^{** -} اسك به ص ١٩٠٠ آثار ايران تأليف گدار .

۱۱ - ناك به ص ۹۸۹ سوروی

۱۰ پاورتی ۹۳ مراجعه شود (آقای محمدیتی مصطفوی در کتاب خود شرح داده اند). از زمانیکه مآحد در اوی شرح ایند کیک کنند، مقدسی مورخ عرب به گواه دیگری اشاره کرده است: می نویسد که در روی را مکامهای پادشاهان آل بویه کنیدهای بلندی می ساخته اند و ضمن آن به آزامگاه فخرالد و له پادشاه کریه اشاره میکند (سالهای ۹۷۱ ۱۹۷۷ میلادی ۳۸۷ مجری) و نیز در ممان مقاله دو برح می دیگر را معرفی میکند (کتاب حکومت یا قوانین پادشاهان بالیف در یك (H. Darke) ۱۹۳۲ سالهی ۱۹۷۲ چاپ ۱۹۳۲ میلادی صنورسکی ص ۱۱۰۷ چاپ ۱۹۳۲.

دیگرشرودر Seroeder اظهار نموده است ۱۰۰ ابداع رو کش آجری که بااستادی ومهارت بعمل آمده است از سبکهای مشخص معماری ایر آن در دور هٔ فرمانر وائی سلسلهٔ آل بویه بوده است . علاوه برهمه اینها طرحهای مشخصی که از تمرکز انبوهی سایه روشن یك حالت در اماتیكی در روی هفده اسیر بسرج آر امكاه دماوند بوجود آورده اند مشاهده میگردند. طرحهای اسلی هریك از اسیرهای هفده کانه برج دماوند بطورمحسوسی بایکدیگر فرق دارند (شکل؛) اگر ما آرامگاههای دورهٔ بعد ازسامانیان راکه با آرامگاههای مشابه ، مذکور را در سدهٔ دهم میلادی (۶هجری) مورد بررسی قرار دهیم متوجه میشویم که این طرحها تاچه حد تحت تأثیر طرح کاشیکاریهای کف گنبدهائی که در دورهٔ بنى اميه مورد توجه بوده قرار كرفته ومؤثر واقع شده است و دفعتاً ظاهسر شده اند را ۱۰۱ طرحهایی مانند ۷ و ۸ ، لوزیهای راسته و خفته ، (یله ای) هشت ضلمی های زنجیری و اشکال ستارهای از نوع آنهائی که در تصویر (عب)نشان دادهشدهاند درستمانندطرح کاشیکاریهای سدهٔ هشتم میلادی (سدهٔ دوم هجری) خربت واقع در مفجار Khirbat at Mefiar ۱۰۲ با توجه بهطرحهای خرقان ملاحظه میشود که بطور حیرت انگیزی نسبت بهزمان خود پیش رفته هستند. بحدى كه نقوش بسيار زيبا وبرازنده اي زينت بخش كنبدهاي بالاي إسيرهاي آرامگاه اول خرقانمی باشندوطرحهای سایه دار دیده نمیشود و نیز در برجهای خرقان بجای طرحهای ساده آجری برج دماوند یكسری طرحهای پیچدر بیج جدیدی دیده میشود در حقیقت می توان گفت که طرح اختصاصی اسپر ضلع

۱۰۰ ماریانی به صفحات ۱۰۳۸و۱۰۹۸ صوروی

۱۰۱ راك به صفحات ۱۳۰۱ خربت ومفجار بأليف هملتون (۱۹۵۹)

۱۰۲ درك به هملون تصاوير ۱۷ ـــاب ۲۲و۲۸و ۳۲ ــــ ۲۰ و ل ۳۳ و ل ۳۳ که عکسهای کی رنگی همستند.

چهارم (تصویر ۱۰-پ) وطرحهای آجری که درستونهای ضلع و تصویر (۱۰-ت) دکارر فته در اسپرهای تزئینی برج دماوند دیده نشده است ولی حقیقت قابل نوجه این است که این طرحهای سه گانه فقط در بند کشیهای مستقیم و محل ایسال آجرها بکارر فته اندو دو طرح آر ایشی خیلی مختلف بو جود آورده اند. ۱۰۳ در بسن سایر نقوش اسپرهای تزئینی برج اول موجود در اضلاع ۱۰وه و تصاویر ۱۰-ب و ت و ۱۱-الف) و طرحهای سه ستون دیگر از اسپرهای ۱۷ (تصاویر ۱۰-ب و ت و ۱۱-الف) و طرحهای سه ستون دیگر از اسپرهای ۱۷ (تصاویر ۱۰ متیف های هندسی زیبا که قبلا ساخته میشد، هنوزهم در این زمان این گونه متیف های هندسی زیبا که قبلا ساخته میشد، مورد پسند می باشد بطوریکه طرح لوزیهای متروك تغییر شکل یافته و در یك سری طرحهای توسعه یافته و شکفت آور جدید متجلی گردیده است.

علاوه برهمه اینها این خصایص منحصر بفردنمای خارجی برج اول خرقان دائز اهمیت وقابل تحسین میباشد و یابیش از سی طرح خارجی متحدا لشکل که هریك به تنهائی در نوع خود از نظر استحکام وزیبائی بصورت کمال مطلوب در آمده اند. از اینرو تصوری مبنی بر اینکه نواحی غربی یامر کزی ایران تا قبل از پایان سدهٔ یازدهم میلادی (پنجم هجری) فاقد انواع آرایشهای آجری بوده است بکلی مترود شناخته میشود. ۱۰۰ ودر حقیقت مشکوك بنظر میرسد میلاوه است زیرا علت آن معلوم شدی برا نوع آجرکاری برج خرقان مرغوب تر بوده است زیرا علت آن معلوم شدی بعلاوه مجموعه شواهدی که در برج دماوند و برج اول خرقان و برج در آرایش نمای در خرقان و جوددارند (تقریباً باهنتاد طرح بی نظیری که در آرایش نمای

۱۰۰ عاوت کلی بین دوشیتی برحسب مفایرتی که دارند میکن است غیرقابل توضیح باشه دلی باید داشته باشیم که انتخاب مونیف ها فوق العاده دشوار است و بدون داشتن اطلاعات وسیعی از د مای تاریخی که بعنوان راهنما خواهند بود، نباید نفاونهای زیادی بین دوناحیه صوار قائل شویم در است بررسی مجددی در خصوصیات معاری ایران و آسیای مرکزی بعمل آوریم .

۱۰۰- رسال به ص ۹۶۹ سوروی

خارجی آنها بکار رفته) چنین وانمود میسازند که در آنزمان فرم هشت ضلعی توسعه زیادی داشته و مخصوصاً از نقطه نظر آرایشی و طرحهای تزئینی بسبار حائز اهمیت بوده اند و از نظر تزئین به عالیترین درجه آرایش خود رسیده بودند تا جائیکه نقشی مافوق این طرحها نمی توان به یك آرامگاه مدور اضافه نمود ، معمولا هریك از اضلاع یك آرامگاه چهار ضلعی را باید بدواسپر تقسیم نمود (مانند اضلاع گنبد سرخ) . باوجود اینکه نمونه ای موجود نیست که به آن اشاره کنیم ولی بهتر است بپذیریم که اسپرهای آرامگاه دوازده ضلعی همیشه از هرجهت بهترین نوع مطلوب بوده اند .

تنها مطلب دیگری که قابل ملاحظه می باشد اثر عوامل طبیعی است که نمیتوان اثرات آنراد قیقاً اظهار نمود ویکی از آنها حرکت نور خورشید است که مشاهده میگردد خصوصیات هریك از اسهرها را لحظه به لحظه تغییر میدهد.

بالاخره اگراستحکام و گیرائی برجاول موجب تمایز آن از انواع پیشین خود گردد ، شیوهٔ بهتر و شکوه و پیراستگی برج دوم آنرا در ردیف عالیترین آثار تاریخی در آورده و سبك آن بعنوان سمبل هعماری الهام بخش سد. های بعد از خود بوده است . و باوجود این که بحال اولیه باقی نمانده اشکال موجود بنا هر گزدر هم نشده اندو مصالح آن نیز مرغو بتر از مصالحی است که در گنبد کبود (۱۹۹۲ م-۹۳ هجری) که بعد از آن ساخته شده است بکار رفته است. ۱۹۰۰ و همچنین باتوجه به آرایش بسیاری از آرامگاههای چهارضلعی یا هشت ضلعی آشکارا دیده میشود که در بکار بردن کاشیهای لعابی ۱۰۰ از بناهای تاریخی خرق آن متأثر شده اند و استفاده از نوع آجرهای سادهٔ برج دوم به عنوان یا شست قابل ملاحظه ای در تاریخ معماری دورهٔ اسلامی پای برجامانده است.

۱۰۵ ـ تصویر ۳۶۲ ـپ سوروی

١٠٦ اين فقط موصوعي استكه دركنيه سرخ مراغه مراعات شده است.

موقعیت و شرح کلی تصاویر

۱-الف. محور در ورودی در ۱٦٤ درجهٔ شمال غربی حقیقی رانشان می دهد. ۲- الف. آجرهای مربع یا تقریباً مربع ستونهای برجسته درمیان همه حفره های جای چوبستی در این تصاویر دیده میشوند.

۳- پ حلقه کنبد دارای ۲۱ لایه آجسری بوده وقسمت بالائی آن ضمن تعمیر، سفید کاری شده و نیز در دیوارهای جانبی گچ کاری بادوام بعمل آمده است .

٤- الف . یك كتیبه مخصوص كه باستاره هائی مشخص شده است از مسجد ساوه (از بناهای سال ١٦٠١ میلادی و ٤٥٣ هجری) اقتباس شده است رجوع شود به جلد دوم معماری اسلامی اسمیت Smith بخش دوم شكل ٢٣ وهمچنین برای آگاهی بیشتر به صفحه ١٦٣ همان كتاب اسمیت توجه شود .

ه ـ ب. یك نوع آجر تر اشیده نامنظم كه شاید هنگام شكستن نسبت به جای خالی تخمین زده شده است در گوشه سمت چپكف بنا دیده میشود.

۳- الف بوشش تزیینی ستونهای کلبركدارو کلهای آرایشی شش پر که باشکوه زیادی مشاهده میگر دندو در قسمت پایین پایه سنگی دوراه پله بر جبقایای سیمان روکش بنا مشخص شده و در پایه بنا آجرهای کم ملات کار گذاشته شده است و بالاخره قسمتهای بند کشی نشده هم دارای خصوصیات قسمتهای بالائی هستند.

۳- ب. اثر انگشت در بندکشی روی ستون سمت چپی و همچنین در ستونهائی که دارای طرحهای پیچیده میباشند مشهود است.

۲- پ. مجدد آ چند طرح نادر دررو کش آرایشی ستونها به چشم میخورد. ۷- الف شکل کامل هردواسپر و چهار طرف ستونهای جانبی در ورودی نسایش داده شده است. ۷-ب. دورنمائی از اولین دید دیوارهائی که در این تصویر دیده میشوند در چندین سال اخیر ساخته شده اند.

۸- الف طرح ستون سمت راستی برج اول مانند ستون طسرف دیگر است و باطرح سادهٔ ستون داخلی مسجد حیدریه قزوین یکسان میباشد.

۸- ب. خانه های بسیاری دردهکده و حصار ارمنی در آن سوی برج سمت راستی دیده میشوند.

۹- الف نقوش وسط هردو مدال تزیینی بر جسته شبیه نقوش مسجد جامع قدیمی گلپایگان میباشد و گمان میرود که از آن اقتباس شده باشد ۹- ب شکل مخصوص وطرح پیچ در پیچ زیرلبهٔ رومیها و گچ بریهای برجسته داخلی اسپرهای زیررومیها و آجرهائی که سه گوشه کار گذاشته اند ومینیا تورکاریهای برجسته با حاشیه های مهره ای که غالباً برای تنوع گچ بریها از اوایل سدهٔ هشتم میلادی (سدهٔ دوم هجری) تا سدهٔ دهم میلادی (سدهٔ چهارم) بکارمیرفته است، ممکن است که از گچ بریهای زمان خود الهام گرفته باشند ر. آله به هامیلتون R.W · Hamilton و شکل ۱۵۵ همان کتاب و شکل ۵۵۶ و تصویر ۲۲۸ سوروی وی Survey .

۱۰سد. دیوارخارجی هرستون راه پله هابطور کامل نشان داده شده وازرو کش سنگ چین یایه دیوارها بهترساخته شده اند.

۱۱- پ. طرحریزی این اسپر که نظیر آن در کنبد برج آرامگاه چهل دختران ساخته شده (۱۰۵٦ م و ٤٤٨ هجری) تصویر ۴٤٠ و شکل ۱۹۹ هیل وگرابررا نگاه کنید .

۱۲- الف کتیبه ایست که بینهایت ساده ساخته شده است و یکی از انواع طرحهای درازده، هشتویا شش طرفه در برجهای خرقان رانمایش میدهد.

۱۲ ب. طرح کتیبه ایست که درروی ضلع دوم بسکار رفته است یکی از مارحهای مورد پسند و متداول سده های یازدهم و دوازدهم میلادی (سدهٔ پنجم و شم هجری) بوده است .

۱۲- پ. شاید معمار درساختن برج اول خودنمائی نموده باشد وازاینرو به سبب دارا بودن خصوصیات درهم وپیچیده دربرج دوم بکارنرفته است.

۱۲- ت. کتیبه درهمی است که در بین بقیه کتیبه ها منحصر بغرد است زیرا بطور کلی از آجرهای چار که ساخته شده است واین طرح در مجاورت کتیبه ضلع هشت (تصویر ۱۱- پ) غیرمترقبه به نظر میرسد و هر بینندهٔ غیر متخصص هم می تواند اظهار کند که از هر جهت ساده وابتدائی ساخته شده است.

۱۸- ب. دراین عکس نشانهٔ ریزش پنجره کوچك بالای رومی و همچنین طرحهای لوزی شکل که بین حد نهائی بدنه و حلقه گنبد در دورتادور بنا ساخته شده نمایش داده شده است.

۱۹- الف. باستثنای دوایر کوچکتر درهمه جا طرحهای آجری برجسته بوده و دو اسپر کوچك و رومی آن دارای طرح ساده تراز اسپر ضلع دومیباشد ولی طرح ستونهای کوچك بهیك سبك جدیدی تغییر شکل یافته است.

۱۹- ب. بالای رومیهای ضلع چهارم وپنجم وششم آجرها را خفت. و راسته قرار دادهاند و نقوش کل و بوتهای که درخطوط مستقیم بوجود آمده در زیر رومی هربوطه دیده میشود.

۲۰ الف اسپرهای کوچك ضلع سه دیده میشوند.

۲۰ ب در اینجا سه طرح کوچك درست برعكس طرحهای ضلع چهارم ساخته شده اند.

۱۲-ب. نشانه در هم برهمی در پائین اسپر ضلع دوم که مجدد آضمن تعمیر تقریبا بشکل اولیه خود در آمده است. در تصویر (۱۱-ت) که بطور کلی هر دو طرح اولی و بعدی بامهارتی ساخته شده اند. مهارت در بکار بردن تو ده های آجر ها بجائی رسیده که سازندگان توانسته اند تنظیم و تر کیب اشکال را باطرح اولی تقریبا شبیه سازند برای اینکه نمونه اولی را بهتر ببینید بشکل ۲۰۳ همیلتون مراجعه شود.

۲۳ ـ الف ـ خطوط منحنی لبه سر در ورودی و اسپراصلی دراین تصویر نمایش داده شده وممکن است طرح کچ بری باریك کتیبه آرایشی شبیه کچ کاریهای اطاق اصلی کنبد مسجد جامع اصفهان باشد (شکل ۳۲۹ سوروی).

۲۳ ـ ب ـ موارد استفاده آجرهائی که بطریق راسته برای محکم کردن آجرهای روکش تزئینی بنابکار رفته اند دیده میشوند .

۲۶ ــب ــ نقاشیهای برجاولی مانندجاهای دیگراستوکارهای مینیاتوری و رومی هاشبیه زورق وارونه (اسپرها و رومیهای کوچك) تقریباً از ابتكارات شخصی معمار بشمار میآید .



شرح کتیبهها و نوشتههای آرامگاههای خرقان

از آقای اشترن S. M Stern

برج اولی یا شرقی ترین برج

نوشته های روی برج اولی و همچنین روی برج دوم خرقان تا اندازهای دارای جنبهٔ تاریخی و تا حدی هم قرآنی هستند . و بطور کلی نوشته های تاریخی در طرف اصلی ه. آ جای گرفته اند که یکی از آنها درسه کتیبهٔ مجزای بالای در و دودی می باشد . دو کتیبه در روی گنبد بالای کتیبه های آرایشی جاگرفته است در حالیکه سومین کتیبه در روی طرف اصلی بفاصله کمی در بالای در بالای در ودی قرار دارد .

خطوط قرآنی که ازطرف اصلی شروع شده در دور تا دوربنابغاصله کمی در زیر کتیبه های آرایشی جای داده شده اند . بنابراین سومین کتیبه طرف سلی (وقتی از بالاشمرده شود) متعلق به خطوط قرآنی است و اصلابه نوشته مربوط نیست (تصاویر ۷ ــ الف و ۸ ـ الف) .

خواندن نوشته های تاریخی مانند نوشته زیرین می باشد (تصویر ۷-الف برای خط و تصویر ۹- پ رانگاه کنید).

۱- بتاریخ سنه ستین واربعمائة (بتاریخ سال ۲۰ هجری قمری)
 ۲- عمل محمدبن مکی القبة

٣_ ابوسعيد - سحر بن صد . (صد مانند اصل است)

من تصور میکنم که خط دوم بایستی پیش از خط اول خوانده شود ۱۰٬۰ تا از دو خط یك جمله عربی ساخته شود ، در صور تیکه اگرغیر از آن باشد ظرافتی نخواهد داشت .

٧ محمد مكى الزنجاني كنبد را ساخته است .

۱ - درسال ۲۹۰ ه ۱۰۸

٣- ابوسعيد بيجار (١) پسرصد

اولین و چهار مین لغت در خطاول کمی خراب شده اندولی چونکه خوانده میشوند احتیاجی نیست که به جزئیات آنها پر داخته شود. ولی من قادر به در اله پنجمین کلمه نیستم زیر از یاد از بین رفته است ولی نوشتهٔ خط دوم کاملامحفوظ مانده است.

محمد بن مكى الزنجانى كنبد را ساخته است و در فاصله چند نقطه در بارهٔ این كلمات می توانیم كلمه عمل amila این كلمات می توانیم كلمه عمل این كلمات می نوانیم برای اینكه القبه al qubba مفعول جمله است .

هرچند این قاعده ایکه مایر L.A.Mayer اظهار داشته نوشته های معماری

۱۰۷ در نوشته های ناریخی آرامگاه دوم نیز ازردیف حارچشده وباید باسطرسوم خوانده شود. ۱۰۸ عبارت به ناریخ سنة راباید ازنظر کتیبه شناسی بررسی نعود.

ر جائیکه باید عمل amal خوانده شود بعنوان اسم بکار برده میشود و عمل onule راهمیشه نمیتوان بکار برد .۱۰۹

قبه Qubha وگنیده برای مساجد در نوشته ها بعنوان بقعه بکار میرود ریز کرجیم ۹۳-۹۳۰ میلادی (۹۲هجری)ر که به کتاب (باستانشناسی متولوژن ریز کرجیم ۱۰۲۳ میلادی (۸rchueologische Mitteilungen aus Iran) که برج رسگت (آثار ایران جلد اول ص ۱۲۰) دامغان ۱۲۰۰ م - ۱۹۰۷ هجری (نهرست ۲۳۵۲) دامغان ۱۵۰۵ میلادی – ۱۹۰۵ هجری (نهرست ۲۳۵۲) امام دور (نهرست ۲۳۵۲) دامغان ۱۰۵۵ میلادی – ۱۹۵۹ هجری (نهرست ۲۳۵۷) امام دور جدد میلادی از نهرست ۲۷۵۱) مراغه ۱۱٤۷ میلادی ۲۵۵ (آثار ایران جلد یکم تصویر ۱۳۳۳) برای ۱۱۵۷ میلادی ۱۵۵۲ فهرست ۱۱۵۷ باوجود این کلمه فه را در بعضی جاها در روی گنبد مساجد بعنوان نام بکار برده اند. برای مثال دو گنبد مسجد استهان (نهرست ۲۷۷۷) و مسجد گلهایگان (نهرست ۲۷۷۲)

خط سوم بافاصله کمی بالای در ورودی قرار گرفته است و بادقت و مهارت زیادی نوشته را بیش از حد معمولی برجسته ساخته اند اسمی که در کتیبه نوشته شده بسبب محو شدن خوانده نمیشو دولی نام کسی که آرامگاه برای اوساخته شده است اگرچه بیگانه بنظر میرسد زیرا چنین کلمه ای در بین اسامی خود نداریم و این آرامگاه با معمول بوده نداریم و این آرامگاه با معمول بوده است نوشته اند آنچه که سبب میشود نام آن بیشتر بیگانه جلوه کند عدم وجود است نوع عنوان برای نام صاحب آرامگاه میباشد . اولین کلمه اسم کونیا در این آدامی نیست و من میشود ابوسعید ابو نام آنقدر خاصی نیست و من است که بخوبی خوانده میشود ابوسعید ابو نام آنقدر خاصی نیست و من است که بخوبی خوانده میشود ابوسعید ابو نام آنقدر خاصی نیست و من است که بخوبی خوانده میشود ابوسعید ابو نام آنقدر خاصی نیست و من است که باورتی ۳ س۲۰ درباره شداری دوره اسلامی: من مایل مستم که کاملا مطالب داداشی است کند درمورد کلمات سنة و عمله باید بنورنیم که باید سنة و عمل بخوانیم.

نمیتوانم آفرا بعنوان یك اسم فارسی یا عربی تعبیر کنم ۱۱ ممکن است که آن یك اسم ترکی باشد در هرصورت من نمیتوانم آفرا یك اسم قابل قبولی پیشنهاد نمایم . اسم پدر صاحب آرامگاه با یك حرف (س) و یك حرف (د) شروع میشود و حرف بعدی هم از بین رفته است و آخر خط در زیر سنگ کاری که بعدها بعمل آمد پنهان شده است خطوط قرآنی از بالای طرفی کسه در ورودی قسرار دارد شروع شده و تا محل بند آجر ستون پیش رفته ، وبقیهآن از طرف دیگر بهمین ترتیب ادامه داده شده است و وقتیکه بالای ستونها خراب شده قسمتی از خطوط نزدیك آنها هم از بین رفته است و همچنین کتیبهٔ ضلع سوم هم از بین رفته است . و خطوط قرآنی شامل است و همچنین کتیبهٔ ضلع سوم هم از بین رفته است . و خطوط قرآنی شامل شده اند راید است . و خطوط ترانی شامل که در بین اضلاع ستونها بشکل زیر تقسیم شده اند (عکسهای ۷ – الف ، ۱۰۸ و ۱۲)

بنام خداوند بخشایندهٔ مهربان . اگر این قرآن را برای کوهها نازل میکردیم، هرآینهمشاهدهمیگردید که آنهاازخوف خداوندمتلاشی میگردیدند این مثال را برای کسانی میآوریم که شاید در آفرینش جهان اندیشه نمایند. او خداوندی است که بجز او خدای دیگری نیست دانای آشکار و نهان است، بخشنده و مهربان است، او خداوندی است که بجز او خدای دیگری نیست و یادشاه یاكومنز دومحفوظ دارندهٔ مؤمنان و خداوند بزرگیوهستی بخش است.

خداوند ازشریك وهمانندی که برای اوتصور میکنند بی نیسازاست او آفرینندهٔ پاك و منزه است. دارای نامهای نیك است. آنچه که در آسمانها و

۱۱۰ هر چنه که آن (بیجان) است ولی میتوان آنرا (بیژن) خواند که نام یکی از قهرمانان سر^ی حماسی ایران است .

دسم الله الرين الرحيم لو انزلنا [هياذا العر[ان على جل buttress 2. نرا المع خاتمعا مسدعا من خسالية الله وتلك الامال buttress 3. المريه اللناس لعلهم بتعكرون عوالله الذي لا اله الاهو الله العيب والشهادة هو الرحين الزالرجم عوالله الذاك [لا] اله الا هو الملك الفدوس السير اللام المؤمن المهمن] المريز الحمار المنكبر سيما [ن الله عما بنسركون] العوالله المارئ المصور الله الاسماء الحسن السارئ المصور الله الاسماء الحسن المارئ المصور الله الاسماء الحسن المساء المسن ن السموان . واللا رض وهو [[العـزيز الحكيم]

ترتیب آیه های سورهٔ ٥٩ دور تا دور برج دوم

کلمه «الله در در مار (نوشتهٔ قرآنی ضلع یك) میباشد و بطور مخصوص و همان طور یکه اشاره کردم به حرف «ل» کاملا شکل غلطی داده شده و معمولا این کار در تزیین کلمه الله متداول بوده که برای زینت دادن دو «ل» بعمل میآمده است. در صور تیکه در اینجا آن نوع عمل تزیینی را در جای «ل» دوم به سال آور ده انه و در و اقع در تریین کلمه القبه که در خط دوم نوشتهٔ تاریخی دیده مید و در حقیقت چنین است کاملا از تزیین کلمه الله مذکور پیروی شده است و در حقیقت چنین است خوین است

كرددكه ممكن است درطرز آرايش حرف اق از چنين كلمه الهي اقتباس مديد الله

دربالای حروف (م - ه - ت - واومربوطه - صادع وسط) تزیینات مهره ای عقوی و کل وبوته ای بسیار جالب و دوست داشتنی بعمل آمده است و فرم نبن عینی (ع) که در ضلع چهار است کمی شبیه عینی (ع) است ده در طرح مش بکار رفته است. ۱۱۲

خطی که اسم ابوسعید وغیره در آن نوشتدشده بسیار زیبا است و حاشیه رابا کل وشاخ وبرگ (نظیر شاخ وبرگ پیچ کل معروف امین الدوله که به درساختمانهای قدیمی ایران برای آرایش بکار میرفته) زینت داده اند. ازوه هریا از حروف بشکل حرف مربوطه از دوبخش آجری یاسفالی تشکیل مداست (این حروف رایا از آجرویا از سفال تهیه میکردند) وسیس بطرز صحیحی دروی کتیبه مربوطه بنا جای میدادند. در روی طرح هندسی خطوط متقاطع صف ضلع اصلی که چندین جا کلمه الله دیده میشود فرم زینت داده شدهٔ حرف را نمایش می دهد.

برج د**وم يابرجشرقى :**

اوجود اینکه نظموتر تیب نوشته های قرآنی روی این برج شبیه تزبینی که درروی برج اولی بعمل آمده است ولی نوشته های تاریخی در روی یك اسیر

و حتى متوان گفت که آثرا میتوان مادیدکلهه الله خواند ویرا قابل فیول بنظر نصرصه . ایک مظر میرسدگه آبا برچمه اولین کلهه مانند عمل اینجا هم عمل خوانده سود ویز سنجه دخلگیم که بچای کلههٔ ایونملط این درسطر چهارم انداسته سده است .

در چهار سطر درست بالای درورودی جاداده شده اند خط اول فقطشامل: (به تاریخ) است که تصور میکنماز ترتیب خارج شده است ولی در حقیقت بایسی به خط سوم تعلق داشته باشد . سه خطباقیماندهٔ دیگر از هرجهت شبیه سه خط برج اولی است. سطر اول به نام سازندهٔ برج وسطر دوم بتاریخ ساختمان برج و سطر سوم به اسم شخصی که در این آرامگاه دفن شده اختصاص داده شده است (تصاویر ۱۲ و ۱۸ - الف).

بتاریخ عمل ابی المعالی بن مکی الزنجانی ۲ سنة سنه و ثمانین وار بعماتة ۳ ابی منصور السی (السسی) بن تکین ٤

وبنظراشترن بايستى اين طور نوشته ميشدي

٢ ـ ساخته شده توسط ابوالمعالى بن مكى الزنجاني

۱-۳- در سال ۶۸۶

٤ - ابومنصور ... (٢) فرزند تكين (٢)

نوشته ها کاملا محفوظ مانده فقط اشکال در خواندن خط چهارم اسن که بسبب ازببن رفتن قسمتی از کتیبه ومحو شدن بعضی از علائم و نقطه ها اسامی نوشتهشده نا مشخص میباشند.

در اینجا از ابوالمعالی فرزند مکی بعنوان معمار بنا نامبرده ^{شده} . در صورتیکه در برج اول معمار ساختمان محمد فرزند مکی بوده ا^{ت .} مع ارسف امکان دارد که سازندهٔ اینبرج هم همان شخص بوده باینمعنی که محمد اسم کوچك او وابوالمعالی کنیه او بوده است واختلاف شکل اسم وی ممکن است سرفاً بسبب هوسی تغییر یافته باشد نظر دیگر اینست که می توان نصور نمود که شاید ابوالمعالی فرزند مکی الزنجانی بسرادر محمد فرزند مکی الزنجانی بوده است .

کنیه منصور ۱۱۳ تنهاکلمه ایست که در بین دیگر اسامی بخو بر مشخص م دند که مسلماً نام صاحب آرامگاه بوده وآرامگاه برای اوساخته شده است همانطوریکه در سطرسوم نوشتهٔ تاریخی برج اول دیده میشود نام ساحب مقبره دراین آراهگاه ذکرشده است اسم پدر ومقام اجتماعی صاحب آرامگاه نامشخصاست. نوشته طوری است که می توانیم اسم یدر را بیك نام عربی تعبیر نمائیم ؛ بو کایر Bukayr یا بودایر Budayr یا مانند مك اسم تر كی نگین استTigin است که گاهی تیکین و زمانی تکین تلفظ میشود (Takin-Tikin) و بالاخره باید متذکر شدکه دراین خط تاریخی (حرفسر) و حرف نون آخر(ن) یکسان نوشته شده اند حتی از نظر شناخت نامو مقام صاحب آرامگاه بسبار ناشناس وقامشخس است ونمه رتوان اظهار عقيده نمودكه آن درشمار اسلمى عربى يا فارسى است بنظر ميرسد كه دوحروف اول اين كلمه حرف (الف) وحرف (ل) باشد ویکی ازسه حروف بقیه کلمه مثل اینکه (س) یا(ش) است ۱۰۰۰۰ سه حروف مستقل دیگر هستند و هریك بعنوان یك حرف اصلی برای ٣٠ حروف ديگر مربوط ميشو دوبدنه هريك از حروف جدا نوشته شده است ٠

۱٬ ۳۰۰ کفهام شاید کلمه ابو مانند کلمه ابوسعید دربرج اول نوشته شده باشد .

ویا آیافقط یكخط منحنی (ی) آخر كلمه است كه با مهارت زیادی به حرد. پیشاز (ی) آخر كلمه متصل شده یا ما باید دو حرف دیگر را تشخیص بده یم ویا هنوز بدنهٔ یك حرف دیگر بآن اضافه میشود ، در حقیقت امكان دارد انواع تر كیبات بیشماری در تر كیب وطرز بهم پیوستن حروف بعمل آیداز این رومن در زیر با حروف بزر گمثال میزنیم. ئیل تای تی العالم تر كی است كه شاید در جائی به آن بر خورد كرده باشم) یا ئیلش تی الماله (كه صدای آنهم مانند صدای اسامی تر كی است) ولی من واقعاً نمیدانم كه چنین اسمی و جود دارد یا خیر، شاید یك متخصص زبان تر كی پیشنها و بهتری داشه باشد . در غیر این صورت برای آگاهی بیشتر میتوان از فرهنگ اسامی تر كی مانند ژوستی ۱۵ اسامی قدیمی و مفید اسامی فارسی استفاده مانند ژوستی ۱۳۰۵ و فرهنگ های قدیمی و مفید اسامی فارسی استفاده

نوشته های قرآنی در این برجهم مانند برج اولی کاملا از زیر کتیبه های آرایشی در دور تادور آرامگاه نوشته شده است. و بعلاوه بخش بندی متن سوره در برین اضلاع وستونهای مختلف درست مانند بخش بندی متن سوره در روی برج اول بوده است (که مجدد ارائه متن کاراضافی بنظر میرسد) در این تقسیم- بندی بخوبی پیداست که معمار ساختمان از ترتیب آیه های سوره برجی که ۲۲ سال پیش از آن ساخته شده پیروی کرده است. این برابری توسط خطوط تزیینی که مانمونه آنرا در برج اول دیدیم بعمل آمده است. (به تصاویر ۱۸ سبو

کتیبه دومین نوشته قرآنی دربالای درورودی ساخته شده است. (تصاویر ۱۸۰۰ الف).

زمتنی که دوروی ضلع عمودی طرف راست و جود داشته فقط چند حروف احر فیمانده است که به سبب کمی آنها چیزی مفهوم نیست و نمیتوان از نوشته های آن متبجه ای گرفت و نوشته های افتی سمت چپ هم شامل آیه ۱۱۵ سور ۱۳۵ می با شد

افجستم انما خلقناكم [[عبثاً وا ر نكم الينالاترجعون] «آيا شمافكر مكبد ما شما را بيهوده آفريده ايم و يا آنكه شما بطرف ما بركشت داده نخواعيد شده »

البته این یك موضوع مناسبی برای آرامكاه میباشد كرچه بررسی مجدد فهرست نشان ميدهدكه اين جمله ازجملات متداول زمان ساختن بناي ماریخی مورد بحث ماشناخته نشده وبآن زمان تعلق نمیگیرد چهآیه آخری همان سوره (آیه ۱۱۸) یکمرتبه هم در (فهرستشماره ۲۱۸۶) نوشته شده است. نوشته هائیکه در برج دوم بکاررفته خیلی شبیه به آنهائی است که دربرج ول دیده شده است کرچه در کلیات نوشته های قرآنی کمی اختلاف است ولی نطرباینکه برج دوم درمجاورت برجاول قرار کرفته حروف موجودروی هر دوبرج در زمینه یکسانی دروی ساختمان ها جاداده شده اند ولی نوشته های رج دوم تا اندازهای شکل صحیحتری بخود گرفتهاند ولی بطریقی الله حروف شکل اصلی خود را حفظ کردهاند وهمان نوع تزیین مهرهای شکل ابهِ الذكر درآرايش آنها هم بكاررفته است، حتى همان اختلاف بين حرف الساده وشكل بسيار آرايشي وتزيين شده آنرا درروى اين برج همي بينيم تر ع) در سطردوم نوشته های تاریخی تزیین شده است. وحالت سادهٔ آن الله عند (ع) برج اولی دربین اضلاع وستونهای مختلف دیده میشود. و پیداست

که معمار طرحریزی نوشته های روی برجدوم خودرا ازنقشه برج اول پیروی کرده است .

هرچند که معمار در طرح کلمه الله ابتدای خط قرآنی برج اول اشتباهاتی نموده ولی در برج بعدی اصلاحاتی بعمل آورده است. در اینجا هم ما دو(ل) داریم که بین آنها بهمان شکل برجاول تزیین شده است.

نتيجه گيري :

مدارك تهیه شده از خطوط روی برجها برای دانش آموزان دورهٔ معماری اسلامی بسیار قانع كننده وسود بخش می باشد زیرا بطوریكه ذكرشد هم نام معمار سازندهٔ این آثار تاریخی بخوبی مشخص است و هم بناها شامل تاریخ دقیق احداث می باشند .

اولین بنای تاریخی درسال ۱۰۲۷ میلادی - ۶۲۰ هجری درزمان سلطنت آلبارسلان و دومین بنادرسال ۹۳ ام - ۶۸۲ هجری درزمان سلطنت ملکشاه سلجوقی ساخته شده است .

این آثار تاریخی باشکوه که نمونهٔ بارزی از بناهای پابرجای دورهٔ سلجوتی بشمار میروند از این رو حائز اهمیت هستند که تساریخ ثابتی برای ما بجای گذارده اند که از نظر تشخیص روابط بناهای تاریخی و همچنین از نظر تزیین رو کش بنا و نوع نوشته های حروفی بسیار سودمند خواهند بود.

از بررسی نوشته های موجود روی این آرامگاهها استنباط میگردد که باحتمال قوی هردوبنای تاریخی توسط یك معماریعنی همان ابوالمعالی محمد بن مکی الزنجانی ساخته شده اند . و گمان نمیرود که اوبنام دیگری شناخته شده باشد . اگر به اسامی معماران بناهای دورهٔ اسلامی موجود در فهرست

سر L. A. Mayer مراجعه شود ۱۱۴ محققاً نام شخص مورد نظر ما در آن روت نحواهد شد چون فهرستمز بور فقط شامل اسامي معماراني است كــه در وي آثار تاريخي بريا ساخته خود علامت مشخصي بكاربرده باشند و ازطرف دبكر نام بناهاى ساخته شده درآن فهرست ثبت شده است. وحال آنكه بناهاى ناریخی مورد بررسی ما تاکنون ناشناخته بوده وحتی تازمانیکه این کتاب تكميل شود درهيج يكاز فهرستهاي موجودنام بناهاي تاريخي بدست آمده ويانام سازنده آنهامشاهده نشده است وازطرف ديكرمتأسفانه درهيج يك ازمنابع ادبي همفهرست ناممعماران ذكرنشده وخيلي نادر بنظرميرسدكه نام معمار مورد نظرهادرآ نهاهم ذكرشده باشد. بهرحال چون نام معمار شامل كلمه تيسبا الزنجاني Nisba al Zaniani مى باشد اين دلالت براين مينمايد كه شهر زنجان زادگاه اصلی ۱۱۰ وی بوده است. آرامگاهها در جنوب خاررود Khar Rud بین درهٔ رودخانه قرار گرفتهاند. از این رو بساد کی قابل فهم است که ممکن است بكمعمار ازمسافتي كه چندان دورنيست براى انجام اينكار دعوت نموده باشند. وهمچنین واضح است که هر معماری در ساختن بنائی از تجربه خود وسایر معماران پیروی می نموده است . و نیز کاملا معلوم شده که معماران شرقی هم مانند معماران غربی در مهاجرت از این شهر بآن شهر تفاخر مینمودند و از اسامی معماراتی که دور از زادگاه و محل بومی خودکار میکردهاند الست کاملی تهیه شده است ۱۱۹ پس دراین زمینه هم دلیلی ندارد معمار مورد

۰ س ۱۹۸ شماره ۳ نوجه کنید.

۱۱۰ درسدهٔ دهم میلادی (چهارمهجری) یک نفر فقیه در زنجان ننام مکی میزیسسه که نام پدربزراد وی درمکی (السامانی النسب زنجانی بوده است) بهرحال نام یکی مکی چندان ناشناخه نیست که مجبور به درسانی بیشتری باشد.

^{. . . .} مصفحات ١٦٣٠٤ جله اول همياري دورة إسلامي مصر بالبف كراسول .

نظر را از دیگران مستثنی بدانیم چه ممکن بوده است در جسای دیگری دور از زاد گاه خود دیده و دربنای خود از آن پسروی نموده باشد .

معالوصف طبیعی تر بنظر میرسد که این مطلب را بپذیریم که ممکن است او از شیوه های شهر خود پیروی نموده باشد. البته با توجه باینکه آثار موجود مدارك بسیار خوبی هستند ولی از بقایای ناچیز تاریخی در این باره چندان قیاس مهمی نمیتوان بعمل آورد که چگونه معمار توانسته است از طرحهای پیش ن در ساختن نمای خود اقتباس نماید و یا اینکه آنرا بدون بررسی طرح ابنکاری خود اوبدائیم.

واین موضوعقابل ملاحظه میباشد که نام معمار دربهترین و مشخص تربن جای بنای تاریخی نوشته شده است. بایر میگوید ۱۱۷ که درروی همهٔ ساختمان های دورهٔ اسلامی هویت معمار بندرت ذکر میشده ولی خود او اضافه میکند که این عقیده نسبت بزمان و مکان قابل تغییر است.

درواقع باید بگویم کهبهما ماموریت داده شدتابناهای تاریخی که دراین دوره درایرانساخته شدهبررسی نموده و تحقیقات ممکن رابعمل آوریم. در مدتی که برای بررسی مقولهٔ آرامگاهها وقت صرف کردیم به اسامی وعلائم معماری در روی آثار تاریخی با مبرده زیرین برخورد نمودیم.

لاجیم که ازبناهای ۳-۱۰۲۲ میلادی و۴۱۳ هجری (آثار ایران جلد ۱ ص ۱۱۲)است باآثارنامبردئزیرینموردبررسیقرارگرفتند

دامغان ازبناهای ۱۰۲٦ میلادی ٤١٧ هجری (فهرست۲۳۵۲).

یك سنگ قبر بتاریخ ۱۱۲٦ میلادی - ۷۰ هجری تاریخ گذاری شده بود (فهـرست ۲۹۶۹).

۱۱۷ ـ رئے به صفحات ۲-۲۱ معماری دورة اسلامی و کارهای انجام شنده آنها

آثار تاریخییزد۱۱۳۸ میلادی ۵۳۳هجری (فهرست ۳۰۹۶) و(۱۱۵۰م -دینه هجری فهرست ۲۳۵۲) .

مراغه ۸-۱۱۶۷ - ۱۹۵۸ هجری (جلد اولآثار ایران ص ۱۳۶) ونیز یا کادر از کارهای قنقازیه با نام آهنگری (۱۰۲۳ میلادی ـ ۵۵۵ هجری فهرست ۲۲٤۹).

، نمز آر امکاه امام دورعراق (فهرست، ۲۷۵) رامور دبررسی قرار دادیم اين نوشته هاجو ابرضايت بخش وقانع كننده خوبي براي سؤالاتي است که توسط دانشجویان رشته معماری و تاریخ هنر مطرح میگردد. تاریخ نویسی الستى مختصر ومفيد باشد مخصوصاً وقتيكه إدن سؤال بيش آبد جراي هویت اشخاصیکه آرامگاه برای آنها ساخته شده برای او جالب توجه شدهو دراین نظریه اطلاعات بدست آمسد. ازخطوط روی بنا غیر قاطع جلو. گسر میگردد . اگرکسی نوشته آرامگاههای همزمان یك منطقه را بروسی كند بى خواهد بردكه آنها عنوان ومقام واسم صاحب آرامكاه را با القار و آبوتاب زادی درروی کتیبهٔ موجود روی بنا مینوشتند . حال درمقایسه آرامگاههای مورد بحث ما دیده میشود که در نوشته هابطور مختصری فقط باسم صاحب آنها ا شفا شده است . وحتى بايد إذعان داشت كه آنچه هم ازاسم آنها مشخس شده ازروى عدس وكمان بوده استزيرا نوشته هاى موجود بخوبي خوانده نميشرند الله المخود معمائي است ونيز به كمان قوى اين تصورييش ميآيد كهممكن است والمسان ابن آرامگاهها شاید یکی از شاهز اد کان ویا بزرگان ویا امکان دارد نه نزرگی بوده اند که از روی تواضع وفروتنی خواسته اند که چیزی باسم أن اضافه نشود ویا این تصور باطلبوده وهیچ یك از آنها نبودهاندویكی از الناسان مذهبي بودهاند كهخواستهاند القابي هانند شيخ وغيره را در اول و

یاآخر نامآنها اضافه ننمایند عدم وجوداطلاعکافی ازعنوانهای آنها سبب میشود که سعی خود رادراین باره تقلیلداده و به تحقیقات مقام اجتماعی مردی که آرامگاه برای اوساخته شده خاتمه دهیم .

اگر اسامی موجود عربی یا فارسی بودند تقریباً احتیاجی بسه بررسی زیاد نداشت ولیچون بنظر میرسد که آن اسامی ازنامهای قرکی باشند در این صورت این کمان پیش میآید که ممکن است ازاعضای حکومتی سلجوقیان بوده اند . نظر دیگری که ممکن است حقیقت داشته باشد وجود منطقه ایست که بنای تاریخی در آن ساخته شده است . زیرا تا قرون وسطی شهری در آن منطقه وجود نداشته واین موضوع مستلزم مطالعه و بررسی جغرافیای تاریخی این ناحیه است که بطور خلاصه میتواند اطلاعات جامع و مغیدی را فراهم آورد .

ناحیه ایکه خرقان نامیده شده که درحال حاضر (قرقان) تلفظ می شود فعلا از نظراموراداری بدوبخش خرقان غربی (واقع در مغرب جادهٔ قزوین مدان) و خرقان شرقی (واقع در شرق جاده) تقسیم شده است و باناحیه افشار یه ضمیمه بخش آ واج (یا - آ وا) در منطقه شهرستان قزوین قرار گرفته اند در سور تیکه خرقان ساوه به شهرستان ساوه تعلق دارد ۱۱۸ بنای تاریخی که در مزر غربی این منطقه قرار گرفته است نام آن ناحیه از اوایل دور قاسلامی به بعد بوجود آمده است و از سدهٔ نهم میلادی (سدهٔ سوم هجری) به بعد آگاه میشویم که جادهٔ خرقان از بین قزوین و همدان به خرقان منتهی میشود ۱۱۸ (اکنون هم راه همان است).

ازبررسی دورهٔ حکومت عباسی (که بهترینمنبع خبری آنزمان درایس

۱۱۸ در در به درهنگ جغرافدائی ایران جلد اول وخلاصه آخرییش کهدار آن . او به (صاوه) نوشنه می در جلد چهار دایرةالمعارف اسلامی ۱۹۳۶ که درآن منطقه خرقان به بلوکهای افشاری بکشلووافت تک کوبیلو وفره کوز نهمییم شده است .

۱۱۹ د. د. به ص ۲۱ د دایرة المعارف جغرافیای عرب بالیف اینخر دادمه .

زمسه میباشد) ما را در کشف حقیقت رهنمون میسازد که خرقان با همدان هردو در آن زمان جزویك بخش بوده اند و بعد آلآن ناحیه جداشده و جزو حکومت نشین شهر قزوین شده است ۲۰ در دوره سلجوقی دو حادثه اغتشاشی داخلی در خرقان بوقوع بیوسته است. در سال ۲۰۹۸ میلادی – ۲۹۱ هجری سیاهیان سرکش بر کیارق در خرقان اردو زدند و در آنجا با محمد بن ملکشاه سلجوقی ملاقات نموده و باو پیوستند . ۱۲۱ در سال ۲۱-۱۱۸ میلادی – ۲۵ هجری در ست زمانیکه اینانج حکمران یاغی ری مورد حملهٔ آتابیك ایلدوگز قرارگرفت ارسلان بن طفرل سلطان سلجوقی از قهران حرکت کرد و در خرقان اردو زد و در آنجا منتظر ماند تا وی سقوط نمود . ۱۲۲ در سالهای ۹۰ – ۱۹۹۶ میلادی در آنجا منتظر ماند تا وی سقوط نمود . ۱۲۲ در سالهای ۹۰ – ۱۹۹۶ میلادی در آنجا منتظر ماند تا وی سقوط نمود که باگروهی برعلیه الماس خلیفه عباسی شوریده بودند و تان از سدهٔ چهارده میلادی شوریده بودند و تان از سدهٔ چهارده میلادی

۱۹۰ رسای به س ۳۳۹ و ۳۲۰ جله ه عبیه بالبف ابن المقیه که آن کتاب ماخذی برای یافوت بوده است. بازیج و به بروی جلهچهارم وصفحه ۹۸۸ همان کتاب حمدادی هستوفی دربارهٔ فزوین نوشه است. بازیج کزیده بالیف عبدالحسین توانی ۷۷۷ و ازروی این کتاب درسال ۱۸۵۷ در روزنامه آسیائی فرانسه بام برده شده و همچنین رسال به صفحات ۲سه ۳۳ به راه کهشده بالیف حیب مهموری یالی چاپ انسشارات بر اس و آمن بین تواحی ملحقه به قزوین و دوناحه خررود یائین و خرفان ذکر شده است (ومی ازاینکه همه این اسامی در جزو بالیفات سدهٔ نهم عیلادی ذکر شده مشکول هستم).

۱۳۱ سرسك بهص ۱۹۳ اين اثبو،

١٢١ رسك به صغحات ٧٤٦٠ راحت الصدور راوندي .

[&]quot; - رسك مه ٧٢ جلد هفتم كتاب ابن اليو.

[&]quot; - دسال مصفحات ۷۳ و۲۲۱ نزمة القلوب (همچنین مهمعمات ۱۳ ساوه) و (۱۹مدراماند ساوه) و ۱۸۰ (مردکان ترکانخرقان) و ۲۸۰ (عیداشآبادی) وصفحات ۷۱ و۲۱۶ و۱۸۸ و۱۸۵ و۱۸۵ و۱۸۵ و ۲۷۳ و ۲۷۳ و ۲۷۳ و ۲۸۰ نرجمه انگلیسی نزمةالقلوب و مدومقاله مشهور لسترنج و به کتاب سرزمنهای خلاف شرفی صفحات دسترا و ۲۲۰ و ۲۲۸ و کتاب آلمانی فلات ایران با جغرافیای عرب بالیف شواریس صفحات ددد و ۹۱۹ م احمه شدد .

است که تعدادی از دهکده های آن بخش را معرفی میکند که در بین آنها آوامر نز بخش ناحیه خرقان میباشد .

از این در رسی چنین در میآمد که در این ناحیه شهر مهمی و جود نداشنه است تنها محلیکه تا اندازهای آبادتر بوده، آوا نام بردهاند که تقریبا در فاصله ٥٠ كيلومتري محل آثار تاريخي مورد بحث ما قسرار دارد . معلوم نيست که چرا و دو نفر ترك نژاد در این مدت کو تاه تو انسته اندر ئیس قبیله با از بزرگان ارتش یا از دارند کان مردومقام بشوند که عاقبت در آنجا مدفون کر دیدهاند. احتمالا امكان دارد از شباهت نواحي محاور زنجان ـ سلطانيه كه در دورة ایلخانیان بسبب وجود چراگاههای عالم بعنوان زمینهای اردوگاه موردتوجه حکمرانان مغول گردیده بود کمك بگیریم و بیذیریم کمخرقان در دورهٔ سلجوتي جزو قلمرو جراكاههاي قبايل افراد ترك بشمار ميآمده و رؤساي آنها آنجا را بعنوان آرامگاه خود انتخاب کرده مودند واحتمال نمیرود که خرقان تصادفا دردورة سلجوقي بعنوان دومين اردوكاه ارتش بدست سلطاني افتاده باشد . بدیهی است که رؤسای آنها برای اینکه بیشترمورد توجه مردم متمدن و قاطبه ایرانیان قرار بگیرند دین اسلام را می پذیرفتهاند وممکن است معماری از نزدیکترین شهر برای ساختن این آرامگاههای با شکوه استخدام کرده باشند بااطمینان خاطر می توان گفت که این فرض نمر تواند دلیل قاطعی برای عدم وجود عنوانهابشمار آید. بهر حال این موضوع بصورب مبهمي باقي مانده است و يعلاوه باوجود انكهابن دلابل تقريباً نظر يميباشند ولى نسبت بهخوانده نشدن نوشتهها وفقدان كواه ديكر تأوري بهتري درابن زمینه نمیتوان تهیه نمود اگر این بناهای تاریخی مور دتوجه قرار گیرد آینده نشان

ده اهد داد که جستجو و کاوش از این آثار تاریخی با شکوه باگواهان قالمع تری سب روشن شدن اذهان و پیدا کردن راه حل بهتری برای معمای ما دواهد بود. ۱۲۰

در برج شرقی تابوت چوبی قرارداده شده که در روی آن جمالات زیرین بدر بی نوشته شده است:

هذه المرقدة المنورة المعطرة سيدة صالعة

طاهرة جدیدة خاتون بنت امامالهما (م)، امام موسی کاظم علیه السلام تحریراً فی شمر صفر ، ختم بالغیر والنافر ، لسنة اربع وستین و تسعمائة این آرامگاه نورانی و عطر آگین با نوی پر هیزگار و پاك سرشت «جدیده» خاتون دختر پیشوای عالمیان حضرت امام موسی کاظم علیه السلام است : علیه السلام است : نگاشته شده در پایان ماه صفر المظفر سال ۹۶۶ هجری قص ی قص ی ۲۲۰

ا ممکناست اینطور نصور شود که درزمان مدیم آرامگامها مانند محل دفنامامهمررداحرام بودند. ادع شرقی دارای تابوت چوبی منبتکاری شده استکه جملات عربی فوی انذکر معاله در روی آن حالا شده است .

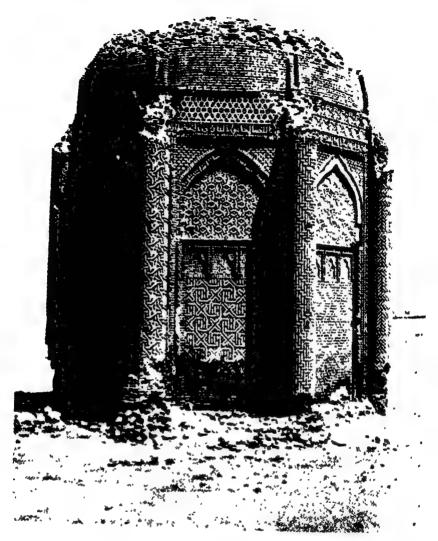
[.] اصل خطوط عربی مدکوره دربالا بوسطآهای محمد بقی مصطفوی قرائت شده است .

درروی نقشه فی اینچی کاوشی هند ورق ۱-۳۹سب علامتی ازیك آثار تاریخ که بایستی به آرامگاه مورد بحث ماپیوست داده شود نوشته ها طوری خ میشوند که مارا نسبت به نام آن کنجکاو میسازند (قوش امام) این نام است (قوش یا پرنده) امام. اگر این بنا آن باشد بایستی برای یك ام طرح شده باشد.

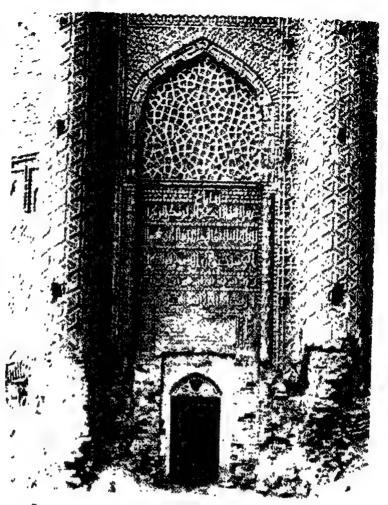


۱۷٫۰ - الف . نمای برج دوم و تنها ستون توخالی مخصوص راه بله در بین اضلاع ۳ و ۶ دیده میشود

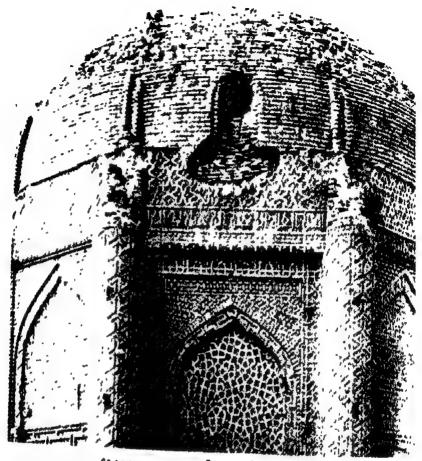




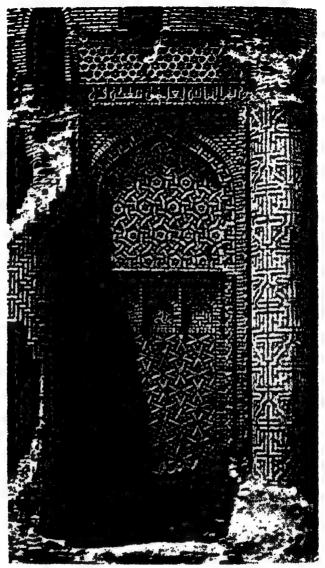
تصویر ۱۷ - ψ ، اضلاع π - Λ برج دوم



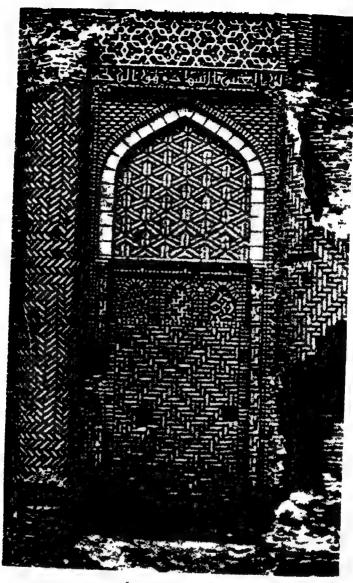
تصویر ۱۸ ـ الف • ضلع در ورودی ونوشته های بالای آن



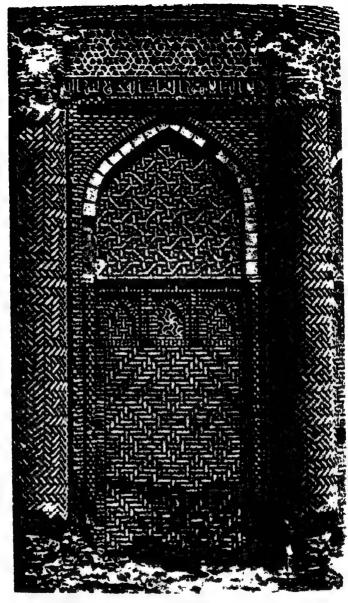
تصویر ۱۸ ـ ب . بالاترین قسمت سردر ورودی



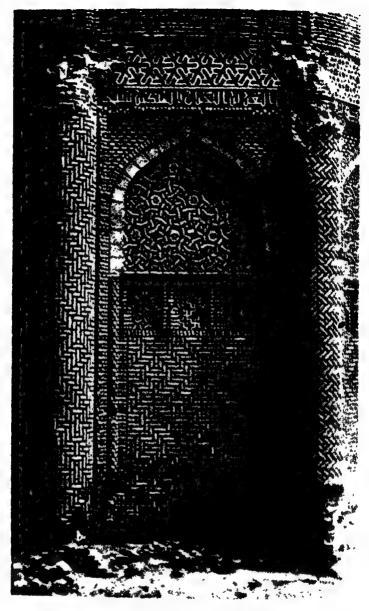
تصوير ١٩ ـ الف . ضلع ٢ برج دوم



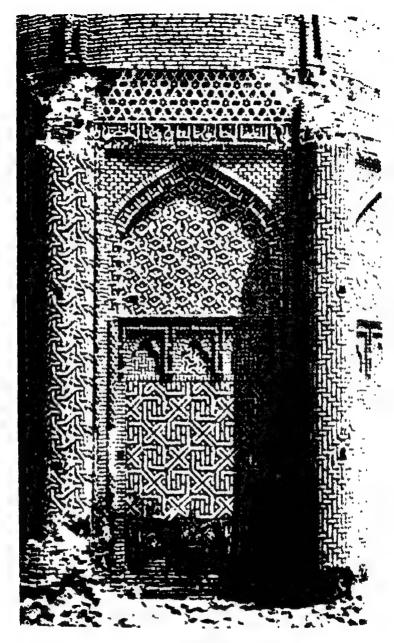
صوير ١٩ .. ب . ضلع ٤ برج دوم



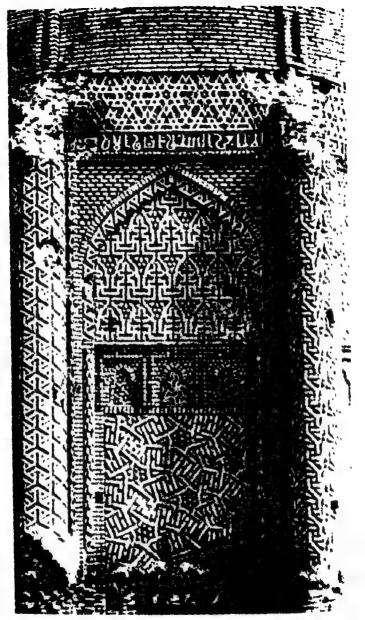
تصویر ۲۰ ـ الف . ضلع ٥ برج دوم



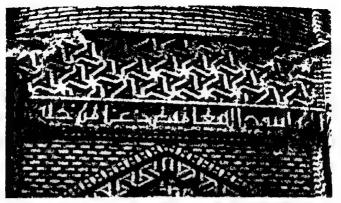
تصویر ۲۰ ـ ب . ضلع ۲ برج دوم



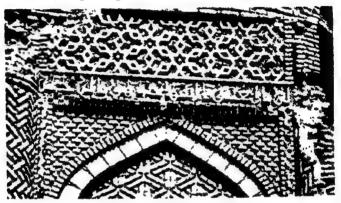
تصویر ۲۱ ـ الف . ضلع ۷ برج دوم



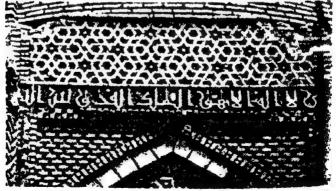
تصویر ۲۱ ـ ب . ضلع ۸ برج دوم



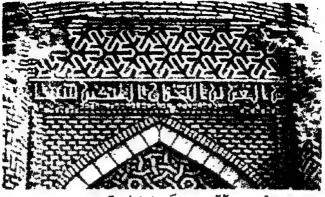
نصوير ٢٢ ـ الفكتيبه ضلع ٢ برج دوم



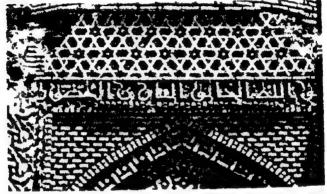
تصویر ۲۲ ـ ب . کتیبه ضلع ٤ برج دوم



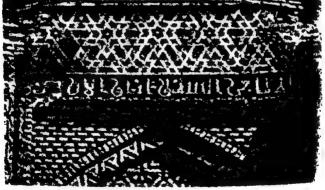
تصویر ۲۲ _ پ . کتیبه ضلع ٥ برج دوم



نصویر ۲۲ ـ ت . کتیبه ضلع ٦ برج دوم



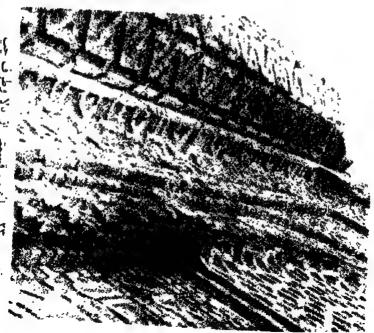
تصویر ۲۲ ـ ث . کتیبه ضلع ۷ برج دوم



تصویر ۲۲ - ج . کنیبه ضلع ۸ برج دوم

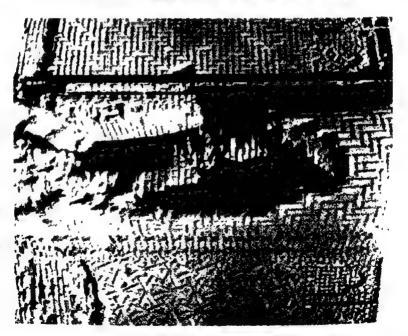




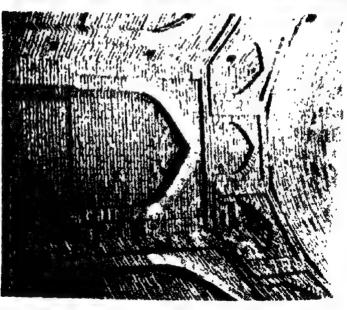


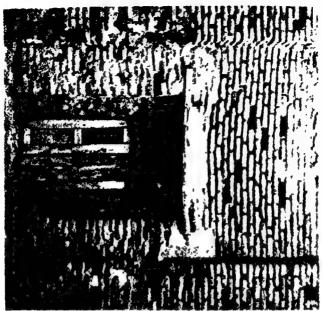
نصویر ۲۴ ـ اشت . قسمتی از ۱۷ وطرف ۲ ستون برج دوم دیده میشود



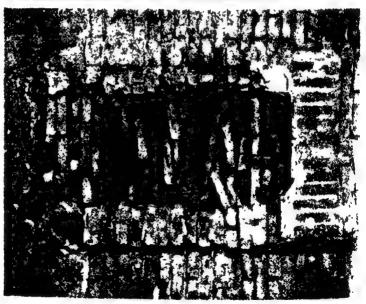


تصوير ٢٤ - الف . قسمت داخلي برج دوم





تصویر ۲۶ سات ، در ورودی اصلی برج اول که از داخل دیده میشدو



تصویر ۲۶ – پ . قسمتی از درگامی برج دوم

كاتب ارمي

بخطبرركان

از :

سردارم محرسری سردارم محرسیری

نامه هائی از میرزا آقا خان کرمانی

(بقیه از شماره پیش)

از

سروان معمد کشمیری

-11-

قربانت شوم دوسه فقره الواح قوانين بتوسطيست واصل كشت همهرايهر طرف تسيار نمودم بطوري كه بالفعل ازبراي خود حقير هم يك نسخه يافي سانده از جميع نسخها چند دسته ديگرمستدعي است سابقاً عسرض كردمام اگرماهی دونسخه بیرون بیاید و یارهٔ مطالب دیگر هم محتوی باشد و قیمت اشتراك راهم فهم كافي قرار ندهيد آبونه بسيار يبداميشو دنها يتاين استوجه آبونه را از بك ليره انگليسي كمتر يكنيد كار بدون قيمت را هيچكس قلر نميداند خلاصه ازورودحضرتسيد جمال الدين بلندن روح تاز مدر بدنم آمدعجب اينكه چندشب پیشاز آمدن درعالم رؤیا مشاهده کردم کسه از حضرت امامعصر توقیمی بخط سبز برای حقیر رسیده و در ظهر آن نسوشته اند بجناب اشرف ماظمالدوله ازجانب من تكبير برسانيد بكوئيد شما بزودى مظفر و منصور خواهید شد وپیروزی بزرگ خواهید یافت صبح کهبرخواستم این رؤیای صادقانه را بجمعي ازاخوان ودوستان حكايت كردم بعداز چندروز خبرورود حضرت سید بزرگواروا بلندن درنمره های قوانین خواندم خط سبز اشاره بسادت آنجناب است هذا تأویل رویای من قبل مطلق بدانید فتحوفیروزی ونصرت ازطرف شما خواهد بود خداوند تعالى جهالت وظلمت دائمي رابراى مردم نمی پسنده و ازمقتضای لطف الهی دورست و هرکس سخن حق بگوید و استقامت بورزد ممكن نيست غلبه نكندخلاصه حاجت نباشدت بدعاى رهى از آن- پیوند جان توست دعاهای مستجاب

جناب مستطاب ناظم الدوله جدید بسیار آدم نجیب اصیل بزر گواری است همچگونه اقدامی به خلاف انسانیت نسبت باهالی نکر ده و دل او هم مثل دیگر ان از از اوضاع هرجو مرج خون است ذات شاهانه بواسطه آن خلاف نزاکتی

کهاز طرف دولت ایران درباره جناب معین الملك نمودند زاید الوصف متغیر سن و بررغم این فقره نسبت بسفارت جدید خیلی سر گردان و بی التفات است بفسمی که هنوز یکشب سفارت را دعوت ننموده و هیچگونه لطف عادی و احسان رسمی نکرده دیگر سرکار اشرف بهتر میدانید .

آن جانور مکروه تاریكخیال یعنی حاجی میرزاحسین شریف دستاز فضولی وهواداری جانوران واذبت آدمیان برنمیدارد

آنچه بنده تحمیق کردهام ابنجانور دوسه نفرازآن اشخاص ساده لوح هندوسنان را بشعبده ونیرنگ فریب داده که شماپارهٔ اقدامات بکنیددرس ترقی املاهبت و اضحالال انگلیس مانند پروتستانها که بسرای ترویج دس خود میکنند .

آنبیهارمها پولیرویهم گذارده دربانگ نهادهاند باین شخص ماهی پاسد روپیه میدهند که دبن اسلام را رواج بدهد وریشه انگلیس را برانداز دبهمین واسطه آمده خودرا داماد آقامحمدطاهر نموده و هرروز با قامحمدطاهراسرار دارد که ظامهای انگلیس را در هندوستان و بدخیالی اورا درباره اسلامیت نشروطبع کند بهرصورت دام بجان آن بیچارههای ساده لوح هندی میسوزد وقتی هم میخواهند برای پیشرفت اسلامیت اقدام کنند پول خودرا بهنین جادور مکروهی که هیچ حیثیت را در دنیادارا نیست نهازعلم و نهاز تقوی و دبات و نهازادراك و شعور میدهند کسی که بخواهد چنین اقدامات بکند امثال جنب سید جمال الدین را جلب میکند و دیگر علمای متبحر و دانشمندرا و ترقی اسلام هم موقوف بعلم و تیقظ مسلمانان است نه بجهالت و غفلت بعر ض دیگر کتاب گلسنان خطوط آدمیت را بایک کتاب فارسی آنجناب بهمان خط شخص از کرمان از حقیر خواسته هرگاه ممکن است و مرحمت بغر مائید زاید الوصف ممنون میشوه و همچنین فوتگر اف خودرا که و عده فرمودید.

از قراریکهاینجاهاافواها مذکوراستبزرگانتهران وشاهزادگانباسی عریضه بحضور همایونی عرض کسرده واز هرچومرج اوضاع حالیه شکابت رسیر نموده انده شاههم تغیر بسیار نموده هنوز نتیجه معلوم نیست الواط هم در جربز بدستور چندسال قبل بعداز عزل امیر نظام ظهور کرده امداگر مطابق ان عربضه سفرای خارجه یك عریضه هم از قول اهل ایران بسلطان عثمانی بمناسبت اسلامیت بنویسید و طبع بشود بدنیست در نمرهای قانون بنظر حقیر بعضی وجودهای منجمد بیرگ بی شعور که ابتداء در اسلامبول منکر آدمبت و قانون برده اند اکنون سدای قانون در آنها تأثیر فائق بخشیده متأثر گشته اندالبته در منک م اثر خواهد نمود آشوب و شورش مردم در شیراز و اصفهان و خراسان و امی گرفته اگر چه بهانه مسئله رژی است اماتأثیر نوای فانون است که همه خفتگان را بیدار و هوشیار کرده ملاهای نجف و کربلا باآن انجماد و بی شعوری سخت متیقظ شده هرروز تلگرافهای تیزوتند بشاه مبکنند باری بهفول مولانا

نیشکر کوبید کار این استوبس

كل برافشانيديار اين استوبس

- 7 8-

غردشهر وحضان العبارك

تربانحضور مباركشوم مرقومه جنابعالی رادو روزقبل ازاین که از بوغاز برگشته بودم از پسته گرفتم درخصوص جواب مرقومات جنابعالی آن دو نفر شخس تفصیل آنچه رامرقوم داشته بودید صرفا بحرف ترجمه نموده دوماه است بدخل معاوم فرستاده اند و آنچه مقتضی و لازم هم بوده از خود محض خیر خواهی برشته اند که شاید این امور خیلی مفشوش و در هم (که عاقبتش خیلی مجهول است ترسید در آتی و حیم هم بشود) صورت اسلاحی کسب کند.

اما افسوس که طرف مقابل راآن قدر وهم وخولیای بیمعنی فرا کرفنه و ایستان میمون Suppl Pers ۱۹۹۳

آنقدر اشخاص مضر متقلب که (غرضی جز ترسانیدن او واستفاده خود شان ندارند) دور شررا احاطه کرده اند که اگر کسی بخواهد باو از راه خیرخواهی راه خیری نشان دهد آن رابطریق شرمضری تأویل می کنند .

عجباین است که شخص معلوم درین خصوص از خود این دو شخص محترم مشورت کرده بود و رأی خواسته بود و اینان محول باندیشیدن و امعان نظرو تأمل داشته بودند اکنون که رأی صواب نشان دادند اسباب خیال و تو هم ار شده سایر حواشی و اطرافیان کار را بصورت دیگر جلوه دادند.

خلاصه هنوز جواب بیرون نیامده سهل است که بآن دو نفر همروی بی میلی نشان میدهد آنان هم یکی ناخوشی مزاجرا بهانه و برای تبدیل هوا بجزیره رفته است دیگری همرفتن مابین را که در هر هفته حداقل دو نوبت میرفت موقوف نموده تاازین میانه چه بیرون آید.

حال این شخص بدرجهٔ رسیده کسه شب و روزخواب و آسایش ندارد و خیالات او تماما [،] و اوهام غریبه است تنها برای خودش سهل است برای کلمردم آسایش حرام کرده تنش از پریشانی خاطر کاهیده چون هلالی است وروی عبوسش از تفرقه حواس هر لحظه بجائی غسالب مأمورین دولت را خاصه در نظارت خارجه هرچه از طایفه ارامنه بوده اندعزل کرده اند و بادولت انگلیس و مأمورین سفارت او درین ایام نهایت سخت و بدر فتار میشود باسفارت فرانسه هم چندان خوب معامله نمی شود.

پاره وقوعات ناگوار دیگر نیز که درین ایام روی داده اسباب اعتراش سفرارا فراهم آورده و وسیله مداخله بدست دول داده خداو ندر حم کندنمیدانم چهبد بختی دچار مسلمانان گشته که امروز در هیچ نقطه عالم دلایل خیروعلامت سعادت از برای ایشان نیست و همه جا روبانقراض و اضمحلال دارند همان نوبت سعادت ازین قوم گذشته در کارهای خودمان مدتی است که باشبخ عبدالقادر کرد و اقوامش پسرشیخ عبیداله که مدتی است از صفحات حجار به یک کلمه ناخوانا میاهد

احد راسلامبول شده اند دوستی حاصل شده و اینان نیز بیشتر از ما ازخرابی بر از سکایت دارند سهل است که بهمه نکات عمده ملتفت هستند پساز مدا شراب بسیار که هر شب و روز باهم بودیم حرفشان اینست که اگر دو کلمه بوشنه ازعلمای عراق عرب بدست مابدهید از برای اینکه این اوضاع خوب رست و باید اصلاح شود ماتانقطه آخر ایستاده ایم اجرا کنیم بدون زحمتو صعوبت و درحقیقت شیخمزبور بسیار آدم باغیرت و حمیت و چیز فهمی است دربن مدت توقف حجاز دائما بخواندن تواریخ عرب و ترك وروزنامها مشغول بود عربی و ترکی را هم خوب میداند و جربزه ذاتی دارد که در اقوام عشایر اینکونه آدم کمتر بهم خواهدرسید.

بارى آقا سيدسالح كليددار كربلانيز درهمان اثنا اينجا آمد معلومشدكه ارهمدربن درد شریك است مشارالیه تعهد گرفتن كاغذی از علمای عراق عرب درده بهر نحو باشد و در مدت توقف اینجاکیه بارهٔ کارها داشت از هرگونه همراهى ومعاونت بدوكوتاهي نشدتاكارهايش اصلاح شده وبعضيهم نيماصلاح مانده که جانشینی برای خود گذارد و رفت او میگوید یکی از شاهزادگان ايران تعهد كنندكه بروفق صلاح ملت رفتار خواهندنمود آنوقت علمابسهولت همراهی میکنند زیراکه این علمای مایك استقلال ذاتی از خودشان كهبدون داشتن چنین موضوعی جر أت باقدام کاری بكنندندارند ولی حالا خودشان هم تادرجهٔ آمدهاند که اگرما ازیك نفرشاهزادگان مطمئن شویم در صدر تغییر برمى آئيم باين واسطه كاغذ مفصلي باصفهان نوشته شد ولى مطلب بازنكشت همبن قدرحقیر که سابقادرآن دستگاه بستگیداشتم و حاجی میرزاحسنخان كنالونيز محرميتي باميرزا سليمانخان وكسان حضرت والادارد نوشتيمكه مساب بسیار مهمی روی داده یك نفر امین از خود باسلامبول بفرستید حواب كاغذآمد روىخوش تشان داده اند و ظاهراً در اواخرهاه رمضان يكي از كسان حن اوالا بمنوان زيارت مكهازين صفحات بيايد حاصل مذاكره بااوراهم عرض خوام نمود حضرت شيخ الرئيس هم كه درايام توقف اسلامبول وعده هاى چنين

وچنان دادند که میروم عراق عرب مطابق مقصود شماعمل میکنم و در حقبفت دا یر درد و پرخونی دارد و جرئت رفتن ایران را هم ندارد این روزها از بمبأی بعر إق عرب حركت كرده است ولي كاغذ ايشان از عراق عرب هنوز نيامده إست نتاسج إقدامات ماتااين جاآمده وهنوز نتيجه حقيقي برآن مترتب نكشته شد درآتی بشود مااز کشش و کوشش دمی فرو گذاری نداریمو تمام اوقات خودر اوقف ا من خدمت کرده ایم خدا کند بهدر نرود ولی اسباب خوب پیش می آید و در داخلايران از هرصنف طايفه بسيار كسان هستند كهاظهار همدستي وهمراهي رما میکنند امابو اسطه ضعفی که دارند تاقوتی وظهری نه بینند منشاء اثری نتوانندشد تاربخ ايران كه سابقاً وعده فرموديد نرسيد مقصود اين است كه یکی از کتب مطبوعه آخرین تاریخ ایران باشد از ابتدای سلاطین بیشدادی تايومناهذا وجندان مختصرهم نباشد ديكر حضرت عالى بهتر ميدانيد حنير تازمان ساجوقيه آن كتاب رانوشتهام حضرتشيخ ميفر مايند ناقس استوچنين كتابي لازم تا كمال نواتص شود همة مقصود حقير اين است كهاز ابتداى تشكيل سلطنت ایران کرفته در هر عصر مقتضیات واسباب ترقی و تنزل دولت راشر حبدهم تاباين عصر حاضر والبته حضرت عالى معنى و مادة درين مقصود خيلي مفدس امدادمیفرمائید و امروز برای ایران چنین تاریخی خیلی لازماست اگر جهاز برای نویسنده آن خطرجاناستولی بندهجان خودرا درینراهمیگذارم ^ا الموت في حيات البلاد خير من الحيات في موتها

-17-

قربانت شوم مدتی است از جانبسنی الجوانب هیه کونه اطلاعی ندارم باین و اسطه نگران میباشم در اسلامبول شهرت تام دارد که جناب مستطابعالی برحسب احضار اعلیحضرت اقدس همایونی بایران ساحت آرا شده اید بهر صورت

۱ ـ برک ۱۰۷ مجموعه ۱۹۹۳: Suppl - Pers

. جا خداوند معین وناصر و همراه باشد .

ر مراریکه همه تجار ایران می گویند عمل انحصار تنبا کو موفوف شده به این عمل لغو گشته به این عمل لغو گشته

ادراف جناب سید جمال الدین در ایران وعتبات عالیات و لوله عظیم انداخته به رزز ممل از این تلکرافهای مؤکد از ایران بسفارت اسلامبول رسید که اسه در اختر شرحی دایر برمذهت سید مزبور بنویسد و سفیرهم اصرار غریبی دشت که زود بنویسند تا تلکرافا بطهران خبر بدهم اخترهم نظاهرا چبزی بوس اما چون باید مطبوعات اذن بدهد هنوز طبع نشده این هفته دور نیست مع و نشر بشود . آن جانور مکروه تاریك خیال هم داوطلب است که اگر شاه مرا بفرستد لندن آووكات و موافق نظامات و اصول مملکت سید جمال الدین و مؤسسین قانون را حبس می کنم اگر چه حرفهای این جانور قابل مذا کره نست ولی اطلاعا عرض شد .

عرض دیگر اینکه شخصی از آشنایان پاکت جوف را داده که بجناب میرزاسید جمال الدبن برسد بنده محل ایشان را چون نمیدانستم لفا خدمت مسطاب عالی فرستادم.

مرحمت فرموده مقرر دارید بایشان برسانند این شخص که این پاکت داد از حضراتبابیه است ولی آدم معقول مربوطی است جوابش راتمنانموده سابقا بنده فو تکراف جنابعالی را خواستم وعده فرمودید و هنوز نفرستادید کمنل اشتیاق منتظرم از نوامرهٔ قانون چند دسته قبل از این استدعا کرده ام این استدعا کرده این جسارت نمیرود فرمایشات و خدمات [-]

۱۔ یک کلمہ سیاء شدہاست وخوانا نیست

۲ـ يك كلمه سياه شده است وخوافا نيست

۲۰. برگ ۱۲۱ مجموعه ۱۹۹۲ (۳۳)

-31=

قربانت شوم در هفته قبل عريضه تقديم شده با يست عثماني اكنون باز درمقام جسارت میآیم . چون مدتی است هیچگونه خبر و اثری از حانب ملاطفت جوانب نیست اسباب نگرانی خاطرو پریشانی باطن وظاهر شده اخبار جدید میگویند: در تبریز نصرةالدوله فرمانی از جانب همبونی برده در خانهٔ آقای مجتهد ابلاغ نماید مشعر براینکه آقای مجتهد یا بابد حسب الامر اقدس هما يوني بعتبات عاليات بروند يا بطهر إن بيايند يا در همان تبریز از خانه بیرون نیایند . آقای مجتهد در جواب گفته طهران نمیروه و آرزوی دیدن شاه را ندارم چراکه اورا ناصردین گمان میکردم کنون حامی كفراست و عتبات عاليات را هم هروقت بخواهم خودم ميروم حاجت بهتحكم از طرف دیگری نیست تبریز هم در خانه نمینشینم که شما علم کفر رابله کنید ناچار از دفاع و جهادم و تکلیف دینی خود را چنین میدانم و شمابروید بشاه تلكر اف كنيد كه سلطنت قاجار بسته بهو اخواهي إهالي آذر بايجان است حال که شما اهالی آذر با یجان رااز خود میر نجانیدنتیجه خوب نخواهدداشت بعداز عرض مراتب بحضور همايوني حكم تلكرافي براي موقوف شدن رزى درداخله ولايات ايران آمده است سايرولايات هم از قبيل اصفهان وخراسان و شیراز و دیگر جایها خالی از گفتگو نبوده عجالتاً کویا رژی را موقوف كردهاند وعموم مجتهدين وعلماي نجف وكربلا وايران در اين مسئلهاتفاق سخت نمودهاند خلاصه موافق آثار و احكام بخوبي هم قران حوتي درمابين جمادی و رجب امسال مجدد واقع می شود مطلق تأثیر غریبی خواهد دربالاد ابران بخشيد اجوية عرابض قبل را مرحمت فرمائيد.

همواره منتظرزیارت مرقومات عالیات جناب مستطابعالی هستم ۲۹ شهر جمادی الاولی چون در اوایل در دوسفارت جدید مسئله رژی در میان بود و میخواستند نب دو را در بلاد عثمانی نیز انحصار بکنند حاجی حبیب سلماسی خود را مسراین کار قرارداده بود و رفت عقل جناب سفار تیناهی را دزدید و هزار و چهر سدلیره داده امضای این کار را از سفارت گرفت اینمعنی در نظر عثمانیها بب و هن عظیمی و دلیل سست عنصری از برای شخص سفارت شده که بلاتامل و درنگ درین مسئله بزرگ بفاصله چند دقیقه برای مبلغی اندایه امضا داد و هم علمای تبریز حکم بار نداد و کفر حاجی حبیب و کسانیکه حامی این کار هستند نموده اند اطلاعا عرض شد میانه جناب نظام العلما هم با آفای مجتهد چند روزی بهم خورده بود بعدهای نظام العلماء واسطه بسیار روزنامهٔ پال مال را معرکه کرده بوداز قرار ریکه مترجمین مابین می گفتند در سرهای بعد شرح احوال و رسم جنابعالی و جناب آقای سیدجمال الدین را کشیده و مفصل نوشته بود آن چه بر علیه جناب آقای میرز اجمال الدین حسب الامر در اختر اینه فته نوشته بودند ما مورین مطبوعات و سانسور اذن نداده خط فسخ بر سر آن کشیدند ا

-) 0-

عليه اسلامبول:

۲۰ شهر شعبان

قربانحضورت شوم پاکت حضرتعالی را دو روز قبل ازین دریافت نموده تا امروز منتظر مرقومه جداگانه بسودم هیچ زیارت نشد و یکعالم مسرور گشتم.

از عنایات کامله آنحضرت نهایت تشکرات تقدیم مینمایسم و از الطاف کرانبهای جناب مستطابعالی

۱ - برک ع ۱۰ مجموعهٔ ۱۹۹۳

هم تازه رويم هم خجل هم شادمان هم تنكدل

کز عجمه بیرون آمدن نتوانم این انعام را

جنابعالی زیاده بر آنچه مسئول فدوی بود التفات فرموده زاداله عمر کم واحسانکم بحمدالله امورات در کمال خوبی جریان میکند و دشمنان هزید سخت کرده اند وانشاء الله بعد از هزیمت تا پای تخت آنها را تعقیب خواهم کرد تا نتیجه فتح ظاهر شود .

این روزها یکی از تجار معتبر ایران موسوم بحاجی محمدعلی قزوبس نیز که اقلا صاحب صدهزار لیره است تسرك تبعیت نمسوده اورا بسردهاند در سفارت شکنجه بسیاری نموده و آنگاه قبض بنه هسزار لیره بنام یك تنبا کو فروشی که در عمر خود هیچوقت مالك پنج لیرا نبوده ازو دریافت نمودهاند مشارالیه پساز خلاصی مراتبرا حضور خلافتپناهی و نظارت خارجیه وعدلبه و ضبطیه عارض شده از چند دایره عرایض صادقانه سخت دایر بربی تربیتی بیادبی وبیمعنی گری سفیر بحضور حضرت شهریاری تقدیم شد که بعد ازبن مسوده آن عرایض را حضور جنابعالی خواهم فرستاد مختصر اینکه رذالت مخدوم روی میدان آمده آن قبضهم باطل گشته اکنون در قندیل وغیره دو نوبت است که جناب سفالتپناهی خواسته اند حضور همایونی جمعه مشرف شوند وادن نیافته اند خاسر آ خائبا بر گشته اند

در خصوص امر حقیر هم وعده التفات بسیار ازطرف ذات خلافتپناه شده وانشاه الله از برکت توجهات کامله بزرگان عصر همین روزها اتمام امورات بر رفق مقصود جاری میشود و بعداً مفصلا معروض حضور عالی میدارم فقط این که مدتی است هیچمر قوم نمیفرمائید نمیدانم سبب چیست باری عجالتا درین فقره دستگیری و معاونت بزرگی از بنده فرمودید تشکر آنرا نمیدانم بچه زبان عرض نمایم جمال کعبه مگر عذر رهروان خواهد

عرض دیگر اینکه جمعی از بزرگان و ارباب دانش اتفاق کرده اند براینکه اینفقره را حضورحضرتعالیمعروض دارم اینمعنی بسته بید عنایت ا من حضرت است که منتج نتایج بزرگ خواهد شد هم از برای ترفیع کاربنده و مهاز برای مقهوریت جانوران منفور .

حون یکی از تهمتهائی که رسما این مرد جاهل بحقیر زده بیشترازهمه موحد تخدیش اذهان شده بود ایناست که فلان جاسوس انگلیس میباشد.

اگر چه بنده پایم را در سفارت انگلیس نگذارده و کسی از مأمورین سفارت مرا نمی شناسدولی بایدمر حمت بفرمائید بتوسط هر که صلاح میدانید در نکی دو تا روزنامهای پاریس در ضمن اقامه دلایلی که روزنامه نگاران در خصوص حصول برودت سخت میان دولت عثمانی وانگلیس مینماید بنویسند.

دولت عثمانی زیاده از حد تشویش از دولت انگلیس دارد و ابدا باو اطمینان وامنیت نمیکند از آنجمله شبو روز اقسلا بیستنفر پولیس خفیه اطراف سفارت انگلیس گذارده که بهبیند که آنجا آمدورفت دارد.

چندی قبل شخصی از تبعه ایران با اینکه آدم سالم درسترفتاری بود موسوم بمیر زاآقاخان و ابداً با سفارت انگلیسراهی نداشت میانه اش باسفیر ایران بهم خورده سفیر بمابین همایونی ازو شکایت برد و قویترین اتهاماتی را که برای او رسما قرارداد این بودکه این مرد با سفارت انگلیس مراوده دارد.

خاطر اعلیحضرت سلطان ازین معنی خدشه بزرگ یافته تقریباً دوماه آن بیچاره را گرفتار زحمت و مرارت داشتند تا یقیناً معلوم کردند که با سفارت انگلیس ابداراهی دارد و اگر معلوم کرده بودند که همین قدریکدفعه بسفارت رفته مطلقاً اورا نفی می نمودند معلوم است که اگر برودت بسر حد نمال میان دولتین نبود سفیرایران رسماً این اتهام را وسیله طرد و نفی آن شخص قرار نمیداد و حال اینکه اگر بجای ایسن میگفت با سفارت آلمانیسا فرانسه یاروس مراوده دارد ابداً حرفی نبود.

-14-

عبدالحسين

یکی از منجمین ایران مینویسد

امسال قران سعدین در برج حوت واقع شد اثر سعادت این همه وقت بخاك ایران بوده در زمان خاقان شهید آقام حمد خان چنین قران اتفاق افتاد خودشاه شهید پیش بینی کرده بودند که تأثیر این قران مسعود کشته شدن من است و بتخت نشستن باباخان زیرا که تا من هستم برای مردم رفاه و آسود گی و سعادن حاصل نخواهد شد . امسال که چنین قران اتفاق افتاد بنده متحیر بودم که آیا اثر این سعادت از کجا بروز خواهد کرد عجالتا اثری برای سعادت این قران غیراز قانون نهی بینم بنده و همه اصحاب نجوم متفق و معتقدیم که قطعاً از تأثیر اتسماری در هذه السنه سعادت و رفاه کلی برای مردم ایران پیدا خواهد

ازاسلامبول مينويسند

این روزها درآستاده شاهزادگان جوان بخت را ختان نمودند در ابن سور پرسرور تقریباً سی هزار و کسری از اطفال سایر مسردم بحکم سلطنت ختان شدند. علاوه براینکه هریك را استادان با وقوف مجانا ختان نمودند ازطرف اعلیحضرت سلطان بهرطفلی از پنجاه لیردتا پنج لیردنقد و یکدست ملبوس محلی قدر مراتبهم احسان وعطاشد.

مشاهده این معنی در اهالی ایران متوقفین اسلامبول حس شدیدی احساس نمود زیرا که این اوضاع را تطبیق نمودند بااوضاع ناگوار مملکت ایران که در اینجا بجای چنین اعمال خیر گوش و دماغ مردم را میرغضب بریده آن شخص را مهار نموده در کوچه و بازار و معابر میگرداند و برای حکومت از

اسبه وتجار و اهالی پول میگیرند بعبارة آخری حکومت اقتدارخویش را شد میدهد ومیفهماند که هر کس بمن پول ندهد باین صورت عبرت انگیز خواهد شد بهبین تفاوت ره از کجاست تا به کجا

فاعتبرو يا اولى الابصار

ازطهران مينويسند

ابن اوقات هرچه کاغذ ازبلاد خارجه میرسد در پستخانسه بحکم دولت سرآنهارا بازمیکنند مبادا حرف قانون در آنها باشد و شاه خیلی از وضع بسنخانه درممالك ایران پشیمان ونادم شده از این معنی درقلوب عامه نفرت عجیبی تولیدنموده سوء تأثیراین معامله وحشیانه عالمی وامنز چرساخته است از کرمان مینویسند

نسخهای قانون متعدد ازراه بمبائی بتسوسط امنای آدمیت واصل میشود امروز درین خاك وحشی که سرحد میان وجود وعدم است صدای آدمیت کامل درداده اید و بیجارگان انسانیت طلب را روح جدیدی بخشوده اید بطوریکه درمجالس و محافل ارباب ذوق نوائی غیراز این آهنگ غیبی که مضر ابش برشته جان مربوط است شنیده نمیشود هماناو حشت ازین خاك برخواسته و آدمیت برسنك وخاك و خس و خاشاك اثر کرده و آنکه از همه بیشتر فریفته این دستگاه شده اند بزرگان سلسله جلیله شیخیه می باشند که اولی الالباب کرمان امروز آنانند و افعا اگر روح آدمیت و غیرتی هم بخواهید امروز در همین سلسله شیخ مرحوم است، باقی مردم افسرده و مرده اند براو چومرده بفتوای من نماز کند از نیریز مینویسند

ازین نوای روحانی که اثر نفحات عیسوی دارد روحی تازه در کالبدهای افسرده دمیده اید و پیل را از هندوستان یاد آورده شبها درین قصبه جوامع متعدد در توی شهر و بیرون قلعه تشکیل میشود و ذکر قانون طرب افزای سامع و قابل و نقل محافل است عنقریب مشاهده خواهید کرد که این قریه مبار که

چگونه جنبش وجوششی مردانه خواهند کرد و در مقام شهادت وطن برستی امیدواریم که نیریزرا نینوا سازیم تاچه کند قوت بازوی دوست اززنجان می نویسند

ارواح پاك این زمین خرم شمارا تبریك و تهنیت بسیار میكوید زنجان را ازنو جان دادید خودمان را برمثابه خلق جدیدی مبعوث می بینیم كوب ارواح رفتگان ما تجدید لباس حیات نموده اند.

یقین بدانید که مردم این نقطه از هر جای دیگربیشترمستعد و سه انسانیت هستند چیزیکه هست بآنحدود قدری دورهستیم و مخابرات باامنای قانون برای ما صعب افتاده ولی این قدر مردم ابنجا حریص برین نامه نجاد هستند که بك نسخه قانون را با دستخط دویست نسخه قوییه نمودند.

يكبي ازكسان مرحوم فتحاله خان شيباني مينويسد

شب گذشته ابونصر درنشآة رویا مشاهده نمودم مسرا گفت بروزنامه قانون ازقول من تهنیت و تبریك بسیار بغرست و آن اردوی سعادت را بشارد فتح و مژده نصرت بده و بگوئید سخت پایدار و ثابت باشید که عنقریب ایر پرچم انسانی افراشته و مظفر و منصور خواهد شد و ابن بیدق سعادت اثرهمار اختر کاویانی فریدون را خواهد بخشید که ایران را از جسور ضحاك خلام کرد و از گفتن سخن حق هیچ پروا نکنید که شما را از ارواح قدسی و جنو ام تروها مؤید می بینم و اشعاری چند در عالم رؤیا دایر بر تمجید قانون فر خواند که اکنون بنده را خاطرئیست.

بعد از آنخواهش کرد که اشعارداد [۱] مرادر روزنامه قانون درج و به و روح مرا شاد بفرمائید اگرچه قوت نثر ازنظم بیشترست.

إزسير جان مي نويسند

مردم سیرجان بغغان آمده ازبس تعدی وظلمهای پی در پی سیرازجان بیزار ازجهانند. چنان کار ظلم بالا گرفته که رعیت پامال و سکنه فراری مملکت خراب شده در بیرونها ازعدم امنیت غلو فتنه و آشوب است و درداخ می کلمه ناخوانا آست

رسی بیجاره گرفتار شکنجه وجوب امرای دولت هر کس درسرهوائیدارند رسین مملکت هریك رائی کارحکومت بجائی رسیده که صورتش را بامعنی به ناست و چندین پادشاه دریك ملك جویای سلطنت اند مطاق بدانید بعد از می در خرابی وارد بیاید برعیت وارد نیست بلکه برحکومت است زیرا که ارسان رعیت تاب و توان باقی نمانده و دیگراحدی متحمل نمی شود ا

-1 Y-

شهرشوال سنه ۱۳۱۱ از علیه

فر بانحضورت شوم چند روز قبل ازین الواحی چند قوانین از پسته افرانسه کرفتم اما درین چندماه جزیك خط زیاده از حضر تمالی زیارت نشده.

اخباراین صفحات البته شنیده اید که مجتهد تبریز را بطور حبس نظر در نهران توقیف کرده اند حاجی میرزا احمدپسرایشان که در عتبات عالیات مباسد باعلمای عراق عرب اجتماع کرده بنای مذا کره ومخابره را باعلمای ایران گذاردند از طهران تلگرافنامهای مؤکد بسفارت اسلامبول رسید واوهم اربابعالی احکام تلگرافی بوالی بغداد صادر نمود که ملاهای آنجا را تحت مسیقات سخت گرفته التزامات اکیده از ایشان بگیرند که بعد از این دخل و سعرف به معقولات نکند والی بغداد و متصرفین کربلا و نجف وسامره کار را خری برعلمای آنجا سخت گرفتند که حتی از جناب حاجی میرزا محمد حسن مدرین باب التزام بسیار سخت و صحکم که بعد ازین ابدا رجوع بهیچ کاری از جنر ابران نداشته باشند گرفته شد حالا از قراریکه محرمانه از بعضی شنیده

١ طاهر أ اين نامه ناتمام است ،

شده علمای عراق عرب و علمای ایران خیال دارند دونفر از طرف خود شان با عریضه بخاکیای حضرت شهریار خلافتشعار بفرستند واستدعا واستر حام کنند که ما اگربشما پناه نیاوریم بکه باید التجاکنیم آیاذات خلافتپناهی راضی هستند که بکلی ایران نه اسلام از دست برود وروس و انگلیس برایران مسلط شوند اگربآن مضمونها که بسیار مؤثر بدانید این عرض حال علما را در یکی از نمرهای قانون طبع فرمائید که بخاکیای حضرت خلافتپناهی نموده اند ضرر ندارد یااینکه روزنامهای فرنگ درین باب چیزی بنویسند تاروزنامهای فرنگی درین خصوص سخت ننویسند این مسلمانهای پاك هم حساب کار خود شان را نمی کنند.

بامسافرمحترم کمتر ملاقات دستمیده و بجهت ملاحظه حال ایشان آدرسی از حضر تعالی بایشان دادم که هروقت بخواهند عریضه نگار شوند . حاجی محمه حسنخان را هم خواسته ام که فقرات اخبار آنجارا مفصلا هرچه اطلاع دارنه نوشته به بنده بدهند آن را هم تقدیم خواهم کرد از ایران احدی جرثت نوشتن اینگونه چیزها ندارد .

فریاد بسی کردم وفریاد رسی نیست گویا که درین گنبه فیروزه کسی نیست نمرهای کاغذ نازك قوانین جوف پاکات بهرطرف تسیار شد زیاده برین جسارت نمیرود ۱.

۱ - برک ۷۳ مجموعه ۱۹۹۲ Suppl. Pers

-1 A=

شهر ذی حجه الحرام سنه ۱۳۱۱ از اعلامبول

قربان حضور شریفت شوم بیست روزست بواسطه ابتلای بناخسوشی ناوانزا که این روزها در اسلامبول شیوعدارد از خانه نتوانستهام بیرون رومدیروز رفته اوراق قوانین را از پست گرفتم نمره بیست وهفتم زیاده برحد مصور خوب استزیرا که درایران هنوزهیچ کلامی بدون عربی اثرومتانت ندارد رای جای تأسف است که در هر جا پسته ها را بازمیکنند اگر قانون است بیرون مباورند واگر مطالبی شبیه بمطالب قانون نوشته شده سیاه میکنند و کاغذرا همانداور سرباز بصاحبش میدهند.

این اوقات پاکات بسیاراز حقیر در تهران گرفته قوانین را بیرون آورده پره مطالب کاغذها را سیاه کرده اند جزیك دو سه کاغذ که از راه بندر عباس بارمان فرستاده بودم هیچکدام نرسیده خدار حم کرده است که اشخاص طرف منابل آنانکه سرپاکت باسم ایشان نوشته بودم وقانون برایشان فرستاده همه زمعتبربن وامنای دولت و مجتهدین و شاهزادگان بودند والا اگراز اشخاص ضعیف هیبودند خود آن بیچاره ها نیز در معرض خطرسخت می افتادند.

بکی ازرفقای اصفهان کاغذی مشتمل بر هزار التماس و آه و ناله و التجا مینویسد امان استمبادا کاغذ برای من بنویسید یاچیزی بفرستید که هرکس ایرزوزها اسم شما رادرطهران ببرد یابدانند با شما مکاتبه دارد دیگر کار او سنم است ومینویسد که این کاغذ را من مستقیماً بشمانمی فرستم بلکه جوفا مینرستم مصر که از آنجا بیندازند در پسته بشما برسد و چنین هم کرده بسود دیگری از محررین و منشیان امین السلطان که سالها با حقیر دوستی دارد بطور مخفی نوشته است بکسی در رشت و او از آنجا مستقیماً بحقیر بطور اشاره نوشته که سفیر اسلامبول چیزهای فوق العاده از دست شما بطهر ان نوشته و چنان خاط صدارت عظمی و سلطنت صغری مکدرست که بهر طور باشد جلب شما را از اسلامبول بتهران طالبند و اصراردارند که سفیر شما را روانه ایران نماید ولی نمیدانم چه شده یکماه است دنباله این اصرار شان بریده است.

ابن شرح حالحقیر مارا بخود هر گز این کمان نبود معلوم میشود جناب سفیر بی کارست و هیچ پولتیك دولتی نمیداند افسانه بنده را سرمایه اعتباره اسباب ترفیع درجه و منصب خودساخته و هرروز مسئله را اهمیت میدهد

میرزاحسنخان همان است که میخواهید در تهران بامحمد میرزای کاشف بسیار کارها کرده اند واکنون قریب بفرار آمده اسلامبول این مدت ننوانسم بیرون بروم ازیشان مشروح حالات را مفصلا گرفته انفاذ دارم همین قدر میگوید جمع کثیری از قبیل شاهزاده شعاع الدوله و میرزاعلی قائم مقام و میرز! ابوطال مجتهدز نجانی و چند نفر دیگرعازم اسلامبول هستندشاه از مشیر لشکر بنجهزار تومان جرم گرفته که چرا رفته استارویا

باری بنده هم تامیتوانم مقاومت میکنم وقتیکه نتوانستم فرارمی کنمه بآیم باروپا ولی اینقدر باید مرحمت بغرمائید که پیشاز پیش یا درپاریس یادروبن وبرلین هرنقطه که صلاح بدانید برای معلمی السنه شرقیه اعماز فارسی وعرای وبرلین مرنقطه که صلاح بدانید که همین قدر امراروقتی بشود امیدوارا اساس این حضرات باینجاهانکشد و زودازهم متلاشی شود دولت علیه عثمانی هم گمان نمیکنم آنقدر نامرد باشد که مراتسلیم بحضرات بکند و فقط چزی که هستکار ارامنه روزبروز پیشرفت میکند و دولت عثمانی چنین کمن میکند که اگر بادولت ایران مدارا ننمایدایشان ازارامنه تقویت خواهند کرد معهذا تایک درجه همراهی وموافقت نه بلکه مدارا و ملایمت دارد به به واسطه بود که این سفر شیخ الرئیس را پناه ندادند ولی هیهات که و کلای دواند

مندرمرده وبخواب غفلتهستندكهابدأ چنين چيزها بخاطرشان نميد المدار حدين روحي دريشان بود واينطور حس داشتند حرفمان چه سود . ی. ۱۰۰ در د داشتیم وچه میخواستیم باری اینهم از کمال غفلت و براطاری .. الى علمه عثماني براحوال و اوضاع دولت ايسران است بنده آنيه بقير دارم این دوسال دیگرعمر ایران بیشتر نبست و مطلق تغییرات کلی در وضع ن به خواهد رسید درین دو سال باید همت کرد وکار صورت داد تمام الحاصي راکه امروز از هرجهت فریفتهاند و هریك براهی خواه از جهت ح وخواه ازجهت خوف ساكت وصامت نشسته إند بدوسال نميكشد كه حوصله نان از سا ببرون خواهد آمد ویك دفعه بلوای عظیمرهرج ومرج بزر كیدر مالات روى ميدهد از آنطرف تمامي عممال ورعيت ومباشرين بقسمي فقبر و راهان وكدا شدهاندكه بقينا تا دوسال دبكر مجبورند يك دفعه بحكومت جر بالدهند وابااز دادن ماليات كمند زبراكه بهيهوجه ازدستشان برنمي آيد ماسترا اداكنند اين راكه عرضمي كنم ازروي خيال وخواب نيست ازروي معاومان يقينه واخبار جوهريه مطابق واقع است هيچسال نيست كه صدهزار مفرمردم با استطاعت ایران باطراف فرار نکنندنود هزار جمعیت شهر کرمان از ده سال بابن طرف بسی هز ار نفر وسیده آنهم کسانی که قوه حرکت ندارند در مسممال ایران چیزی که خیلی تولید نموده فقط گداست از تبریز و طهران که المدربد درهیچکدام ازشهرهای ایرانیك نفر آدم نمیتوانددرعرش دوسهروز مزار اومان يول نقد راه بيندازد غالب املاك ديسوان را درهرطرف حكام از جهندي بولى بمردم بقيمت نازل ميغروشند يعني بهمانكه معادل حاصل سرخطى آ تاماليات بدهندهيكس هيچندارد قبول كندخوب خبرنداريد نميدانيد چه وناع کدا بازی درایران راه افتاده طلا ابدا وجود ندارد نقره خیلی کمیاب بالرايج بازار فقط مساست معاملات تجارتي ازقبيل ابريشم وينبه وترياك بواسطه مدم استطاعتملاك ومتفرق شدن عملهجات مزارع ازقرارده تاپنج روبكاستن نام در داخل مملکت ازده سال کاو و گوسفند در داخل مملکت ازده سال

باینطرف نصفه شده اوضاع ایران طوری خراب است وطوری روزبروز تنزل میکند که محال است بهیچ روی دوام بکند باز همین است که عرض میکند نهایت عمراین اوضاع دوسال است مطلق ازهم خواهد پاشید.

نصرةالدوله امروز ازمتمولترین شاهزادگان ایراناست دولت پدرش و برادرش و مادرش همه باو منتقل شد باوجود این یکسال نتوانست حکومت کرمان را راه بیندازدمجبور باستعفا شد که بصاحبدیوان دادند و او هم نمیتواند یکسال اداره کند و حال اینکه بواسطه تجارت باهند و قرب دریا و محصولات متنوعه همیشه آنجا پولخیز بود از خراسان چیزی برجای نیست جز هماز گنبد مطهر باقی همه بعشق آبادرفته ایلات شیراز جزاینکه همه یاغی و منمره بشوند چاره ندارند میخواهد قوام را بغرستند میخواهدر کن الدوله آب بجوی آخر است این ته بساط چیز کمی مانده است که بر چیده شود هماناو کلای دو ایران گمان میکنند هر چهازعدد نفوس و رجال مملکت بکاهد صرفه با آنها سو آخروارث بالاستقلال همه خواهند شد.

والا هرخیال دیگری درسرداشتند این طور مردم را متفرق نمی ساختند مردم شیراز و پشت کوه و کردستان و کرمانشاهان همه درهند وعراق عرب متفرقاند اهالی آذربایجان همه درقفقاز واسلامبول واناطولی بسرمیبر نداهل مازندران واستر آباددربنادرروسیه دیگر چهباقی هانده است هر گزیکنفر کرمانی باسلامبول نمی آمد این روزها در کوچه و بازار شهر زیاده از شصت هفتاد نفر کرمانی و یزدی می بینیم.

معین الملك که مشیر الدوله شده در طهر ان کشیده پوستی بر استخوانی حدات مرده دم احتضار را دار دبایده رروز بصدر اعظم حالیه تعظیم و کرنش نموده بایسند تا اور ا ادن جاوس بدهد اگر فربه بود باین بهانه میتوانست بگوید میخواهم بآ بهای گرم اروپا بروم حالاآن را هم نمی تواند بگوید عنقریب است امروز وفردا بمیرد و در آن قبرستان مذلت مدفون گردد خدا میداند بزرگان و امرای ایران را می بینم که از طهران می آیند بروند بمکه بعینه مثل کدایان سامر

مرخرابترین کثیفترین خانهامنزل میکنند وباسوء احوال میگذرانندوآثار و نفر و خواری درطبقات الوجه ایشان نمودار است جائی که حال بزرگان امرا این باشد فقرا چه خواهند بود من گمان نمیکنم بعداز دوسال دیگر دبل خارجه هم این ممالك مخروبه را قبول کنند و بخواهند صاحب شوند ما بودیم و چار نفر تجارایران که باخارجه سروکاری داشتند از وقت شکستن قیمت ول ایران آنهاهم همه برشکستند منهم من قضی نحبه منهم من ینتظر تجارت ایران مخارجه بعد از این بکلی قطع خواهد شد و جز ضرر چیزی نخواهد داشتزیرا که لیره عثمانی پنجتومان قیمت پیدا کرده زیاده برین جسارت نمیورزم بافی دره فته آنیه ا

-19-

از علیه اسلامبول ۱۲ شهر ربیعالاول

قربانت شوم چندی قبلزیارت دستخطمبارك ضیاعچشمونورقلببخشود زر خیر عرض جوابآن درین مدت عذر بسیار تقدیم میكنم و بجهت این که درین در بیکار نبوده بطرح نقشه های رنگارنگ در پیشرفت خدمت انسانیت که گدیم مقصود مقدس خودمیدانم مشغول بودم آخرنتیجهٔ همه خیالات وطرحهای بدوی این شد که بجهت قلع وقمع ریشه این جانوران تعدی واین لاشخواران میور و پاك شدن ایران از عفونت و کثافت و جودنالایق ایشان بعد از این روزناه ه در و ناس که یکی از آن دو کتاب معلوم کردن تکالیف ملت در کری تاریخ احوال قاجاریه و بیان سبب ترقی و تنزل احوال دولت و ملت ایران در آن ضمن باشد ندیدم در کمال گرفتاری و آلایش و عدم دقت و نداشتن منزل

⁻ بر کبای ۷۲ و ۷۷ مجموعه ۱۹۹۳ Sppul. Pers.

خالی ازاغیار مشغول نگارش این دو کتاب شده ام کتاب اولی در شرف اتمام است و تاریخ قاجاریه رانیز اغلب مواد آن را گرد آورده ام ولی چیزیکه هست بعد ز تمام شدن این دو کتاب و فرستادن آنها خدمت ذیسعادت حضرت عالی باید بتلم معجز شیم خود تان اصلاح فرموده پارهٔ عبارات آنها را ساده و مؤثر بسازید ر پساز آن شروع بطبع شود غیر از این علاجی نیست همین چندروزه یك کداب را انفاذ میدارم امیدوارم پسازخواندن و ملاحظه فرمودن آن این فكر بند، را قابل تحسین بشمارید و غیر از این راهی اقرب به صواب نجسته ام.

ازجهت ایران تمام بزرگان ووزرا وعلماواعیان ورعیت قلباً درینمقاده شریك وهمدستهستند چیزیکه هست درین مدسال سلطنت قاجاریه بیعاری و مذالت وسفا کی وبی ناموسی در میان خون اهالی جاداده اند آن غیرت وجوهری که روح انسانیت ازین مردم توقع دارد بالمال دریشان موجود نیست باوجید نهایت نفرت و انز جاری که ازین دستگاه دارند بازاز کمال بیعاری و پست فطری یك امید باطل منفعت جزئی فوری موقتی را برهزار سعادت ابدی خودوابنی بیك امید باطل منفعت جزئی فوری موقتی را برهزار سعادت ابدی خودوابنی جنس خود ترجیح میدهند و از کمال فساد اخلاقی که پیدا کرده اندو باهم شعر و نفاق دارند هیچکدام بیکدیگر مطمئن نمیشوند و از هم امنیت ندارند باک بخلاف آن نهایت بی اطمینانی را از هم باطنا دارند و جاهم دارد.

مجتهد تبریز راهنوزازطهران مرخص نکردهاند جناب شیخ الرئیس مدنی است از اسلامبول بمصر رفته این روزها شاه هزار تومان برای اوفرستاده نزد سفیر که اورا بایران روانه کند در هر نقطه میگوید من همراه هستم و همراه ی میکنم و همه چیزها را میفهم ولی چه فایده آن جو هری که بایدباشد نیست حالت عموم ایرانیها مثل برگهای خشك در ختان شده است زودی آتش میگیرنه و همان ساعت فرومی نشینند باید باطنا قطع نظر ازین طایفه قاجار و چند نفر ملای احمق بی شعور نمود و کاری کرد شاید آن طبایع بکردست نخورده و آب خونهای پاکیزه مردم متوسط ملت از دهاقین واعیان و نجبابحر کت بیاید این جمع حرکاتشان تحت غرض است و بهیچ چیزشان اطمینان نیست. حضرت سه

ه وزبخانه نوتشریف نبر ده انداین روزها خانه را تفریشات مینمایند و عده داده اند که سراز انتقال بخانه شرح حال خودرا بنگارند.

إزروز مكه بنده خدمت حضرت ايشان مشرف شدهام يكفى الجمله تنبلى در خودم احساس میکنم تطابق میانحال مرید و مرشد نیزامری از قدیم مسلم برده اوضاع مملكت عثماني هم چندان شايسته تمجيد نيست اكرچه هزارسال زما بيشتر افتاده إند إماتنبلي وكسالت تمام إهالي رافرا كسرفته ازبس علف خورده اند خوی بهایم دریشان استوار شده دونفرپاشا درین مملکت جرثت م اوده ومصاحبت بایکدیگر ندارند کارمطبوعات هم زیاده از انداز مفشوش ويحتنفييقات است حضرات شرفاءيمني فوق العاده اظهار تشكر ببجهت رسيدن حواب انگلیس بایشان میکنند اگر چه انگلیس موافق مقصود شان جواب نداده ولي بازهم شاكر وممنون ازالطاف مخصوصه حضرتعالي هستند حاجي محمد، نام شخص کر بخته از اصفهان تاسه چهار روز قبل ابنجابور این روزها - دستورالممل كافي بسمتخراسان حركت نموده ياره وقايع را نوشته المأ ند ذداشتم یکی دیگرهم از تهران آمده بود نامش حاجی میرزامهدی رشتی آنهم عارف مصر وهندوستان حركت كرد. آقاشيخ محمودفاضل كرماني هم از بمبائي مدهبمصرابن دوروزه باسلامبول ميرسدامسال خيلي اشخاص راهنكام رفتن بمكه دعوت براه صلاح و طریق هدی نموده الواح قوانین بسیار بایشان داده شد قرارهادادند كهجون بمملكت برسند چنان و چنين بكننداما چه فايده اغلبشان را نخوشىوباداخل درسلك امواتنمود اكرآنطوركه منتصور ميكنم ودلم منخواهدحضرت اجل اشرف دراصلاح عبارات اين دوكتاب كهبنده مينويسم توجه بفرمائيد يقين بدانيد نيمه بيشتر خون اهالي ايران را ديوانه خواهد نمودو أنجمه مقصور است بعمل آبديتنان الملك را بمذلت بسيار از مصر معزول عودند وخودش مجهول المال بيرون آمده معلوم نيست بكدام طرف رفته است مرزامهدی دکتر دوباره بمصر مراجعت نمود ولی روزنامه اش خیلی اشکال داردكه بيرون بيايد بجهت روزنامه اختر هرجهمقرر ميفرمائيد بندهازهمان

وجهی که نزد حقیر است میدهم وقبض رسید گرفته ارسال میدارم حاجت بفرستادن وجه آبونه جداگانه نیست مرقومات سرکارعالی را محفوظاً درجای محترمی گذارده واز آنها کتابی تشکیل خواهم نمود نه در آنها یك نقطه خلاف انسانیت وحقیقت است و نه بنده از گفتن و داشتن سخن حق ترس و خوفی دارم. اگرچه سخن حقهمه وقت محترم و مكرم بوده ولی مخصوص درین عصر ضعف لاشه خوران مكروه بحدی است که نسبت بحق گویان و حق پویان جز اینكه احترام کنند پول بدهند منصبی بدهند بیك نوعی اسکات کنند چاره برای خود نجسته اند ولی حیف که مردم ایران زودی اغفال می شوند و بواسطه دائد فطرتی که دارند بیك لقب خالی و منصب جزئی و انعام مختصری قناعت کرده از بی کار خود میروند.

بهر صورت بدانید این دعوی آدمیت و طلب حقوق عامه امروز در ایران برای همان اشخاصی که متهم باین کار شده اند اگرمایه شرف واعتباری نشده موجب ضرری هم نگشته است دیگر بهمین جا ختم سخن می کنم باقی عرابن را میگذارم بچندروز دیگر که یکی از آن دو کتاب را خواهم تقدیم نمود.

عجالتاً هرچهازنسخ قوانین بطبعرسیده ازهمانطریقی که سابقافرستاده میشدارسال فرمائید واز نسخ قدیم هم هرچه موجود باشد عربیافارسیاارسال بفرمائید که نشر نشود ۱.

كرتم المنفق واسبعة مت جاوله ألا مفرتن في المراكز في المنظمة المشهر دهٔ بوت : برن، ۱۰۰ بنت بغرصهانت دیز «کچمشی منهایش لا در مخل ينز عامر ومشتداد كامث يرايه الدي الذي الذي أنتر ينالي . ك يد داد كريم بريو) حدث بطوي كذ الا فيس ك ودندة مرحوق تدم ولها معروفات مقر بمرم مقطوع يو زم ين لا ربيتا رد ومن لا بدر المراكزي المراكزي المراكزي ٥٠٠ جروف ن م كالموجري طرمقير : فيرميكند ب يوب الفرمم دي من دون المؤلمات أوب وريته وفال المبيئيدن واحلائغ بالمراشترب كمزن كرزيمائين حبر استواقهم ادمند. مايماني داوانين كم دا بيست كيم م دهد. خدمه در زواب بعن يوم مسكل كوان ميز برمان يونشان ميرواناه كا وفي من وبدء المرتبريوا الديدانات المريونات بكوالمة مالل دويت برفع رون غارات الديه بود بر بعزي ن جروش میں جراموں کی وہ کہ شن ادریوں ز ہولاہے، برن معلی ردن عيش اد فزد وي مفليم في المسابق والمكاومات وناعله مرم لذة في لدا شبهداذ من ل كولا . ورشت تبريع مين مستعاد سي في المات مخت رة رق بش و سامت والديرجان دسته مارش بط وق مد محدث في رفيد بوب المران والماك وعيد م ومع مليده خافه كم يماغ ويجز ويون الكن لاور والم و المعلى المعلمة العراج والمد المورد الزائل المعالمة



ر ترم حد رن مريخ الإنسائي و المرا بن سدكرن المسال المساكم شدست م ١١٠٠ كم مسار رويم إلى ديوه يجديه مرك الأراد المناه كيوالمناه ي جر لانگلية مراز بالبيد على من والوال بين هو الأراب والمنظم المرافية The was a second of the second شرع الدراسي والمستان والمرابع والمناج والمنظر المستاكم المرابع The Copy of The Copy of the State of the Sta مليون الله المنتشر بين مشد الأنجد المدمنين مع بشرمهم أن جادر ترومه ويمترسين به الدينهم يستركه كمرث العفوت يدن أدر كريد ميكذورم وموافق من من وجه ل عكست سيد ول مين ويوسين ودن و مس سكم الرم وفاري وارت الموالات والم مفرسه فن المراكية من المريدة بعيرة الدي المريدة المري ند فتراث رام من مندم الفادس ماست ما ساله من المام الم وبيه مدين والمام والماس والمنا مواه

مِن وَ وَهِ عِلْمَ وَ فِي مَا ذُرِ إِنْ فِي الْحِيْثِ فِلْتُ فِاضْعُ بوب مزالف فر دباليان وفي ره بيشه وخدجين كجوكيذ منتريز مفرة الداد فاغ ازونها يمان بُهِ رَدُدُ وَرَ جَمْدُ إِمِنَ لَا يُصَرِّمِهِ أَوْرِقِهِ وَالْ يُعْ مب الدراتين ما رز بتباد لايت بهز وبطران بو ين بِالْتَجْرِيدُ وَ وَ مِن فَوْتِ الْمُراكِمَ الْمُوالِكُونَ الْمُوالِكُونَ الْمُوالِكُونَ יותי עם לי שו בות בול בו ומנים לי שלים אל נם م مركزت مقبات مايد مام ومنت إلى الدمروم ومت بم دون كرني ترزه مه درنين كونا عمرا بنمنيد ؟ وردن ورمه م مكتب يرفيوني ملا أ . في روب ، كرات سدى طنت مدد ، ورست م الديرا لا الديم وال ما الا الديم الم الالوعاء في نفر فسر مخد به بدونها ت مندا يد كانوا في المراه ف المراه الله معود اباد الله مع ما و مالت م اذ مرحان و و ۲ ا معيد مروي و در المراج م ود يو ده رة شكرور . مي البين و والفيار و الوال

Control of the second of the s ه رسي عليه و بسنوران خاره خوشخ برانطنده

روز بالازم في اللائد يكام من دن وحدد والنزال فالم تشكرات تقيم ينام المله والنزاح الملك م : زه يم م مبريث من يمند ل كند بدر وقام الية م ا ما وله زيم رتمغ سلال دوري الله من خوده الله الد حركم 17 كم الله على سه سال دي مدن مكيد و بن ن مديد من كروواز وال والد مان ندب - ورحت الكرافيب خاله كرو ، في في الا الدين يه بدناكي رَجِ رَجْرِايَاهُ مِدْمِ بِكُرِينِ كُرْنِ كُوْ الرَّعْ بِعَدِيلِيَ زک تبیت زید اما بد ادا مه است محلی مسال نده ای و قبل بُر ا بایاد بام مد با کادرش کی در در بوقت الک بط لا ناده اداسات منداد ساردی می درخای مات را عندندی بر منظ سے فارم، و حق بنیلی ورفران المنه ما يه ما ين مارة لا من مع و بعدي ، إما و ماكر سرمه بعدت نبار تقيه شد مح جلايه مسدد الكاملين ما حنيه مها مَا بِهِمَا مَشْرَاكِيْ مَالْعَالَمَ مِنْ مِنْ مِنْ وَكُونَ مَا يَعْلَمُنْ مِ وَلَمُكُنْ مَا كُونَ . ر " نا برانيد مادميوب كر باعة تن برواحلا المعنده و في شينفيذ واده نوشه فاسرا فابي مكتفه الز رضين الرمتيري معدات مصب ركادون أوصائي مشريقي تب در د به ده صر بي دد؟ ع باست و ال المود و ده . ب سند مردن منول یا شد ای شد ب عام الدی د اسب مريد ميد عيرست بك ادبان تك الا يدام بمنابه معنى مالكم كر منابه عله .

ر من کیر کید سی رز درد در در ایش آن ی کرده در دانگیر ایاش مانستین مان به النظار : تنبع كاربت «به «بكار مقدمت » قامد ك عوّ ر مِنَ كَا يَرْضَتُ لَا كُرَمُوا إِنْ حُرِهِ مِنْ اللَّهِ يَسْتِيمُ اللَّهِ يَسْتِيمُ اللَّهِ اللَّهِ اللَّهِ ال (Ellife) Come model are الري بند وري د سفاسه عيس كر روايته الأدري مناسه الارت ولا إن مرصف على في ترسط برند صوب ميد المكورة الدن عار والمي ديفن أبه قداره يركز يدرسكا دالا أرجوص معربا وجديمت أموان بداسته شوانى والحصيان ينغ بيد المنيسية ردست من الروده در التنومش الدرسة المنسين الرارا والمن المنسية عَلِيدَ رَدُامُكِيرِ شَبِ رَدَدُ بَهُمْ مَتِ ﴿ إِسْنِي صَبِي الرَّفِ مَعَامِلَتَ عَلَيْكُ الرَّهُ الدائد عبد محمد أثبا أن مدفعت الدو حَةٍ ارْفِيلِ يَعْنَى دِرْقَتِهُ الإِن ﴿ كَانِ أَمَا يَعْ دِيلُا مُعَلِّدُهُ مِنْ مِنْ مِنْ مِنْ مِن مِن الْعَل والبال والمفاصف العين فاجر شت والديش ببغير الإان بع خروه أواحه الوارة مفاصت الغيس براده الدو مراد معلی شاید اصفرت مان اربیاحی ندشته برکب و شد تو نیامه این ا كرت درجت دردمت دارش "، قيلي معم كردن كر إست من الخليمة وأ را بر الملاد - وأكر مع م كرود معز كر بي التركي خداب بعض المنظ الدعلي الافاة سع بست كدكر مصت سرمه كال سيزه مادتين بنومغيزا بإن المانة م المسلخ طره و من المع تمنى ترزيل و در مه ل كيد اكر بوري محبت المناهد ال وخراشه وملن مراءه المدر بياء مرفح سنى

- 201 / 100 100 ANDE من ال دان سين مدم مت واق فر الرست اله بروج م سنه ن ن ن ن ن شد آه مون بن تون تران آن ق أمَّة خش عثير شي يي ر.. مد كرة فراي زان موركشة شدفي فينفش المؤنه رز که ا راسم از رود داده اکد که دسات معد محاجمه اسال كرنيي تران آف قانة .. بنديخ مع كراكي الرايج مع الكريم مَا مِكُونِ عَمِيلًا اوْرِيارِس. تاي قان غِرلد كا فال على مِنْ ر. بذا ما سرم من منذم كم قل الديم الحديد المديد سرت دره و كا فر روزوان بي فليند [ال ابع رود المرية و المراكان والديمنية را فقال خير سيمي تر بی میزدی مر اناف ل ما روم می معلت می ن شد شر سید مدد با کید برکیر را بت ران او وف بود خان درد دادار اندان کر سعان مرفیغ ادنیا دیوه بی ایده نیز میرست میں جاقدماجم الجابي من ١١١٠ ايان ترقني بسمعت شديرا ما شامل مذيرا أي تط تلبق وزر ادارس ع بحرد مكت مان كم بري بوارجي الال منر ال ماغ ديو پرخت بده آناني و دروه مکم داندي عيرواند معركات لذك وقدر ماعلا مل يكيد بدرة المركدت الذارون والف ن مده وين ذكر ويل مل displan entre.

よるるましていると والعالمة والمعالم فالمنافع والمعتبر المتنافية والمعتبر الدواو كانت بودا عين و دي دري مي مي دي و فواز بنات يد رم عليه بروسون من يولو ميلون ورائم والديد ورا ترايد زده سروة فيزيع سوف يعنيا فده الزيرانة الت وأأكذان بمرشيخ فيفخ اليزيكة وبليروان بنيه بصبيغ مبلاسخدي بشد المال المداد الله المراج البيت الميرة والمراس Thomas Hope without is The .

عِيدٍ مَ يُدَ وَدُونَ وَعِنْدُ رَبِي إِنَّ مِنْ مِنْ يُعِيرُ مِنْهِ الْفِيدُ الْمُنْ مُنْتُ مِنْ عِبْرِيتُ وَمِنْدُ وَفَيْ مِنْ إِنْهِمْ * الْعَارِيْجِي * وَمَا أَنْ عِنْ مِنْ صعب الخاري الحراجة قررين في معمل المات ومع راي المست برا المتاه أخذا الأفراج الرائز وتنفوا الوواملت النويا فرايز مراوية

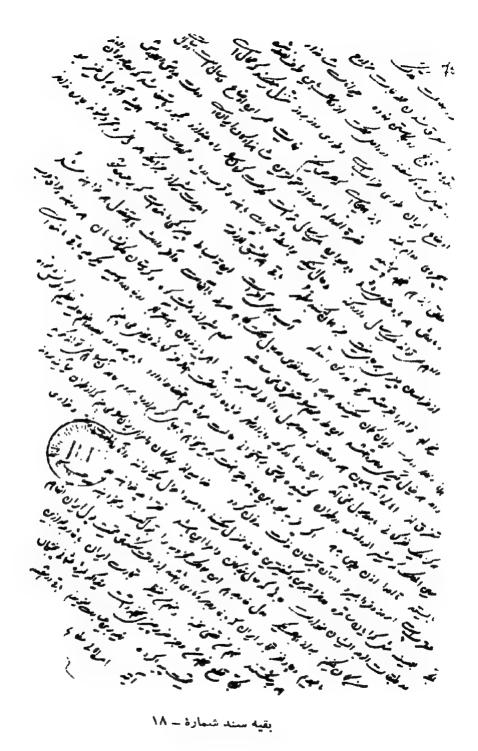
مري المرام في مرفع المواتية

خيد مرثقة الإنصرار أرشان أأرامتنا بأم أدن المحاهري أدراياته توراه الأقري وخ متنيت وترويج يسبور فراحظ والاراها أييان أبات فتر مغرار مدين مره الكرائه افت الإدارام ت المسم د منتریب بی جع به ز اوبشت انعل دمند و دبرت والع الياق معاويت والسابون من والواغ الرواد كالله الواد المالساء والراقة وزجرر فكالك خلص كرواء إدائق الخزيق رايج بره يحيتر كانؤسل والمدا أواح تواق وجوائم لأواع المركب عمل جغر الصفاري علي الدفاع أوالم و بر . تحدد تا ژان - مزای بر او اکون - میره به ما مرمنشد -وران فراس اور الدائمة راواد مر الادراء فالع الماني أوال المانية ارب راشد فر رنو مند مستوع ایرون مرنستو مره بهرمان النبان الكرم الانسي تشرع وهلو رأة الهراج وزلوق ونهام الأ ب فالداع بفرائد كم دبست إدال بشند وربر الكستيين البست بنبيرويل ززعهما منيت غراضه وبثوب بتت الهدافع وصنت باره الحاح של יון יון יום הל מות היונו ונול ועל מלו מול -ه رکومت بوارسيکه دروانش ر ومني فرفامت ربنوي واي وارت اغ رطفیت بافر الطلق بر یه میذایعز برفرانه دره جام راست ا جه مامت الماك المعربية المناه الماك الماكم

. ب. نصف شيشانيد ۾ 'دهن تريد جيميس هر معان آفيس کردد تا هجيڪ واليان دکريا. . ب. نصف شيشانيد ۾ 'دهن تريد جيميس هر معان آفيس کردد تا هجيڪ واليان دکريا ي ي والمروة والمراق والمراق والمراق والمراق والمراق المراق ت بنبة عباد د از روي ري و برد كرد در المريقه عرام ريد . بينه من الم ويد و در المدور بعال المعالم سية وسيد الروس وهذ الج أوسية المراح المراح المراح والمراح والمراح المراح . د ميد م ي الجيري مرارعات ر العرش . د شده ييزه يكد كا . كرميان و وه كه ان ته برس در رسی پنی درمرش کای دن را سد. پیشادم اسی پنیس داده صفیم أر ين من أرُدُ . بدي يومن ل عديه إلى برا ردُ ون خرفون كه يُراً وصف على ال Sign Eyofai ; مدير عربت والإسام ولايك مين سيم الطلط مت رسید بیوندر کردمدگذیشند این منا ارازی و میدندند. درمون دمول از معرکام دم بردمد موتندند این منا ارازی و میدندند. ودرج دمج المن والالحارث ويسترنيه كالديسنة تعييهم يلور وك تفاخرل قد برسية أن يك م م درون مواسم الله سبة ري و ميد . كا بدا لدي ولا وكالشيان بالدورة بران بين بي بال مدوم وال بر داود ماز مادات مصرب مهدة معدَّد الشرات كي رحرة عربين بهم ما بالترميد عايقي المجليمون والمتدوزيون أباره العثر وجعاجة . شد مید . . . کاه تدر مدر این مار دان دان کو د مرد داند ودرسي كر در ود منترصي المراز اردن كيد كودر كالمي المراج للزارك وال م حد ۱۰ دن بره ویشو ۲۰ بر دن مده میران

ر بن معرفات م بنا من من الله المرافع الأن المان المان المرافع دن ر دستدام بهر دم درد دند استق دایه د ادمت کم نم مزاسی به ريده وحد تعرر حب نظ وين بدري المري المرادر والأرت فاله را ورانسنات المدوسيداد وركيد الراه ون بريديد والرسالي جاسبت دن دشته شدسی چکیند کا نز ده نادیمار میمیش میه بز سي ه کرده در مبزیک پرسه کندک پرده ندعیس کان فرمشهم پیکیران نرسیده خذارم كروب الديمة معمدة من كدا كاست والمستام ووان والمون ربد به رستري . مروت محدوث ندم و وز رود الم و معن را بعد وجرا عرصيدا الدين أن أردا بوفار بعرل الأواعد بني على الدين المراد ارس رينسد د يه دردستن با ووق ندم ميرخ حرك داي مهدم دامت با ميد دعيي بذر العج المسترار عودي ميشيان المياض لأكراف جثير يتى درد عبرطى المشاس سي دينت رورتيم متين متر عدب ماديث كالعير عال مرا دوق ١١٠٠١٠ الربت ش عدى وشد دم ن وي سدر عربط عربط مر كذرك كاره الم على الده الم لله ناه سند و سرر بد کاخیرشار دو تا نون نوی دار منیام چسیره کی پهت متابی این ب من من من المراحد يا الناص حديث ورين على الله ولك الموادات بف! مبدرا مره يُّ الله . يساسته مِع مد مِعسرهِ من مد الد العِيعس و مندس فان مان و بواسد ملان بالمراو المفرس الدائر و الان فرسلال الله والما والما المران من الم الم والمرار موسند كران العام الما ما موالي المعالم المعالم المعالم الماداد المنفوح الدالم وميده والمتدري والمنظر والم المعليث





تاحث بشري المنظمة المناهم المنطبع المرام رفيت درب رتق ميم وصد الكررفيت عرب معرفض الروائد المرابية لذمت الناعيث الرعولة متعمد مقدس خراء مشول المزيخة الربويد معرجة مرض من شده كد محديث تعرب تقر دست اين جاذران تشرواين شرواين شرواي ويكسيت والمان الأعفرات كالشت رجود وي مهياق عردي دعدة ملاكا والت ع برستران الله سائد کو دان الله سائران قانون ما دان الله ر ال و ويد اللب رة ونفزل الان المن المنظاميان والأن المن المنه الذي بخل کری در تیمیش سرم شت دنیای نزلهٔ اردایور شو زی یش اید ركة سيندام كاسبه لم ميزد المايت المنطاع والماية المراسة الماية كر دوسهام و لم ميز ركه بهت برو و باشده مي دانة سياف تدني أنه خراس رنسيا در معنون الد و يرتعم موريم منا ن اسم فردر ورا حارات الله ماد. مدر مبادر المهانان شع بغير شو خرادي عرف الله مدرن کے کا سے اف رسوام اسیان میں درخان استعادیوں کا ای کموندہ لدمت ابان تور نبكان د اسا دهداسين دينت تن سي و شركيديد ت، برمشین شا در مغیردزی دای افرسیسیاس بستدا بنه بيزكيرت معاملا ل معانت دور بيامر ودالت بنظ ديد الا ورمون فرن المالم عرود مالم أن ميرات وج ير ركم يدع الناست المنوفيم فرق الله الله مين موس وم ناسيان وازور كرون بته والله ال لدكال بويرمت فرة مكيات المرسنت مزد وي تروي موم برديد رسايار لا دان دهبس مد وجویدید میزال من داخد کرداد دو به شای ما ق من الميل كميرً لمل مرتوم منهم المت دور كرميون ك فاريد عالي ذرالدم ولك ستر د دوم سد



بقیه سند شمارهٔ – ۱۹

ما د داشش مجلّه

از اقدامات مغید و مؤثر مجلس علمی و تحقیقی که بمناسبت ششصد و پنجاهمین سنال درگذشت خواجه رشیدالدین فضل آله همدانی مورخ وطبیب نامدارایرانی ازتاریخ یازدهم تا شانزدهم آبان ۱۳۶۸ دردانشگاه های تهرانوتبریزتشکیل یافتوماگزارش آنرادرشمارهٔ سال گذشته مجله بررسیهای تاریخی بتفصیل منتشر کردیم ایکی ، پیشنهاد چاپ و انتشار وقف نامه ربع رشیدی است که از نظر تاریخی ارزش و اهمیت بسیاد دارد و این کار هم از طرف انجمن آثار ملی به استاد گرانقدر و علامه آقای مجتبی مینوی و دانشمند محترم آقای ایرج افشار واگذار گردیده است .

بسبب اهمیت موضوع ، مجلهٔ بررسیهای تاریخی از دوست و همکار ارجمند خود آقای ایرج افشار تقاضا نمود مقاله ای در معرفی نسخهٔ اصل وقفنامه و محتوای آن برای درج در مجله و آگاهی خوانندگان گرامی آن تهیه و تنظیم نماید . اینك مقالهٔ مزبور بلطف دوست و دانشمندگرامیآقای ایرج افشار باسپاسگزاری از ایشان در این شماره بجاب میرسد .

برى إى تارىخى

معرفي سخمال وقن المدرست يدالد فضالة

بمثم

امرج فٹ ر

موقعی کے یکی از جلسات مجلس علمي وتحقيقي در بارة خواجه رشيد الدين فسل القطبيب ممدانی در تبریز (آبان ۱۳٤۸) نشكيلشد به اهتمامقابل تقدير منوچهر مرتضوى رئيس دانشمند دانشكدة ادبيات تبريز نسخة اصيل وسينظيروقفنامة خواجه كهاغاب قسمتهای آن به خط شخص اوستبه معرض دیدار شرکت کنندگان قسرار گرفت و بسه مناسبت اهميتي كه ايس نسخة مهم تاریخی دارد در پیشنها دهای نهائی مجمع گنجانیده شدکه یکی از دستگاههای ملی و عمومی کشور آن را خریداری كندتااز تصرفات دائمي روزكار درامان بماند.

منحصر اطلاعاتی که تـــا

قبل ازآن کنگرهٔ ، از این وقفنامه در دست بود اشارات ومنقولات کمی است که آقای محمودعرفان در مقالهٔ مفید خود به نام «بزر گترین بنیاد خیر در ایران « (به مناسبت آنکه همین نسخه را دیده بوده) مندرج ساخته است و آن مقاله را در یادنامهٔ دینشاه ایرانی Dinshah Irani Memorial Volume (چاپ بمبئی (۹۶۳۱) به چاپ رسانید وعین آن در جزوه ای که بسه مناسبت تشکیل مجلس مورد ذکر به عنوان «رشیدالدین فضل الله همدانی» به چاپ رسید (آبان ۱۳٤۸) تجدید طبع شد .

다 다 다

پساز اینکه پیشنهادهای مجلس علمی به مراجع فرهنگی وعلمی کشور عرضه شد انجمن آثار ملی که همواره در کار خیر واحیای آثار قدیم مقدماست پیشنهادهای مجمع رامور درسید گی قرار داد و به جناب آقای د کتر غلامحسین صدیقی دانشمند گرانقدر و عضو هی أت مؤسس انجمن واگذار کرد تا هر پیشنهادی که بزر گداشت رشیدالدین را در بر داشته باشد عرضه نسایند . ایشان به مناسبت محبتی که به بنده دارند و به مناسبت اشتغال این بنده باامور مربوط به مجلس علمی رشیدالدین موضوع را بامن در میان گذار دند. خوشبختانه آنچه عرض شد مقبول خاطر فرهنگ خواه ایشان واقع شد بدین اختصار که به دست آوردن و قفنامه و چاپ آن به ترین وارزشمند ترین خدمت به رشیدالدین و گوشه ای از تاریخ ایران است .

پس باتأییدی کهازطرف انجمنومخصوصاً تیمسار سپهبد فرجاله آقاولی نسبت به این پیشنهاد شد ، هم به توصیهٔ جناب آقای د کترصدیهی ، دانشمند کاردان و دلسوزیعنی آقای محمد تقی مصطفوی عضوهیات مؤسس و خزانه دارانجمن به آتبان از اعضای محترم هیأت مدیرهٔ انجمن به تبریز سفر کردند و توفیق یافتند که این نسخهٔ ممتاز را از خانوادهٔ سراج میر دریافت کنند و به تهران بیاورند. مخفی نماناد که افراد محترم این خانواده سالهای در از با کوشش بسیار نگاهبانی این نسخهٔ بی مانند و تاریخی را در عهده داشته و توانسته اند که بسیار نگاهبانی این نسخهٔ بی مانند و تاریخی را در عهده داشته و توانسته اند که

ازاین وقفنامه طبق مندرجات همین نسخهٔ موجود پنج نسخه نوشته شده بوده است. اتفاقاً چند ورقاز یکی از آن نسخ پنجگانه (به خطکاتبی اما به همان روال نسخهٔ اصلی و باهمان کاغذ و تذهیب که در صفحهٔ عنوان نسخهٔ اصل دیسده می شود) ضمیمهٔ نسخهٔ موجود شده است.

وقفنامه بصورت كتابى مجلد استونام آن درصفحهٔ اول به خط ثلث وبه طار د الوقفية الرشيدية بخطالواقف في بيان شرائط امور الوقف والمصارف، است. در بعضى ازمواضع نسخه تصرفات ناروا شده است، اعم از آنكه مطالب را باك كرده اند يا آنكه كلمات وعبارات را به دلخواه ابناء زمان تغيير داده اند.

نسخهٔ اصل توسط خود رشیدالدبن مقابله شده بوده است و در ورق ۱۰۶ عبارت بلغت المقابله، به خط او وجود دارد .

#

محتویات وقفنامه بطور کای عبارت است از :

۱ - تسجیلات متعدد ازعلما و فقها و قضات و ارباب دیوان از قبیل محمدبن عبدالسلام بن عبدالمجیدبن عبدالحمید جرفادقانی و محمود بن محمدبن یوسف فخر همدانی و مسعود بن سعدبن محمد یزدی و حسن بن قاسم نیلی و قاضی مجدالدین عبدالله بن عمربن محمدقاضی تبریز و محمدبن محمدبن محمدبخاری حنفی و محمدبن عبدالله شافعی و احمدبن علی بن جعفرو محمدبن سعید کاتب و رجببن علی بن احمدساباطی و محمد بن محمد بن محمد دامفائی و عده یوسف بن حسین حنفی و عبدالمنعمبن نوری و حسین بن محمد دامفائی و عده کثیر دیگر از سالهای ۲۰ ببعد، و نیز گواههایی از سالهای ۲۰ و ۲۰ و ۲۰ در آن هست.

د مضمون این وقفیه که منبی است از خیرات و مبرات مخدوم جهانبان ، پشتوپناه اهل،ایمانرشیدالدنیا والحق والدین عماد الاسلام ومغیثالمسلمین فضلاله بن ابیالخیربنالعالی الطبیبالهمدانی و اسمر آن مشرف است به خطمبار هوی و ذکراوقاف آن درمیانهٔ وقفیه مکتوباست به خطابین ضعیف به

اذن واجازت وی و برهر ورقی به خطاین ضعیف نوشته است که از وقفیه است نزد این ضعیف واقع ولایح شد وروشن و مبین گشت جمله به اعتراف صریح بیان فصیحو کلمات منیف و تقریرات شریف که به حضور این ضعیف از خدمت آن مخدوم اعظم که بانی وواقف این اصول وفروع است که در وقفیهٔ مبارك منصلومشروح استصادرشه وكلمه كلمه وحرفحرف استماع رفت وبركليات وجزوياتآن وقوف تماميافت واينضعيف بعداز تقديم وظايف شرعو تتميم مراسم سمع كه نقصى از آن برده تضاة اللام وحكام ايام وولاة احكام واجب و لازم باشد شرعاً به صحت اعتراف واقف مذكور ... به صحت مضمون این و قفیه حكم كرده آمدو همچنان به صحت مشمون جزو آخری که به خط آشرف عود نبشته وبه آخر وقفيه الحاق فر موده كردناطق به آن مصنفاتي كه وي فرموده از حاصل آن ارقاف استكتاب كنند برآن وجه كه به قلم اشرف شرح فرموده است حكم كرده آمد واعترافات فاسده وشبه غيروارده كه عادت طاعنان ومعاندان باشداز آنجمله دور کرده آمد به سؤالی شرعی وجمعی از امناوعدول واثمهٔ فحول به آن كواه كرفته شد، والله الموفق كتبه العبدالضعيف عبدالله بن عمربن محمد الرسر (ظ: التبريزي) الحسمي (ظ الحسيني) الحاكم بمدينة تبريز بتاريخ هذه الوقفية المباركة غرةربيم الاول سنة تسمو سبعمائة.

۲ ـ متن قسمت اساسی وقفنامه که حدود و شرایط ووظایف است به خط رشید الدین و در آغاز صفحه ای تذهیب شده دارد حاوی نام وقفنامه باسه شمسه و در میان این سه شمسه به خط رشید الدین این عبارات کتابت شده است:

« شرطمؤ کد بافرزندان خویش نسلا بعدنسل وعقباً بعدعقب می کنم و در مقابلهٔ حقوق پدری که در ذمت ایشان عقلا و شرعاً و عرفاً لازم است در عهدهٔ ایشان کرده سو گندی غلاظ وشداد ایشان را می دهم خصوصاً با آنانك بر حسب شرط واقف در هرعهدی توبت تولیت واشراف و نظر بدیشان رسد و مباشر این اشغال خیر گردند در آنچ این وقفیه را به هر ماهی یك نوبت مطالعه كنندتابر

احوال شروط آن کما ینبغی واقف شوند و در کیفیت تصرفات واقف گردند و نیز نصیحتی که ایشان را کرده ملکه گردد تادر محافظت شروط آن به اقصی الفایة بکوشند و نصایح را بهدل وجان قبول کرده رعایت آن را واجب شمرند تا حق سبحانه و تعالی و جمیع ملائکه و انبیاء و اولیاء و روح ابن ضعیف بواسطهٔ امانت و دیانت ونیکو زندگانی ایشان راضی باشند و ایشان را نیکنامی دنیوی و ثواب آخروی مدخر گردد ، ان شاء الله تعالی ، آغاز متن و قفنامه عبارت است از ؛

دحمد وثناء وراى عدادحص وشكروسياس فزون ازحصر واحصاسز اوار حضرت عزت يرور د كارى تواند بود.. اما بعد چنين مى كويد اضعف عبادالة تعالى و احوجهم الى رحمة ربه فضل الله بن ابي الخير بن عالى الهمداني المشتهر برشيد الطبب ... که چون خواست که به خط وعبارتوفکر و اندیشهٔ خود از سرایقان و اعتقاد ونيت تمام وقفيه نويسه مشتمل برشروط مرتبه تامن بعد متوليان بدان كاركنند و ازويادگار ماند بيشتر اسباب داعية او بدان و بعضي از احوال آن و ایراد و اعتراض مردم بروقف وخاصیت و فایدهٔ وقف بیان کرد وفصلی مشبع در آن باب در قام آورد تا آن نیز از و یادگار ماند و سبب تحریس مردم شود برخیرات و بدان منتفع کردند و چون آن فصل اطنابی داشت مناسب ندید که آن را بااین وقفیه ضم کند . پس آن را علی حده و بالای ابن وفقیه نهاده در یك جلد ثبت كرد تا آن را علی حده مطالعه كنند و دربن موضع اين مختصر ديباچه مي نويسد وكويدكه چون حق جل جلاله وعمنواله بنابرین مقدمات ... در بنای ابواب البرربع رشیدی و سایر ابواب البر که به هرموضع بنیاد کرده واملاکی که پیش از این داشته اکثر آن برمصالح ربع رشیدی وقف کرده و باقیات که بوده برسایر تعمیرات همچون مسجد جامع رشیدی بهمحلهٔ شش کیله تبریز و دیگر بقاع خیر که درتبریزاست وابواب

البرهمدان و یزد وقف کرده و جهت هریكوقفیهٔ شرعی مسجل نوشته وبعضی البرهمدان و یزد وقف کرده و جهت هریكوقفیهٔ شرعی مسجل نوشته وبعضی از آنچ حق تعالی بعد ازین وقفها از املاك روزی کرده هم اضافت آن املاك گذشته کرده و هرچ ازین حصه و خاصهٔ ربع رشیدی بوده از اوقاف قدیم و حدیث بتعیین و تفصیل درین وقفیه که مخصوص است به ربع رشیدی و توابع و مرافق آن مذ کور خواهد شدن ان شاءالله تعالی و این وقفیه معروف است بالوقفیة الرشیدیة بخط الواقف فی بیان شرائط امور الوقف والمصارف...

تقسیم بندی مطالب وقفیه طبق فهرستی که پس از خطبهٔ مذکور درفوق نوشته شده چنین است :

باب اول

در تفصیل موقوف علیه از رقبات و اولادو غیر هم و شروطی که بدان تعیین است .

فصل اول

در تفصيل قبات الخير ربع رشيدي.

قسم اول ، در اصول موقوف عليه (روضه خانقاه . دار الضيافة. دار الشفا)

قسهدوم تو در توابع و هرافق سرای متولی . سرای مشرف . سرای ناظر. حجره ها حمام حوضخانه دوسراچه انبارها سقایه ها دهلیز .سرابستان خزانه ،

قصل دوم

در بيان اولاد كهموقوف عليه اند (على مجلال ابر اهيم مجد عبد اللطيف. محمد محمود شهاب)

باب دوم

در ذكر موقوفات وتغصيل وتعيين آن وآن مشتمل است بردوفصل:

فصل اول

آنچه درتاریخ سابق وقف کردهام . . . وآن برین وجه است: املاك بلده يزد و نواحی آن و نواحی آن املاك بلدهٔ تبریز ونواحی آن

سينت عن آلافات. (از اينجاببعد صورت املاك استوبه خطحا كمديكراست شخص رشيدالدين.)

فصل دوم

از این فصل جز صفحهٔ عنوانهاچیزی زیاد به جا نمانده یعنی منحصراً یا ورق صورت املاله شیراز ویك ورق ازاصفهان و موصل باقی است.

باب سوم

(از اینجا بازبه خط رشیدالدین است)

درشرايط اين وقفوبيان وقسمت حاصل اوقاف برمصارف.

قسم اول: درشروط عامه

فصل اول

در تعیین متولی و مشرف و ناظر .

فصل دوم

در شرایط مباشران این اعمال.

فصل سوم

دروظایف عمال از عمارات وتحصیل ارتفاعات و عقود اجارات .

فصل جهارم

دربیان مرسوم این عمال ازمتولی ومشرف و ناظربه حق التولیة واشرا ونظر وبیان حصهٔ ایشان وحصهٔ سایر اولاد.

قسم دوم

درشروطی کهمختص استبه هریك ازین رقبات موقوف علیها (با خلام کردن عنوانها) .

فصل اول

در تفصیل امور مصالح مسجد صیفی

سل دوم :

در بیان احوال مدرسان ومعیدان وفقها و متعلمان علم تفسیر

اعل **سوم:**

در تفصیل و تربیت امور دارالمصاحف و کتبالحدیث در جوار مسجد مدی روضه

عصل چهارم :

در تفصیل مصالح بیت التعلیم و اهل آن از معلم و متعلمان

فصل پنجم:

در تفصیل و تربیت و تدبیر امور دارالحفاظ

فصل شهم:

در تفصيل امور خانقاه ومصالح آن.

فصل هفتم :

در تفصيل امور دارالضيافة وتوابع آن از مطبخ و بيت الحوائج . . .

اصل هشتم:

درباب کیفیت آشدادن به درویشان و ساکنین ازدیگی که معروفاست درباب کیفیت آشدادن به درویشان و ساکنین ازدیگی که معروفاست

فصل نهم :

درتفصيل امور دارالشفاء وشرابخانه ومخزن ادويه ...

وعال دهم:

در شرایطاموربیت الکتب که درسرای متولی است

صل يازدهم:

دربابغلامان ترك وساير اصناف كه وقف ربع رشيدى اند

علدوازدهم:

دربيان شروطنان دادن مجاوران ومسافران وعمله برربع رشيدى وغيرهم...

فصل سيزدهمة

دربیان انواع روشنائیها که در ابواب البرربع رشیدی معین کردهام.

فصل چهاردهم:

درتعيين مساكن مجاوران وملازمان وعملهٔ ربع رشيدي داخلا وخارج

حرف اول : برمسکن مجاوران ربع رشیدی وعملهٔ آن.

دفعة اول: احوال ومسكن مجاوران....

قسم اول : جماعتی که ایشان عزب ومجرد باشند...

قسم دوم: جماعتی که ایشان کدخدا باشند (متولی. مشرف ناظر مفر مدت. محدث. فراش کلیددار. طبیب شرابدار. خادم. مطبخی خازن. بواب کدار مرتب سقایان. مشعل داران)

دفعة دوم : احوال ومسكن عملة ربع رشيدي ...

قسم اول: جماعتي كه إيشان رامسكن درمحلة سالحيه باشد...

اديتمان مؤذنان اتابكان غلامان.

قسم دوم: جماعتي كه إيشان كدخدا باشندو مسكن در محلة صالحيه نباء

حرف دوم ؛ وآن مشتمل است برمواضعی که هریك جهت جمعیتی معین شده

دفعة اول:

مواضع که آن جهت جمعیت هروقت و هرقوم معین است.

قسم اول :

مواضع که جهت معیت معین گشته .

قسم دوم :

مواضع که خالی باشد.

دفعة دوم :

مواضع که جهت مخزن چیزهای متنوع وانبارها معین شده .

قـم اول:

مواضع جهت انواع مخازن وانبارهاكه داخلر بع رشيدي معين كشته

قـم دوم :

مواضع جهت انواع انبارها ومصالح ربع رشیدی خارج ربع رشیدی در ربن و درشهرستان رشیدی و بازار آن معین شده ...

.صل پانزدهم

دربيان آنكه جهت اضافت عيدين ... وايام عاشور ا...

وصل شائز دهم

دربیان شروط وامورمجاری آنها که جهت ساکنان تبریز و شهرستان رشیدی واهلمحلات داخلی و خارجی آن هردو بقعه و حمامات تبریز و رشیدی و کاغذ خانهٔ آنجا و گارزگاه وحمام رشیدی بهمحلهٔ شش کیلان وقف سبیل کردهام...

باب اول : آنچه جهت ساکنان شهر تبریز به محلات بیرونی شرقی و محلات اندرونی آن و حمامات آنجا وقف مسبل کرده ام ...

باب دوم : آنچه جهت ساکنان شهرستان رشیدی و مواضع محلات آن وقف مسبل کردهام .

فصل هفدهم : دربيان إجور ارامل

خاتمه:

فصلی است مشتمل بر بیان مصارف منال و محصولات این یك نیمه که معروف است به وقف رشیدی از تمامت موقوفات.

취하다

در انتهای قسمت اصلی وقفنامه به خط خود شرحی دربارهٔ طریق اجرای امور وقف توسط متولیان نوشته است و میگوید: «... چون پادشاه سمید مغفور غازان خان انازالله برهانه در وقفیهٔ ابواب البر شنب که در تبریزست شرط فرموده در آنچه هرقاضیئی که در دارالملك تبریز منصوب گردد باید اول

حکم اواین باشد که وقنیهٔ شریفیهٔ ابواب البر شنب را محکوم به و مسجل گرداند و بر آن اشهاد کند و نشاید که در آن اعمال نماید یقین حال که تمامت قضاتی که فیما بعد به قضای آنجامنصوب گردند تیمنا و تبر کا امتثال و انقیاد این شرط که او فرموده بر خودلازم شمرند و هیچکدام از رعایت آن و قفیه در نگذرند بنابرین قضیه این بندهٔ ضعیف از ... آن قضات التماس می نماید تا چون این وقف دیزه که این ضعیف کرده و خیری است که منافع آن به عمل صلحا و این وقف دیزه که این ضعیف کرده و خیری است که منافع آن به عمل صلحا و مستحقان هر عصری میرسد ایشان نیز خود را در جریدهٔ اجراین ثواب آرند و برولای تسجیل و قفیهٔ شریفهٔ غازانیه این و قفیه را مسجل فرمایند در آن حکم و بر آن اشهاد کنند. این و صیت و نصیحت و شرط و التماس دارد برین و جه که تقدیم یافت کرده شد ...

و ذلك اتفق تحريره فى غرةربيع الاول سنة تسع و سبع مأته هجريه اين وقف بدين موجب كه دراين وقفيه بخط خويش مبوب و مفصل نوشته اكردم به شرائطى كه برسبيل مشروح در قلم آورده ام وبه مضمون اين وقفيه از اول تا آخر آن اقرار كردم واعتراف آوردم وعلم من به كيفيت و كميت هريك ازافراد اين موقوفات وموقوف عليه آن محيط است وبرين جمله برخود كواه كرفتم، كتبه كاتب هذه الوقفية فضل الله ابن المحالي المشتهر بالسرشيد الطبيب الهمداني بخطه في التاريخ المذكور فيه...

۳ قسمت الحاقی است که رشید الدین خود در متن بدان اشاره کرده و در ابتدای و قفنامه (به اسطلاح قلم خودش در بالای و قفیه،) قرار داده مطالبی است کلی در لزوم خیرات و مبرات و دستورهایی در بارهٔ نوشتن تألیفات او از جمله مجموعة الرشید مقر

감상성

معرفی وقفنامهٔ مهم رشیدالدین را فعلا به همین جا خاتمه می دهد و چون عنقر یب طبع عکس آن درسلسلهٔ انتشارات انجمن آثار ملی زیر نظر است د مجتبی مینوی انتشار خواهد یافت ، خواست اران تفصیل را به آن کتاب ارجاع میدهد.

·		



،، ، رئ عوا**رج**ص ، . باز الأسكاد ، و ديه دوهس نم تعامر واحقاء . دانوا ُعَلَوْلُ يُدَّ بِهِ ار. حَاتَ كَا سَالَ الماس وورد الم ^{در ۱}۰۰ تعداله سالما وه عارب ومكر والد

۱۰ د بلد پست

المالية المالية المالية





أسنادونامه

مداری را دی روز این در روز می در می در می در می در می در می در در می در



اسناد ونامه إي ماريخي

(چند سند از مجموعة اسناد ميرزا ملكم خان ناظم الدوله) متسمه

> . ار

سرمبر می ترفیم مقات د د کتر دربانج ، رسم نكاهدارى اسناد ومدارك الطانی و دیوانی ، از دیرباز در ران معمول بوده است وباستناد مدارك بسياري كه دردست داريم مبداسم بادشاهان ايران اسنادو روشته ما و عهدنامه های خود را رر مخازتی مخصوص نگاهداری مبكر ده اندا و در بسياري از كتابها سربوجود این **کونه مخازن اشاره** شدداست امادر دور فاسلامي ظاهرا بملت عدم ثبات بايتخت هاو امكان حملان وتجاوزات قبايلوجنك می بیایی و فراوانی که میان ادشاهان وملوك نواحي مختلف ردی میداد مراکز ثابتی بسرای مكهداري اسناد نبوده ونوشتهها ر اسناد را همیشه در سفرها و

آرشیومالی مکشونه در تغتجمشید مربوط به عنامنشیان و آرشیوهای سلطنتی در نسا متعلق به پارتی ها و در سوغدیان مربوط به ساسانیان و همچنین اشاداتی که در چند موضع از تورات آمده است مؤید این نظراست .

ار دو کشی ها یا بادشاه میبر ده اند ۲ تا در موارد نیاز در دسترس باشد . در دور : صفويان وبمدهم در دورة قاجاريه بسبب تثبيت حكومت وثابت شدن يانتخت آرشيو سلطنتي بوجود آمد اما ظاهرا اينوضع تنها منحصربه درباربودهاست وحكام واليان مامكاني ثابتي براي نوشتهها وأسناد نداشته إند بلكه هرزمان والي وحكمراني تغيير مييافت نوشتهها ومدارك حكومتي راهم باخو دميبرد واينسنت بعدها همكه بتقليد ازاروبائيان قرارشددولت ايران دردربارهاى دوست، سفار تخانه های ثابت و دائمی داشته باشد باز معمول بوده وسفیران چون تغییر مأموریت میدارند و یابه ایران احضار میشدند ، کلیه اوراق و مدارك دوران سفارت خو دراکه حقاً بایستی سابقه کار سفیر بعدی بساشد با خویش مربر دند وسفرای حدید یمرور و باقتشای اموری که پیش می آهند سوایق امر و موضوع را ازدولت متبوع خود میخواستندووزارت امور خارجه ازآن سوابق، رو بوشتهای مصدق میفرستاد تامینای آگاهی و اقدامات سفیر جدید باشد واز این روست که غالبا از اسناد سیاسی این دوره نسخ متعدد دیده میشود و بدبن ترتیب ، این مأموران بهنگام مرگ انبوهی از اسناد و نوشته هسای دولتی و سیاسی و دیوانی مربوط به موضوعها و مسائل کوناکونی را که در دوران حكمرانيها وياسفارتهاي خود فراهم كرده بودند بجايميكذاشتند وهمين اوراق ونوشته هاست که امروزگاه بگاه درخاندانهای قدیمی بدست می آید از جمله این مجموعه ها اسناد و اوراقیست که حاصل یك عمرسفرها و مأموريتهاي ميرزاملكمخان ناظم الدوله ميباشد ويسازمرك اوبوسيله همسر رى به كتابخانه ملى باريس اهدا شده واينك جمع آن اوراق ونوشته ها در ١١ مجلددرآن كتابخانه نكهداري ميشود "وسندهائي كه اينك از نظر خوانندكان میگذرد ازاین مجموعه میباشد و در آینده نیز در هر فرصتی چند سندی از آن رابرای استفاده محققان ارائه خواهیم کرد. دراینجا لازم میدانم که از دانشمند گرامی آقای دکتر اصغر مهدوی استاد دا شگاه تهران که مجموعهٔ عکسی خودرا دراختيار نكارندهقراردادند صميمانه سياسكزار باشم .

۲ سد درمورد آزشیو ورسم فکهداری اسناد در ایران نگارند، فصل جامعی در کتابی توسع عنوان «متدمه ای برشناخت استاد تاریخی» نوشته است که بزودی پچاپ خواهد رسید

۲ ـ درطبقه Supplement Persan از شمارههای ۱۹۹۷ تا ۱۹۹۷

-1=

رواد مراسلة سفارت دولت عثماني بوزارت جليله امور خارجه؛

جنانهه البته جناب فخامت نصاب حاجی محسن خان وزیر مختار وایلهی محسوس دولت علیه ایران مقیم اسلامبول بوزارت جلیلهٔ امور خارجه در طهران سلاع داوه است مقاوله نامه یی که مابین دولت مشارالیها و دولت عثمانی مذاکره می ند تمام احکام آن را بموقع اجرا خواهند گذاشت ولی امضای آنرا دولت سده عنمانی معلق و مشروط بدو چیز داشته یکی عقد معاهده تجارتیه فیمابین مدر نامرافنامهٔ دیروز از بابعالی بدوستدار رسید بابلاغ آن مامور است که در تا علیه ایران طبعاً معلوم است که از برای مقاوله نامه مذکوره حکمی باقی دولت علیه ایران طبعاً معلوم است که از برای مقاوله نامه مذکوره حکمی باقی حواهد ماند ولی باز رسماً تبلیغ می شود و بابعالی خالی از مناسبت ندیده در مرافنامه مزبوره صریحا مندرج داشته است که از امور معوقه مترا کمه است میراه با شیخ عبید الله افندی و مسئله محمد بیگ جاف و چون اطلاع خاطر محمد بیا مستطاب اشرف از مراتب لازم بود به ترقیم و تصدیع این مراسله محمد بیاب مستطاب اشرف از مراتب لازم بود به ترقیم و تصدیع این مراسله محمد با زیاده زحمت نمی دهد ۲۵ شهر دی حجه و به ۱۹ مضاه

-8-

جواب دولت ایران به سفارت دولت عثمانی بتاریخ ۲ شهر محرمالحرام سنه ۱۲۹۹

مراسله مورخ ۲۵ شهر ذی حجه آنجناب جلالتمآب درنمره ۱۷۱ واصل سی احترام گردید مینویسد که مقاوله نامه فیمابین دولتین علیبتین بتوسط

درگ ۲ مجموعه ۱۹۹۹ Suppl. Pers. ۱۹۹۹ ع

درک ۲ مجموعه ۱۹۹۳ Suppl. Pers.

نظارت خارجه عثماني وسفارت إيران منعقد واحكام آنها بموقع إجراكذارد خواهد شدولر إمضاى اور اردولت عليه عثماني معلق ومشروط بهدو چيز داشته اند یکی عقدمعاهده تجارتیه فی مابین و یکی تسویه امور معوقه عثمانی درابران که از آنجمله فقره شیخ عبیدالله و مسئله محمد بیگ جاف است لازم شد در جواب بمزاحمت خاطر آنجناب بيردازم كسه اولا ازجناب فخامت نصاب حاء محسن خان معين الملك وزير مختار اين دولت عليه ابدا اشاره بمشروط بودن مقاوله نامه نرسیده است و نمی تواند رسید زیرا که یك مقاوله نامه که نا ابد باید وسیله و سند مراجعه فیمایین دو دولت معظمه باشد شنیده نشده است که مشروط ومعلق قرار بدهند خاصه از برای اموراتی که اقدام و حسن نیت یك طرف كافی نیست بلكه اگر حقیقه رفع ایسن قبیل مواد مقصود و منظور واقعی بابعالی است اولاً و با لذات باید خودشان اقدام منصفانه نمايند وحقوق مقدسه دولت همجوار خودرا اداكنندكه تاحق مطالبه حقوق خودرا توانندداشت باوجوداين باز دفترى كهاسماورا امور معوقه سفارت عثماني تسميه و بوزارت جليلة امور خارجه تقديم فرموديد و قمسيوني مركباز چهار نفراعضا، دونفراز وزارت خارجه و دونفر ازسفارت سنيهممين شد و مکماه است که مشغول اتمام مطالب سفارت می ماشند، بر خی را صورت اقدام داده و ازبرای بقیه درکارند و حال آنکه امورات معوقه سفارت سنیه مــا در إسلاميول إز سنين قديمه إلى الآن بقدري است كه بدون إغراق بنجاه مرتبه إز آنهه آنجناب دفتر و سیاهه دادهاید زیادتراست و البته درنظر دارید در حین مذاكره انعقاد مجلس قمسيوني بجهة امورات معوقه شما ، مذاكره شدكه بعينها همين طورقميسيوني در إسلامبول بجهته اموراتمعوقه سفارت سنيأما تشكيل يابد و دوستدار منتظر احقاق حقوق خودمان ومقابله بمثل ميباشد . اما درفقرة شيخ عبيدالله بازخالي ازلزوم نمي داند بنويسد كه شيخ مومي اليه درداخل مملكت ايران چهنوع خودسرى نمودهودردهات متعلقه ايران متحصن شده وبروی عساکر ایران گلوله انداخته و اسباب انواع اختلال در داخله

مماكت كرديد باوجود اين قمسيون مختلطي معين شدكه رفته حقيقت امرو .. حه تقصیر مرتکبین رامشخص نمو ده را یورت نمایند امااز آن طرف عبد الرحمن فاي هر توشي متنازع فيه درخاك عثماني تجهيز جمعيت وسوار نموده باهيئت حتماع، تخطی و تجاوز از حدود کرده در داخله ایران دهاتخان دیزج و شخلررا خراب وغارت ، رجال ونسوان را اسير نموده جمعى رابقتل رسانده بقدر بیست هزار تومان اموال ودواب نهب کرده انواع افتضاح که ذکر آنها را در مراسله رسمیه قبیح میدانم بعمل آورده معاودت کردند مراتب در دار الخلافه باستحضار آنجناب رسماً رسیده شد و بواسطه سفارت این دولت بو کلای دولتعلیه عثمانی تبلیغ گردید و هنوز عبدالرحمن آقای هرتوشی مومى اليه را نكرفته و محبوس نكرده إندكه إقل وظيفه حقانيت و إنصاف بعمل آمده باشد واميدتكميل اجراي عدالتوحسن نيت وبيغرض كاركزاران عُمَانِي إِذْ بِرَاي مَاحَاصِلُ آبِدِ إِمَامِسِنُلُهُ مَحَمََّدِيكُ جِافَ وَرَابِنِ بَارِهُ وَوَسَتَدَارِ بهیچوجه نمی داند دولت عثمانی چه ایرادی به اولیای دولت علیه ایران وارد م توانند آورد اولا عشيرت جاف و رؤساي آنها تبعة خالصة دولت عثماني نبودندبلکه فیما بین دولتین متنازعفیه بودند. چندی در خاك عثمانی توطن كردند حالا بعضى از آنها بميل خاطر خودشان بدون هيج قسم تشويق و سرغیب بوطن اصلی خود معاودت نمودند و دولت ایران تا امروز بهیحوجه اسبابی که موجب امید کامل آنها تواند شد محمل ملاحظه حسن همجواری ادولتعليه عثماني فراهم نياورده است ليكن كاركزاران دولت عليه عثماني هرقسم عشيرت صحيحه و [_] خالصه دولت عليه إيران كه بخاك عثماني وفته إند فورا كمال تصاحب و حمايت را ازآنها نموده نظير انواع تلطفات و نوازشات مى دارد و هر قدر مطالبه او باتبعيد آنها از سرحد ايران مي شود بهيج قسم نمكين نكرده جنانهه إكر سياهه إسامي اين قبيل اشخاص وابخواهيد دوستدار حاضراست كه بااسم ورسم و تاريخ وموقع باسواد تحريرات رسميه كهمبادله شدهاست باستحضار آنجناب جلالتمآببرساند. در اینصورت که سفارتایران

۱ ـ يك كلمه نامنهوم

اینقدر امور معوقه درخاای عثمانی داشته باشد و این طور فضاحت و قباحت ا عبدالرحمن آقای هر توشی با تجاوز حدود درخاای ایران بوقوع رسیده ماید. اینقدر از تبعه و عشایر صحیحه ایران را تصاحب نموده در سرحداسکان بدو. آیادر نظر انصاف جای این دارد قرار نامهٔ که باید مبنای رفتار طرفین دو. عایق و سکته واقع شود ، مشروط بجر ئی امورات معوقه سفارت و فقره شیا عبیدالله و محمد بیگ جاف که قرار همه از روی کمال حسن نیت و حفد، داده شده است بشود و دوستدار یقین دارد که و کلای دولت عثمانی بعدا اطلاع از مضمون این مراسله تجویز این نوع شروط وقید را نکرده ار درا: اجرای هر نوع منظورات حقه خودشان در ایران اقدامات منصفانه در امورا

-7-

نامة ملكه انكلستان به ناصر الدين شاه ٦

هو

ترجمهٔ مسودهٔ ناملهٔ اعلیحضرت ملکه انگلستان باعلیحضرت همابودی شاهنشاه ایران ازبالمورال مورخه ۲۰ماه ژونسنه ۲۸۷۶

اعلیحضرت برادر من امه که مورخه هیجدهم ماه مدارس گذشته به رنگاشته بودید عزوسول ارزانی داشت ضمنا مرا مستحضر ساخته اید که فراز شده مجلس کمیسیون مختلط بجهة تحقیق بعضی مسائل که مربوط بقرارداد امورسرحدیه ممالك اعلیحضرت همایون خودتان وممالك اعلیحضرت همایون شما بجهة این خسر سلطان است منعقد شود در حالیکه از اعلیحضرت همایون شما بجهة این خسر امتنان دارم امید صادقانه خود را اظهار میدارم که انشاه این فقره که برای

۳ پرگ۱۱ مجموعه ۱۹۹۳ Suppl. Pers.

٧- ١٥ ژوئن ١٨٧٤ با٢٤ ربيم الثاني ١٢٩١ مطابق بوده است

مملکتین نهایت اهمیت را دارد بطور دلخواه طرفین انجام مطبوعی حاصل نمادد، ازاعلیحضرت همایون شما اظهار تشکر می نمایمازاینکه در نامهٔ خودتان نمیت اظهارات صمیمی دوستانه فرموده اید و آرزومندم که همواره مزاج شربف آن اعلیحضرت قرین بصحت و عافیت بوده سلطنت ایشان مستدام وبا از وجلال بوده باشد. معلوم است آن اعلیحضرت از دوستی مدام واقدام کامله من نمیت بخودشان اطمینان تمام داشته مراخواهر مهربان خودشان محسوب خواهند فرمود: ویکنوریا

=8=

سواد کاغذ ساعدالملك در بطرزبورغ ۸ ۲۳۸ شهررمشان المبارك ۲۳۹

خدایگانا این بنده لازمه بندگی و ماموریت خودمیداندهر گونه اطلاعاتی که در اینجا کسب نماید، با اولین وسیله و هر چسه زودتر خدمت بندگان جناب هستطاب اجل معروض بسدارد خاصه بعش اموراتی که راجسع بشخص آنجناب اشرف است خلاف بندگی و ارادت میباشد که بامسامحه و تملل بگذراند البته تلکراف رمز این بنده کسه ۲۲ شهر رمضان عرض کرده بود بنظر شریف آنجناب رسیده است و فی الجمله استحضار حساصل فرموده اند لازم آمد کسه تنصیل را بتوسط پست نیز خدمت بندگان حضرت اجل معروض بدارد و چون می دانست که بالقطع پاکتهای بنده چهدر اینجا و چه در تهران باز خواهد شد از آن جهت نزد جنرال قونسول تفلیس فرستادم کسه در جزو عریضجات خود خدمت بندگان مستطاب اجل ایفاد بدارد از قراری کسه این بنده از جائی خدمت بندگان مستطاب اجل ایفاد بدارد از قراری کسه این بنده از جائی محرمانه استنباط کسرد، گویسا وزارت خیار جه اینجا از روی را پور تهای طهران را پورتی در ست کرده به قریم به نزد اعلی حضرت امپر اطور فرستاده اندودر

۸- برک۷ مجموعه ۱۹۹۳ . Snppl. Pers. ۱۹۹۳ ـ مخاطب این نامه معلوم نیست ۹ـ منظور کریمه است

نظر امیراطور چنان وانمود کردهاند که تاثیر دولتروس در مملکت ایرانا اوقات بالکلیه تغییر کلی یافته و جمیع حرکات و سکنات آن دولت از رو دستورالعمل مأمورين دولت انكليس است بدون شور ومصلحت ايشان ا إقدام بامرى نميكنند. شاهداين مدعا فقرةشمن دفر ١٠ است با وجود آذ اعليحضرت شاهشفاها ازاعليحضرت اميراطور ويرنس شانسيليه ، خودخواه کرده بودندکه دراین فقرهٔ شمن دفر دولت روس هرگونه حمایت به دو ایران نماید کمال ممنونی حاصل خواهد کرد چراکه دولت ایران محرزار كه بدون راه آمن نمي تواند ترقى كندمشير الدوله با صلاحديدولت إنكلي این کارمعظم را عاطل و باطل کرده هرگاه شاه میخواست کهدرجمیم اموراد خیر و شر خودرا شریكوسهیم دولت روس بداند وروز بروز خود را بدو روس نزدیك نماید بهتر ازشمن دفر وسیله مراودهای ازبرای دولتین بدس نخواهدآمد چگونهشده است كه حالا بكلي عكس وعده هاي شاه ظهور ميكند وهمةاينها را مشيرالدوله مانع استكويا ايناظهار وراپورت وزارتخارجه را امپراطور با خط خود تصدیق کرده بود حالا این فقرهشمن دفر دراینجامسللهٔ پنجمواقعشدهاست ، اینمسئله را کنار گذاشته دریی فراهم آوردن اسباب دیگر هستند صريحوآشكارا مي كويند وقتى كه بابارون رويتر اين قرار دادراه آهن را درایران مسنی میداشتند ابداً با دولت روس مشاوره ومصلحت نکسردند چگونه میشود همینکه بنا بخواهش خود اعلیحضرتشاه ، کمپانی درروسیه فراهم آمدو خواست درايران بيستفرسخ راه آهن احداث نمايد في الفوردوات انكليس ومأمورين آنها دراين كار نفوذ كردند وخيالات دولت ايران رامنصرف نمودند.این بنده هر چهفریاد میکند که ابدا دراین امرما مورین دولت انگلیس مداخله نکرده اند شما اشتباه کلی دارید میگویند سفارت کبرای ما از لندن مفصلا بمانوشتهمعلوم كردهاستكه مانع اينكاردولت انكليس است باستظهار

[.] ١ - منظور Chemin de fer بمعنى راء آهن است .

مبرزا ملکمخان چراکه اوطالب نیست کمپانی دولت روس درایران شمندور احداث نماید مشیرالدوله هم بدون اجازه میهزا ملکمخان نمی تواند اقدام بابنگونه کارهانماید گویاهسیوبیکر وزیر مختار این دولت این روزهاچنانکه در تلگراف عرض کرده بود با اجازه امپراطور وقت ملاقات خواسته همهٔ این مصیلات را شفاها به اعلیحضرت شاهنشاهی معروض خواهد داشت و جواب خواهد خواست. چون استحضار بندگان حضرت اجل پیش از وقت تا ورود دستورالعمل وزیر مختار لازم بود این بنده مراتب را جسارت کرد عرض نمود دستورالعمل وزیر مختار لازم بود این بنده مراتب را جسارت کرد عرض نمود که تا زود تر بهر تدبیر است رفع این غائله را بفرمائید . زیاده چه جسارت شود . ۲۳ شهر رمضان ۱۲۹۸ .

سوادخط خود ساعدالملك:

تصدقت شوم این روزها بالکلیه تغییر حالت در جمیع امورات در حضرات ظاهر میشود. در امورات و مطالب اتفاقیه سفارت نیز کمال سردی و بی اعتنائی بروز می دهند خداوند شخص آنجناب اشرف را که آرزوئی ندارند مگر ترقی و ثروت ملتودولت ایران از شراین دوهمسایه حفظ بفر ماید بهر کدام که نزدیك تر بروید طرف مقابل همین معامله را بریا خواهد کرد لکن قوت قلب خودتان را زیاد فرمائید توجه خدا با آنجناب خواهد بود. زیاده جسارت مینماید.

0

سواد جواب بسفارت انگلیس ۱۰ بتاریخ ۱۷ شوال ۱۲۹۱

وصول مراسلهٔ مورخه ۳ شهر شوال ۱۲۹۱ و ۱۶ نوامبر ۱۸۷۶ آنجناب جلالتمآبرابا کمال شرف اعتراف می نمایم و متأسفم که اولیای دولت اعلیحضرت پادشاه انگلستان بآنجناب مأموریت داده اند در تقویت امری که در نظر اولیای

۱۱ ـ درمجموعه Suppl. Pers. ۱۹۹۲ برگ ۱۳ .

دولت إبران کان لم یکن و در حکم معدوم است ، زیرا که دوستدار به اعتقار خودم دولت عليه إبران آفجه لازمه مساعده وموافقت بود تابدرجه كه د. زر داشت در بار دُبار و ن رو بتر بعمل آور د که شاید مومی الیه بتواند شر ابطامتین که ماو داده شده بود بعمل آورد و سراز آنکه بارون مومی الیه ظاهر أ وعلنا ازعهده تعهدات خرد نتوانست بيرون بيليد وا زتحقيقات خارجي كه در دلمار دقت كار كذار إن دولت إبر إن دربارة بارون مومي اليه بعمل آوودندوما يوس شدند که اوقوه ومکنت انجام تعهدات خود را داشته باشد ویقین کردند که منطب و مقصود مومى اليه كاركردن و باتمام رساندن امورات متعلقه بمنافع عامه چنانچه درقرارنامه قبلي مندرج است نبوده بلكه ميخواهد در فرنگسان ابن امتياز را وسيله يك معامله معتنايه بجهت خود قرار بدهد آنوقت بدلابا كهدرمكاتبات فيمابين دوستدار وعاليجاه مستركالنس مندرج استودرمونم خود سواد جميع آنها بسفارت اعليحضرت يادشاه انكلستان داده شده است امتياز مزبور رابنا به قصوراتي كه ازبارون رويتر بوقوع رسيدهبود لغووباطل نمو دند واولیای دولت اعلیحضرت پادشاه انگلستان این حرکت اولیای دوان علیه ایران را عاقلانه معدور نموره رفتارها را تصدیق و تحسین نمورند واگر دولت ایران دره[ای] حق از برای بارون رویتر تصورمیکرد هسرگز و هبر امتيازيبه كمياني ديكرنمي داد ودراين موقع بخاطر محترم آنجناب جلالتمآب می آور ماظهاراتی را که دربارهٔ امتیاز بارون رویتی وزیر مالیه و وزیر امور خارجه اعليحضرت يادشاه انكلستان دريار لمنت ملى انكلستان نموده اندبا كمال احتراء ممذور ماز اظهار اتيكه بنظر دوستدار هيجراهي بجهت مداخلة رسمانة سفارت سيرده بآنجناب فيمابين دولت إيران وبارون رويترنمي آيد صورت جوابي كه بهيروتس مستركالنس ازجانب دوستدار نوشته شده استبجهت استحضار آنجناب جلالتمآب فرستادم. همواره دوستداررا نسبت به خودتان دراحترام فائقه برقرار دانید

-9-

سواد کاغذی است که از سفارت دولت انگلیس بوزارت امور خارجه نوشته شده است۱۱

مورخه ۳ شهرشوال ۱۲۹۱

چون عالیجاه مجدت ونجدت همراه مسترکالنس وکیل بارون روطر در این مملکت درمقابل قرار دادی که بیك کمپانی روسیه داده شده برای ختن راه آهنی هابین تبریز وجلفا پروطست رسمی نموده است، دوستدار ازجانب اولیای دولت اعلیحضرت پادشاه انگلستان مامور است که پروطست مذکور را بموجب اظهار رسمي بدولت ايران رسماً تقويت تمايد . آنجناب مستطاب اشرف ارفع قبل از وقت مطلع بودند كه اوليات دولت اعليحضرت پادشاه انگلستان عمداً تا بحال خود را نگاهداری نمودهاند از اینکه بدوستدار بيشاز اين دستوارالعملي بدهند كه من غير رسماً اقدامات مستحسنه بعمل بیاورد که با دعاهای بارون روطر استماع منصفانه حاصل نماید چرا که اولیای دولت اعلیحضرت پادشاه انگلستان مایل بودند که از هرچیزی که شبیه بمداخله در امور داخله ایران بوده اجتناب نمایند آنجناب مستطاب اشرف ارفع نیز در خاطرخواهند داشت که در چند ماه قبل دوستداربرحسب دستور العمل از اولیای دولت اعلیحضرت پادشاه انگلستان بآنجناب مستطاب اشرف ارفع حالى نمودكه اكرچه اولياى دولت اعليحضرت بادشاه انكلستان نمیتوانستند از قرار داد بارون روطر در حالتی که داشت ، تقویت نمایند لیکن خوشوقت میشدند اگر گذارده شود بارون روطر از هرجزو قرارداد مذكور كه دولتايرانآن را فارغ ازايراد بدانند بهر ور شود. اولياى دولت اعليحضرت بادشاه انكلستان قلبأ معتقد هستندكه بارون روطر حق سحيحانه در شکایت نمودن دارد ، اگر چنانچه دولت ایران بخواهد راه آهنی به تبریز

۱۲_ برک ۱۶ در مجموعه ۱۹۹۸ Suppl . Pers

ساخته شود ویااجازه ساختن آن بکس دیگری داده شود لهذا دوستدار مأمور است که باولیای دولت علیه ایران اصرار نماید مصلحت موقوف داشتن هر نوع اقدامی را درخصوص اجازه نامه بکمپانی روسیه مادامی که ادعاهای بارون روطر درست سنجیده نشده و باایشان ختم عمل نشود . ۳ شوال ۱۲۹۱

-V-

سوادگاغذ ساعدالملك كه يخط خود نوشته ۱۲ ۷ شوال ۱۲۹۱

تصدقت شوم حالت این بنده در اینجا این ارقات نوعی شده است که نه من بعد مقدور خواهدشد مطالب و عرایض لازمه خود را بتوسط تلغراف عرن نماید نهباپوست بغرستد. آنکه تلغراف رمز است مفتاح آن در دست اینهاست بمجرد آنکه تلغرافی از سفارت فرستاده میشود فی الغور استخراج کرده از مطالب آن استحضار حاصل مینمایند بعد روانه می کنند نه فقط این فقره در اینجاست در خود طهران هم آنچه که بندگان حضرت اجل مشغول می شوند نقیرا و قطمیراً وزیر مختار این دولت خبردارد مثل این است که در همه جا جاسوس آنها همراه جنابهالی است. تلغراف اخیری این بنده که با خط رمز بود در باب شرفیابی وزیر مختار؛ عرض و انفاذ نمود بعد از دو روز از وزیر مختار تلغراف رسیده بود که تلغراف وزیر مختار ایران دایر بچه فقره بود که حضرت اجل همینکه از مضمون آن استحضار حاصل کرد بدون آنکه این تلغراف را بشاه عرض نماید برداشت رفت سفارت انگلیس از همه مقدم طامسن کرده بعض عرایض لازمه خود را عرض نماید بدیهی است وزار تخارجه هم کرده بعض عرایض لازمه خود را عرض نماید بدیهی است وزار تخارجه هم

۱۳ سجموعه ۱۹۹۳ . Suppl. Pers برک ۸ ساین نامه رامیرزا عبدالرحیمخان ساعدالملك که سفیرایران دوسن پطرزبورگ بوده (صفحه ۳۲۷ج ۳ منتظم ناصری) ب-طهران نوشته است و معاطب نامه معلوم نیست.

له همان روز مضمون آنرا میدانست بوزیر مختار اطلاع داد.حالا دوسهروز است که بااین بنده در سراین فقره مکاتبه دارند. این بنده دند که انکار و رجش ثمری ندارد بجهت اینکه بهتر از خود بنده از تفصیل این تلفراف و رايورت كه بتوسط پوست عرض كرده بود باخبر هستند گفتم بلى درستاست من باین مضمون هم تلغراف فرستادهام راپورت هم کردهام، هرگاه این فقره دحت داشت و داردمن تکلیف مأموریتی خود رابعمل آورده ام، اولیای دولت منبوعه خودرا مستحضرساخته ام، هركاه حرف بي اصل و بي ماخذ استبدولت حود تلغراف كردهام آنهم بشمادخل ندارد مسئله ايست ميانه من و وزار نخارجه در صورتیکهاز آنجا تحقیق مینمایندجواب آنراهرگاه داشته باشم عرض میکنم والاایراد شما در اینباب معنی ندارد. میدانم اصل و درد در کجاست تلفراف بده زودتر ازدستورالعمل اينجا بوزارت جليله رسيده است وآتش كر فتهاند م بهانه میکر دند. اینکهوزیر مختار انگلیس از شاه اذن ملاقات خواسته است این فقره هم عقده بزر کی در دل اینها شده صریح میکویند که میرز احسین خان ۱۶ جميع حركات وسكنات خودرا باصوابديد دولت انكليس ميكند وميخوا هدروز بروزير تسلطوا قتدار دولت انكليس درايران زياد نمايد دولت روس بهيهوجه متحمل اینگونه حالتهای او نخواهد شد. در هر حال بااین بنده در سراین فقره بالكليه تغيير حالت داده اند من بعدهمه عرايض بنده و تلغر افهاى لازمه راباز كرده خواهندخواند. دورنيستگله وشكايت اينجا ازين بنده تا بطهران همبرسد. شما سلامت باشید، بنده باك وبیمی از كسی ندارم گذشته از اینكه دربندگی دولت تكليف خودرا بعمل ميآورم آنجه كه بشخص بندكان حضرت اجللازم است باید از همه اینها چشم پوشیده بهروسیله که مقدور است اطلاع دهم این عريضه را درلف ياكت جنرال قونسول تفليس باسم ميرزاحسين خان فرستادم باز خاطر جمعی ندارم که بازنگرده خواهند فرستاد، استدعا دارد در جمیع مواردمن بعد كمال مراقبترابعمل بياورند كهراه عذروبهانه اينها مسدودشود. 1741 Je Y

۱۶ - مراد، میرزا حسین خان مشیر الدوله سپه الار اعظم است که اوسال ۱۲۸۸ تمری مدراعظم ووزیر امود خارجه بوده است (ورك به س۲۲۱ و ۲۲۳ چ ۳ منتظم ناصری)

(۱۳)

-A-

سواده راسله ایست که از سفارت دو لت انگلیس بوز ارت خار حه ایر ان توشته اند ۱۰ مورخ ۲۱ شهر ربیع الاول ۱۲۹۲

نظر بصحبتي كهدر چندى قبل باآن جناب مستطاب ارفع شرف اظهار داشت وهمچنین با آنکه دریانزدهم نومبر گذشته داشت مربوط بر پورش بی فایده كه دوستداررا مستحضر نمودند از آزادخان هاراني برملك كوحك بردهبود چون در همانوقت آنجناب مستطاب اشرف ارفع یادداشتی را که اعلیحضرت اقدس شهریساری مرقوم فرموده بودند برای دوستدار قرائت نموده دایر بر آنکه چنانچه آزاد خان مجدراً برآن بلوك بيابد او را تعاقب خواهند كرد اگرچه توی خاك كلات بوده باشد دوستدار این فقر مرا یاد آور خاطر آنجناب مستطاب اشرف ارفع نمودكه جناب وزير امورخارجه سابق مكاتبه دوستدار را باخود در باب سرحد ایران و کلات ناکام گذار ده بود و بخاطر آنجناب مستطاب اشرف ارفع آورد که تازمانیکه دولت علیه مراسله تصحیح شده را که دوستدار باو داده بود قبول بنماید قرار داد اولی اولیای دولت اعلیحضرت یادشاه انگلستان در حکمیت مکران که اعلیحضرت اقدس شهر باری در اول ماه سپتمبر سنه ۱۸۷۱ قبول فرمودند برقراراست برحسب این قرارداد بلوك كوحك ازتصر فاتيكه بدولت إبران دادوشد خارج وبكلات واكذار شدليكن ازقرار مراسله تصحيح شده قرار داد مذكور تاابن درجه تغيير يافت كه سرحد كلات ١٦ بطرف شرقم كوحك كشيده شد بعوض طرف غربي آن وبدين واسطه بلوك مذكور از كلات خلم كرديد اكرچه رسماً بدولت عليه واكذار شد خالی از لزوم است که دوستدار اظهار بدارد چقدر مطلوبست که دولت علیه ایران بیان قبولی خودرا بیشتر ازین در تعویق نگذارد لهذا حال را مصدع شده جویامیشود که اعلیحضرت اقدس شهریاری مایل هستند که خط سرحدی

> ۱۵-برگ ۲۶ مجموعه ۱۹۹۳. Suppl. Pers. ۱۹۹۳ ۱۳- عبارت سرحه کلات دودار دومتن تیکرار شده است

رن را قبول فرمایند بطوریکه درمراسلهٔ تصحیح شده ضبط شده که همان اسله درعوض آنکه دراول ماه سپتمبرسنه ۱۸۷۱ داده شده بود باولیای دولت المحضرت اقدس شهریساری اظهار شده است در صورتی اعلیحضرت اقدس بازی قبول بفرمایند مصدع شده بآن جناب مستطاب اشرف ارفع زحمت باز میدهد که درهر حال از خطی که بطرف شرقی کوحك کشیده شده صریحاً بد تجاوز نمود و در صورتیکه دولت علیه از قبول نمودن مراسله تصحیح به فوق الذکر انکار نماید دوستدار باید نیز اظهار بدارد که دولت علیه ایران عبی ندارد که در کوحک که برحسب قرارداد اولی که آنرا قبول و خلع شده مداخله نماید زیاده زحمتی ندارد فی ۲۱ شهر ربیع الاول ۱۲۹۲

-9-

اد کاغذی است که وزیر مختار انگلیس تکلیف نمی نماید از طر قین امضاء ومبادله شود۱۷

چون بموجب قراردادیکه دراول ماه سپتمبر سنه ۱۸۷۱ فیمابین مرحوم راس الیس صاحب و جناب جلالتماب میرزا سعیدخان وزیر امورخارجه لیحضرت پادشاه ایران تکلیف شد که برای تشخیص دادن و رجوع در آینده کنفر صاحب منصب مهندس خاصه انگلیس باتفاق یکنفر صاحب منصب که طرف دولت ایران مأمور شده نقاط مقدم و وضع سر حدحالیه مابین بلوچستان ان و دولت کلات را که ماژور جنرال کولداسمد معین کرده است برای ضبط تر سر کشی دقیق نمایند و چون بر حسب آن قرارداد ماژور سنجن صاحب تر سر کشی دقیق نمایند و چون بر حسب آن قرارداد ماژور سنجن صاحب ان هر دو باین خدمت مأمور شدند و میزا علی اشرف خان مأمور دولت ان هر دو باین خدمت مأمور شدند و مأموریت خود را انجام داده بانقشه این هر دون علاوه بر آن دولت اجمت بدار الخلافه کر دند و آن نقشها ملاحظه شد و چون علاوه بر آن دولت

Suppl. Pers. ۱۹۹٦ مجموعه ۱۹۹۳ (۱۰)

ایران خواهش نمود که دولت اعلیحضرت پادشاه انگلستان مسئله خارج نمودن بلوك کوحك را در خاك ایران و داخل نمودن مأمور دولت انگلیس، آن را در مملکت کلات مجدداً بسنجد. خطوط در نقشه حاضره که تفصیل سرحدآن در ذیل حالی شده طرفین بآن رسیدگی نموده در عوض هرگونه نقشه و مراسله و قرار داد:

اول از نقطه اخیره بطرف شمال یا آنکه از دریا دورتر باشد که بناشود حد غربی خاك كلات عموماً ولايت وسيع ديزك است متصرفي دولت ايران مشتمل بردهات زياد يابلوك كوحك، جالق وكاليكان درخط سرحديه واقع است لا كن زيردست اين دوبلوك و مابين ديزك و ينج كور يكقطعه ملك است که کلیه کو هك میگو مند و مشتمل است بر كوحك و كنار بسته و اسفندال كه در خصوص آن خطی کشیده خواهد شد که زمینهای غیر دی درع غرب و سزی داخل حدود ينج كور ميشود اين زمينها سرحد حقيقي كلات خواهد بود ثانياً يائين ينج كور متصرفي سرحد كلات إلى كنار دريا يليده است بانضمام زامران و ملحقات دمگر مند و دشت جزو خط سر حدمه دولت ایران بلوکات و اراضی میباشد که متعلق به سرباز و با هو دشتیاری هستند . حد دشت از روی خط مطولے مشخص است کے درروی نقشه بطرف غربی کوه درابل که واقع است مابین رودباهوودشتالی دریا درخلیج کوتر کشیده شدثالثاً بطور اختصار پنج كورباغرب وسرى پاروم وملحقات ديكربليده وزامران باملحقات ديكرمند بانضمام تومي ونصير آبادو كيج وهمه بلوك ودهات وملحقات بطرف شرقي دشت وملحقات آن إلى دريا إين إسامي خط سرحديه كلات را مي نمايد يعنى آنچه ملك است بطرف شرقى خط سرحديه تصرفات حاليه دولت ايران وآن خط سرحدیه مشتمل است بردیزك بانشمام بندیشت و سرباز و پیشین باهوو دشتیاری رابعاً علاوه برآن مقرر است که دولت ایر آن نه ادعا و نه حق و اسمى باراضي سمت شمال پنج كورويا دركنار راست رودمشكراز كوهك ببالا

ما دوافیه وحق عبوروهرور وغیره که هنبعد بمبان بیاید و طرفین نتوانند ما دوافیه وحق عبوروهرور وغیره که هنبعد بمبان بیاید و طرفین نتوانند ما خودشان بگذرانند ببالیوزپولتیکه دولت انگلیس مقیم کوادر رجوع ما هدشد که قرار اتمامآن را بدهدسادساً دستخط گذارنده ها از طرف دولت ما وعه خود مراسم تهنیت و تبریك را مبادله می نمایند برای اینکه این مسئلهٔ ما زحمت بفرخند کی ختم گشته وبدانواسطه جهات اهمز حمت و مرارت که ما ما ششاش در روابط دوستی که آنقدر مطلوب است فیمابین کار گذاران دولت علبه ایران و کویترفع شده است.

=) °=

جوابی است که از وزارت خارجه درجواب مراسلهٔ سهارتانگلیس نوشتهٔ خواهد شد ۱۸

اعتراف وصول مراسلهٔ مورخه ۲ مهرربیم الاول ۲۹۹۲ آنجناب جلالتمآب را در کمال شرف نمود در جواب زحمت افزا می شوم که دولت علیه اعلیحضرت افدس همایون شاهنشاهی خلاد الهملکه و سلطانه حاضراست که نقشهٔ ثانی دولت انگلیس را در مادهٔ تعیین سرحد ات ایران با کلات بقدری که تعلق بسرحد کلات دارد و اساس قبول حکمیت دولت انگلیس همانحصار به تعیین و تشخیص سرحد و بما بین ایران و کلات داشت بشناسند و آن سرحد را محترم دانسته مادامی که از جانب خان کلات و سیله و حق تجاوز داده نشود تجاوز از آن سرحد را تجویز نفر ماید و نوشته تصحیح شده را با آنجناب جلالت مآب امضاء نماید این صریحاً به آنجناب اطلاع می دهد که دولت علیه ایران کوه ک و اسفند و و متعلقات آنها را بقدری کسه داخل خط سرحد کلات نشده است ملك تصرفی و حق صحیح خود می داندواز سالها است که در تصرف داشته جز ۱۰ لاینفات مصروسه ایران و ساخلوی دولت در آنجا متوقف است گفتگو و مداخلهٔ عبج دولتی را در آنجا جایز نخواهد کرد

Suppl · Pers ۱۹۹۲ مجموعه ۱۹۹۲ - ۱۰ . (۱۷)

-39-

نامهٔ وزارتخارجه ایران بهمهرزاملکمخانسفیرایران درلندن۱۱

مهر شیروخووشید وزارت امورخارجه کابینه وزیرخارجه مورخه ۲۲ شهررمضان ۱۲۹۵

نمره ۱٤٠

فدایت شوم در هشتماه اخیر مشاغل فوق العاده که برای سفارتهای دولت علیه مقیم دربارهای خارجه درموقع مسافرت مو کب همایونی بفرنگلستان حاصل شده بودمانع ازرسيدن رايورتهاى تكميلي وزارتخارجه بودجنانكه درمسئله چینوصورت اجرای مسئله ترانسوال که اینقدرعالم سیاسی رامشغول داشته بود ودارد هنوز رايورت صحيحي دردفتر وزارتخارجه بهمنميرسدحالا كه بحمداله تعالى ذات مقدس همايوني بسلامتي به دار الخلافه نزول فرمو دند سفارتها درمشاغل فوق العاده خود فراغت حاسل كردند باين مختصر مزاحم ميشوم كه وزارتخارجه كمافي السابق منتظرومتوقع وصول رايورتهاي صحيح از جانب اشرفعالي خواهدبود واين نكته راهملازم ميدانم خاطرنشان كنم كه ذات اقدس شاهنشاهي ارواحنافداه واولياي دولت عليه بواسطه وجودسفارتهاي محترمه خودشان درخارجه نبايد محتاج بوصول روزنامهها باشند اطلاعات صحیح از امور داخله دولتی که در دربار آن متوقفند و اتفاقات سیاسیه و مراودات بين المللي وغيره ازسفارتهاى دولتعليه مقيم دربارهاى خارجه متواترا بابد برسد ازپارسال دفتروزار تخارجه اصلاح وبطرزدفاتر فرنكلستان مرتب شده چنانکه جنابعالی میتوانید مطمئن باشید را یورتهای سفارت آنجناب عالی مرتبا ضبط شده زحمات جنابعالي درحال وآتيه منظور خواهد بود تشكيل

۱۹ - برگ ۳۹ مجموعه ۲۹ Suppl. Pers

به هم مؤید همین مقصود است و مطالبی که بیشتر نمی توانستند را پورت بند حالا نامه مرقوم خواهید داشت که اولیای دولت علیه بی اطلاع نباشد و نکته را هم لزوماً مصدع میشوم که چون بسیار مایلم عین را پسورتهای منابعالی از خاکهای اعلیحضرت همایونی گذشته زحمات سفارت منظور نظر شمیا اثر ملوکانه باشد لهذا قدغن خواهید فرمود که را پورتها را بقدر امکان حمه ومنید مرقوم دارند . زیاده زحمت افز است .

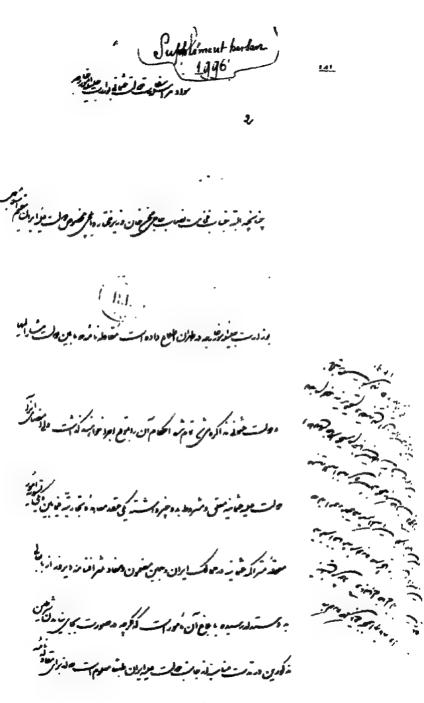
-17-

دستور العمل ناصر الدين شاه به ميرز الملكم خان ناظم الدوله ٢٠

ناظمالدوله در مسئله جاسك وسایر بنادر فارس هنگام حضور مذا کراتی شد مخصوصاً در باب بندر جاسك مشروحی تذکار شد که تکرارش لازم نیست پس از مرخصی شمافتراتی در آن مسئله روداد که شرح آن از قرار کتا بچه ایست که حسب الامر ازوزارت امور خار جهایفاد شده است مطلع می شوید فقرات راجعه به بحرین را هم که اطلاعات کافیه بشما داده شده البته پس از ورود بلندن باید در کمال اهتمام و بعنوان تشکی بااولیای دولت فخیمه انگلیس این مسائل را مطرح مناظره و مذاکره قرارداده اظهار کن که دولت انگلیس همیشه خود را دوستی است که دوستی دولت علیه ایران را خاص خود می خواهد و از روی کمال دوستی است که دوستی دولت علیه ایران را خاص خود می خواهد و از اختصاص دولت دیگر دردوستی این دولت اظهار مضایقه می نماید ملاحظه نمائید این مراتب دوستی دارد؛ سئوال کنید اگر کسی ملك بایر لمیزر عی داشته باشن مراتب دوستی دارد؛ سئوال کنید اگر کسی ملك بایر لمیزر عی داشته باشد و یکچندی به با بادی و دایر کردن آن ملك نیر دازد هیچ دولت همجواری بدون اطلاع دادن صاحب ملك بنای تصرفات مالكانه در آن ملك می کند؛ همچنین در باب گفتگوهای راجعه به بحرین در کمال اهتمام و سختی ایستادگی کن دخاطر باب گفتگوهای راجعه به بحرین در کمال اهتمام و سختی ایستادگی کن دخاطر باب گفتگوهای راجعه به بحرین در کمال اهتمام و سختی ایستادگی کن دخاطر باب گفتگوهای راجعه به بحرین در کمال اهتمام و سختی ایستاد کی کن دخاطر باب گفتگوهای راجعه به بحرین در کمال اهتمام و سختی ایستاد کی کن دخاطر باب گفتگوهای راجعه به بحرین در کمال اهتمام و سختی ایستاد کی کن دخواطر

۲۰ _ برگ ۲۸ مجموعة Suppl. Pers. ۱۹۹۲

اولیای آندولت را کاملامتذ کروملتفت نموده مستشعر نمائید که اینطور اقدامان منافات کلی بادوستیهائی که از آندولت همیشه اظهار میشود و ما منتظر آنار ر نتایج آن اظهارات هستیم دارد . وقتی که در مقام عمل این نتایج بنظر میرسد مایه یأس کلی وبی اعتمادی کامل خواهد بود باید بهر تقریر و تحریر کافی شه شاید و باید این منحرفات را باستقامت آورده نتایج اقدامات خودرا معروض دارید. زیاده فرمایشی نیست فی ۱۹ شهر ربیع الثانی ۱۳۰۶»



-

Light Highwan

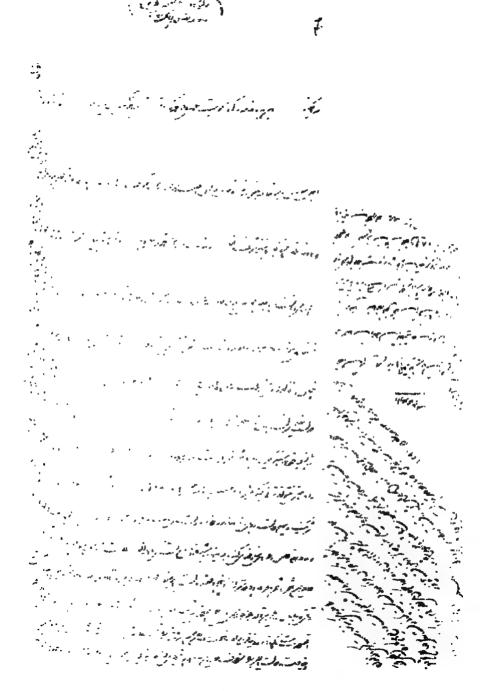
المرسون المنافعة المالية المنافعة المنا

Elephone with the second of th

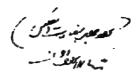
المعامرة الماس المعامرة المراجعة المراج

فىدىن يىسىم دېشىدىنى ئىزىدىنى ئىزىدىنى ئىزىدىنى ئىزىدىنى ئىزىرى

ر المرور المراب الم المراب ال



Fr has deed



رو مرایک درمد م نرثال ۹۱ و ۱۵ زویره ۱۸۰۰ سخت ساکیم شفینی نویسیا مرایک درمد م نرثال ۹۱ و ۱۵ زویره ۱۸۰۰ سخت ساکیم سفان نویسیا

ر المان من المراجع الم ندز وادقرة وأشني بتنت فديثين ويشرك ونوف يقتروي وكازن بانهين ب خصد خانم دولد ار فدانسان بند که کار دوکست ن نریستان دور کسیدان به وف به و ود الم الله من المستدر ما الشرك وراع والمعالم جيزيت هيا فطيت ن عدشهت بت زودون بقعدلة ود ادى را ترمع م رفرد المستقرنسين فعاد الملاسان فنتونه بردي بالتعريز والمزير ر مدر معدان مع المراحة المحتصر المراحة المحتصر المراحة المحتوان المحتصر المحت

وتدفولون وكراع ديره وزمروا احام بن بمن مرفيه ودكروه روات بايزت من دفيت ن مرفضه مربروي معاليدة فت قريد في مكونيد وراد كالنواد وسدد دراد الماران لدالوية مردان وروانه Solution The sono

200

Lodo Namber

The sport him to be with form many and, it said بت عرف و برنه برنه برن موات في شيكر دريم وي ما المن من المن المن المراد و المراجع الم المراجع المر By he of Mile and was proof a Diman som معيت وبرديرت فركه وينبونكم ووسنست ويخود والمنابكة 19.4. 10, start of the company in information ومن ف بهم ومن ومن والله المراب و والله ولف الله والمرابع مدام المرابع وركال فوالمدرة والرا والمرابع والما مي ور ما من مي والمساعد مده والتسويد برفد المدارد م و بنی ، وقع وزر به رکو ویک مفرور کارگیات بندیز در دوری می نه م ير برونون كذر مديد مديد كالمت تحقيد عدوم ريس بالد منى بدا رجدت ه در به در مرب و بدر و عقدات العالم مر موسعات یک مزل و ترقی کم

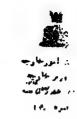
in school minutes

وْرْ رَبِي مِنْ الْمُنْ الْمُلْمُنْ الْمُنْ ال

وميسته في مينيند كالمسعد في المنظم الماسين المساورة الماسين المساورة الماسين ا

الات نور مدار المروائي المروائ

ريا ري س ديد المسار و المعدم والسر هو يونيات مورك مورق بند والأمام



Breeze sy make year. I

م أسلم الآ

المر موروس ما برن موجود المراس و مروس ما المراس ال " - a idestal bisto, image despite of Denviscolisant son son inhis

سند شمارهٔ ۱۲



گرارشی دربارهٔ دوین کمنگرهٔ ایرانشناسان

دومین کنگرهٔ جهانی ایران شناسان در تالار فرهنگستان علوم ایتالیا در شهر رم روز سه شنبه یازدهم فروردین ماه ساعت ۱۰ بامداد با خواندن پیام شاهنشاه آریامهر و پیام حضرت رئیس جمهوری ایتالیا که سرپرستی عالیه کنگره را مشترکا قبول فرموده بودند گشایش یافت.

پیام شاهنشاه آریامهر را که بایتالیائی بود آقای شجاع الدین شفا مدیرعامل کتابخانه پهلوی و دبیر کل اتحادیه جهانی ایران شناسان خواندند و پیام رئیس جمهوری ایتالیا را آقای پر فسور چرولی رئیس کنگره و نایب رئیس فرهنگستان علوم ایتالیا که در کنگره جهانی ایسران شناسان در نهران نیز در آخرین جلسه ریاست کنگره رابعهده داشت و خوداز دانشمندان ایران شناس است که بیش از هزار تعزیه ایرانی کرد آوری نموده.

مقصوداو آن بوده که سرطویله گاخ از کاخپاپ که درایتالیا مشهور بوده بهتر است در میهمانی دیگر که گروهی از اشراف دعوت شده بودند تمام بشقابها و کاره و چنگالها از طلای ناب بوده و پس از خوردن غذا همه آنها را از پنجره در رود تیبر که از کنار باغ میگذشته می ریزند اما بعد معلوم شد که توری در درون رودخانه در آب کشیده بودند که ظرفها کم نشود و آنها را دوباره بدست آورند

در همین کاخ باردیگر میهمانی ازپاپ و دوازده کاردینال بعمل میآبد و با دختری بنام فرانهسکا اورداسکا که او را دزدیده بود و درکاخ نگهداری میکرد عروسی میکند.

درسال ۱۵۲۰ کلودیو آگوستینو بدرود زندگی میگوید ودرسال۱۵۷۲ خانه را بازماندگان او به کاردینال فار نزینامی فروشند و این شخص همان کسی است که دختر او ملکه اسپانیا میشود در سال ۱۸۲۰ کاخ راسفیر اسپانیا در رمخریداری میکند و در سال ۱۹۲۸ میلادی آنرا دولت خریداری میکندواز سال ۱۹۲۸ مقرفرهنگستان علوم ایتالیامیشود و بنام کاخ فار نزینامعروف میشود.

نقاشیهای سقف تالارهای این کاخ کارراماثل و همکاران و شاکردان او ستودر این کاخ کالیله مدتی به جستارهای علمی پرداخته است و اکنون نیز شهرت هنری دارد.

روز سيزده

در میان روزهایی که کنگره تشکیل بود صبحروزسیزده فروردین هیأت ایرانی روی یك رسم کهن دسته جمعی به خارج شهر رفته و دره ۶ کیلومتری رم به کاستل گافدولفو که جای باصفائی استو کنار دریاچه نمی (Nemi) رفته و ناهار را در آنجا خوردند و سه بعد از ظهر به رم بر گشته در جلسات کنگره تاساعت هفت بعد از ظهر شرکت کردند.

آخرین جلسه کنگسره جهانی ایسران شناسان بامداد روز شسانزده. فروردینماه بریاست آقای شجاعالدین شفا ریاست هیئت نمایندگان ایرانی ب بیل شد و با سخنرانی پروفسور ویدن گرن سوئدی در باره مستعمرات بنیان که ازروی نقشه نشان داده میشد و یاد ایران شناسانی که از نخستین کره تاتشکیل کنگره دویم در گذشته اند و با حترام آنان یکد قیقه سکوت شد ابان یافت .

بازدید از پرستشگاههای مهردر بندر استیا

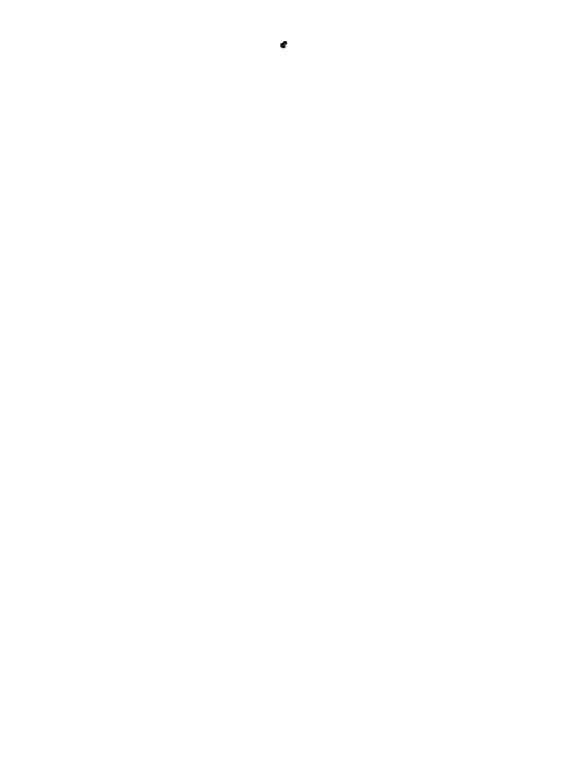
در آخرین روزپس از پایان جلسات کنگره اعضای هیأتها دسته جمعی به بدر قدیمی اوستیا که شهر بازرگانی و کهنسالی بوده و بندر روم قدیم بود. برای دیدن پرستشگاههای مهروخرا به های آن و موزه رفتند.

این خرابه ها از سده اول میلادی بوده و در آنجا پرستشگاه بزرك مهر با تندیس بزرگمهر که گاوی رامی کشدو حربه ای (خنجر سنگی) در دست دارد و چند پرستشگاه کوچك در خانه های شهر پیدا شد .

این پرستشگاه یکی از صدها پرستشگاه مهراست که در ایتالیا و اروپا از انگلستان تافسرانسه و آلمان ورومانی و کشورهای بالکان وشمال افریقا وخاور نزدیك پیدا شده و نماینده نفوذ دین و تمدن ایران درجهان قدیم بیش از بیدایش مسیحیت در اروپاست .

گذشته از مهرابهای که درموزه استیا بخشی از آن با جایگاه مهر پیدا شده تندیس بزرا مهر که از سنك سپیدتراشیده شده یافت کردیده که گاوی را برزمین افکنده وزانوبرپشتآن زده وباحربهای اورا میکشد که درنهایت مهارت وزیبائی ساخته شده است.

تندیس بزرك دیگری از تراژان امپراتور رم (۱۱۷-۹۳) میلادی از سنك بید تراشیده یافت شده که روی سینه آن دردوجانب نقش مهر با گاوهمانند آن تندیسی که درموزه واتیکان نگهداری شده کنده شده است زیرا بسیاری "زامپراتوران روم مانند نرون دیو کلیسین ، کمد، کاراکالا، ژولین، اورلیان ، گوردیان وغیره مهر پرست بوده و نشانه نفوذ دین و تمدن ایرانی در روم و اروپای قدیم است.







تالار بزرگ کاخ فارنزینا که یکی از کاخهای تاریخی وبنام رم است و دومین کنگره ایرانشناسان دراین کاخ برپا کردید



مدیس بزرگ مهر از سنگ سبید که گاوی را برزمین افکنده وزانو بر سنآن نهاده وحربهای دردست دارد (حربه شکسته است) بیداشده درخرابه عای استیا از سدهٔ یکم میلادی

در بارهٔ مهرها ، توقیع ها و طفراهای بادشاهان ایران

محقق محترم آقای محمد مشیری شرحی فاضلانه در بارهٔ مقالهٔ دمهرها، توقیعها وطغراهای پادشاهان ایران، که درشماره های ۲و۳وع سال چهارم بچاپ رسیده بود مرقوم و ارسال ذاشته اند کسه باسپاسگزاری فراوان بدرج آن مبادرت می شود ولی چون پاره ای از مطالب آقای مشیری خود احتیاج بسه توضیحاتی دارد که بناچار بایدگفته شود ماهریك از آن توضیحات رادرجای خود ویای صفحات اضافه کرده ایم:

بررس وی تاریخی

مدير محترم مجلة بررسيهاي تاريخي

از مندرجات مقاله های مفید به مهرها ، طغراها و توقیع های پادشاهان ایران، مندرج در شماره های ۲و۳و۶ آن مجلهٔ گرامی (سال چهارم) محظوظ گردید، واستفاده بسیار نمودم ، نکات مختصری بنظر رسید که تصور میکنم برای تکمیل فایدهٔ علاقهمندان و محققین مفید باشد ذیلا باستحضار میرسانم تادر صورت موافقت امر به درج آن فرمایند.

در صفحه ۲۲شمارهٔ چهارم آن مجله ، طغراها نی از فرمان های نادر شاه آورده شده که خوشبختانه عکس آنها نیز درج شده است واینك علاوه بر آن طغراها، سه طغرادر فرامین نادری دیده شده که نادر میرزا در تاریخ دار السلطنهٔ تبریز (صفحات ۲۷۸ و ۲۷۸ چنین ذکر گردیده است؛

١- أعوذبالة، فرمانعالي شد

٢- اعوذبه تعالى، فرمان عالىشد

وزن ناقصاست شعرنیز معنی درستی ندارد واگر در متن شکل دقت شود. خواهیم دید که دربالای آنهه که « توجه» خواندهاند بایست دونقطه علامت حرفت وجود داشته باشد و کلمهٔ امام باید دارای الفدر اول کلمه باشد که مهر فاقد آنها است ولی بین کلمهٔ علی و حسن یك حرف الف وجود دارد که احسن خوانده می شود.

ولی در نظریهٔ جنابمالی یك اشتباه قطعی وجود داردو آن این است که مرقوم فرموده اید (مراد از فتح علی هم فتحعلیشاه می باشد . در حالیکه باید بدانیم وجعفر قلیخان برادر آقامحمد خان قبل از مرگ آقا محمد خان قاجار و به تخت نشستن فتحملیشاه بشر حزیر کشته شد ، و ب

«.... آقامحمدخانمادر جعفرقلیخان راراهی کرد کهبهمازندران رفته ،
فرزندش را آرام کند و حکومت اصفهان را باهرچه اورا دوبار «برسر محبت
واعتماد سابق آرد به وی وعده کندو گفت آنچه من می خواهم این است ، همینطور
که به اصفهان میرود مسرا بسه بیند تا بسر من یقین شود که برادرم گذشته را
فراموش کرده است ، مختصر آنکه جعفر قلیخان بعد از آنکه به ایمان مغلظه
سلامت خود را یقین کرد و به او وعده کردند که یکشب بیشتر در طهران
نخواهدماند وروز دیگر به جانب حکومت خود خواهد رفت ، راخی شدو چون
به طهران رسید ، با اظهار بشاشتی تمام اورا ملاقات کسرده ، شب به آرامی
گذشت ، روز دیگر بعد از آنکه آقامحمد خان دستورالعمل به اینکه باید
بدهد داد ، گفت گویا هنوز عمارتیکه تازه ساخته ام ندیده ای ، بابا خان
بدهد داد ، گفت گویا هنوز عمارتیکه تازه ساخته ام ندیده ای ، بابا خان
جعفر قلی خان رفت که عمارت را به بیند ، هنوز پادر کریاس در نگذاشته بود
که چند نفر که بجهت همین کار در آنجامخفی و منتظر بودند بروی حمله برده
اوراکشتند، دایرة المعارف فارسی مصاحب و جلد دوم تاریخ سایکس .

ملکم ، در جلد دوم تاریخ ایر اندرد کر سلطنت آقا محمد خان قاجار ص ۱۰۲ می نویسد : و ... آقامحمدخان ، باباخان را که درآن موقع ۱۳ساله بود از اراده خود مستحضر ساخته به او گفته بود که چون به مکان معین رسیدند ، بدحالی را بهانه کرده عقب به ایسته در هر صورت چون نعش را نزد آقا محمد خان بردند ، غایت جزغ و فزع اظهار کرده باباخان را خواست ، او همیشه فتحملی شاه را به این نام می خواند ، چون داخر شد نعش برادر را به او نمود و بعد از آنکه دشنام بسیاری به او داد ، گفت بهترین برادران و شجاع ترین مردمان را بجهت تو کشتم ، اگر او زنده می ماند ، هر گز نمی گذاشت تاج بر سر توقر ار کبرد و جنگ باعث خرابی ایران می شد، بسبب این ملاحظات حقوق خدمت او را به عقوق مبدل نموده ،خود را در نزد خدا و خلق شر منده و گذاهدار ساختم ...

بنا به مراتب فوق هنظور از فتحعلی نمیتواند فتحعلیشاه باشد و بنظر بنده فتحعلی همان فتحعلیخان قاجار جد آقامحمدخان که به توطئه نادر توسطشاه طهماسب ثانی به قتل رسید می بادد و سجع مهر این معنی را می دهد :

دمن که ازاولادفتهلیخان هستم که از بیت شرمم و این نام به من سزاواراست، در صفحه ۳۲ مهر ج مصراعاول و دوم جابجا شده و صحیح این است : گرفت خاتم شاهی زقدرت ازلی قرار در کفشاه زمانه فتحملی معمول و مرسوم بود نام سلاطین معمولاً در بالای سطور نوشته شود °

در صفحه ۹۴ مهر سرگاغه چ ، بطوریکه در شکسل ۱۱۵ نیز بخوبی دیده می شود بشرحزیراست : (ولیمهد دولتعلیه ایران) در متن کلمه (علیه) ازقلم افتاده است .

این بودنظریه بنده که مختصراً بعرض رسید از جسارت پوزش خواسته و توفیق جنابعالی را خواهانم .

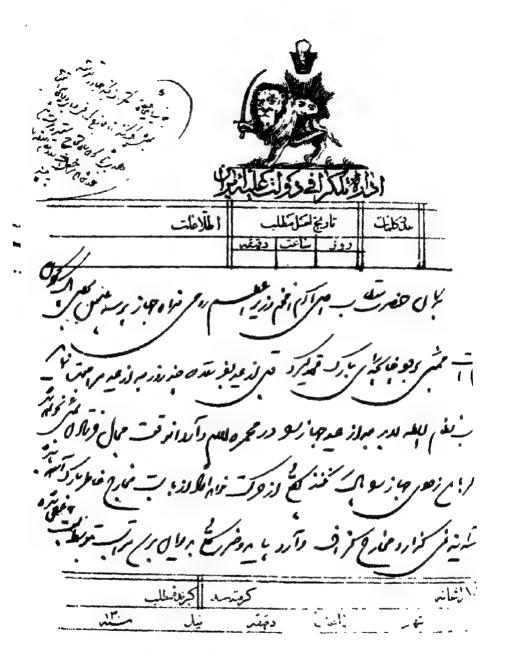
۵ این نکته که نام سلاطین را درمهرها دربالای سطور مینوشته اند ناعده ای کلی نبوده وعمومیت نداشته است چنانکه درمهرهای نادرشاه (شکل ۵۷ مقالهٔ مهرها) دشاهرخ (شکل ۲۳) مظفر الدینشاه (شکل ۹۰) و سلطان احمد شاه (شکل ۱۲۱) نام این پادشاهان درسطر دومسراع مهرهانقل شده است بنابر این درجایجا کردن دومسراع مهر نتعملی شاه هم الزامی بنظر نمی دسد.

قبل از عید بفرستد که چند روز بعد از عید مراجعت نماید جناب نظام السادانه لابد بعد از عیدجه ازرا در محمره لازم دارد آنوقت مجال فرستان بمبئی نخواهد شد اگرباین زودی جه از راپاله نکنند بکلی از حرکت خواهد افتاد ازباب مخارج خاطر مبارل آسوده باشد سنه آتیه نمی گذارد مخارج گزاف وارد بیاید و ضرر کلی بدیوان برسد مراتب به توسط پست عرش شده د دستوریکه در حاشیه نوشته شده از ناصر الدین شاه است ولی بخط یکی از منشیان دربار ظاهر آامین الملك می باشد دستور چئین است : جناب امین السلطان تلکر اف کنید جه از را بفرستند بمبئی پاله کنند اما مخارج گزافی برای دیوان بیدا نشود و طوری باشد که دوسال محتاج به تعمیر و مرمت نباشد خودش م مرخص است برود نظام السلطنه را به بیند .

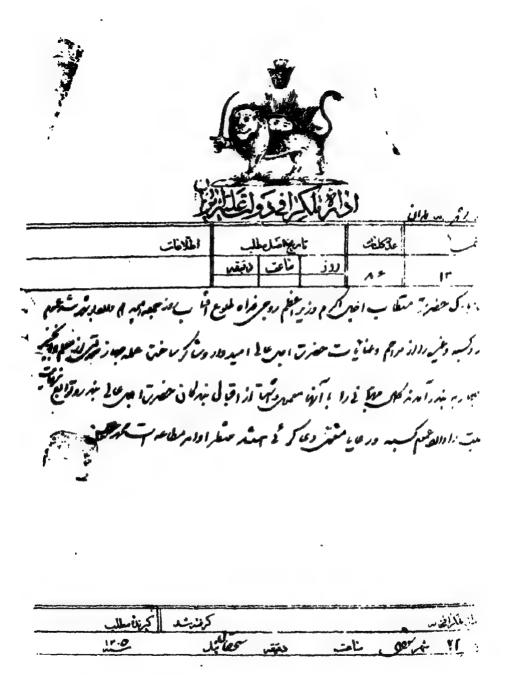
از بوشهر بهطهران

حضور مبارك حضرت مستطاب اجل اكرم وزير اعظم روحى فداه روز جمعه هجدهم وارد بوشهر شدم عموم تجار و كسبه و غيره را از مراحم و عنايات حضرت اجل عالى اميدوار و شاكر ساخت عملهٔ جهاز دولتى ازمعلمو انجينر ازجهاز بهبندر آمدند كمال مهربائى را باآئها معمول داشت از اقبال بندگان حضرت اجل عالى بندر و توابع نهايت امنيت را دارد عموم كسبه و رعايا مشغول دعا كوئى هستند منتظر اوامر مطاعه است محمد حسن. (مهرتلگرافخانه) بتاريخ ۲۲ شهر شوال سيچقان ئيل سنه ١٣٠٥

... بعمل آمده و ازاکثر معلمین بزرگ فرنگستان در علم دریا و حرکت جهاز تصدیق در دست دارد و انشاه الله تعالی امیدوار است جهاز و اجزاء جهاز را از بوشهر بدون نقس روانه بکند که درانظار تمام اهالی اول متحابه جلوه بنماید محمد حسن (مهر تلکر فخانه) بتاریخ ۲۵شهر ربیع الثانی سنه ۲۳۰۶ بطور یکه ملاحظه میشود متن نامه های تلکرافی اولوسوم ناقس است یعنی اولی از آخر وسومی از اول. تلکرافه از محمد حسن خان ملقب به سعد الملك برادر نظام السلطنه والی خوزستان است که در اینموقع حاکم بوشهر و بنادر بوده است.









Contraction of the Contraction o		كيزيانه لملب	كينتيشد			ل بلكرانياس
I	جربيل	نیل	دفغر	ناعت	400	<u></u>

تذ کار

در شمارهٔ پیش در معرفی دو کتاب د پنج گفتار ، و د قبالجات فارسی منسداران، اشتباهی رخ داده بود و مجلهٔ بررسیهای تاریخی با ابراز تأسف ازاین پیش آمد ، ازخوانندگان گرامی خواهشمنداست بشر حزیر آن اشتباهات را تصحیح فرمایند.

کتاب «پنج گفتار» ازانتشارات دانشگاه پهلوی است، نه دانشگاه تهران کتاب قبار منستان شوروی است، نه ایران کتاب قبار منستان شوروی است، نه ایران

公益公

کتابهای تازه

دانشگاه پهلوی با آنکه مؤسسه جوانیست و بالنتیجه انتظار فعالیتهای انشاراتی زیادی از آن نمیرود معهذا در این مسدت کوتاه کتابهای مغید و ارزشمندی در رشته های مختلف عرضه داشته است که مادر اینجافقط بمعرفی جنداثر تاریخی وادبی و اجتماعی آن میپردازیم :

(1)

. م کفتار درزمینه ادب وتاریخ ایران

قطع وزیری ـ ۱۳۳ صفحه . بدون فهرست اعسلام ، شامل سه گفتار از استادان دانشگاه یهلوی :

ازد کتراسداله خاوری ازد کتر نورانی و سال ازد کترابوالحس دهه ۱ - نفوذ تصوف درا دب فارسی

۲ - سخنی در بارهٔ شعر معاصر

٣ ـ مبانى تارىخى حقوق ايران در شطالعرب

(Y)

هایتختهای شاهناهان هخامنهی (شوش هکمتانه متختجمشید) از علی سامی استاد دانشگاه بهلوی

قطعوزيرى - ٤٦٤ صفحه + ٤٤ بافهرست اعلام

(7)

پزشکان نامی فارس ـ تا لیف د کتر محمد تقی مور استاد دانشگاه بهلوی قطع وزیری ـ ۲۱۶ صفحه + ۳۲ ـ بافهرست اعلام

(8)

تمدنهای پیش از تاریخ - تا لیف د کتر حسن خوب نظر قطع خشتی - ۲۷۷ صفحه - ۲۲۳ بافهرست اعلام مجار بررسی نای ماریخی

مذیرمنول دسردبیر سرنبهک دکترجهانمجیروانم متعامی

ديرداخلي . متوان كي محيد ومرام

مجلهٔ تاریخ و تحقیقات ایران شناسی ـ نشریهٔ ستاد بزرگ ارتشتاران (کمیتهٔ تاریخ)

جای اداره : تهران ـ میدان ارک ساختمان ادارهٔ روابط عمومی ستاد بزرگ ارتشتاران نشانی بستی : « تهران ۲۰۰ »

تلفن ۲۲٤۲۲

برای نظامیان و دانشجویان ۳۰ ریال برای غیرنظامیان ۲۰ ریال

بهای هرشمارهٔ مجله

یرای نظامیانودانشجویان ۱۸۰ ریال برای غیرنظامیان ۳۹۰ ریال

بهای اشتراک سالانه ۲ شیماره در ایران

بهای اشتراك درخارج ازكشور: ٦ دلار

برای اشتراك : وجه اشتراك را به حساب ۷۱٤ بانك مركزی با ذكر جمله دبابت اشتراك مجلهٔ بررسی های تاریخی، پرداخت ورسید را با نشانی كامل خود به دفتر مجله ارسال فرمائید .

اقتباس بدون ذكر منبع ممنوع است

چانياندارش شاهنشايي ايران

Barrasihaye Tarikhi

REVUE DES ÉTUDES HISTORIQUES

PAR

ETAT - MAJOR DE COMMANDEMENT SUPRÈME

(SERVICE HISTORIQUE)

DIRECTEUR ET RÉDACTEUR:

COLONEL DR. DJAHANGUIR GHAIMMAGHAMI

ADRESSE:

IRAN

TÉHÉRAN - ARMÉE 200

ABONNEMENT: 6 DOLLARS POUR 6 NO S.

غلطنامه ه

غواهشمنه است لنزشهاي زيروا تصحيح قرماليد :

فادرست	درست	منطو	منع
وضع	ودنع	11	٦
محقة فشا	مستقان إقشا	•	Y
ديمما	ديلمما	YP	Y
فقش داشته قهر مان	نقش داشته باشد	•	١.
مهر مجلس	این مهرها قهرمان مجلس	1	١.
اوست بعنى	ويسشى	٣	10
متعبرف	معترف	17	17
یرای جنائی	یرای دیوان جنائی	12	17
درناحیه شاهپور	درناحيه كندى هامپور	1	۲.
نويسنده اطبح	قويستده اطلاع دادد	17	٧.
وديكرى المسانهاي	وديكرى حيوائي السانهاي	11	74

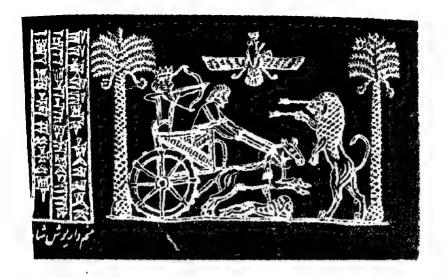
شرند شاه بررک رسمت اران کیمتر آینج

Barrasihâ-ye Târikhi Historical Studies of Iran

Historical Studies of Iran
Published by
Supreme Commanders' Staff
Tehran - Iran



عانيا فارش شابنت اي



بررسهای مارنجی

WENT THE CHARLES TO SERVE OF STREET OF STREET

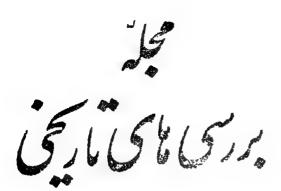
خوداد - تي

(شیارهٔ مسا

سال پنجم

شمارة م





حرفاه ساسر ۱۳۶۹ درمن ساروده ۱۹۷۰

المال ۱۹۹۸ کار ۱۹۹۵ مهران المال ۲۹

1. Tal Tale 11. 11. 11. 11. 11. 神地道自動物的資本 the first of the self will be a finished كرووية للمنظمة المنافية المادوية المنافرة أبيني في تشافي ورايع

TABLE DES MATIÈRES

	Première Partie	Page
Mochiri (Mohammad)	: Présentation quelques monnaies de l'epoque des Kadjars.	1- 12
Hakemi (Ali)	: D'où venait l'eau de Persépolis à l'epoque de l'Achéménides.	13- 20
Mohammadi (Mohammad)	: Le Shah-namé de Ferdowsi et les Tadj-namés des Sassanides.	21- 34
Kordovani (Mahmoud)	: Zigourates de Tchegha-Zinbil.	35- 56
Azari (Alaeddine)	: Les relations des Ilkhanans mongols avec la Cour du Vati- can (Suite).	57-102
Yektal (Madjid)	: L'histoire du jeu d'Echécs (Suite).	103-122
Echraghi (Ehsannollah)	: Un rapport sur l'armée de l'- Iran à l'epoque des Kadjars.	123-134
Afchar (Iradj)	: Soixante-huit documents inédits sur les evenements de Hérat.	135-180
Ghaemmaghami (Colonel Dj.)	: Une recherche sur la fonction et les devoirs de Monchiolma- malek.	181-208
Kechmiri (Capitaine M.)	: Quelques lettres de Mirza Agha-	101-200
	Khan Kermani (Suite).	209-252
Rezvani (Mohammad Esmail)	: Les proclamations et les an- nonces de l'epoque des Kadjars.	253-292
Ghaemmaghami (Colonel Dj.)	: Les pieces annexées sur les proclamations et les annonces de l'epoque des Kadjars.	293-304
	Deuxième Partie	305-306
		207 210
	Les nouveaux livres.	307- 310

بغران مطاع المحضرت ايون شامثا واريامهرزرك رساران اركان مراه محله ررمني ي ارخي شرح ريرسباند

الف ببیت زمیه اتحاری:

سه خاك قائ كرعليقى الياني . يُعرف الشكا وتنحسب ن،

تياربينداردانكسينعي تياراتسندفردون ، رمین و زرک ارش ران ،

ه وزیرخیات ۱

ب بینت میره ،

عِانتُين بِمِي سَاه برركن ُ اسْاً ران ع معاون بم البنك كفند وتباد برك رشأ ران رمٰ دار محنر وارشاه برک رشت ران تيها ربهند فلامرضا أراري تيبارسسيه بناعي كرملو تيبا دمرتنكرحيين بمخار بامدار

پ بین تحررینه

اتباد تاریخ در دانگاه تهران رمم کروه تایخ در دانگهٔ ه ادبیات مران ابتاد بالتانشيناسي مرسسول مردسرمخدر رسائ بمي

ر ا قای دکترغانیا باسیانی آ قای دکترعاس زریا خی بی ا ما ی سدخدتقی مصطفوی سربنك كرمانخيرة الممتعامي

معرفی مع

تقلم

مخدشيري

۱ - در شماره اولسال جهارم مجله بررسیهای تاریخی ، مقاله محققانه و ممتعی در باره ، تطور شیر و خورشید (۱۹۰۰) در جشده بود که محتوی پژوهش جدید و کاملی در این مورد بود . ضمن تحقیق در سکههای زمان سلطنت تردیده بود که یکی از آنها مورد بحث مااست و آن سکه ای است بحث مااست و آن سکه ای است بررگشده آن را درزیرمیآوریم بررگشده آن را درزیرمیآوریم (شکل شمارهٔ ۱)

بطوریکه در عکس مشاهده میشود در روی سکه عبارت (السلطان بن السلطان فتحعلی شاه فاجار) و در پشت آن و تصویریك

۱ _ اینمقالهازکتاب دسکه های طلای ابران از شاه اسمعیل تاامروزه تالیف نویسندهٔ مقاله که هنوز بچاپ ترسیده خلامه هده است

.. (1)

. . . 014

شیرویك اسب دیده می شود كه روی دوپا بلند شده و دستهای خود را روی لوحه ای كه در میان آن نیز نقش شیرو خورشید نشسته تصویر شده است نها ده اند در زیر نویس همان صفحه اشاره به مقاله آقای یحیی ذکاء که در شماره ۲۱ هنرو مردم درج شده است نظر به آقای ذکاء در بارهٔ ضرب سکه در انگلستان کاملا صحیح است آقای ذکاء در آن مقالات که بعد ا بصورت کتابی بنام (تساریخیهٔ تغییرات و تحولات در فش وعلامت دولت ایران از آغاز سدهٔ سیز دهم هجری تا امروز) از طرف و زارت فرهنگ و هنر منتشر شده نظری تی ابراز داشته اند که حاکی از فرط علاقمندی ایشان به شعایر ملی و مذهبی است ولی متأسفانه فقط نظریه شخصی ایشان است که احساسات عالیه خود را در موضوع دخالت داده و مبنای تحقیقی و علمی آن شعیف است . زیرا ابن سکه ها از طرف دولت ایران ما در جریان داده سفارش داده نشده است و پس از رسیدن به ایران هم در جریان داده ستدود سترس مردم نبوده است .

این سکه ها جزوهدایائی است که دولت انگلیس بوسیله سر گور اوز ای به در بار ایران فرستاده بود و بعنوان و دست لاف بین وزرا و امرا و در باریان پخش شده و هیچگونه ارزش پولی نداشته است واینکه مرقوم داشته اند .

ه از قرائن چنین پیداست که سکه های جدیدپس ازرسیدن به ایران بعلت ضرب آرم نوظهور خارجی برروی آنها بخصوص با آن اژدهای ناما نوسش که به چشم ایرانیان آن زمان سخت بیگانه می نموده در طرز کتابت عبارت (اسداله الغالب) که کلمهٔ دالله آن از نظر ابرانیان مسلمان درجای بسیار نامناسب افتاده است - ذوب گردیده ، اثری از آنها در ایران باقی نمانده است ، باتوجه به شکل ۲ ملاحظه می شود که نه تنها این سکه مردود شناخته نشده با که بسیار مورد توجه قرار گرفت و در بار ایران از روی آن سکهٔ طلائی نیز شرب کرده اند (سکه مورد بحث بالا، شکل ۱ از نقره بوده است) و از روی همان نقش و سرسکه آرم انگلستان باتر کیب و الحاق شیر و خورشید ایران و جمله (اسداله الغالب) در ایران از طلای نسبتاً خالص که بار بسیار کم دارد ضرب خورده

ردرروی سکه عبارت دفتحعلی شه خسرو کشورستان، با خط نستعلیق بسیار ربا نقس شده که دوایرو کنگره هاواسلیمیهای خوش نقش و جالب ، زیبائی آن را چند برابر کرده است .

سکهٔ نقره ضرب انگلستان درموزه بریتانیا British Museumموجودو نوبسنده کاتالوگ آن موزه R. s. poole (که کتابی نیز بنام :

The Coins of the Shahs of persia

دارد و به سال ۱۸۸۷ در لندن به طبع رسیده کسه حاوی تحقیقات جامعی دربارهٔ سکه های دوران صغویسه وزندیه و قساجار است) به شماره ۱۹۶۳ آن را ثبت کرده است و رابینودر کتاب خود تصویر آن رادر ۲۲ PL ۲۲ به شماره ۱۹۳۰ آورده است و بطوریکه گفته شد این سکه نقره استاماسکه ای که ما دربالااز آن بحث کردیم ، درایران ضرب شده و از طلا است و تاکنون فقط بکی از آن دیده شده و اکنون شاید منحصر به همین یکی باشد و بهمین علت در هیچ منبع و کاتالو گخارجی دیده نشده و ذکری از آن نرفته است خوشبختانه زینت بخش کلکسیون سکه های موزه ایران باستان است و به کوشش خانم ملکزاده بیانی موزه دار موزه ایران باستان از مبادله با آقای عزیز بیگلو بدست آمده و بشماره ۲۷۷ موزه ثبت شده و ۱۹۶۵ کرم و زن دارد .

۲ ـ سکهای طلای از فتحمیشاه است که تا کنون در هیچ منبع و کاتالو گ نیامده و تاتاریخ امروز نظیر و دومی آن دیده نشده است این سکه نیز خوشبختانه در موز قایر آن باستان به شماره ۲۷۷ شبط و از سکه هائی است که از موز ه گلستان در یافت شده است و در این سکه عکس تمام قد فتحملیشاه در روی آن نقش شده و با مطالعه و بر رسی آن شکل لباس سلطان و قت که تاج کیانی را بر سردار د و باز و بندهای الماس در دوباز و و خنجر بر کمر و یك عصادر دست دارد که سرعصا به شکل کبو تری است (این عکس در نقاشی های کلکسیون ایمری نیز بید موجود است) کفشهای پاشنه بلند که بپای شاه است جالب میباشد . در طرف چپ عکس شاه یك شاخه بابرگاز در ختمو دیده می شود که در سکه محمد

شاه نیز بعداً میبینیم (معلومنیست این توجه به درخت مووانگور معنی خاد داشته یابر حسب تصادف در سکه ها آمده است و فقط برای زینت بوده اسر از مطالعه پشت سکه معلوم می شود که در زنجان ضرب خور ده است (ضرب دار العباد زنجان) و فاقد تاریخ است. در هر حال از سکه های بسیار جالب و ممت و کمیاب است.

۳ یك سكه بسیار قشنگ وزیبا که خوشبختانه سالموخوب مانده است از حسینمای میرزافر مانفر ماست که در شكل ع دیده میشود. این سكه از طلا و ۱۹۶ گرموزن دارد و در موزهٔ ایران باستان بشماره ۲۷۸ تبت است تاریخ ضرب این سكه ۱۲۵۰ و محل ضرب شیراز است. حسینملی میسرزا فرمانفر ما فرزند پنجم فتحملیشاه متولد ۱۲۰۳ قمری و عموی محمد شاه بوده و از سال ۱۲۱۹ قمری به فرمانفر مائی و حکومت فارس منصوب گردید و مدت ۳ سال متوالی بن نهایت اصدار در فارس و فلمرو آن فرمانفر مائی کرد و پس از فوت فتحملیشاه بهایت اصدار در فارس و فلمرو آن فرمانفر مائی کرد و پس از فوت فتحملیشاه و برای تصرف اصفهان از شیراز تاج برسر گذارد و خودراحسینملی شاه خواند و برای تصرف اصفهان از شیراز لشکر بیرون فرستاد و لی قشون محمد شاه در و برای تمرف اصفهان و شیراز لشکر وی راشکست داد و اور ادر شیر از دستگیر کرده و روانه تهران نمودند و در طهران در برج نوش نزدیك به ارك ساطنتی زندانی نمودند و سهماه بعد ببیماری و با که در طهران شیوع داشت در نهایت عسرت و بد بخنی جان داد. این سکه بسیار نایاب است و دومی آن دیده نشده است. این بد بخنی جان داد. این سکه بسیار نایاب است و دومی آن دیده نشده است. این

خ ـ تصویر شماره ویك سكهٔ طلا از محمد شاه قاجار است که بشماره ۲۷۸
 درموزه ایران باستان ضبط است و و ۱۶ گرم وزن دارد و ازموزه کلستان بدست آمده است.

بطوریکه از شکل آن پیداست روی سکه نام محمد شاه باشعاری که برای خود انتخاب کرده بود (شاهنشه انبیامحمد) و محل ضرب دارالخلافه طهران و

.ریخ ضرب ۱۲۵۸ (سال نهم سلطنتوی) قیدشده و درپشت آن عکس شیر و حورشید که تاج کیانی دربالا و برگ خرما و زیتون در حاشیه آن است نقش شده است .

از محمدشاه سکههای زیادی دردستاست ولی این سکه بسیار کمونایاب است و در جائی نیز کاتالوگ نشده بطوریکه دیده میشود در حاشیه دور نامشاه خوشههای انگور وبر گمودیده میشود که در سکه فتحعلیشاه نیز بآن اشاره شد ابن سکه بسیار تمیز و خوب هانده و خوب هم شرب خورده است به عکس سایر سکه های محمدشاهی که بادست و چکش ضرب خورده معلوم میگردد که ابن سکه بادستگاه پرسشده و سرسکههای آن نیز بسیار استادانه حکاکی شده اند.

ه ـ سکه دیگری که اینک معرفی می شود از احمد شاه قاجار است که درشکل دیده میشود ذکر این سکه نیز در هیچیك از کاتا لوگها نیامده و تا کنون نظیر دیگری از آن پیدانشده است.

این سکه درموزهٔ ایران باستان به شماره ۸۰۶ ضبط است و جزو کلکسیون مرحوم مسیوریشار بوده که از آقای غفاری خریداری شده و اکنون زینت بخش کلکسیون موزه میباشد.

مشخصات این سکه که آنرا ازسایر سکه های احمد شاه ممتاز میسازد نفش روی سکه است که دارای امتیازات خاصی بشرح زیر می باشد:

برخلاف سایرسکه ها که احمد شاه را با کلاه ماهوت زمان خود نشان می دهد فقط دریك سکه طلا مانند این سکه کلاه پوست بسر گذاشته است کلاه این سکه شاه کلاه پوست بخارا برسردارد و پیچید گی های موی پوست کلاه خوب پیداست و مهم ترازهمه نشان کلاه است که برای اولین بار در تاریخ قاجاریه شان کلاه از دوشیر روبرو که تل کلاه را در دست گرفته و سرپا ایستاده اند شکیل شده است.

بطوریکه درشکل ۳ دیده میشود زمینه سکه ساده است و عکس نیم تنه احمده شاه باکلاه مخصوص در روی سکه است و در پشت سکه در بالا تاج کیانی و زیر آن عبارت السلطان احمدشاه قاجار وزیر آن تاریخ ۱۳۳۲ ودور تاج و نوشته شاخ و برگ تزئینی نقش شده است. ضمناً باید دانست در تمام سکه های احمد شاهی نیم رخ صورت بطرف چپ سکه است فقط در این سکه است که نیم رخ بطرف راست سکه ملاحظه میشود. وزن سکه ۲۷ گرم وقطر آن ۳۱ میلیمتر است .



شکل ۱ ـ عکس رو و شت سکهٔ نقره ضرب انکلسنان که در موزهٔ بریتانیا به شماره ۲۲ه ضبط است





نسکل ۲ _ عکس رو و پشت سکهٔ طلای فتحملیشاه قاجار است که در موزهٔ ایران باستان به شمارهٔ ۳۷۷ ضبط می باشد .







شکل ۳ ـ عکس رو و پشت یك سکه بی نظیر از فتحعلیشاه که به شماره ۲۷۷ در موزه ایران باستان ضبط است





شکل ٤ ـ عکس رو و پشت سکه ای از حسینعلی میرزا فرمانفرما پسر فتحعلیشاه





سكل ٥ ـ يك سكة طلاى كم ياب از محمدشاه قاجار عكس رو و پشت





شكل ٦- عكسرو ويشت يكسكة بي نظير ازاحمدشاه فاجار

بتسلم

مهندس على حاكمي

آب تحت جمشید در زمان هخامنشي إز كجاتأمين ميشدو نگاهی دقیق بهوضع کنونی نخت جمشيد كوياى عظمت و آبادانی دوران گذشته بر ـ افتخار آنست زمانسکه کاخهای باشکوه و بیشمار آن بجلکه مسرودشت سسابه مي افكند بی کمان کاخهای زیر صفه شاهنشاهان هخامنشي را يذيرا مبشدو کاخهای روی سکو مانند آیادانا و سد ستون و تالار مركزي وغيره درمواقعخاصي مورد استفاده قرار میگرفت محلسكو نتفصلي شاهنشاهان در کاخهای زیر سکو بوده که در بستان سرای بزرگی قرار داشت و صفه تخت جمشید بسر آن مسلط مود.

منظ مكنوني ادر مجموعه كسترده هر بيننده را بهتفكر واميدارد كه درزمان گذشته وضع عمومي آن چه بودهاست، داريوش بزرگ بچه منظوري این محل را انتخاب کرده و آب مورد مصرف سا کنین صفه وبستان سرای زد. آن از کجا تأمین میگر دید،

كرچهسالهاموضوعتأمين آب مورد نيازتخت جمشيد درزمان هخامنشي مورد بحث و گفنگو بودهاست ولی اخیر ا براثر مطالعاتی کهبوسیله نگارنده انجام گرفت شابد تاحد زبادی چگونگی این امرروشن گردد وبدین مناسبت نتبجه مطالعات خودرا درابن باره باطلاع علاقمندان ميرساند

بطور بیکه از ظواهر بنا و آثار مکشوقه نمایان است مخت جمشید در زمان هخامنشي از دوقسمت تشكيل ميكر دمد

اول ـ صفه و کاخهای آن

دوم .. بناهای زیرصفه که بوسیله دبوار دومی محصور شده و دوطرف این ديوار به حصاربر جهاى بالاى كوهر حمت مربوط ميكر ديد

سوم . بستان سرای وسیعی که صفه و بناهای مزبور را در بر عرفت .

در حال كنوني ارتفاع صفه تخت جمشيد درهمه جما يكسمان نيست بلندى فسمت شمالي وغربي وجنوب غربي بيش از قسمت شرقي وجنوبي آنست. ولی بسا کمی دقت در وضع عوارض طبیعی زمین معلوم میگردد ارتفاع درهٔ شمالي صفه درزمان هخامنشي بيش ازار تفاع قسمت غربي وبخصوص درة جنوبي آن بوده است اختلاف سطح بناهای روی سفه بمناسبت وضع طبیعی دوه سمكي مجاور كوه رحمت بوجود آمده است ضمنا دردرة جنوبي إرتفاع صفه كمتر بنظر ميرسد درصور تيكه دراين قدمت ارتغاع دبوارصفه ازسطح سخره اولیه کمتر از سابر قسمتها نمیباشد ولی عمق درهٔ جنوبی باعث کردید که ارتفاع سطح سنگ چین این قسمت همسطح دبراردهای غربی و شمالی نباشد البته بانبان ثخت جدشيد هم مايل نبودند كه ارتفاع ديوارهاي جنوبي را همنراز قسمتهمای دیگر بنمایند . چون این اختلاف سطح زیبائی خاصی به

بناهای روی صفه می بخشید در غیر اینصورت علاوه بر بستن فضای نمای اصلی کاخها از دیدو منظر آنها می کاست

امدروزه درهٔ جنوبی تخت جمشید بعلت سیلابهای متمادی و همچنین فاضل آبهائیکه از روی صغه سراز برشده و بدان میریخت از خال انباشته شده است بطوریکه پای قسمتی از دیوارهای صغه جنوبی تا شش متر احتیاج به خاله برداری دارد تابه صخره طبیعی و پایه اصلی دیوار برسد. حالیه فقط پای دیوارهای شمالی وقسمتی از دیوارهای غربی صغه نمایان است که برروی صخره طبیعی قرار دارند.

ولی قسمت جنوبی هنوز از زیر خال خارج نشده است تا بتوان وضع طبیعی واصلی آنرا در دوران هخامنشی معلوم داشت. زمانیکه محل کنونی تخت جمشید برای ساختن چنین بناهای باعظمتی انتخاب شد حتما ازلحاظ موقعبت طبیعی یعنی آب وهوا و موقعیت نظامی مناسب بوده است.

وضع طبیعی صخرهای که دیوارهای صغه برآن استواربود از سمت جنوب بطرف غرب رو بافزایش میگذاشت و به انتهای قسمت شمالی ختم میشد و هر کجا صخره ارتفاع بیشتری داشت بهمان نسبت بلندی سنگ چین نقصان یافته است روی این اصل شیب قسمتی از آبروهای تخت جمشیدهم بطرف درهٔ جنوبی که عمق بیشتری داشته ساخته شده بود در ابتدابر روی این کوه سنگی منفرد و مجز اکاخهای آپادانا و تچروهدش و بنای مدخل تخت جمشید و قسمتی از صد ستون و چند بنای جنب کاخ آپادانا بنیان نهاده شد. بین قسمت غربی صغه و کوه رحمت دره ای قرار داشته است که به درهٔ جنوبی منتهی میگردند و بعد آ در این قسمت ، کاخ صدستون و مجموعه بناهای خزانه ایجاد شد بر سطح این کوه مجز اکه سه سمت آن به است کنه به درهٔ در از تفاعات مختلف قرار دارد . کوه بناها به نسبت اختلاف سطح طبیعی صخره در ارتفاعات مختلف قرار دارد . که بلند ترین قسمت را در زیر کاخهای تچروهدش و آپادانا مشاهده میکنیم .

باتوجهبه مطالب فوق معلوم میگردد که شالوده کلیه دیوارهای سنگچین صفه تختجهشیدبرروی صخردهای همین کوه هجزا گذارده شده است از طرفی چون عمق درهٔ جنوبی زیاد بود شالوده دیوار دراین قسمت از عمق بیشتری شروع گردید کرچه بانیان تخت جمشید میتوانستند ارتفاع صفه جنوبی را همسطح قسمت غربی بسازند ولی همانطوریکه قبلا اشاره رفت این امرباعث جلو گیری از دید کاخهائی میشد که در پشت هم قرار داشتند بدین جهت اختلاف سطح کاخهای روی صفه فقط بمنظوراستفاده از نور بیشتر ودید مناظر جلکه مرودشت و فضای باغ وسیع پای صفه بوجود آمد

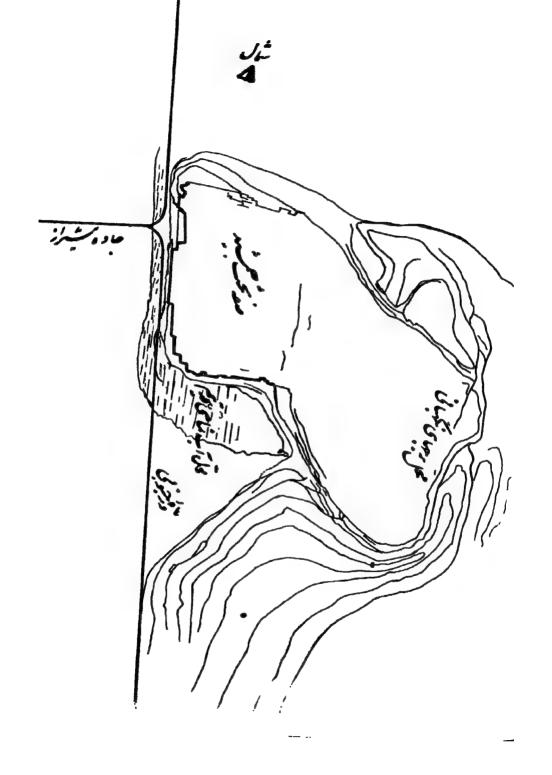
آب تخت جمشیه در زمان مخامنشی از درهٔ جنوبی تأمین میکر دیده : منظر میر سد که از زمانهای بسیار دور این در مدارای آب فراوان بود است همین امر بعد، توجه شاهنشاهان هخامنشي رابسوي خود جلسنمود وبدستور داريوش بزرك بنیاد کاخهای تختجه شبد در این محل گذارده شد. زیر ا دواصل قدیمی اهمیت قسمت حنویی صفه را تأیید میکند یکی وجود کاخهای متعددی است که به فاصله معینی از دیوار صفه در قسمت جنوب و جنوب غربی ساخته شده است دبگر اولین کتیبه داریوش کهبر دیوار جنوبی صفه نقر گردیده. باتوجه بهدو نكتهٔ فوق این نتیجه بدست میآید كه درزمان هخامنشیان درهٔ جنوبی تخت جمشید محل مصفائی بوده و آب آن علاوه برباغ زیرصفه قسمتی از جلکه مرودشت را سیراب میکرد در چند سال فبل نیز در درهٔ مزبور چاهی حفر شده است که عمق آن از ۸متر تجاوز نمینماید و دارای منبع آب فراوانی است که قسمت عمدهٔ آن تا شهر تازه ساز مرودشت روان است. پیدایش این آب زيرزميني دردرة جنوبي مربوط بدوران اخير نبودهبلكه درزمان هخامنشي هم وجود داشته است فقط باید علت کور شدن مجاری آنرا تحقیق و تفحس نمود همانطوريكه قبلاذ كرشد دره جنوبي صفه تخت جمشيد درزمان قديم وضع كنونى را نداشت بلكه اين دره بتدريج بوسيله لايه هاى سيلابى كوه رحمت و خاکهای آوار کاخهای صفهٔ تحت جمشید برشده وبوضع امروزی در

آمده است و نیز با کمی دقت در دیدوار جنوبی صفه، عمق سنگ تر اشیده ، از سطح کنونی در حدود ۲ متر بائین تر است و نیز کف اطاقهای کاخهای بائین سفه اکنون هم سطح زمین یا بائینتر ازآن قرار دارد در سورتیکه کف کلیه آنها نسبت به سطح باغ باید بلندیهای متفاوتی میداشت از طرفی وجود استخرى در منتها اليه بنا هاى جنوبي يائين صفه تخت، وجودآب را دردره مزبور محرز میسازی چون آب استخر مزبور از آب درهٔ جنوبی تأمین میشد برای اینکه ارتفاع آب درهٔ جنوبی در زمان هخامنشی دریای صفه جنوبی معلوم ووضعاوليه درة مزبوراززير خاك نمايان كردد لازماست كلبه خاكهائي که دراثر کاوشهای سالهای گذشته وسیلابهای قرون متوالی دراین دره انباشته شدهاست با وسائل کافی از آنجا خارج کرده و در کشتزارهای مجاور پخش گردد تابدین وسیله بتوان دره مزبوررا از زیر خروارها خاکهای زائد یاك کرد بااینکاراولا عمق اصلی دره جنوبی و دیوارهای صفه دراین قسمتکاملا آشکار میگردد ثانیامنبع اسلیآب دره جنوبی که دربای صفه جمع میشد و بصورت آبگيرطبيعي خودنمائي ميكر دنمايان خواهدشد. زيراچاهي كه اكنون دردرهٔ جنوبسی وجود دارد عمقآن از هشت متر تجاوز نمیکند ضمناً دارای آب دائمی فراوانی است که در هیچ فصلی خشك نمیشود همین اهر باعث امیدواری است که اگر روزی خاکهائی از درهٔ جنوبی خارج شودشکل بناهای زیرصفه و آبنمای آن بصورت اصلی جلوه گرخواهد شد

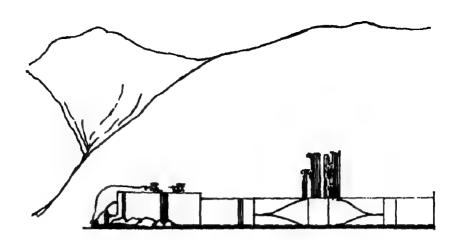
برای تعیین ارتفاع آب زیر صفه میتوان از اختلاف سطح استخر هوجود در سمت چپ درهٔ جنوبی استفاده کرد در نتیجه سطح آب آبگیر پای صفه را معلوم داشت. شیبی که اکنون از صخره های قسمت غربی شروع شده وبه صخره های جنوبی منتهی میگردد شکل آبگیر های صفه را تا حدی مشخص میسازد چون زمینهای دره جنوبی مشرف بهمین آبگیر بود و این گوشه مهمترین قسمت مسکونی را تشکیل می دادبناهای مهمزیر صفه در کنار آن ایجاد شده بود تاساکنین آن بتوانند بسهولت از آب درهٔ مزبور استفاده کنند.

نکته دیگریکهجلب توجهمیکندوجود کتیبه داریوش بزرگ درقسمت جنوبی دیوار صفه میباشد . در آغاز امر بنظر میرسد که کتیبه مسزبور در جای مناسبی نقر نشده است ولی با توجه بمطالب فوق میتوان دریافت که در روز گار آبادانی تختجمشید محل آن در بهترین نقطه قرار داشته است که مشرف بباغ و آبگیر زیر صفه بود و کسی نمیتوانست به آسانی بدان دسترسی یابد مطلب دیگری که اهمیت قسمت جنوبی تختجمشید را محرز میسازد وجود بناهائی نظیر کاخهای روی تخت میباشد که در پائین تکرار شده است .

در پایان جای امیدواریست کهباکاوشهای پی گیر اداره کلباستان شناسی در تختجمشید بتوان روزی وضع قسمت جنوبی تخترا احیانمود چون عمل خاك بر داری در این ناحیه علاوه بر کشف بناهای زیر تختجمشید سبب پیدایش آبگیر زمان هخامنشی و آثار دیگری مربوط به بناهای روی صفه خواهد شد . ضمنا موقعیت بناهای زیر صفه را نسبت به یکدیگر در زمان شاهنشاهان هخامنشی کاملا روشن خواهد کرد . در خاتمه متذکر میگردد که در نقشه های ضمیمه این مقاله حدود فرضی آبنما در در هٔ جنوبی نشان داده شده است و البته پس از کاوش شکل اصلی آن در زمان هخامنشی و قبل از آن بصورت قطعی نمز معلوم خواهد شد .







مَقَالِيةً حياض از سلسلبه استعالي استكه دردومين كَيْكُونُو تَارِيخِ و قرمنك ايران كه در آبانهاه ۱۳٤۸ در تيران الماد شده ، ما الماد شده ، ما ﴿ إِنَّ فَظَنَّ الْمُمْنِينَ مُوسُوعٌ وَارْزَشْ وبيوردي ان باكسب مسوافقت وزارت نسرهنگ و هنر بجاب آن مُوادرت ميكنيم. بدينسب بَجُلهٔ بِسُرِ زِنِينِاي سَارِيخي از بعديات الناس دكتن سادق كيا يناون بعيرم وزارت فرمنك يَسِمَانِهُ مُسْيَامِكُوْ اراست.

شاہنامهٔ فردوسی و باجنامه کامی ساسانی

بعيثهم

مخر مخری

ر , قرد ردین)

شاهنامهٔ فردوسی بنا به عقبدة مشهور وبنا بر آنچه از مقدمه های آن بر می آید ، چه مقدمهٔ قدیم وچهمقدمهٔ جدید. مبتنى است بسر شاهنامــهٔ ابومنصوری که در اواسط قرن چهارم هجری به فرمان ابومنصور بن عبدالرز اق طوسي از نامههای کهنایرانی گردآوری شده است. و مأخذ اصلى شاهنامه إبومنصوريهم كتاب خداينامه، موده است که در اواخر دورهٔ ساسانی تدوین شده و عبارت بودهاز داستانهای ملی و حوادث ماریخی آن از قدیمترینزمانها كممنسوز شكل تاريخي بخود نكرفته بود وداستانها سينهبه سينهنقل ميشدند تادورانيكه

جنبهٔ تاریخی بخودگرفتهووقایع ثبت وضبط میشدهاند . واین کتاب مهمترین مأخذی بوده است که در بارهٔ تاریخ عمومی ایران وبعضی از سرزمینهای تابع آن درزبان بهاوی وادبیات ساسانی وجود داشته است .

کتاب خداینامه پساز غلبهٔ اعراب و انتشار اسلام در ایران از دو طریق مسنقل وجدا از هم به عالم اسلام وایران راه یافت. یکی بوسیلهٔ ترجمهٔ عربی آن که درنیمهٔ اول قرن دوم هجری بعمل آمد و دیگر بوسیلهٔ ترجمهٔ فارسی آن که خیلی پساز این تاریخ واحتمالا در قرن چهارم صورت گرفته است. ترجمهٔ آن در عربی بنام سیرالملوك یا سیرملوك الفرس توانده شد و در فارسی بنام شاهنامه معروف گردید که قبل از فردوسی هم کسان دیگری در صدد جمع یا نظم آن بوده اند و کم و بیش آثاری هم به نشر یا به نظم در این زمینه بوجود آورده اند ولی عظمت شاهنامهٔ فردوسی همهٔ آنها را به دست فراموشی سپرد.

کتاب خداینامه هر چندمهمترین و بزر گترین کتابی بوده که در بار قتاریخ و داستانهای ایرانی در زبان پهلوی و جود داشته ولی در این زمینه مأخذمنحصر بفردنبوده است غیر از خداینامه کتب تاریخی دیگری هم در زبان پهلوی و جود داشته اند که خودسندی مستقل بشمار می رفته اند و مانند بعضی از داستانها و قصه های مستقل که به تدریج به خداینامه یا ترجمه های آن افزوده گشته و جز آن شد داند این کتابها در خدای نامه و اردنشده و همچنان مستقل و جدا باقی مانده اند و علت اینکه در بعضی از کتب عربی قدیم و همچنین در شاهنامهٔ فردوسی مطالبی دیده می شود که در همه یا بعضی از کتب دیگر نیست همین است که هر یك از مؤلفان علاوه بر خداینامه از مأخذ دیگری هم که بدون شک با مآخذ تدیم به اوی ارتباط داشته بی و اسطه یا با و اسطه استفاده کرده اند .

ولی باوجوداین نمی توان گفت که تمام مآخذیکه در ادبیات پهلوی و جود داشته مورداستفاده تاریخ نویسان عربی زبان ویا گرد آورندگان شاهنامه های فارسی قرار گرفته و خارج از آنچه در این کتب مندرج است سند دیگری شامل مطالب دیگری در تاریخ ایران در ادبیات ساسانی و جودنداشته است.

ترجمهٔ نوشته های پهلوی بزبان عربی ازاوائل قرن دوم شروع کردید، اگر ترجمهٔ دیوان عراق را اززبان پهلوی به عربی سرآغاز عصر ترجمه ازاس زبان بدانم باید تاریح آنرابه نیمهٔ دوم قرن اول هجری جلوببریم. بهرحال از نیمهٔ اول قرن دوم و بخصوص در دوران ابن مقفع که در سال ۱۶۲ هجری به قتل رسید کار ترجمه از فارسی به عربی رونقی بسزا یافت و بعدها درزمان مأمون با تأسیس ببت الحامه که هم کنابخانه و همدار الترجمه ای بود و چند تن از ابرانبان فاضل آنجا را اداره می کردند و در آن به کار نقل و ترجمه اشتمال داشتند کار ترجمه از پهلوی هم همچنان رواج داشت بطوری که تناواخر قرن دوم و نبمه های فرن سوم بیشنر کتابهائی که جنبهٔ ادبی و تاریخی داشت و با محمط اسلامی هم ساز گار بود به تشویق و زرای ایرانی به عربی ترجمه گردید.

البنه قسمت عمدهٔ آن ترجمه ها بتدریج بخورد زبان عربی رفت و جزء مؤلفانی گردید که درابن زبان بوجود آمد و کم کماز آنها جزنامی بساقی نماند و شا، داز بسیاری از آنها حتی نامی هم بافی نمانده باشد. ولی با مراجعه به آن نامها و اطلاعاتی که از منابع قدیم عربی و بخصوص از ادبیات دورهٔ عباسی بسدست می آیدمعلوم می شود که در قرنهای نخستین اسلامی عدهٔ نسبتا زیادی از آنار بهلوی به عربی نرجمه شده. خیلی بیش از آنچه معمولا نصور میرو دبوده است اگر همهٔ مآخذ قدیم عربی را با دقت جستجو کمیم و کسانی را که بعنوان مترجم زبان بهلوی به عربی نامی از آنها در این کتابها باقی مانده و یا ترجمهٔ کتابی را از بهلوی بعربی بآنها نسبت داده اند ساگر چه مترجم حرفه ای بشمار نمیر فته اند سحم کنیم شاید عدهٔ آنها از ۳۰ نفر متجاوز گردد. و اگر کتابها و

رسائلی هم که از بهلوی به عربی ترجمه شده وذکری از آنها در مآخذ قدیم

بنی رفته ویا اثری از آنها برجای مانده باتفحص ودقت بررسی کنیم شاید ، رقمی نزدیك به صد یا متجاوز از آن برسیم ۲ .

هرچند برخی از آثار دورهٔ ساسانی بعدها بزبان فارسی هم نقل شده ولی مرکز همهٔ این آثار بدان صورت که به عربی ترجمه گردید به زبان فارسی در نیامد، وجز آثار معدودی از آنها درادبیات فارسی راه نبافت آنهم چندقرن بس از انفضای دولت ساسانی که از آن دوره آثار زیادی در دست نبود و به ابن جهت است که بسیاری از کتب ورسائلی که به عربی ترجمه گردیده و نامی از آنها در مآخذ عربی باقی مانده در مآخذ فارسی و در آثار بازماندهٔ زبان بهلوی باشداخته و نا آشنا است.

از این رو ادبیات عربی در دورهٔ عباسی و بخصوص آن دسته از علوم و آداسی که در آن عصر در ادبیات عرب بوجود آمد وقبل از آن در زبان عربی سابقه مداشت از نظر تحقیق در ادبیات دوره ساسانی دارای اهمیت فراوانی است زیرا با کاوش و تجسس در ادبیات عربی دورهٔ عباسی می توان چهرهٔ ادبی ایران را در دورهٔ ساسانی خیلی روشنتر و باشکو هتر از آنچه امر و زهست جاوه گرساخت

از حمله کتبی که درهمان نیمهٔ اول قرن دوم هجری بوسیله ابن مففع از زبان پهلوی به عربی ترجمه گردید کناب یا کنابهائی بوده است که درمآخد عربی به اسم «کتابالتاج» ذکر شده تا این اسم ترجمه تاجنامه است که در هاوی تاجنامات خوانده می شده است سابقا اهل تحفیق کمان می بردند که کنابالتاج یا تاجنامه عنوان یك کتاب بوده و گرچه استاد فقید کر بستنسن در موردی احتمال داده بود که شاید در ادبیات ساسانی تاجنامه های متعدد

T=2 عنون الأحيار أن فينبه، ح T=0 من T=0.00 و بدلا به و T=0.00 منا موسيع ، المهرين أن ميديم، من وT=0.00 السمادة والأسماد من T=0.00 و T=0.00 و المهرين أن ميديم، من وT=0.00 و المهرين أن ميديم، من والم

وجود داشته ² لیکن این امر از حداحتمال تجاوز نمی کرد ولی امروز ما از این کتابها یابعبارت دیگراز این دسته از کتابها اطلاعات بیشتری داریم امروز ما میدانیم که تاجنامه در ادبیات پهلوی عنوان خاص یك کتاب نبوده بلک مانند بیشتر عناوین آن دوره همچون «اندرزنامه» و «پندنامه» و «آئین نامه، عنوان عمومی کتابهائی بوده است که در موضوع خاصی تألیف میشده.

موضوع تاجنامه هامعمولا چیزهائی بوده که دانستن آنها برای پادشاهان و شاهزادگان و طبقه اشراف مملکت از لحاظ آشنا شدن با رسمو آیین شاهی و مملکت داری و آگاهی برسر گذشت پادشاهان گذشته و سنتهای ایشان ضروری و جز ، فرهنگ مخصوص این طبقه بشمار می رفته و به این جهتهم باعنوان عمومی «تاج» که از مختصات پادشاهان بوده شناخته شده اند . این قبیل کتابها یامشتمل بر تعلیماتی در امور سلطنت و تشریفات در باری بوده و یا متضمن شرح حال و سرگذشت و کارنامهٔ یکی از پادشاهان و سخنان حکیمانه و اندر زهائی که در موضوعهای مختلف از زبان آنها روایت می شده است .

بطورقطع نمیدانیم که درادبیات ساسانی چند کتاب از این نوع وجود داشته ولی از جستجوهائی که تا کنون به عمل آورده ایم نام و نشانی از چهار کتاب از این نوع که بزبان عربی ترجمه شده یافته ایم که چون در جای دیگر و دربارهٔ آنها بطور نفصیل بحث شده در اینجا به تفصیل آن نمی پردازیم. در این که آیافر دوسی یا گرد آورند گان شاهنامهٔ ابو منصوری از این کتابها در این که آیافر دوسی یا گرد آورند گان شاهنامهٔ اواخسر قرن چهارم باقیمانده و در دسترس ایشان بوده است شك و تردید فراوان هست. بلکه باقیمانده و در دسترس ایشان بوده است شك و تردید فراوان هست. بلکه اگر بخواهیم ملاك داوری خود را در این باره آن قسمت از آثار باز هانده از بمنی از این تاجنامه ها و مقایسه آن بامطالب شاهنامه در همان زمینه قرار دهیم باید بگوئیم که گرد آورند گان شاهنامه از این مآخذ بی اطلاع بوده ۱۰۰

٤ ــ ايران دوزمان ساسانيان، ترجعة رشيد ياسمى، س٣٤

٥- دجوع شود بكتاب فكارند، بنام «الترجمة والنقل من الفارسية في الترون الاسلامية الاولى» جلد اول «كتب التاج وآلايين». انتشارات دانشگاه البنان- بيروت ١٩٦٤

نها را دردسترسنداشته اند. ولی برای اینکه این داوری مبتنی برحدس و امان نباشد عجالتاً آنرا محدود به همان قسمتی می کنیم که فرست مقایسه . سنجش مطالب آن با مطالب شاهنامه دست داده و در آن تا حدی بحث و در سی شده است .

بکی از کتابهائی که از نوع همین تاجنامه ها بوسیله ابن مقفع به عربی نرجمه شده کتاب التاج فیسیرة نرجمه شده کتاب التاج فیسیرة انوشروان، یاد شده، یعنی تاجنامه در سیرت انوشروان ، گرچه تا چدی پش بعضی از خاور شناسان بسبب آنکه اثری از چنین کتابی در جائی نیافته بودند و وجود چنین کتابی با گمان آنهادائر بریگانه بودن کتاب تاجنامه مغایرت داشت در وجود چنین کتابی در ادبیات ساسانی تردبد داشتندو عبارت مفی سیرة انوشروان، را الحاقی میشمردند ولی همانطور که گفتیم امروز ما در بار قاین کتاب اطلاعات جامعتری دار بم وحتی قسمتهائی از ترجمهٔ عربی آن را هم در بعضی از مآخذ عربی یافته ایم آن که نه تنها برای فهمنوع مطالب تاجنامه ها بلکه حتی برای روشن ساختن بعضی از حوادث دوران خسروانوشیروان بسیار مفید و جالب است .

کتاب التاج فی سیرة انوشروان شرح حال و کارنامه ای بوده است از خسرو این شروان که انشا کنندهٔ آن خود وی بوده و به اصطلاح امروز یك این شده است. آثاری که توانسته ایم تسا کنون از این کتاب از مآخذ قدیم عربی به دست آوریم شامل چند موضوع از حوادث مهم عصر انوشروان است که علاوه بر آنچه معمولا در تواریخ مستند به خداینامه و منابع دیگر بافت می شود دارای اطلاعات ببشتر و دقیقتری است! ز مقایسهٔ این مطالب با آنچه

۳ نویسندهٔ این مقال درچندسال پیش این قطعات را به فارسی بر کرداند وبامقدمه -فصلی در بارهٔ این تاجنامه در دو شماوه از مجلهٔ الدراسات الادبیهٔ نشریه کرسی فاوسی دانشگاه لینان دوبیروت باعنوان ه کتاب التاج فی سیرهٔ انوشروان، به چاپوسانید و آنچه داین مقال ازاین تاجنامه نقل می شود همه از آن ترجمه است .

•

در شاهنامه فردوسی در تساریخ وقایع زمان انوشروان نقل شده این نتیم بدست می آید که این کتاب در دسترس کرد آورند گان شاهنامه نبوده است. و این اوراق میتوان در روشن ساختن بعضی از نقاط دورهٔ انوشروان که د تواریخ شرقی روشن نیست استفاده نمود. و اینك برای اینکه هم با ایر کتاب بیشتر آشنا شویم وهم مطالب آن رایا شاهنامه بسنجیم چند نمونه ار مطالب آنرا در اینجا ذکرمی کنیم:

۱- برو کوپیوس تاریخ نویس رومی که همزمان انوشروانوژوستینیان قیصر روم بوده وحوادث جنگهای روم وایران را دراین زمان برشته تحربر كشيده خبرى واروربارة سوء قصد نسبت به إنوشر وان نقل ميكند كه ظاهر ادر تاريخ رسمي دور دساساني بعني خداي ناهك هنعكس نشده بو ده است بروكو سوس این سوء قصد را در اثر توطئه بزرگان ایران که ازروش حکومت انوشروان دلکیر و در صدر بوده اند دیگری را ازخاندان قباد به شاهی بنشانند دانسته است. ۱ کرچه ابن نظر برو کرییوس دربارهٔ نسبت دادن سوء قصد بهبزر کان ابران باسبر حوادث درزمان انوشروان هم آهنگ بنظرنميرسد زيرا خسرو انوشروان بیش از هر پادشاه دیگر بافلع و قمع مزد کبان بهبزرگان ابران خدمت کرده وهیچ موجسی برای دلگیری آنان تااین حد که بهنین کار خطیری دست بزنندوجو دنداشته است ولى درهر حال خبر جالسي است كه ازنظر مطالعه دروضع دورهٔ ساسانی قابل مطالعه است. در شاهنامه فردوسی هیچگونه اشارهای به این حادثه وجود ندارد ولی دراوراق بازیافنه از کتاب سیرت انوشروان این حادثه بصورتم بیان شده است که با سیر حوادث دورهٔ انو شروان منطبق تر ودرنظر عقل ومنطق درستتر بنظر مهرسد درابن اوراق این حادثه چنین بيان *شده*^.

ه روزی در هنگاهی که برای گذراندن قابستان به همدان هیرفنم در ۷- تاریخ جشگهای ایران وروم، ترجمه محمد سعیدی س ۱۱۰-۱۱۱ ۸- الدراسات الادبیه، ف^دریه کرسیفارسی داشت امبنان، بیروت، ۱۹۹۲ج ۳ ،س ۳٤۷

رستگر دنشسته بودم، وبرای سفیرانی کهاز سوی خاقان هینالیان و چین وقیصر ويفدور در بار گاهما بو دندطعام گستر ده بو دند، که ناگاه مردی از اسو از آن باشمشیر آخته بدرون آمد وتا نزدیك برده پیش دوبد و برده را درسه جای مدرید ۹ ، میخواست بدانجا که ما نشسته بودیم در آید وبما حمله کند یکی از ملازمان به من اشاره کرد کسه شمشبر برکشم و بهاستقدال اوشتابم ولی من می دانستم که اگر اوتنها بک مرد باشد میان من و اوحالل خواهند شــد و اگر گروهی باشند شمشیر من کاری از پیش نخواهد برد. ترس به خود راه ندادم وازجای نجنبیدم یکی ازنگهبانان اورا گرفت مردی بود از ری از اطر افیان وخاصان خود ما تردیدی نبود که کسان بسیاری همرای اوهستند إزمن خواستند كه درآنجا ننشينم وبزمشراب را درجمع حائسر نشوم تا كنه آن کار آشکارشود. خواست آنان را اجابت نکردم تا سفیران در من بیم و هراسی نبینند وبرای شراب ببرون آمدم، چون از آن کار فراغت یافتم مرد رازی را ببریدن دست و عقوبتهای دیگربیم دادم تا نام کسی که اور ابدینکار برانگیخته براستی بگوید و بهاو اطمینان دادم که اگر راست گوبداز آن یس عقوبتی بدو نرسد، گفت گروهی که از خود کتابها وسخنانی پرداخنه و گفنه اند که از سوی خدا است اور ابدینکاروا داشته و بدو گفته اند که کشتن من او را به بهشت خواهدبرد. چون از این امر جویا شدم آنرا درست یافتم دستور دادم تا مرد رازی را رها کنند و آنچه از مال او گرفنه بودند باوساز یس دهند وبزدن گردن آن کسانیکه دینی بهدروغ آورده و او را بدینکار وا داشته بودند فرمان دادم وازآنها کسی را برجای نگذاردم ،

و چنانکه گذشتازاین واقعه هیچ د کری درشاهنامه نشده و همچنین است واقعه دیگری از دورهٔ انوشروان که در تواریخ غربی منعکس شده ولی در

۹- درمیبالسی که درحضور پادهاشان تشکیل می یافت پردمای پادشاه را ازحسار جدامیکرد وبین مسند شاهی و پرده مذکور ده ذراع پود و بین پرده و معام اعشداء طبقه اول نیز ده ذراع ناصله بود (جاحظ وصعودی) شاهنامه از آن اثری نیست و در سیرت انوشروان تفصیل آن واقعه آمد است و آن موضوع تعقیب و آزار آن دسته از اشراف و نجبای ایرانی است که دیانت زردشتی را ترك نموده و به دین مسیح گرویده بودند به این واقعه بکی از مورخین کلیسای هسیحی بنام J. La Baurt در کتابی کسه بعنوان مسیحیت در امپراطوری ایران درزمان ساسانیان، نوشته ، اشاره کرده و تاریخ آنرا در آغاز جنگ ایران و روم نوشته و واسطه و عامل این کاررا هم هرمز موبدان موبد انوشروان دانسته است ۱. به این واقعد هم درشاهنامه فردوسی و احتمالا در مآخد دیگری که هم از خداینامه استفاده کرده اند اشاره ای نیست ولی در کتاب سیرت انوشروان تفصیل این واقعه به این صورت ذکر شده است

و موبدان موبد بما گزارش کرد که گروهی از اشراف که آنها را نام برده بود در برخی از آنها بردرگاه ما حاضر و بعضی در شهرهای دیگر بودند، دینشان مخالف دبنی است که ما از پیامبر و دانایان خود به ارث برده بودیم . و که آنها در نهان بدین خود سخن می گویند و مردم را به آن می خوانند، و در این امر تباهی مملکت است زیرا با این حال رعیت یکدل نخواهند ماند نا همه آنچه را که شاه در دین خود حرام میشمار د حرام بشمارند و آنچه را که او روا میداند روا بدانند . . من آن پراکنده دلان را خواستم تا با آنها گفتگو و مجادله شود و برحقیقت واقف گردند و آنرا گردن نهند . و فرمودم نا آنها را از شهرو کشور و قلمروفر مانرائی من دور کنند و هرسو به جستجو پردازند نا هر که بر دین آنها است با آنان نیز به همانگونه رفتار شود» ایم است در این باره می نوبسد که شدت جنگ ایران و روم بر آتش تعصبات دینی دامن میزد و شاه اگر چه این آزارها را قبول نداشت لکن محض رعایت سیاست اغماض و تحمل می نمود .

^{10...} J labourt, le Christianisme dans L'empire Perse Sous la lynastie Sassanide. Paris 1504 سية ٧٧ يبعد

١١- الدراسات الادبيه ، ج٣٠ س ٣٠٤

إز وقايع مهم دوران انوشروان مسالة روابط ايران باخزرها درقنقاز و درانه های شمال غربی دریای خزر بود. و دراین قسمت غالباً نواحی شمال مر بي ايران موردتاخت وتازاين قبايل قرار مي گرفت كاهي نيز إزطرف دولت , وم بشتیبانی می شدند . بیش از یکبار انوشروان بهآن حدود لشگر کشید و برخی از قبایل ترك را مطیع ساخت و هردسته از آنها را تحت فرماندهم بکی از سرداران خود در ایالتهای شمالی قرارداد در شاهنامهٔ فردوسی از سفرهای خسرو به قفقار ذکری نشده و بطور کلی سفرهای جنگی انوشروان در شاهنامه قدری درهم است وغالباً در تعیین محل جنر افیائی آن مسامحه ای ديده ميشود. ولي در كتاب سيرت انوشر وان در بار دو صفر جنكي خسر و انوشر وان بقفقاز اطلاعات دقيق ونسبتا مفصلي بدست مي آيد سفر اول چنين بيان شدم ال « ترکهائی که در ناحیه شمال بودند شرحی از تنگدستی و نیازمندی خود به ما نامه کرده و نوشتند اگر چیزی به آنها ندهیم بکشور ماخواهند تاخت آنها چند چیز میخواستند یکی آنکه آنان را در سلك سپاهیان خود درآوریم وبرای آنها وظیفهای مقررداریم که بدان زندگی کنند و ازسرزمین گنجه و بلنجر و آن ناحیه به اندازه ای که بتوانندروزی خود را از آن بدست آورند به آنهاو اگذاریم . من صلاح چنان دیدم که خوددر همان راه تادربند صول بیش روم . میخواستم شاهانی که از طرف مابر آن نواحی گمارده شده اند بدانند کهما چگونه هرزمان اراده کردیمبرای سفر آماده و به اینکار تو انائیم و همچنین میخواستیم که آنها هیبتشاهی و کثرت سپاهی و آمادگی تمام و سلاح کامل ما راکه بدان بر دشمنان خود چیره می کردند بهبینند و نیروی بشتیبان خود را در هنگام نیازمندی بشناسند ونیزمیخواستم که آنها را در این سفر بادادن یاداش و بخشیدن مال و نز دیك ساخنن بخود و باسخنان نرم و ملاطفتآمیز دلخوش دارم، تا این عمل دوستی و کرایش آنها را نسبت بما ببغزاید و آنان را در جنگ بادشمنان ماسر سخت و بایدار ترسازد . وهمچنین

4

میخواستم دژهای آنها را سرکشی کنم و در رهگذر خود از حال و و خراجگزاران جویا شوم

«پسراههمدان و آذر با یجان پیش گرفتمو چون بدر بند صول و شهر فیره.

خسرو رسیدم آن شهرهای کهنه و آن مرزها را تعمیر کردمو بساختن دژه.

دیگری فرمان دادم . چون خبر فرود آمدن مادر آنجا به خاقان خزر رسه.

ترسید که مبادا براو بتازیم به من نامه کرد که از آن هنگام که به پادشاهی رسیده اماوهمواره دوستدار سلح و آرامش بوده و فرمانبرداری مرا برای خود سمادتی میشمارد یکی از سرداران او چون حال اورا بدینگونه یافت صلاح خود را در ترك اودید و با دوهزار تن از کسان خود نزد ماآمد. مااور اپذیرفنه و در نزد سردارانی که در آن ناحیه داشتیم جای دادیم و براو و کسانش معاشی مقرر داشتیم و فرمودیم تا در آنجا دژی به آنان و اگذارند و همچنین فرمین دادیم تادر آنجا نماز خانهای برای همکیشان ما بسازند و موبد و گروهی از مردان دین را در آن بکماردیم و دسنور دادیم که به ترکانی که در اطاعت می در آمده بودند سود فرمانبری از فرمانروایان رابیاموزند. و آنها رابه دوستی و راستی و داد گری و پند آموزی و پابداری در برابر دشمن بر انگیز ند و دین و عقیده مراستی و داد گری و پند آموزی و پابداری در برابر دشمن بر انگیز ند و دین و عقیده مرا با نوخاسنگان آنها یاددهند، و در آن مرزها برای آنها بازارهائی بها داشتم و راههای آنهارا اسلاح کر دم و منزلگاهها بساختم ،

سفر دوم خسروانوشروان که درسال سیوهفت ازسلطنت آن پادشاه اتفاق افتاد در کتاب سیرت انوشروان بدینگونه توسیف شده است ۱۳

وبرسرسی وهفتمین سال از پادشاهی ماچهار تیره از ترکان ناحیه خزر که هر تیره را پادشاهی بودبه مانامه نوشتند و در آن از تنگدستی که بدان دچار شده بودند و از اینکه خوشبختی خویش را دربندگی مامیدانند سخن گفته و ازما خواسته بودند که به آنها اجازه دهیم تابامردم خودبه خدمت مادر آیند و بدانچه فرمائیم عمل کنند و آنچه را پیش از پادشاهی ما از آنها سرزده بردل نگیریم و به آنها مانند سایر بندگان خود رفتار کنیم ..

«مندر پذیرش آنان چندین فائده دیدم از آنجمله یکی ترش و توان و دلیری دن بود ، و دیگر این بود که بیم داشتم از اینکه احتیاج آنانرا و ادار دتا به مصر با پادشاه دیگری روی آورند و آنان بکمك این ترکان توانائی یافته و رماچره شوند .

دقیصر پیش از این هم این ترکان را بادستمزدگزافی برای جنگ باشاهان کشور ما بمزد میگرفت و آنها رادر آن جنگ بسبب همین ترکان شوکنی بود ربر ا ترکان لذت زندگی را نچشیده اند وسختی زندگی آنها را برمرگدلیر مبسازد. به آنها نوشتم:

مماهر کسی را که دراطاعت مادر آید می پذیر بم و آنچه را داریم از کسی در سخنمیدار بم و به مرزبان در بندنیز فرمانی نوشتم که آنها رادسته دسنه بدرون کشور راه دهد . بعن نوشت که پنجاه هزار تن از آنان بازنان و فرزندان و بستگانشان وسه هزار تن همازسران وسرداران آنها همچنین باخانواده وزنان و ورزندان و بستگان آمده اند .

«چون ابن خبر بمنرسید خواستم که آنان رابخود نزدیك گردانم تا در بزر گداشتی که از آنها میكنم وعطائی که به آنها می بخشم قدر احسان مسرا مشناسند، وباسران سپادها مأنوس و آرام دل گردند که هرگاه خواستیم آنها را بایکی از سرداران خود بجائی بفرستیم هریک رابه دیگری اعتماد باشد، پس به آذر بایجان حرکت کردم و چون از آذر بابجان گذشتم به آنها اجازه حضور دادم ...

این قطعه نسبتا مفصل است همهٔ آنباهمین دقت در تعریف جز ایات عمراه است که چون در اینجا مجال نیست ازبقیه آن صرفنظر میشود.

گذشته از مواردی که دکر شد موارد دیگری هم هست که در کتاب «تبخنامهدرسیرت انوشروان» یافت می شود و در شاهنامه نیست و در اینجامجال د کر آنها نیست و غرض از بیان ابن چندمورد هم این بود که اولا نمونهای از

این قطعات بازیافته از این کتاب دردست باشد و ثانیا باین نکته توجه شو که از خلال مآخذ عربی وادبیات زبان عربی دردوره عباسی میتوان راههای تازهای برای تحقیق در ادبیات ساسانی یافت که محققان جوان نباید از آن غفلت نمایند ^{۱۹}

۱۶- برای تفصیل این موضوع مراجعه شود به سخترانی نگادنده در کنگرهایران-شناسان که درنشریه ایرانشناسی ، ج۱ باعنوان دیکی از مهمشرین منابع تعقیق در بساره ادبیات ساسانی، چاپ عده است .

. رنگورات چغاز ...ل

الف ـ تشور عيلام

نظر باینکه زیگورات چفازنبیل یکی از بناهای مهم عیلامی است مناسبت دارد قبلا مجملی از تمدن عیلام شرحداده شود تا خوانندگان ارجمند بدوا با این تمدن و فرهنگ شکرف و کهن آشنا شوند.

، و وضع نباآب و های عمیق محمود کر**دوائی**

موقعیت طبیعی و وضع اجتماعی – فلات ایر ان با آب و هوای کونا کون و دره های عمیق حاصلخیز چون مثلثی است که مابین خلیج فارس و دریای خزر و اقع گردیده و رشته کوههای بلندی که در دوره میوسن ابو جود آمده آن را احاطه کرده است کوهستانهای مذکور چون

۱-یکی از دوردهای دوران سوم زمین شناسی است Myocen

بدواری گردا گرد فرور فتگی مرکزی که در حال حاضر بیامان خشك و بیآب . گباهی است قرار دارد. رشته کو ههائی که از شمال غربی بجنوب شرقی کشیده شده است بیش از هزار کیلومتر طول و دوست کیلومتر عرض دارد و بنام ز آگروس خوانده میشود . چینهای موازی این سلسله جبال درههای سبز و خرمی را بوجود آورده که مرکز نشوونمای تمدنهای مختلف این قسمت از نجد اد ان دو ده است کو ههای شمالی که البرز نام دار د در امتداد کیرانه منحني شكل درياي خزر كشيده ميشود وناحيه سبزوخيم ساحلي را إزمناطق خشك مركزي مجزا ميكند. البرز سراس ضلع شمالي فلات ايران را در مینور دی سیمی مه حیال هندو کش در افغانستان می بیوند دواز سمت مغرب نیز به کوههای زا کروس متصل میشود . از ملتقای این دو رشته و مجموع گره خورد کیهای ارتفاعات شمالی وغربی سرزمین آذربایجان ایران شکلمیگیرد إبن خطه شاهد مهاجرت وإقامت إقوام مختافي جون مانها، مادها يارسها و نرك و تاتار ها موده است. مادها إزاين ناحيه ير خاسته إند ويارسها نيز قبل إز مهاجر ت دجنوب إبران ساليان منمادي دراين منطقه متوطن بوده إند رشته هاي فرعی البرز در خراسان چندان ارتفاعی ندارد و دارای گذر گاههای سهل ـ العبوري ميباشد و دومين مدخلي است كه مهاجران ومهاجمان از آن بداخل نجد ابران نفوذ دردهاند با این تفاصیل میتوان نتیجه گرفت نجد ابران که از بیابانهای لمیزرع و کوهستانهای صعب العبور تشکیل شده است. ظاهرا نبابسنی مورد علاقه و تهاجم اقوام خارجی قرار گرفته باشد . لیکن یورشها ومهاجرتهای اقوام مختلفخلاف این امررا بثبوت میرساند. چه ازاعصار ماقبل ناریخ میهن ما بواسطه موقعبت ممناز طبیعی به یلی میمانست کسه آسیای مركزي رابه آسياي غربي متصلميكرد ونقش واسطه مابين تمدن وفرهنگ خاور دور ونز دیات را بعهده داشت. ساکنان فلات ایر آن توانستند دیرز مانی آزادی و صبانت خود را حفظ کنند و در نتیجه برقراری روابط اقتصادی و اجتماعي باهمسايكان شرقي وغربي وضع نثبيت شدهاي براي ساكنين دشت

الهرین بوجود آورند. کوهپایه نشینان ایران گاهی راهنمای جنگجویانی و دند که میخواستند بمنظورهای سیاسی و اقتصادی بر کوهستانیان چیره بند و باکمك این راهنمایان میتوانستند از راههای دشوار و معابر سخت باگروس بگذرند.

آسانترین وصعب العبور ترین راهی که دراین قسمت قرارداشت راه بغداد در مانشاه مدان اهروزی بود . این راه سالیان متمادی مورد استفاده آشوریها قرار گرفت و سرنوشت چنین مقدر داشت که سا کنان کوهپایه های ایران از همین راه تهاجم خودرابجلگهٔ بین النهرین آغاز کنند واز کوهستانها بدشت سراز برشده پرستندگان آشوررا قلع وقمع سازند.

حواشی و محدودهٔ شرقی و جنوب شرقی ایران تقریباً غیرقابل عبوربود افوامیکه دراین نواحی سکونت داشتند دراعصار ماقبل تاریخ ایران توانستند رابطی بین تمدنهای ایران و هند باشند و همین ارتباط مسالمت آمیز زمینه مساعدی فراهم ساخت تادر قرون بعد داریوش بزر گبتواند درهٔ هند و پنجاب را به قلمروشاهنشاهی هخامنشی منضم سازد

مرزهای جنوبی ایران بعلت موقعیت خاص جغرافیائی یعنی مشرف بودن بدریا وسایر علل اقلیمی تاحدی مانع ازاین بود که ساکنین نوار ساحلی به آسانی روابط اجتماعی خودرابااقوام مهاجر فلات ایران برقرار سازند

رشته جبال زاگروس مسیر خود را درامتداد خلیج فارس ادامه میدهد و سد و حائلی بوجود میآورد که عبور از آن برای ساکنین اولیه نجد ایران دشوار بودتنها معبر سهل و آسانی که فلات ایرانر ابسوا حل خلیج فارس و جلگه بین النهرین مربوط میساخت دشت خوزستان بود. رشته های فرعی کوههای زاگروس این جلگه هارا نیز محاصر ممیکند و دنباله ارتفاعات آهکی آن که در دورانهای بسیار قدیم تشکیل یافته است تا کرانه های خلیج فارس ادامه میبابد. قله کوههای شمالشرقی این جلگه محاط شده پوشید ماز برف میباشد و سرچشمه ردخانه های متعددی است که این دشت حاصل خیز را سیراب میسازد

دورشته ازاین رودخانه ها که نزدیك بهم جریان دارد یعنی در و حمر ، نقریباً بهم موازی بوده و از مر کز خوزستان میگذرد . بطوریکه درف به چند کیلومتری بزحه تاز هم فاصله میگیرد - کرخه بطرف جنوب غر جریان می یابد و در مسیر خودرا بسوی جنوب شرقی ادامه مید مد و بسوه . بودخانه خوزستان یعنی کارون می پیوندد . در محلی که رودخانه کرخه به خیلی نزدیك میشود و در کنار رودخانه شاهور در دوران باستان شهری بزر ک وعظیم بوجود آمد که در تاریخ ایران و بابل و عیلام بنام شوش معروف است و تمدن عیلام از همین نقطه نضج گرفت . شوش بزودی مدنیت دنیای قدیم را پذیرفت و در اقوام و طوایف بدوی و نیمه بدوی مؤثر افتاد شهر شوش که امروز بسورت نپه و تلهائی چند در آمده است مر کز کشور عیلام بوده و پس از آن بخیرفت شوش چون دارای موقعیت ممتاز و راه ار تباطی مناسب بود از این راهه بسایر پایتختهای شاهنشاهی ایران چون هگمتانه (همدان) و تخت جمشید بسایر پایتختهای شاهنشاهی ایران چون هگمتانه (همدان) و تخت جمشید و بابل منتهی میگشت پایتخت و مر کز اداری کشور شد.

البته نباید تصور کرد که گذشته طولانی و مفصل عیالامیان تنها در شهر شوش خلاصه میگشته است. چه عیالامیان مردمانی کوهستانی بودند و تمدن اولیه آنان باید در دامنه کوهها و در دها تشکیل شده باشد و شوش به تنهائی نمیتوانست نقش اساسی را در تاریخ عیالام ایفا کند. گمان میرود ناحیه انشان یاانزان که ظاهر آ شامل قسمنهای شرقی و شمالی خوزستان و نواحی مرکزی و مغرب و جنوب فارس بوده است در تکوین و تکمیل این مدنیت سهم بیشتری داشته باشد مضافا باینکه آب و هوای شوش این منطقه را از نظر سیاسی در درجه دوم اهمیت قرار میدهد زیرا مدت نه ماه از سال جلکه شوش کاملاگرم و دارای حرارتی طاقت فر ساست و نظر استرابن را که میگوید و سوسمارها و دارای حرارتی ظافکن شوند ، تأئید میکند.

کشورعیلام شامل خوزستان ، لرستان ، کسوههای بختیاری وقسمتی از رسی بود واز دوقسمت جلگه و کوهستانی تشکیل مبشد.

بخشجلگهای آنرا دشتخوزستان تشکیل میداد که بوسیلهٔ رودخانه های سبتاً پر آبی چون کارون و در و کرخه آبیاری میگشت و از دیر باز برای کشاورزی و دامپروری مناسب بود و در نتیجه برای بسرورش و بی ریزی سدنی بزرك زمینه مساعدی فرادم میساخت.

فسمت کوهستانی عیلام را واراشی میگفتند که دارای جنگلهای انبوه و منابع احجار قیمتی و درههای سرسبز و حاصلخیز جهت پرورش اسب و کشاورزی بود مرکزاین ناحیه شهر شیماش نامیده میشد که حوالی خرم آباد کنونی قرار داشت و پادشاهان محلی عیلام در آنجا سلطنت میکردند.

آنهه مسلم است عیلامیان از هزاره چهارم قبل ازمیلاد در شوش ساکن بوده و تا آنجا که مدار او کتبی نشان میدهد از دوهزاروشتصد وهشتادو پنج سال قبل از میلاد پادشاهان عیلام در این نواحی سلطنت میکردهاند و این بادشاهی تا سال ۱۹۰۰ قبل ازمیلاد ادامه داشت و با حمله آشور مانی پال برای همیشه از صفحه تاریخ محو گردید لیکن طولی نکشید که قوم و دولت عیلام جزئی از شاهنشاهی هخامنشی را تشکیل داد.

تحقیقات و کاوشهای باستان شناسی درشوش ثابت میدارد که قبل ازغلبه عناصرسامی بربین النهرین این قسمت از کشورما دارای تمدنی بزرك و با رور بوده است. باید یادآورشد که تاریخ بین النهرین عبارت ازمها جرت اقوام و نزادهای گونا گون بدین سرزمین و اختلاط و امتزاج آنها بایکدیگر میباشد و تا آنجا که میدانیم سومریها اولین ملتی بودند که در این منطقه تمدنی عمیق بنبان نهادند.

اصل ومنشأ این قوم بتحقیق روشنیست طی حفریاتی که بوسیله بوم پلی در نزدیك عشق آباد صورت گرفت در گورکان انو اشیائی بدست آمد که

شباهت زیادی بکار هنرمندان سومری و عیلامی داشت درنتیجه این عقید قوت گرفت که منشأ دو قوم عیلام و سومرمحتملا بایستی کوهستانهای شمالی ایران باشد واین اقوام بعللی که از آن جمله شاید بتوان مهاجرتاقوام ثالثی را پنداشت . بطرف جنوب غربی و مغرب ایران رانده شده و ناگزبر در کرانههای کارون و فرات مسکن گزیدند موقعیت شهر نیپپور عمر کز سومر نیز این نظررا تأیید میکند زیرا این شهر درمحلی قرار دارد که واسطهٔ بین فلات ایران وجلگه بین النهرین محسوب میگردد.

شرق شناسان ازآن جمله ادوارهی یر طی بررسیهای مفصلی باین نتیجه رسیده اند که سومریها قبل از مهاجرت سامیان به بین النهرین. گذشته ای تابناك و در خشان داشته اند و تا آنجا که کاوشهای علمی نشان داده است پیش از تشکیل دولتهای سامی نژاد در بین النهرین، سومر و عیلام دارای روابط اجتماعی و سیاسی بایکدیگر بودند.

عیلامی ها کشور خودرا حاتامتی می نامیدند که بمعنی کشور حاتام هاست حفریات باستان شناسی مدالی می سازد که از هزار هٔ چهارم قبل از میلاد عیلامیان در این نواحی متوطن بوده اند و احتمالا ساکنین بومی خسوزستان محسوب میشوند. زیرا قرائن و امارانی موجود است که عیلامیان از شعبه نزادهای سامی و آریائی نبوده اند. گرچه زبان عیلامی باعلائم میخی بابلی نوشته میشد اما تا کنون درست شناخته نشده و هنوز بدرستی کلید کشف ر مرز آن بدست نیامده است از متن گل نوشته ها و لوحه های مکشوفه عیلامی آنچه تا کنون خوانده اند مطالب جزئی قابل استنباط است.

از کاوشهای اخیر بخوبی درك میشود که تمدن عیلام بسهمخود در تکامل وسیر تمدن بشری نقش خلاقهای همانند تمدنهای سومری وبابلی ایفا کرده سهم ارزندهای را بخوبی به تمدن وفرهنك جامعه بشری عرضه نموده است. گذشته از آن عیلامیان در تمام طول تاریخ خویش با دولتهای سومر وا کد و

4- Nippur

بل و آشور برای حفظ حدود و ثغور کشورشان درجنك و ستیز بودند. بحق مسوان این قوم را اولین پاسداران مرز و بوم ایران نامید زیرا ابنان قرنها کشور مرا از نفوذ عوامل بیگانه محفوظ نگهداشتند و با تمدن عمبق خود کهواره جنبان فرهنگ و هنر باستانی ایران بودند

ب _ مذهب عيلاميان

مذهب این قوم بر پرستش خدایان متعمدی استوار بود. برخی از ابن خدایان بمذاهب جلکه بینالنهرین تعلق دارد علت این امسرنیزواضح است. چه ماتهای همسایه کاهی تابع و زمانی متبوع یکدیگسر بوده وباهم روابط سیاسی واج ماعی وفرهنگی داشته اند.

متأسفانه آثارونوشته های باقیماندهٔ عیلامی که بز بانهای اکدی و سومری و بابلی تنظیم شده گذشته از نوشته های شیلهاك اینشوشیناك آکسه مربوط بقرن دوازدهم قبل ازمیلادمیباشد دبگر نوشته ها بطور کلی مربوط بساختمان معابد و کاخها و نامهای تشر بفاتی شاه و کسان وی بوده و مسدارك و اسناد مزیخی آن بسیاراندك است. مقداری اسناد دولتی و صور تحسابهای مالی و اقتصادی نیز که بزبان عیلامی نگاشته شده و از شوش بدست آمده است به دور انهای نخستین شاهنشاهی هخامنشی (قرن ششم قبل از میلاد) تعلق دارد همچنین مقداری کل نوشته مربوط بقرنهای پنجم و ششم قبل از میلاد از تخت جمشید کشف شده که همگی شامل اسامی خاص است و منشأ و تر کیب نژادی ملل مختلف شاهنشاهی هخامنشیان را مشخص میکند

برروی کتیبه هاو کل نوشته های مکشوفه از زیگورات چفازنبیل تنها اسامی خدایان دیده میشود و بطور کلی از خلال ابن آثار میتوان تا اندازهای وضع مذهبی عیلام را بررسی کرد

متأسمفانه عيلاميان اسماء بعضي از خمدابان را ننوشته بلكه بوسيله

6- Shilhak - Inshushinak

اید او گرامهای زبان اکدی آنها را مرقوم داشته اند مثلا نام خدای آفتاب بزبان سامی شیماش تلفظ میشود در زبان عبلامی معلوم نگر دیده بلکه بهمان طرن سامی در کتیبه های عیلامی تکرار شده است.

ازخدایان متعدد عیلامی دوتن در نوشته های سلطنتی وعادی از همه برد و بالاتر بودند یکی هومبان و دیگری این شوشیناك نام خدای اوز بوسیلهٔ خط نشانه ای اکدی نوشته میشود و بمعنی (برتراز همه) است و این شوشیناك (آقای شوش) معنی میدهده مهذا غالب فرمانروایان عیلام در آثر خود علاوه براین دوخدا مکرراز الهه گیری ریشا بعنوان ربة النوع ماد نام برده اند طیحهٔ ریات شوش و چغا زنبیل صدها مجسمه از این الهه بدسر آمده است و این مطلب میرساند که اجتماع عیلام قلباً برای این ربة النوع احترام فراوانی قائل بوده است

ج - زیگورات چغاز نبیل - از نظر لغوی زیگورات ازدو کلمه زاک و گار ترکیب میشود که مکان خداوند معنی میدهد ۱۰ بنابر معتقدانی که از قدی وجود داشت این گونه امکنه مقدس نباید بساختمانهای معمولی مردمی که فنا میشوند و از بین میروند شبیه باشد. بلکه محلی است که اموات در آنج مدفون هستند و در آنجاباتی میمانند. بهمین مناسبت زیگورات مکان جاودان ارواح و پرستشگاه ایدی آنهاست.

ابن نوع ابنیه از آغاز مدنیت اقوام مختلف جلگه بین النهرین وجو داشته است. ابتدا سومربها وسپس بابلیها و آشوریها بساختن چنین بناها نه پرداخند . عیلامیان که مذهبشان از نفوذ همسایگان برکنار نبود بایجا زیگورات چغاز نبیل همت گماشتند و چنانکه ذکر خواهدشد ذوق و ابتکا خاصی بکار بردند و آنرا از زیگورات های مشابه در بین النهرین متمای ساختند

Humban 8-Inshu hinak 9-Giririsha

ه ۱ - مقاله گیرشمن در جلدسوم باستان شناسی ـ معنی این کلمه واآفای ودوسن
اختیارنویسنده گذاشته اند

در تورات نیز برج معروف بابل توصیف شده است که علم باستان شناسی برج را یك زیگورات میشناسد و آن بنائی است چند طبقه که طبقات بترتیب از طبقات پائین کوچکتر است .

در میان کنیبه های مکشوفه از کاوشهای باستانشناسی یکی از آنها که بنام و حاز ازیل ۱۱ معروف است و در موزهٔ لوور نگهداری میشود زیگوران بابلی اشرح میدهد و مارا باچگونگی آن تااندازه ای آشنا میسازد واز ابن لحاظ حائر کمال اهمیت است متأسفانه متن کامل کتیبهٔ آن تاکنون خوانده مشده سد و در عوش زیگورات چغاز نبیل اطلاعات جدیدی در مورد شناسائی ر شکوراتها باختیار باستان شناسان میگذارد.

زیگورات چغازنبیل به مسافت چهل کیلومتری جنوب شرقی شوش پایتخت عیلام قرار دارد و در آن روزگار درنیمهٔ راه پایتخت شوش و شهر هیدالو ۲۲ (شوشتر کنونی) واقع بود و کاروانها میتوانستند از شوش و هیدالو یك روزه اس مسافت را طی کنند .

بکی از شاهان سلسلهٔ ابگه هالکی ۱۳ عیلام بنام اونتاش گال ۱۴ که در حدود ۱۲۵۰ قبل از میلاد سلطنت مبکرد مصمم شد در نزدیکی شوش و کمار رودخانه دزمر کز دینی بزرگی ایجاد کند که درهنگام جشنهای بزرگ مجل نیایش و زیارتگاه عمومی باشد اونتاش گال میخواست این شهر که دورادناشی نامیده شد بسیار مجال وبزرگ باشد تاهم موجب رضای خدایان گردد و همملت عیلام خشنود شود . بهمین منظور در مرکزشهر یك زبگورات دبرج بابل احداث کرد اما هرگز ننوانست ساختمان آنرا باتمام برساند . دلبل ابن ادعا آجرها و میخهای سفالی کتیبه داری است بنام اونناش گال که در طی کاوشهای زیگورات از دو اطاق بدست آمده و هنوز کار گذاشته مشده بود .

^{11 -} Esagil 12 - Hidalu 13 = Igehalki ملسله چهارمهادشاهی عیلام) 14 - Awntashgal

•

شهرسازان ومهندسین عیلامی که بفرمان اونتاش گال ۱۰ مأمور ساء بی شهر مذهبی شدند مجبور بودند مطابق میل و دلخواه وی کار خود را آ رکنند و برای سهولت از شکل طبیعی زمین پیروی کردند و دیوار خارمی شهر را که پیش از چهار کیلو متر طول دارد و یک کثیرالاضلاع منحنی بی منظم را تشکیل میدهدور امتداد اطلال طبیعی بنا کردندو بامهارت کم نظیر معبت استحکام دیوار از این تپهها استفاده نمودند. مرکز شهر را محل مقدس (تمنس ۱۳) اشغال کرده و این قسمت بوسیله یک دیوار محاط از سایر قسمتهای شهر جدا شده است در پشت این دیوار معابد خدایان سی گانه عیلام قرار داشت و ببن دیوار دوم و سوم که تمام شهر دورانتاشی در آنجا واقع میگشت اعالی ساکن بودند.

قاعدهٔ بنای زیگورات مربع شکلاست و طول هرضاع آن ۱۰۵/۲۰ متر میباشد و دراسل دارای پنج طبقه و بارتفاع ۵۳ متر بوده که در حال حاضر فقط ۲۵ متر آن باقی است وشامل سه طبقه میباشد. طبقه پنجم که بر فراز معبد قرار داشت به اینشوشیناك خدای اصلی و عمدهٔ عیلام متعلق بود . این خدا هنگامی از آسمان به زمین میآمد تا مردم او را ستایش کنند . دراین منطغه مسکن میگزید بنابراین زبگورات نقش پله کانی را داشت که زمین و آسمان را بهم نزدیك میساخت . دوسازی بنای زیگورات را آجر های بزرگی به ایماد مختلف تشکیل میدهد ۱۲ مطور کلی اسکلت بنا شامل چند حجه

۱۵ - دورانتاشی که بیمنی شهیراونتاش گال است در کتیبه های آشوربانی پال از آن دکر شده و در هفتمین یورش این پاششاه آشوری ویران گردیه آقای دومکنم رئیس سابق هیئد فرانسه در شوش برای اولین باز این اسم را شناخت بعداً آقای پرشل خط شناس معروب فرانسوی آنرا تأثید کرد.

۱۷س بنا بر تسقیقات آقای د. مکنم آجرهای زیگورات چفازنبیل عموما بزرگتر روشنتر و نیخته تر از سایر آجرهای عیلامی است و دارای اندازه های متنیراست که ضه مشحصات چند آجر را که توسط دانشمند مذکور تهیه شده است جهت مزید اطلاع علاقمند بنظر میرساند.

^{16 -} Temenos

..ختمانی است که درون هم قرار دارد بطوریکه هر قدر بطرف بالا میرود دحمها کو چکتر میشود ۱۸ . در نتیجهٔ حفاری چغازنبیل این اصل پذیر فته شد كه ساختمان زيكورات دريك مرحله إنجام نشده بلكه ابتدا دوطيقه جهار ضلعي بايك فضاى آزاد در وسطآن احداث كرديده است ويك ردبف اطاقهاى دراز و باریك دور این صحن وجود داشت كه درب آنها بطرف سحن بافضاء. آزاد باز میشد. و در مرحله دوم سایر طبقات را از کف زمین ساخنه و فاسله افقی طبقات راباخشت بر کرده اند. تاییش از کشف و خاك برداری زیگوران جغاز نبيل باستانشناسان معتقد بودندكه زيكورات مركب از چندطبقه است وهر طبقه برروی طبقهزیرین بنا شدهاست . لیکن بایك تونل آزهایشی كهدر نىلىم شمالى زيكورات چغازنبيل زده شد مشخس گرديد كه عريك از حجمهاى طمقاتي بروى زمين بكر ساخته شده وكليه طبقات ازيك عمق وسطح بنياد كشته است و مانند چند جعبه درون مكدمكر حاى دارند و هر طبقه داخل طبقه ديگر محصور شده است بطور بكه ع عمنر از طبقه ينجم درون طبقات ديگر جاي داشت وفقط ۹ مترآن که قسمت بالای این طبقه بود دیده میشد بهمین جهت بروفسور ملوان ۱۹ باستانشناس معروف انگلیسی درموقع باز دید چغاز نبیل و بي بر دن بدرور إذ گفت حالا بايد تمام زيگور انهاي حفاري شده إز نو حفاري كردده معماران زبردست عيلامي طبقات ينجكانه زيكورات را بدقت و حساب شده انجام دادهاند بطوريكه باتمام عظمت فشارى بريابهها واردنشدهاست

عده از صفحه معابل

۱ - آجربنام ایشمه کراب - $1/0 \times 1/7 \times 1/7 \times 1/7$ سانتیمتر

۲_ آجر بنام گیری دیشا۷ × ۳۳/۳ × ۳۳/۳ سانتیمتر

۳_ آجربنام گیری دیشا ۷/۷ × ۴٤/۵ × ۳٤/۵سانتیمنر

۱۸ سا ارتفاع حجم مرکزی که طبقه پنجموا تشکیل میداد از طبقات دیگر بلند آر بود طبقه زیرین که حجم اول زیگورات و اتشکیل میدهدیك متر بلندی و سه متر بهناداردو طول هرضلم آن ۲۰۵۰ متر است محیط اصلی ساختمان و اهمین طبقه نشکیل میدهد

^{19 -} Mallowan

- 6

درچهار ضلع این طبقه پلکانهائی طبقات پنجگانه را بهم متصل میسازد طبقه دوم دارای ۱۸ متر پهنا و ۸ متر بلندی است . در این طبقه اطاقهائی باسقف هلالی و جودداشت این اطاقها در طول اضلاع شمال غربی و جنوب غرب و جنوب شرقی و اقع بود و عرض آنها به ۲/۱۰ متر و طول هر کدام به ۸ تا ، ۱ متر میرسید . اطاقهای مذکور بهم راه نداشت و پلکانهای جداگانهای مدخل هر کدام بوده است برخی از اطاقهای طبقه دوم فاقد پلکان میباشد و درب آنه بدر و از دهای طاقدار اصلی که چهار متر ارتفاع دارد باز میشود. دکنر گیرشمن ۲ معتقد است که اطاقهای پله دار مخنعی قرار دادن هدایا و نذرها و اطاقهای فافد پاکان محتملا جایگاه برخی از خدایان بوده است .

بواسطه وجود برید گیهائی در طبقاتبالا مخصوصا درجبهه جنوب غربی نمیتوان دانست بطور قطع چگونه بطبقاب بالائی زیگورات میرسیده اند وولی ۲۱ ترسیم کمندهٔ اصلی زیگورات اور ۲۲ که متعلق به ساسله دومسلاطبن اور است. پلکانهای این زیگورات را با برید گیهای جنوب شرقی زیگورات دورانتاشی (چغازنبیل) مقایسه کرده است و چنین نتبجه میگیرد که این دو بریدگی باقیمانده پلکانهائی است که قبلا وجود داشته است و از آن بطبقات بلا میرفنه اند لیکن آقای د کتر گیرشمن که خود زبگورات دورانتاشی (چغاز نبیل)راحفاری کرده این نظر را مردود میداندو معتقد است که برید کی ضلع جنوب غربی پلکان اصلی زیگورات بوده است و چنین استدلال میکند کهاگر نظر وولی درست باشد و پاگردی درطبقات مختلف وجود داشه که بپلکانهای منتهی میشده است وجود این پاگردها را دور بزند تابه پلکانها میکرده است که راهی طولانی طی کند و پاگردها را دور بزند تابه پلکانها برسد بدون ابنکه اینکار نفشی در مراسم مذهبی داشته باشد از طرفی پلهها از طبقه اول کم عرض میشود واحتمالا فقط عدهٔ معدودی از پیشوایان مذهبی از طبقه اول کم عرض میشود واحتمالا فقط عدهٔ معدودی از پیشوایان مذهبی حق استفاده و عبور از آن را داشته اند.

البته معبدیا گردی داشته است که آنهم در حقیقت سکو محطی زبگورات مشد که طبقه اول را تشکیل میدهد ، ۲۳

همانطور که اشار دشد ارتفاع این سکو یاپاگرد یك منر است و به سه دروازه اسالی و شمال سرقی و شرقی منتهی میکردد . چنین بنظر میرسد که در یات رمان سه گروه میتوانسته اند به موازات یکه یگر بزیارت معبد نائل شوندایس سه گروه در اولین مرحله روی سکوهای طبقه اول قرار میگرفنند و سپس به طبقات دیگر میرفتند بدیهی است که هنوزبرای مامشخس نیست چه کسانی این طبقات سه گانه مذهبی را تشکیل میداده اند آنچه که محتمل اس ابن سه گروه از پیشوایان مختلف مذهبی تر کیب میشده که در هنگام دشر بفات بزرگ دینی بنابریك رده بندی معین در سکوههای مختلف جای میگرفنند و کتر گیرشمن عقیده دارد مریدان مذهبی از مرز حیاط جلوتر نمیرفتند و جمعیت در حیاط خلوجی محل مقدس میایستادند و برخی از پیشوایان مذهبی عمایات مخصوص نیایش را در حضور جمعانجام میداده اند

سه پاگردی که ذکر آن گذشت ظاهر اوجه تشابهی با پاگردهای زیب گورات اور دارد در آنجا هم مانند دورانتاشی این سه سکو به سه گروه کوناگون روحانیون که از نقاط مختلف میامدند تعلق داشت که در آنجا به طبقات بالا میرفتندلیکن در دورانتاشی صعود از طبقهٔ اول به بعد در انحصار عده معدودی از پیشوایان مذهبی بوده است :

مدرکی بدست نیامده است تا معلوم شود نقش پبشوایان روحانی عیلام چه بوده است. لیکن یقینا وظایف آنان بوظایف پیشوایان مذهبی اقوامبینالنهرین شباهت داشته است از اسم شهر که بروی کتیبه های عیلامی بدست آمده
و از فهرست سالنامه های آشوری چنین آشکار است که پادشاه زبگورات و معابد
آنرا فقط وقف خدایان نموده است. در این الواح برابر اسم خدایان د دری
از پیشوایان مذهبی نیست و تنها نام شاه بچشم میخورد. بحدمل ده پادشته
علاوه بر حکومت و فرمانروائی پیشوای مذهب و نمایده خدایان نیز بوده است

۲۳ ـ مجله ايرانيكا مقاله آقاى د كتر كيرشمن

درشش هزارویانصد آجر نوشتهای که از چغازنبیل بدست آمد هیچ جا اسد ازجانشينان شاهديده نشده است باإينهمه ميدانيم كهشيلهاك اينشوشيناك معبد الهه ینی کیر ۲۰ را که اونتاش گال در شوش ساخته بود تعمیر کی ولى هيچكونه اقدامي براي اتمام زيكورات دورانتاشي كه معبد همين الهد نیزار ضمائم آن بو دبعمل نیاور د شو تروای ناحونته ۲۹ ویسرش کو دور ناحونته ۲۰ معبد الهه گری ریشا درشهر لیان (بوشهر کنونی) را که توسط هومبان نومنا ۱۸۰ يدر اونتاش كال ساخته شده بود مرمت كردند بدون اينكسه توجهي به شبر مقدس دورانتاشي ومعابدآن داشته باشند. اين بي اعتنائي جانشينان اونتاس كال خود معمائي است كه هنوزلاينجل مانده است البته نبايد تصور كرد كه يس ازاونتاش كال بطور كلم إين شهر فراموش شد. زيرا طبقة روحانيان بزندكر خود دراین محل ادامه دادند ولی چون نگهداری زیگورات مستلرم مخارج سنگینی بود کم کم رو یو بر انی نهاد در سمت حنوب شرقی زیگورات آثارده معبد وجو درار د که برای اینشو شیناك خدای دز رک عیلام وقف شده است در ب یکی از معابد دو گانه بطرف داخل زیگورات باز میشود و فقط تام وقعر مورد استفاده بودكه محوطه داخلي زيكورات باخشت يرنشده بود وهنوز صحبر وجود داشت معبد دوم که بنام معبد تحتانی نامگذاری شده است تحلی گاه خدای بزرک بود. اولین باراست که معبدی با چنین خصوصیات کشف شده است زبرا درمعاید بابلوآشور معمولا این معبددر بالای زیگورات قرارداشت وميتوان اينمورد را بحساب يك رسم مذهبي مختص عيلام بحساب آورد از ویژ کیهای دیگر این زیگورات اینکه درسمت چپ پلکان جنوبی اطاقی با یك سکوی خشنی وجود دارد که روبروی آن طافیهای تعبیه شده وممكن

- 24 Shilhak-inshushinak
- 25 Pinikir
- 26 Shutruk-nahunte
- 27 Kudur-nahunte
- 28 Humban-numena

ن إرزاطاق استراحتگاه خداباشد كه چون ازطبقه بالا بيائين نزول ميكر د آنجا باستراحت میپرداخت چهارده سکوی جایگاه قربانی که از آجر ختهشده است در جلو درب جنوبي قرار دارد دراين محل دو جايگاه مخصوص علیه و بادشاه نیز احداث شده است. درهمین حدود سه معبد کوچك دیگر سا در ده اند که در زیگو را تهای مشابه از اینگو نه معابد اثری نیست یاز ده معبد دبگر کدر جاهای مختلف محل مقدس (تمنس) قرار گرفته هر گزدرزیگورانهای بمن النهر بن ديده نشده است علت تنوع اين معابد هنوز مشخص نيست كمان مبرودکه ابن تنوع ازعقاید مذهبی گروههای متعددی که اجتماع عبلام را بوجود مى آورده ونقشى كه هريك ازفرق مذهبي داشته اند سرچشمه كرفتــه باشد اهمیت این مذاهب را درطبقه بندیهای کشوری واثرونفوذآنها درسیسنم حکومتی ووابستگی آنها به نقاط مختلف کشورعیلام که در عین حال یس از مدهب اصلی آن مذهب در آن نواحی مورد پرستش بوده است باید جستجو درد. مهمترین این خدایان عبار تند از خدای ایشمه کراب ۲۹ والهه گری ربشا كهمعبدا ين دو در ضلع شمال غربي محوطه زيكور اتواقع است معبد خداي كال ٣٠ كه نزديك اين دومعبد ميباشدو بوسيلة حصار محاطى در خارج از صحن زيكورات فرار میگیر و حال آنکه دومعبددیگر بزیگورات نزدیکتر ودرداخلمحوطه واقع شده است تصورميرودكه ايشمهكرابكمكم ترفيع مقاميافته استجه درممبد ليان كه هومبان نومنا پدر اونتاش كال آنرا ساخته است الهه كرى ريشا همسرخدای گال بوده است وحتی در زمان او نتاش کال بانی زیگور ات دور انتاشی ابن الهه باتفاق اینشوشیناله و گال خدایان ثلاثهای را تشکیل میدادهاند . معمد المهممه پنسي كير كمه نخستين بار اسم وي در مصاهدهاي ٢١

۱- J'hmekerah 30-Gal

۳۰ متن معاهده چنین است بشنوای الهه پنی کیروشما وای خدایان بهشت گوش فرادارید.

ماء شاهان بندهٔ خدایانند یکیبنده خدای آفتاب نان حوفته وشاهی پرستنده اینشوشیناك

من الهه شیاشوم وخدای ناپیر والهه ناروندی واگواه میگیرم که دشمن نارامسین خصم من

سد ودوست نارامسین دوست من است من هیتا هستم و کوشش میکنم که شیطان وا از سرزمین

کد بیرون برانم بگذارما ناسازگاری واختلاف واکنار بگذاریم وصلح وصفاوا حفظ کنیم

بین نار امسین و هی تا ۳۲ یادشاه عیلام بسرده شده از چهار ممد دیگی کمه در یک گوشه محل مقمدس (تمنس) قسرار دارد منشعب نمریک دد و از آنهافاصله دارد کمی نز دیکتر بزیگورات روی محوطه وسیمی درميان قسمتشمال شرقي محل مقدس ودور ترازمعابد نامبرده بالآآثارمعايد خدایان هیشمتیك ۳۴ و روهو را تیر ۴۶ موجود است که بنظر میرسد بطور و بژور منطقه مال امیر ۴۰۰ کنونی مورد پرستش بو دواند بقایای دو معید دیگر نظیر معابد مزیور در حیاط تمنس نزدبك درب ورودی جنوب شرقی کشف شده که از معبد خدای گال کو چکنر است. علاوه بر این معاید محرابهائی در نزدیان زیگورات و جود دارد که هیهکدام بنام خدای معینی نیست جهار دستگاه از این محر ابها در داخل دیوار محاطی تمنس قرار دارد و دومحراب دیگر روبروی درب ورودی جنوب غربی است که هردو با آجر ساخته شده و روبروى همواقع بوده ودرست درمجاورت يلكاني استكه تا طبقه پنجمامتداد داشت بالاخر ه آخر بن محر إب در طبقه اول در جبهه شمال شرقی و نز دیك گوشه شمالي زيكورات واقع شدهاست كيرشهن ميكويد مجسمه هاي زيادي ازجمله مجسمه مفرغي اونتاش كال وملكه نايبر اسو ٣٦ همسر اونتاش كال درزيكورات وجود داشته است ۲۲ زیرا طی کاوش چغاز نبیل آجرهای سوراخ داری بدست آمد كهمشخص بورجاي نصب مجسمه ها بوره است بعيد نيست مجسمه نابير اسو که درشوش کشف شده است همان مجسمه زیگورات باشد که بوسیله شو ترواد-ناحونته بشوش آورده شده است ، در گوشه جنوبی شهر آناردو کاخ ویك دروازه عظیم کهباستان شناسان بآن نام دروازهٔ شاهی داده اند ومعبدی که وقف خدای

32- Hitta 33 - Hishmitik 31 - Rui.urtir
۳۵ - مال امیر وایده از بخشهای شهرستان وامهر من درخوزستان است

30 - Napirasscu

۳۷ - آنها دومجه مقالی یکی بشکل گاو ودیگری با بدن شیر وسرعتاب از جفاز تبیل کشف شده که اولی درموزهٔ ایران باستان ودومی درموزه شوش است .

یو ۴۸ شده است وجود دارد قاعدتاً میبایستی بین این دو کاخ ساختمان برگری وجود داشتهباشد . لیکن تمامآثار آن براثرسیلاب ازبین رفتهاست. ستش خدای نسکو برای اولین بار در دورانتاشی دیده میشود وعبادتگاه ، دون سقفآن درخور توجه است .

در زیریکی از این کاخها آرامگاه باشکوهی در عمق ششمتری وجود دارد که یک ردیف پلکان آجری قیراندود آنرا با کاخ مربوط میسازد . این آرامگاه بسلاطین عیلام تعلق دارد .

پس از کاوش معلوم گردید که خاندان سلطنتی اجساد مدرده خدود را هسوز انیده اند . سوز انیدن اموات از رسوم ویژه قوم عیلام است و این رسم در انحصار و مختص خاندان سلطنتی بوده است ۲۹ تا کنون قبور سلاطین عیلام ننها در چغاز نبیل کشف گدردبده و نظیر آن در نقاط دیگر دیده نشده است . مردم عادی بفراخور استطاعت خود دارای قبور آجری خانوادگی با طاق هلالی بودند که نمونهٔ آن همه ساله در شوش کشف میشود . قدمت آخرین قبور خانوادگی مکشوفه شوش به ۲۲۰۰ سال پیش از میلاد میرسد . اخیرا از این نوع فبور خانوادگی یکی در هفت تپه کشف شد . که مردم طبقه پائین دارای فبور حفره ای ساده ای بودند و گاهی اموات رادر خمره های بزرگ سفالی دفن مبکردند .

موضوع قابل توجه در زیگورات چغاز نبیل تأمین آب مورد نیاز است رودخانه دز که درفاصله دو کیلو متری چغاز نبیل جریان دارد شصت متر از محوطه بلندی که شهر دورانتاشی را دربرمیگیرد پائین تر است بنا برایس اهالی شهر نمیتوانستند از آب این رودخانه استفاده کننداز طرفی آب چاه محل.

38 - Nusku

٣٩ - كتاب چفازنبيل نوشته دكتر كيرشمن .

٤٠ - اين قبر خانوادگي درسال ١٣٤٥ بوسيله همكار ارجمندم آقاي سيف اله كامبخش فرد
 كشف گرديد .

شور و غیر قابل شرب بود ¹³ بهمین جهت مهندسین عیلامی برای مشرور کردن شهر از رودخانه کرخه در محل پایه پل کانالی بطول ۵۰ کیلومنر حفر کردند . این کانال تا پشت دیواراصلی شهر (دیوارسوم) امتداد دارد و در آنجا بیك منبع بزرگ آب منتهی میگردد . این منبع بطول ۱۰ وعرض ۷و ارتفاع ۵ متر است وازسنگ وساروج وقیرساخته شده است . گوئی معماران عیلامی از قانون فیزیکی ظروف مرتبط بی اطلاع نبوده اند زیرا درعرض جنوبی منبع که در پشت دیوار محاط شهراست، ۹ روزنه ساخته اند و این روزنه ها بدرون شهرراه دارد . هنگامیکه منبع پراز آب بود . پس از تصفیه و تهنشت کل و درد به وسیله روزنه های فوق الذکر بدرون منبع کوچك دیگری که در آنسوی دیوار یعنی داخل شهرقرار داشت سرازیر میشد واهالی بدرن اینکه آن سوی دیوار یعنی داخل شهرقرار داشت سرازیر میشد واهالی بدرن اینکه به منبع اسلی کارداشته باشند از آب مورد احتیاج استفاده مینمودند ۲۵ .

هیچیك ازتمدنهای آسیای میانه برای دسترسی به آب آشامیدنی چنین روشی را بكار نبستهاند واین خود شاهد ارزندهای برای نشان دادن ولیافت وجرأت معماران عیلامی است.

بطور کلی زیگورات دورانتاشی دارای ویژگیهای بیشماری است که آنرا ازبرجهای بابل که سومریها و جانشینان آنان سامیها ساخته انده تمایز میکند . ابن خصوصیات در بارهٔ محوطه تمنس و مدخلها و معابد ضمیمه آن صادق است و میتوان ادعا کر ددار بوش بزرگ احتیاجی نداشت برای ساختمان کاخ خود در شوش از فن و شیوه معماری بابل استفاده کند زیرا روش معماری عیلام میتوانست بهترین الهام بخش وی باشد .

۱۶ سفمن خاکبرداری چناز نبیل ، هیأت حفاری اقدام بعض چاه نمود و تاپت کرد که آب
 چاه محل شور میباشد .

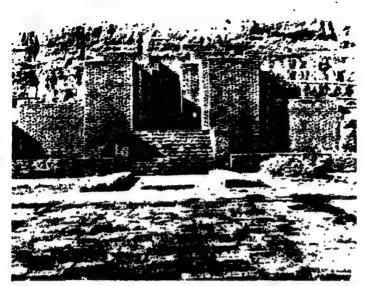
٤٢ ـ كتاب چنازنىيل نوشتە دكترگيرشمن .



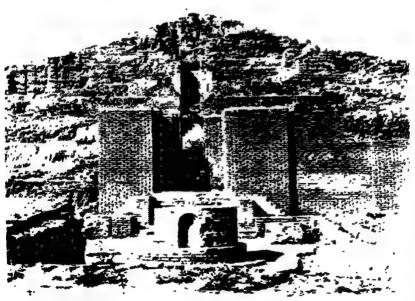


چهارده سکوی قربانی آجری زیکورات چغازنببل

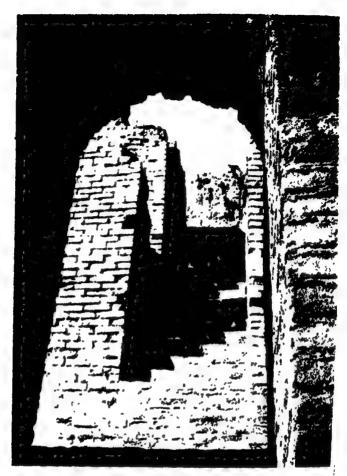




ضلع جنوبي زيكورات



ضم شرقی زیکورات با محراب و بلکان و منظرهٔ عمومی آن



پلکان شىرقى زىگورات





مجسمه کاو سفالی مکشوفه از چفازنبیل با کتیبهٔ میخی بابلی (موزهٔ ایران باستان تهران)

مجسمهٔ حیوان افسانهای کلی با بدن شیر و سر عقاب مکشوفه از جغازنبیل (موزه شوش)





الله **نان و ما**

در طی چهار سال انتشار . ، ررسیمای تاربخی (۲۰۰ ت من من فضلا و دانشمندان و . بالدكان محترم علاقمندما م خارات خود راچه کتبی ۵۰۰۰: ی وچه زبانی ، دربارهٔ ماال ومباحثمجله وهاجابين ل و قطع ونحوء چاپ آن · .. مودهاندوادارهمجلهنيز امتنان فراوان اكثر اين ت رابمنظور بهبود وشع الدرموقع خود بكاربسته رقسمت اعظم يبشرفتها و ر مائي هم که بندر بج در ، مجله حاصل شده است المان حاصل همين نظرات

روابط ایلخانان مغول بادربار و آمیکان

بتسلم

سه . علاءالدین آ دری , دکردر پارنج ،

الف از هلاكوتا ارغون درانن دوره روابط سلاطين مغول ابران يا ايلخانــان با اروبائيان توسعه مييابـ و زمینه برای عقد قراردادهای نظامي فراهم سيكردد، علت اساسي كسترش اين مراودات حنكهاى مداوم ايلخانان با بادشاهان وامراي مصر وشام است که برای مغول شکست ونا كامي ببارمي آورد و مانع ازتوسعه وبسط اقتدار وقامرو الشان ميكر دداز اينرو كوشش مكمندكه يايها ويادشاهان اروپائی رادراین جنگها ب خبر دهمداستان سازندوبياري آنان حكومت هاى إسلامي مصروشام رابراندازند

منكوتاآن درسال دوم

۱- از ۲۰۱ نا ۲۳۲هجری قمری

سلطنت خودبرادر كو چكتر خويش هلا كورا مأمور دفع اسماعيليه وبرانداخ خلفاي عباسي كرد وباونصيحت كرد كهحامي مسيحيان باشد وبدون مشورد دو قوز خاتون زوجه مسيحي خود إقدامي ننمايد.

هلاً كو كه ما دروهمسرش مسيحي بو دند بالشكر بانيكه اكثر شان إزايلات مسيحي مغول يعنى اقوام اويغور ونايمان وكرائيت بودند دراواخرسال ٢٥١ هجری قمری رهسیار ابران شد، هلاکو شخصا بورائی مذهب بور و جون درايران كسي نبودكه ييرواين دين باشد ٢ لذابراثر نفوذ زوجه مسيحي خود نهایت کمك وهمراهی رادرحق مسیحیان ایران و ارمنستان مبذول میداشت وهمه جافر مان ميداد كه براي اينان كليسابسازند

نو شته اند که از دوی دو قورز خاتون هر جا که بو دیر در آن ناقوس میز دند؟ محبتهای هلاکو وهمسرش بعیسویان ایران بحدی بو دکه این جماعت خان مغول را ناجی خود دانسته ودر صدوبر آمدند که از قدرت وی جهت کمك به مسیحیانیکه درشام ومصر بامسلمین درحال جنگند استفاده کنند و آبین اسلام را یکباره از آسیا و آفریقا براندازند.

شاید حمله هلاکو بشام و مصر بیشتر در نتیجه تحریکات مسیحیان ايران باشد.

هلاكو خان . سردارمسيحي ودلاور خودكيتو بوقا را مأمور فتحشم ومصر نمود . این سردار یس از تصرف دمشق درسال ۲۰۸ هجری کلیه مساجه رابكليسامبدل ساخت اكرجسارت وكفايت امير قدوز وفتح او درعين جالوت؟ نبود مغول آخرین یناهگاه اسلام یعنی فلسطین وآفریقای شمالی را مسخر مينمود وبايافشاري كه درهمان ايام صليبيون عيسوى درقلع وقمعريشه مسلمين

۲- د . ك به تاريخ معصل ايران از استيلاي مغول تااعلان مشروطيت تأليف عباس اقبال ص ۱۹۸

٣- همان كتاب س ١٩٨

٤ - نرديك شهردمشق پايتخت سوريه

سند دیگر مشکل بود که اسلام جانی بگیرد ودرمیان دودشمن متمصب اسمورز قدعلم کند ^ه

سیل هجوم هغول در هسیر خود بسد مقاومت مسلمین شام و مصر یعنی هدن قدرت و مقاومتی که جنگجویان صلیبی را نارومار کرده و آرزوی دبر بن رعمومی هسیدیان را دربارهٔ دست یافتن ارض مقدس (بیت المقدس) و بلاد و سرزمینهای اطراف آن نقش بر آب کرده بود برخورد و همین موضوع دربار حن بزرگ وسیس دربار ابلخانان ایران رابادستگاه پاپ و دربارهای هسیدی اروپا نزدیك ساخت و موجب شد که در تمام دورهٔ ایلخانان باب مکاتبه و راه درستی واتحاد بین ایلخانان ایران و پاپها و پادشاهان هسیدی مفتوح باشد آ مغول در عالم سیاست و سعت نظر داشت و فکرش محدود و کوتاه نبود مغول در عالم سیاست و سعت نظر داشت و فکرش محدود و کوتاه نبود مامداك اروپائی فایده دارد . ا

بعد ازشکست هلا کو درعین جالوت چنان عداوت و خصومتی مابین دولت املخانی ایران و مصریان ایجاد شد که جزاشتعال مجدد آتش جنگ و خونر بزی در باره راه دیگری و جود نداشت . در این دوره هیچ تهمتی برای مردمان خطرنا کتر و هولما کتر از این نبود که آنها رابداشتن روابط سری باسلاطین مصر متهم نمایند حتی رعایای مسلمان ممالك مغول خیلی بحزم و احتیاط مبابستی رفتار نمایند تامورد سوء ظن و اقع نشوند .

ضعف و ناتوانی هلا کوخان درمقابله بامصریان ویرا بر آن داشت که با روپائیان روابطی برقرار ساخته وبا کمك آنان بنقشه های جاه طلبانه خود در آسیای غربی جامه عمل بیوشاند.

٥ - ر - ك به تاريخ مغول اقبال س ١٩٨ - ١٩٩

۳ سا داست بکشاب تعقیق در بادهٔ دورهٔ ایلغانان ایران ۱۰ لیف دکتر متوجهر نشوی س ۷۷

۷ - ر - ك بكتاب تاديخ محتصر ايران از اول اسلام ته انفراش زنديان تأليف
 داهرن ترجمه دكتر رضازاده شفق ١٣١٤ ص ٧١

4

پاپ نیز که ازشکست بزرگ هلاکو درجنگ بامصریان مستحضر شرود درصددبر آمدکه بفوریت خان مغول رابسوی خویش جلب نموده و م همکاری اوانتقام شکست مسیحیان راازمسلمانان بگیرد .

در کلکسیوس ادریك راینولد منامهای از دربارواتیكان به هلا كوموجرد است كهبدون نامونشان و تاریخ میباشد امامؤلف آنرابه پاپالکساندر چهارم نسبت میدهد.

نامه منسوب به پاپ در سال ۱۲۳ میلادی بوسیله ژان کشیش مجار ستانی ۱۰ بایران رسیده در این نامه پاپ خشنودی و رضامندی خاطر خویش را از ایجاد روابط صمیمانه باهلاکو ابراز داشته است .

ایلخان ایر ان شمنا با امپر اطور روم شرقی (بیز انس) نیز روابط دوستانه ای بر قرار ساخته بود .

هلا کو که درصددجبران شکست عینجالوتبود وبرای همینامر تدارك کافی دیده بودودرسال ۱۹۳ (۱۹ ربیعالاول) در کناررود جفتوی آذربایجان درحالیکه بیش از چهل وهشتسال نداشت جان سپرد وپس از وی فرزند ارشدش آباقا یا ابقا بپادشاهی رسید . آباقاخان ۱۸۰- ۱۹۳۰ هجری قمری (۱۲۸۲–۱۲۲۵ میلادی)نیز مانندیدرش مذهب بودائی داشت ولی از دواجوی با دسپینا مربم دختر میشل پالثولو گوس ۱۱ (۱۲۸۲–۱۲۵۹) امپراطور بیزانس سببشد که روابط صمیمانه ای با مسیحیان داشته باشد .

Odoric - Raynold - A نقل الاتاريخ مقول تأليف دوسون س١٠٤ جلدسوم

۹ - (1264 - 1254) Alexdndre IV (1254 - 1264) و بازگاین پاپ مینویسند که مردی صلحه، ومهربان ورحیم وعادلبود وی نسبت بخصایس جنگجویانه اسلاف خودرغیتی نشان نمیداد دینداری را برسیاست رجحان میداد وبتول یکی ازوقایم نگاران قرانسیسکن ، چون همه روزه شاهد کشمکشهای موحش دانم التزایدی میان عیسویان بود دلشکسته ازجهاندف:

10-Jean Hongrois

Michel Paleolgus - ۱۹ میشل هشتم امپراطور قسطنطنیه ومؤسسسلسلهٔ پالٹولو ک

ابن دختر قبلابرای هلاکو نامزدشده بود ولی وقتی عروس را بشهر مراغه خت اولیه ایلخانان آوردند هلاکودرگذشته بود

آباقا این دختر را بعقد خود در آور دو بدین تر تیب داماد امپر اتور بیز انس شد و سلت آباقا با دختر امپر اطور روم شرقی و سابقه تربیتی که زیر دست مدرش دو قوز خاتون یافته بود روز بروز علاقه رمحبت و یرا نسبت بمسیحیان بسشنر کردو روحانیون مسیحی در دربار او مورد توجه و احترام زیاد قرار گرفتند با این حال آباقا هر گزاز دین آبا و اجدادی خود دست نکشید ۱ و کماکان مدد باقی ماند .

رسازشکست عینجالوت بین ایلخانان ایران وسلاطین شام و مصرخصو دت و دشمنی شدیدی بروز کرد که برای مسیحیان بسیار مسرت بخش و امیدوار کننده بود اینان از موقعیت استفاده کرده و دست بتحریکات دامنه داری برای ابجاد جنگهای مجدد بین پادشاه مغول و امراه وسلاطین شام و مصر زدند. آباقا آن عیسویان را وسیله پیش بردن سیاست خود در قبال مسلمین شام و مصر قرار داد و بتو سط آنها چندین بار با پاپ و سلاطین عیسوی مغرب در صدد ر بخنن طرح اتحاد بر علیه پادشاهان اسلام بر آمد .

درسال ۲۲۶ هجری قمری (۱۲۲۷ میلادی) پاپ کلمان چهارم ۲۳ (۱۲۲۸ میلادی) در جواب نامهای که بخط اوینوری از جانب آباقا باورسیده بود شرحی نوشت ۱۶ و تقاف کرد که آباقا بزبان لاتینی بااومکاتبه کند تا

۱۶ - این نامه را پاپ در تماریخ ۱۲۳۷ میلادی در شهرویت ربو (Viterico) در ۸۶ - ۱۸ این نامه را پاپ در تماریخ ۱۲۳۷) در ۸۶ - ۱۸۶۸ این نامه رود .

فهم مضمون نامه اوبرای وی ممکن گردد °۱.

پاپ دراین نامه ازعملیات واقداماتی که برضد مخالفین خردانجامداده، د مطالبی برای ایلخان نوشتو بپادشاه ایران وعده داد که با کمكسلاطین عیسو ارو پا در جنگ برعلیه مسلمین اراو جانبداری نماید

دوسال بعداز این تاریخ نمایندگانی ازطرف میخائیل پالئولوگوس به آباقا درشهر بلنسیه ۱۳ باپادشاه آراگون ۱۳ ملاقات کرده واز اوخواستند ۱۶ مطابق وعدهٔ پاپ باسایر سلاطین عیسوی همدست شود و برای دفع مسلمین لشگربان خودرا حاضرنمایند .

پادشاه آراگون با آنکه سالخورده بود تصمیم بجهاد گرفت ولی بعد هس بصوابدبد برخی از امرای اسپانیا از این تصمیم منصرف شدو از خیانت مردم شرقی و بیر حمی مغول که اذهان اروپائیان را پر کرده بود ، اندیشه کرد ۱۸.

آباقا درسال ۲۷۳ هجری قمری مطابق ۱۲۷۶ میلادی به تشویق پادشه ارمنستان که مایل بآزادی و استخلاص بیت المقدس از چنگ مسلمین بود هیأتی شانزده نفری بفرنگستان اعزام داشت ریاست این عده را داوید نب کشیش برعهده داشت فرستادگان ابقا موقعی بحضور پاپ شرفیاب شدند که در شهر لیون مجمع مذهبی مهمی در شرف انعقاد بود.

بامر پاپ کر کواردهم ۱۹۳۹ (کریکوری ۱۲۷۰–۱۲۷۱ میلادی) نمایندگان ایلخان ایران در جلسات شورا حضور بافتند ودونفر ایشان کهتاتار بودندبامر

۱۵ به نامه های پاپ به معمول آنزمان دربار واتیکان بزبان لاتین نوشته میشد. و چون اهمیتی داشته است و مترجمی برای این قبان درمیان ایرانیان نبود. یادردرباد واتیکان آنرا بزبان نارسی معصوصی که دنگ بیگانگی خودد، بود ترجمه میکردند و اصل ترجمه دا بابران میآوددند ویامیانان اروپائی درایران ترجمه میکردند (سعید نفیسی)

۱٦ ... بلنسيه يا والانس اذ شهرهای اسيانيا.

۱۷ ــ آزاگون ناحیه وسیمی اذ خاك اسپانیا است.

۱۸ ــ د ـ ك به كتاب الريخ مفول اقبال س۲۰۳

19 - Gregoire X

پ تعمیدیافتند ،این تنها نتیجهای بود که از این مأموریت حاصل شدچه با شرفت سریع وروز افزون مسلمانان و سستشدن عزم و اراده صلیبیون در خرین دورهٔ جنگهای صلیبی ،دیگر کسی بتقاضای آ بافا خان در لشگر کشی شم و مصر توجهی ننمود ، نامه ایکه او نوشته بود بنز د ادوارد اول پادشه ایکلستان (۱۳۰۷-۱۲۷۲ میلادی) فرستاده شد ولی ادوارد هم به عذر اینکه در آن حال نمی تواندلشگری برای استخلاص بیت المقدس بفرستد از خود حرکشی طاهر نساخت و فقط بارسال نامه ای برای آباقا اکتفا نمود مفاد این نامه بطور اختصار بقرار زیر است .

داوید کشیش بدربار مارسید و نامه هائی کهبرای پاب و پادشاهان مسیحی داشت تقدیم نمود، این نامه هانشانه تمایل شما بدین مسیح و تصمیم شما بکمك به مسبحان و مکان مقدس در مقابل دشمنان مسیحیت می داشد.

مااز آن مقام ارجمند خواهشمندیم کهنقشهٔ مقدس ااجرا نماید: ۲۰ در حال حاضر مانمیتوانیم راجع بتار بخور و دمان بمکان مقدس و عزیمت هسیحیان بشما اطلاعات جامعی بدهیم زیرا هنوز در این باب تصمیمی گرفته نشده. ۲۱ بدهیم ۲ ژانو به ۱۲۷۸ میلادی ۲۲

از این نامه بقول مؤلف تاریخ سیاست خارجی ابر ان ۳ سه مطلب مستفاد مبشود ۱- درخواست مغولها برای اتحاد با اروپائیان و جلب مساعدت آنها ۲- برواب یأس آور آنها که بکمك عوامل دیگر مغولها راوادار کرد که قبول

⁽٢٠) مقصود نشع بيت المقدس است.

⁽۲۱) د. ک به کتاب تادیح سیاست خاوجی ایران تأ ابف د کتر کاطم صدر از س ۲۳ تاس ۵ کرد. (۲۲) در تازیخ ایران سرپرسی سایکس مورخه ۲۲ ژانویه (۱۲۷۵) ۱۲۷۶ ذکرشده ست س ۱۹۰۰

⁽۲۳) دکتر جواد صدر

اسلام كنند .

۳- تغییرات عمده ای که در مدت کو تاهی در طرز حکومت مغولها ایجاد شد اوضاع سیاسی اروپا در اینز مان بکلی نسبت بگذشته تغییر یافته بود بر دیگر آن اروپای سال ۱۲۵۰ نبود که برای سر کوبی مسلمین و تصرف مجده سرزمین مقدس دنبال متحدین ویاران زور مندر تقحص باشد. سلاطین اروپائی از دنبال کردن جنگهای صلیبی بکلی منصرف شده بودند و دیگر مایل نبودند هیچگونه تعهدی را در قبال پاپ اعظم یادیگر آن برعهده گیرند قدرت مسلمین شام و مصر و ضعف و نا تو انی اروپائیان و بی فایده بودن جنگهای مقدس را برهمه اروپائیان مسجل ساخته بود اما اباقا خان دست بردار نبود او بتحریا که هیچ مدار در بار خود و حس کینه و انتقامی که از شکست پدرش در عین جالوت در نهادش رسوخیافنه بود میخواست بهر طریقی که امکان پذیر باشد سر اسر آسیای باختری و حتی افریقای شمالی را تصرف کر دداساس و پایه اسلام را در این صفحان متزل ل ساز و

بهمین منظور درسال ۱۷۷۵ هجری قمری (۱۲۷۱ میلادی) باردیگرسفرائی بدر بسار وانیکان گسیل داشت پاپ ژان بیست و یکم ۲^۷ (۱۲۷۳–۱۲۷۳) از نمایندگان ایلخان که دونفر بودند بخوبی پذیرائی کرد. مأموریت اینها هم مانند دیگران تشویق و تحریص مسیحیان بجها دبا مسلمانان برای گسرفتن بیت المقدس بودو از طرف اباقاهمه کونه و عدهٔ کمك و مساعدت داده شده بود

پاپ مانندگذشته ایشان را بهنز د سلاطین فسرانسه و انگلستان فرستاد سفرای هذکورکه اصلا از عیسویان گرجستان بودند ازطرف اباقاخان اظهار داشتند که اووقوبیلای قاآن ۲۰ مایلندکه قبول دیانت عیسوی کنند.

24- Jean XXI

۲۵ ـ توبیلای قاآن فرزند تولیخانوعموی اباقا بود وی دراینزمان امهراطورچین بود مارکوپولو جهانگرد معروف و نیزی سالها دردربار وی میزیست ودر سفرنامهٔ خود از شکوه و جلال دربار خاقان چین و خصائل نیکوی توبیلای سخن هاگفته است .

پاپ برای تحقیق مطلب و تبلیغ آئین مسیح تصمیم گرفت که پنج نفر از عیشان رابدربار مشرق بفرستد ولی چون درهمان اوان یعنی درسال ۱۲۷۷ . پردی وفات یافت تصمیم فوق درزمان وی عملی نشد.

نیکولای سوم ۲۹ (۱۲۸۰–۱۲۷۷ میلادی) پاپجدید سال بعد نامه ای برای ناو و قوبیلا نوشته و از مساعدت آنها در حق عیسویان سپاسگزاری نمود ضمنا همانی پنج نفری از راهبان فرانسیسکن رابدر بارتبر بزوخانبالیغ ۲۰ اعزام داشت.

درسال ۲۷٦ دجری اباقاخان درمحل ابولستین ۲۸ ازقوای سلطان مصر. الظاهر شکستسختی خورد وقریب هفت هزار نفر از سپاهیان مغول بهلاکت بسبدند.

چون اباقا بمیدان جنگ آمد و آنهمه اجساد کشتگان مغول رامشاهده نمود بی اختیار کریست.

میرخواندراجع باین جنگ وشکست مغولان مبنوبسد. ۲۹

«کفار تاتار رابه تیخ جهاد بگذرانیدند و مدتها و حوش و نسور ۳۰ را از لحوم کشتگان در آن صحراجشن و سور حاصل برد و پادشاه مصر فیحنامه ها به اطراف و اکناف دیار اسلام فرستاد و از آن فتح مبین، اولباء دین سجدان شکر سجای آوردند.»

اباقانسبت بجاثلیق تصارای بغداد که یوحنادنها ۲۱ نامداشت دمال احترام را مرعی میداشت دنها بهمین سبب در آنزمان نفرذ فوق العادمای کست کرده بود

26 - Nicelas III

٧٧ ــ خانبالينر ـ يكن يا يكينك بايتغدوين

٢٩ ـ جلدينجم روشةالعنا

۳۰ _ نسور جمع نسر (کر کسها)

31 Jean denna

درسال ۲۷۸ هجری قمری دونفر از مسیحیان نسطوری ۲۳ چین بایس ا آمدند تا ازاین طربق به بیت المقدس برای زیارت بروند، یو حنادنها یکی ا ایشانرا بخلیفکی چین انتخاب کرد و باو نام یهبلاهای سوم یا جبلها ۲ داد و چون یو حنادنها در همین زمان وفات یافت بدستور اباقا یهبلاهای سود بسمت رئیس مذهب نسطوری ایران تعیین کردید .

رئیس جدید مسیحیان ایران رفیق چینی خود را که بارصوما ^{۲۹} نام داشت بخلیفگی سرزمین اویغور نامزد کرد ولی بدستور اباقا بارصوما بعنوان سفیرایران مأهور کشورهای اروپائی شد. اباقاخان نامهای بهپاپ انوریوس چهارم (۱۲۸۷–۱۲۸۵ میلادی) ^{۳۵} نوشت و برای جنگ با اعراب مسلمان تقاضای اتحاد و دمکاری ازاو و پادشاهان اروپا نمود ولی این بارهم مساعی وی دراین راه مشر ثمرواقع نگردید

یهبلا های سوم پیشوای روحانیون مسیحی ایران خود شخصا بادربار پاپ مکاتبه داشته وخواستار اتحاد واتفاق نصارای شرق وغرب بوده است از ابن روحانی بزرك دو نامه بزبانهای عربی و آرامی درموزهٔ واتبکان موجود است. تاریخ نامهها سالهای ۱۳۰۲ و ۱۳۰۶ میلادی است

چهارسطرنامه اول و نامه دوم بزبان آرامی است^{۳۱}که ترجمه آن بقرار زیراست

۳۲- بانی طریته نسطوری ، نسطورییس Nestorius استف تسطنطنیه بودکهدر سوریه بدنیا آمد و درسال ۲۲۸ میلادی بمقام استفی قسطنطنیه رسید بمدها بعلت عقاید افراطیاش (افراطیش) در انجمن مذمبی شهر افز Epkere از منصب خود خلم شد و در حدود سال ۵۶۰ در صحاری لیسی در گذشت به نسطوریها معتقد بودند که مسیح دوطبیعت مجزا اذ یکدیگر داشته یکی افسانی و دیگری ربانی و حال آنکه یعقوبیان را مقیده بر آن بود که این دوطبیعت در ذات مسیح و حدت یافته است .

33- Vahvallaha III

ابن صوما _ برصومه _ وابان سوما Barsuma

35- Honorius IV

۳۶ - عالیجناب اسقت یو حناعیسائی رئیس کلیسای کلدانی های کاتولیك تهران خطوط آرامی واترجمه کردداند . «بنام پدر وپسر و روحالقدس ، بهبلاهای گوشهنشین («متزل)که مافیض عنایت مسیح جاثلیق - پطریارك - طریق مشرق است دعاهای نرا التماس میكند و در راه خداوند ما موفقیت ترا خواهانست ،

معنای چهارسطر اول نامهٔ دوم جاثلیق بزرائ ابران یهبلاهای سوم نیر مانندنامهٔ اول است بااین تفاوت که در حاشیه آن نامپاپ بندیکتوس (بنوای ۲۷ مازدهم ۱۳۰۶-۱۳۰۳) ذکرشده و معلوم میشود که این نامه بعنوان وی ارسال شده است.

متن عربی هروو نامه ورخصوص مسائل مربوط بآئین مسیح و تبلیفات مذهبی است از اب وابن و روح القدس سخن بمیان میآید ولی هیچگونه اشارهای بروابط فیمابین دو کشور نمینماید بنابراین از ترجمه آنه خودداری میشود . (عکس هردونامه در آخره قاله بنظر خواند گان محترم میرسد)

توجهی که اباقا به سیحیان داشت و در بهبود وضع زندگی و معیشت آنها میکوشیدونیز عداوت و دشمنی با مسلمانان مصروشام مردم مسلمانایران و عراق را بشدت از او متنفر و منز جرساخت. بااینکه بعلت ترس از مغول عکس العملی در متنابل اعمال اباقا ابر از نشد ولی باید گفت که شاید یکی از عوامل عدم موفقیت ایلخان مغول در دفع دشمنان خود و سر کوبی ایشان همین عدم اعتماد و انز جار عمومی نسبت با و باشد

اباقاخان در سال ۲۸۱ دجری قمری در گذشت و برادرش تگودار که هفنمین پسر «لاکوحان بود بسلطنت رسیداین پادشاه درسنین جوانی برسم آئین مسیح تعمید یافنه بود و نیکولا نام داشت ولی پس از حشرو آمیزش با مسلمانان بابن دین علاقمند شد و اسلام آورد و احمد نام گرفت بزرگان «خول که بیشتر بودائی یا مسیحی بودند از اینکاراو که لطمه بموقعیتشان میزد بی نهایت متنفر شدند. مخصوصاً اصرار سلطان احمد تگودار در مسلمان کردن مغولان و تبدیل بت خانه ها و کلیساها بمساجد برشدت تنفر و انز جار

مغول افزود و بقول مؤلف حبیب السیر 7 دوظائف اطباء و منجمان نصاری و یهود را منقطع ودر تجهیز قوافل حاج و ترتیب مایحتاج سلسله بیت اله بتأ کید تمام احکام نافذ گشته و

امرا وبزرگان مغول چون این بدیدند خواستارروی کارآمدن ارغسون خان فرزند اباقاخان بمقام خانیت شدند. تگودار چون مسلمان شده بود برخلاف سایر ایاخانان روابط سمیمانه ای باپادشاه مصر برقرار کردواختلافات گذشته را تا حدی برطرف ساخت. کارهای تگودار همانطوریکه اشاره شد برای مغول خوشایند نبود و آنها را وادار بنوشتن نامه های متعدد بدربار قوببلای قاآن اهیر اطور چین و بزر ک خاندان مغول و شکایت ازاعمال ایلخان ایران نمود.

حکومت سلطان احمد تگودار اولین پادشاه مسلمان ایلخانی در نذیجه دو دستگی بزرگان دربار ودسیسه کاری شاهزادگان مغول دیری نهائید وبا کشته شدن وی در ۱۹۸۸ بیع الاخرسال ۹۸۳ه ـ ق ارغون خان زمامدار ایران شد

ب ـ ازارغون تا پایان سلطنت ابوسعید بهادر

درزمان سلطنت ارغون خان (۱۹۰-۱۸۳ هجری قمری) (۱۲۸۱-۱۲۸۸ میلادی) روابط ایران و واتیکان توسعه بسزائی یافت و هیأتهای متعددی بین طرفین مبادله شد و درباب اتحاد واتفاق با عالم مسیحیت برعلیسه مسلمانان اقدامات مهمی صورت گرفت.

ارغون بااینکه بودائی مذهب بود تعلق خاطری نسبت به نصارا داشت ودست آنها را درامور مملکت بازگذاشته بود در نسخه خطی کتاب زینهٔ التواریخ ۳۹ راجع بارغون مطالبی بدین شرح مذکوراست :

۳۸ خواند میر (خواجه غیاثالدین همام الدین معروف و ملتب بخواند میربواسطه کتاب حبیب السیر یکی ازنامی ترین تویسندگان پارسی درسد، دهم هجری است). (سعید نقیسی)

٢٩- جلد درم صفحه ٢٥٥

«ارغون که زنك کفر والحاد آئينه خاطـرش را تيره وتارداشت و چراغ بظامتكدهٔ احوالش نتابيده بود در افروختن آتش شور و شر از همه بيشتر اسرارمي نمود.»

این پادشاه پس ازقتل وزیردانشمند وبا کفایتش خواجمه شمسالدین محمد جوینی ساحبدیوان ، وزارت را بهسعدالدوله ³ یهودی سپرد و بیش ازپیش مسلمانان را ازخود بدبین ومتنفرساخت. حتی مسلمین بیم آنداشتند که ارغونبا کمك مسیحیان واشار قپاپاساس و بنیان اسلام را واژگرنسازد. دراینخصوص سرجان ملکم مینویسد¹³

« در ایام وزارت سعدالدوله یهودی عیسویان را کار بالا گرفت و کوکب اقبال مسلمین راجع گشت تا کار بجائی رسید که اهالی اسلام را در هیچ کار معتبر مداخلت نماند بلکه حکم شد که در دربار شاهی حاضر نشوندو چون پاپای روم نگرولای چهارم سفرا بدربار ارغون فرستاد تا اظهار امتنان از عنایات ایلخان نسبت به پیروان دین مسیح نماید مؤمنین از این معنی برخویش لرزیدند که مبادا خسانهٔ مقدس کعبهراکایسای نصاری کند اما فوت ارغون قطع بیموامیدطرفین کرده و هنوز بدنش سردنگشته بود که گرم گرم خون سعدالدولهریختهشده ۲۶۰۰

کتاب روضة الصفانیز بطور اختصار اشارهای بموضوع فوق نمودهاست . «سعدالدوله بی دولت باارغون مقرر کرد که کعبه را معبد اصنام سازد و اهل اسلام را تکلیف کند تا از عبودیت ملك دیان بعبادت او ثان گرایند » ارغون اصولا بایر انیان مسلمان اعتماد واطمینان نداشت از اینروهمواره

 ۵ عـ سعدالدوله قبل ازرسیدن بعقام وزارت بتجارت اشتغال داشت ، در مقام جدید با مرافقت ارغون خان اکثر قوم و خویشان خود را بعشاغل حساس مالی و کشوری منصوب نمود وی از طبابت سر رشته داشت و ازاطبای معروف زمان خود محسوب میشد .

۱۹- تاریخ ایران س۱۳۹ ذکر سلاطین چنگیزیه۲۶- ۱۹۰ هجری قمری

1

درصدد بود کهازوجوداقلیتهایمسیحیو کلیمی درادارهٔ امور مملکتخویش استفادهنماید.

چون درزمان سلطنت سلطان احمد تگودار تعدادی ازنماز خانه ها و کلیساهابدستور وی ویرانشده بودارغون فرمان داد که کلیه کلیساهای ویران شده را ازنو بسازند و آنهائیکه احتیاج به تعمیر دارند مرمتنمایند.

ارغون خان بعلت علاقه شخصی بمسیحیان و تحریك و تشویق این جماعت كه در دربار اومنزلتی تمام یافته بودند تصمیم به برقراری روابط دوستانه باارو پائیان علی الخصوص با دربار واتیكان گرفت .

ایلخان مغول بصوا بدید یهبلاها اسقف نسطوری ایران هیأتی رابریاست بارسوها ۲۶ کشیش اویغوری بدربارواتیکان اعزام داشت ۶۶.

اسامی اعضای هیاتنمایندگیایرانغیراز بارصوما عبارت بودا**ز**سابادین آرخانون وتوماس آنفوزین و یکنفرمترجم بنام اوگت⁶³.

دراین زمان نیکولای چهارم برمسند پاپی تکبه زدهبود (۱۲۹۲-۱۲۸۸ میلادی) و بسیار شایق بود که پادشاه بودائی مذهب ایران مسیحی شودو مدافع وفادار مسیحیان گردد ، رفتار وسکنات ارغون و علاقه ای که به اقلیت های مسیحی داشت پاپ را تااندازدای در راه وصول بعقصود امیدوارساخته بود .

درسال۱۲۸۸ میلادی نمایندگان ایراندردربارواتیکاننامهٔ پادشادمتبوع خودرا تسلیمپاپ نمودند پاپ نیز درتاریخ دهم آوریل همین سال نامههائی برای ارغون خان ارسال داشت.

درنخستین نامه اولا از اعزام سفرا و مساعی آنان در راه اتحاد مغول و

27- دابان بارصومایاسا و ما که بزبان سریانی بمشای معلم است

33- ارغونخان بد ۱ انودیوس چهادم که مدت کوتاهی مقام پهاپی داشت دوابط صمیمانه ای برقر او کرده بود و دو نامه ایکه برای پاپ مذکود نوشت خاطرنشان کرد که نمایندگانش رابه نیلیپ سوم پادشاه اسپانیا و شارل دانوو معرفی نماید و لی هنگهام و رود نمایندگان بدرباد و اتیکان نیکولای چهادم جای او نودیوس دا گرفته بود . (عکس نامه ارغون خان که بدرباد پاپ اوسال داشته است ضمیم این مقاله است عکسهای شماره ۸ و ۹) 45- Uguet

بان مسیحیت اظهار تشکر و امتنان نموده ودرثانی راجع باصول و قوانین دهب کاتو ایك و نجات ورستگاری ابناء بشر در نتیجه فداکاری در راه حقانیت رزآ نین و پیشوای آن یعنی پسرخدا (عیسی) که با سمانها معود کرده و رستاخیز وی که باعث نجات مؤمنین خواهد شد و نیز در مورد حواریون و سر دسته آنها سن پیر مطالب مبسوطی در نامهٔ خود ذکر کرده است ، و در پایان نامه پاپ نبکولا ، ارغون خان را تشویق میکند که با پذیرفتن مذهب کاتولیك بسوی سمادت و رستگاری گام بر دارد ۲۶.

درنامهٔ دوم که آننیز درتاریخ دهمآوریل نوشته شده پاپ میخواهد که به بعض رسیدن نمایندگانش بدربار ایران ، ایلخان با او در مورد آزادی ارضاقدس همداستان کرده و هرچهزودتر مسیحی شود و تعمید یابد تابدین ترتیب کروهبیشماری ازاتباعش ازوی پیروی نمایندوبسوی مسیحیترو آورند ارغون مینواند با گرویدن بآئین مسیح ازعذاب دوزخ برهدوسهادت جاودانی برای خود کسب نماید.

پاپدرهمین زمان نامههائی برای دوشاهزاده خانم مغول باسامی الگالی ۷۶ و تو کتان ۸۶ هردو مسیحی بودند ارسال داشت و از مساعی آنان در راه ترویج وانتشار مسیحیت تشکر نمود . نمایندگان اعزامی پاپ مرکب از چند فرانسیسکن بودند که ریاست آنها را ژون دومونت کوروینو ۶۹ برعهده داشت اعضای این هیأت قبلا مدت ده سال در مشرق زمین و در سختترین شرایط به تبلیغ واشاعه دین عیسی مشغول بودند و چون در سال ۱۲۸۹ میلادی بروم بازگشتند پاپ نیکولای چهارم که از تجربیات و اطلاعات و سیع آنان در خصوص مردم شرق و عقاید و آداب و رسوم آنها مستحضر شده بود به کوروینوه ماموریت داد که بدر بارارغون خان رود و نامه های و یرا تسلیم نماید.

اليف دوسون Histore des Mongol جلد چهارم تأليف دوسون 47_ Elegag

جی۔ توکتان خاتون Touctan بیوه آبانا ومادرگیناتوخان بود 49 - John de Monte Corvino - 4

کوروینو با یارانش عازم دربار ایاخان ایران شد و پس از چند ماه باینخت ایران * رسید و مورد پذیرائی دربار ایران قرار گرفت نمایندهٔ پار بعقیده مؤلف تساریخ مغول * * پاپ را در نظر ارغون و درباریانش همچور خداوند و رهبر و پیشوای یکانه معرفی کرد و چنان کرد که تاتارهای ساد دل با آغوش باز از هسیحیت استقبال کردند

کوروبنو کشیش متهور و ازجان گذشته واتیکان پساز اینکه در تبر بز ماموریت خودرا بانجام رساند برای ترویج آئین مسیح راه خاور دور را در پیش گرفت و بکشور باستانی چینرفت ودر شهرهای بزرگ و پرجه هیت آن مملکت کلیساهای باشکوه بنانهاد. بطور کای مفاد و مطالب بیشتر نامه هائیکه پاپ در اینزمان بدر بار ایران ارسال داشته همانطوریکه قبلا ذکر شدتشویق و تحر بین ایا خان مفول و در باریان او بگرویدن بآئین مسیح است، در بعضی از ابن نامه ها پاپ مصر ۱ از پادشاه ایران میخواهد که حامی و پشتیبان نمایند گان اعزامی او باشد و از جان آنها در قبال دشمنان و بدخواهان حمایت کند

ارغونخان در پاسخ نامهٔ پاپ نامههائی نوشت و آنرا به بوسکارل - دوژیزلف ۴ که از اهالی بندر جنوا ۳ بود سپرد تاهرچه زودتر بهمراهی عده دیگری از نمایندگان او بدربار پاپ برساند.

بوسکارل مأموریت داشت که شخصا باطلاع پاپ برساند که قوای نظامی ایران آماده است که بیت المقدس را از چنگ مسلمین بدر آورد و در این مورد حمایت و پشتیبانی پاپ و پادشاهان اروپائی را طالب است

پاپ بلافاصله بوسکارل را که حامل نامه هائی نیز برای ادوارد اول

ه ٥٠ يايتخت ايران دراينزمان شهر تبريز بود

۵۱ دوسون۔ جلد چهارم س ۲۹ ـ ۷۰

52 - Buscarelle de Jisulf

op- ازبنادر مروف ایتالیا Genes

۱۳۰۷ – ۱۲۷۲ میلادی پادشاه انگلیس و فیلیپ لوبل^{نا م} (۱۳۱۶ – ۱۲۸۵ میلادی) پادشاه فرانسه بود بکشورهای هزبوراعزام داشت.

ضمنا پبشوای کاتولیکها طی ناهه هائیکه بپادشاهان انگلیس و فرانسه نوشت تأکید و توصیه نمودکه بدقت نامه های سلطان مغول را مطالعه کرده نصمیمات مفید و ثمر بخشی کسه برای ایلخان ایران اهیدوار کننده باشد، اتخاذ نمایند متن نامه پاپ از اینقراراست .

وقتی که پسران عزیز ما نجیبزادگان آندره کسه قبلا زاگان نام داشت و در دربار ما بوسیله کاردینال اوستی در راه خدا تعمید یافته است و برادر زادهاش دومینیك که سابقاگر کی نامیدهمیشد وباسکارلوس دوژیزلفوس همشهری جنوائی وهمچنین موراسوس که فرستادگان ارغون پادشاه مشهور تاتارها و حداملین پبشنهادات و نامه ها هسنند بدربار شما رسیدند، تقاضا داریم که از آنها بخودی پذیرائی نمائید و چیزهائی را که از شما درخواست میکنند بدقت توجه نمائید و بسرعت کار آنها را روبراه نموده و توجه نمائید و بسرعت کار آنها را روبراه نموده و اعزامشان دارید زیرا هادر بازگشت آنها میخواهیم کهسفیر مخصوص و فوق العاده خود رابدربار پادشاه اعزام داریم: »

نامهایکه ارغون خان بعنوان پادشاه فرانسه نوشته و ارسال داشته بود بزیان مغولی و خط اویغوری بود که اکنون در آرشیو دولت فرانسه محفوظ است و ترجمه آن ازاینقرار است:

54-Philippe IV > lebel

« بقدارت خدای ابدی ، تحت توجهات وعناید خاقان ارغون ، گفتهٔ ما : ، پادشاه فرانسه ، بوسید سفیر ، مارباسوماساخورا بمن اطلاع دادی، وقتی که دستجات قشون ایلخانی بجنگ مصریان میروند عزیمت خواهید کرد تابماهلحق شوید، خبر عزیمت شم برای مامسرت بخش و دلپسند بود .

من گفته ام که پیشنهاد کرد ایم که درراه خداد، آخرین ماه زمستان سال ۱۲۹۱ میلادی حر کت کنی وجلوی دمشق موضع بگیریم ، در پانزدهم اولینما بهارا گر توقول بدهی و سپاهیانت را درموعد تعییر شده بفرستی خداوند بمار حمت میآورد و بیت المقدم را میگیریسم ، من موسکریل ° الو کوروجی ر بحضورت میفرستم که بتو بگویند که اگر توبرای سفرای دانائی بغرستی که بچند زبان صحبت کنند برای ما پیشکش ها و تحفه ها و تصاویر رنگا رنگر برای ما پیشکش ها و تحفه ها و تصاویر ونگا رنگر و خواهیم پدیرفت و بقدرت خداوند و افبال خاقاد خواهیم پدیرفت و بقدرت خداوند و افبال خاقاد نامه ما نوشته شد در کوندولن ۲۰ در ششمین رو اولین ماه تابستان سال گاو... ه

وقتی بوسکارل وارد دربار فرانسه شد چون نسامه بزبان مغولی بو هیچکس نتوانست از مضمون آن مطلعشود. دوسون ۵۷ مینویسد:

۵۵ ـ موسکر بلهمان بورسکارل است چون مغول اغلب بجای حرف بحرف میم میگذاشت. - - Condaulen

> ۵۷- د ـ ك به ناديج منول س ۷۷ ــ ۷۳ جلد چهادم (۲۹)

«ارغون میداند که پادشاه فرانسه آماده است که باارتش خود بار ملحق شود تابرسر زمین مقدس تسلط یابند اگر شاه فرانسه باهمراهان خود بیاید ارغون بکمك او و پادشاه مسیحی گرجستان که دستنشاندهٔ اوست میتواند بیست هزار نفر سوار نظام وخیلی بیشتر ازاین تهیه و آماده سازدو چون برای پادشاه فرانسه و بارون هایش دشوار است که باتعداد کثیری اسب ازراه در نوخشکی به بیتالمقدس برسندلذا ارغون خان بیست الی سیهزار رأس اسب برای آنها خواه بعنوان پیشکش و خواه در ازای دریافت بهای مناسب تهیه خواهد نمود و همچنین ارغون قول میدهد که تعداد زیادی چهار با وهمچنین غلات و سایر احتیاجات قشون را فراهم سازد»

ازطرف دولت فرانسه بتشویق پاپ نمایندگانی چند بابران آ مدند ولی اینهابه بهانهاینکه ارغونخان مسیحی نیست حاضر نشدند کمه در مقابلش زانو بزنند، بااینکه ایلخان چندین بار بوسیله افسران خود بنمایندگان فرانسه چگونکی اجرای مراسم و تشریفات درباری را تعلیمداده بود معهذا فرستادگان پادشاه فرانسه حاضر بانجام این مراسم نشدند ارغون خان بناچار آنهارادر این خصوص آزاد گذاشت ولی درنامه ایکه برای حکومت فرانسه نوشت تقاضا کرد منبعد اگر سفیری اعزام میدارند باو تعلیم دهند که همان تشریفات و احتراماتی را که برای دربار خودشان قائل میشوند در اینجانیز مرعی دارند.

نیکولای چهارم در تاریخ ۲۱ اوت ۱۲۹۱ میلادی نامهای بارغون خان نوشت و باو اطلاع داد که بوسیله زاگان نامههای ویرا دریافت داشته و بر حسب تقاضایش ویرا بانگلستان وفرانسه فرستاده است دراین نامه بار دیگر سریحا ویرا بکرویدن بآثین مسیح وانجام غسل تعمید دعوت کرده است . پاپ ضمناً نامهای برای اروك خاتون ۸° فرستادواز اینکه او مسیحی مذهب است اظهار خوشحالی و شادمانی نمود .

۰۵۱ اروك خاتونازنوادگاناونگ خان یادشاه قبیله کرائیتبود، این زن درتمامزندگی در کیش مسیعی سرمیکرد وهمیشه نود او کشیشی مسیعی پسرمیبرد، پسرش را پس اذخسل تعمیه نیکولا نام نهاد درحالیکه اسم مغولی اوکارباگاندا بود «Carbagand» بطور کلی درزمان سلطنت ارغون با وجود مبادلهٔ سفرا وارسالنامهها: متعدد بین واتیکان وایران مساعی طرفین در اجسرای نقشهٔ تسخیر مجدی بیت المقدس وسر کوبی مسلمین مصرو شام عقیم ماند ولی توسعه و گسترش روابط سیاسی سبب ازدیاد نفوذ وقدرت روحانیون مسیحی درایران گشت بکوشش آنان واجازهٔ ارغون خان کلیسا های متعددی درایران ساخته شد

ضمنا بعلت آمدو رفت زیاد نمایندگان اروپائی بدربار ایلخان ایران و توجهی که اینان بامتعه و کالاهای ذیقیمت شرق داشتند باب مراودات تجارتی ببش از پبش مفتوح کشت و شهر تبریز پایتخت ایلخانان یکی از بزرگترین مراکز بازرگانی آسیا گردید.

ارغونخان در سال ه ٦٩ هجری درگذشتوبرادرشگیخاتو که مردی عیاشو بقول مورخان قدیم فاسق وفاجر بود بایلخانی انتخاب شد

درزمان سلطنت گیخاتو کناب دیاتسرون ^{۵۹} بفارسی ترجمه شد نسم مترجم در کتاب ذکر نگردیده ممکناست نام او در صفحه اول کناب کسه مفقود گردیده ذکرشده باشد با توجه بجدول رمزی که در حاشیه کناب نرسیم شده میتوان احتمال داد که مترجم آن عز الدین محمدبن مظفر معروف بوده است این شخص در در بار گیخاتو مقام ومنز لنی رفیع بدست آورده بودو همواره مورد توجه وعنایات ایلخان و وزیر او صدر الدین زنجانی قرارمیگرفت بطور کلی در زمان گیخاتو و جانشینش بایدوخان ۲۰ بعلت قلت ایس

بطور هی در رمیان دیجادو و جمانشیدش بایدوحان می بعدت فدت ایسم سلطنت و هر جو مرج و آشوب داخلی و بیکفایتی ایلخانان مذکرور فرست بر قراری روابط مجدد با اروپا حاصل نگردید .

بایدوخان با اینکه مسیحی نبود پیوسته در تسوسهه و پیشرفت آئین مسیحیت میکوشید با اینحال نسبت بمسلمانان بمهر بانیوشفقت رفتار میکرد وحسی برای دلجوئی ایشان فرزند خودرا برای اقامه نماز جماعت میفرستاد.

۵۹- یکنفر مسیحی سریانی بنام طاطیانوس اناجیل ادبعه (لوقا ـ مرقس ـ یوحناـ متی)دا درهم آمیخت واز آن کتابی تدوین نمود که دیا تسرون نامیده شد. دراین کتاب سمی شدهاست که با حنف مضالب مکراری، زندگی مسیح بطور کامل تشریح گردد.

[•] ٦- بايدوخان فقط عشماء حكومت كرد.

غاز انخان فاتح بيت المقدس:

جلوس غازانخان بتخت سلطنت (۲۰۳–۹۹۵ هجری قمری-۱۳۰۶–۱۲۹۵ مبلادی)که اسلام آورده ودرایندین تعصب میورزید آغازیك سلسله تحولات اساسی دراوضاع داخلی وروابط خارجی ایران بود .

دراینزمان بملت فوت قوبیلای قاآن بزرگ خاندان مغول حالت اطاعت و فرمانبرداری ایلخانان دخول نسبت بدربار خانبالیغ بکلی از میسان رفت و سلاطین مغول ایران استقلال یافتند.

بسبب کرویدن ایلخانان بآثین اسلام ، مسیحیان که تااین زمان همسواره مورد توجه وعنایات دربار هغول بودند بیکباره موقعیت و اعتبار خود را از دست دادند . در کتاب جامع التواریخ ۲۰ رشیدی راجع به ازمیان برداشتن معابد وبتخانه ها مطالبی بشرح زیرمذکوراست :

غازانخان گوید دفرمود که پدرمن بت پرست بود و بر آن در گذشتو جهت خود بتخانه و معبد ساخته و بر آن و قفی کرده بنام آن جماعت و من آن بتخانه را خراب کردم »

در روضة الصفا منقول است .

«باطراف وجوانب مکتوبات ارسال نمود تا مجموع کلیسا های نصاری و دیر مجوس را که سالهای دراز بهزر ودینار وجواهر شاهوار مزین و آراسته بود غارت کردند ».

دوسون ^{۱۲} مینویسد «که مأمورین غازان در موصلعلاوه بر خسرابی کلیساها ظروف مقدس را نابود کرده فهصلیبی و نه عودسوزی و حتی نه کساب انجیلی که پوشیده از طلایا نقره بود باقی نگذاردند . »

ضمنا بدستورغازان دو کلیسای زیباراکه یکی متعلق به فرقهٔ یعقوبی و

TY- روك به كتاب Histoire des Mongols جلد جهادم

دیگری بفرقهٔ نسطوری تعلق داشت بکلی نابود کردند ^{۱۳} بفرمان ایلخان مسیحیان ملزم بودند که باعلامت زناریا وصلهای برلباس خود درمعابرظاهر شوند یهودیان نیز مجبور بگذاشتن کلاه مخصوص برسر بودند تا از مسلمانان تمیز داده شوند در شهرهائی که تعداد مسیحیان زیاد بود توهین واهانت نسبت بآنان باشدت بیشتری انجامهیشد چنانکه دربغداد قوم نصاری جرئت خروج ازخانه را نداشتند فقط زنان مسیحی بعلت تشابه البسهٔ خود با مسلمانان مبتوانستند در صور تیکه شناخته نشوند بآزادی در کوی برزن رفت و آمد نمایند ^{۱۳} سرپرسی سایکس ۲۰ در مورد سختگیری غازان نسبت بمذاهب غیر اسلامی میگوید که اگروساطت پادشاه ار منستان از مسیحیان تبعه ایران نبود تعدیل روش خصمانه سلطان مغول نسبت باین قوم ممکن نمیگردید.

غازانخان که درجنگ برعلیه مصریان بکمك ارامنه و گرجیان نیاز مند بود اقداماتی را که علیه مسیحیان و یهودیان آغاز کرده بود متوقف ساخت و روش مدارا درقبال ایشان پیش گرفت وحتی جزیه را که مجدداً ازغیر مسلمین گرفنه مبشد المو ساخت اما بودائیان را مجبور کرد که یا اسلام آورند و یا کشور را ترك گویند .

با وجودسختگیری وشدت عملی که ابتدا غازان نسبت بعیسویسان از خود نشانداده بودهم الوصف روابط سیاسی ایران با دربار واتیکان وسلاطین اروپائی کماکان بر قرار بودحتی با وجود مسلمان شدن ایلخان همچنان پاپهای رم انتظار داشتند که بکمك پادشاه ایران دنیای مسیحیت را در پیکار با مسلمین به پیروزی و موفقیت رهنمون کردند.

۹۳ بفردولت قاهره الاعودالصلیب اعوادمنابر ساختند واذ کلیساء سیاه کلیمان و صوامع مجوس معابد ومساجد اسلام برافراختندددیکدم عالمی الاعمه مثلالت وشر کت کفربنورصدق ایمان داه یافتند .. نقل الاناریخ وصاف ص ۳۲٤

٢٦٠ر، ك به تاريخ مغول اقبال س٠٦٠

٥٥ ... دوه تاريخ ايران س١٥٥ جلد دوم

٦٦- درباد واتيكان ظاهر ۱ اطلاعی از مسلمان شدن غازان غداشت. (عكس نامه غازان خان كه بدرباد واتيكان فرستاده است ضميمه اين مقاله است عكس شماده ۱)

دراینزمان صلیبیون درشام وفلسطین بعلت قدرت سلطان مصر ، الملك منصورسیف الدین قلاوون استحکامات ومواضع مهم خود رایکی پسازدیگری از دست داده و عقب نشستند صلاح الدین خلیل پسر و جانشین قلاوون دنبالهٔ اقدامات پدر را درنابودی قدرت صلیبیون تعقیب کرد و پس از چندی شهرهای مستحکم عکا وصید او صور و بیروت را از ایشان پس گرفت و بمکلی قدرت آنها را در این نواحی مضمحل ساخت .

غازان خان به پیروی ازهدفهای جاه طلبانه اسلافخود تصمیمبلشکرد کشی بصفحات شام و فلسطین گرفت ودرسال ۲۹۹ هجری بشام حمله برد و بزودی موفق بفتح اینناحیه وسرزمین فلسطین کردید .^{۲۷}

خبر پیروزی وموفقیت ایلخان ایران برممالیك مصرانعكاس مطبوعی در اروپا داشت و پاپ و پادشاهان و امرای مغرب زمین را غرق شادی و شعف نمود آنها سالهابود كه مرتبا دچار شكست و ناكامی در مبارزه بامصریان میشدند بنا براین فتح مجدد اماكن مقدس كه زاد گاه مسیح و زیار تگاه میلیونها عیسوی جهان بود آنهم بوسیله سلطان مغول كه ایشان و برا مسیحی می پنداشتند و اقعا مسرت بخش بود .

دربار واتیکانوسلاطین اروپائی بلافاصله پس از وصول خبر فتح بیت المقدس مصمم شدند که با تشویق و ترغیب ایلخان به ادامهٔ این پیکار بکلی ریشه نفود و اقتدار مصریان را در فلسطین براندازند و بدین ترتیب انتقام ناکامیهای خود را در مبارزهٔ با ممالیك مصربوسیله قوای مغول بگیرند .

غازانخان نیز با وجود تعصب در دین اسلام برای تکمیل فتوحات خویش در بلاد شام وفلسطین مایل بایجاد روابط دوستانه با اروپائیان بود وهمکیشی با مصریان مانعی درراه مقاصد وی ایجاد نمیکرد این مطلب برای پاپ وسایر سلاطین اروپا این شبهه را بوجود آورد که ایلخان باطنا تعلق خاطری بدین اسلام ندارد و ممکن است باندای تشویقی تغییر آئین دهد .

۳۷- البته بعلت هجوم منولان جنتاعی غازان بناچار نواحیمفتوحه را رهاکرد و مصریان باردیگر آنهار[باشنالخود در آوردند.

¥

سرجان ملکم مینویسد ، ٦٨

دغالبا محرران فرنگستان را عقیدت این شد که غازان در دیسن اسلا استوار نبود و جنگهائی هم که علی الاقصال با سلاطین مصر داشت که در آن ایا ماین ایشان حامی دین پیغمبر عرب بودند تأیید عقیده ایشان را نمود لکن محرران اسلام در صدق عقیدت و رسوخ ارادت غازان خان شک ندارند ،

پاپ بو نیفاس هشتم (۱۳۰۳ میلادی) که آر زوداشت یکبار دیگر ار ض اقدس یا کعبه مسیحیان بوسیله ایلخان مغول مستخلص گردد و بقوم نصاری واگذار شود سلاطین اروپا را باعزام سفرا وارسال نامه های محبت آمیز بدر بار تبریز تشویق میکرد . ¹⁹لکن در آن ایام اروپائیان بعلت گذشت زمان و تبحر بیاتی که از محاربات صلیبی کسب کرده بودند هیچگونه عکس العمل مساعدی در مقابل پیشنهادات و خواسته های پاپ از خود نشان نمیدادند و اصولاسر کر میها واشتغالات داخلی بآنان فرصت و مجال توجه باینگونه مسائل را نمیداد.

جیمز دوم پادشاه آراگون در رمضان سال ۷۰۰هجری قمری (۱۳۰۰ه میلادی) نامهٔ سراسر تحسین و تهنیتی بوسیلهٔ سفیر خودموسوم به پیرسولیورو ۲۰ که از بورژواهای بارسلون ۲۱ بودبایران فرستاد و در آن نامه خاطر نشان ساخت اتباع او حاضر ند پابه پای عساکر ظفر نمون ایسران در راه آزادی فلسطین بجنگند و تا پای جان در این راه استقامت کنند ، ضمناً از غازان خان در خواست کرد که اولا از زوار آراگنی که برای زیارت اماکن مقدسه بفلسطین می آیند مالیات و خراجی گرفته نشود و در ثانی یك پنجم از اراضی مقدسه را که از مسلمین گرفته است به مسیحبان واگذار نماید .

۳۸ ـ د دك به نادیح ایران س۱۶۱ ذکرسلاطین چنگیزخانیه ۲۹ ـ دردوزه واتیکان خامهای اذغازان بزبان متولی وبغط اویتوری موجود است کهبرای پاپ بونیفاس هشتم اوسال شده است. ماریخ نامه سال ۱۳۰۲ میلادی است

70- Pierre Solivero

71- Barcelonne

معلوم نیست که غازان خان به تقاضای پادشاه آراگن چه جوابی داده است . میتوان گفت که ایلخان ایران بی میل نبود که در صورت فنح اماکن مقدس متی از آنر ابمسیحیان واگذار نماید تامراسم مذهبی خود رادر کمال آسودگی آسایش انجام دهند . ایلخان بزرگ ایران با دربار انگلستان و فرانسه نیز روابط سیاسی برقرار کرده بود و سفرای اوبحضور ادوارد اول پادشاه انگلستان رسیدند و نامه های سلطان متبوع خود را تسلیم نمودند ادوارد نیز سفیری به مراهی دو تن از رجال دربار خود بایران فرستاد و نامه ای نیز برای خایفه مسیحیان مشرق ارسال داشت ۲۲

بیملافکی سلاطین اروپا بمسائل مشرق و کمقدرتی پاپ دراینزمان کسه دیگر آننفوذ کلام سابق را نداشت و نیز شکست بزرگ غازان درسال ۷۰۷ هجری در محل مرج الصفر ۲۰ از سپاهیان سلطان مصر الملك الساصر و متحدینش کلیه اقداماتی را که در طریق اتحاد و اتفاق دول اروپا و پاپ با دولت ایلخان ایران انجام شده بود بی ثمر ساخت

قیصر روم شرقی که دراینوقت آندرونیك پالئولوگ نام داشت از تهاجم نرکان عثمانی بهقلمرو حکومت خویش بیمناك شده وازعازان کمك خواست ولی درگذشت ایلخان مانع از همراهی وی نسبت بدولت بیزانس کردبد .

باابنکه ساطان محمود غازان چندان رعایت حال مسبحیان کشور خود را نمبکرد معهدا در گذشت او درسال ۷۰۳ هجری قمریبرای مسبحیان که امید بسیاری باو در مبارزه با ممسالیك مصر بسته بودند دأسف و اعدوه باد آورد.

12-Geoffre de Langley

۷۳ طومار یااوران سیروسیاحت آنها موجود است و نیز صورتی داجع بمعارج و مصارف انها که از جمله خرید طروف نقره، خرقه خز وفروش عالی میباشد با نیمانده آنها از داه جنوابه طرابوزان و نیروز سفر کرده و دربر گشت به میهن خود یك پلنگ زند، که در نفس بوده است باخود آورده وغیراراین چیزی داجع بسفارت و مآموریت شان دردست نیست ادالیه ماریخ ایران سرپرسی سایکس س۱۳۰

٧٤ ـ مرج الصغر نز ديك شهر دمشق يايتغت سوريه

سرجان ملكم ٧٠ دراين باره اشاره ميكند.

مؤلفان غرب برفوت غازان افسوس میخورند ازاین سبب که عماد ما وسناد مذهب عیسوی ویرا دانند لکن گویا این افسوس بجهت این باشد د آخر سلطانی بود ازایران که علیالظاهر دراسترداد فلسطین مایل بمعاون ییروان صلیب بود.»

سلطان محمد خدابنده الجاتور · ٢ وياب كلمان ينجم ٢٧

ایلخان جدید فرزند ارغون وبرادر کوچك غازان بود وچون مادرش قبیله مسیحی کرائیت بود درسنین طغولیت مطابق آئین مسیح تعمید یاف ونیکولا نام گرفت.

الجاتیو پس از مرگ مادر بعلتازدواج بازنی مسلمان باسلام متما شد و براثر تشویق روحانیون حنفی خراسان شعبه حنفی مذهب تسنن پذیرفت، بعدها در نتیجه نفوذ و قدرتیکه علمای شیعه در دربار او بدس آورده به اصرار آنها شیعی مذهب گردید و تا آخر عمر را دراین کین بسر آورد .

الجاتیوشهرسلطانیه را ساخت و آنرامقر حکومتخود قرارداد. نوشته از خو که بعلت گذشت و اغماضی که این پادشاه درحق اقلیتهای مسیحی از خو نشان داد در زمان او قریب ۲۰ کلیسا درسلطانیه برپاشد وبدستور پاپ ژا سیز دهم شهرسلطانیه مرکز اسقف نشین دومینیکنها در آسیای غربی انتخا کردید ۲۰ سلطان محمد خدابنده پس از فتح گیلان که مدت طولانی اوقا وی مصروف آن شد تصمیم گرفت به بلاد شام و فلسطین لشکر کشی کند مسیحیان ارمنستان و جزیره قبرس نیز شاه را باین کار تشویق میکردند، و

۷۵_ر.ك به تاريخ ايران س١٤٢

۲۷- الجاتیو کلمه ای منولی است بمسنای آمرزیده. پادشاهی سلطان محمد خدابنده الجا از ۷۰ تا ۲۱۲ هجری قمری (۱۳۱۹-۱۳۰۶ میلادی)

۷۷- برتران دو گت، کلمان پنجم دورژپایی ازه ۱۳۰ تاً ۱۳۱۶ میلادی

۷۸ - شهریکن یا خانبالیغ مرکز استفان فرانسیسکن در آسیای شرقی بود

ای نیل به پیروزی قطعی خیلی مایل بود که از حمایت پاپ وسایر پادشاهان ، امرای مقتدر اروپائی بهرممند گردد بنابراین در زمان سلطنت این پادشاه مم مبادلهٔ سفرا و نمایندگان سیاسی و مذهبی وارسال مراسلات کمافی السابق برقرار بود .

الجایتو در سال ۷۱۶ هجری (۱۳۰۷ میلادی) سفیری بنام توماس ابلدوچی ۲۹ را بانامه هاتی که در محل او جان بخط اوینوری نوشته شده بود مأمور فرنگستان کرد در این نامه سوابق روابط ایرانیان با اروپائیان واتحاد واتفاق آنان برعلیه سلطان مصر بازگو شده بود . . .

الدوچی نخست بفرانسه رفت و بخدمت فیلیپ لوبل پادشاه این کشور رسید وپس ازدوسال اقامت در این مملکت باتفاق مردی موسوم به مملاخ مازم انگلستان کردید و درشهر نارتمپتون بنزد پادشاه انگلیس ادوارد دوم رفت و نامه ای را که بعنوان ادوارد اول نوشته شده بود بوی تسلیم نمود ۸۱

ایلدوچی ومملاخ پس از دربافت جواب نامه در تاریخ ۱۹ کتبر سال ۱۳۰۷ ازانگلستان روانه ایتالیا شدند

دوسون مؤلف تاریخ کبیر هغول دربارهٔ سیاست و روش محیلانه توماس ابلدوچی خاطرنشان میسازد که وی در تمام مدت توقف خود دراروپا مذهب پادشاه متبوع خود را پنهان داشت و همه جا وائمود میکرد سلطان محمد خدابنده مانندووران کود کی خود، مسیحی باقی مانده و باین کیش فوق العاده علاقمند است ^{۸۸}. این موضوع برای پاپ کلمان پنجم و سایرین که امید تسخیر مجدد اماکن مقدسه را در مخیله داشتند امیدوار گننده بود، بیشتر از همه مجدد اماکن مقدسه را در مخیله داشتند امیدوار گننده بود، بیشتر از همه یاکی که عمدی دردست دارد میباشد.

80- Mumlukh

۸۱- ادوارد اولاندکی پیش ازورود سفرای ایران بدرود حیات گفته بود. ۸۲— شاید بدستور الجاتیوکه مایل بجلب کمك اروپائیان در جنگ بر علیه امرای شام و مصربود بدینگارمبادرت ورزیده باشد پاپ علاقمند بود که با پادشاه بظاهر مسیحی مشرق زمین دوستی و مودت گذشد. را تجدید نماید .

در تمام نامه هائیکه از پاپکلمان پنجم (مورخ مارس ۱۳۰۸) وادوار د دوم پادشاه (مورخ ۳۰ نوامبر ۱۳۰۷) وفیلیپ لوبل موجوداست صریحا خدابند. را باتحاد و انفاق برعلیه مسلمانان و نابودی آئین محمدی دعوت کرده اند.

ترجمهٔ متن نامه پاپ را که درتاریخ اول مارس ۱۳۰۸ از پوانیه ۸۳ برای سلطان محمد خدابنده الجاتیو ارسال داشته است عینا از کتاب تاریخ مغول دوسون نقل مینمائیم:

دمابا کمالخوشوقتی ، سفیرشماتوهاس ایلدوچی را که حامل نامههایتان برای ما بوددردربار روحانی خودپذیرفتیم وبادقت بسیار محتویات ومطالب نامههارا مورد بررسی قرارداریم، آنچه را که دراین نامهها نوشته شدهبود و آنچه را کسه نماینده شما برای ما بیان کرد با کمال خرسندی و رضامندی میپذیریم .

پیشنهاد کردهبودید کهبشما درراه آزادی واستخلاص مجدد بیت المقدس کمك و مساعدت کنیم و نوشته بودید که حاضرید دویست هزار رأس اسب و دویست هزار بار گندم در ارمنستان آماده نگهدارید تا هنگامیکه قشون مسیحیان بآنجامیر سند از آنها استفاده کنند و ضمناً خود تانهم از ایران بایک سد هزار سوار نظام برای کمك و مساعدت مسیحیان جهت بیرون راندن قوای دشمنان از بیت المقدس آماده حرکت میباشید .

ماپیشنهادات شما را بانهایت خشنودی می پذیریم ، درواقع خواسته ها نظرات شما باعث قون قلب ما شده است همچون غذائی روحی و معنوی متصور میکنیم که سفیر شمامانند فرشته ای از جانب فرشته دیگری مانند خود تمهد کرده است که مانند آباکوك به دانیل ^{۸ ۸} که در قفس شیران محبوس است ۸ - ۸ وانیه وانم درخاك فرانسه

Daniel -۸٤ دانیل یادا بیال یکی از چهارپیامبر بورگ بنی اسرائیل بود (قرن هفتم قبل از میرودورو

ای مقوی برساند البته شما برای ما غذائی شیرین فرستاده اید و هارا با حنین همراهی ومساعدت پرافتخاری امیدوار ساحته اید

در خصوص این مسأله بابرادران خود مذاكر. ومشاوره كرديم وموضوع زادی بیت المقدس را بانهایت دقت وموشكافی مورد مطالعه قراردادیم.

ما بین تمام آمال و آرزوهایمان ، آنچه همواره فکرو اندیشه ما را بخود معطوف کرده اینست که ببینیم باموهبت الهی زمینی که پاهای خداوند ما (عیسی) آنرا لمس نموده است برگردد بهپرستش و دیانت مسیح . ۸۰

معهدا تصور میکنیم (عقیده ما چنین است)که باید با توجه و دقت هرچه دمامتری وسایلی را که بتواند این منظور خیر خواهانه و مقدس را به نتیجه مطلوب برساند در نظر گیربم

ازاینجهت ما و برادران ،دقت خواهیم کردکه این موضوع موردهشاوره دقبق قرار گیرد

و امیدوار بم که ، بایاری بارینعالی تاآنجائی که در توانائی داریم بآنچه که خدا بر ما الهام میکند جامه عمل بپوشانیم وقنیکه فصل مناسب برای گذشتن از دریا فرارسد ماکوشش خواهیم کرد که بوسیله نامه یاچاپاربشما اطلاع دهیم تا شما خود را برای چنبن اقدام بزرگی که ذات والای شماوعد، آنرا بما داده استآماده و مهبا سازید

اما شما باایمان واعتقادر اسخ بسوی مسیحیت رو بیاورید ۸ که در حقیقت

امه از صفحه معابل

میلاد) اودسته ای ازجوانان اسرائیلی دا ببایل تیمید کرد، وی مورد توجه و عنایت پادشاه

بل نبو که نصرو جانشینش Evilmerodach قرادداشت این امرحسادت مفان بابل دا بر

نگیخت آنهاشاه دا وادار کردند که دانیل را بتفس شیران بیندازدولی قردای دوزبعددافیل دا

معبر و سالم بافتند (بورات) درادییات معبر لا موضوع دانیل و تفس شیران و ایرای کسانی

ده ازمهلکه بطور رمعجره آسائی جان بسلامت برده اند بعثوان مثال و شاه میآودند. فقل الا

. ٨ - اين مطلب مير ساند كه ياپ در مورد مسيحي بودن الجايتو بديد. شك و ترديد مينگرد

٨٠ بيدا المتدس بمسيحيان تعلق كيرد...

راه زندگی و تقوی است ، از او وحکومت روحانی او پیروی کنید ،باکه قوت و استحکام در تصمیم قابل تمجیدی که در مورد بیت المقدس گرفته ا، پابر جا و استوار باشید .

بکوشید در این خصوص و مسائل دیگر مربوط بآن ، تاسرزهینی را ن عیسی (نجات دهندهٔ)آنرا تحسین و تمجید کرده است بد ستآورید تادر نتیجد از عیسی مسیح حصه بزرگی از سعادت و لذات آسمانی و افتخار و سربلندی دراین دین کسب نمائید ما و مرکز روحانی ما از کامیابی ها و افتخاراتی که نصیب شما خواهد شد شادمان و خرسند خواهیم گشت . .

200

پاپ در نامه دیگری که برای اولجایتو نوشته است ابراز خرسندی مینماید که نیکولا^{۸۸} به تعمیدی که یافته است وفادار بماند و فرایش دینی خود را مانند دیگرمسیحیان انجام دهد.

ضمنا باو اندرز میدهد که روش و شیوهٔ زندگی خود را تغییر ندهد و در این مورد از کسی ترس و واهمه نداشته باشد ، سپس اصول آلین مسیح را مفصلا برای وی تشریح نموده و درپایان نامه در مورد لباس و غذای دو برادر روحانی که مأمورند نامههای او را بایلخان برسانند توصیه و سفارش میکند .

لازمست که باین نکته اشاره شود که در تمام دورهٔ سلطنت ابلخانان برایران پاپهاهمیشه واسطه ارتباط سلاطین اروپائی باایران بودهاند واصولا در آندوره سلاطین مشرق زمین شأن و مقام و منزلت پاپ را مافوق سلاطین دیگر اروپایی تصور کرده و رباست و سیادت ایشان را برسایرین مسلم میدانستند . ^^

باوجود علاقه و میل وافری که پاپ باتحادباالجایتوبرعلیه مسلمین مصر و شام داشت ، بعلت تمرد و عدم اطاعت سلاطین اروپائی از وی عقد قرار داد ۸۷- نام کودگر الحات

۸۸- این امر دربمشی ازدوره هاکاملا صادق بود .

اسعاد فیمابین ایلخان ایران و اروپائیان ممکن نگردید و روابط دیپلماسی جز از حدود مبادلهٔ نامه و تعارفات جاریه تجاوز ننمود.

باید توجه داشت که سلاطین اروپا از جنگهای صلیبی درس عبرتی گرفته بودند و کاملا این امر برآنها مشتبه شده بود که هر گز نخواهند توانست برسپاهیان جنگ آزمودهٔ مسلمان که از امکانات بیشتری برخوردارندبرای همیشه فایق آیند. از طرفی خصومتها و رقابتهای دائمی این سلاطین که بالاخره منجر بجنگهای داخلی دراغلب همالك اروپائی شد اصولا مجال توجه بمشرق زمین و ادامه مبارزات صلیبی را نمیداد ، بدبن سبب مساعی پاپ که خود او در اینزمان از قدرت و شو کت گذشته بهرهای نداشت نتوانست بار دیگر تعصبات آنها را به غلیان آورده و باعث ایجاد اتحاد نظامی با مغول بر علیه هسلمین گردد .

در زمان سلطنت سلطان محمد خدابنده روابط بازرگانی ایران با اروپا توسعه فراوانی یافت ، شهرهای تبریز و سلطانیه اهمیت بسزائی کسب کردند. در اینزمان یکی از روحانیون معروف مسیحی که از فرقه فرانسیسکنها بود موسوم به ادوریك ۸ برای سرکشی و تغتیش کلیساهای ایران و سایر کشورهای آسیائی دربین سالهای ۷۱۲ تا ۷۱۸ هجری بایران آمد و پس ازانجام مأموریت خود در این کشور به هندو چین مسافرت نمود و از مراکز دینی این نواحی بازدید کرد و نتیجه مشاهدات و مطالعات خود را که ره آورد جالبی بود در سفر نامه ای انتشار داد، سفر نامه وی بسب مطالب مفیدی که درباره اوضاع واحوال ایران این زمان در بردارد دارای ارزش بسیاری است.

ابوسعید بهادر و پاپژان۲۳

ابوسعید بهادرخان (۷۳۱–۷۱۱قمری ، ۱۳۲۵–۱۳۱۹میلادی) در سنین جوانی پساز مرگ پدر بپادشاهی رسید بااینکه مسلمان بود ولی فاقدتعصب

بود اقلیتهای مذهبی بآسودگیمیزیستند ، در تمام مدت سلطنتش فقطیکهبز تحت تأثیر بعضی ازروحانیون متعصب ومغرض دستورتعطیل چندین کلیر را در مملکت داد.

درزمان سلطنت این پادشاه سلطان مصر که الملك الناصر نام داشتدسنر حمله بارمنستان را سادر نمود . اهرا و سرداران وی درسال ۲۷۹هجری قمر بی شهرسیس پایتخت کبلیکیه راغارت کرده و تصمیم باشغال سر تاسر خاك ارمنستان کرفتند لئون پنجم پادشاه خردسال ارمنستان و اتابك او چون کار را برین منوال دیدند بلافاصله نامه ای به پاپ ژان بیست و دوم (۱۳۳۶–۱۳۱۹) نوشته و از او در قبال حملهٔ مهاجمان مصری کمك خواستند .

پاپ چونبی توجهی سلاطین اروپارا که مشغول جنگ وستیز بایکدیگر بودند مشاهده کرد بناچار برای دلگرمی لئون نامه ای باو نوشت واظهار داشت که خود بشخصه قوائی تهیه کرده وبیاری وی خواهد شتافت، این خبر وقتی بگوش سلطان مصر رسید برشدت حملات خود در ارمنستان افزود

ضمناً امیرتیمورتاش هم که ازطرف ابوسعید بهادر حکومت بلاد شامرا داشت بنواحی عیسوی نشین سرزمینخود تاخته وبانغاق امرای تراینژاد ابن سامان بقوم نصاری آسیب فراوان رسید و گروه کثیری نیز بهلاکت رسیدند مصریان شهر آدانا (آدانه) ۹۰ را آتش زده وقریب ۲۰هزار نفر از ارامنه

مصریان شهر ا دانا (۱ دانه) ۲۰ را ۱ تشرزده وفریب ۲۰هزار نفر از ارامنه را باسارت خود در آوردند .

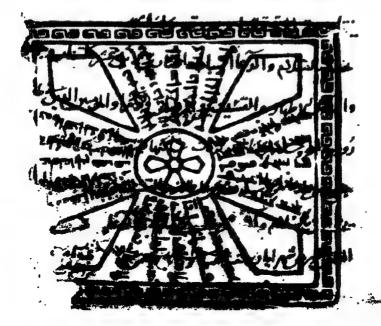
اخبار وحشت انگیز وجانگدازی که در خصوص کشتار مسیحیان و نابودی شهرها و مساکن آنها بدست لشکریان مصر و ترکان خونخوارباروپا میر سید بقدری مسیحیان رامتأثر نمود که جملگی حاضر بپرداخت کمك و اعاناتی بوسیله در دار و اتیکان بارامنهٔ آسیب دیده شدند.

پاپ ژان بیست ودوم که نتوانسته بود بوعدهٔ خود وفساکرده و کمك و همراهیلازمی به ارامنه نماید ناچاردر تاربخ ۱۲ ژوئیه سال ۱۳۲۲ میلادی ۹۰ـ Aduna واقم درترکیه عضه واسرالها المعقد عن استهيد طه ملاجيله الاطها لراسا AA Min Wings W m. J. Sy .

عکس نامهٔ اول یهبلاهای سوم که بدربار واتیکان فرستاده است

جيع الما والمارجا بالبجعالنين فت ولايتدان العان بالادعد الفالحد والصاوات ويرخبوالي بنافي زيتسن فعل بيعته الماتأتسد تجلانو والسلاح ويرفرق رعيتها لناطقعا لسكان والغلاح فلاالتكلاز يعمالد الزعل يلادالاب وعلاجت والملبخ للاالم غزرسفت ودحته فاللديفي ابعاب ازجه المل المعهديه موزيكاته ويقعمم اسإب للعط علعاطاته ماذاسال اساخم المدتمكينة والمائنة وغرع فينانا فالأوس برب واسدانل كيم يتجاد تادرجم واعد المدانات وابزوروح تسمالي عاحد لهزب والسفلين ولود ورج التذكاس والمعدود والمعالي المحالية المالية له : ﴿ يَلِي الْمُ مِنْ وَلَعُمْ يُلِكُمْ إِنَّهُ الْعُمَّالِونَ اللَّهُ مِنْ الْمُعْلِقَةِ اللَّهِ الْمُعْلَى بللطخعف مرفعا ابشوا تعاه معزاح واكتعيتي فيلك شك المنس والمزخ الكله والدوح متاللجياه ولفاكم فالليعة صدر التواد علواغلق الاله ليعودنا قعثاله ومتافيك فيسات تومالتمرح زها وجوارتها الأيرمسوكاه الوالزنون المالا المالية المنتقير المالة المالة المنتقدة

ونغر إمامه فليخافا وتقدم وينات و نعترف انع مقام بطري المنطقة عسيما المسجع الرابا البيعالنياء ومزجنا وفللما ونعتقد صدف يكه ونعتند بصلاته ورعاي وتعق اسباب ودياي وزالي منه المعوَّنه على خايب الزمل والمنافعة المعوّنه على النافعة المنافعة المناف رعايتنا فانا لخوته بالمسع والملاه بنشبها إنافهم وازيشرما مكاتباته ومايشغ مزمامه وخداته وقد بخاليديز الحان يعتوب سنافهة بمنعاع آلا فيتعدقك إشكا المه ليومتاد فكأ والملنع



Gentrali "a kadadha haa - a ahaankaa Dunada 22 Dunadahaa 18 El 1900 bir ana June 1819 - 1918) Sa 18 Aga Jihaiyina Marin War (1814) Aleksii

enterology artical

النعوانيد للمارع ويحاسبة المقع الفيانة ويكاف المناوج الم المحكام م الشبع الدع جلاياليم ويركاف المهيم المناب الماري المناب الماري المناب الماري المناب والمناب والنم وبعد المناب والمناب والنم وبعد المناب والمناب والنم وبعد المناب والمناب والنم والنم والنم والنما والنم والنم

عكس نامة دوم يهبلاهاى سومكه بدربار وانيكان فرستاده است

العالية المالين بحراب المعالية الدن

قسموت دوم نامة يبهلاهاى سوم

بيه الدارما والدارية الميم النيف والديد الدين الدين

ونغرامامه ألارة فافا وتقدمه عليجيح ايمه حياله

قسمت سوم نامة دوم يبهلاهاى سوم

المتسع والماليد الكورية فالمراد التصليد الأماع والعلولطية صف دراس العال لهق سع فاستن خاست فا عبله للطها لهلاب قسمت آخر نامة دوم يبيلاهاى سوم

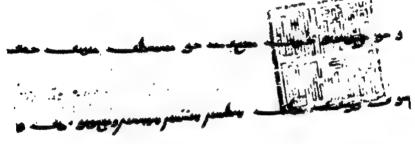
ب معرات وسو .

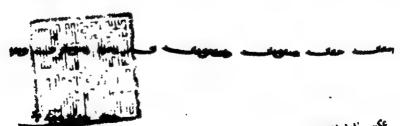
مسوسو من حسم

me paramet a some some

عکس نامهٔ ارغون که بدربار واتیکان ارسال داشته است







عکس نامهٔ غازانخان که بدوبار واتیکان ارسال داشته است بخط اویغوری

نابق با۲۷ جمادی الثانی ۲۲۲ هجری از شهر آوینیون ^{۹۱} در فرانسه که مقر حدید پاپها شده بودنامه هائی برای ابوسعید بهادر پادشاه مغول ایران ارسال راشت. در این نامه هاپس از ذکر روابط دوستی و مودتی که سابقا میان دو کشور و د ویرا بکمك رساندن و همراهی فوری بار منستان دعوت نمود و متن قسمتی از نامهٔ پاپ بقرار ذیل است: ۲۲

ما اغلب شنیده ایم که اجداد شما که ببزر گواری و بلند همتی مشهور بوده اند، سغرائی برای اظهار محبت واحترام عمیق خود بدستگاه روحانی شهررم و دربارواتیکان گسیل داشته اند، آنها با پادشاهان اروپاقرار دادهای دوستی و مودت منعقد ساخته اند، پادشاهان مسیحی و همچنین اسلاف ما آنها را باشادی و شعف در دربارهای خود پذیرفته اند، اجداد شما و این سلاطین بامبادله پشکشها و هدایا یکدیگر را مفتخر نموده اند.

شما در صورتیکه باما روابط گذشته را تجدید کنید شایستگی تان را باعلی در جه خواهیدرساند. و نیز اگر توسط سفرائی از اینگونه، بتجدید مراتب دوستی خود با پسر بسیار عزیز ما در نزد عیسی مسیح پادشاء نام آور فرانکها اقدام نمائید موجبات شادی ما را فراهم خواهید کرد از خدا میخواهیم که آنهه شمارا خشنود میسازدمقبول طبع پرورد کار افتد.

ابوسعید پس ازدریافت نامه های پاپ درصد و برآمد که اقداماتی در جهت جلب رضای وی انجام دهد مخصوصاً باشاره پاپ دراین اوان نمایندگانی نیز ازجانب لئون پادشاه ارمنستان بحضور او آمده وازوی طلب کمك و مساعدت در مبارزه بامصریان کردند.

۹۱- شهر آوینیون Aviynonازسال ۱۳۰۹ تا سال ۱۳۷۷ میلادی مرکزیاپها بود، پاپ کلمان پنجم که از روحانیون فرانسوی بود درسال ۱۳۰۹ شهر آوینیون را مرکز روحایی خود قرارداد ویس ازوی ژان ۲۲ ویتوای دوازدهم و کلمان ششم وایتوسان ششم در آوینیون اقامت گزیدند. سرانجام درسال۱۳۷۷ کرگواد یازدهم یاصرار در دم ایتالیا بروم بازگشت درواتیکان مقرباپها اقامت کرد

۹۲- نقل از تاریخ مقول _ دوسون جلد چهارم ص ۱۳۲

سلطان ابوسعید بااینکه ازمدتها پیش باپادشاه مصر روابط حسنه از برقرار کرده بود معهذا مایل نبود که بارامنه رنج و آزاری برسد لذا نامه ای بسلطان مصر نوشتواورا بانعقاد قرارداد صاحی باپادشاه ارمنستان دعوت کرد از طرفی برای اینکه خواهش پاپ ژان بیست و دوم را اجابت کرده باشد سپاهی بیست هزار نفری برای کمك بارامنه بخطه ارمنستان گسیل داشت خوشبختانه پس از این تاریخ دیگر هیچگونه نزاعی بین ارامنه و مصریان بوقوع نپیوست تا قوای ایلخانی در آن مداخله نماید.

پیشوای مسیحیان ارمنستان چون از کمک و مساعدت پاپ نومید شدچاره را در صلح و آشتی بامصریان دیدو خود بشخصه باالملک الناصر پادشاه مصر ملاقات کرده و معاهده ای بمدت ۱۳۵۰ سال بین طرفین منعقد گشت (۲۲۹ هجری قسری). برطبق این قرار داد لئون پنجم پادشاه ارمنستان حاضر شد که تحتقیمومت بادشاه مصر باشد و سرزمین خود را تحت الحمایه آنکشور بداند.

بااین ترتیب ملاحظه میکنیم که جز مسأله ارمنستان مورد دیگری پیش نیامه تا بین دربار ایران و واتیکان مبادلهٔ سفرا ومراسلات برقرار گردد از روحانیون بزرگی که در زمان سلطان ابوسعید بایران مسافرت کردهاند میتوان از فرانسوا دو پسروز ۹۳ نام بسرد. این کشیش از جانب پاپ ژان بیست و دوم برای ساختن کلیسائی در شهر سلطانیه عازم ایران شد و پس از ورود باین کشور رسما از جانب ابلخان بریاست روحانی مسیحیان ایران و ممالك مجاور منصوب کردید و از سال ۷۱۸ هجری تا ۷۲۶ در ایران مشغول انجام وظیفه بود تا بجای دیگری مامورشد.

پس ازدرگذشت ابوسعید بهادر (۷۳۹هجری) بعلت نزاع و کشمکشمای طولانی بر سرجانشینی وی اوضاع آنچنان آشفته ای بوجود آمد که دهها سال ادامه داشت وبالاخره منجر بتجزیه دولت ایلخانی گردید.

از تجز به دو اتایلخانی سلاله های کم اهمیتی در نقاط مختلف ایر ان پیداشد که یکی پس از دیگری بوسیله یورشهای پیاپی تیمور از صفحه روز گار محو کردید



ر بقیه از شماره های پیش)

بعثى

مجيدتحت بي



بخش سوم

د ار ایمای آرایش شطرنج در هندوستان

هنگامی درهندمهره های شطرنج دوشتریادوشیر اضافه داشت که اکنون منسوخ شده و زمانی شطرنج را در هند با تاس بازی میکردند چنانکه خواهیم گفت: در کتاب راحةالصدور آمده است که شطرنج سه آرایش داشته یکی حکمای هند نهاده اند و دیگری بوذرجمهر نهاد سوم حکمای روم نهادند که نظم و گسترش آنها فرق دارد از هند مربع و از بزرگمهر مسنطیل و از آن روم مدوراست.

ιj	êc vo	ŧΩ	فر ڏ <u>ي</u> ن	51°	÷ጉ	4.2	ć۶
دء لين	پياد.	پياد.	بياده	مير م	4ءلي	وعالي	•ءاتئ
پياده	يياده	پیاده	پیادہ	يياده	پیادہ	پیادہ	پياده
وخ	غو س	فيل	شاه	قرزين	فيل	قر س	رخ

شکل شطرنج معروف به هندی بهمان وضع که راوندی داده است

۱- راحة المسدور وآية السرور تأليف ابي بكر معمدين سليمان بن معمدين أحمدين مسين بنهمة الراوندي

ومینوبسد رقعه مستطیل بزر گهر مستطیلی استجهار عرض و شانزده ط درهمان شصت وچهارخانه امابقیه آن ازدو طرف بشکلی دیگرست رخم زوایاست وشاه وفرزین درمیان و دو اسب پیشین شاه وفرزینو دو فیلدر پی اسبها ودر پیش پیلان بدوصف پیاده بنشانندو برقاعدقدیم سیر وحرب میکنند

مینویسد دراین شطرنج پیاده خانه شانز دهمین را بپیماید فرزین شور بااین شطرنج باتاس همبازی میکرده اند .

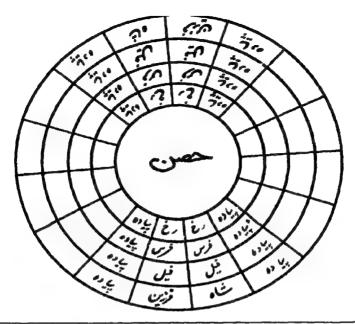
12			ů.	i.				J.	J,			ઢ
, J. J.	٤.	٠ <u>۲</u> .	J.	j.		ĺ		Î,	7,	3	3	ą
è.	وري	÷.	F.	ů				J.	i,	٦,	3	4
3			Fice	į				Ž,	Í,			ಎ

وپساز آن مینویسد: این شطر نج حکمای هند نهادند و بنوشروان عادل فرستادند و بزرجمهر آن بگشاد و برآن یك باب بیفزود و نوشروان آن را بقیصر روم فرستاد و حکمای روم خاطر بر گماشتند و ایشان نیز دوباب زیادت کردند آسس در باب دیگری زیر باب حکمای روم رقعه دیگری از شطر نج که گسترش گرددارد و در میان آن دایر م کوچك حصن است و چهار دایر م بربالای حصن کشیده اند و دارای شصت و چهار خانه باشد راوندی کشیده است و گویداین آرایشی است که حکمای روم نهادند. (شکل در صفحه بعد)

و سپس آرایش دیگری ازشطرنج میآورد که چهارحصن یا قلعه در چهار گوشه آنست (شکل درصفحه بعد)

اکنون آنچه درجهان معمول است همان شطرنج شصتو چهارخانه است یمنی هشت در هشت و این گسترش همانست که از ایران بغرب رفته است چنانکه راحة الصدورنیز درباب حکمای روم اشاره کرده ده همان شصتوچهار خانه آمد.

۲ ـ راحةالمدوروآية السرور چاپ لئدن ۱۹۲۱ صفحه ۰.۶ (۶٦)



. Ci.											نځ
	[~~	ςŞ	ا برس	اين	, a.	ندائن	÷T'	مدعة	ćኃ		
	بياده	ياد.	ا معالية ا	و، الب	Files	معالي	٠٠٠ ليار.	و، الي	ماليو	٠٠٠لي ٍ	
							•	:			
							•	:			
								1	•		
					:			!		:	
	پیادہ	پياده	پياده	پياده	پياده	پياده	پياده	پياده	پياده	پياده أ	
	اسد	دخ .	: قرس			شاه			دخ	1	
13	 				-	-	ا ₋	· ;		1_ , ; i	15

نقلاز راحة الصدور راوندى

ď

در کتابنفایس الفنون وراحة الصدور ومعلم الشطرنج ویژگیهای شطر نجهای مختلف را چنین بیان میکنند.

۱ ـ شطر نج رومیباویژه حمیهای زیر:

۱ ـ در وهله اول پیاده جنووزیر دوخانه پیش میرود ووزیر بخانه آن پیاده میرود.

- ۲ ــ وزير ازخانه پياده فقط بيكخانه بطور كجراه ميرود .
 - ٣ ـ فيلميتواند تنها تاسه خانه برود .
- ٤ ـ هر پياده پساز رسيدن به خانه هشتم تنها بوزير بدل ميشود .
- ه ـ مانند شطرنج فرنگی شاه برابرشاه و وزیر برابر وزیر میباشد

۲ ـ شطرنج هندی باویژ خیهای زیر:

۱ ـ پیش از کشت (کش) شاه دو ونیمخانهمیرود ماننداسب

۲ - پس از رسیدن بخانه هسم پیاده به همان مهره عوش میشود که بآنخانه مربوط است بشرط آنکه مهره آنخانه کشته شده باشد . همچنین آنگونه شطرنج که باتاس بازی میکنند معروف بهندی است و نوشته اندبایك پیاده و سها بازی میکنند.

۳۔ شطرنج ایرانی (پارسی) باویژ گیهای زیر:

مهرههای پیاده یكخانه یكخانه حركت میكنند وبازی گذشته ازپات كه هیچاست ومات كه باخته بشمارمیآیدلات هم داردیمنی هنگامیكه حریفهمه مهرمها خود را از دست بدهدلات وباخته حساب میشود.

۴ ـ شطرنج فرنگی باویژ گیهای زیر:

۱ ـ پیاده میتواند بار نخست دوخانه پیش رود

۲ ـ قلعه رفنن: اگردرضمن آرایش و در میانشاه و رخ مهرهای نباشدو شاه حرکتنکرده باشدشاه را درخانه اسب و رخ را در خانه فیل می نشانند (این قلعه کوچك است)

۳ ـ ازلحاظ ترتیب مهردها شاه سفیدرا بطرف دست راست و وزیرش را فی دست چپجای میدهند ولیشاه سیاه را طرف دست چپ و وزیر آنرا رفدست راست جای دهند یعنی باید شاه روبروی شاه و وزیر روبروی . ربر باشد .

٤ - اگر پیاده بخانه هشتم برسد میتوان آنرا بوزیر یا مهره دلخواه
 عوض کرد .

٥ - اترنج

بساط آن صد خانه دارد و نامهای مهره های اضافی عبارتند از بخشی ر شاهزاده.

٣ ـ شطر نح چهار چهره (چومگهی)

١ - چهار بازيكن لازم دارد

۲ - بساطآن ۱٦٠ خانه دارد :

۳ ـ رنگ مهردها سبز ، سرخ ، سیاه ، و سپیداست.

۷۔ شطر نیج سمرد

بوسیله بساطی کهچهار گوشه و دارای ۲۶ خانه باشد نیست بساط آن گردو دارای چهل و هشت خانه میباشد و در میان نطع دایره کوچکی نهادهاند که هرگاه شاه درماند درآندایره رفته مصون مانداز تعرض دراین شطرنج پیاده شاه نمیشود.

۸- شطر ایج شاه دبو انه دریك سوی بساط تنهاشاه است و او کار همه مهره ها
 را تنها میکند

۵ ـ شطر نج پدادین (پیادگان)

هردو سوی بساط تنها شاه و هشت پیاده گذاشته میشود .

۱۰ ـ شطرنج شيروبز

شخصی هر دو شاه را می گیرد و آنها را در جای شاه و وزیر می نشاند

•

بازیکن دویم بقیه مهرمها یعنی سی مهره دیگر را درنصف بساط می ک خانه شاه ووزیر را خالی نگاه میدارد .

آندوشاه شیروبقیه مهره ها بزنامیده میشوند شیرها در مرحله اول دو ... خانه جلومیروند و در مرحله های بعدی تنها یك خانه بهرسو که بخواهد.

۹۹ ـ شطر نج زنده

در ابن شطرنج اشخاص درپوشاك مهره هاى شطرنج درهيايند وباصطلام مهره هاى شطرنج زنده دركارند بساط بزركى ساخته ميشود شاهان واشخار بزرك به اين بازى علاقه داشته اند چنانكه اكبر شاه هندى بيشتر شطرنه زنده بازى ميكرده است.

۱۳_ شطرنج غایب

شخصی دربرابربساط شطرنجبرای بازی مینشیند و شخص دیگرازدو باپیغام بازی میکند این بازی را اکنون باچشم بسته نیز انجام میدهند

۱۳- شطرنج تیموری

شطرنج تیموری یك قسم شطرنج است كه گویند شاهر خ پسر خود را بدیم جهت نام شاهر خ نهاده كه هنگام تولد فرزند تیمور شطرنج بازی میكرد و برای او یك شاه و یك رخ بجا مانده بود . از اینرو نام پسر راشاهر خ نها و این حال شطرنج راشاهر خ گویند .

19 ـ شطرنج ذوات الحصون ـ درجهار كوشه شطرنج ذوات الحصوا چهار قلعه باشد و شرط آنست كه راه شاه چنان كرفته شود كه حصن و قلعه نتواد رفت شطرنج ذوات الحصون ده درده است و چهار مهره بنام دبابه بیشتر دار

42>												
	رخ	اسب	قيل	دبابه	وزير	شاه	دبابه	فيل	اسب	رخ		

ر ۔ عطر نج کبیر

در این شطرنج مهره هابی بنام زرافه و شیر وشتر افزوده شده است.

١٦٠ شطرنج هفت كو كب

دراین شطرنج حر کتمهره هابرسیر دوازده برج نهاده شده و به دوازده خانه دخش شده که هریك بنام ستاره و کو کبی است مانند زحل (کیوان) که در خانه هفت رود ومشتری (برجیس) شش مربخ (بهرام) پنجم و آفتاب در خانه چهار زهره خانه سه و عطارد (تیر) خانه دویم و ماه در خانه یك باشد واین شطرنج را با تاس بازی کنند.

شطرنج اقسام دیگری دارد مانند شطرنج زورازوری و شطرنج شاه مست پادشاه که بیان همه آنها بدرازا کشد . د کتر فوریس مینویسد تا سده شانزدهم میلادی شطرنج بسبك چترنگ قدیم بازی میشد (با هشت مهره چهار داری چهار بازیکن بازی میکردند) . ۳

اکنون آنچه درجهان معمول استنخت شطرنج شصت و چهار خانه ای است که هشت در هشت باشد و این گسترش همانست که از ایران بغرب رفته است چنانکه صاحب راحة الصدور در باب حکمای روم اشاره کرده در همان شصت و چهار خانه آمد غالباً نوشته اند شطر نج در زمان جنگهای صلیبی به اروپارفته و یکی دوجا نوشته اند شطر نجرا هارون الرشید برای شار لمانی پادشاه فرانسه فرستاد و برخی نوشته اند که آنرا انوشیروان برای قیصر روم فرستاد که درستی آنها آشکار نیست و گفته اند فرنگی ها آنرا شصت و چهار خانه و بشکل کنونی در آورده اند اینهم درست نیست.

شاهدی هست که بیش از هزارسال پیش در ایر ان شطر نج دار ای شصت و چهار خانه بوده کم گفته شداسدی طوسی نیز در لغت فرس زیر واژه شترنگ چنین مبنویسد :

٣- معلم الشطر تج منحه ٣٣٥

٤- راحة العبدور في آية السرور صفحه ٨٠٤ جاب لندن ١٩٢١ .

شطرنج بود نجار کوید ^{.°}

تا جز از بیست و چهارش نبود خانهٔ نرد

همچودر سیودو خانه است اساس شترنگ.

زیراشانزده سواروشانزده پیاده اساس،بازیگران شطرنجاست که درس_{، ب}ر دوخانه مهرهها قرار میگیرد و سی و دوخانه دیگرعرصه،بازی است .

آرايش مهرهها

وضع آرایش مهره هاروی تخت شطر قبع باید چنان باشد که سفره شطر نج از سوی راست بازیکن از خانه سپید آغاز شود و آرایش مهره ها به ترتیب حرف آغازی آنها درا فوش، باید باشدیعنی به ترتیب:

رخ ، اسب ، فیل، وزیر، شاه باین شرطکه شاه سپیده درخانه سیاه وشاه سیاه درخانه سپید و دوشاه برابر یکدیگر و دو وزیر برابرهم قرارگیرند و هشت پیاده درخانه جلو آرایش یابند .

پیشینه تاریخی شطرنج در ایران

گذشته از آنچه درباره هندگفته شد که پیش از سدهٔ چهارم هجری یا سدهٔ دهم میلادی هندبسرزمینی گفته میشد که درغرب ایران بوده واگر گفته اند درزمان انوشیروان ازهند آمد جز بخش جنوب غربی ایران سرزمین دیگری بنام هند نبوده وانگهی غالب داستانسرایان ایران عادت داشته اند برای آنکه اعجاب خوانندگان و شنوندگان رابرانگیر ندداستانهای ایرانی رانیز به هندو چین یاروم نسبت داده اندو گاهی اگر قهر مان داستانی زرتشتی نبوده اوراایرانی کامل ندانسته اند تورانی یا سریانی یا چینی یا هندی یابیگانه خوانده اند ...

۵- ابن نجار شاعر جرشاعری است بنام نجاد ساغرجی که ازشاعران آغاز سدهٔ ششم و همزمان عممق بحارایی بوده زیرا اسدی خود از شاعران و دانشمندان سدهٔ پنجم بوده که در آغاز نیمه دوم سده پنجم در گذشته ودرلفت فرس از شاعران پیش ازخودها همزمان خویش نقل سخن کرده ۱ ت .

مد در بارهٔ شطرنج کتاب کوچکی از دوران ساسانیان مزیان ه ي بر جامانده كه درين داستان نسبت داده اند كه شطر نج در زمان انوشيروان يارايران راه يافت تنام شاه وفرستاده اوكه ازهند آمده واختراع كننده المرانج غالبا هندى نبوده وساختكى استواين هندوكان كه درداستان ماتيكان شطرنج ازآن نام بروه شدم همان هندی است که در اوستا هفت هند نامیده شده كه درماتيكان نيز بصيغهجمع بكاررفته ازينرو چنانكه گفتم مقصورهند كنوني نبوده وكروهيرا باشتباه انداخته است. بااينهمه احتمال آنكه شابد شطرنج از سرزمین کنونی هند آمده باشد مرابر آن داشت که درسرزمین هند دربارهٔ شطرنج وپیشینه آنونام مهرمها واصطلاحات وداستانهای آن دیارخود نحقيق وبررسي نمايم. نتيجه اين تحقيق نشان دادكه اصطلاحات همه ازايران به هند و کشورهای شرق و فرنگستان رفته است واین درست بدان ماند که چون ایرانیان وسیله فرانسویان بااتومبیل ورادیو وتلفن وتلویزیون آشنا شدند نامهار اهماززبان فرانسوي كرفتة إندوا كرهرملتي اختراعي وعلمي داشته باشد بی شك باید نام اصطلاحات آنرا هم داشته باشد. اینست که گاهی در ناريخ شناسي وجود يكواژه ازديد زبان شناسي مارا بهترازيك خرابه باستاني به پیشینه های تاریخی و باستانی رهبری مبکند. اکنون در بارهٔ داستان

۱- این داستان از مآخذ ایرانی بعارج نیز واه یافت چنانکه دروسالهٔ غنچه نشاط سه منتی بلاغی داس مالك میوو پر یس دهلی نوشته است : درایران کسی بشطر نج آشنالی ساشت امادوز مان انوشیروان که شهرهٔ حکمت و دانش آنکشو دبه اکناف عالم وسید پادشاهی د مند که معاصر انوشیروان بودبرای آزمایش هوش مصاحبان و دربادیان شاه ایران شطر نج دا پیش وی فرستاد دانایان آنکشور از درك و موز آن نا توان ماندند انوشیروان برد گهر مند و اکه با چشمان میل کشیده شده در زندان پسر میبر د از قید و بند دهای داده پیش د خواند و فرستاده شاه هند نیز همراه شطر نج در دربار باریافت بساط شطر نج دربرابر دمند مزبور که و مقی از نور دردید گانش باقی مانده بود گسترده شدواو با هوش سرشاد مند مزبور که دادت و از شطر نج دایدا کرد و دربازی دوم بطرف شاه مات دادانوشیروان غوت بسیار که داشت و از شود سیس حکیم بعانه و فته و بازی جدیدی و ابنام قرد اختراع و دانوای فرستاد تاه هند متقابلاً به آنکشور فرستاد.

ماتیکان اسطر نج نیز نکاتی است که برای مااین عقیده پیش می آید که شطر پیش از زمان انوشیروان که در نیمه اول سدهٔ ششم زادروز مسیح است ایران پیشینه داشته است. داستان دیگریست بزبان پهلوی بنام داستان رین وخسرو گبادان دراین داستان نام گلها و خوانند گان و زنها و هنر مندان و نوازند گان و افزارهای موسیقی آمده و از جمله نامی از شطر نج و نرد نیز برده شده است.

درداستان دیگری که از اردشیر بابکان و اردوان پنجم اشکانی بنامکار نامه اردشیر بابکان برجا دانده با آنکه اردوان پنجم واردشیر بابکان در نیمه اول سدهٔ سوم میلادی میزیسته اندر این داستان نیز نامی از شطر نج و نرد برده شده و گفته است اردشیر در چوگان و شطر نج و نرد چیره دست بوده است اینك ترجمه آن بخش از کارنامه اردشیر :

«آردوان که ارشیررا دید شاد شده و گرامی داشت وفرمود که هر روزبا فرزندان وشاهزاد گان خویش به نخجیر وچوگان شود. اردشیر همانگونه کرد وبیاری یزدان بچوگان وسواری و چترنگ (شطرنج) و نرد(نیوار تخشیر) و دیگر رهنگ از ایشان همگی چیره و چابك بود...»

این داستان میرساند که در کودکی اردشیر درزمان شاهی اردوان پنجم اشکانی، شطرنج ونرد بوده وهیچکدام ازاختراعات اردشیر یاکسانیکه پس ازوگهته اند نبوده.

کارنامه اردشیر بابکانچندینبار به پهلوی وفارسیدر هندوستان وایران چاپ وبزبانهای دیگرنیز ترجمه شده است.

محمدتقی بهار درسر آغازی که برهادیکان شترنگ نوشته است نیز تردید میکند که آیاشطرنج و نرد را چنانکه بعضی گفته و نوشته اند باید از اختراعات

۷_ ماتیکان یامادیکان یا ماذیکان یاماتیان ازهمان ریشه است ماتنا بپارسی میانه ۸_ ریتك یـاریدك نام کودکی بود. است ابن خردادبه خسرو قبـاهان واخسرو بهرو، دانسته واینداستان واتمالبی درغرواخبار ملوك الغرس ترجمه کرده .

۹_ خسرو کواتان اوریتك

انوشیروان دانست یاچنانکه متن بهلوی کارنامه اردشیر مینویسداردشیر رنگ ونردازهمه چیره تربود. همین داستان را هزارسال پیش فردوسی رسامه اردشیر گرفته و در شاهنامه آورده است معلوم میشود که این مطلب در اینامه هم یادشده یسا شاید کارنامهٔ اردشیر بخشی از خداینامسه بوده باشد هر نسفله آلمانی نیز که مدتی در تخت جمشید و دامغان کاوش میکرد نیز اظهار عبده کرده است که پیش از انوشیروان دادگر شطرنج در ایر ان بوده است

باآنچه از پیشینه پیدایش شطرنج و آرایشآن در آثار باستانی گفته شد شطرنج از سالهاپیش درایران بودهاست وازایران بااصطلاحات بشرق وغرب رف اماهنوز معلومنیست مخترع آن مانند بسیار چیز های دیگر تاریخی چه کسی بوده است .

شکی نیست که در بارهٔ شطرنج کتابهائی در ایران باستان بوده است که با آثار بسیار دیگر از میان رفته با اینهمه از آنچه هست پیشینه تاریخی شطر نجدر ایران از کشورهای دیگر شرق وغرب جلوتراست.

شطرنج درادبیات عرب

درزمان خانهای عباسی که در شعر عرب مضامین نوراه یافت اصطلاحات شطر نج ونرد برای شاعران عرب زبان موضوع جالبی بودو در این زمینه شعرهای بسیار سروده شد که درزیر به نمونه های کوچکی اشاره میکنیم:

عبدالله مأمون خليفه عباسي دربارة شطرنج كفته است :

مابين الغين موصوفين بالكرم ' ا من غيران يسعيا فيهابسفك دم ' ا هذايغير، و عين الحربام تنم ' ا في عسكرين بلاطبل و لاعلم " ا

ارس مربعة حمراء من آدم مذاكرالحرب فاحتالالها شبها هذايفير على هذا و ذاك على فانظرالىالخيلةدجائتبمعركة

۱۰ میدان چهار گوش سرخی از چرم در میان دویار جوائمرد

۱۱ - آنان جنگ وابساد آورده اندویر ایش می آنکه خونی زیخته شود تظیری پیدا کرده اند.

۱۲- این بر اومی تازد و آن براین و چشم جنگجو درخواب نیست .

۱۲ - بنگرچگونه سواران می طبل وعلم به آوردگاه در آمدهاند .

دیکری دربارهٔ اصطلاح (شاه مات) گفته است. لعبت بالرخ حتی وقعت فیالشاه مات ۱۶

شطرنج بازی است یا هنر یا دانش ،

شطرنج یك بازی دلکش و نغزاست که آنسرا در شمار دانشو هنر سر میتوان آورد .

فردوسی در شاهنامه که بمنزله فرهنگنامهای برای زبان فارسی است شطرنج را دانش و بازی ، نغزی دانسته :

کسی کو بدانشبرد رنج بیش بغرمای تا تخت شطرنج پیش نهند و زهر گونه رأی آورند که این نغز بازی بجای آورند

امروز به شطرنج تنها بصورت یك سرگرمی برای وقتگذرانی یا بازی و قمار نمی نگرند بلکه آنرا هنرودانشی میدانند که در جهان شیفتگان بسیر دارد و روز بروز بدلباختگان آن درسراسرجهان می افزاید

نه تنها در خانه ها و باشگاههاباین نغزبازی و ورزش فکری می پردازند بلکه در دبیرستانها ، دانشکده ها ، آموزشگاهها به آموزش وورزش در آن پرداخته میشود و گاهی در شمار درسها آمده کتابهای بسیار برای آموزش ورزش آن مانند خود آموز وطرح مسئله های دشوار شطرنج چون مسئله های ریاضی پرداخته اند .

شطرنج یك بازی شاهانه

درگذشته شطرنج یكبازی شاهانه بوده است که غالبا شاهان باوزیران و ساهزادگان بازی کردهاندگاهی شاهان با مهرههای زنده و ایرانیان مانند سوار کاری و تیراندازی و چوگان که از خصایص ایرانیان بوده شطرنج را می نگریسته اند و رکارنامه ها و نامه ها نوشته اند که اردوان پنجم اشکانی اردشیر بایکان، بهرام گور، انوشیروان دادگر، خسرو پرویزبزر کمهر بدار ۱۶ بارخ چندان بازی کردی که درهاه ماتگیرانتادی.

ستکی داشتهاند. و در دوران اسلامی هارون الرشید خلیفه عباسی ، تیمور، انمحمد خان قاجار واز پادشاهان فرنگ ناپلئون، و مارشال تیتو ۱۰ رئیس جمهوری یوکسلاوی دلبستکی بسیار بدان بازی داشته اند.

درایران پساز تشرف بدین اسلام شطرنج از اعتبار و رونق خود افتاد و سالها بدان رغبتی نمیشد برخی احکام و احادیث در دوفرقه شیعه وسنی در حرمت آن نقل کردند و آنرا لعبدانستند و کتابها در حرمت آن نوشتند ۱۹

صاحب كتاب شاهدصادق مينويسد ب

مشافعي شطرنج باختن را مباح دانسته،

و همو کوید :

ه ابن سيرين را گفتند شطرنج باختن چگونهاست ،

گفت دهن راسافی کند وفکر را قوی گرداند وعقارا بیفزاید . ،

و نوشتهاند ،

«اولخلیفه که شطر نج باخت و شطر نجیان را هر سوم مقرر نمودهارون الرشید سود ۲۰ و آشکار ست که شطر نج و سیله بر مکیان وعناصر ایرانی در دستگاه خلافت عباسی راه یافته است

گسترش شطر نیج در جهان

ن . بلان ۱۸ در کتابی که پیش از این گفته شد مینویسد.

بازی شطرنج نخست درایران پیدا شد وراهی بهندوستان یافت و سپس ازهند بزادگاه خود ایران آوردند ۱۹ شکی نیست که نویسنده دقت و کاوش

۱۵ مارشال تیتوخودبمئوان یك قهرمان در گروه ملی بازیكنان بارها شركت كرده واز كشور خود باتیم ملی بمصر ودیگر كشورها برای المجام مسابقه های جهانی دفته است ۱۳ - كتاب حرمه الشطرنج نوشته ملك المورخین هدایت اله پسر نویسنده ناسخ التوادیخ ازدستنویسهای كتابخانه مجلس شور ایملی دیده شود .

١٧_ شاهد صادق

N.B Bland -۱۸ در کتاب N.B Bland -۱۸ در کتاب N.B Bland -۱۸ نقل از فرهنگنامه بریتانیکا چاپ نوین صفحه ۲۰

بسیار نموده ولی نمیدانسته که هند پیش از سده چهارم هجری سرزمین کند نبوده و جزاین سرزمین جای دیگری بنام هند نامیده میشده که در جنب غربی سرزمین ایران بوده است چنانکه گفته شد از زمان اردوان پنجماشک سند کتبی هست که این شطرنج در ایران بوده است و این قدیمترین روایتی است در باره وجود شطرنج.

شطرنج را تازیان درزمان عباسیان از ایرانیان آموختند وشایدازهمبر زمان بهروم شرقی (بیزانس) واروپا راه یافته باشد

گفته اند هارون الرشید شطرنج را با هدایای دیگر برای شارلمانی پادشاه فرانسه فرستاده ولی درستی آن معلوم نیست برخی دیگر نوشته اند که در آغاز جنگهای صلیبی فرنگیها شطرنج را از مسلمانان آموختند و وبرخی دیگر گفته اند که نخستین مردم اروپا که با بازی شطرنج آشند شدند و آنرا دراروپا متداول ساختند اسپانیاتیها و پرتقالیها بودند که در تروبج آن کتابهائی نوشتند این عقیده نیز از شناسائی اصطلاحات شطرنج در اسپانیا درست نیست و آنرا زبان شناسی نمی پذیرد برخی دیگر گفته اند که از راه مغرب و آندلس شطرنج به اروپا راه یافت.

در کتاب سرزمین هند ۲ آمده است و بعد از آنکه سلطنت ساسانیان زوال یافت و دولت اسلام برقرار گردید این بازی نیز در سرتاسر ممالك اسلامی منتشر شد و برای آن اسامی و اصطلاحات فارسی و عربی وضع کردند . ظاهراً در طول قرون وسطی تغییرات بسیار در ممالك شرق نزدیك بآن بازی وارد شدتا آنکه در ایام جنگهای صلیبی از ممالك اسلام بارو پاسرایت کرده است در آنجا نیز تغییراتی یافته . و بالاخره این بازی فکری در سراسر جهن منتشر گشته است .»

این عقیده نیز درشمار داستانهایی است که گفته شد زیرا این تغییرات که نویسنده نوشتهٔ است بیشتر درنام مهره های شطرنج رخ داده و چنین عقیده ای را پژوهشهای ما تأیید نمیکند که شطرنجاز سر زمین کنونی هند - ۲۰ کتاب سرزمین هند نوشته آنای علی اسفر حکمت هادد تی صفحه ۳۲ چاب ادل تهراه (۵۸)

ران آمده باشد و در آغاز اسلام آنرا عرب گرفته و به هنگام جنگهای ایبی اروپائیان اقتباس کرده باشند. قراین تاریخی نیز هست که ببشازین را ایران و در اروپا شطرنج بوده و اصطلاحات را هم نه آنکه ایران از همد گرفته باشد بلکه بعکس بوده اروپائیان هم غالباً نام واصطلاحات شطرنج را از ایرانیان گرفتهاند نه از مسلمانان عرب تنها برخی از کشورها مانند اسپانیا از مسلمانان قرا گرفنهاند.

بهنگامیکه در ایران و کشور های اسلامی بشطرنج رغبی نمیشد اروپائیان با این بازی آشنا شدند واز آن استقبال شایان کردند

در کتابخانه واتیکانسندی هست که نشان میدهد سَطرنج پبش از جنگهای صلیبی دراروپا رفته این سند نامه ایست از کاردینال پترودامیان ۲۱ که درسال ۱۰۶۱ زاد روز مسیح به الکساندر دوم نوشته و در آن از بکی ازاسقف های اوستیا۲۲ انتقاد کرده است که او با دین و دانش مخالف است و اوقات خود را صرف بازی شطرنج میکند و وقتی را که بابد در خدمت خداوند و خلق بگذراند تباه میسازد.

نخستین کسیکه شطرنج را بزبان لاتین بر گرداند یعقوب دوسوسولی ۲۳ بوده این بازی در آغاز سده نهم میلاد هسیح بفرانسه راه یافت و در همان زمان از سوی کنشت یهود در بارهٔ حرمت آن دستورهایی صادر شد

یك اسقف فرانسوی درزمان فلیپ او گوست ۲۰ دربارهٔ حرمت شطرنج نیز فرهانی صادر كرد و هر كس به شطرنج می پرداخت تكفیر شد، و محكوم به پرداخت جریمه نقدی میشد .

شطرنج بوسیله سلجوقیان که کشوری پهناور داشتند باروپا رفت. و اسیله مسلمانان به اسیانیا راه یافت و وسیله ترکان عثمانی در اروپای مرکزی

- 21- Peter Damian.
- درايتاليا . 11 Os tia
- 23- Jacobus de Cenoli
- 24- Philippe II ou Philippe Auguste ۱۱٦٥٥ متولده 24- Philippe II ou Philippe Auguste

راه پیدا کرده و در اسپانیا و قسرانسه نخستین بار استادان بزرك شطر ج پیدا شد و روشهای گوناگون از خودابتكار کردند .

درسال ۱۰۹۱ نخستین کتاب را در اروپا یک اسپانیائی بنام ۲۰ دربه و روش و قواعد شطرنج نگاشت پس از آن کتابهای بسیار نوشته شد و در سن ۱۸۵۰ کتاب مهم دیگری یک آلمانی ۲۰ دربارهٔ تاریخ شطرنج وقواعد آن نگاشت

سپس کتابهای بسیار ازجمله درسال ۱۹۱۳ کتابی^{۲۸} ودرسال ۱۹۳۷ در و در سال ۱۹۳۹ تا و در سال ۱۹۲۹ تا و پس از آن کتابهای بسیار در کشورهای فرانسه و انگلیس، آلمان، ایتالیا واسپانیا وغیره نوشته شد.

درانگلستان شطرنج از سده نوزدهم بهبعد راه یافت واز سدهٔ نوزدهم شطرنج در کشورهای دیگراروپا رونق و توسعه فراوان یافت و طرح مسابقه های جهانی میان کشورهاداده شد .

کتابهای دیگر دربارهٔ شطرنج

کتابی دربارهٔ شطرنج درموزهٔ بریتانیا بشماره ۲۵۱۵ موجوداست کهبه حسن بصری نسبت داده شدهمان کتاب بسال ۱۲۵۷ هجری بفارسی ترجمه شده استو کتاب دیگری بفارسی درموضوع شطرنج زیر شماره ۱۲۸۵ درهمین موزه نگهداری میشود ابن ندیم در الفهرست نام برخی از شطرنج بازانی را که مه تألیف اثری دربارهٔ شطرنج پرداخته اند درباب و یژه ای بنام شطرنجیانی که

- 25 Roy Lopez de Seguri.
- 26- N.Bland Persian Chess London 1850
- 27- Van Der Linde: Ges chi chte und Litterutur de: Schah: piel 1874
 - 28- A History of Chess By : H.J.R.Murray Axford 1918
- 29— The Most Comprehensive introduction To Chess r C.H.O.D. Alexander 1937
 - 30 A Short History of chess By: H.A Davidson 1949

بازی شطرنج کتاب تألیف کردهاند میآورد: بشر حزیر:

عدلى ... واين كتابها ازوست كتاب الشطرنج واين كتاب اولبن تأليف در مطرنج است. كتاب النردو اسبابها واللعببها .

رآزی .. ومانند عدلی بودو هردو درپیش متو کلبازی میکردند ورازی اکتاب نازکی درشطرنج است.

صولی ابوبکر محمدبن یحیی که در پیش گفته شده و دارای کتاب الشطرنج است

لجلاج المحمدبن عبیدالله من اورا دیدهام بشیراز نزد عندالدوله رفت همانجا در سال سیصدوشصت واندی وفاتیافت وبسیار ماهربود واز کتابهای اوست کتاب منصوبات الشطرنج

ابن اقلیدس ابوالحسن بن محمد بن صالح که در کار شطر نج بسیار زیر او ماهر بود، کتاب مجموع فی منصوبات الشطر نج از وست ۲۳

این کتابها و بسیاری از کتابهای دیگر که این ندیم نام میبرد در هزار سال اخیر از میان رفته و دسترس بآنها نیست

ابو العباس طیب بغدادی نیز درسال ۸۹۹ میلادی کتابی مختصر دربارهٔ شطرنج نوشته است. ۳۳

کرتیراکوشیما کتابی بسنسکریت شامل بیاناتی پیرامون شطرنج و وجوسرو کنجفه وبازیهای دیگرنگاشته است ^{۳۹}

شطر نجيه

در کتابخانه آستانه قدس مشهد کتابی دیدمبنام شطرنجیه ۳۰ از شیخ علاء الدوله سمنانی که نویسندهٔ کتاب از زبان مهره های شطرنج درس پندوسلوك داده است .

۳۱ ما برخی احتراع منظریج را بلجلاح بسبب دادماند کویا این الجلاح دیگری بایند که دربادی شریح منازت دانسته و زیارد بوده است .

٢٢ ما الفيرسم ترجمه رضا تحدد حاب ديران صافحه ٢٥٦ .

٢٢ ـ معلم الشطريح سندجه ٢٢٥

٣٤ ـ معلم السطريع صفحه ٣٤٠ .

۳۵ بـ نشیماره ۲۰۳ ریز نام کنانهای اخلافی و خطی ثبت سند است.

گفتار جاحظ در بادهٔ شطر نیج شا**هان**

جاحظ در کتاب التاج که بیشتر مواد آنرا از کتابهای تاج نامه و آیین نامه برداشته است در بخش ندیمان شاهنشاه گوید :

«ندیمان وپیسرامونیان درویژگیهایی ناگزیر با پادشاه برابراند. و این برابرینه کمی درشهریاری استونه کاهشی در فرمانروایی از آن ویژگیها چوگان بازی استوشکار کردن ومسابقه در تیراندازی. بازی شطرنج ومانند اینها.

ه شاه نباید حریف خودرا دراین چیزها که بر شمردیم از چیره شدن باز دارد: همبازی شاه در این کارها که شمردیم حق دارد با او در آویزد و با او گفتگو کند وازبرابری تمام برخوردار باشده

«تنها نبایداین کارهاهمراه سخنان زننده وزشتگویی باشد کهضد شکوه شهریاری استونبز نباید برشاه بانگ زند یاباد در گلو اندازد ورویهمرفته نباید کاری کند که ازمیانه روی بدور باشد. »

«گفتهاند شاپور روزی بایکی از همسالان خود شطرنجبازی میکرد دلبخواه یارهمسالش اورا دربازی برد. شاپور ازاوپرسید چه فرمان میدهی، گفت از تو کولی بگیرم تادم دروازه بارعام، شاپور گفت، ترا پرروئی بجای بدی بر آورده است. چیز دیگری بخواه. گفت برزبانم گذشته شاپور از قمار دلخواه اندوهناك شدوفرمان داد روبندی آوردند وبرروی خود کشید و باو گفت به پشتم سوارشو اما اواز سوار شدن برپشت شاهنشاه بحكم رعایت شكوه شهریاری بازایستاد پسازآن شاپور فرمان داد جار کشیدند دیگر هیچكی قمار دلبخواه بازی نکند. هر کس کرد خونش هدر است، ۳۶

سرارشی دربارهٔ ارشس ایران در زمان محرشاه فاجار

مقدمه:

تقدم كلنل أستبووارت

ترحمه

احداثالة اشىرا قى , «كتردر يانج»

مقاله حاضر ترجمه كزارشي است کے سرھنگ جارلز استودارت انكليسي كهدر زمان محمد شاه قاحار (۱۲۵۰ -۱۲۹۶ ق) مدتها معلم و مربى ارتش ایران بوده است، نوشته و بمناسبت اهميتي كه مطالب و مندرجات آن برای تاریخ ارتش ایران دارد ترجمهٔ آنرا ازنظر خوانندكان محترممجله بررسیهای تاریخی میگذرانیم امامقدمتا براى اينكهر وشنشود سرهنگ استودارت که بوده و گزارش حاضر درچمه موقعیت زماني تهيه شده است ناگزيريم از تار بخچه روابط نظامی ایران

با دولتهای خارجی در آغاز دورهٔ قاجاریه اندکی ذکر کنیم ۱

نظام ايران دراواخر سلطنت فتحعلي شاه

در گیر ودار جنگهای اول ایران و روس کهبین سالهای ۱۲۱۸ تسا ۱۲۲۸ قمری رخ داد زمینه اتحاد نظامی ایران و فرانسه بموجب قرارداد فین کنشتاین فراهم گردید .

فتحعلي شاه كه سياهيان ايران رادر برابر ارتش منظم و ورز ده روسیه ناتوان یافت مصمم گردید باليجاد مناسبات دوستانه بافرانسه هماز يشتيباني إين دولت برای بس گرفتن ایالت گرجستان از روسیه برخوردار شود و هم بكمك افسران فرانسوى ارتش ایران رابسبك نظام ارویائی تغییر شكل داده و مجهز نماید از طرف دیگر نابلتون امیر اطور فرانسه نیز كهخيال تسخير هندوستان وشكست انكلستان رادر سر مرير ورانيد از اتحاد باايران حسن استقبال نمود ز ... ا بنا همکاری ایران و استفاده از راههای آن میتوانست به آسانی هندوستان را تسخیر نماید. اظهار علاقهایران وفرانسه به برقراری دوستی سرانجام منجر بامضاى قرارداد معروف فين كنشتاين كرديده و متعاقب آن یك هیئت نظامی فرانسه بریاست ژنرال گاردان در تاریخ ۱۲ رمضان سال۱۲۲۷ قمری بر ابر با ٤ دسامبر ١٨٠٧ ميلادي بتهران وارد شده مشفول کاد کردند

۱ - برای آگاهی بیشتر دراین بازه به تاویخ دیپلماسی ایران تألیف دکتر علی اکبر بینا (۲جلد) وتعولات سیاسی نظام ایران تألیف دکتر جهانگیر قائم مقامی و مأموریت و زرال گاردان و یادداشتهای و زرال ترزل ترجه های عباس اقبال وجوع قرمانید درمیان نخستین دسته اعزامی دولت فرانسه ع افسر و درجهدار وجود داشت این هیئت مدت کسال و دو ماه و نه روز در ایران ماند و در اشمدت سه مر کز تعلیمات نظامی در تهران ، تبریز و اصفهان تشکیلداده هزاران سرباز ایرانی را با فنون نظام جدید ارویائی آشنا ساختند . در آنموقسم ارتش ایسران لباس متحدالشكلي نداشت فرانسويان براى دستجان بيأده و سوار و تویخانهٔ ایران لباسهائی بفرم ارتش فرانسه ترتيب دادند وصنفهارا براساس سازمان سياهى نايلنوني منظم ساختند دو کارخانه توپ ریزی در تهران واصفهان دایر نموده و بجای زنبور کهایی کسه در سیاه ایران معمول بود تویخانهٔ کوهستانی ایجاد کردند. لکن درست در هنگامی که ایران نیازمند کمکهای نظامى فرانسه بود بعلت تغيير وضع سياسي ارويا وتوافق نابلتون باتزار روسيه إدامه فعاليت هيئت ژنرال كاردان با بن ست مواحه كسر ديده و در ذي الحجه سال ۱۲۲۳ قمری هیئت مسزبور خاك ایران را تسرك گفت. دولت انگلستان که از ورود •ستشار ان نظامی فرانسه بایران سمناك بود و در طبول اقامت آنسان نيز از هيچگونه کارشکنی خودداری نمی کرد موقع را مغتنم شمرده با وعدة إرسال إسلحه بيشتر واقدام براي يس كرفتن مناطقي که ایران در جنگهای خود با روسیه از دست داده بود مواضع فرانسویان را در ایران اشغال نموده ابتدا یك عهدنامه موقت در ۲۵ محرم ۱۲۲۶ قمسری برابر با ۱۹ مارس، ۱۸۰۹ میلادی وسیس یك عهدنامه دائمی در ۲۹صفر

۱۲۲۷ قمری مطابق ۱۶ مارس ۱۸۱۲ میلادی با اید ا امضاه کرد . فصل سوم این قرار داد مقرر میداشت د هر گاه بین ایران ویکی از دول جنگی واقعشود دول انكلستان بقدر مقدور خود معلم نظامي جهت تعابه سیاهیان ایران بفرستد ولی قبل از امضای این قرار داد دولت انگلستان عده ای افسر و مهندس و چندگروهبان که عده آنها به سی نفر میرسید با مقداری اسلحه و مهمات بايران فرستاد ورود افسران انكليسي نيز تحولاتي در امور سیاهی ادران بدید نیاورد زیر اکهانگلستان نیز خواهان اقدامات مثبتي بنفع إيران نبودبلكه هدف اصلي این دولت جلو گیری از اعمال نفوذ قدر تهای بزرگ جهان در ادران و حفظ مرزهای هند از طریق دخالت درامور داخلی ایران بود، دلیل این امر آنکه در سال ۲۲۷ ۱ هجری قمری در بحبوحه جنگهای ایران وروس بعلت انعقاد بیمان همکاری میان دولتین روس وانگلیس به افسران انگلیسی که در خدمت ارتش ایران بودند دستور داده شد یستهای خود را تـرك كفته در عملیات نظامـی علیه روسیه شرکت نکنند و همین امر شکست سیاهیان ایران را در جبهه قنقاز تسریع کرد . پس از خاتمه جنگ و إنعقاد معاهده كلستان إفسران إنكليسي ايران را تسرك گفتند ولی وجود عهد نامه فیمایین دو دولت ، دست انگلستان را در اعزام هیئتهای نظامی ماز گداشته بود چنانچه در حادثه هرات دسال ۱۲٤۷ قمری دستهای از افسران انگلیسی وارد ایران شدند . در اینسال افغانهای شهر هرات ، بتحريك انكلستان سر بدورش برداشتند

فتحعلی شاه عباس میرزا تایب السلطنه را به تنبیه یاغیان و تسخیر هرات اعزام داست در چنین شرایطی دو ات انگلیس که حمله ایران را بهرات تهدیدی برای مرزهای هندوستان تلقی میکرد متوحش گردیده بار دیگر بنای دوستی بنا ایران را گذاشت و چند تن از افسران خود را بایران فرستاد . ۲ ورود این افسران عباس میرزا ولیعهد را از حمله بهرات باز نداشت تا اینکه وی در دهم جمادی الاخرسال ۱۲۹ قمری در حالیکه فرزندش محمد میرزاهرات را در محاصره داشت فوت کرد و مرگش سبب میرزاهرات را در محاصره داشت فوت کرد و مرگش سبب انصراف موقت محمد میرزا از محاصرهٔ حرات گشت از این دوره تا محاصره مجدد هرات بوسیله محمد شاه بسال ۱۲۵۳ قمری افسران انگلبسی در ایران بودند و در این تاریخ بعلت قطع مناسبات سیاسی دو دولت مجبور بسه تـرك

در گزارش زیر که بوسیله استودارت بکی از افسران انگلیسی مأمور درایران برای مسترالیس وزیر مختار بریتانیای کبیردر تهران نوشته شده است و ضمنظام ابران

3 - Filis

؛ -گرادش مورخه ۲۲ آودیل ۱۸۳۹ .

در آن دور ، مشخص گرویده که زیلا از نظر خوانند ک محترم می گذرد.

در اینجا لازم میدانم از استادمحترم جناب آقای د ک. علم اکبر بینا استاد دانشگاه تهران که فتو کیم این گزار نه را که خود از آرشیو دولتی انگلستان تهیه کردهاند ود: اختيار اينجانب نهادهاند سياسكزاري نمايم

عاليجناب

افتخاردارم كزارش زيررادربارة وضع حقيقي ارتشايران وهزينه نكاهداري آنوا توسط بادشاه بعرض مبارك برسانم:

۱ ـ تعداد سربازان ایرانی طبق صورت فرماندهی کل جمعا ، ۱۰۰۷۵ نفر بشرح زير:

نیروهای منظم و ثابت

۲۹۰۰۰ نفر يباده نظام

۲۰۰ نفرسواره نظام

١٥٥٠ نفر تويخانه

جمع ٤٠٧٥٠ نفر

۲۰۰۰۰ تفنکچی نيروهاي نامنظم (غير ثابت)

٠٠٠٠ سوار

جمع ۲۰۰۰۰

۲- هزینه غیر خالص نقدی برای نگاهداری ارتش بالغ بر ۲۳۹۱۳۱ لیره و ١٠ شلينگ ، جزئيات آن طبق هزينه هاي اخير بابت لباس - مواجب -اسلحه تجهیزات ـ اسببرای سواره نظام و توپخانه و سیورسات بشرح زیرمحاسبه شده است. . روهای منظم (ثابت) ۳۹ گردان هر گردان مرکباز ۱۰۰۰۰ نفر ۳۹ کردان و در ۱۰ ۱۰ ۱۰ الدره دو اسوار ان هر اسوار ان مرکب از ۱۰۰ نفر ۱۰ - ۱۷۱ الدره دو بخانه با ۲۲۵۰۰ نفر ۲۲۵۰۰ لیره جمع ۱ - ۱۷۵ ۱۷۱ کیره

نیروهای نامنظم(غیرثابت)هزینهاییننیروها ی هزینه سربازان منظم میباشد ۲۰۰۰۰ تفنگچی ۳۳۲۰۰ لیره ۴۲۲۸۲۰ سوار ۲۲۲۸۲۰ لیره جمع ۲۸۰۶۳۰ لیره

جمع کل۱۰۱-۱۳۲۱ لیره

موضوع کردن ه هزار جیره بگیردرروز از قرار ماهیانه ۳ شلینگ ۲۰۰۰ و الیره دروو

۳- درحال حاضرعمده واحدهای ارتش از تهران و استانهای آذربایجان عراق - فارس - خراسان و کرمانشاهان تأمین می شوند . چهارهنگ مستقر در نهران که میتوان آنرا پشتیبان قدرت سلطنت دانست اخیرا مراجب و لباس مرتبی دریافت میدارند . سلاحهای آنان وضعرضایت بخشی ندارد ولی میتوان نوسط کار گران قورخانه سلاح مزبور را قابل استفاده نمود . سه هنگ از آذربایجان و هنگ چهارم از سربازان فراری روس تشکیل شده است . توجه خاس به سان سربازان مزبور توسط افرادی صورت میگیرد که از مشقنظام خاس به سان سربازان مزبور توسط افرادی صورت میگیرد که از مشقنظام ماطلاع درستی دارند و نه از انتخباط بوئی برده اند .

پادشاه نیز ازسسربازان مزبور سان میبیند و نسبت بآنها علاقه زیادی ابراز میدارد. بواسطه فقدان کاردانی افسران. سربازان از انضباط بیخبرند و بهمین علت دراثر تحریك یك سرگرد جناح یكی ازهنگها ازاطاعت فرمانده خود سرباز زده اصرار داشتند از کار بر کنار شود. این سربازان نیزازوظایف

معمولی از قبیل نگهبانی درواز های شهراطلاعی ندارند و به محموله قاطره که بداخل شهر می آیند یااز آن خارج می شوند دستبر دمی زنند. در آذر بایج سر بازان قبلا توسط یك رئیس انگلیسی تعلیم می دیدند و هنوزهم باقیماد ، آنچه را که فرا گرفته اند بكار می برند مهم اینست که آنها معمولا برای انگلیسی ها احترام قائل هستند احترامی که سالها قبل در اثر تجربه پ ده گذاری شده و احتمال نمی رود بدست فراموشی سپر ده شود.

افسران ایرانی توجهی بمسئولیت و وظایف خود ندارند تا اندازهای بنفرات هنگها اسلحه لباس و تجهبزات داد، مي شود ولي آنها اطميناني بدر بافت مر اجب وجیره روزانه خود ندارند. نفرات تو سی بیشتر آزر مانجانی هستند قابلیت این نیرو مانند سایرجاها کاهش پیدا میکند زیرا بهسربازان مزبور مرخصی های طولانی داده میشود تانز د خانواده های خود بروند و زمینهای زراعتي خانواده ها را كه مديها متروك مانده كشت نمايند إفرادي كه فاقد آب و زمین باشند در ارتش استخدام نمیشوندوازطرف سرهنگ فسرماندهم، تضمین نمیشوند در عراق در ابتدا مشق نظام در سال ۱۸۳۵ توسط کلنل باسیان معمول کر دید اینجانب از سه هنگ باز دید کر دم افسر او این هنگها از لحاظ مشق نظام از هنگهای آذربایجان برتر بودند اسلحه کافی برای دو هنگ موجود است ولی از لحاظ لباس و تجهیز آت بطور تساوی کمبود مشهود است بنا بتوسيه كلنل باسيان باصدور فرماني إز طرف بادشاه وضع افسران بهتر شده ودسترر برداخت حقوق آنها صادر شده است . در فسارس سربازان دارای اسلحه هستند ولی از لحاظ لباس و تجهیزات کمبود دارند در این استان تا کنون کسی برای خدمت سربازی نامنویسی نکرده وهنگی تشکیل نشده است نفرات هنگهای مستقر دراین استان تماماً آذربایجانی هستند . هنگ سمنان افرادآن ازمردم خراسان که هر گز مجهز نبوده و همواره فاقد اسلحه لباس وتجهيزات بوده اند، هنگ مازندران همين وضع رادارد . اين هنگدر زنجان وهنگ عراق در دماوند و فيروز كوه دوجود آمده است. در كر مانشاه

یا هنگ مشق نظام داده شده ولی فاقد اسلحه ، لباس و تجهیزات می باشند استباط سربازان هنگ مزبور خیلی کم و محدود است . از اسواران فسا در فصل پائیز بازدید کردم افراد آن دارای کفایت و شایستگی هستند و اکنون در خانه های خود بسر میبرند . تفنگ چیان نامنظم و سواران ، سلاح موردنیاز خود را شخصا تهیه میکنند و چون باسرباران منظم مقایسه شوند زیان آنها برای ارتش بیش از فایده آنها است .

بنظر میرسد تاحال برای بهبود وضع نیروهای پادشاه کوشش بعمل نیامده است ذخائر پادشاه برای تجهیز سربازان کافی نیست باروت مورد نیاز آنهااز کارخانه تبریز ویك کارخانه جدید تهران که ساختمان آن در شرف پایان است نامین میگردد در نزدیکی تبریز معادن سرب فراوانی و جوددارد در آنجایك کارخانه توپ ریزی و عراده سازی مخصوص حمل توپ و جوددارد.

وضع افسران انگلیسی بانظامیان ایرانی بقرار زیراست .
 عراق کلنل باسمر بادو هنگ بباده

آذربایجان :کاپیتان «آیبك°» بادو هنگ توپخانه سوار که اکنون بسا نیروهای تحت فرمان خود ازشیراز در حرکت است

کرمانشاه ـ ستوان درو^۲، بایك سرگروهبان پیاده بـا سربازان هنگ ساهزاده از کرمانشاه بطرف شوشتر در حركت است .

تهران - ستوان «تانانت^۷» ودوسر کروهبان سوار بااسواران مربوطه ، ستوان «پاد^۸» ودوسر کروهبان توپچیسواربسر بازان توپچیمشق نظام میدهند ستوان دوم لنگتون^۹ ازهنگ بنگال طبق دستور مسئول رساندن آب ناحیه قزوین است .

^{5 -} Ibec

⁶_ Raw

⁷⁻ Tanant

⁸⁻ Pada

⁹⁻ Longton

4

ه طبق دستور آن جناب یك سیستم خبر رسانی منظم و مرتب توسط یا سمر برقر ارشده تانمایندهٔ دولت بریتانیا را در تهران از وضع حقیقی سر بریتانیا و افسران مستحضر سازد. خلاصه آخرین گزارش آنها به پیوست است.

عاليجناب

همواره مطيع اوامر هستم

خدمتگزار کاپیتان چارلز ـ استودارت

٢٦ آوريل ١٨٣٦

آیاسد در مورد اینکه چارل استودارت درپایان این گرارش سود را کاپیتان و سروان) مه کرده است و درمقدمه این مقاله همه چا گلتل استودارت نوسته شده . این توصیح لازم است کلیه افسران خارجی که در دورهٔ قاحاریه برای آمورش ارش ایران استخدام مشدهاند در درحانی بالا ر و البته موفی بخدمت ارش ایران درآمدهاند و این افسران درگرارشیائی که در مطالب و مسائل محیلف به کشور منوع خود منفرستادیاند طبیعیا درجه اسلی خود را می توشیه

COPYRIGHT PHOTOGRAPH—NOT TO PHOTOGRAPHIC.

صفحه اول گزادش كلئل استودادت

helt constantly informed us to the o to to of the troops the officers may be with in abstract of their late reports is here. itt je monded. I have the hour to be, Fire Swellings more obedient, inable dework Charles Sindart Coptain Royaldtelling Padri. huan }



استادونامه

بخش دوم _ دستور های شاه

| دستور شاه به عضدالملك در بارة معدن طلا |

هو . درباب معدن طلا اظهاری کرده بودید حقیقة باید درین بال الاره اهتمام به عمل آورده انشاءالله تعالی درستمعلوم و مشخص نمائید کهمعدر بامعنی است . حقیقت دارد یا نه ، از خاکش باز بدهید آدم باوقوفی بشود وعمله بگمارید کار کرده رگ تازه پیدا کنند. خلاصه درین باب اهمال واغف نکرده کمال سعی را به عمل آورید. شاید انشاءالله تعالی معدنی باشد بامعنه و به کار دولت آید حرره فی شهر محرم الحرامسنهٔ ۱۲۷۷

(صحهٔ ناصر الدینشاه). صحیح است پشت مکنوب مهر دبیر الملك دیده می شود

- 8 -

| دستورشاه به عضدالماكدربر الردانيدن فراريان ايل تيموري |

هو. درباب بر گردانیدن فراربان ایل تیموری شرحی نگاشته اظهاردا ته بودید که میرزا محمد حسین مستوفی و مهر علیخان سر کردهٔ سواره با بخدمات نمایان کرده همراه سارم الملك رفته آنها را بر گردانیده اند خده آنها در خاکپای مبارك درجهٔ قبول و استحسان یافت البته آنها رابه مراحم علمهٔ شاهانه امیدوار نمائید. لکن آن چهار صدخانواده فراری رابایه کوچانیده و بسرخس روانه دارید باز... آنها همین است که همان خانوا حتما کوچانیده بسرخس بفرستید و تتمهٔ خانوار تیموری و عمارلو را موافق قاعده در میان طوایف سویت کرده بطوری که صارم الملك تمهد کوچانیده روانه نمائید که برای زراعت سنبله در آنجا حاضر شوند. فی محرم سنهٔ ۱۲۷۷

باصحهٔ شاه ،دصحیح است، و مهردىيرالملك درپشت دستور .

_&-

إ دستورشاه به عضدالملك راجع بهاعزام معمار براي محمد ولي خان

از قراریکه نوشته بودید معمار و بعضی اسباب لازمه که مقرب الخاقان محمد و لی خان سردار خواسته بود از برای او فرستاده اید بسیار خوب کرده اید البته بعد از ابن هم هروقت برای او اسبابی لازم مبشود و بشما می نویسد در فرستادن آن دمال اهتمام بعمل آمده ار رامعطل نگذارید. شهر محرم الحرام سنهٔ ۱۲۷۷ صحیح است (صحهٔ شاه) و مهر دبیر الملك دریشت دستور

- O -

دستورشاهبه عضدالملك دربارة مهما ندارى از سر دار سلطان احمد خان حاكم هرات | سره ۱۷

هو ، درباب مهمانداری و توقیر واحترام سردارسلطان احمدخان حا کم هرات تفصیلینگاشته بودید درخاکپای همایون مستحسن و مقبول افتاد هر قدر دررعایت شرایط احترام و توقیراوزیاد تر مبالغه و اهتمام شودباعث خشنودی اولیای دولت علیه خواهد بود. بعد از اینهم باید در میان شما رابطهٔ مودت و ،گانگی مستحکم باشد. درباب موقوفات سرکار فیعن آثار ۱ البنه مراقبت کرده بالتمام به تصرف در آورید و محصولات آنها را ضبط و تصاحب نمائید . حرره فی شهر محرم الحرام سنهٔ ۱۲۷۷.

باصحهٔ شاه وصحیح است، و پشت دستور را دبیر الملك مهر كرده است

۱ - مراد موقوفات آستان قدس وضوی دو هرات است

-

-"-

| دستورشاه به عضدا الملك دربارهٔ قروض سردار سلطانعلی خان | نبرهٔ ۲۲

ورباب قروش سردارسلطانعلیخان دهنوشته بودید خودشما قبول کرد. به طلبکاران او نمساتسپرده اید بسیار خوب کرده اید انشاه الشتمالی به ماللبکاران تمسات سپرده ایدتنخواه آن باچاپاردنگر انفاد و ارسال میشود که به طلبکاران او داده تمسکات خودرا بگیرند شهر محرم الحرام سنهٔ ۱۲۷۷

با صحة شاه : وصحيح است، بشت وستوررا وبير الملك مهر كروه است

-Y-

[دستورشاه به عضدالملك در بارة فروش غلة سركار نيض آثار | نبره ۲۷

هو، واضح است که با آنه مه فشون که مأمور خراسان است غلهٔ دیوانی کفابد نخواهد در د لامحاله باید بقدر پنجهز ار خروار جنس از انبار حضرت (ع) بدیوار اعلی بفروشید از حالا که سر خرمن است بر حسب امر فدر قدرت همایون بشه اظهار میشود که بابد بقدر پنجهز ار خروار از جنس حضرت نگاهداری کرد بمصرف برسانند تاانشاه الله نعالی در مقام ضرورت . . . نمایند . در این باد بابد اچند کلمه پاره شده ا داشته باشند. حرر دفی شهر محرم الحرام سنهٔ ۱۲۷۷ باصحهٔ ساه و صحیح است و مهر دبیر الملك در بشت.

ناصرالدينشاه درحاشيه بخط خود نوشته است :

البته ازجنس حضرت درانبار مشهد مقدس بقدر پنج هزار خروار حاف بكنيد اگربرای قشون مروخواستند بهقشون بفروشید یعنی بهدیوان. وا باز حال حضرت است. درمشهد فروخته می شود البته حاضر كنند .

-1/-

دستور شاه به عضدالهلك در قرض دادن به اناغنه | نبرنه ۲۹

هوی حضرات افاغنه که بدربار گردون مدارهمابونهی آبند غیر از ضرر ای از وجود آنها حاصلی نخواهد بود برحسب امر همایون باید بعد از ان از آنها احدی را نگذارید بدارالخلافه الباهره بیابند. اگر آمدند از همانجا بر گردانید وباهالی خراسان هم فدغن واحبار نمائبد کسه بساطمبنان دروان اعلی دیناری بآنها قرش ندهند وا گرچیزی بآنها بعنوان قرش بدهند از کیسهٔ آنها خواهد رفت. البته قدغن اکیدنمایند حرره فی شهر محرم الدرام سهٔ ۱۲۷۷

با صحة شاه: وصحيح است، ومهر دبير الملك دربشت دستور.

ناصر الدين شاه به خط خود درحاشيه نوشته است :

به همه اعلام کنند که قر ش ندهندو نگذارید دیگر این ا بك کلمه سیاه شده ا ۱۸ دایم ان بیایند .

-1:-

[دستور شاه به عضدالملك در بارة سيدابوالحسنخان |

تمرهٔ ۳۶

هو . در باب حاجی سید ابو الحسن خان شرحی نگاشته اظهار داشنه بودید که بمنصب امامت سر کارفیش آثار منصوب و بر قرار داشته ابد درخا کهای فلك فرسای همایون هم موقع قبول واستحسان یافته فرمان همایون بسرای مزید مفاخرت و امیدواری او شرفصدور یافت باو بدهید زیارت کرده بامیدواری سر کرم خدمت گذاری سر کار فیعن آثار باشد حرره فعی شهر صفر المظفر سنه ۲۷۷۷.

با محمَّه شاه : وصحيح است، ومهردبيرالملك درپشت دستور .

- 4 -

[دستورشاه به عضد الملك دربارة حركات سردار سلطانعلى خان] نعرة ٣٠

هو، در باب حرکات خلاف وهرز کی وحق ناشناسی سلطانعلی خانوسه، افاغنهٔ قندهاری که اشعاری کرده بودبد اگرچه بهر گونه عقوبت و سخط سیاستی مسنحق بودند ولی بهمان سیاست دو نفر افغان اکتفاشده مصحوب محم خان چاپار چند روز پیشتر حکم همایون شرفصد وریافت که سلطانعلی خان مقرب الخافان شهاب الملك روانهٔ هرات کند.

البهه نما هم از مدلول حكم همايون مستحشر شده تا به حال او را روا: داشنه ابد. حاجت بترقيم مجدد نيست. حرره في شهر صفر المظفر سنه ١٢٧٧ حديح است (صحة شاه). بامهر دببر الملك در پشت دستور

-) 1-

[دستورشاه دربارهٔ علمای نیشابور و حرکت آخو ند ملاهاشم]

فیمابین علمای نبشابور گفتگو و مشاجره اتفاق افتاده و منجر به خشونت پر ده دری شده جناب آخوند ملاهاشم با کوچوبنه بمشهد مقدس آسده است حاهمایون به مقرب الخاقان شهاب الملك شر قصدوریافته شماهم مستحضر خواهید شنواب پر ویز میرزا حا کم نبشابور هم از جانب سنی الجوانب همایون امرومقر شده است که آدم فرستاده جناب مشار الیه را هر طور است دلجوئی کرده باز نبشابور معاودت دهد. می باید شماهم از قراری که به مقرب الخقان شهاب الملا نوشته شده است معمول دارید و مراقبت نمائید که آخوند ملاها شم باز معاود است معمول دارید و مراقبت نمائید که آخوند ملاها شم باز معاود است معمول دارید و مراقبت نمائید که آخوند ملاها شم باز معاود است معمول دارید و مراقبت نمائید که آخوند ملاها شم باز معاود است معمول دارید و مراقبت نمائید که آخوند ملاها شم باز معاود است معمول دارید و مراقبت نمائید که آخوند ملاها شم باز معاود است معمول دارید و مراقبت نمائید که آخوند ملاها شمایون است کرده روانهٔ نیشابور گردد. در باب و ظایف هم بهمان قرار که حکم همایون است قرار داده آدم بفرستید فی شهر صفر المظفر ۱۲۷۷

صحبح است (صحهٔ شاه) باههر دبیر الملك در پشت دستور

-11-

[دستورشاه به عضدالملك دربارة فروش غله سركار فيض آثار] نبرهٔ ۷۰

هو ، درباب پنجهزارخروار غله که از اهلاك حضرت (ص) امرومفررشده مد در انبار نگاهدارید شایدبرای سیورسات قشون مأمور مرو لازم شوداز هراری که مقرب انخاقان قوام الدوله نوشته بود درسمت میمند وباروچاق غله بعیمت ارزان بهم خواهد رسید در ینصورت غلهٔ حضرت را معطل دردن لازم مست. فروخته بمصارف تذهیب صحن مطهر برسانید. احتیاطاً برای مروغله بار درده بلوکات ارض اقدس وموجودی انبار شهرومحمود آباد جام کفایت خواهد در مقرب الخیقان شهاب الملك حکم شده است آورده در شهر نگاهدارد ، علهٔ حضرت را بفروش برسانید . فی شهر صغر ۱۲۷۷ .

باصحهٔ شاه ب صحیح است ومهر دبیر الملك در پشت دستور .

-)3-

[دستورشاه دربارة موقوفات هرات]

هو درب ب املاك موقوفهٔ حضرت (ع) واقعه در هرات حاجی سيدا بوالحسن سرحی نوشته بود درخا كپای همايون ملحوظافتاده در طی حكام عليه موكدا سردار سلطان احمد خان امر ومقرر شده است كه لازمهٔ تقويت و مراقبت را بعمل آورده نگذارد امر موقوفات بی نظم شود. البته شما هم باو بنويسيد و اگر مسانيد از ميرزاجبار كاری ساخته نمی شود او را تغيير داده آدم ديگر مشخص كرده بفرستيد و ملتفت اين فقره هم باشيد كه آن آدمی كه ميفرستبد آدم زبرك رفونامهٔ آدم و در جزواز جميع اوضاع و احوالات آنجا مطلع شده هميشه روزنامهٔ آدم را انوشته بشما برساند كه باينجا بفرسنيد و اوليای دولت رااز و قابع و گزار شات آنجا بی خبر نگذارد. البته درين فقره زياد اهتمام داشته سيد. فی شهر صفر المظفر سنهٔ ۱۸۷۷.

سحيح است : (صحة شاه). با مهر دبير الملك در پشت دستور

-) 3-

إدستورشاه در بارة شجاع الدوله قوچاني إ

هو ، درباب عمل قوچان و بهبودی احوال شجاعالدوله اشعاری د بر بودیدباید مراقبتنمائیدفیمابین شجاعالدوله وبرادرشامیرحسبنخانادالا به شود و اوضاع خانوادهٔ آنها مختل نگردد بحاجی میرزا محمود حکیمباشی به ملفوفهٔ فرمان مبارك شرفصدور بافت که بهرنجو که میتوانید فیمابین آنهاالب دهد و در معالجه و مداوای شجاع الدوله همزیاد مبالغه و اهتمام کند ده انشاءالله بزودی رفع ناخوشی او گردد درباب بذرقلعهٔ مبار که ناسری وامر خانوار آنجاهم اظهاراتی کرده بودید جواب مبسوط و مفصل بشهاب المالی نگارش یافته شما مستحضر خواهید شد. حاجت بنگاشتن مجدد نبست باید شما هملازمهٔ مراقبترا درانتظام امر آنجا بعمل آورید فی شهرر بیع الاول ۱۲۷۷ صحیح است (صحهٔ شده) بامهر دبیر الملك دربشت دستور

10-

[دستورشاه بهعضدالملك دربارة فروش غلة سركادفيض آثار]

از نوشتجان نواب والاحشمت الدوله و سابر سر دردگان اردو که البنه شما هم دیده اید چنان مفهوم میشد که برای آذوقه و سبورسات قشون نصرت ممون احتیاج بغلهٔ خراسان بهم خواهد رسید اگرچه سعد الملك بجهت خربدن ده هزار خروار جنس مأمور هرات گردیده لکن باید شم هم احتیاطاً مقدار پنجهز ارخروار جنس از بابت انبار حضرت (ع) نگاه داشنه بغروش نرسانید که در انبار مهبا وموجود باشد. همینکه مقام احتیاج شد بارگیری دره حملونقل نمانند و وجه قیمت آنهم از دیوان اعلی مرحمت خواهد شد. هی باید در ابن باب بهیچوجه من الوجوه مضایقه و کوتاهی نکرده هر طور است پنجهز ار خروار جنس پاک نگاهدارید فی شهر ربیع الاول ۱۲۷۷. صحیح است (صحفشاه) بامهر دبیر الملك دریشت دسنور

درانتهاىنامه شاهبهخط خودنوشته البته يسجهزارخرواررانكاه بداريد

-34-

[دستورشاه دربارة انتظام امور سرخس]

نمرم ۷۸

نوشتجات محمد ولیخان سردار وسر کردگان را که فرسناده بودند در کایای همابون ملحوظ افتاد بابد درانتظام امور سرخس لازمهٔ مراقبت و مواظبت را مرعی ومنظوردارید اینکه نوشنه بودند لازم است صرماامات بر دروخان بسرخس بروند بودن آنها در سرخس برای سرپرسنی خاوار و مدار آنها بسیارخوبست البته هرطور است آنها را روانه داربد و مانهجی که هفصلا به شهاب الملك مرقوم شده شما هم خواهید دید خانوار عمارلو و تبموری که بابست بروند آذوقهٔ آنها را تا رفع محصول تدارات نموده باخودشان حملونقل کرده ببر ندودر آنجاهم مراقبت نمایند که امرزر اعتشان منظم و مضبوط باشد در باب بدروعوامل هم حسب الامرشهاب الملك جابجا درده خواهد رسانید خلاصه در انتظام امور وحفظ سرحد سرخس و امنبت راه بابد لازمهٔ اهتمام رابعمل آورده کمال تقویت رااز محمدولیخان سردار را حند کلمه پاره شده افی شهر ربیع الآخرسنهٔ ۱۲۷۷

(حاشیه) احکام همایون بنحوی است که علی التفصیل بمقرب الخاقان شهاب الملن مرقوم شده و خواهید دید. البته تا ورود امبر الا مرا و العظام ظهر الدوله در حفظ امنیت ولابت کمال مراقبت بعمل آور بد. حرره فی شهر ربیع الثانی ۱۲۷۷. صحبح است (صحة شاه) بامهر دبیر الملك در پشت دسنور

- > &-

[دستور شاه دربارهٔ رفنن امیرحسینخان به قوچان |

هو ، از قراریکه بعرض رسید امیر حد منخان از راه جهالت و نادانی خودس، عزیدت قوچان نموده رفته باآن حالت و توهم و توحشی که شجاع الدوله از او داشت. حقیقة بسیار غلط و خلاف کرده محض مرحمت ملوکانه از جانب سنی الجوانب

همایون بامیر الامر االعظام ظهیر الدوله بالمشافهته ... امر و مقرر شده بود که اور زر مشهد مقدس نگاهدارند که مصدر خدمتی شود. ظهور این حرکت از او بسیار خلاف بود. اما از قراریکه نوشته بودند قراولان قوچانی اور اراه ندادند مانع شده اند . اوهم برگشته بدر جزرفته است حقیقة خیلی خوب کرده اند باید حسب الامر آدم فرستاده بزودی اور ا آورده در آنجا نگاهدارید وقد غن نمائید خیال رفتن قوچان را از خاطر خود بیرون کند . . رأی جهان آرای همایون است و لازمه مراقبت را در انتظام امور قوچان بعمل آورید . [چند کلمه پاره شده است] . فی شهر ربیع الاخر سنهٔ ۱۲۷۷

صحيح است (صحة شاه) بامهر دبير الملك در پشت دستور .

-11

[دستورشاه دربارة بهادرخان ومطالبات مردم]

تمرة ٨٢

تفصیلی در باب بهادر خان نگاسته اظهار داشته بود بد که صارم الملك ضماند نموده اورا از منزل شهاب الملك بیرون آورده که قرار تنخواه دیوانی و مطالبان مردم را بدهد رفته بست نشسته است اولا باید صارم الملك که ضمانت کرده است حتما اور ااز بست بیرون آورده قرار تنخواه دیوان را بدهد ثانیا پاره ای ادعاها که نوشته بودید بهادر خان از آدمهای خود و کسانی را که درایام حکومتش در ولایت مباشر کرده بود دارد از جماه میکوید هزار وسیصد تومان نقد به آن دو نفر داده که فرستاده در مشهد غله خریداری کنند حالاانکار دارندو آنهاهم که مباشری داشته انده یکویند تنخواه نقد از ولایت و صول کرده بخو دبها در خان داده ایم و او منکر است می بایدهمهٔ آنها را خواه در آنجا حاضر باشند خواه در ولایت یکجا حاضر نموده رجوع به مرافعه نمایند و خود تان هم با کمال دقت غور رسی و حاضر نموده رجوع به مرافعه نمایند و خود تان هم با کمال دقت غور رسی و رسید گی کنید. موافق قانون شرع و عرف بگردن هر کدام ثابت شود محصل رسید گی کنید. موافق قانون شرع و عرف بگردن هر کدام ثابت شود محصل کماشته حتما تا دینار آخر مطالبه و دریافت کنید. در اینکه او مبالغ کلی از

إبت تحصيل كرده كرفته وسه هزار و يكصدو چهل تو مان تنخواه ديوانى راهم كه رابت قيمت غله باو داده بو د نددينارى برعيت نداده و جنس را خفا از رعيت كرفته ست جاى شبهه نيست ولى چون شما توسطى از او كرده بمقام شفاعت بر آمده بو ديد دبوانيان عظام مطالبه ما خوذى و ساير تعديات او را نخواهند كرد لكن بايد و جه مندى كه گرفته و برعيت نداده حتمار دكند يكهزار تو مان هم كه سابقاً شهاب الملك از او كرفته عاليجاه ميرز اسدالة تحويل داده از تنخواه مزبور محسوب است دو جهل تو مان را هم البته گرفته به ميرز اسدالة تحويل داده و نم كرفته به ميرز اسدالة تحويل داده و نم كرفته به ميرز اسدالة تحويل داده و نم كرفته به ميرز اسدالة تحويل داده از تنخواه از بابت فا مل آخر كتابچة طلب قوام الدوله محسوب خواهد شد ميبايد در و صول آن تنخواه از بها در خان لازمة مراقبت را بعمل آوريد او هم با كمال شكر گزارى بيردازد ، فى شهر ربيح الاول سنه ۱۲۷۷ .

حجیح است (صحهٔ شاه) ، بامهر دبیرالملك در پشتدستور .

-F (-

إدستور عاه دربارة رساندن آذوقه به سرخس]

لورة ٨٣

درباب مقدمهٔ سرخس نوشته بودید ساخلو و خانواری آنجا بعد از رسید کی خبر شکست اردوی مرو واهمه کرده قلعه را خالی گذاشته بیرون آمده اند و بعد از شنیدن این کیفیت جمعیت و سوارهٔ قور خانه و آذو قه فرستاده اید که آنها را بر گردانند اگر چه انشاء الله تعالی تابحال یقینا مراجعت کرده به سرخس رفنه اند ولی باید شما و مقرب الخاقان شهاب الملك کمال مراقبت را داشته باشید که آنها بر گردند و بسرخس رفته و بهر طور است مال کرایه پیدا کرده آذو قه به آنها برسانید که معطل نباشند. شهر ربیع الثانی ۱۲۷۷

باصحة شاه: وصحيح است، پشت اين دستور به مهر دربير الملك مهر شده است .

9>

[دستورشاه به عضد الملك دربارة فروش غله سركارفيض آثار] ئمرة ٨٤

در باب غلهٔ انبار سر کار فیمن آثار حکم همبونی این است که از بر دولت در آن حدود غله ضرور خواهد شد وباید موافق حکمی که سابقامرا شده است غلهٔ انبار حضرت را نفروشید و از برای دولت نگهدارید. بلکه سال آبنده هم ضرور خواهد شد وغلهٔ انبار حضرت رادولت خود ميخرد اند نو شهبودید برای مخارج نذهیت ایوان چهارینجهزار نومان تنخواه مرح شود که آگر غله خریده شد از بایت قیمت آن محسوب شود فرمایش همیو ابن است بعداز آنكه نواب حسام السطنه آمدند قرار تنخواه آن داده خوا شد كهنواب معزى البه بهمرا مخود آورده درآ نجاتسايم نمايند وانشاءالله نم نواب معزى اليه زود خواهند آمد شهر ربيع الثاني ١٢٧٧.

باصحهٔ شاه : وصحبح است، و مهر دبیرااملك دریشت دستور . شاه به خط خود در حاشبه نو شته است ب عله را نگاه دارد،

= 31 -

[دستور شاه در بارهٔ غلام حیدرخان افغان]

نمرة ٥٨

در باب غلام حیدر خان افغان که نو شته بو دمد خیال رفتن قندهار راند و استدعا کر ده است که سدنفر سو از هٔ افغان کر فنه همیشه باسو از ماش در خراس مشغول خدمت كذارى باشد شهاب الملك همايين فقره رانوشته بودمر اتسبعر خا كياي همايوني رسيدواستدعاي غلام حيدر خان يسنديده افتان باينطور كهر جهان آرای همانون براین تعاق یافته است که دوهزار سوار جدبد در خرام کرفته شود .

غلام حیدرخان هم این صد نفرسوار افغان را یادار کردهسان بدهد. جزو همان دوهزارسوار برقرار خواهد شد بلکه اگر علاوه برآن بکصد رافغان بکصدنفرسواردیگرهمخود او ازخراسانی داوطاب باطلاع فنهبر و اه گرفته و سان بدهد این دوبست نفر سوار همیشه ابسوابجمع خود او مورد و مواجب و جبرهٔ آنها از دبوان اعلی مرحمت می شود ده در آن صفحان مول خدمتگذاری باشند اهاباید شمایا غلام حیدرخان گفنگو نموده قرار ماجب و جبرهٔ خود اورا هشخس نمایند که معلوم شود خبال او چست و چه مدر امواجب و جبره منظور دارد از دبوان اعلی بگیرد. اگر بحالت بو دری و مدر اندازه جیره و مواجب خواهد خواست دیوان اعلی نیز مضایقه نخواهد کرد محواهد داد و اکر نوقع مواجب و جیره گزاف دارد این فقره اشکال دارد مثلا مشار البه بدار الخلافه آمده بود می گفت شش هفتهزار تومان مقروس مدام ا کرباین خیالها و باین طورها حر دات خواهد کرد از برای دیوان علی مشکل است خلاصه باید در این مورد و کبفیت در داد کندگو نمائید و کبفیت می مشکل است خلاصه باید در این مورد و باخود او گفنگو نمائید و کبفیت

صحبح است : (صحهٔ شاه) با مهر دبیر الملَّك در پشت دسنور در صدر نامه به خط شاه دارد: در آن فقر میه ظهیر الدوله حکمی نوشنه شده است خواند

-11-

[دستور شاء دربارة خربد اسراء از تركمانان]

نوره ۸٦

درباب اسرائی نه درابن مقدمه دردست ترکمان کرفنرشدهاند هرچند درحق آنها ازهیچگونه مرحمت دریغ نخواهد شدولی اگر علانیدازجانب دولت بخربداری آنها اقدام شود دوعببخواهد داشت بیکی اینکه کسرشأن دولت است ودیگر اینکه آنها همینکه دانسنند دولت درمقام خربداری اسراه ستبرقیمت آنها خواهند افزود. حکمهمایونی اینست که شما وشهاب الملت درجز، تجار جدید خراسانی را که همیشه تجارت وراه با آنها دارند بفرسبد عمه اسراه را یکجا قیمت کرده تمام نموده باسم اینکه کسان و منسوبان

خودشان پول میدهند تنخواه برده گرفته. حتی ظهیرالدوله هم اگر مشتر . شود آنها درك مطلب ومدعا خواهند كرد البته در این باب كوتاهی نكرده تجار جدیدالاسلام آنجا چند نفری را روانه دارید و تنخواه هم موافق صور . علیحده كه برای ظهیرالدوله ارسال شده است. در خراسان تنخواه دیوانی هسب بعد از آنكه قرار دادن تنخواه شد از همان بابت كارسازی كرده انشاء الله تعالی آنها را مستخلص نمایند . شهر ربیع الثانی ۱۲۷۷ .

صحیح است (صحة شاه) با مهر دبیر الملك در پشت دستور.

- 18 -

[دستور شاه در موافقت باظهير الدوله]

تمرة ٨٧

در بارهٔ مأموریت امیر الامرا ، العظام ظهیر الدوله که نوشته بودید خیلی مایهٔ امیدواری خودم شده است اگر چه مقرب الخاقان مشار الیه سفیر کبیر هم مأمور خراسان شده است و مردم آنجارا خوب میشناسند ولی چون هروقت اقتضائی دارد و مقرب الخاقان مشار الیه تازه وارد شده هنوز بلدیت ندارد لهذا باید شما کمال موافقت و همراهی را با مقرب الخاقان مشار الیه نموده هر چه را مقرون بصلاح دانید باوحالی کنید تا بلدیت تام بهم برساند و انشاء الله تعالی نواب حسام السلطنه هم بمقر حکومت خود بیایند . حرر فی شهر ربیع الثانی ۱۲۷۷ صحیح است : (صحة شاه) با مهر دبیر الملک در پشت دستور .

-76-

[دستور شاه در بارهٔ ایل جمشیدی و ولی محمد خان جمشیدی|

در باب عالیجاه ولی محمد خانجمشیدی که نوشته بودید چونمهمان ورسیدهٔ دولت بود باواظهارمهربانی کرده اید عیبی ندارد. ولی درباب بقیهٔ ایل جمشیدی که در سرحدات قوچان هستندو نوشته بودید به عالیجاه ولی محمد خان واگذار شود این عمل موقوف بصوابدید خود نواب والاحسام السلطنه است که

م ایل جمشیدی راخود ایشان کو چانیده بمشهد آور داندوهم مصلحت وقت را بتر میدانند. بعد از آنکه نواب معزی الیه وارد شدند باایشان در این فقره کفتگو کنید. اگر صلاح دانستند تفصیل را خودشان بنویسند ممضی و مقبول خواهد شد. شهر شعبان ۲۷۷۷.

صحیح است (صحهٔ شاه) با مهر دبیرالملک در پشت دستور.

- 6 A -

|دستور شاه در باره تحریکات خدام نسبت به عضدالملکه| صفعه ۲

تفصیلی که درباب حرکات خدام نسبت به خودتان نوشته بودید بنظرانور اقدس همایونی رسید اینکه نوشته بودید نمیدانم آن التفات ومرحمت سابقهٔ ماوکانه در بارهٔ من شامل است و میتوانم در نظم خدام بطریق استقلال و استیلا، حرکت کنم یا اینکه مرحمت ملوکانه سلب شده، این حرکات خدام از بابت زوال مرحمت ملوکانه واشارهٔ اولیای دولت علیه است فرمایش همیونی ابن است که مرحمت خاطر خطیر مبارك بنجو سابق بلکه اتم و اکمل در حق شما شامل است و بهیچوجه قصوری در مراحم خدیوانه نسبت بشما حاصل نشده است واحدی از اولیای دولت علیه هم با عنایت خدیوانه چنین اشارتی نمی توانند بکنند و در اینخصوص بنواب حسام السلطنه در ضمن احکام موکداً مرقوم شد که به خدام ضرب معقول برند وقد غن نمایند که احدی از امر وصوابد بید شما تخلف نکنند، والا مورد عتاب خواهند شد و بافتخار خود شما هم ملفوفهٔ فرمان مبارك به مضمونی شرف صدور یافته است که بتوانید بخدام نشان بدهید. البته مرحمت ملوکانه را دربارهٔ خود کامل و شامل دانسته با کمال استقلال مشغول نظم امور متعلقه بسر کارفیض آثار باشید . شهردی الحجهٔ ۱۲۷۷۸،

صحيح است (صحة شاه) ومهر دبير الملك در پشت دستور.

ناصر الدينشاه خود در حاشيه نوشته است ؛

البته يدرخدامرا آتش زده دركمال استقلال مشغول نظم امور حضرت باشيد.

- 47 -

[دستور شاه به حسام السلطنة درباب عضد الملك وخدام سركار فيض آنار | نمرة ١٠٣

مقرب الحاقان عضد الملك این دفعه در ضمن نوشتجات خودش اشعاری را این فقره نموده بود اوقاتی که او بستری و ناخوش بوده است به شی از خدا حضرت به پاره ای خیالات فاسده افتاده می خواسته اند اسباب اختلال و اغتشاس در امر آسنانهٔ مبار که فراهم بیاور ندو نسبت به او بعضی طورها حر کت نما بند و بدین سبب مقرب الخاقان مشار الیه دلتنگی بهم رسانیده است. لهذا بر حسام قدر قدر قدر همیونی به نواب و الا مرقوم میشود که این فقره را به خدام آسنانه مبار که عموما حالی و معلوم نمایند که اگر به قدر سرموئی از آنها نسبت به عند الملك بی احترامی و اقع شود یا احدی از صواب دید و امرو نهی او تخلف کند یقبنا مورد عتاب خواهد شد . عند الملك نو کر بزرگ این دول است و اختیار امور آستانه مبار که سرکار فیص آثار کلیه برعهد او و اگذار شده است و از جانب سنی الجوان همایون اذن و اجازه باو داده شده است که هریات از خدام به خلاف قاعده حرکتی کند یا از حرف او بیرون برود تنبیه مریات از خدام به خلاف قاعده حرکتی کند یا از حرف او بیرون برود تنبیه کند باید نواب و الانیز همیشه مراقب نظم کار او باشد و کمال تقویت را به عمل بیاورند و به خدام قدغن کامل کنند که درست حرکت کنند و از امرونهی او تجاوز و تخلف نکنند. شهر ذیحجه ۱۲۷۷

(صحة شاه) بامهر دبيرالملک دريشت دستور.

شاه بهخط خود درحاشیه نوشته است :

صحيح است .

شما بدانید که عضدالملك نو کر بزر ک دولت است و به خدمت بزرگ مامورست و مارا درحق اواعتمادست. این تصورات بی معنی خدام یعنی چه . البته آنها را تنبیه یکنید .

مدر فا المساور مرابع المرابع ا مدر فا المساور المرابع المرامية الم ور المرازي الم The state of the state of



ان ب برن هد ، بل در ار د الدر عد ، در ما م مبر میران دارد درت سدر میش و به ورت بهتام بات دارد درت سدر میش و به ورت میت درد ، یه در خاکشر : زیر به این ؛ و د ه ؟ میت درد ، یه در خاکشر : زیر به این ؛ معد مجاری کرد. رک ، رد به استان مدفعه ربع راغل کرد. کمک سرمانسر Service to the Service of the

ر مان المرافع منهون ، ف ابند الله المعروم عند الله المعروم Constitution of the state of the ويد فالريور و مورد ، باري مد ورمان والم לני מנוצם טון חלי בה לני לטיים יויים rie reliant

عری ۱۱ ۷۷

رداری زند بعد مع ر بیغیری ب درر دموی یه

مريافان مردار فالته در ازدار ادفعهم ا

رند موادم مرم مرفت معراد درد دام

رزرند درزت دن ال کال ا

ر من معراهم درمعلم عدفد

سند شمارة ٤

من كان در در در ما روان مرابع ، مرا) ، دفر درا

رباب درمی در درسه نیمان که نشه سه فدی ول ملك مان المسترية بالمرية بالمرية بالمرية المرية الم المعنى رداده کمات وزرامرم داده کمات وزرام

יז מניטיש קל בי היטאור. Many to be to the mine

ورن در اید تعرور مید مرد Les, distivantabline رار دوران دوران راهن ال دوران دوران وار مراية نبوا

الله المارية ا ف د ا بروابرک که برابع אריג שטיים מל פי טיף ביאלי رم ١١٥١١ مرية To plan on _

مرد مراکش از مرکی شرای در از مالی مربید از مرکش از مرکش از مالی معنب، شراء رض رصد مراد الأراد الأراد الأراد الأراد الأراد الأراد المراد ع د ده ما منام مان مان مان فعرار فعدان sist. المعالم المعال سند شمارهٔ ۱۰

ن فإين عربيث درفيك بريث م. « فاق أو د بينجريم» رود والمسم : أمني به مدور آور المسلم الم The consider the main the in ر براه برای برای مربری من ورن در ما ك راور) برورد و المرار المرارد و المرارد و المرار المرارد و الم رقيس ومد الأد شد - شد مند مندور موليد دران أو و الله مدام ، زمان

سند شمارة ۱۱

من من الرواد المن المراد المن المراد المن المراد المن المراد المراد المن المراد المن المراد المن المراد المرد المراد الم فرض راهر کردن من سرون می فات م الدار عد الرار ، ما ت در على المرار ، ما Sin in view of pros - 6 (0 assign 3)

ت بالم رد دید نام ، دید در رکست مرا مد مرانی در داند. که وکرسم کرد. م. در مرسی مد مرانی در داند. که وکرسم کرد. م. ابن مرد م بخسید مان در میزنند دد در در از ، در مز، ارتبی ۱، منع در دندت زیامی مند. م رز رف م كررن ت أن وخراد ابدوری حروی و ایما) دار بر عد مواند

المرازين المرازيين

ing the interpolation of My Shi will was for you have in معدد اوم دور نه سروات الدوورت الداره المراه المراد ال مار م بایت سرز روند بنیار : رین میرسکده موا داد أروبه ورنهم وت به مراور في المرافقة ماب مدروس من مدر شار من ما ورد خدمد مدین عور می موم ترسید بنت درد این But the same of the same of the المسرور المساور المان المساور المساور

مران برورید به مورد برورید به مورد برورید به مورد برد. مهن بوت کار دره ب مرور به بردرید به مورد بردرید به مورد برد This of fames in the friends we winger שונים בינו מקנוק מיי ונוק וומט בש ומו נולים مرابع معرفه برابع من عرف برابع من Jim Jos mail framminging Signation Wishing

inder Jim a del se de la can יוייניין לי לי יונים בול בון ביו שמש בל לי לי בייניים Hill fe in mon Sir Jam John The win in the Just is across, in po יל או או מו ביו ביות לו או מולי בעון וואלן ر فرون و بم ل ت مورور كريم و فرون و دو كا برده برمين باز معملات ما دو رافعه שיב לי נואה ישא נותר של נותר رسه بعد رند و معلی و در در در دام و ما رسید روب زاد، برز خذان روب زاد، برز خذان

از المار مقانه المدند ونقرد والمارات ي العمد أن معين عن رجمت كدرض رفدن الم. ر مورق ق مراس من المعالى وقت را دارت والم

بنوند ولافق أرع مِن مِن والله ندمرنده این ساز می می استان م مندمرنده این می استان می استا روزی فرزیه رز مبرول که رویه کمه بیل کوش منع الماريخ ال ت دندتین تاریخ دنگریزدای ا مروراتك دار عام البعدارة واركاء

د؛ ســ خرج مدرف ، فاق كه زرند فال من مذكرة أ و من المراد المر ندر راسمن فارفار به ربه فرا مند دان، بلید که دارجه بن امرویی ا بقة كره مدراند مي روان وقد ال م الم مدنورد الله و ما مدرد در الله م مدرد رسود الله والم ردانان معد نوررم وداده الدينان يه و به الله والمعالمة ير روب عرد الله درون الارك

سند شمارهٔ ۲۱

د برار در مراسد درات زنان دوار به a distribute of the striping. مُورِينًا وَمِ إِنْ مَا مِنْ مُلْ عَلَى مُورِينًا ور من الله مند و بعد المالة . in the is the imprision قرمد ملا فرد مد ترب درد دان داد ב אונו של ב לני עוני ין אול טיני وْرْتُ ن نومسند في ، در وُرْ عَرَظُر الدِّد وَ شريحد آني در كلاب دري فانداد بروا

را مرز. از ترمید ارس به مدفر را رواده: رواه م دار مردت عدد درار فیرادرد ایال

** . .

رباب خارد مرما و گرار که رقع عن صال ایج من باز در در در در در است درمان می درسیده از این است. برگذر در در در در در در درسیده از این است. ترمانه مدانی زار مزادمان

distribution of the state of th متعادما برفات ما مستعاد در بعد المراد برورا ريغ منه منرق بعدل بهندون من باروس ص بورة و والله في مدافع ما صافح مران بعد المن المرادة

ارم رامهٔ جزت بارجه ن قرر نیزیتر بیار جمل بی می در ترین می در از می در از در در از منورود ناند مری سیستان کار دین ورا مرود در المرود المر تَ مِن مُورِة مِن وَمِن مِن كُورُ الْمِن الدُورَةِ الْمُنْ اللَّهُ مِن مُورِة مِن وَمِن مِنْ أَكُورُ الْمِن الدُورَةِ اللَّهِ اللَّهِ اللَّهِ اللَّهِ اللَّهِ اللَّهِ اللَّهِ بهد. منه یک بهم اراقع یود ، اهر ازاما رادیگر كرقة رون ورنوالله المفيدرة في المرابيدية ويفل كمة جدة المعاقلة مرة الت رارمانيان

سند شمارهٔ ۲۸



مهر دبیرالملك که در پشت سند های ۱ تا ۲۶ دیده می شود



شخصیمی شعنب و

منش لما تکی

بقلم

" بِنُكُ جِهَا يَخِيرٌ قَائِم تَعَامِی (و كَرِّدِرْ مَا يِخ)

شخفیمی درباژهٔ وظیفه منشی کمانکی

علم

سر شک جهانخیر قائم تعامی د محرور تاریخ

.ه.شي الممالك، از لقبهاي عفاي دورههاي پيشاست كه چوں شغل و وظیفهٔ آن بلسي واكذار ميشد. آن لقب را نیز باو میدادند ويطوريكه ازعنوان منشى -الممالك برمي آيد شخصي كه . ين لقب و منصب كمسارده مشده است رئيس ديوان بالت و دار الانشاء بوده و المحاله عدهاي منشي وكاتب - دبير زير دست خود داشته -ت بنابراین برای تشخیص مل ووظيفه منشى الممالك، ماختن ديوان رسائلوانشاء وطول ماريخ ايران لازم بنظر

آ کاهی ماازدیوان انشاء

شهر آمار دبير

كنج آمار دبير

آتش آمار دبير

روایکان دبیر

ورسائل دوره های پیش از اسلام محدود است بزمان ساسانیان و در بارهٔ این میدانیم که زبردست ترین منشیان و بهترین خوشنویسان برای دیوان استخدام میشدند و منشیان و خطاطان درجه دوم را بحکام ولایات میسپرد در و دبیران در ابن دوره همه قسم اسناد را ترتیب میداده اند و مکاتبان در ایدست آنها بوده است ، فرمانهای سلطنتی را انشاء و ثبت میکردند و جر عجمه نزینه ها رامرتب و محاسبات دولت را اداره مینمودند.

دردورهٔ ساسانیان شغل دبیری در خاندانها موروثی بودو پادشاهان، دبیرار خودرا و مخصوصا دبیران بزرگ را از میان کسانی برمیگزیدند که پدر به پدر دبیر میبودند . طبری در شرح مملکتداری انوشیروان در این باره بدبس گونه اشاره میکند .

«پس مردی را بخواند از دبیران بزر گ ، از آن کسها که دبیری اند خانگاه ایشان بود ازسالهای بسیار ،

وبنابرراویت خوارزمی، دردستگاه ساسانیان هفتدبیربوده است بدینشرح

۱- دبیرداد کستری داددبیر

۲- دبیر عوابد دولت شاهنشاهی

۳- دبیر عایدات دربارسلطنتی کذگ آماردببر

٤- ديبرخزانه

٥- دبيراصطبل شاهي آخورآماردبير

۲- دبیرعایدات آتشکدهها

٧- دبير امور خيريه

ورئیس طبقه دبیران راکه اینچنین مقام واهمیتی در دستگاه دولنی داشته ا دایران دبیر بذ ، یا ، دبیران مهشت، میگفتند واحیانا مأموریت های سیا هم باوواگذار میشده است؟

۱-کریستن سن : ایران درزمان ساسائیان س ۱۵۶ ــ ۱۵۵ ترجمهٔ فارسی ۲- تصحیح ملكالشعراء بهار س ۱۰۶۷

٣- كريستن سن س١٥٥٠

بعد ازساسانیان دراوائل ظهور اسلام ، چون رسم برابن بود که هر کس سلمانان حاجتی میداشت می توانست خود بحضور خلیفه برسد و امور . و تعدور خلیفه حلوفصل میشد بناچارنیازی و بر و دبیر نمی بود .

دراین سالها ، خلیفه شخصا دفتراموال بیتالمال را که هداری مبکردو ، مه هانی که از طرف او نوشته میشد خود مهر میزد و گاهی خوداو نیز نامه هارا مینوشت اما طولی نکشید که درر تق وفتق امور بامه کلاتی روبرو سدند و حود رااز داشتن دیوان ناگزیر دیدند :خستین کسی که در دو لت اسلام بتأسیس دروان اقدام کرد عمر خلیفه دوم بود که درسال هشتم هجری برای منظم کردن حساب خراجهائی که میرسید باین کار پرداخت آ

در زمان عمر «فقط یك کاتب نامه های رسمی را مینوشت و در عین حال حسابداری م بعهده او بودوور آمد هزبنه رادردفنر محاسبان فبد میکرد ۲ بو در دورهٔ امویان که دستگاه خلافت بسط و گسترش بیشتری بافت برای دفنر احکام و مکاتبات دبیر (کانب) مخصوس تعیین گردید کهبراسرار قلمروخلافت احداله داشته باشد و نگذارد اسرار دستگاه منتشر شود و یا بمسامحه بگذرد برامور محاسبات و خراج نیززیر نظراو میگذشت ولی این دبیر بمنزله و زبر مود زبرادراین دوره تنهانیاز بخط و انشاه می بود و خلیفه خود با استبدادر أی مامور قلمروخلافت رسید گی میکردو بدین تر تیب مکاتبان و محاسبات کشور کلا مور قلم و بوان میگذشت ولی چون عباسیان روی کار آمدند دستگاه خلافت در بار سلطنتی تبدیل گردید و نیاز بوجود و زبر و حاجب و دبیرهای متعدد

٤- ابن خلدون : مقدمه ، س ٤٦٨ ج١

٥- جرجيزيدان : تاريخ تمدن اسلامي ج١ س١٠٠

٣- ابن حلدون - س ٨٨١ - ٨٨٤ ج١ وجرجي زيدان : س١٠٩ ج١

٧- جرجي زيدان : س ١١١ ج١

٨- ابن خلدون : ص ٧٠٤ ج١

دردورهسامانیان وغزنویان دیوان انشاء را «دیوان رسالت «ورثیسآبر «صاحب دیوان رسالت، میگفتند ۱۰ وآن یکی از دواوین تابعوزارت بود ۱۰ جماعنی بنام کاتب و منشی رسائل در آن کار می کردند .

۹- ابن خلدون : س ۲٦٨ ـ ٤٧٠ ج ١ وبه تجارب السلف نيز رجوع كنيد كه در خد دولت عباسي مينويسد ودردولت سابق وزارت بركسي مقرر نبودي و هركسي را اذ كه كادي پيش آمدي از تدبير آن مستبد بودي ياباخويشان واصحاب مشاورت كردي، به اين، ذكروزارت فكرديم اما دردولت عباسيان كارما برقاعده ميرفت وايشان وزارت دامر كردند، س ٣٠٠ تصحيح عباس اقبال

۱۰ بقول مؤلف تجارب السلف ، خالدین برمك سومین وزیر هباسیان بود (س۰ بهبعه) و لوسین بودا Lucien Bauvat در کتاب دبرمکیان، اورادومین وزیرمه (ر.ك بهس ۵۰ ما ۵۱ نرجمه عبدالعسین میكدم).

۱۱- لوسین بووا ، برمکیان س ۵۱ و ۵۳ سه این خلدون ج ۱ س ۲۷ وجرجی : ج ۱ س ۱۱۰ نیز مراحه کنید.

۱۷ – جرجیزیدان ج۱س۱۱۱ وس۱۱۱ ولوسینبووا س۳۵ ۱۳ – دسومدادالعلانه س۲۲۱ ترجمه فادسی به کریستنسن س۲۱ یانیز نگاه ۱۲ بیهتی کاویخ ، مر۱و۲ دوددود ۲ و ۱۳ وبسیاری جاهای دیگر

از ساز مان و تشکیلات اداری دیوان رسائل در این دوره بر آگاهی کاف . من تنه میدانیم کاتبان دید ان مراتب مختلفی داشته اند مانند کاتبانی کهدر حدور دادشاه وصاحب ديوان مي ايستادندو آنهائي كه إجاز مداشنه إند بيشبننده ١ جون سلجو قیان روی کار آمدند از کتاب و منشیان و عمال دیوانی ایرانی كه عمر خودراد: دستكاه يادشاهان ساماني وغزنوى ودبلميان گذرانده بودند اسفاده کردند والزعده وتقريبا عيرتشكيلات وانتظامات اداري راكهدرعهد ...مانیان وغز نویان در ماوراء النهر و خراسان وجود داشت باقی گذاشنند و دروان سلاجقه بغير ازبارهاى تغييرات بمقتضى زمان وبعض تبديلات اصطلاحي عن همان ديوان غزنو يان و ساهانيان بو دوه ١٦٠ ولي ديوان د سالت در اين زهان ضميمة دیوانے دیگر بنام دیوان طغرا شد که رئیس آن نیابت وزارت را نیز بعهده داشت و امور مربوط به تهیهٔ فرمانها و مکاتبات باین دیوان ارجاع میشدورئیس آنر اصاحب ماوز مردمو إن طغرا ورسائل ميكفتند واودر حقيقت رئيس دار الانشاء وباسطلاح امروز وزير امورخارجه بود و درزير دست خود عدداي منشي و تویسنده و طغر اکش داشت . از سواد فرمانی که در بارهٔ اعطای منصب دیوان طغرا وإنشاء درزمان سلطان سنجر دردست است ميتوان بوظائف ديوان طغرا ۹ دیوان انشاء هم جزو آن بوده است آگاه شد.

ابن است قسمتی از فرمان وزارت دیوان طغرا :

دیوان طفرا ونیابت دیوان وزارت بوی تفویت فرموده شد و زمام امرونهی وحل وعقدمهمات ملك و مصالح دین و دولت بدست كفایت و فضل و فطنت او داده آمد تا چنانكه از وی معهود است و متعارف، روی بدان روی آورده برأی صائب تر تیب كلیات مصالح ممالك حرسها الله بواجبی پیش گیرد و خاطر ما از آن فارغ دارد، و جوه ارزاق و مواجب حشم و خدم معین و مرتب گرداند و اسباب تخفیف

١٥٤ قابوسنامه چاپنفیسی س١٥٤

١٦ ـ عباس اقبال : وزارت درعهد سلاطين بزرگ سلجوني س١٨ و١٩

وترفيه خلايق جهان كه ودايع آفريدگار عزوعلااند .. كند وبررسم محدث وقاعدة نايسنديده كهمسلمان از آن رنجی باشد وشائبه ظلمی وحیفی دارد بر انداب. كارهاى معاملات ملك عالم را بتازكي، بقلم طراوني دمد وترتیبی کند که از آن ذکر جمیل و ثواب جزیل منتشه. مدخر کر درو آن قران آثار آن مؤیدو مخلدماندو همیر ... ترتیب دیوان انشاء که ناز کتر شغلی در دیوان آسب مواحب گیر د و در هرچه طبقات کتاب که امناء اسرار و ثقات خفاماء إحوال ملكاند تحرير كنندتأنق وتأمل ديد وبردقايق الفاظ ومعانى ابشان مطلع باشد وحال عقل و فضل هريك ازمكتوب و نتايج و نسايح قريحت و قلم او مداند كه يكتاب الاجل عنوان عقله و فضله تا هر مثال و كتاب وخطاب كه نافذ وصادر كرددوباداني واقاسي برسد متضمن فوايد و مصالح جهان وجهانيان باشد ومصون از خلل وسهوموجب ابطال ومحموعلى نعاقب الاياموترادف الشهور والاعوام مذكور و مسطور هميماند و آن دفس مدخر هم کردد ۱۷۰۰۰

پسازسلجوقیان ، دردورهٔ خوارزمشاهیان ، شغلومقام دیوان انشا ، بالانر از دیوان طغرا قرار گرفت ، مؤلف کناب سیرت جلال الدین مینکبرنی در شر -حال دولتیار طغرائی اشاره ای باین نکته کرده است ، اومیگوید: « او منص . طغرای سلطان (یعنی جلال الدین خوارزمشاه) داشت و آن منصب در آن دول ازمناصب بزرگ و فرونرمر تبهٔ انشا ، بود و پیش سلجوقیان طغرا شریفتر انشاء دود ه ۱۸۰ .

۱۷ _ عتبة الكتبه از س۸٤ تا٥٥ ۱۸ _ صفحه ۲۵ و ۲

بوفی که همزمان باپایان دورهٔ خوارزمشاعیان و اواندل استیلای مغول به درجوامع الحکایات از انواع کاتبان آن دوره که هریك شغل ووظیفه درجی داشنه اند نام برده است هانند کاتب خراج کاتب معونت کاتب حکام کاتب رسانل وانواع دیگر ۱۸ واین نکته حاکی از توسعه و گسترش دستگاه اداری رمی خوارزمشاهیان میباشد.

مقارن این احوال، حملهٔ مغول بایران روی داد و تغییرات کلی در همهٔ شئون داری و اجتماعی حاصل شد. در دورهٔ ایلخانان، دستگاه اداری به روش معول ها اداره میشد ۲۰ و دیوانها اسامی مغولی داشته اند. مینور سکی در حواشی تذکرة اداره میشد و استناد مندر جات جامع النواریخ می نویسد عنوان و لقب رئیس دبوان است در ابن دوره منشی الممالك بوده و در این باره نوشته است دنسبت لقب منشی الممالك بزمان سلطنت ایلخانان مغول میرسد و بهترین ترجمهٔ آن هماناوزیر مورخار جه است ۲۰ ولی ما در جامع التواریخ از این اصطلاح نشانی نیافتیم اما از این که و سعت و ظایف منشی الممالك تا چه حدودی بوده است آگاهی ندار دم. بخصوص که میدانیم غازان خان در زمان سلطنت خود تهیهٔ سواد فرمان هر ابعهدهٔ امراه محول نموده بود ۲۰ و بدین تر تیب جزئی از اختبارات و و ظائف منسی الممالک سلب و بچهار تن دیگر از امرام حول گردیده بود بنابر این، در در زمان منصب و شغل منشی الممالکی نضج و قوام چندانی نداشته است

١٩- باب مقدمم

۲۰ ر.ك به رشيدى : جامع التواريخ مر٢٤٠ - ٦٤٤ چاپ د كتر كريمي

۲۱ ... سازمان اداری حکومت صفوی، ترجمه فارسی س۱۱۷

۲۲ - دشیدی در این باده توشته است : ددر باب بر لیغ قر مود .. سواد بر لیغ امراکنند که ایم مسله و صرفه هرکاری دانند واگر ناموجه و دور از کار باشد ، بالتماس هرکس مند و نیز بسی مهمات باشد که بادفاتر دیوائی و ذکر موضوع و مبلغ، رجوع باید کردو احتیاط کرده سواد کنند، آنگاه به انفاق بیتکچیان معول لعظ بدخوانده بمحل دسانند تااگر اصلاحی باید، بقلم میارای فرماید یا بلفظ مبارای. بعدازانکه بیاض کننده باره هرضه دارند و بعد از آن بآل رسانند و بگویند که قلان برلیخ است که جهت قلان روز عرضه افتاد و قلان و و زخواقده آمد تا اجازت تعنا زدن بدان پیوندد، مسامری

ولی بعداز ایاخانان، دردور قجلایریان این شغل ولقب، رسمیت کامل یافر بر کتاب دستورالکاتب تألیف محمد بن هند و شاه نخجوانی باین اسد میرر برمیخوریم وحتی از وجود سواد و فرمان منشی الممالکی که بنام مین سعد الدین شیخی صادر شده و در آن کتاب است میتوان دریافت تثبیت و رسم... این شغل و منصب بقسمی بوده که تفویش آن ایجاب می کرده است فرمان سرود اینك سواد قسمتی از فرمان مزبور را که از محتوای آن ، نکاتی چدد در بارهٔ وظیفه منشی الممالکی معلوم می گردد در اینجا می آوریم:

واستبلا بر واستبلا بر وجلال واستبلا بر کواملمنازل کمالوا کمال وصعود بر مصاعد جهانبذی وعروج قهر مانی جز به تعیین حذاق کناب و [] استبد [] انشاه دیوان ممالك صورت نبنده واحمیا جماوا انام وسلاطین اسلام بشخصی که مستود عاسر ارسلطند ومستخزن احوال مملکت وینبوع حقایق معانی و دسو دقایق مبانی و منبع غسر ایب تراکیب و معدن بداد دقایق مبانی و منبع غسر ایب تراکیب و معدن بداد الفاظ و [] باشد، در غایت شدت است چه نظام مملک بی مساعدت سواعد اقلام او میسر نشود و قوام او سالک و ملت بی ارقام ارقام و احکام احکام او دست نده مسالحت میان سلاطین اللام بی تحیر کلمات حرکرد و مو افقت میان ملوك ایام بی آنه و حاصل نگرده و مو افقت میان ملوك ایام بی آنه عبار ات تو هر بار او اتفاق نیفتد.

سلاطین را کاتبالسروالا [..] وملوك را امین الممالك منقطالدمایه باید که استنباط بدایع مبدء وظیفهٔ طبع [زخار] او و استخراج لآلی مصنوعاد نتیجهٔ نثار فرخار او وهرآینه متصدی چنان امخطیر [..] چنین شخصی جلیل القدر شریف باید

تفویش منصب إنشاء ممالك بجانب او شد تابروجهی که مقتضای رأی نقاد دوطبع وقادوفیضان [_|ولمعان إشعة فضيلت اوست بتقليد ديوان انشاء اشتغال نمايد ومناسب هرفرد از افراد انساني جونسلاطين وامراء ووزراء واركان دولت واعوان حضرت واشراق واعيان واواسط الناس تو کیل لایق و ترتیبی رایق فایق در سلك تعبير آورد والقاب وادعيه هريك نيزوضعيكه معهود ومعتاد الت در سلك تقرير و تحريسر كند ومطالب رابروضعي بيان كندكه غرب الفهم باشد واز تكلف عبارات وتعسف استعارات احتراز واجتناب ورزد وحدوسطمرعي داشته مطول ممل وموجز مخل ننويسدو تمهيد قاءدة سهمل و ممتنع را إرا مجموع طالبسان اساليب ولغت داند وهمجنين دركنابت احكام ديواني و فرامین سلطانی دادیخندانی بدهد و ناموس حضرت سلطنت و دیوان امارت ووزارت در کنابترعایت کند وتابيان مطالب برطريق ابجاز ممكن كردد ازاطناب و[-] محترز ومجتنب باشد وتكرار الفاظ ومعانيرا بهمه وجهى قطع داند واستعمال الفاظ غريب وحشى كهمستعمل ومصطلح اباشدمستنكر ومستكرهشمري و. ... تا درنتیجه ابواب قول وقلم اوازمزالق اعتراض ومدارك استدراك مصون ومأمون ماند وازحضرت ما بتوليت و تربيت اختصاص بابد انشاءالله تعالى بدان سبب این حکمنفاذ یافت تااز ابن تاریح امراء الوس وتومان و . . بدانند كه از ابتداء اين سال مولانا صاحب اعظم سعدالعلما والمدين شيخي را منفى ديوان بزرك درجميع ممالك وكانب السرحضرت مادانند ودیگری رادراین مهماممومصلحت اقد اوشریك و منازع و عدیل و مخاصم نشناسند و در کتابت مکاتبات سلطانی واحکام دیوانی رجوع در باو کنند..... و هیچ آفریده بی ادن واجازت اود انش دیوان بزرگ مدخل نسازد....

دستورالکاتب نسخه خطی کتابخانهٔ مدرسهٔ عالی سپه سالار ازس ۳۷۹ تاس ۳۷۷ از فرمان مزبور چنین در می آبد منشی الممالک که هنصب انشاء ممالت را داشته دراین دوره و منشی دیوان بزرگ ۲۲ در جمیع ممالک و کانب السر، پادشاه بوده و نوشتن و مکانبات سلطانی و احکام دیوانی و از وظایف خاس او بوده و باو اختصاص داخته است و هیچکس را بی اجازه او حق مداخله درادشاء دیوان بزرگ نبوده است و بنابراین منشی الممالک که کاتب السر پادشاه بوده و مکاتبات سلطانی زیر نظر مستقیم او بپادشاهان دیگر نوشته میشده در حقیقت بمنزلهٔ و زیر امور خارجه در دوره های بعد بوده است.

بمداز جلایریان تا پیدایش صفویه، سلسله های کوچکی روی کار آمدند که دستگاه دیوانی آنها بهمان سبك اداری ایلخانان و جلایریان اداره میشد ولی شناسائی کافی بجزئیات آنها نداریم تا اینکه صفویان دولت بزرگ خود رانشکیل دادند.

از رسوم دیوانی دورهٔ صغویه آگاهی بیشتری داریم و وظایف و شغل منشی الممالك در دو رسالهٔ دستورالملوك تألیف میرزارفیعا و تذکرة الملوك اثر میرزا سمیعا بصورت بالنسبه كاملتری تشریح و توسیف شده است و مامیعتر از شرح تذکرة الملوك میباشد در اینجامیآوریم:

۳۲ درسکالات اداری و حکومی یاد ساهای حلایری دوادارهٔ اسلی سام دیوان ملطنب اعلی و د ۰ اورک مستاست که اولی عبارت از مجموعه بنویات و متعلقات دربازیاد ساعی و دومی برای ادارهٔ اکشورو سامل دواوی کوچکترین از دسل دیوان استفاع ، دیوان فضا ، دیوان انساء دیوان است دیوان الم بسکحی و دیوان نظر بود. است ، برای عسیر بیشتر نبازیخ آل جلابرنالیف حادث شدرین بازیرجوع کنید (ازص ۱۷۷ بیمد)

وشغل مشار اليهسواي تحريرار قام كه تملق بمال حاو واقعه نویس ۲۳ دارد و دبگر جمیع احکامی که منشبان دار الانشاء بعضى را به مسودة دفنرى و ابعضى رابه مسودة منشى الممالك مي نوشتند و از دفتر خانهٔ هميون ميگذ.. ت عموماً إذ تيولنامجات إمراء و بيكل بيكبان و سلاطس ممالك محروسه وهمه سالجات وتنخواه براني وسيورغالات و وظامف و اجارات و افطاعات و معافیات و مسامهاب و احكام منصب وزراء و مستوفيان و كلاننران ومحتسبان و محصصان ۲۶ ولامات واحكام بياضي كه از ديوانعدالت بنيان صادر مرشد و احكام النزاماتي كه هر كس بر لمبق دعوای خود به دیوان اعلی می داد و بهرطرف که لازم مي آمد ابوا بجمع محصلان ديواني ميشد و حكمي كه در عنوان تصديقات دفتري رسوم مهر داران نوشته ميشدو دیگر آنچه بدفتر خانه رجوع ندائت از قبیل شجرات خليفكان ممالك محروسه و فرمانها و نشانها وغبرهم كه مهمسو وؤمنشي الممالك منشيان قلمي مي نمو وند بامشار اليه است وبقلم سرخي وآب طلا مشاراليه بهطغراهاي مختلف که مخصوص هرحکمی و نشانی و فرمانی بود مزین و محلی می ساخت، ۲۵

در شرح وظایف منشی الممالك تااینجا نوشته های دورسالهٔ دستور الملوك . تذكرة الملوك مشابهت بسیار با یكدیگر دارند ۲۰ ولی اختلاف دلی در

۱۲ ایرای شیاسایی اروطایف واقعه توپیلی که اورا مجلس توپیل می میکفیهاید به د. ۱۰ رالمله آر ۱۹ با ۱۲ ارتباط دوم می ۱۳ به مید. ایران در دوم می ۱۳ بفیده داند کادهٔ ادام به ایران در کردالملوای می ۱۳۵۰ می دادید.

اسا آدای دانش پژود این کلیه راه حفقات خوانشهادد و محد بدای اعمانی دادامت آدیدان ایره اسام بعد به است (رای به فرهنگ معنی ماده محدمی).

١- فصل هشتم الأمقالة سيم ارداب سوم

ا - بدكرهالملوك ص ٢٤ــد٢ تكاه كنيد .

دو رسالة مزبور دراين استكه مؤلف دستور الملوك نوشتن نامه ها وجوا. را که بهر مك از امراء و ملوك و بادشاهان ديگر نوشته ميشده وظيفهُمنث الممالك دانسته ٨٠ و درتذ كرة الملوك إين كار از وظايف خاص واقعه نو دس٠ نام دیگر آن مجلس نویس بو ده معرفی شده است ۲۸ و اگر نوشتهٔ آقای میدند طباطبائي را مبني براينكه دوشغل واقعه نويس و منشي الممالكي تازمان :. ي عباس اول (۹۶٫-۹۰۸) یکی بوده و از آن تاریخ این دو شغل از یکدیگہ تفكيك شده إند ٢٩ درست بدانه خلط وظائف ابر دوشفل و اختلاف نوشته هاي دو رسالهٔ تذکرة الملوك و دستور الملوك را ظاهر إ بايد ناشي از اين دانست كهدو رسالهٔ مزبور از روى دو دستور العمل متفاوت تنظيم و تدوين شدهاند واما سموحب مجموعهٔ مستأنى خطى كه در زمانشاه سليمان صفوى (١٠٧٨-ه ۱۰ ق) در بارهٔ اقسام نوشته های دیوانی و مقررات و آداب نگارش آنهات لیم شده ۳۰ قدر مسلم این است که روش و ترتیب نگارش نوشته های دیوانی و سلطانی تازمان شاهطهماست اول (۹۳۰-۹۸۶) براساس تداول دیوانی دورههای پیش بوده و از زمان این پادشاه، و دستور العملی و نوین برای نگارش اقساه فرمانها و نوشتههای دیوانیتنظیم و مقرراتی جدیدوضع گردیدهاست ومؤلف این مجموعه در شرح مقررات متداول زمان تألیف خود ، یعنی زمان سلطنت شاه الميمان، بتصريح مي نويسد؛ و دستور العمل ديوان در آن باب دستور العملي است که نواب شاه جنت مکان علیین آشیان شاه طهماسبطاب در اه قرار داده و آکثر آن در دفاتر ثبت است ، بنابر این تخصیص قسمتی از وظایف منشی الممالك به واقعه نويس و بالعكس وا بهزمان شاه طهماست اول بايد منسوب داشت نه بزمان شاه عباس اول و در تأثید این نظریه به ضبطعالم آراء عباس

٧٧ - قصل هديم معاله سوم ياپ سوم

۲۸ س داستا

۲۹ مدالة بحد بن وريز امورخارجة ايران درنشونة وزارت امورخارجة سمارة ۱۲ دورة دوم - ا ۱۳۳۹ ص ۲۵ . برديد ما دركفية آفاى محيط طباطباني ازاين باب استكه ايشان مأحه د خودرا بدست بدادراند.

٣٠ كتابخانة ملي ملك اشتارة ٢٩١٠ . مؤلف اين مجبوعه ، باحثه نسب .

🔨 . ، د درزمان شامعباس اول تاليف شده است و اشاره صربح به وقانون قديم العمل زمان شاه جنت مكان ، دارد نيز مي توان استناد نمود ٢١ و ج رحه مأخذ كفته آقاى محيط طباطبائي را هم شرحي بدانيم كه مؤلفعالم اء عياسي در ضمن ترجمهٔ إحوال آقا مير زاعلي دولت آبادي مسنوفي الممالك نبر دواست. بازدرست درنمی آید زیرا اسکندربیگ در آن مورد نوشته است ونسخة تشخيص جمع وخرج ممالك محروسه كه حاتم بيك طرح كرده بهر و اهروز قدوه و قبانون دفترخانهٔ همانون است رر زمان استیفاء او إبعني آقا ميرزا على دولت آبادي] اتمام بافت ٣٠ . وبطوريكه ازاين عبارات ر من آبد دستور العملي كه حاتم بيك اعتماد الدوله (متوفي درسال ١٩٠١ق) در فاصلهٔ سالهای ۹۹۹ و ۱۰۱۱ق طرح و تنطیم کرده، ۳۳ دربارهٔ جمع وخرج مای کشور بوده است نمه در مورد مناصب و وظمایف و مشغل و اممور رسائل و انشاع و إما النكه نوشتن نامه ها و جوابها به بادشاهان جزو رظایف مشى الممالك ياو اقعه نو س كداميك بوده كه از اوبديگرى انتقال يافته است سابد منطقی تر است تصورشود که در دوران سلطنت تر کمانان این کاروظیفهٔ رافعه نويس بوده و إز دورة صفويه به هنشي الممالك تخصيص يافته است زيرا همین روش در ادوار بعد بخصوس در سلسلهٔ قاجاریه که روش دیوانی و حکومتی خود را براساس روش صفو دان نهاده بو دند، ۳۶ معمول بو ده و نامه هائی

ا محدد یکی مین ۵۸۷ چاپ مؤد شده امیر کنیات مراد ارفایون فدده که استکنفر بایک توم به ایاب معردات مود و به اوری حدثی اداماکه منابکفته مؤلف لبنا! واریخ بارمان باد طهمانت رامج بوده ایاب در ایابه مقاله میتورنتکی بیوب عیوان بانظالمهای درادور انتامی و در شامی فادس»

۱۹۶۰ می ۱۹۶۹ و برخمه مارستی آن در محله با در درستان کر جای ۱۹۶۰ و برخمه مارستی آن در محله با در مساوی کر جای ۱۹۶۰ در این در در این در در این در این

١٠ عالم أراء عداسي من ١٠٩٢ چاپ امدركسر

۲- رای به مقدمة بدکروالملوای بسیخه حطی در کنادجانه ملی ملات بدخیره ۱۹۷۵ و عصر با ۱۹۹۰ راید.
 در نازنج اجتماعی و اداری دورهٔ فاچار به ناایم عبداله مستومی ج ۱ س ۷۷

راکه بسلاطین و پادشاهان دیگر و یما جوابهائی کمه بمآنها نوشته میش منشی الممالك می نوشته است

بدین ترتیب ، مکاتبات پادشان و نامه ها و جوابهائی را که مینوشتند منشی الممالك مسوده می کرد و در حضور شاه خوانده میشد . اگر مورد قبو و پسند واقع می گردید به نامه نویس میدادند تا بخط خوش بنویسد م در دورهٔ صفویه . چنانکه مؤلف دستورالملوك نوشته است معمول چنب بود که کاغذ هر نامه را از کتابخانه می دادند و مذهبان هر یك را فراخور حال ور تبه و عظمت شان آن پادشاه موافق قاعده و ضابطه که منشی الممالکان سر رشته آن را داشتند و خاطرنشان می کردند ، جدول کشیده و تذهیب تزئین و متن نامه را افشان طلا می نمودند ، آنگاه انامه ا نویس شروع به نوشتن آن می کرد ۲۳ه

در بارهٔ روش تنظیم و صدور سلطانیات و دیوانیات در دوره های افشار به و زند به اطلاعی در دست نیست ولی ظاهراً بعلت ابنکه پادشاهان ابن دو سلسله همیشه در اردو کشی و جنگ و حر کت بوده اند و تشکیلات ثابتی نداشته اند احتمالا امور انشاه و رسائل آنها با چند تن منشی و نویسند بر گزار میشده است و چند فرمانی هم که از ابن پادشاهان موجود میباشد و در پشت هریك از آنها اثر و نقش یکی دو مهر و طغرا بیشتر دیده نمیشود سادگی تشکیلات اداری آنها را نشان میدهد .

دوران پادشاهی آقا محمدخان قاجار نیز از حیث دستگاه و تشکبلار اداری مشابه زمان پادشاهان افشار و زند بوده است. در زمان او فرمان بحکم و رقم کتبی بسیار کم صادر میشدژیرا امور روزمره را اوخود. حضور، رتق و فتق می کرده است^{۳۷}.

پس از آقا محمدخان ، در زمان جانشینی فتحعلیشا، ، چون بالنسه

۵۳ در دورالملول این از مدیر او ایرانی داوم از یک دروم و همچنین در اصلی تیم از مقالله اول از دید.
 ۳۳ مدن کاری و اهمان جدهدی.

٣٧ عبداله مساوفي الربح اجتماعي واداري دوره فاجاريه من ٣٧ جلد يكم

امن و سکونی در کشور برقرار شده بود ، دوباره تشکیلات اداری کشور سعه یافت و مشاغل اداری زباد شد و مستخده مین درباری و دولتی فزونی فنند و درنتیجه پرداخت حقوق و مستمری آنهادیگر از دخزانهٔ زیر کلید، ممکن نبود و ناگزیر برای صاحبان مواجب و مستمری بگیران فرمانه اصادر مبشد واز این رو فرمان نوبسی باز رفنه رفنه رواج دافن و بعسلاوه نوجه دولتهای اروپائی بایران و برقراری روابط روز افزون آنها با ابران نیز ایجاب مبکرد دار الانشائی باشد و دبیر و منشی و نویسنده ببشتری بکار گمارده شوندواز این رو باز بوجود منشی الممالك نیاز پیدا شدوبدین جهان، در ماه مفر موائی متخلص به سلطانی که از آغاز روی کار آمدن آقا محمد خان ، در دستگاه او بود و اگذار گردید ۳ و او نخستین منشی الممالك در دورهٔ قاجاریه به میرزار شاقلی دستگاه او بود و اگذار گردید ۳ و او نخستین منشی الممالك در دورهٔ قاجاریه به برده است.

در فرمان منشی الممالکی میرزا رضا قلی که خوشبختانه عکس آنرا در اخنیار داریم ۳۹ وظایفی که به منشی الممالك ارحاع شده ویا میشده بخوبی روشن گردیده است و ما پیش از آنکه بذکر این وظایف بهردازیم سواد فرمان مزبور را در این جا نقل می کنیم :

ائر مهر فتحعل*ی*شاه :

العزة لله

قرار در کف شاه زمانه فتحملی گرفت خاتم شاهی ز قدرت ازلی ۱۲۱۷ الملكاله تعالی شأنه حکم والاشد آنكه ازروزی كهرقم إیك کلمهناخوانا] وزیردیوان|بداع، وانشا،دبیردفنرخانهٔ

اناک رای هرمان مسی الممالکی او در همین مایانه و همچنیان به منطق باصری خلف درم می ۸۱ ۱ اسان فرمان در میرف سادروان دکتر خسین قدیمی بوانی او برادکان میزارسافلی باده است مکس آبرا آفای محمله فدیمی بوانی ایرادرآن مرجوم دراختیار ماکدانینید اومار آبی بایت فیست به ازایشان سیاسگزاریم .

وتؤتي الملك من تشاء ٤٠ مثال لازم الامتثال كشور ستار ب جهان آزمائی موشح بنام نامی همایون ونگین مهر آنی سلطانی که از گوهرش خواص خاتم سلیمانی ظاهر و نی ويمقاد لايمسه الاالمطهرون الأع دست إهر يمنان دولت إيد مقروناز آن قاصر استمزبن عنوان فرامين قدرنمون دار ملكوتي صفات درممالك ملكاً كبير [و] ملك مراد شره بخشای تشریف خلافت کیری گشته تار ایمبار ایراز افس « رب وهب » لي ملكا لاينبغي لاحدمن بعدي ٤٦ » إكليل س و جبهه سلاطین زیجاه , سعادت اندوز آنخجسته درگا سيهر آسا [،] خزابن آسمان سان بانجم [،] براي راحم ا آموره و آماره و ابواب مخازن بانعام و احسر عام قاآنی بر چهره آمال و امانی عموم جهانیان گشاد کر دید.ما نیز در ازای این آلای والا و بشکر گزاری ار موهبت علياً بر ذمت همن حق شناس كه بنيان عدالت ر مؤسس و بر صفایح ضمیر مرحمت اساس که از نوازش مه منير مقتبس است لازم و مرتسم فرموده ايم كه هربك ا دولتخواهان قديم كه قدمت ارادتش در جاده صداف مبری از شوایب انحراف وانز لاق وقلموارسر بر خطبند کر نهاده چون چهرهٔ صفحه رو سفید از ظهور حسن خده. آستان فلث إنطباق باشد بمصداق والذبن بعملون الصالحة ان لهم اجرأ كبيرا ٤٠، او را بخطاب مستطاب انك البه

۰۶. حدیمی از آنهٔ ۲۵ سورهٔ آل عمران (سورهٔ سوم) ۲۱. آیهٔ سورهٔ ۷۸ سورهٔالواقعه (سورهٔ ۵۱) ۲۲. آیهٔ ۳۵ سورهٔ سی وهستم (سورهٔ ص) ۲۲. آنه دهم از سورهٔ نتیاسرانیل (سوره هفته)

الدينامكين امين عمونمن دولت فلك تمكين وبحكم جزاء من ربك عطا حساباه ٤ از شمول مكارم بيحساب ناظم مهمات كليهو خدمات عليه دموان قضا آئين فرمائيم و آثينه مصفاي اين مقال صورت نماى احوال مخالصت منوال عاليجاهر فيع جايكاه .دولتواقبال يناه عزت واجلال همراه مناعت ونبالت إكتناه عظمتوحشمت دستكاه اخلاص وارادتآ كاهمقرب الخاقاني معتمد السلطاني ميرز إرضاقلي قديمي وعكك كهعندلس سانش در كلستان ادادت وادراك بسوداى آمنت وعرف مولاسواك نوا يرداز وبنان وبلاغت بيانش در شيوه فصاحت شعاري ومعنى نكارى، اعجاز طر ازصفير خامهاش درتحرير نامه، ان هذا الاسحر يؤثر ٤٠ وسر انكفت فكرتش را درافتداح عقدمشيدومهمات ملكى دستى ديكر است، ولهذا دردوران دولت معدلت مالك او را منشي الممالك ديروان جاويد مبائه وناظم امورات درخانة سلطاني واختسارها مهرآنارومقاليد انتظام مهام خزانة عامره وقيجاجيخانة مباركه 14 وساير خدمات كليه وخزينه سركار خلافت مدار

الله منى از آمة 02 ساورة يوسف (سنورة ١٣)

: ۱۹۰۱ ۳۳ سورد الباء (سورد ۸۸)

شور دیگه میداسم میروا رضافلی ارزمان آفامجیشجان درخاندان فاجار بسعل میسی تری استخال به دارمجید براوی در داردج مجمدی که درخرج اجوالات آفا مجیدخان فاجاراست اراودموان درخارست اراودموان دمروا رضافلی منشی، دام درده است (بسخه عکسی دکارتدن و درخانجال اجارات حالم در ۱۳۰۹ میلا و ۱۳۰۸ کم ۱۳۰۹ کم ایست درخصوص هدایت دربارهٔ اومدو بسد درخصرت حافات دیده در در معمول این کم امور دربارهٔ اومدو بسد درخصرت حافات دیده در در ۱۳۰۹ معور دربارهٔ اومدو بسد درخصرت حافات دیده در دربارهٔ اومدو بسد درخصرت حافات دیده در دربارهٔ اومدو بسد دربارهٔ اومدو بست دربارهٔ اومدو بست دربارهٔ اومدو بست دربارهٔ استعمال این کما دربارهٔ برای دربارهٔ دربارهٔ دربارهٔ دربارهٔ استعمال این کما دربارهٔ برای دربارهٔ دربار

التحاجيجانة الراصطلاحات دوردسفوى استنوابه حياطحا بهوجامة عائه محسوس الادباهي لقيهمت فالدادا

را بكف اقتدار واعتدار اوارزاني وقريتين نوا ولاحد محل توطن آما و إجداد وملك موروث عاليجاه حلالت ... استسابقا بتيول إبدى وسيور غالسر مدى عاليجاهمش اله عنابت ومقرر واور اازتفويض مناصب جليله مزبور وطو ابن مكرمات والطاف غير محصور منفرد ومفتخر فرمودر مقرر آنكه عاليجاهان معلى جادكاهان بيكلر بيكس سرداران وسيه سالاران و سران وخوانين وحكام ممال محروسة سلطاني وعساكر منصورة ظفر مباني وصاحيجمعا خزانهٔ عامره و قیجاجیخانهٔ مبارکه و عموم کارگزارا در خانهٔ سلطانی و دفتر خانهٔ عدالت میانی و عموم اعزه اشراف واعيان مملكت إبران حسب المقرن معمول ومشاء وخدمات مذكوره را مختص به عاليجاه مشاراليه واو مرجع دانسته در فردات خدمات مزبوره باورجوع واوا و نواهي عاليجاه مشار اليهراكه ناشي ازاحكام عليه يادشاه است مطيع ومنقاد باشند كتاب مقرب انتساب دفنرخ مباركه شرحفرمان اشرفرا دردفاترلازمه ثبت ودرع شناسد. تحرير اشهر صفر المظفر سنة ١٢٢٠»

بطوریکه ازاینفرمان برمی آید، در صدر دورهٔ قاجاریه، علاوه بروظ معظور روابط مکاتباتی وسیاسی بین پادشاه باپادشاهان دیگر که همان شه وزارت امور خارجه باشد، وظایف «انتظام مهام خزانهٔ عامره» (استیفاء کشه ونظامت «امور درب سرای سلطنتی» و «اختیار مهر مهر آثار »نیز به منشی المه محول بوده است و می توان تصور کرد که وظیفهٔ اصلی منشی الممالك همان ادیوان انشاء ورسالت و مهر داری بوده ووظایف دیگر را فتحملیشاه بسب اعتم اطمینانی که به میرزا رضاقلی «قدیمی» داشته است باوواگذار کرده اسه بنابر این منشی الممالك یاوزیر دیوان انشاء، در این دوره مشاغل مستو



فرمان منشىالممالكي ميرزا رضاقلي نوائي



ما برون من المريك من المريد من المريد الم نامة ميرزا رضاقلي منشي الممالك به وزير امورخارجه فرانسه

در بشت أين نامه مهر چهار كوش ميرزًا رضاً قلى باسجع «لاالدالالله ملك الحق المبين عبده رضاً قلى » ديده مي شود



نه ۱۵ وایشیك آغاسی باشی (حاجب دربار) و مهر دارسلطنتی رانیز سرجمع می داشته است ه اصلی خود بعهده داشته است .

بکسال بعد(۱۲۲۱) ازاعطای منصب منشی الممالکی به میرزا رضاقلی . و جملیشاه زممام امور دولتی کشور را بیرون از دستگاه حرمخانه "،بدست جهارنفر سپرد:

۱_ صدر اعظم که بر تمام امور نظارت می داشت.

ا مین الدوله که وزارت استیفای کل کشور (وزیرداراتی) را بعهده داشت. سر منشی الممالك ووزیر رسائل که وظایف دفتر مخصوص پادشاه وامور مربوط به روابط بساخار جیان را انجام میداد.

3_ وزیر لشکر که مسؤل امور لشکری بودا °

دوران منشی الممالکی میرزارضاقلی مصادف با گرمی بازار روابط ایران و فرانسه بوده است و بهمین سبب چند نامه ازاو که دربارهٔ روابط بین دو کشور سبته شده است در آرشیو وزارت خارجه فرانسسه موجود میباشد و از

مدانت در ووسه الصبط می تویسته: «... ورازت استیمای عالمك و دارالانساء با میردا رساطی توانی حانی حانی حانی حلین نسلطانی بود و در هردو كار مداخلت منتمود و توسیه حات هردو كونه را در حضور منارك پادناهی بمیر مبارك مشرف منگرد» می ۱۷۴

[.] ان اگاهی از نشکیلات حرمخانه به می ۲۷چ۱ کیاب مسبومی رجوع کیمه

علم ناصری ح۳ ص ۳۱ و تاسیحالبواریخ ح۱ فاجاریه ص ۸۵ و روسةالصفای ناصری س۱۷۳ « اما روسةالصفا می تونسد ۱۱ و پاداناه نکهدان را درست سمود که اما معامله ومعاسبه وصدور

علم باصری ج۲ س۳۶ و ماسخالواریخ ح۱ فاجاریه س۸۵ و روسةالصفاح مهم ص۱۷۳ - طهر باصری س ۹۶ و ووسةالصفا ص ۱۹۲

د سات سیاسی جلد تیم برگهای ۱۰۰ و ۱۰۱ (دونامه بنازیج سوال ۱۲۲۱) و خلد همم دار ۲۸

جمله آنها نامهایست بخطُّ و مهر او که بتاریخ شعبان ۱۲۲۰ قمری (. . ۱٦٠٥) بوزير امورخارجه فرانسه نوشته شده^{٥٦} (گراورشمارهٔ۲)

ميرزا رضاقلي چنانكه كفتيم تاسال ١٢٧٤ درشغل منشي الممالكي، بود تا اینکه در این سال بوزارت خراسمان معین گردید و شغل و منی. منشى الممالكي بديرزا عبدالوهاب نشاط اختصاص مافت ٥٩

آقای محیط طباطبائی در مقالهٔ فاضلانهٔ خود زیر عنوان ونخستین ور ر امور خارجهٔ ایران ۵۰ ، مینویسد : میرزا عبدالوهاب نشاط مانب منشى الممالك تخستين وزير امور خارجه إيران بوده وآقاي حسين سعادن نوب هم در مقاله ای که در شرح حال میسرز ا ابوالحسن خان املجی نوشته اسد به تبعیت از آقای محیط ، نشاط را نخستین وزیسر امور خارجه و بالنمیج میرزا ابوالحسن خان را دومین آن دانسته است ۵۰ و حال آنکه سعق ب ميرزا رضاقلي نوائي را نخستين وزير امور خارجه دوره قاجاريه ونشاط دومین آن محسوب داشت زیرا وظیفه و شغل این هر دو بکسان بوده است هر دو شغل ومنصب ولقب منشى الممالكي داشته اند ٦٠ وهردو و جميع مبا

۵۱ مکاسات ساسی حلد همیم برک ۲۸

٥٧ مناطم دخاري حي ٩٥ ورود ١٩١٤هـ من ١٩٣

منزرا رسافلي مدنها درخراسان وزارت ساهراده معمد وليمبرزا زاداست ونطوريكه مندانه ١٢٢٨هم عطورفطع فتراني سنعل بوقعاسيت ريرا مؤلف روضيةالصفا فراسيرح وفائع ابل مد ماميرده أمنت (ص١٨٠) ومحتملاء،مثال ١٣٣٢ بتراكة بالقرادة حسيقلي متزوا بمجاع السلطاء حراستان سنة وس ٢٣٠ روسته الصافاع مبرزافلي فرحهمت ١٠٠هم الاه محمه ولي مبرزا بوقه اماء رصافلي حان هدايت درسرج احوالات اومسو بساد فدراواجر أيام بأامراي فأحار حاجي حالمه ودنكران بمكه معظمه رفنه ورخوخ بطيران ارسناجلي عمان كرده ودر سنبراز بورارت وأب حسيتملي متروا فرمانهاما امتيار بافته أرفقك ويده وسنالي حبد بيايده ص ٢٤٩هـ طروا بالمراجان متكفت ودراجاني البطائي بخلص متكرد وهدائب بيوناهائي اوالمعار اورا درمجمع أورده أباب إس أزاو حدي هم يسارس مارزاهجه عي منصب مستى الممالكي ياقب ومارد لدان مسار السلطية كه بعدار ميلوطيت بازها معلم وزارت ارجمله وزارت أمور حارجة را

٥٨_ يسى بة وزارت المورجارجة سيهاره ١٣ دورة دوم ... استقيام ١٣٣٩

۹در مسریة وزارت المورح رحه دوره با وم سلماره ۳ سال ۱۳۵۹

٦٠٠ بساط إيس أزير كباري مدررا رصافلي درسال ١٣٢٤ مسي الممالكسيد (روضه الصفا من ١٩٢ ناصری ص ۹۶-۹۰)

مهام خارجی وداخلی را میکردند، و وظیفهٔ هانتظام مهمات خارجه،نیز می فرمانی درسال ۱۲۳۹ به نشاط واگذارشده بود و آقای محیط هم بهمان نشاط را وزیر امور خارجه دانسته اند ۲۱ در حقیقت عنوانی ظاهری نشاط را وزیر امور خارجه دانسته اند ۲۱ در حقیقت عنوانی ظاهری بش نبوده که در متن فرمان آمده است چه همانگونه که آقای محیط هم حبد نوشنه اند وظیفهٔ وزارت امور خارجه تااین تاربخ سرجمع سایسروظیم مشی الممالکی بوده ۲۱ و واضح است که تفکیك آن از وظایف و لقب منشی الممالکی در زمان نشاط ۲۳، باز وجود وظیفهٔ مربوط به امور خارجه را از جمع وظایف منشی الممالکی زمان میرزا رضا قلی نوائی نفی نمی کند ۲۰ اما مسأله تفکیك این دو وظیفه از یکدیگسر مسلم نبست نهایت آنکه مبدانیم معتمد الدوله از این پس بیشتر بامور وزارت وصدارت دخالت میکرد و بکار منشی الممالکی چندان نمی رسیده است چنانکه فائم مقام در نامه ای که بسال ۱۲۳۹ از طهران به تبریز به برادر خود میرزا موسی خان و درب را و شع در بار فتحعلیشاه نوشته است می نویسد :

ه شاه فرمودند ما در آرروی این هسنیم که یکفر باشد فرمایش ما را موافق خواهش ما بنویسد ، بتنگ آمده ایم میرزا خانلر، مستوفی است^{۲۳} ، ازار توقع نداریم. معنمد سرباین کار فرونمی آرد ، امین الدوله ۲۷ خراست نمیفهمد.

١٦ - مقاله أفاي محبط ص ٣٤

¹³ همان مقاله و همان منفحه .

۱۳ آوی محیط توریده ایری دیمیا استنباط میشودکه مساعی دیوانی احجالی دیار ۹۱ ، عنوان یه اصد مشی المحالات میراه تود. اروطیقه خطیرمیم وزارت خارجه خدانده بایشد طیران بواند ایر تلوازم ایشکارتوسید. تسپس اصافه می کنند. پس میتوان کمت درسال۱۳۴۰ بمردمیم امیرجار-۹ از وطنعه ولقت منشی المحالات تعکیك شده واستقلال تیم رسادند است.

آسا بالف روسها استفادت سرح وقایم سنان ۱۳۲۱ که از نفستم آموز نجواروزارت میدند و کاند راحم به وزارت انشاء ومشی الممالکی میتونیده بستوم وزیر دیوان انساء که آبرا میسی تحداث دادند ومحدوض اوسیت و حکم بجریر بامه جات دول خارجه و دراسی فشاآیی نشته و ملموفه حات ایا د مگذونه و مرموزه ص ۱۷۲

الآماد لا به روضه الصفاح ٩ ص ٢٩٢

الآل مراد المدورا فريدون مشبهور الممروا عاملوامه إي ما والدرانسات

السا مصاود أحاجي معمد حسيرجان بتكلرينكي اصغ إنساب كه يدمينل ١٣٢١ وزارب الراباء إياب

نمیدانم در میان میسرزاها کسی هست که این خده. بکند یا نه به معتمد عرض کسرد که میرزا هدایت ۱۰ میرزا فضلاله شیرازی ۱۹ و میرزا تقی نوائی ولد میر رضاقلی و میرزا بابای آشتیانی هست. شاه جواب نفرمود و برخاست و باز فردا میرزا خانلر را خواست و خدمی تحریررا باو رجوع فرمود ... ۲۰

بنابراین معلوم میشود بعد از تعیین معتمد الدوله نشاط به وزارت امور خارجه چون او درست باین کار نمیرسید امر دیوان انشا، در اوائل به میرزا خاندر رجوع میشده است و رفته رفته که مأموریتهای دیگر هم به نشاط محول می گردید ۲۱ ظاهر اً امور وزارت خارجه نیز معطل مانده بوده واحتمالا بهمین سبب فتحعلیشاه در سال ۱۲۶۰ میرزا ابوالحسن خان شیرازی معروف بایلهی را بی آنکه در کار انشاه دخالت داشته باشد بوزارت امور خارجه انتخاب نمود ۲۲ واز این زمان است که منشی الممالکی از وزارت امور خارجه تفکیك نمود ۲۲ واز این زمان است که منشی الممالکی از وزارت امور خارجه تفکیك گردیده است.

ازاین پس معتمدالدوله با داشتن لقب و منصب منشی الممالکی، مرجع امور مهم کشور و غالباً در سفر و حضر ملتزم رکاب شاه بوده است^{۷۳} و امور دیوان انشاه را دیگران از جمله میرزا محمدر حیم شیرازی ^{۷۶} و میرزا محمد مهدی

⁷⁰هـ مارزا خدایت پستر مبرزا استداله لشکر تونس ویستر اومبرزا آفا خان اورنست واین شخص ا-عدما درسلطیت ناصیرالدین، او ۱۲۲۸ با ۱۳۷۵ صغراعظم بود.

۱۹ مارزا فصل اله المرازي متخلص به حاوري ومؤلف باريخ دوالفرنس منياسه که نسخه هاي حطر آن درکتاب داده ملي ملك خوجود است.

٧٠ مسائف ، چاپ نگار بدل اين معاله بين ۸۸

۷۱ ارحمله در سال ۱۳۲۸ که منجاخالسلطنه از حکیرانی خراسان معرول وشاهراد، علی عی ۱۰۰ نجای اومانور سند مصمداله ناسیمت پیشکاری اونخراسان رفت (ص ۲۰۱ روسةالصند)

۷۲ مسطم ناصری ح ۳ ص ۱۳۱

٧٢_ راياله ص ٢٧٨ روشه الصفا

٧٤_ روضهالصفا ص ٢٦٥

الکتاب ۲۰ اداره می کردند تا آنکه معتمدالدوله در دیسجهٔ ۱۲۶۵ در گذشت بنموقع فتحعلیشاه که باحترام معتمدوله تا آن روز منشی الممالك دیگری مخاب نکرده بود، منصب منشی الممالکی را به میرزا خانلر سپرد اما دیری به بند یعنی سه ماه بعد میرزا خانلرهم به و بای عام در گذشت (صغر ۱۲۶۵) و میرزاه حمد تقی علی آبادی (متوفی بسال ۱۲۵۸) منشی الممالك شد ۲۰

على آبادى از این سال تا ۱۲٤٩ منشى الممالك بود و چون در این سال معزول شد ۲۷ میرزا محمد تقی نوائی پسر میسرزا رضاقلی ، منشى الممالك ند ۲۸ واو تا سال ۱۲۵۶ زمان سلطنت محمد شاه براین شغل بود و در این سال میرزا ابوالقاسم بجای او منشى الممالك كردید.

صنیع الدوله در بارهٔ این میرزا ابوالقاسم نوشته است که او پسر میرزا محمد نقی نوائی و یا میرزا محمد نقی نوائی و یا میرزا محمد نقی دیگری بوده است.

از این پس تا پایان سلطنت محمد شاه هم شغل منشی الممالکی در دستگاه اداری وقت وجود داشته ولی رفته رفته ازاهمیت آن کاسته میشدت آنکه درسال ۱۲۹۶ که ناصراالدین شاه به سلطنت رسید این عنوان و لقب را

٠٠١ ك به مقالة ملك الكتاب عشرت فراهاني نقلم بكاريده ابن مقاله دومجله يادكار شمارة ٨ سال ٤

ا المناها من ۲۹۳ ومنظم باصري من ۱۵۳

۱ - ۱۰ مه الصفا در علت عرل او مسویسه

ا حال میروا مجید بهی مناحث دیوان علیآبادی تواسطهٔ عرور میت و وقور مجرمت و قدات حدیث آبا و انواد در بن دولت خدا داد و درعالم منصب انساع دیوان منالت خدوا سامت فیادان که تنظرمبادی فیله عالم حافان کیش برساسده بود بعدار به بال مستیالمبالکی و آبال اعتدار از این منصب معرول [اند] این ۱۳۲۸

۱ منظ ناصری ح۲ ص۱۵۵

اً- عمال المان من ۱۷۴

بكلي منسوخ نمود و ميرزام محمدسميد انصارى را «كاتب اسرار مكتومهومند

رسائلخ صه، ۸ کرد ومنشی الممالکی جای خود را به منشی رسائل خاصه د پایان

۸۰ ـ منظم ناصري ح۲ ص ۱۳۹

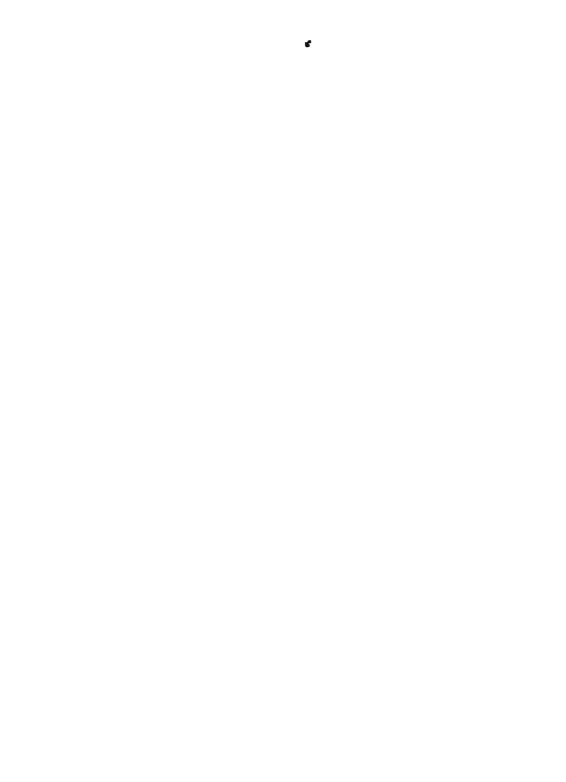
نامه کا ئی آرسیبرراا فاخان کرمانی

(بقیه از شماره های پیش)

. |

سروان محمد كشىميرى

(فوق ليسانسيه در تاريخ)



مىلش بەكەباشد ر

-8 .-

حضور موسسین قانون آدمیت خاصه مرشد کل اظهار عبودیت خالصانه دارم.

نوای قانون وصدای آدمیت شمامانند نفخهٔ اسرافیلی در قیامت گاه عشق است و بنفخات روح بخش عیسوی در قلوب و قوالب حیات جدید وزندگانی حاوید میدهید. روز قبل بزیارت یکطغرا خط آنحضرت کسب نشاط و تجدید اساس حیات نمودم جواب آن مطالب را هروقت موقع دبدید بنویسید عجالتا شناب و تعجیلی ندارم چندروز قبل از این ذریعهٔ عرض کردم البنه رسیده است.

ا کنون هم چون اخبار جدید خواسته بودید بعرض این صحیفه ایک کلمه نخوانا اخود مبادرت جستم تعطیل اختررا البته خبردارید. چند روز قبل بلگرافی آمد جناب جلالتمآب معین الملك را هم از سفارت اسلامبول معزول برمنفصل داشته بودند هنوز سفیر جدید معلوم نیست که باشد، چند نفر را از هرجا خواسته بودند هنوز سفیر جدید معلوم نیست که باشد، چند نفر را از هرجا خواسته اید مابین این چند نفر مردد ست تا یار که را خواهد و

هر کدام بی عرضه تر وبی قابلیت تر باشند و پیشکش بیشتر بدهند البته ممان خواهد بود بشارت دیگر اینکه درروزنامه رسمی ایران نوشته بودند مع رتبه وسلب همهٔ اعتبارات وحیثیات جناب مستطاب اشرف عالی رانموده اند هر لقب و منصبی که دولت داده است بازیس گرفت .

ظاهر اجناب معین الملكهم عریضهٔ حضور اعلیحضرت اقدس همایونی ازراه خیرخواهی نوشته بودند كه چرا بی مشورت چهارنفر نمك شناس حقوق دولت اهراج می كنند فرد اخدا نخواسته پشیمانی برخواهد آورد همین معنی

موجب تغیر وزارت عظمی و عزل و انفصال سفارت کبری گشته هیه ...
نمی داند ابن مشت ارادل سفاهٔ ناچیز بی تمیز که دشمن دین و دولت و ما ..
هستند چگونه تصرف در مزاج این پادشاه ساده لوح فرشته خصال نموده ان و وجه جادوئی بکار برده اند که شاه با آنهمه مروت ذانی و صفات بزر گواری و آنهمه فهم و فراست فطری تسخیر این دشمنان دوستنما شده و به تملق و چاپلوسیهای این مداهنان منفور حقوق خدمات چندین سالهٔ جان نشاران خودرا برباد فنا میدهد و چشم از آنه مه خدمات چاکسران قدیم می پ و شد خیلی تأسف است به

خدامیداند ماهارا در این بلاد خارجه استماع اینحالات ناگوار ازجان وزندگی بیزار مینماید وبسرگ خود راضی میشویم چگونسه بمرگ خود راضی نشویم که شاهنشاه ایران وارث تاج و تخت کیان را مصورین اروپ صورت اورا پشتسر خدیو مصر و پرنس بلغار و قرالیچهٔ یونان می کشند تفو بر توای چرخ گردون تفو و ماها نمی توانیم ماست بگوئیم جزاینکه به بیماری تن دردهیم چاره نبست. باری از انفصال جناب وزیر آقایان و تجار اسلامبول نهایت مناثر شده بالاجماع تلگراف نمودند و ابقای جناب و زبر را از خاکهای همایونی استدعا کردند ولی مشکل سودی به بخشد.

ولی اگر بهمین عزم مردانه که افتاده اید ثابت و راسخ باشید و استقامت بور زند عنقریب است که جنود غیبی در تحصی بشما مدد نموده روح آدمیت بنفخات جان بخش شما در قالبهای افسرده دمیده شود و مجسمهٔ آن رب النوع آدمیت ربردر مدینهٔ انسانیت بیاویزند بشرط استقامت هیچ مشکلی لاینحلی نبست که آسان نشود .

نمیدانم الواح قانون را چرا نفرستادید البته اینجالازم است چندنسخ (۵۲) ر نمره نزد همان رفیق محترم انگلیسی بفرستید که باسم حقیر بفرستد حانهٔ انگلیس Poste Restante و برای اشخاصی هم که سابقا عرض کرده ام نه جریده بفرستید .

شناب اصول آدمیت و هرنسخهٔ که از آثار فکر مقدس خود دارید چرابرای رنده نمی فرستید که از همه کس طالب تر و خریدار ترم و در نرویج آن بهر قسم بستده و حاضر میباشم. هیچ نمی خواهم باین حیات جزئی شخصی نکبت رسه باشم. خداوندیك حیات مقدس نوعی عنایت فرماید ابن حیات فاسدنكت آمبررا خراطین و مگسها هم دارند.

بنده هر چه عربضه عرض کنم به آدرسی که در سرکاغذ جناب مستطاب انرف جزازهمین انرف جزازهمین بفتی محترم انگلیسی نز دکسی دیگر نفرستید .

آقامحمدطاهر مدبراخنرهم اینروزها شامت ونکبت آن حیوان مکروه وجانورمنفور دروی اثر کرده از آدمیت افناده چون اینخبرهم تازه گیداشت اسلاعا عرضشد بنده رب النوع آدمیت امضاء

در پیشرفت این مقاصد مقدسشما بارهٔ تشبثات واقدامات بخاطر میرسد اساءاله درموقع بعرض خواهم رسانید .

شبخ الرئيس راكه چندى قبل بكلات خلفى فرستاده بودند عفو كردند بر بارض اقدس عودت نمود اماسيد جمال الدين را از حضرت عبد العظيم ب در بارض اقدس عودت نمود المسيد كمال افتضاح ورسوائى ووحشيكرى [يك كلمه ناخواناست عثمانى نفى نمودند.

-81-

فربانت شوم مدتی است ازجانب سنی الجوانب هیچگونه اطلاعی ندارم مانن واسطه نگران میباشم در اسلامبول شهرت تام دارد که جناب مستطابعالی در حبب احضار اعلیحضرت اقدس همایونی بایران ساحت آرا شده اید

بهرصورت درهرجا خداوند معين وناصر وهمرامباشد.

إز قراريكه همة تحارات إني مي كويند عمل انحصار تنيا كوموقوف شر وديكر نميدانم تحت چه سبب اين عمل لغو كشته. اوراق سيد جمال الدين. ايران وعتبات عاليات ولولة عظيم انداخمه سه روز قبل از اين تلكرافهم: مؤكد ازايران بسفارت اسلامبول رسيدكه البته در اختر شرحى داير برمذمر سید مزبور بنویسد وسفیرهم اسرار غریبی داشت که زود بنویسند تاتلگراه بطهران خبربدهم اختر هم ظاهر أ چيزى نوشت اما چون بايد مطبوعات اذر بدهد هنوزطبع نشده این هفته دورنیست طبع ونشربشود.آن جانورمکرو تاريك خيال هم داوطلماست كه اكرشاه مرا بفرستد لندن آووكات ميكذار وموافق نظامات و اصول مملكت سيد جمال الدين و مؤسسين قانون را حس میکنم اگرچه حرفهای این جانورقابل مذاکره نیستولی اطلاعاً عرض شد عرمن دیگر اینکه شخصی از آشنامان ماکت جوف را داده که بجب ميرزا سيد جمال الدين برسد محل إيشانرا چون نميد إنستم لفا خدمت جناد مستطاب عالى فرستادم مرحمت فرموده مقرر داريد بايشان برسانند اين شخد که این یاکت را داد از حضرات بابیه است ولی آدم معقبول مربوطی اس جوابش را تمنا نموده.

هو، حاجی سیاح از قراریکه نوشته اند در تبریزست و میرزا سید جمال الد در کرمانشاهان بعضی میگویند از آنجا به بصره و بغداد گذشته ولی ظه صحت ندارد . چرا از ملیژای و امیر تومنی او اشارتی در صفحات نمی فرمائید جان کلام و روح مسأله اینجاست حضرت ظل السلطان! بیشرفت خیالات شما خیلی مستعدست باید آدمیان ایران امینی از د مشار الیه فرستاده اورا تأمین نمایند و عهد و پیمان استوار کنند آ به

دستور العمل بدهيد عمل ميكند، آن آدم يا حاجي سياح باشد يا لماهر ي را از اسلامبول ببهانه استخلاص اختر مأمور نمائيد ولي بقسمي . ٨. كه بداند حقير هم مطلع نيستم البته جناب آقاى معين الملك را ملافات ما مائیه بایشان از جانب بعضی آدمیان ایران عرض کنید شما در زمان ه. موربت وسفارت خودنانغیراز تعدی و بیناموسی وطلم کاری نکر دیدو مصدر ميج خدمت بعالم إنسانيت نشديد همهوقت بجهة منافع جزئي هزار فسمتقوبت از رای اجرای ظلمو تاراج مردم نمودید حال میتوانید در زمان معزولیت آن شاهان کبیر درا بترویج آ دمیت کفاره و ترمیم نمائید و اگر احیان ابن کار را حميد وبرويدايران بهوايلاشهخوري شأمت فللمهاي شما مطلق دامن كيرشما ح، اهد شد وببدترين نكبت خواهيدافتاد وانكهي عمرشما كذشنه اكرتا آخر مد بخواهید در هر نقطهٔ فرنگستان با کمال خوشی وراحت درمعیشت فساضله . ر برید برای شما ممکن است هر گاه دراین صورت آن حیات کثیف و حشی مرارل رانرجیح بدهید البته یاسفیه هستید یا بخت ازشما بر کشته از شما داماس برر گتر با علمتر مجرب تر درایران کسی نداریم اکرفکری بحال وطن لمدختخودنكنيه خالئوطن باشما بمخاصمه برخواهد خواست اكر شما و منابشما بيغيرتي وميناهوسي راشعار خودسازند واي بحال ايران زيده رب است . والله اگرده نفر آدم باهم متفقشوند همهٔ ادور صورتمي كيرد شرط استقامت و ثبات سابقا بنده فوتگراف جنابعالی راخواستم وعده والمر والمنور الفرستاديدبا كمال اشتياق منتظرماز نوامر قانون چنددسه واسندعا كردهام إجند كلمهسياه شده إخواهيد فرمودز بادهبر اينجسرت معسياه شده و فرهايشات وخدمان إيك كلمه سياه شده منرصدم منرصدم امره العالى مصاغ

-8 1=

قربانت شوم چند روز قبل تعلیقهٔ از جنابعالی بتوسط پستانگلیس ز ... شد از مراتب مندر جهٔ آن خبرت و مسرت حاصل نمودم خیلی از عزموه ... آنجناب مشعوف میشوم. چنین کنند بزرگان چو کرد باید کار . البته مشهر رأی انور عالی است که المر ، مر ، بهمته لا بر تبته همة الرجال تقلع الجبال این رد سست را بچه همتی هم میتواند از پا در آورد

چیزیکه هنوزدرخاطرحقیرغلجان دارد که نباید مردم ایران باینزود خلاص شوند آن حالت جهالت و نادانی وغفلت آن مردم است که ایشان مستوجب ومستحق این حالت ساخته ولی انشاالله رفته رفته آنهم تمام خواه شد و ازین صعق افاقه حاصل می کنند

مردم ایران مثلآن کاکاسیا خوابشان سنگین است خیلی طول دارد خواب بیدار شوند اگرچه بعداز بیدار شدن هم دیگر بخواب نخواهندر و شجاعت اظهار خواهند نمود. اما کو تا بیدار شوند چند نفر از تجار و نه تازه این روزها آدرس لندن را از بنده و دیگران میخواهند که خده جنابعالی عریضه بنویسند و آبونه برای قانون بشوند و خواهش می کنند درین روزنامه از پولی تیك سایر دولتها و علم ثروت ملل و تجارت و اخترا و عجیبه و اخبار مهمه جدیده نوشته بشود تاده هزار نفر آبونه در قفقاز و اسلاه و ایران و هندوستان و سایر نقاط پیدا شود.

و میگویند ماهی یك نسخه كم است اقلا ماهی دو نسخه آنوقت یك انگلیسی را بطوع و رغبت همه میدهیم بشرط اینکه سیاسات سایر د· اخبار و علم ثروت ملل و اختراعات عجیبه همه را مشتمل باشد .

اری اقلا یکسال دیگراگر قانون دوام بکند و هر جا نسخهای آن مناشر ن آنوقت دورنیست خود همین امنای دولت که حالا منکر قانون هستند من ی و شریك بشوند مردم طبیعت بردارند مكی از آب همینكه حست دیاران هم میجهند و استقامت هم مطلب بزرگی است هرطور امر محال .. وحود استقامت از پیش میرود. سخت بایستید که البته در قضا تغییر واصل مشود زيرا كه قضا و قدر تابع اراده انساني است بخود يسند ابنها به كه مه ک دوشکاف چونکه تو یا بفشری اندر مصاف اول هرکار خیر مصیبت و سختی دارد همشکه جادم کوبنده شد مشکلات برطرف میشود و سهولت در امور بدبد می آید و نتایج سعادت ظاهر میگردد دیگر اینکه بعلاوه قانون باید فأريك كتاب تاريخ صحيحي نمود موسوم بتاريخ قاجاريه إچند كلمه ناخوانا سلطت این دودمان جمیع و قایع ونکاتتاریخی وظلمهای جانگدازجانسوز ابن سلسله جلیله را ثبت نمود و جزقلم معجزشیم جنابعالی کسی دبگر این ٥ر را نمي تواند بكند در اين امر خيريك مردانكي ميباشد و البته اعتقاد عداى جديد و فلاسفه اين عصر را مطالعه فرموده ايد كه اين حكيمان تازه ان عصر جنانکه قدماروح انسانی را عبارت از کلمه میدانستند و اینحکما حم حقیقی انسانی را نیز عبارت از کتاب میدانند که از جسم عرضی حیوانی ۰۰ س جسم گوشت و پوستی منتقل بعالم مطبوعات والواح محفوظ گشته واینکه ف جسم حیوانی و انسانی یکی بود بواسطه نبودن خط کتاب الواح عرضا .م حیوانی با جسم انسانی اتحاد داشت ولی درین عصر انفصال یافتهجسم أدمى كتاب و الواح وآثار اوست و هرقدراين شئونات مبسوطتر اسسآن س جسیمتر خواهد بود در اینصورت خیلی دریغ و تأسف میباشد که بعالی درعرض و طول جسم شریف انسانی خود نیکوشید و بوارقی که در مون جسم حیوانی بالعرض مکمون است در الواح محفوظ منتقل نساز بد

البته درین کار خیر همت و اقدام بفرمائید و دیگر در الواح قانون اهم از تحقیق عمردول و اسباب ترقی و تنزل هرملت و ذکر اینکه هر. وملت چه کردند و بچه وسیله از حضیض بدبختی و ذلت و مسکنت خود در اباوج سعادت رسانیدند و هردولت بچه قوه ظهور کرد و بچه قوت زند، و شوکت آن بکجا منتهی شد و اسباب اضمحلال و پامال شدن فلان مال بود و نتیجه غفلت و نفاق فلان مملکت بکجا انجامید بنویسید و شرح ده خیلی خوب است و هم دلایل اقوال سابقه خود را آورده زبرا که بعضی ارم فضول حالا می گوید قانون از روی دلایل و سیاست و پولتیك حرف نمیز تنها فحش میدهد خلاصه امور تدریجی است. سعدی بروزگاران می نشسته بردل بروزگاران می نشسته بردل بروزگاران می نشسته بردل بیرون نمی توان کردالا بروزگاران

اخبارورودسفیر جدیداستباسلامبول و خبر فوت یا شهادت میرزایوسف خد مستشار الدوله است در عرض راه ها طهران که او را مغلولا بطهران میبرد و آوردن میرزا حسینخان د کتر پسراوست از اصغهان بطهران مغلولا وازفر نقریر میرزاعلینقی زر گرباشی که از طهران آمده بوده پاریس دوازده نفر میرزامحمد علیخان هم بکی از ایشان باشد در قزوین حبس می باشند ولی چا انگلیس دیروز می گفت آنها را خلاص و رها کرده اند صدق و کذب معا نیست . مجملا علاجی جزاینکه تیشه را بردارند و بریشه بزنند نیست منت عکس جنا بعالی هستیم که زیارت شود اگر چه اصل در قلوب ثابت است و حق هررتبه در جای خود باید ادا شود .

هرگاه دراسلامبول از انگلیس و فرنگی و ارمنی آشنا و رفیقی دا باشید ماها را با آنها توصیه فرمائید خیلی ممنونیت حاصل استمقصودی آشنائی فقط نیست همینقدر بشناسند شاید از معلومات شرقی یازبان عرب

. بی و ترکی و ادبیات طالب شوند از برای آنها یکنوع استفاده و ممنونیتی و از برای منهم شغل و راه معاشی خواهد بود حتی اگر بعضی کتبهم بنبخانه ها استنساخ بخواهند ما دوسه نفر هسنیم و معالمنونیته ما بدون مدمت استنساخ می کنیم و هرگاه درس فارسی و ترکی و عربی هم بخواهده ما بدون و جه والسهل طریق میدهیم درین باب انشاء الله مضایقه نمی فرمائید ایراز جنابعالی آنها ممنون نشوند متشکی هم نخواهند شدخدا میداند مقصودم بشکیل حوزه آدمیت و جمعیت انسانیت است اقدام جنابعالی خیای لازم میباشد زیاده جسارت است.

-18-

عید فطر از علیه

قربانحضورتشوم مرقومهٔ مبارکه را باچند نمره ازالواح مقدس قانون چند روز قبل ازبن ازپسته فرانسه گرفتم .

عدم عرس عریضه جوابیه بجهتپیدا کردن آن نمره اختر بود که برضد شرکا و کمپانی نوشته ، آخر دراسلامبول و اطراف آن تا مصر هم نتوانستم دست آورم . درین نسخه های پایتخت سانسور ، اذن طبع و نشر اینجور چیزها به برضد کسی بخصوص اروپائی ها باشد نمی دهند . پار ٔ خفیه کار بهای دزدی و محمد طاهر گاهی در مطبوعات میکند اگر چاپ کرده تنها بایران فرسناده در نوشت و از ایران خواست .

سابقاً احتمال داشت از حقیر مخفی نکند امااز بس من خلاف وجدان اربهای اورا دیدم و آخر اورا تر کردم و او هممبالغی مال مراخورد و بعد (۹۰)

ازآن عداوت وغرض سفارت بمیدان آمد دیگرحالا رابطهٔ ظاهری وبانز رابطهٔ مقطوع است .

فقرهٔ تابعیت از مرحمت جناب مستطاب عالی بعد ازماه مبارك انشانان محكم میشودعجالتاردالت و دنائت بلكه سفاهت سفیر معلوم جهانیان گشنه، چند دفعه بمابین رفته و اورا قبول نكرده اند نسخهٔ بیست و ششم خیلی عالی و مشعشع بود آنچه باید بهر طرف فرستاده شود تا كنون فرستاده شده فقطاد روزها حجاج در كار آمدن و رفتن اند هر چه بتوانید اگر صلاح باشد از نسخ قوانبن مرحمت فرمائید تا بمواد مستعد داده شود.

مسافر محترم ما در کمال سلامت بسر میبرد و ابلاغ عرض عبودیت میسمابد این روزها محض ملاحظهٔ شخص او که مورد اذیت جانوران نشودبنده مند ایشان نمبروم مگر هرچه ایشان تشریف بیاورند . اشخاص مستعد امانت ر که در ایران خواسته اید در تفلیس میرزا رضاخان ، در تبریز حاجی مهرابخر قاجار کرمانی. در بمبأی جنرال قونسول ، در مصر میرزارفیع ، در کرمان میرر حسبنخان و نیس پستخانه . و خودنصرة الدوله حاکم دراصفهان و طهران بسبارنه المته مبشناسید . در خراسان جناب شیخ الرقبس که حالا هنوز در بمبای اند و از آنجا به عتبات و از عتبات بمشهد خواهند رفت .

حضرتسید میگویند یك نمره قانون مخصوصا بجهت ارائمه مطالد آدمیت ومنافع اتفاق اسلامیت بجهت ملاهای كربلا و نجف چاپ كنید و در آ و ضمن بعبارات خوب بسیار واضح بفهمانید یا بطریق اعتراض از شخصی یا بطر ده ارائه و اظهار كه چرا مثل جناب حاج میرز امحمد حسن شخص بزر كی امروز پنجاه میلیون شیعه در اطراف عالم اورا نایب امام میدانند نباید كار

١ _ منظور سيدجمال الدين اسد آبادي است .

د که اقلا مثل باپ ایطالیا ازتمام دول نزد اوسفرا بیایند و موجود باشند ، روز آنقدر مجهول الحال باشد، که متصرف سامره اورا اهمیت ندهدونشناسد ، دل اینکه این کار بسهولت بسیار ممکن است اگر بهانه و عذر بیاورند که مراد دنیا هستیم گیرم که تارك دنبا هستند تارك اسلام و تارك قوتوشو دن دن که نباید بشوئد این زهدها حقوق دیانت را پامال میکند و استخفاف ، شربعت واردمیآید که ظلمه پدر مسلمانان را بسوز ندوناب امام باوجود نفود ، ممه سا کتوسامت بنشیند و هیچکس اور انشناسد دیگر اب که چند نفر درین خیل افتاده اند که در خصوص مسألهٔ دیگر استفتائی از جماب میرزا بنمایند و بعد از آن، آن مهر را بکاغذ دبگر نقل داده فوتلگراف کنند . مضمون آن اینکه مالیان دادن باین ظلمه جبابره بعد از من حرام و گناه کبیره و اعانت براثم منایان دادن باین ظلمه جبابره بعد از من حرام و گناه کبیره و اعانت براثم عظیماست بنده قبول نکر ده ام که کار باید حقیقت مطابق و افع ماشدولی آنان هم سخن مرا قبول نمیکنند میگویند اصل عمل موجب خیر عامه و مطابق و جدان حقیمی است صورت آن حیلهٔ شرعی باشد چه ضرر دارد

ومکروا ومکراله والهخیرالما کربن ۲ عجالنا در مشاجره هستیم ما که در فرق افتد و که معنقد آید. حاجی محمدحسین جواهری اصفهانی که در اسلامبول تبعه روس بوده و مرحوم شده دو نفر پسران معقول بسیار چیز فهمدارد و از جملهٔ هواخواهان و دوستداران قانون و از بذل هیچگونه فداکاری در راه در قی انسانیت کوتاهی نمیکنند. آقا سید مصطفی اصفهانی کار گزار آنهاست شاید بتوسط او عریضه بجنابعالی عرض نمایند از برای خدمت بملت ابران عرقسم صلاح آنها را میدانید ایشان را ارائه خبر بفرهائید بدون خوص نرس مضایقه اجرامی کنند. قانون هم اگر بخواهید مستقیما برابشان بفرستنددر بشکطاش خیرالدین اسکله سنده جواهری زاده عبدال خریم افندی.

[&]quot; -- آية ٤٧ سودة ٢٣ (آل عمران)

عرض دیگر هرگاه از کتاب گلستان خط جمدید و رساله های د ز بخصوص آن رسالهٔ فارسی نسخهٔ خدمت جناب اجل باشد مرحمت فرمه ر خیلی اسباب امتنان است جناب مجد الملك از طهر ان كاغذی نوشته و بطور اند. رسانیده اند که خدمت جناب اجل عشقی رسانم و مخصوصا رسالهٔ که در در تعدیل و اصلاح انشاه و المریق مکاتبات ایر ان سابقا نالیف فرموده ابد با هر دو از رسائل دیگر دابر باصلاح ادبیات ایر ان باشد مرحمت فرمائید برای ایش ر بفرستم و اگر نسخهٔ متعدد ندارید پس از استکتاب و استنساخ نسخه جنابعالی را و د مینمایم . زیاد - براین چه جسارت عرض دهم . اخبار ایرال این روزه در یك سکوت عمیقی که مشابه حال اموات باشد دو چار است تا بعد چه پیش آند امره الاجل العالی معله علی المره الاجل العالی معله

آدرس حضرت شیخ اجل نسانطاش جمیل بیك توناغنده. احوالاتشان خیلی خوب است و سید ابوالمهدی که ضد و مخالفشان بود این روز هاخیلی پس نشسند و خود جناب شیخ هم خیلی عاقلتر و آزموده تر شده اند و مسردم بی معنی ، اراذل را از دور خود رانده اند. زیاده عرضی نیست.

-88-

۲۷ شهردی حجه

قربان حضور عالی شوم چند روزاست بعد ازوصول کتاب آدمیت منظ زیارت مرقرمهٔ شریفه که وعده فرموده بودید بعداز اطلاع برحال شماخواه نوشت بودم اثری بظهور نرسید لابد باز درمقام عریضه نگاری بر آمد

اخباراین شفحات تلطیف شاه است بمجتهد تبریز و اور ا روانه تبریز نمود: (۲۲) بهار خوش سلوکی نمودن شاه وصدر باعموم هردم و آوردن حاجی اسین۔ الضرب را دوبارہ برسرکار و تسبلم امور ضرابخانه بدوبا اختبار تامه

برهمخوردن خراسان وشورش مردم وبی احترامی بمؤید الدوله و زن او دسر شاه در استانهٔ رضویه و تشکیل کنگره مشورت در طهران برای ندبین نمودن حاکمی بجهت خراسان و افت دن قرعهٔ این فال بنام مشیر الدوله وقبول ما دردن او وپیری راعدروبهانه آوردن و از عمل و زارت دروانخانه استعفانمودن و بهذیرفتن شاه و صدر اعظم استعفای اور او مجهول بودن عواقب امور

همچنین اغتشاش فارس و کرمان باوجود نجدید حکومت وعدمامنیت آن حدود بدرجهٔ قصوی و پیشر فت امور ظل السلطان خلاصه امور ایران زیاده از ارحد مغشوش و درهم و برهم است هر کس میآید از آنجا باکاغذ می نوسد اظهار هر چومر ج بسیار می کنند گمان ندارم که ابن شبرا سحر کنند مردم هنوز از صعقات این احوال بهوش نیامده اندهر کسم از راهی مننظر چنزی است عمینکه بادی بز خمشان بخورد رستخبر عظیم بریا خواهد شد .

جناب شیخ الرئیس در بمبای منزل احفاد آقاخان محلاتی مهمان است کاغذی نوشته بود که منتهای آسابش و راحترا دارم. ولی یارب ابن آتش که رجان من است سر دنشود که سردی نشان بی در دی است و بی در دی علامت نامردی.

ونوشتهبودهرگونه پاکتی وکاغذی برای من بفرستند مستفیم و آزاد منخواهدرسید وجواب خواهم نوشت عیالش را به بغداد و کربلا فرسناده «خودش هم چهوقت آنجا برود عجالنا چندهاهی دربمبایخواهدبود

حصرت شیخ اجل بعداز آن همه هایهوی وضربو حرب که نشان داد باز 'شان را بملایمت و مدارا آرام کردند و وعدهٔ انجاح امور را بوقت دبگر گذاردند زیراکه این روزها خدیومصر و قرال صربستان را مهمان دارند .

6

کتاب آدمیت زیاده از حد تصور خوب و مفیدست در اسلامبول چند نست باسم این اشخاص مستقیما بفرستید و چند نسخه نزد حقیر تا بایشان بده برای جواهری زادها و آقا سیده مصطفی که دریکجا هستنده ستقیما ، همچی برای کربلائی احمد آقای حریر فروش که از تجار معتبرخان والده اسب آقاعلی اکبر قره داغی و میرزا ابراهیم در اوطاق حاجی محمد تقی آقای ناهبار بحاجی رضا قلی خراسانی در خان والده و آنچه نزد حقبر باید بفرستید بجهت حسین بیك صادق بیك آقا میرزا عبد العلی، عبد الحمید خان غفاری حاجی میرزا حسنخان ، بعد برای کسانی هم که باید بایران فرستاد ، اسامی آنها را عرض می کنم و می خواهم راها عتبات را هم بجویم که یك دو سه نفر شخص امین در آنجا بدست آید .

آن نسخهٔ خود را جز بحضرت سید بدیگری نشان نداده ام ایشان خبلی تمجید فرمودند ولی گفتند قوت وشعشعهٔ عبارات بیشتر از این لازم بود اس عبارات خیلی اعتدال آمیزست میبایست یعنی مناسب بحال اهالی ایران ابن است که مندر جات آن شور انگیز تر باشد در جهزو ثانی انشاء الله چنبن بفرمایند . قونسول بمبای فوت کرده است احتمال دارد میرز امحمد علیخان پسرش را بجای اوابقا کنند اگرابقا شود برای اوهم فرستادن لازم است .

العبد _ امضاء

-10-

١٥ شهر جمادي الاولى

فدایحضورت شوم . مدتی است که بعرض دریعهٔ مزاحم خاطر مبارك نگشته ام سبب عدم عرض عریضه دوچیز بود. نخست پریشانی خاطر ازجهن مریض حضرت عالی بخصوص که پارهٔ خوابهای پریشان نیزمیدیدم .

ثانی انتظار نتایج پارهٔ تخمها که کشته ایم تابلکه خبر خیلی خوسی داده سم بهر صورت تأخیر در تقدیم عرایش چون از حد گذشت زباده بر ابن تقصیر اجایز نشمردم .

ازآن زمان کهعریضه عرض کرده ام تاکنون آنی فراغت نبوده وسخت در خدمات حقیقی ابنا، وطن میکوشیدیم و طرحی نریخته نمانده و تشبثی المرده باقی نگذاشته ایم امیداست که همین روزها تغییرات کلی در قفا پدید آبدو در خت آدمیت ثمر روح پرور به بخشد باطن آدمیت کار خود را کرده اسباب از چهار جانب بلکه از شش جهت فراهم آمده او ضاعدا خله و خار جه بسیار مستعد و مساعد گشته ما هام تاجان داریم میزنیم تا چه بازی رخ نماید بیدقی خواهیم راند عرصهٔ ما را

عنقریب مفصل خبرهای نورانی عرض میکنم کهاز کسالت بیرونبیائید وبدانید آنچه مقصود مقدس ومنظور نیت پائ خاصان حق و اولیای معرفت بود آخرجاری میشود بریدالله لیظهرنوره ولو کرهالمشر کون خبر اجمالی اننست که درنهایت سرور وامید باشید که خدا باماست.

درسرحد آذربایجان کرد هائی که تازه عسکر کردهاند بینهایت بنای اغنشاش گذار دهاند بطور یکه دولت ایران برای مدافعهٔ ایشان ملتجی بدولت روس گشته .

میانهٔ سفیر اینجا و صدارات ایران هم سخت بهم خورده پول بسیار ازو نوقع دارند و تهدید عزل میکنند عجالتاً خیال استعفا دارد و ایشان خیال در هنه کردن او در میان ایرانیان اینجا جنبش خوبی بهم رسیده عجالنا چندی فانون رامسکوت منه بگذارید تاثمر سخنان سابق بمیدان آبد در خانه اگر کس است یك حرف بس است و در کار میدان آمدن است. تمام کنابچه های

توفیق بدست اشخاص امین وبا پوستهٔ انگلیس بصاحبانش رسید.ایران چ
قدغن کردهاند که حتی به پستهٔ بوشهر و بندرعباس هم مینویسند که هر به بدری قانون میدهد مستقیماً بمر کز پست طهران بفرستید. شش کتاب درزرا به وپرورش حیوانات که مرحمت فرموده بودید از پست گرفتم عنایت زیادو سب احسان کم مباد. مخنصر کناب تاریخ ایران هم تا زمان یز دجرد تمام درده میفرسنم خدمت حضر تعالی ملاحظه و تصحیح خواهید فرمود سابقا نازم ساکندر نوشته بودم ووعدهٔ ارسال آنرا دادم خدمت حضرت شیخ اجلماند و کارهای مختلف در پیش آمد باین واسطه تأخیر افتاد ولی این دفعه بصورت قطعی نسخهٔ آن تقدیم میشود باعتقاد فدوی برای برانداختن بنیان این در خبیث چنبن تاریخی لازماست وهم برای احیای قوهٔ ملیت در طبایع اهالی ایران دیگر تا رأی بلند حضر تعالی چه تصویب و تنسیب کند از سلامتی حالا ایران دیگر تا رأی بلند حضر تعالی چه تصویب و تنسیب کند از سلامتی حالا آنجامسرورم فرمائید.

امر ، العالى مطاع

-13-

قربانت شوم. دوسه ماه تقریباً مبشود عریضهٔ انفاذ داشتم بجواب آن سرافر نشدم مقصود جواب نیست فقط اطلاع بر سلامت حالات خیریت علاهب جنابه ستطاب عالی اعظم اشرف است احوال بندهٔ خود راجویاباشید بحمدان سلامت وبدعای دوام عمر خیر خواهان آدمیت مشغولی میسرود. اخبار نسا این صفحان هرج و مرج واغتشاش کار ایرانیان بیچاره فوق القوه و العاده مخبط شدن حضرت ولیعهد، رفتن جناب حاجی شیخ الرئیس بعتبات عالیاب انتقال حضرت شیخ اجل از مسافر خانه بخانهٔ مخصوص که بایشان عنایت شد

چیزی که تازه قابل عرض باشد نیست. آن شخص محترم که سابقا سرن کردم از کرمان به بعبئی آهده بودند چند روزست از راه مصر وارد سرمبول شده در خدمت ایشان هستیم اینك لفاذر بعهٔ تقدیم داشته اند استعداد هدای ابران بخصوص مردم کرمان راازبرای آدم شدن خیلی تعریف میدند ومنگوبند بکلی وضع دماغهای مردم تغییر نموده و مستعد از برای قانون و انسانمت و حقشناسی شده اند یکی از کتابهائیکه تمام کرده بودم خواستم مدیم دارم چون جواب عریضه نخستین را که استخراج کرده بودم مرقوم مفرموده بودم عجالتا نفرستادم تا که فیمابعد دستوری رسد رازهای گفتنی نفرهوده بودم عجالتا نفرستادم تا که فیمابعد دستوری رسد رازهای گفتنی کنیه شود. لاشه خوران فی الجمله بنای کجتابی دارند فقرهٔ ترای تابعیت را کشه شود. لاشه خوران فی الجمله بنای کجتابی دارند فقرهٔ ترای تابعیت را مایکدرجه اسبابش رافراهم آوردم و هرجوره علاقهٔ که بااین جانوران کثیف ماروه بوده قطع نموده تاببینم سرانجام چه خواهد بودن .

اوقات بهاررا براین مصمم هستم که سفری تااروپا شده زیارتی از حضرت الی وسایر اخوان صغا بنمایم وبعداز آن اگراقتضاکند سفری در میان ایلات مشایر ایران نموده باشم چون شنیده ام ومیدانم اشخاص هستعد در آنجاها سسار بهم هیرسد .

عریضهٔ کمپانی چند نسخه واصل شد در حقیقت این حضرات فضاحت و سوانی رابدرجه آیاک کلمه ناخوانا] رسانیده هیچ عار و درد نمیکنند جناب سطاب حاجی شیخ الرئیس و عدهٔ بسیار نمو دندو در واقع تصمیم عزم هم داشنند دمتی در عتبات عالیات مانده عیوب کارها رابعلما حالی نمایند و خاطر نشان زمینه که مناسب احوال علما باشد فقراتی چند در اوراق مع شود بایشان میفرستم و هم اگر باسم علما از همانجاهم فرستاده شود بد

نیست و هر گاه مکتوبی هم بجناب ریاست پناهی بنویسید خواهم رساندلدار بحدث بعددلك امرأ. "

این سفرعراق ملیچاگرولوری ازدم کوش اعلیحضرت اقدس همایونی خ نموده ابن معنی را بفال بعد گرفته قدغن فرموده بودند دیگر بحضور نیه پس از آن بتوسط امین اقدس رفع این قدغن شده .

۷ شهر جمادی الثانی سنه ۱۳۱

آن شخص فاضل که سه ماه قبلاینجا بود وراپرتی تقدیم نمود اورا ، یکماه است به عتبات عالیات واز آنجا بهدهات ایران اعزام نمودیم با الوا بسیار اطلاعا عرض شد . مأمورین لاشه خواربوئی برده درصدد هستندوا بهمت اوایا سگ کسی نخواهند بود ونحن الفالبون

- YY -

قربانت شوم هزار سال بود از بیخبری خود نکرانی داشتمو روز وش بتشویش میگذرانیدم در واقع رسیدن موقومه مبار که یکعالمروح و حب بخشود. جان فزایش کهرساند خبری خوشتر ازین . عجب کیفیتی واقع شیخباه روز متجاوزست یکیاز آشنایان حقیر هم بقسمی ناخوش بستری بو که آرام و راحت ازهمهٔ اهل خانه سلب کرد برای بنده هزار بار سختر از ناخوشدن خودم این معنی واقع شد زیرا که شب و روز در صدد اصلاح مزاج بود بم چه قدرها بطبیب واجزاچی مراجعت شد تااین روزها بحمدالله کسود موجه نموده چه عضوی بدرد آورد روزگار دگر عضو ها را نماند قر خیلی از سلامت ذات مستطابعالی ممنون شدم امیدوارم بکلی رفع نقاهن خیلی از سلامت ذات مستطابعالی ممنون شدم امیدوارم بکلی رفع نقاهن

م المبارك بشود . همچنين جناب مستطاب حضرت شيخ سبا ، زير اكه امروز حدده دوازده مليون مخلوق نيممرده رابه بقاى وجود امثال شمابزر كواران م. رسم درحقیقت عجب تأثیری ازنفخات روحانیه شما در ابران ببدا شد و منهر انشاءالة بيدا خواهدشد كفتاسرافيل وقتانداوليا مرده رازيشن حبات سن و نما مر ده های خفته اندر گورتن برجهد زاه از ایشان در ه کفن خلاصه مازهای پنیاس که مرده هفناد ساله بودند آنهاهمزنده شدند روزنامهای قانون در بن چهل پنجاه روز دونوبت هرنوبتی هشت نمره از ۱۷ و ۱۸ زیاده بحقیر برسیده ولی آنچه میدانم در میان ایرانیها نسخهای آن خیلی بر اکنده میباشد وهر کسی اگرهم برای ارمغان وسوغات همبوده چند نسخهبابران فرسناده. در عبان عالیات هم یقینا نسخهای آن واصل گشته ، باری حالا موقع آن است که جند نسخهٔ تاز مبیرون بیاید و اگر بیرون نمی آیداقلا بازاز همان نسخهای الذسته مبالغي كثير ارسال داريد بخصوص هرچه كاعذ نازك باشد بهتر اسب م بهرجا إرسال شود وقت و فرصت را بباید فوت کسرد چون صوفیان بحالت رفصند درسماع ما نيز هم بشعبده دستي برآوريم ايرانيهاي اسلامبول عجب معسى انفاق را پىبرده اندچنان اجتماع وانفاقى در خصوص مسأله رژى نمودند و جسن باسفير جديد تندز بان شدند كهسفير واتوهم كرفنه بمابين مراجعت نموده وارآنجايكفوج واندومه وظبطيه معاونت خواسته ازترس اينكه مبادا بسفارت محوم بیاورند و اورا اخراج و از عاج نمایند. چند روزست طابوری عسکر د نزدنك بابعالي بطور احتياط نشسته و دايما تبديل و يوليس در اطراف ء رت میکر _{دد.}

در هرصو، ت اینسفیرخود رانزدایرانی و عثمانی مفتضحوصورت یکپول د جای تأسف است ظاهر نجس بنای تبصیص و تملق لاشهخوری را گذارده میکه سانسورت عثمانی باو مساعده نداد بازورقهٔ جدا گانه مخفیا برعلیه بت و ضد انسانیت بطبع رسانید ولی حسن اتفاق در تبریز و بلاد ایران سطه اینکه اورا حامی رژی تنباکو دانسته اند علما خواندن اختر راحرام

کردهاند چون خدا خواهد که پردهٔ کس درد میل او بر طعنهٔ پاکان امروز یك نسخهٔ آنرا باپست فرستادم. میرزامصطفی بهبانی روزنامهٔ در میخواهد بیرون بیاورد و مقصودش خدمت بانسانیت است اما خود او آده قوهٔ از جهت تحریرات میباشد نسخهٔ اول روزنامهاش رافرستاده استعانت مینماید هرگاه چند آرتیکل و مقاله نوشته داشته باشید برای او بفر خوب است بنده هم هرقدر بتوانم باو کمك می کنم همین قدراسم کسی تصر در آنها نشود دیگر هر چه مرقوم دارید طبع می کند و در ایران هم د متعرض نخواهد بود و همچنین جناب مستطاب حضرت شیخ هر چه مقدر دا باشند البته باو اعانت میفر مایند از نسخه های نوزدهم قانون و نسخهٔ س کاغذ عربی خیلی لازم است که مرحمت فرمائید و همچنین نمرهای اول تا هغدهم چند دسته خیلی لزوم دارد.

تازه رفتهاند مردم چیزی حس و ادراك بكنند و انشاءاله خیلی چیز خواهند فهمید سابقاً عرض كردم آثار نجومی و قران حوتی درین آخر اغتشاشی بزرگ نشان میدهد و رفاهیت تام از برای رعیت خواهد بود.ا نمرهٔ جدیدی از قانون بیرون آورید خوب است.ازحاجیمیرزا محمد حشیرازی حجةالسلام و همت سایر علما تمجیدات بشود والحق شایستهٔ نمت شدهاند بشرط آنكه تا آیك كلمه ناخوانا] آخر كار را اصلاح كنند كه به این بهوای خاطر جهال اراذل بیت المال مسلمین صرف نشود و حكومت م مردم از روی بخار معدهٔ حكم نكند و علما را این طور ذلیل و خوار ندا باشند. آن آشنای حقیر را كه صاحب كاغذبود اگر جناب سیدنا شیخ می خوا بشناسند باید جواب رقعهٔ او را مغصل بنگارند اسمش را در آخر كاغذ نموده ظاهراً پسریكی از اوصیای باب باشد درست از عمق كار او بنده ان ندارم ظاهراً جوانی خوشصورت و معقول وظریف صاحب منطق شیرین و نداره ظاهراً جوانی خوشصورت و معقول وظریف صاحب منطق شیرین و اخلاق پاكیزه ، فهمی زاید الوصف و فراستی فوق العاده دارد زبان انگار اخیلی خوب میداند از ترس مسلمانان به تبدیل لباس در میان ارامنا

ب بابنده یکنوع خصوصیتیدارد زیرا که مرا مخل آساس خودنمی بابد رس واسطه امنیت دارد هرچه میخواهد میگوید منهم اغلب با او مجادله یکیم و میگویم سخنان شمااغلب موهومات است میخنددو میگویدموهومات در مراتب اشرف واقوی از محسوسات میباشند ، مؤثری در عالم جسمغراز و هم ند ... و او حس عالی است و سلطان فوی است، گاهی مباحثه ماطول می کسد مدوید من بازبان رد و بدار را خوش ندار مباقلم بهتر است تا بر صفحه روز گار ... دماند

ازجناب مستطابعالی نهایت تمجیدواحترام و ادارد بطوریکه اسم سرکاروا به کمال تعظیم میبرد. مبکوبد از مبادی عالیه نص سربح رسیده بر اینکه شخص اور جمت عیسوی است و نصرت بزرگ مینماید قائم آل محمد را حتی چندی اسل در خصوص آن الفبای سرکار می گفت ابن نشانهٔ یوم تفصل الکتب است که حمیع دنب باید بعالم نفصیل بیایند و صورت تفصیل فصل حروف است از مکدیگر

درباب سیدنا جناب مستطاب شیخ جمال الدین هم خبلی تمجید می نماید به مسکوید اهل علم و خبرست و ها منکر حق هیچ ذی حقی نبستیم فقط چرا در بعضی مواضع بخلاف علم و وجدان خود بناحق وافترا سخن می گوید و بیانصافی و نهمت بمردم زدن از مثل شخص ایشان شایسته نبست مگرچقدر بران دنیوی چشم ایشان را پوشیده از پیرد و فبول عامه خود را خرمکن ایکه نبود کارعامه یاخری یاخرخری هر گاه مایل بدیدن تحربرات اوباشید رس پر سخن دارد و قلمی چون سیف ذوالزن عجالنا اصرار دارد برابنکه برسخن دارد و قلمی چون سیف ذوالزن عجالنا اصرار دارد برابنکه از فرموده اند حال باید بجهة اغاثه طهوفین وارشاد مضلین رساله مقصل بطور شو و برهان رداین طابقه را بسویسند و براه لی الالباب عرضه دارند بحمداله سنمی موجود و مانع مفقود ایشان صاحب قلم و خداوند بان و هیچگونه منع و سنی نسبت بایشان از طرف کسی متصور نیست

حتی ها که خوداین طایفه هستیم کمال ممنونیت داریم که حقیقت و مارا بمیدان بگذارند و مردم را از گمراهی نجات بدهند درینصورت جند ایشان هیچ حقی ندارند که آنی توقف و تساهل جایز بشمارند کدام مقد ازین مقدس تر که در عرض پنجاه سال امری بر مردم مستضعف مشتبه شده علما از عهدهٔ جواب این طایفه بر نیسامده ، مثل جناب آقاسید کشف حقبنه بفرمایند و خلقی را از تردید بیرون بیاورند.

خلاصه سخنان این جوان خیلیاست قصةالعش لاانفصام لها. بنده قوه ضبه آنها را خوب ندارم زیاده براین چه جسارت کنم اخبار ایران را خود بواسطه روزنامهای اروپا بهتر مطلع می شوید. در اسلامبول اینجور اخبار به بعضی ملاحظات کمترشیوع پیدا میکند.

امره العالىمطاع

-18-

۴ شهر ذی حجه ۱۳۱۱

ازعليه اسلامبول

قربان حضورت شوم.دستخط مبارك حضرتمالی را ديروز از پسته كرف عذرتاً خير درعريضه نگاری را چند روزقبل عرض نموده ام كه بواسطهٔ ابنلا بانغلو آنزه بودكه هنوزهم بالمره رفع نشده.

چون مها امکن نمیخواهم جزخودم کسیاین گونه مکاتیب را به پر بدهد یااز پست بگیرد باین واسطه درعرض تأخیرافتاد.

وصول کتابهای خط جدید و گلستان را چنان کمان میکردم که نوشته اگرغفلت وفراموش شده علت آن نیز همان ناخوشی است که خیلی بسآساید خلل رسانید .

دیگرغیرازین ققره اسباب ناگواری بحمدالله ظهور نکرده و امور کماکان میل خویش است چند شب قبل ازین بتوسط یکی از آشنایان مشیر ضبطیهٔ میلامبول پیغام فرستاده بود که بفلانی بگوئید آسوده باشد و تجنی من القوم اضاحین ؟

اختررا بواسطهٔ جواب ردی که بر ورقهٔ صاحبان کمپانی لاتری نوشته بود ازطهران صدراعظم پانصدتومان انعامداد. معلوماست کسه بحضرات خیلی با ثبر نموده که برای اطفای نایرهٔ غلخود، باین چیزها متمسك می شوند و باج شغال میدهند.

آن ورقه را ازایران خواستهام باید همین روزها برسد.

حضرت شیخ الرئیس در بمبأی خانهٔ سلطانمحمد شاه نبیرهٔ مرحوم آقاخان محالای مهمان است از آنجاخیال فتن بعتبات داشته است. سفیر اینجامد تهاست از نظر اعلیحضرت همایون شاهنشاه خلافت پناه افتاده و محل اعتنانیست ولی نهاصد راعظم از ور عایت و حمایت می کند آنهم بهمان ملاحظاتی که سابقا عرض شد جناب مشیر الدوله در تهران خیلی بحالت مفلوك میگذر انند.

حضرت شیخ درخانهٔ خود باستقلال نشسته وچندنفرنو کر گرفته از صبح درشام به پذیرائی مردم مختلف از هندی و تازی و افغان و مصری و ابرانی و ترك و سودانی مشغولند.غیرازین هیچ کاری دیگرندارند.

با میرزا حسنخان کاغذهای بسیار بطهران واطراف نوشته ایم، فرستاده در کسی درعرض راه آنها را بازنکند وبمحل خود برسند دور نیست پارهٔ بج نیز بر آنها مترتب شود، چون مردم محل اطمینان نیستند قبل از وقوع منوانم عرض کنم. جمعیتی هم از ایرانیها این روزها تشکیل یسافته اند که اقدامات بکنند ولی تابه بینم نتیجه چهمیشود و چه طور به آخر میرسانند می ایران عموماً خونشان رقیق شده این است که سهل القبول و سهل التراك اند. می گیرند و زود هم فرومی نشینند

آیه ۱ ۱ سور ۱۵ (التعریم)

€

میرزا حسنخان پارهٔ هدایا ازایران برای ذات شاهانه و اجزاء در . آورده، بعضی باخودش آمده و بعضی ازعقب با برادرش خواهد آمد، خیالئه . است بعد از تقدیم تبعه بشود یعنی مسلمان یك وامتیازروزنامهٔ فارس بخون وسابقا بعنایات شاهانه مسبوق است که بمشار الیه خانهٔ بایکی از جوازی سرداده بودند جمعی دیگرهم که بکلی از اوضاع ایران مأیوس مانده اند خد دارند با او همراهی کنند تا چه شرد .

راستی این فقره را فراموش کردم عرض نمایم حضرت شیخ چند روز به بواسطه فقرهٔ که در روزنامهای انگلیس نوشته بودند ودولت کمان درده به بتحریك و تلقین ایشان نوشته اند و باین و اسطه محمد بك نامی را که غالد درمنزل ایشان مراوده دارد باستنطاق برده بودند بامخبر روزنامه تیمس به خلاف آن معلوم و کشف شده بود.

یمنی معلوم شد که حضرت شیخ حامی دولت بوده اند و آنچه تلقین نموده اخیر دولت بوده و بعد آنچه مخبر روزنسامه به مرجع خود نوشته از تحریات مذ خودشان بوده و این معنی بمیدان تحقیق رسید و حضر ات خجل و شرمنده شد حضرت سید نیز میدان و سیعی بدستش آمده سخت ایستاده میکوید سال است مرابای نجاجلب نموده اید اگر برای مهمانی است بس است اگر بر کاری است که کارمن معین نشده و اگر برای حبس است آنهم زنجیر و زند کارم است این کاره هیچ لزومی ندارد. تابعد چه ظهور کند زیاده عرضی نبس

امره العالى مطاع

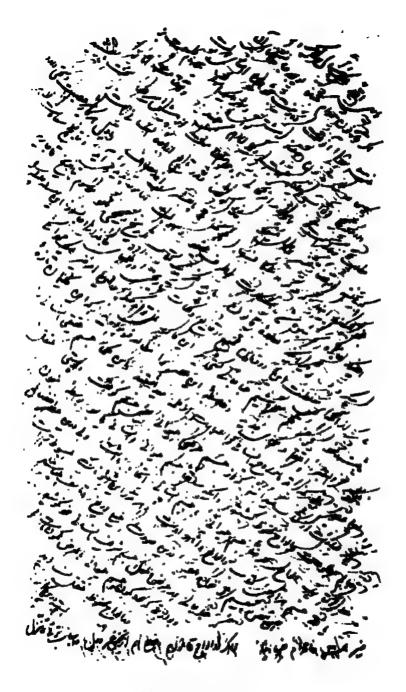
پایان

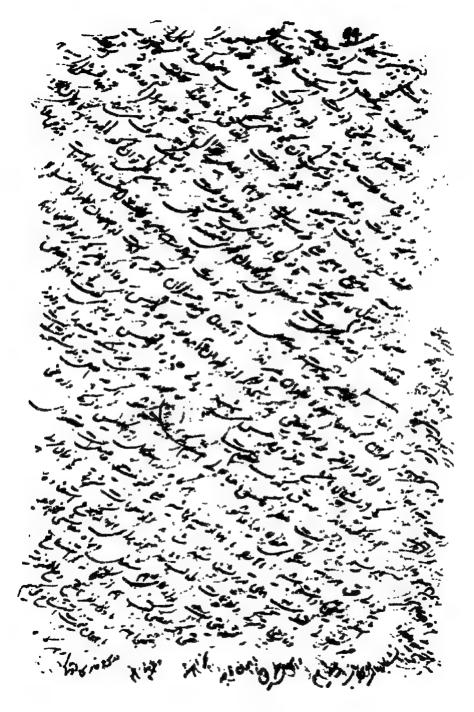
مريسين درابي يونيكر الديوسي للاناس زان وزن رمدن أرضي النافز اراني رياست كامن إست رجو ت ريخش مرم و وب والبيات بدر دن كا في بدم به ر: نعر إدرت كيزا ف المغرث كسفنا و المغيدناس وعد ملم باسبة للالب الداخل من اه بالبسب مجافا مُنْافَعَ الْجِي عَد مندر تبران ندمن امرسيه على الما كزنام بمناجدهم وبعيب برفران بمضطار وسيمت تيل اختردا احتد خردس مندرد نبر كزاغ آد ب سبخا كسطكا د مناست بعيل مودل ميشويشت بدد - دند مير بدو غيري ديم حبند نو ما لذمه خاشه از بين إي عبد فو مرة المت ؟ إيكمه فالميطح المجر مركان يا فعنة وي ويت تراشد وكليل منز وبدوية الاخاوي ن سد كراكي سداد عافي أن رئه بنب بات ديوني بُرف ما ر خدواد روفت بيني كرودت ١٠٠٠ وزيس كفت لا درُ خاسب مكت بعميد حند الميزيد المين إن الله خرفا ويشته مه ا بو د شد و بن نگاشی وق سعه و ماج مرکند درد داند شيذ و نواتد مي من ومبين سيغرود ل من ل سيكر بيك نياد ان منت درن ل منذ : ميز بقر كو بمز مع درد معاتسته كم أن تشرف ملاجان عب وساور و فرانة حل فروواز و وووالم كاروالم كرث و واللَّه راتع والم وصاح فبكام والله فالماس المرض والمنظام منزان وفعا شد دبانق دوبها راي دابنان نفر حق مدا مد به الا والكر والكرون الم مِدِنْ يه و مِعْم لا أَفْرَ خَارِتُ وَكُلُو فِي مِنْ يَعْ الْمُنْ عَلَيْ الْمُنْ اللَّهِ اللَّهِ اللَّهِ اللَّ

خدریاند ۶۰ مین و د فرد جنوان وسی نکد انون دندکا بینظ میلی میگری كي: مِلَا وَرَفَاتُ كُونَ فِكَ وَالِنَّ مَلْتُ أَعِلَى اللهُ أَعِلَى اللهِ مَعْلَما اللهِ مَعْلَما شِت برخدیدس د بهش خ ر دوایغ یه و دهشند . تا برادیمخ کهن تع رد ، فرزاغ العبك في جائد بين توسع ميرند وه ادانف ل فاسبند اتحول چربهمرف یب تأثّر شر بیبوع نخانسف بالله و فو سب مندرا ازمكا رواية بالته وكويد والمشار مي وينشد ولد الربع مزم معدد كافتها إب والخ بشير وتقامت بنير فزب الرجد و في من مدوده من دريت بنات والأثراء مناف والمريد دميد في . مِدُّ أَنْ سِهِ الْحَكَيْدِ اللهِ مِنْ إِنْ فِينَ وَمِنْ الْمِينَاتِ عطرية بدارته مَيَامُ اللَّهِ : فَالْ الْمِؤْمُنِيرُ النِّبَاءُ حَهِدَ مَنْهُمْ لَدُامِلُمُصُلِّمَ لَيْكُمْ Vije Bete sestante كر وم هرافات منه والجنيس كرراقي عين كرده النق برب فرمته الاسامل ومد مرفوا كرورة ر المحترين ورو ورف الرون كاريك علبة ومرعيد وم سرويج أن برقم ليقد رمام عيم يج مرفيا إِنَّ مُوسَدُ بِزِدْ مُنْ كُنِّ زَنْدَ بِثُمْ ﴿ مَالَهُ الْكِيوَاتُ مَيْنَ أَمُونِيكُ الْمُ ایه مدت استعبائی و داخین و کمب او سن بند برب دوند من کیخ بر آری که سرگان باسط بیشند مرتبیا به این کا وعبد ولا باب مناسب بروا بران الله وفي عزم أليس فالمي ليرفزت ة جرى بر مير انترب ايورندا شامت ركمنت أن ميان كروه رواندمز ساق رزاً. شيد أمَّم م داي مرم " . تَكُد بنت اللهُ من " م سياح مبغرف الإن ستعدث إلى مُبلِّ مِن المعالم يُهَا لِي المال كُرِيْ الرحِيم أَمْ وتَعِينَا إِلَيْ

م أن مع له و المراقع الدين بن بهد كران و المالية المالية المرابعة من المرابعة المراب بمب بندرميز كالمقالة في الامت كالمنواد بر مرب در و خداد سی در در در د این از قريك بله حجر راميانه يكرين موكف رتزار مرة نضع مجافيا بمنعة ان الرطاعة ارت و بسير الران المايان متب الحالات دور فلم الم أمة مردد مرداین کا در را در دار به ده این سے میسوی راد و در شرمرار بدمت سردر دس بنيم مدفر التراندن و المدن جروم مروم مراه مروم مروم المراد من المرود ا وزور مس كيم مرم وفاري وزر و المفات ودا ند فقر كن أن مو من منه بني ما من من الله المراق المراق المراقة المراق وبيه مدائم حول مرومي - ميش را تما موده

distribution of the state of th A CANAL CANA The state of the s Maria Maria State of the state Ten Mer The state of the s ما يون بين الما يون بين الما يون بين الما يون ا ع دندرند آخ آن می رفته رفته اخ آن آن می رفته رفته از ان می می در این می در این می داده این می داده این می داده این می در این والمراج المراجعة المر . ١ اس لذكا وزند في الما الما كاند من يه مرين نولسينه مآبات كارته من مبو م مرابكين ي رند : مد از بد تو الم مرا د مر دمه مرج بد ركي والميان المناس المناس المناس المان الم النيسى دا بلوح درخت جرميهم برّد آنير سون ي يولّ ما خ ر و ع ژاره عرب افترامه عجید بود به تم آبش سند شمارة – ۲۲



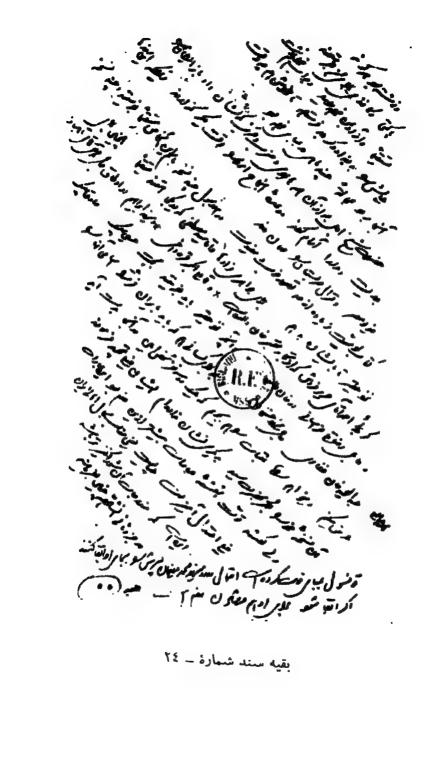


رة زباركر المينسنر. لا الماحك أن الم ندن به در بدند در المالية مرمن دمیده به مجت برکر ما می ای ای ای کارای أكر يهيم ل دادات أق ي صرم كا أمّ بسعاتم المينوا والميت ر ند انه ع رنشر این برمیزاک بدند کی جنوں مدونیا ہو جہہ ررا مند لایون شدن آه که برای میده منا کروسیک ن د یان زت ده و و دفت مندایان زاست رة أمَّال بنت لا ترمن كذ الدبرام خناماله مورداي وألا استكرم مدم وان ، لوادد مولائه مدهديد بواله اد کوه را به فدر دو الله مود علی است المراق مود الله المراق مود الله المراق مود الله المراق ا نَوْ سَبِيتُمْ فِي مَلَ بِشَعِ بُرُ الْهِ إِنَّ بِلِمَنْ عَبْرَتُ الْرَفْعَاتُ चाष्ट्र कार्य कराइ हम अध्य कराई रिका हिंदा है। ساويوم ، كال عصبرمة المضيئة عاية الوسدامنية ئن اُدُ كر مدد المهيك وزيونق من منزلها عاضم نم برمايي و توفي يعتم بن مستسانت بالرسايان في يتغيمان شانت ماينانج الم ويوه بزالة فال معرمين وكاه ينها ويكوف والمعالم سنوه د دو و د اجهاب مدوه خبر الراد دون

State of Case I all a series See Made Control of the Control of t Control of the state of the sta معدنيان متم سعانه ال ري ۱۵۰۵ خوفونو مين دفتايي رمنوتوايكند ۵۰۰ه کاراتيتيايك وفوت سيكفتل خيميويكوت متري برا د داكاركيتان خويي رسادا دايم منجهكوسه نين منزا نده ، ديولت، دمت دافر خواب رائدن ايم مین میر بره و در است. نابردادیک دخوان که فرزندد. میلینه مد چه نید از گرخدم نید ایرون میز کم میکنده می در که میربدورای که به خود نابردادیک دخوان که فرزندد. میسودادیان برگر مرکب فاقع به دی و میران میکرمز و میرد داردس در ایک ریاستان می میرود Carried and the Carried and th たっているかる までんくりる のかん ه مرجع بایده چذف کردیمیل تیزیم برید بریتی بینز میان معلی در برخ بین بهتای الموالی ا دن نیت کاروزکند کاروسی امن و کرکردن دست و جه مد «معند یک برادمن و زیر بود. دن نیت کاروزکند و مراق خدشای رمیتی برگانند و دوی کمان پرشتن دی به فرمت میکا رث ولامت بن Harke in al ali-ومرموند الميكر عاد ويعلى الموجه الإه ألم محت فالمي والإلا الأز ميز ين برين E . Circle of the state of the stat يزيو وسنده يزيز

ý

غير بنيسنت بهذ معران بلينيد مغزومي و ة؛ يبغيالهُم كر رب فرد. مير مدازاهيع به ليًا خين الريق الريق مذمسيه مه ، درست موند كا مرجد رب راي من ف عين ن م ج بيد تروي الله الله بروال . الما روش و كا منون ش . وصد بعم معم وأحد له ما بع مطار ..باب برکار بشیم ادونرایی ند برو ،اشارتان ره در ورود و شرقهم دي احترام بروالعلم و دوا و ورود رآت المريخ من من معلى المركز الشماس والدان عرقيق من الم مب وران ما نقه وقرد این فال با مشیراد ولر رتول محلا . بسری دا منده به امکدن دلای درست دیان نه بخت مودن دنیشتی ا . دسدنهم تهن دادرا . مول بون ما شبامر بني انت ني در مران وجد الإركاس مع إن أن الم ين المد مع درج ب رسيست الله الم الم معم مزدرزمت ليعاول برن معد محديدا مغريروا میکه ۱۰۰ د فرن می برد رستر طیع بر فرنده منهب شیخ ارسی مرب ر مزل اص ، (۵ نا ۵ مد میله میله) رئة بو لا شروش مدامعه مد درايه الكرمالك الراسمة كرمرون ن إحدى المراسمة المحرارة

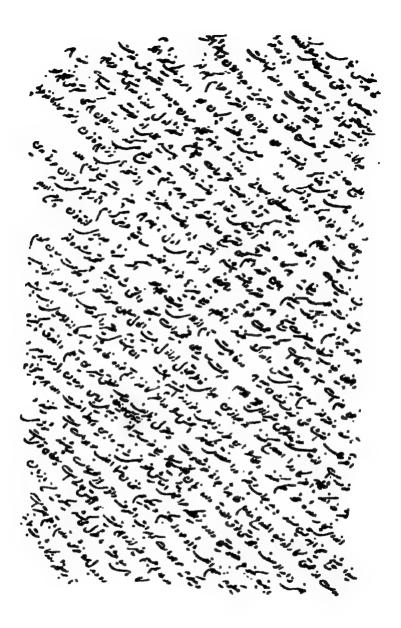


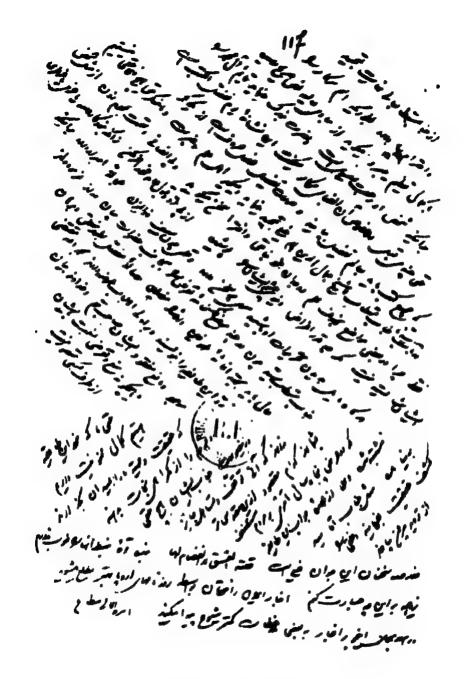
مُنت بهيئاء فالمرادمت دمن منزة ليمني كمهادة زابه ريش نه نزيده م د د اند ري بار من كانته ايم بكر خرفي خاسه برمث عمر سفتهم این مله بنم انتیک دوردا متیران دلن کیمشیدم دلوی زمیدن در رتسکنی کم ادامی اسیت کرمین میذا تبنیزت کی متن برواکر مفعل نیف ر مع در بعند المن المن المداكرة بر لا ماري كبرازهن معتدنوا براك ادفع ددفعه مذرب وتنعدفها لمثنة ١١ ١٦ من يم يزن عم بني الدي الم يتوما إلى ماند مده الساس مع مضم الم المالة من كم الكات برون باليد دراند أغرضوتين ومؤرث في فال في مددى رمرف به آمر باروش و در د نظرانه ماد راسرون مرابالانها كو مندت رددانيد بشيد كرمذا بهت

Control of the state of the sta The state of the s CULTURE THE WAR TO CO. Sind commende Till the way be. Con Charles Ch Constitution of the Consti

the bash of his منده حداد نا برمیزان رہنم بربان پیدا خدرواب من اصع معدق معفري معاملة إلمرا ميما ريب ره ل ب و فدا م و بشد م و ترسه مرسهم مرفوا الداب (۱۸۰ لوج مندلام و و الجارة و المالية من المرابية و المرابية و الم ٥٠٠٠ فياء١١ وب ان لصنع المرادم و دم المعور الوالم الله المعالم - كيميزك: ندة مرمن بسنات المخال بالرس ومن ادك ن ومي أنه مِدْ مَ سُدِ الله المار الله المار الماري المارية الله ق منی تعیم بهشدد معدار انالم ایان مبعی می ک و ادبار است فع ترمنيكينه ايكية كي منع الفرميم تيزه . متدادمار وله رق عند ما مند م كاد كا بديد كريم مروم و الم تقريد م منه ب مينا منقيو كالتزنيك م مقرنده م عولا فرسكم المر من ورد مد مد مد من داخرا ما مدود حدد كر الهدان وعوائم و الله على المام من كالمراء الله المدارة الله والمالة المرافع المر مثني كره وبه تعام ده " وبني مرا نوم و خاه ميان له خورون المعدين يراي ١٠٠٠ في مرعنيا ١٠٠٠ من ي من المحالية م المحالية المحالية المان متم منه المشاكر مد مت مدونيد ، شيرسك ارا ب ولانات ره فرن مه ند اکر مدی نید کون سام ل مهم خرا آمد ماداق بلیم بدن و بیزم ، مهار به و در بایا مینه نیت . برا میزیم از ا روست ۱۹ مربیم مرا برمه ینه هماه میست به دیگ مرا

خلع بدن فبمرخ كماذ بنم سننت تبيين مكذان - أي مدن مدّمه ركوي م شع وي مخنو. ون فيش كه وموالمنتون مِسِينَةِ الْعَرْ بْدِ، مِدْةِ مِن كُونَةُ النَّتِرَامُ مِنْ مِنْ مِرْمِنْ مِرْمِوْمُ مَامَةً مَا المرابعة والمراجع المراجعة والمراجعة المراجعة ال سدر المصافح اد ميم م قرر علي الرام يجمع الران المان فالحال ي ازيك أن من و ل فرك مم الله والما كم الله المرابع المواجع المواجعة مَيْ خِرْسُطِ مِصْمِينَ مِنْ الْكُرارِدُونِ و السَّامِينُ فَقَ عُ رَابِعُ ، قررو لناز الده وي يعتيد عبد فرالاقات سفونا ما والي و بنوز بلو بر نعد م مخت ارا مندوقت داما ي مده مادي و موسط من ردا رفند الذكت بعد دامليك ٥٠٠ كن مند ما وينا المالية الدور ودر والديم يني ودا كنيميام مدون اوا في فران في والدين مذران بنوس بروريق أنه كرمان المريع و مرود مرات الله بزاد المان تما د كنت بالله كثيرا عديد منهدمه الله الأراب مع بعر : برب ربعت و تت ، فرمت مان و فعال من مند والات مند وال الإنوام بين بليع الإنوار بدم بعراتان والإنواتان دآمنات درصني شرميز مغيان بسنيرجد تنابان شدنا كمسنيراة المكانت ب بي ما حب منه دوداني بمزج وازرد دميلي مدنت ويد وديما بك عيها صفيعت جمع مع مذ دورا اخراج وزام فأف مفيدست الم يوكر فلي ، وإلى طرراقي ونشست وه في تبيل رويس ماطانعفون كي ا ورمه الميميز نودانوادا . 10 منتغ رمه يم لكومار مند





مرا ميم المين المين المين المين المرا المين المرام م رفي صنيعت م ند ، فير معرفيه كا دروا حبّ مد تبرين فرده م حداملا ابدر نظار به ی ہذر ہم ؛ پڑہ مغ نسٹ ہ جن مو کمنے نیخ اہم میز خو کئی ایق کو نہ کی تبسیع پربت ہے ہہ یازلیٹ کمیرا به داسد درمن أميرانك رم ل كة به رخوجد بر مكت قط جي المنصيف كم زشته اكرخف ينواكش رم ل كة به رخوجد بر مكت قط جي المنصيف مند آن نیز ۱۱ ن ، نوش است کرفی بی میش نید کر خرردی ضره ۱۲ ب ، کوری محداثد منور کله دار کاکون و الفیس مُ بُ تَمِرُونِ مِن تَرِسِطُ كَاوَتُهُ وَصَيْرِ سَعِيْهُ بِيمِلَ بِينِ مِرْعِهِ وَكُونِ لَا عَبْدُوكُمِيْ انتراعد بداست جداب رة فري يو مدين معدن كي في مرزونت بولد فلاك أمه أبث مرت مرالة ماللين مدرام وصدقان اشام دار معرات کومنرات نیا ترمند کردراهار ارد مرح وي ميزومتكيون موج شد لسية آنه مدتر موازامان مزاتران ،وبي مدد ع جسد منرب شيخ ارشي رباي في يا معافرت . بنير مرم 6 ف ل ميد مان آ ادائن من سے دہتے يراني مقامت اذفغ المغيرات بيكي شانك و نعيفة وا تعدم الناست ري مدر الم ان مه يد رويد مكند أم مان ولا ير الراب المراف معميراد ، د سلمان في بولت منوك ميكذران رمصيخ سن دو من و مند و مند و مند و و و المراد المرا بهائ مروبعث لدينهر وان داخاله ومر مايالا مدك وردال من من المنافق الله الله الله الله

San Paris and Single State of the State of t The state of the s South of the state The state of the s The contract of the contract o To the state of th Control of the Contro The second secon The contract of the contract o

علانها واعلامیههای دورهٔ قاجار

از

محداثير ضواني

(دکتر درتاریخ ـ دانشیار دانشگاه تهران)

از مسائلی که در تاریخ اجتماعی یك کشور می تواند مورد تحقیق و بررسی مخصوص قرار گیرد. موضوع انتشار آگهی ها و نحوهٔ ارائه آنهاست که خود نكاتی از مسائل اجتماعی یك جامعه راروشن مبسازد و بهمبن سبب مینوان آنها را جزو اسناد تاریخی محسوب داشت .

همانگونه که از اسناد تاریخی اگر بطرزی اصولی و علمی جمع آوری و بررسی شوند، مسائل و نکاتی بسیار مانند طرز مکاتبات و تر تیب ثبت و ضبط نامه ها و احکام و دستورات اصطلاحات اداری . دیوانی ، سیاسی ، اجتماعی و متحول آنها در دوره های مختلف ، و ضع طبقات اجتماع و اصناف و اماکن عمومی . نکات جغر افیائی تطور و تکامل خط و فن نویسندگی و انشاء و بالاخره اقسام مهره و فغراها و دستخط ها و کیفیت تهیه آنها معلوم و مشخس طغراها و دستخط ها و کیفیت تهیه آنها معلوم و مشخس میگردد ، از مطالعهٔ آگهی های هر دوره م بوضع اجتماعی و بمسائلی که مورد توجه خاص عامه بوده است و سیاست اداری و حکومتی دولت ، بوسعت و کیفیت نلاشه ی مرده اداری و حکومتی دولت ، بوسعت و کیفیت نلاشه ی مرده

وطبقات پیختلف جامعه که برای بدست آور دن هدفه بر خودبكار بردهاند، بوضع صنعت چاپوفن كراورو كليه ، سازي، بالاخر مبه زوق وسليقه مردم در نحوة ارائه آكري و در خی نکات دیگر میتوان آشنا و واقف شد . از این ب مجاله بررسيهاى تاريخي بااطلاع ازوجود مجموعة نفبس از «إعلانها وإعلاميه هاي، دورة قاجار و يخصوص زمن مشروطیت که دوست و همکار گرامی ماآقای د کتر محمد إسماعيل رضواني دانشيار دانشگاه تهران باصرف وقت و تلاش وهزینه بسیار برای خود فراهم نمودهاند ، درصدد مرآمد مهنشر ابر استار اقدام کند و در نتیجه از ایشان خواهش شد بخشی از مجموعهٔ خود را برای درج در مجلهٔ بررسیهای تاریخی اختصاص دهند و اینك ب حق شناسی از معظم له ، بدرج قسمتی از آن مجموعهٔ گرانبهامیپردازیم ودریایان آن نیزچند فقرمازاعلانهای دیگرتاریخی که درمجموعهٔ آقای دکتر رضوانی موجود نيست و آنهار اجناب آقای حسنعلی غفاری معاون الدوله به محبت تماماز مجموعة اسناد خانوادكي خود در اختبار مجاله بررسی های تاریخی قرار دادهاند ، برای تکمیال مبحث آقای د کتر رضوانی اضافه مینمائیم. و از این بابت اداره مجله از آقایان دکتر رضوانی و جناب آقی معاون الدوله غفاري صميمانه سياسكز ارست . و امل د اینجا یاد آوریسه نکته نیزلازم بنظرمی آید: يكي آنكه چون اصل اين آگهي ها كه عكس آن

یکی آنکه چون اصل این آگهی ها که عکس آن در این شمار داز مجله بچاپ میرسد ، جزیکی دوتا ، کلا حروف سر بی معمولی چاپ شده است دیگر در نقل و رونوید کردن و چاپ مجدد متن آنها لزومی دیده نشد .



اعلانها واعلامیههای دورهٔ قاجار

از

. محد الماسيل رمنواكس

(د کتر در تاریخ _ دانشیاردانشگاه تهران)

از روزی که چاپخانه در ایر ان تأسیسشد، دو لتوحکام، نیتها و فرمانهای خودو مطالبی را که نشر آن لازم می نمود به وسیلهٔ ماعلان یا در اصطلاح امروز «آگهی» به اطلاع مردم می رسانیدند.

از این ببعد سنت دمنادی کردن، و د جارزدن ، ازمیان رفتو دمنادی گر، و دجارچی، جایخودرابه حروفهینان مطبعه و پخش کنند گان اعلان هاداد . در آغاز کار و بخصوص در سالهای اول پسادشاهی ناصر الدینشاه (۱۲۲۶-۱۳۱۳ ه ق) به اعلان، داشتهار نامه میکفتند و من نمیدانم چراعنوان اشتهار نامه رابر گزیده بودند و چرا نامه رابر گزیده بودند و چرا

بعدها این عنوان تبدیل به اعلان گردید ولی بهرحال من درطی سالها جستجو مجموعهٔ نسبتاً جالبی از اعلانهای دولتی وملی در عهد قاجاریه و در انقلا مشروطیت فراهم کرده ام که برای بررسی تاریخ دورهٔ قاجاریه، خوداز بسیاری جهات مفید فایده میتواند بود و در ابن جا نظرم این است که از میسان مجموعهٔ مزبور قسمتی از اعلامهائی را که برای تاریخ معاصر ایران مفید میباشد. در مجلهٔ گرانبهای بررسیهای تاریخی که براستی در جاودان ساخنن اسناد تاریخ ایران از بذل هیچ کونه جهدی در بغ نمی ورزد پایدار سازم

آنهائی که در کار جمع آوری ابنگونه اوراق واسناد هستند مبدانند که اولا تاچهاندازه ابن اوراق، کمیاب و تعدادی از آنها نبز نایاب شده و تاچه حد در معرض تندباد حادثه فرار دارد و در نتیجه انتشار آنها چقدر ضروری و مفید است.

در سلسله مقالاتیکه درتاریخ روزنامه نگاری ازنگارنده درهمین مجله انتشاریافته متن دواشتهارنامه کلیشه شده و بنابراین دراین نوشنه راجع به اشتهارنامه نجدید مطلع نمی کنم و دنبالهٔ کاررامی گیرم ا

اما آنچه که ازمطالعه اعلانهای موجود استنباط میشود این است که در پادشاهی ناصرالدینشاه ودرسالهای اول سلطنت مظفر الدینشاه اعلانهای دولتی باچاپ سنگی و باخطزیبا چه نستعلیق و چه نسخ و چه شکسته چاپ می شده واز اواسط پادشاهی مظفر الدینشاه و بخصوص درسالهای انقلاب که مردم و مدارس وانجمن ها وشر کتهای تجارتی به انتشار آگهی پرداختند تقریباً نمام اعلانها باچاپ سربی انتشار می یافته است و در انتشار این مجموعه که بنظر خوانند کان گرامی میرسد سعی شده چنان نظمی برقرار گردد که خواننده در عین حال که برمندر جات آن واقف می شود. سیر تحول انتشار اعلان هار انیز در یابد.

قدیمترین اعلانی که بالفعل در دستاست مربوط به اول ماه ذی قعدهٔ سال ۱۳۶۸ منحه ۲۲۷

۱۳۱۳ هجری قمری یعنی چند روزی پیش از کشته شدن نامرالدبن شاه (۱۳۱۸ هجری قمری یعنی چند روزی پیش از کشته شدن نامرالدبن شاه (۱۲۸ ی قعده)است و آنمتن فرمانیست که ناصرالدبن شاه به نامرانداز نانو کوشت سال سلطنت خوددر مورد معافیت مالبانهائی که در آن روز گار از نانو کوشت می گرفتند صادر نموده بود.

این اعلان ، اگرچه باید در مبحث فرمانهای دورهٔ فجار مورد بررسی قرار گیرد ولی چون بصورت اعلان چاپ و مننشر شده است آنرا و همچنین فرمان دیگری را از مظفرالدینشاه که آننیز درهمین زمیمه و بهمین شکل انتشار یافته است در ابن مبحث می آوریم .

این فرمان و یااعلان . قطع نظر موضوع آن که خودگوشهای از وضع اجتماعی ابران دراوائل قرنچهاردهم قمری را روشن می کند، از نظر سبات نگارش ، هنر خطاطی و تحوهٔ چاپ و همچنین فن گراوور و کلیشه سازی در آن روزها اهمیت بسمار دارد (شماره۱)

چندروز پس از انتشار این اعلان چیانکه گفته شد ناصر الدین شاه در حرم حضرت عبد العظیم به قتل رسید و پس از آن مظفر الدین شاه برجای پدر نشست. شاه جدید نیز دستور پدر را محترم شمر و و باهمان سبك و باهمان روش اعلانی انتشار داد که از نظر صورت ظاهر فقط سجم مهر آن تغییر کرده است به این معنی که سجم مهر آگهی نخستین این است:

«الملكلله تعالى: تاكه دست ناصر الدين خاتم شاهى كرفت صيت دادو معدات ازماه تاماهي كرفت، وسجع مهر مظفر الدين شاه چنين است:

«الملكلله :گرفت خاتمشاهی مظفرالدین شاه دمیدكو دب فنح و طفر بعونالله، (شماره۲)

بدیهی است که از نظر هنر خطاطی این دو آگهی باهم قابل قیاس نیست و خط آگهی ناصر الدین شاه به مرانب زباتر و عالی تر از خط آن دبگر آگهی است و امااز اعلان دیگری که موجود است (شماره ۳) چیین بنظر می رسد قبل از آنکه مظفر الدین شاه از تبریز به تهران بیاید میرزا علی اصغر خان اتبات

صدراعظم جریان معافی مالیات نان و گوشت را تلکرافی به شاه جدید اطلاع داده و تقاضا کرده بود که مظفر الدین شاه نیز پیشاز حر کتخود بسوی تهران برای تحبیب مردم . بالغو این مالیات موافقت نماید و اعلان شماره ۳ و همین اعلان است که تاریخ انتشار آن پیشاز اعلان شماره ۲ میباشد و بدینتر تیب چون مظفر الدین شاه به پایتخت رسیده است مانند پدر فرمانی رسمی مبنی برمعافیت مالیان نان و گوشت سادر نمود . (اعلان شمارهٔ ۲) .

اعلان شمارهٔ عمر بوط به جلو گیری از احتکار غله و گندم که بکی از بالاهای گرانی و نایابی نان در آن روز گار بوده میباشد و این اعلان بتاریخ ۱۳۱۷ قمری منتشر شده است و پیداست بدنبال واقعه کمیابی و گرانی نان در سال ۱۳۱۲ بوده است که شرح مبسوط آنرا در مقاله «چند سند در بارهٔ گرانی سال ۱۳۱۳ قمری در تهران بقلم سر هنگ دکتر جهانگیر قائم مقامی باید خواند و چون چهار اعلان مز بور در فوق مربوط به مسأله نان و گوشت است بدر ج یك اعلان دیگر که از طرف داداره بلدیه تهران و یعنی شهر داری یاین خت در سال ۱۳۲۳ هجری قمری که سال آغاز انقلاب مشروطیت است منتشر شده است نیز مبادرات می ورزد (شماره ه)

در میان اعلانهای این زمان اعلانی است مربوط به مسافرینی که در راه تهران به گیلان رفت و آمد می کردهاند وبایستی حقالعبور یاحق راهداری می پر داختند. مضمون این اعلان بخوبی نشان میدهد که مردم درعبور از این راهباچه مشکلاتی روبرو بودهاند (شماره ۲)

نکتهبارزی که ازاین اعلانها برمی آید مقدمتا این است که انتشار آگهی در سالهای پیش از مشروطیت از اختیاران دولت بوده است. و اما اعلان در عهد انقلاب :

درانقلاب مشروطیت انتشار اعلان و آگهی انحصار بدولت نداشت و هر ۲- ر.ك به مجلهٔ ینما شمارهٔ ۲ سال هندهم ، اردی بهشت ۱۳۶۳ وهمچنین به كتاب دیكسه و پنجاه سند تاریخی از جلایریان تاپهلوی ، نالیف سرهنگ دكتر جهانگیر قالهمقامی از س۳۵۵ اس ۳۲۷ رجوع نماید. کسمیتوانستنیاتقلبی وعقاید خاصخود را وسیلهٔ اعلامیه اعلانورسلهدر چاپخانه هاچاپ و منتشرسازد. چنانکه مدارس، انجمن ها، روزنامه ها جمعسها و هر کس حالی و روزگاری و ذوقی و استعدادی داشت به چاپ اعلامیه اعلان و نوشته های یك یا چند صفحه ای بدون عنوان و نام مبادرت می جست اس نوشته های گوناگون اگر چه حکایت از یك هرج و مرج و نابسامایی و بی نظمی می کند اما در عین حال هیجان و اضطراب و کوشش و جبیش مردم را و در راه و صول به آزادی نشان می دهد.

اعلامیه دا و اعلانهالی که درابن زمان انتشار یافته است و دراین مجموعه بنظر خواند گان میرسد به چهار دسته نقسیم می شود

الف _ اعلامیه ها واعلانهائیکه مربوط بسال ۱۳۲۶ هجری فه-ری سالی که انقلاب به اوج خود رسیده بود می باشد و در رأس آن اعلانی است که نطق مظفر الدین شاه در گشایش مجلس اول و در آن چاپ شده و اهمبت آن بر کسی پوشیده نیست (شماره ۷)

پس از آن پنج اعلامیه واعلان درمسائل مختلف مربوط بهانقلاب آورده میشود که خواننده پس از مطالعه آنها بموضوع ومطلبآن پی خواهد برد (شماردهای ۸-۹-۱۰-۱۱-۱۲)

ب دسته دوم اعلامیهها و اعلانهائی است که در سال ۱۳۲۵ هجری قمری انتشار یافته که از میان آنها هفت نمونه انتخاب کسرده و در معسرس مطالعه خوانندگان کرامی قرار می دهدو همگی حاکی از مخالف اولب، دولت با مشروطیت است و تلاش علما و مردم بسرای مقابله با این مخالفت ها می ب شد (شماره های ۱۳–۱۵–۱۵–۱۹).

ج ـ دسته سوم اعلانهائي كه پس از انحلال مجلس و به توپ بسن آن صادر شده است.

محمد علیشاه در این اعلانهاعلل انحلال مجلس را نوجبه درده و سپس بوسیله صدوراعلانهای پیاپیدرصددجلب دلهای مردم وانقلامبون بر آمده اسب که در آن میان اعلامیه ای است دابر بر حرمت مشروطیت و جالب تسر از آر اعلانی است که به معموم زوار ومسافسرین عنبات عالیات را اجازه داده است که به آستان عرض نشان ائمه انام تشرف حاصل کنند (شماره های ۲۰-۲۲-۲۲-۲۳ میلاد).

د دستهٔ چهارم اعلانهائی است مربوط بهزمانی که محمد علی شاه در برابر مجاهدبن مشروطیت خود را شکست خورده میدید ولذا پی در پی اعلانهائی مبنی بر وعده بر افنتاح مجدد مجلس و استقرار رژیم دمکراسی انتشار میداد که متأسفانه ببش ازسه اعلان ازاین دسته در دست ندارم کهدو تای آنرا محمد علیشاه و یکی را سعدالدوله صادر کرده است (شمارههای ۲۲-۲۷- ۲۸)

در پایان ازیك توضیح واضح ناچار هستم و آن اینکه اعلانهای دولتی و ملی ، در ابن روزگار منحصر به اینهائی ده در اینجا آورده شده نیست بلکه صدها اعلامیه و اعلان دبگر وجود دارد که من وبسیاری ازخوانند گان از آنها بی خبر مانده ایم و بعلاوه در مجموعه خود نگار نده ، اعلانهای دیگری نبز هست که انتشار آنها را در اینجا لازم نمی داند و همچنبن تعداد بسباری نبر قطعا بدست نابود کننده روزگار ازمیان رفنه است که از آنها اطلاعی نداریمو مهمن مناسبت از خواند کر ازار جمند تمنی داردا گر از این اعلانها و آگهی عادر دست دارند برای روشن شدن تاریخ ایران آنرا در همین مجله جاودان سازند با جهت نگار ده به آدرس عمین مجله ارسال فر مایند تابنام آنان ننظیم شود و بچاپ برسد

ادلك اعلانهاواعلامبهها كهبصورت إصلى ازنظر خوانند كانمحترم ميكذرد

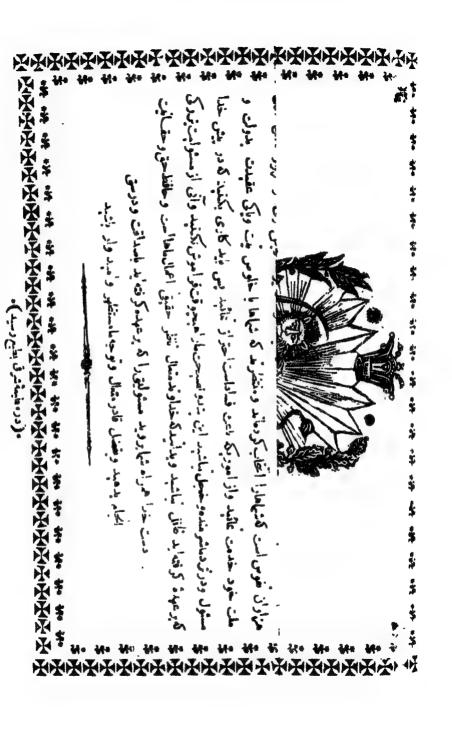
からからいではないいいませんいいいというからいいからいいからいいないかい ادرابعاتها لتارضان ومقرصة عاليم مانطور كرشاه شهديدوراه وفرمان مبارك منادرو مين يقطعر الدائه فيم دلول فيان وراب معابعما ليار ف اينان ف النار و النار عدان المعال いできているい لاذم ابلاخ غائين

اعلان شمارهٔ ۳ – درباب معافی مالیات نان و محوشت

مراجات والمعدد المعدد المعدد المدادة يداران والانتال المراساة المرا

أعلان بعصوم المالح لاار التحلافة ط اظهار میدارد ان غوّ ه شهر ب امر ساركگوشترا سال در چهار فصر الحون كم وكسس ابتياع بکهزار و چهار صد دینار احدی از قصاب ازاین حجاوز نماید فورا اعتماد السلطنه

ريد اطاعة كرمن الدروردا وراكبا بهادا بها مكد الانباش بن عن دادنك مبدان ها دنا واكتبابها دا اعلان شمارهٔ ٦ - دربارهٔ پرداخت حق عبود در داه کیلان ا زياستين دامنا دي خود بردا رنگ



اعلان شمارهٔ ۷ – متن نطق مظفرالدینشاه بهناسبت افتتاح مجلس شورای هلی



﴿ دستخط مبارك حضرت اقدس بجنرال قوندول الكليس ﴾

سیو راتسلاو چهار ففرمرا که اهانی استدعا کرده نودند بر طبق مفررات عایه همایونی مهر و امضا کمبوده دادم دستخط تلکرافی را هم فرستادم که باهانی ذاده همکمی مطلع وعکر کادار باشند بطوریکه آنها تمهد کردهاند مطمئا بروزد و بازار را بازکرده مشنول کسب وکار خودهان باعند

(والمهد دولت عليه ابران)

اعلان شمارة ٨ - سواد دستخط مظفرالدين شاه ومحمدعلي ميرزا وليعهد

﴿ درمليه درق بطيع رسيد ﴾ ﴿ يُباشرنا قل الدادات أبو الحدر الحديثي ﴾ عفوريه العجابد عجل الرحوم الحاج ميرز اخابل آدس سره بنار يخ كالا بهردى العجائه رام بعرض عالی میرساند و جآ از حضرت باری جلوعلا ازکه و جه د شرنف دا که طاع مملا زیاسه مر این مجال موداز و دایل اید لری ش کان له قاب و ای اسم و هو سهر والرعمدقة الذيجملام تمن ينصر لدينه والسلام علبكم ورحمة الله وبركانه الراجى لى (سواد تلبقه حفر ت مستطاب آقاى حبة الاسلام العسليان به آنة النفري) معرف السلام الله على المسلمان المان ا الرف الارسين قلى ماجي ميرز احسين متم القالم لمين بطول بقائه است ك ال بنوان حفرت حبة الالملاموالسلمين آ قاى الالقاميد جال الدين افية دا من ركاهم وم فرمود مود 土學不學士

اعلان شمارة - نامه حجةالاسلام ميرزاحسين به حجةالاسلامسيدجمالالدينافجه



اتلان شمارة ١٠ _ وستخط مظفر الدين شاه

(تلكرافات عاماء عف وشيراز و دستخط آقاى أقا سيد عبدالله دام بركا مم

- این بند بلیدان)یا - این ۲۰۲

بتوسط مجلس محرم عماد الاملام آة سيد جغر هيرارى و آةهيخ محمدمساعدت بامجلس لهدس

مسعمه لانم تهميل از قصر محمد كاطم العرابيا . وما ومن را تشويش خساطر سيدانند و بي ملاحظته يوطايف حود مشمول حوامند بود (ومفت اله و ايا سعم لا تباع الهدى)

اقل معمود اين عبد الجيار إوطائب الحسيني ، لاحفر جدل الدين الأحفر هشم طباطبائي معمد على العسيني ، لاحقر أحمد طباطباتي الاحقر معمد جعفر العبدالعابد معمد باقر محقق العلماء أبرآ هيم الدوسوى افل حاجي على آفا معمد على العسينى

المجمن عقدين المسلام

فيتن صدينار

اعلان شماره ۱۱ ـ تلگرافهای علماء نجف و شیراز

وآقاى آخو د ملا محد الخلم خراساني و آقاي ملاعبدالله مازندراني متم الله المسلمين بطول ما أمهم عدرة ومعدان طافة حقة معنوة كه رحسة وقع منيع حضرت حبة الله أمام عصر على الله فرحه اطاعتدان و ما ميدوا خليل طهراني

المان علمان وعين كراب طلب مود المن حمال المراج وظاهر والعراق المان المعادد والماد والم

انهاد مراواز رجارة الري مفطعاللك مرواز نفاق وندله اجار طفرندونها بمساعلات المراووري الماليان والماليان المراوي الماليان والماليان الماليان الماليان والماليان والمالي

استيها الكراني منتصاى كلين تزع عوم لمناس صريان واثيرنا ابن بدكانها ابلاح عودا حال والع からいしゅうじょ シャ

اعلان شمارهٔ ۱۲ - فتاوی صبح

✔ مورن مؤال از حضرت مستطاب حبة الاسلام أقلى سال ملاعد بجنهد وثنى مدروف ﴿ - و بنای و سار علماً کیلان دامت برگامها که-

Y-0----

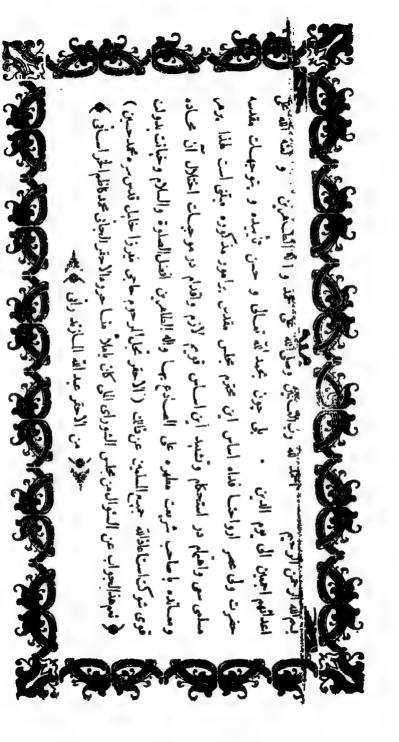
والمراعد التما الماء مداء عداما الملاد كلان ماميد حرفه معادد جهور صورت بذير كرده

و ریشه مفسدین و معرضین و مستبدین و خاشین ملت و دولت از بهیخ و پن کنده آید والسلام علی من أسم الهدى في ٢١ سفر ١٣٧٥.

على مهر عجبة الاسلام حاج خام، على مهر أقلى القشينة على عربه فورني على مهر أقلى حاجسيدا سعميل

(to the of the p) عِيد على ور أقاى الأشيخ طام عِيد على ور أقاى أقا ديخ عد أقاى عِيد (ع بادرت كالمجالمدرافت)

اعلان شمارة ١٢ _ صورت سئوال از حجج اسلام



اعلان شمارهٔ ۱۶ ـ وستغط معهدعلی شاه در جواب تبریك مجلس شورای ملی

أبسمالة الرحس الرحيم ﴿ مال ألهجب وحيرت دارم ازاين اضطواب و حمالن جکونه میشود کهتانونی در این مجلس عنمألاف شریعت مقدسه صادرسرد و حال امنکه مدسه مادرسرد و حال امنکه می کام استکا استکا استکا استکا استکا استکا استکا استان معلما استان استان معلما استان معلما استان معلما استان معلما استان معلما استان معلما استان است أن و اكت هاين مطاب در مجلس دنا كر ه اندو د الله على من وكلا السان واحداظهار مين از قو اعد شرعبه عيسو دالحا صل هيج اقد أيست لةقوانين موصوعه مجلس محترم بالد مخالف كه نمبرع مقدس مباشد وهمجنين در يتكك تميز مخالفت منظؤمااعلام وعجمدن عظامأست وبويد هميشه عده رحق كم الما أين رسما قائم بادأ اينمهم باشند ، عام علما اعلام - سبجلس محترم درائن دومه اله متنقند وفعلي كه دومسئله باشد درقآنون اساسى درج خواهدشد عموم مسلمانان خواهدرسيد وبحمدالله تمالى ريز بلد وساير بلاد متفق اكلمه و متحد ا لهمته يريز اساس مشروطيت اسلاميه بذا، مساعي جميله 🕝 نمېدوار يم بىثايت حضرت ولى عصير از و اچ شابع حدثه المحلس مقدس در قويت مبانى يو بيهدا حكام حضرت خيرالا نامه دو مرزوق كردد لَى من النَّمِع الهداى ورحمه بهُوبِر فأَهُ ت ۱۳۲۵ عجری حادم الشريعه الطأهره عبدأنة الموسوىاليههاني محل ا مضأ

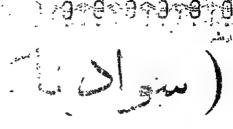


المجينة في الله المجينة المجين - معالاً رسيانيا) §ده-

انتا الله جواب هم ۵ صادر شود طیم ومنشدر خواهد شد ﴾
 ((درمطمه:رنی طیم رسید)))

اعلان شمارهٔ ١٦ ـ نامهٔ نمایندگان انجمن های طهران به مجلس شورای ملی





Comments of the contraction of t

آقای ساجی میرنا حسین در بری

حال رعیت لداریم درصور کی وکاره ۱۰۰۰ ک

مرانب من بوره ودفع ورفع شناع و من المراس الم

أَيُّ عَلَمَالًا حَتْمَ وَوَاجِبُ أَسَنَ عَالِقَتْ مَا مَا أَسَدُ. إِنَّا عَلَمَالًا حِتْمَ وَوَاجِبُ أَسَنَ عَالِقَتْ مَا مَا أَسَدُ

مطهمره و دهع و تبعبله غالف لازه

خواهذ قرمود

از علما اعلام دیج سلام مامرین او یقدر می این این او یقدر می این این می این می این می این می این می این می این م

با كال وقروم تسرام مدمت و كلا عزمين جلس مقدّم ب شوراي في زمت عن ميسه - الآنجان الفرا

المال دار مكلت لم ووقع فلكار بينا والسندائية في أوار الكتبال ي النام پرکس اين نوا (طوري سندي کمندې شوره او نوي کاره و جهاري سنوا مذها خد کرا برکور (هندک مي پرکس اين نوا (طوري سندي کمندې شوره او نوي کاره و جهاري سنوا مذها خد کرا برکور (هندک مي جغگر ترد**یف میود دمینی دانان دانان درم مینیان آمکیک کداد بحریت آ**زا دیم میصطندات نیم^{ینی آ} معروبیت واي يريخ "مقيض عام إخوار ذم ها لت مكيدوتئ غورشره تيه او تحت بشورك از دا الصابرة ابني الأن الم "معتصل عام إخوار ذم ها لت مكيدوتئ غورشره تيه او تحت بشورك الروا الصابرة الني الأون الم داناً مُهَّادَاتُ مُهُمُ موجدُ عِشْدِ بِعِنَى مُوْتِهِ ، دِارْ بِمَرْ يَمِنْ مِهِبْنَانُ مِنْ وَمُسْتَانُ أَمْ وَلَك ** وَالْمَاتُ مُهُمُ مُوجِدُ عِشْدِ بِعِنَى مُوْتِهِ ، دِارْ بِمَرْ يَمِنْ مُهِبْنَانُ مِنْ وَمُسْتَانُ أَنْ اَ وَلَا سَيْ شُرِهِ لِينَ عِهِمِيتَ مُدُودُ وَالْمُؤْمِنِ كَابِتِ وَالْمِينَّةِ وَمِرْمِينِ وَمِالْسَافِ الْمِ اِنْ اللهُ العامل مان ديمشدام ومزار مناد رشيدا فالي من منس المرافي المرافية والمحالي والمرامي المدين البادر في المنافر المال ما المراجع

اعلان شمارهٔ ١٩ ـ سئوال حججاسلام از مجلس سون و

دار غیرورشد، که ترک نو مروز بادنسده مدعیس شور فرو و دانش کردهورس زاین مدن و مجری مدن اسی دورت ومات رسامتنظر عدد به داس با که و این قانون اساس سن المادة موسع رسر مع المادة وي منكر ها سمه و باستمال بارغاك ومواه مريه قدام توهد الم مناوح والدور ما إلى المناه المرات عن ومناهم المحمد ولا بالله عام والله عالم المحمد والمرات والمراد المناه على الماط

اعلان شماره ۳۱ ــ دستخف معمدعلیشاه در مورد نعطیل انجمشها و مجلس شورای ملی

حَجَيْرٌ (سُودُ دَمَانَشُفُ هِمَاوُ نِي رُو اللَّهُ مِنْ رُاللَّهِ اللَّهِ مِنْ رُاللَّهِ اللَّهِ

چون مقصوه و مدوو ر مدادات کوه در اول مداور اید امارت می در اید امارت می در امارت ام



اعلان شمارهٔ ۲۳ ـ سواد دستغط معهدعلی شاه

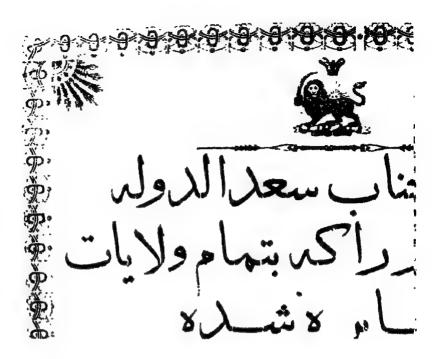
میآمن توجیسات حضرت صاحب الامر عبلیاقه فرجه بلایای جورونهای بهزایای شور و

ائتماق مرقع و بساط انقىلاب واغتىلاف بأساس عدل و وفاه مبىدل گرود على ھىلما مهابق نظامشامه اتضابات كه عندرب منتشر خواهد شد بأبيد درغرة رجب الرجب ١٣٢٧

نایشد کانی ملت منتنب شده هرچه زودتر درخهرانی حاضرشوند که انشاء ند تعالی در (عمدعلىشاه ناجار) الله اسالية ترقى و سمادت علكت ساعى و جاهد باشنه

حسب الأمراعا، يعضرت قدرقدرت شهرياوي أرء حنافداه حق طابع مجفوض ﴾ ﴿ وَأَسِى مطبعة شاهاشا مَي عبد نتمة اجر ﴾

اعلان شمارهٔ ۳۱ ـ دستغط محمدعلی شاه برای تحبیب مردم



ضهائم



وراساه براستداز رسای من و ملی هام ماساب رصای طرب و ااست وهطان بجسدة است واحدى فق واحتيا ومتالذارى يمو عدامنده والامل سيات ونسيرها ي دولت ايان توايده كاستكردا مرائ كم عي وعرف أنه

اعلان شنهارهٔ ۱ ـ غرمان آزادی جان و اموال مردم

من رسی می دوی می میس سریم می میاند میرود می میده وی میرود می م من المحارية المحارية المراق المراق المراق المحارية المح بن جن اردن ري مرتب دي خود مرده صحره كا مريده ومن ديوي مرد يعم مردراده و المعرف وي ميرور ميرور و ميرور المراج ال اعلان شمارهٔ ۲ ــ فرمان مندروطیت بشکل و قطع و انداژه اصلی



ق بر بروم جم

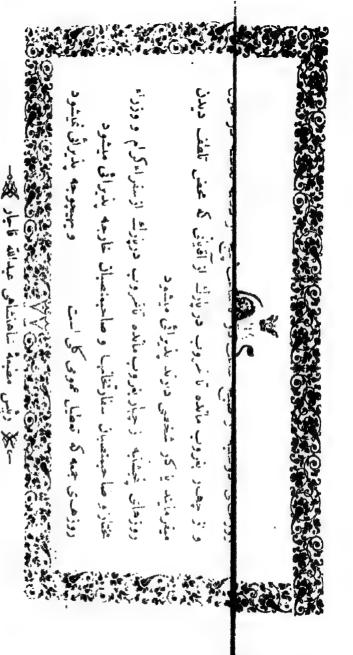
المان المحالية المعالم المان المعالم ا

الم ولاي ولايد ورث المراكب المراكب

رومات عبد ولار اربمت موا امع مرا

محول المدارية المراجع

بعضهنها فكارووت علب مت وكاره والأركم باكال اش تبره مغرض مين ومعكت تعدم والبيز وكالبغ ف درا باكال صدف ورزي منت مذكرهما باخوم نت وما كالصيدت وان وقدينه وخدمتها أيوا الموركمه وعث فعا دان مترازا فيد مهما مركار بكوركم بالأن منت مذكورهما باخوم نت وما كالصيدت وان وقدينه وخدمتها أيوا الموركمه وعث فعا دان مترازا فاليد مهما ماكار بكراسيا و کا وجوداین فی طبیدنایی به کامت زیران ودوست ایم زنگین مرتها را نکین وخود ن میدنیم و دخرمشنوی و مرت وخروالم انک میم ایم ا - کا وجوداین فی طبیدنایی به کامت زیران ودوست ایم زنگین مرتها را نکین وخود ن میدنیم و دخرمشنوی و مرت وخروالم انک میم ایم ا غافرته داين كميمتعلوف ايم كدام وركيت فبرعال بركدام زعا وصطايخون ن ورس ولي الروز ثاقط ل زادن نعول تشكه ثعا والاب مرمنده جلئا ثيدارين نصيمت وبهيمة متراوي أفارسسونيت بزك المراضده كرهدا بينان باشيد وما نيدكه فاوندن لأعجبنا كال دعا وفاق مند بند بست خذيرا ومل موديسسوي كورجد وكرندر وصدقت ووزي ما بمدين وتريدي وترجه بالمريم وارتباع بيج مجابا والعام



اعلان شمارهٔ ۵ ـ مربوط به نغستین دولت مشروطه

فصل دوازدهم — مدت امتیاز این بانك یکصد و ده سال است ، یس از انقضا عمدت بانك ملی : حق دارد با شرایط مصل یازدهم -- درمواردیکه برای دولت علیه تنخواهی بطور استدراضلازم باعد اینبانك یاندازهٔ یك خسس آنها مسامحه نماید النجمن عمومی شرکاء باید درموقع اجلاس سالیاه سهماورا ازشرکت تبدیل بنقد نمود. و وجه اسهام واكر بورائت ياتبديل تابعين باعد بايد در مدن يكسال بهتبئة داخله فروخته عود واكر ساحب اينكونه اسهام در فروش مصل دهم — فروش وانتقال امنیازات منسوجه درین فرمان به تبعه ویاهرکت خارجه از هرفیبلکه باشد فویاً سنوع وكان لهيكن غواهدبود ومكسذا وروش والتقال سهاماين بالمث بهتبية خارجه نيرممنوع وازدرجة اعتبار ساقط است يهنشين مذكور هروقت لمتنضى بدأنند ميتوانند أنجمن أداره وأنجمن عمومى هركاء رأ أخبار وأحضار قمايند ودرمشاورت آئها خود حاضر عده وداخل مذاكرات بشوئد ونيز هرزمان ميتوانند رسيدكى بدفائر وسعاسبات ومماملات بانك فمايند سرمایة خودرا بموجب قرارداد جداكاله بدولت قرش خواهد داد اورا امانا دربالمك كادارك ناصاحبش بيايد وككيرد

مطابعة «فاروس» طهران

مقنضيه وقن تجريد امتياز بنمايد

معیمه شمارهٔ ۳ ــ در مورد امتیازنامهٔ بانك ملی ایران اعلان شمارهٔ ۳ ــ در مورد امتیازنامهٔ بانك ملی ایران

اعلان سماره ۷_ دستغط معمدعلی سنه دانریز باید فرمان عسررخیت واعلان تشکیل نخستین دولت

المراجع المراجع سونيار أعجل تشاند سین کنند باین منی که نکالیف عوم از شاه و کنا میلوم و محدود شود و آنیه نتیجه آزا محسوم شد مايوس بلشيدكه يتور ازوملن ير نهار ملت دوستاه اشاءن تيدس شوواي ملي شيدالله ازكاله بكايلي و حبالم را نمیم از آنچه همیض شد رای و بهال یارد صریحاً عرب مهدنیم بغور حتم از بوکری و حاکری با غلامان هوم وآساس مترومایت حرفی تمکانه ورا بی تهنیه نیآند وه کی بخیال خود انگلیتی توآندوساند و اگراعلبعشمرت اعلیمضرت مایویی هم دستخط و امناکند باین منی که دیگر در راء ترقی ممکنو مساعدت دربیشوف ملاح تعاويه و قبله ناتم را به متنفی رای و مازج خیدو چین ر خوندم صندی د امرامی بیموکان اعلیه هفرت قدد م قدر سند به بیابند با حذور ساحت ران تکالیف کلی و جزئی را که دیگر راه مذر و حرف برای میجلس رسیده این است که مقرو شود علم وزوای «سئول در یک بجاس» ساختر شوند و از وکلای مجلس عمترم شورای میل قدرقليل أفغال دواقدام بأسلاح كاربثود أزشاه وكدا حبيج كس ما حسيميج جيز قيست أمجه درساده كالابتقل فدويان دولت چشت خاه زاد حولت جلوید آیمیم آیا در اینکه زاده آین وطن وشریلت آین آب و خاکیم شکی و حرفی نیست واقه اگر بلخ حونال بالها ورير نظام مسلود است و سلطنت جندین مزار سیاله در تلف جاکران محبح است مسکه نمک برورده دودمان سلطنت و پشت ه THE STATE OF THE PARTY OF THE P F -٠ . ن ەلەپى ئانا ئ عمراننت Barbara Cara Cara Cara قدرت القدس هزوز ظل الهي لفرائد وأروا والمأتواسن Contract Contract And I have الناء المواد

اعلان شماره ۷ـ دسنخط معهدعلی شاه دائریر ایبد فرمان سمررطیت واعلان تشکیل نخستین دولت

تمویض نمود که بسد از تشکیل بارلمیان بنیا عیادهٔ ۲۸ فانون احساسی در باب ايران منصوب والياب سلطنات واعبالة بجفرت مستطاب شرف عفد الملك علمهروذرداخله نيابت سلفنت موفق مقنضيات وقت قرار قطعي داده شوه مطبهة شامنشاعي عبدالله قاجار

اعلان شمارهٔ ۱۰ سدر مورد خلع محمدعلی شاه و بادشاهی سلطان احمد هیردٔ ا



همداممه آخرین محمان سمارهٔ حاضر مجله زیرچاپ بود . چند علداز اننشارات مؤسسهٔ فرهنگی منطقه تی بدفتر مجله رسید

مؤسسه فرهمگی منطقه ئی بآنکه مؤسسه ئی جدان است و با بهار سال ۱۳۶۹ پنجمین سال عمر خودرا آغاز دموده درطرف مدت بسیار کو تاهی توانسنه است بااننشار کنابها ئی جالب و نفیس و مجله ای فصلی جی گرانقدری برای خود در بسن مؤسسات فرسمگی رمطبوعانی بدست آورد

این مؤسسه و ابسته بازمان همکاری عمران منطعه نست (R (D) که در بهار ۱۳٤٥ در تهران تشکیل آن . بررسی و نحیق در سوابق سنتهای مشنرك فرهنگی . اجتماعی وادبی میان سه کشور عفو (ایران و یا کستان و ترکیه) میباشد .

بر نامهٔ فعالیتهای مؤسسه در درجهٔ اول معطوف بنا لیف و عرص ۱۰۰۰ هائیست که برای رسیدن دانندف یادشده داری کند

 ازهنر مینیاتور وچند کاب دبگر بوسیله مؤسسهٔ مزبور در دست نهمه است آنچه تا کنون بوسیلهٔ این مؤسسه چاپ ومننشر شده است ۱۸ کناب میباشد که بزبانهای فارسی ، ترکی ، اردو ، بنگالی وانسکلبسی تهبه ویاترجمه شده است واز آنجمله دوجاد کناب احیای فکردننی دراسلام وسبر فلسفه درایران اثر علامه اقبال لاهوری ازانتگلیسی بفارسی ترجمه شده ، همچنبن سرح حل آتاتورك و محمد عاکف شاعر ترایزبان از ترکی بفارسی ترجمه وانتشار دفنه است ازانتشارات سودمند مؤسسهٔ فرعنگی مطفه تی یکی هم فهرست جامع نست داراتشارات سودمند مؤسسهٔ فرعنگی مطفه تی یکی هم فهرست جامع نست که جلی فارسی موجود در همه کنابخانه های مشهور جهان است که جلد اول آن در ۵۷۰ دفعه هنتشر شده و مجلد های درم و سوم آن زیر چاپ

برگزیده نی ازغزاها و ترانه های امیر خسرو نیز نشریهٔ شماره ۱۸ مؤسسه فرهنگی منطقه نی است که بکوشش آقای دکتر سلیم نیساری رئیس مؤسسه بادفت و سلیقه ای خاص انتخاب و بخط زیبای نستعلیق آراسنه شده!ست. این جزوه که هدف آن ارائهٔ نمونه های جالب غزلهای امیر خسرو است در ۲۰ صفحه بقطع جیبی تهبه و بتار کی منتشر شده است تاهه هٔ علاقمندان به ادبیان و شعر فارسی د نه تنها در ابران بلکه در خارج از کشور د نیز بتوانند از آن استفاده کنند جالبترین قسمت این مجموعه قسمت ترانه هاست که با دقتی خاص از میان غزلها انتخاب و بهم تلفیق گرد بده است.

- 7 -

تاريخچهٔ وزارن امور خارجه :

شامل اسامی وزراء امور خارجه وسفرای شاهنشاهی از ابتدای تاسیس وزارت امورخارجه وسفار تخانهها تاکنون

. رعاه ۱۳۶۹ : از انتشارات کار گرینی وزارت امور خارجه قشع رحلی پلی کپی در ۳۵ صفحه

الله بار المرم مجموعة لله وبالفعل وصورت بالي لابي حدد جلدي المالي سالمان الملام و قوار النات ور آلمندة تزويكي بنز أحيب أبر بلد باز افسلامت ولل مريم و السلسي و الوؤسمند اليادة كار در ورارك المور خارجه ال ی آن ور مین مشاوار سرخه ورزه فراید کران خیان میرود در آ آني ۽ انڪم ليا ميونيج آندروور ۾ سان کيد. اوار قدار انبوءَ ۾ محددي انبوءَ فرجا این معارفیان ایمان حوی افعال بدا ایا با مطالب و مسال د مهما الدوي هم والكبي أو مراتر أي أمر أن مرادر الأدار والما وراهمان أمرات الراب ويحيى والرسهي التوالومن والمتعده بالمدالية في أنداكه المالي أو سقراص الدان للموات البران فوالمديد المنام حفان المائز هددي الراهادي فيعد والمارية والمحافظ أأق سناخله فضي معاجات أجال والرواد والمارية چہارش ہور مسائل قار نائیمی ملکہ کامور وہ امانی آئی آئی ہے۔ بوجہ یہ ان آئیک 1997ء مود البادية فاماته ويركز او سي معام م معكاله الماك و المالية الماك الماك الماك الماك الماك الماك ا ۾ اپار اکستان فقيمي وڪڙي فراه جي ڪري جا ان ۽ ان ايا کو ان جا يدان أواجر توعأ حاض أأبي فقيصه أنكات وزايريخانه هاردا به نأسي از ورارت ادداء الماليان المدادي . . . خوري دايد أدر مرسوعا هائي مايا ه محدد يا ما الاد است دهمزاری کسور، فهرمانی از دا دام در ادار مفت باین اواری کمدور در سالهای به ی فراه در در سالهای قفد مدارل با سر تهده واجهاسه لااي صفر الد بخدداران . فرمانداران واستانداران ۱۹ 👉 🖰 که هاوز مدارا روپرونده های آنها از مان ار ۱۰۰۰

بهر صورت مجموعه جدید ورارت امور خارجه . بهمه جهت از نفاس انتشارات رسمی و اداری این روزهاست که بهمت و ایتکار ادارهٔ دار کرسی و زارب امور خارجه ورئیس دانشمند و فاضل آن آقای د کنر حسین داودی مسشر شده و بدست ما رسیده است و مانتشار این مجموعهٔ گرانقدر را به ورارب امور خارجه و مبتکر دانشمند آن تبریك مباكوئیم .

بررسی بای تاریخی

مجله بررسی مای ماریخی

مديرمنول وتسروبير

سرنبات وكترجها نحيرقائم تقامي

ويروانعى شوان كيم مبيه وسرام

مجلهٔ تازیخ و تحقیقات ابران سناسی ـ نشریهٔ سناد بزرک ارتساران (کمیتهٔ تاریخ)

جای اداده : تهران ـ میدان ازگ ساختهان ادارهٔ روابط عمومی ستاد بررک ارتشماران نسانی بستی : « نهران ۲۰۰ »

تلفن ٣٣٤٣٣

برای نظامیان و دانشجویان ۳۰ ریال برای غیر نظامیان ۲۰ ریال

بهاى هرشمارة مجله

برای نظامیان ودانشجویان ۱۸۰ ریال برای غیرنظامیان ۲۹۰ ریال

بهای اشتراک سالانه ۳ شماره در ایران

بهای انستراك درخارج از كشود : ٦ دلاد

برای اشتراك و چه اشتراك را به حساب ۷۱۵ بایت مرازی با دکر حمله بایت اشتراك مجلهٔ بردسی های تاریخی، برداخت و رسیه را با نشایی کامل خود به دستر مجله ارسال مرمانید .

افنياس بدون ذكر منبع ممنوع است

عِانِي فَارْشُ شَابِنْتُ إِنْ الرَّانِ

Barrasihâ-ye Târikhi

REVUE DES ÉTUDES HISTORIQUES

PAR

LIAT MAJOR DE COMMANDEMENT SUPRÈME

(SERVICE HISTORIQUE)

DIRECTEUR EL REDACTEUR:

COLONEL DR. DJAHANGUIR GHAMMAGHAMI

ADRESSE:

IRAN

TEHERAN - ARMEE 200

ABONNEMENT: 6 DOLLARS POUR 6 NO S.

سرنشرئ شاوبررڭ بيث الان كيمة اينج

Barrasihâ-ye Târikhi

Historical Studies of Iran
Published by
Supreme Commanders' Staff
Tehran - Iran



ما عا ذارش شانت ای

•		